

کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
خطی
۱۴۳۸۳


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۴۰۷۵۴۸
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۶۳۸۳



جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۲۰۷۵۴۸
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۶۳۸۳
عین الحیات
۱۶۳۸۳
۲۰۷۵۴۸
بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین
الحمد لله العلی العظیم وصلی الله علی عباده الذین اصطفی محمد وآل محمد الرئوف الرحیم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اقترب للناس حسابهم وهم فی غفلة معرضون
ما یاتیهم من ذکر من ربهم محدث الا استمعوه وهم یلعبون اما بعد

وسیم و جمع کردن مردم را از اطراف عالم بمحشر و حالتهای پر اختلال کنه کاران روسیاه در آن دشت پر شور و شر

در ذکر اعمالی که توفیق انها در این ایام فرصت موجب ایمنی از ان فزع اکبر و نجات از عقبات سهولت ساحت محشر میکرد و جمیع هیچ سبب بازگشت خواهند رفت در تفصیل سوال وقات حساب و سوالات ده گانه با اضطراب

در خلاصه احوال پر ملال در پر بدن نامهای اعمال و سوال در هر یکی از موافق پانزده گانه اصحاب یمین و شمال و خواندن کتیب نیکو یا در عرض هزار سال

در بیان سعی میزان و موافق دوازده گانه آن در ماجرای جسر جهنم پر سوز و تاب و تفصیل عقبات صعاب و مصائب موافق هفت گانه آن محل مهول پر دهشت و وحشت و اضطراب و اشعار ببعض اعمال صالحه در نفذیم آنها در این اوقات فارغه مهلت اعانت بر خلاصی از اهوال گفته عقبات پر از سر عقوبات مینماید در انچه جاری شود بزبان قلم شکسته رقم از شمه از طیبات اهل نعیم و نفحه از عقوبات اهل جحیم اعاذنا الله الرحیم منها و من کل هول بفضله العظیم والحمد لله الموفق الجواد و منه الاعانة و السداد فی البدء و المعاد

بر جشم بصیرت نظر کن قلا خواب غفلت و حسرت آگاه شو و بگوش هوش بشنو ای غافل از سبب هستی و ایجاد خود و بیخبر از عاقبت حال و عقبات مال خود تفکری در کار خود کن و بدانکه پروردگار حکیم ترا از کتم عدم بمعرکه وجود خیر توام متوجه ساخت و با نواع نعمتهای سابقه و منتهای بالغه تو را بنواخت و اعلام حکمتهای واضحه و مطلبهای عظیمه را بجهه درخور بزرگواری صاحب مطلب تواند بود با فرینش تو برافراخت پس

السبب ادراک

اسباب هدایت و آلات تحصیل معرفت از عقل و حواس و اعضای بالتمام بتو داد و سو قور که واب کسب سعادات ابدی و فوز بجنت خود قران و حکمت و رسول بسوی تو فرستاد و فرمود و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون یعنی نیافریدیم جن و انس را مگر از برای معرفت و اطاعت خود و جای دیگر فرمود لیبلوکم ایکم احسن عملا تا ازمائیم شما را که کدام یک بهتر است در عمل و فرمود ایحسب الانسان ان یترک سدی آیا می پندارد انسان که او را واگذارند مهمل و بی حساب عمل او نخواهد رسید پس بایات بسیار از پیغمبر مختار پیغام داد و خبر گو تورا ما برای دنیا و لهو و لعب ترا نیافریدیم بلکه برای امر عظیم و مصلحت جسیم بجهت ناکه یعنی امتحان ترا بدنیا فرستادیم تا تحصیل معرفت و عمل بطاعت من خود را قابل بارگاه عزت و لایق درگاه رحمت و بهشت نی ساخته از عقبات جهالت و ضلالت بو علا کاسعادت و کرامت من برسیانی پس از اندکی از زمان اینمعنی و لازمه ایمانست ناخبر درتدارک بغیر سفاهت و شقاوت چه جهت میتوان داشت آیا گمان داری و تا کار سازی خود را هر وقت را باشد نکنی نخواهی است چه حال انکه زیر زمان پر بهت از حسرت و ندامت امثال تو را باراده و تدارک بطول امل در عبادت و عمل تاخیر کردن را از حسرت و ندامت بر فایدها آرزوی رجوع بدنیا میکنند چنانکه در آیات و احادیث وارد شده یا توهم میکنی که توشه این سفر محنت اثر برای بعضی بدون سعی خود مهیا میتواند شد و حال این انکه حق تعالی میفرماید لیس للانسان ما سعی نیست برای آدمی در آخرت مگر انچه در دنیا کوشش و سعی نموده باشد و ما تجزون الا ما کنتم

تعملون جزا داده نخواهید شد در قیامت مگر انچه در دنیا بعمل می آورید از این مضمون کلام الله مشهور نیست کیست از عذرا لائشت کوثر و کدام خبر صحیح معارض قران بتو رسیده که خاطر جمع کرده گویا باین مغرور شده که محض اسم بهشت شیعه و محب اهل بیت رسالت بودن را علی الرسم بجو گذاشته نجات خواهی یافت از جهنمی که مهیا نشده مگر از برای امثال تو از گنه کاران و لازم شده ابد مرگ و عقوبات قبر و عقبات قیامت را فکر از روز نوکران هول جهان سوز شفیع قیامت و مصحح مسند رسالت را یاد کرده دان حضرت و اهل بیت او و شیعیان واقعی ایشان روز و شب از هول عاقبت کار و خشیت عقوبت پروردگار میلرزیدند و متفکر و بیهوش و بیتاب مضطر و مدهوش میشدند چنانچه حدیث ابی الدرداء غیر از براین شاهد است و ضرار گوید بخدا قسم در جناب امیر المومنین علیه السلام میدیدم در تاریک شبها در محراب ایستاده شده پروردگار خود تضرع و زاری مینمود مانند کسی که مار او را گزیده باشد و میگریست مانند کسی که مصیبت عظیمی باو رسیده باشد و گویا در گوش منست که مکرر میفرمود آه آه از کمی توشه و طول سفر و وحشت تنهائی راه و عظمت و شدت احوال و ناچار را سوا نزلها باید شد و احوال ائمه و سایر اولیاء و انبیاء در السنه و کتب اخبار مشهور است و مسطور است و خلاصه انها در مفتاح الجنان مذکور است پس تو خود را از تروت و بیک خدا کردی ترسیدی از خدا بترس و از خود ترحم کن و جزم بدان که اگر راست از شیعه ایشان می بودی عمل بفرموده ایشان و اجتناب تمام از کردار دشمنان ایشان مینمودی چون امروز

امروز را سو و دستی ایشان ترا از اصرار بافعال شنیعه و شرکت دشمنان ایشان در اعمال فضیعه باز نداشت پس در حفظ در جنان فزع اکبر و هول کبری و ار محشر و رفاقت و شراکت عاصیان ایشان در جزا ولا لازم هم علیت چگونه خاطر جمع میتوانی شد از این جهت حضرت امام محمد باقر علیه السلام میفرماید ای جابر آیا اکتفا میکند کسی که ادعای تشیع را بر خود می بندد دو دعوای محبت با اهل بیت میکند و الله شیعه ما نیست مگر کسی که اطاعت خدا کند و پرهیزکار باشد ای جابر بیشتر شیعیان ما را نمیشناختند مگر بتواضع و بسیار یاد خدا و نماز و روزه و ادا رسی همسایگان و فقرا و قرض داران و یتیمان و راستی گفتار و تلاوت قران و زبان بستن از غیر نیکی مردم ای جابر باین خیالها از راه در مرو همین بس است که بگوید علی را دوست میدارم اگر گوید رسول خدا را دوست میدارم که بهتر است از حضرت امیر المومنین است و باعمال آنحضرت عمل ننماید و پیروی سنت او نکند آن محبت هیچ بکار او نمی آید پس از خدا بترسید و کار کنید تا ثواب الهی را دریابید بدرستی که میان خدا و احدی از خلق خویشی و قوم نیست گرامی ترین شما نزد خدا آن کسی است که پرهیزکارتر و عملش بطاعت آن جناب اقدس اعلی بیشتر باشد بخدا سوگند که تقرب نمیتوان جست مگر بطاعت و ما برات از جهنم برای شما نداریم و هیچکس را بر حق تعالی حجتی نیست هر که مطیع خداست دوست ماست و هر که معصیت خدا میکند او دشمن ماست و دوستی ما و ولایت ما نمیتوان رسید مگر به پرهیزکاری و عمل صالح و قریب بهمین مضمون از حضرت صادق علیه السلام منقول است و باین مضمون احادیث بسیار است و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمودند هر که را دوست میدارد میباید باعمال او عمل نماید و استغاثه جوید بسوی او و بهترین معنی است در این دنیا

داآمرزت و بحضرت امام جعفر صادق عم عرض شد جمعی از شیعیان شما هستند و گناهان میکنند و میگویند امید
برحمت خدا داریم و چنین هستند تا ایشان را مرگ در میابد فرمود دروغ میگویند ایشان شیعهٔ ما نیستند
آرزو های نفس خود مایل شده اند و گمان میکنند امیدوارند هر که امید چیزی دارد در برای تحصیل آن سعی
میکنند و هرکه از چیزی میترسد از آن میگریزد این مثل رعیت را امید بزراعتش دارد و دارسی
میکند و اگر ندارد و بیافتی ضایع شده باشند و دارسی هرگز نکند پس امید باعث یادن شوق عمل و سعی
آدمی باشد نه مانع از آن و از همین جهت امید در شرع ممدوح است تا هر گاه زراعت نکرده گوید امید دارم
از کرم خدا که من خرمن شود از دوستان ما نه در سفاهت نموده اند نه امیدند و نفهمیده اند کرم خدا را اشتباه
کرده بمعجزه برای اثبات نبوت و امامت بندرت ظاهر میشود آیا اگر خدا ایشان از این بیخواهد تخم و آب
در زمین قابل و اسباب وقوف زراعت و فرصت داده را بالاندک سعی در چند روزی حبه هفت خوشه و از
هر خوشه صد دانه بر دارد و خدا در عمل صالح زیاده بر یک هفت صد امید بقدر سعی و اخلاص ده هم الحکونش
فرمود نیست شیعهٔ جعفر مگر کسی که شکم و فرج خود را از حرام بعفت دارد و کوشش او در عبادات شدید بنجه
و بهار آفرید کار خود کار کند و امید صواب و خوف عقاب داشته باشند پس اگر چنین جماعت را به بینید ایشان
شیعه منید و فرمود بر شما باد بورع از حرام و شبهه در دین است و ما همیشه ملازم آن و پای خدا را عبادت
میکنید و آنچه ما میخواهیم از برای موالیان و شیعیان خود پس ما را بتعب میندازید در شفاعت
خود و از این حضرت ابو الحسن الرضا صلوات الله علیه روایتست که اگر در مقام هر شیعهٔ خود برآیند بیایم ایشان را
مر کنند بزبانی

مکر کنند ابزبارها و اگر امتحان کنم ایشان را نیابم مگر مرتد و اگر خلاصه و زبده کنم ایشان را از هزار یکی خالص نباشد
تا آنکه فرمود تکیه میکنند بر مسند پس میگویند ما شیعهٔ علی هستیم نیست شیعهٔ علی مگر کسی که فعلش قولش را تصدیق
نماید و از حضرت امام حسن عسکری عم از پدران کرام خود منقولست که برسول خدا صلعم عرض شد فلانی
نگاه میکند بخانه همسایه و از نامحرم دیدن مضایقه نمیکند آنحضرت غضبناک شد فرمود بیاورید او را که
گفت یا رسول الله از شیعهٔ شما است و اعتقاد بولایت شما و ولایت علی دارد و از دشمنان شما بیزار است
بیجا یدفرمود مگو از شیعهٔ ما پس بتحقیق که آن دروغ است آگاه باش شیعهٔ ما کسیست که متابعت و مطالبت
ما کند در اعمال ما و آنچه تو ذکر کردی از اعمال از ما نیست و در حدیثی هست که روز قیامت عذر از جمعی خواهد
خواست که ما را معذور دار که بدار شفاعت خود را ما در دنیا بشما اعلام کردیم و مبالغه در سفارش تدارک
امروز نمودیم و آیات در این باب بسیار است و بدون رضا بلکه بی اذن خدا تعالی کسی جسارت و جرات
سبقت شفاعت نمیتواند کرد پس بعد از ملاحظه کلام خدا و حجتهای خدا فریب نفس و شیطان مخور
و فرصت غنیمت شمرده بزودی از خواب غفلت بیدار شد و جمعی را او ولایت ایشان را بر خود بسته دار
زود شفاعت اندازی با خود دشمن مکن و ای بر حال کسی که شفعای او خصمان او باشند در روز قیامت بسبب
دریدن پرده های محارم خداوند غیور و خیانت امانتهای شریعت مقدسه ایشان و حبس خمس و زکوة از اطفال
ایشان و ایتام و حقوق فقرا و ایتام آخذ اعیال نامیده پس چه عظیم حسرت و عقوبت بیکجا غافل که سرمایه
عمر عزیز خود را برای کسب سعادت ابدی باد داده بودند صرف اسباب خسارت و شقاوت ساخته باطلت

کاهل انداز که تو نشر آخر شد این او وقت فرصت را با اندک سعی بدرجه صالحان میتوانست رسید خود را الحسرت
ابدی و عذاب سرمدی انداخته بشنو پیغمبر قرآنسته مسکن نمک کنند کافرست و اما من خفت موازینه
فامه هاویه هر که میزان عملش سبک باشد جایش در جهنم است و من یعمل مثقال ذرة شرا یره
اگر بقدر ذره کار بد کند و بال و انتقام آنرا می بیند و قرآن از این مضمون پر است ان الابرار لفی
نعیم و ان الفجار لفی جحیم بتحقیق دیقان هر خوبان در بهشتند و گناه کاران فاجر در جهنم فرمود
هر یک قلم بد درگاه در نعیم است تا تو معزور شود که شاید او باشی بکر ممکن است فجار بزود بپشیمان
و پیش از آنکه بشوی تا خیر توبه از زنگ قساوت تمام دل را سیاه شو توبه کرده خود را قابل رحمت و لایق
شفاعت سازند و آن وقت ملحق بابرار شود تا از کثافت سیئات و ناپاکی و نجاسات و باطن معصیت
و بهارد مرتبه بدتر از نجاست ظاهر نیست با آب توبه و از شک ندامت پاک شو لایق نعیم و همی درست
و همنشینی نیکان و پاکان نمیباشد چنانچه حضرت باقر عم میفرماید داخل بهشت نمیشود مگر پاک شده و اهتمام
در تعجیل آن و نکبات و عقوبت تاخیر آن بتفصیل در باب توبه و خصیه عقبیه مذکور هست در تو رستور هست
که تا چند تاخیر میکنید و تدارک خود را فردا بر وز ایا شما را امان رسید از مرگ یا برات از آتش جهنم بدست آوردید
یا جزم بیهات شمرده اید بغفلت شما را غافل کرده و طول عمل و ما را الحذر الحذر مقرور ساخته از بیکاران دنیا بنا فریم
دنیا را مگر برای آنکه روز ما صرف کنید تخم عمل خیر در آن بکارید پس کتاب مرا گرفته زیر پا گذاشتید یعنی
عمل نکرده دید و دنیا را گرفته بالای سر خود داشتید بلند کردید خانهای خود را دست کردید خانهای مرا خانهای
الله کرفته

انس گرفتید و از خانهای من وحشت نمودید پس شما بندگان نیستید مگر آزادگانید آسمانها مانند اسم از آسمان
من مستقیم شد در هوا بی ستون و دلهای شما بهزار موعظه از کتاب من مستقیم نمیشود و چنانکه سنگ در آب
نرم نمیشود موعظهٔ من در دلهای با قساوت تاثیر نمیکند ای آدم مهیا شو برای مرگ پیش از اجل خود من اگر دنیا را اختیار
میکردم برای انبیا پیغمبران میکردم که بندگان مرا بطاعت بخواند بدرستیکه بعضی از بندگان من هست
که میمیرد پس از مردم پشیمان میشود و سوال میکند که برگردد بدنیا تا تدارک و عمل صالحی بجا آورد پس خدا میفرماید
یا احمق تو از انجام می آئی یا ابن آدم بیرون کن حب دنیا را از دل خود که جمع نمیکنیم محبت خود را با محبت دنیا در
یک محل مانند آب و آتش و در جمع روزی مقسوم و موزون است حرص مدار برای ترک علمهای و روزی تو را
دیگری نخواهد خورد ای پسر آدم هیچ حرفی نمیزند دلهای نمیکنی و قدمی بمیداری مگر و ملک با تو هستند او مینویسند
خوب و بد تو را فریب نده پس شما را عافیت و سلامتی ایام عمر شما محدود و معلوم است و عدد نفسهای شما معدود و محصور است
بسا نفسیکه صاحبان عقل شاید بجاب بیاید رسیده از آنچه در دست دارد آید برای روزی و هول و پرسش
در آید کسی که خدام میفرماید تاخیر مکن در کارهای خود بطول امل که بعد از این خواهم به دو خواهم منتظر
فردا مباش فردا اگر بعضی اجل خود در او سرعت و شتاب آمد نفس را بسوی تو الیه دشمن داری آرزوهای
خود را و فریبانرا ابو در بر سید کدام یک از مومنان زیرکتر فرمود یاد مرگ بیشتر کند و تهیه آنرا بهتر سازد احمق
عاجز مشغول شهوات خود میباشد و بر خدا آرزو را میکند چون نور در دل در آید وسیع و گشاده میشود
و بعبارت قبول حقایق و معارف و حکم و تفکر و اذعان و طول تو طلب نفس بر زهد و جابر برسید علامت

ان نور معرفت فرمود میل و رجوع بسوی امور آخرت اخوان جاوید است و پهلو خالی نمود از دنیا که جز از فریب و مستعد
شدن بهلاک ابدی حیله ای رسیدن یا اباذر قدر عمر خود بدان و بر آن بخیل تر باش از مال خود که تلف و ضایع نشود
یا اباذر باش در دنیا غریب رهگذری از وطن همیشه دار خود را از اهل قبور بشمار قبر را منزل خود بدان
و سعی کن در تعمیر آن و بگو نوشته از صحت خود پیش از مرگ چه نمیدانی از فردا استیلا از حذر کنی مبادا از باب
در آئی در غفلت ممکن نیست از جوی و تدارک [illegible] ای اباذر کسی را تا چه کند در تدارک آیا انتظار میکشند مگر
توانگری را که او را طاغی کند یا فقیری را که از خدا فراموش کند یا بیماری را که مفسد است یا پیری را که از کارش باز
دارد یا مرگی را که ناگاه در رسد و مهلت ندهد یا فتنه دجال را که بدترین غایبی است که انتظار خواهند کشید یا قیامت
را که از هر چیز مهیب تر و تلخ تر است خلاصه اینکه هر بلائی که آقا بکمال مبالغه و تاکید فرمود باشند و البته کلیا
شود برای امر مهمی عظیم بی خبر تر اخلاء هم طلبید و ندانند قاصد است بکدام دیگر میرسد یا رهروند دیگر
یا سال دیگر البته باید کاهلی و سهل انکاری [illegible] تاخیر و نافرمانی نکنند که انتظار هر چه بر دو بر فرمان
مولای خود هر اختیار مقدم دارد و جرات و خطا کرده که چیز [illegible] حرف او نداده و اعتنا بشان او
با این همه مبالغه ها و سفارشات او نموده بزرگ تدارک بلکه بمجرد تاخیر خود را معرض قهر و غضب
او داشته اگر مولا غیرت و قدرت دارد در هر وقت خواهد و مصلحت داند متوجه سیاست
و انتقام او خواهد گردید پس ای عزیز با تمیز با خود رحم کن همین دم که مهل و وقت قلم [illegible]
بتدارک روز آخر خود مبادرت نما و انابه کن بسوی خدا از جمیع معاصی و بدان آن نجات مجالست
دار حقوق

دار حقوق خلق و خدا بقدر مقدور ادا و قضا کن و عزم کن بر تتمه را بتدریج بعمل بیاور و دیگر فرمان حق
تعالی نماید و یقین بدان بر بهای سعید بلکه محبوب الهی گشتی اگر چه شقی ترین مردم بوده انگاه بتوفیق
که بعد از آن شامل حال تو خواهد شد شب و روز بیارام باشی در تحصیل ذخیره مشغول باش ابد و درجات بهشت
برای خود و شکر این نعمت عظمی را بیش از توفیق فوز باین مراتب فرصت را از تو نگرفته بودند بخلاف جمعی
که با اعتقاد روز جزا و اراده توبه و تدارک [illegible] محال بشوی تاخیر و اندک کاهلی و تقصیر زیر زمین در حسرت
ابدی و عقوبت ابد الآباد تدارک آن نمیتوانند شد گرفتار اند زینهار زینهار مبادا تاخیر نمائی که ناگاه وقت
مهلت بسر آید و هنگام فرصت بگذرد دیکبار [illegible] اجل بتازیانه قهر و [illegible] مرگ از خواب غفلت بیدار
دارند و عمر در حیرت هشیار کنند و [illegible] در سکرات موت باشی و فزع عظیم بر تو غالب و از معاینه آثار
شقاوت ابرار مصلحت تکلیف مخفی بود جزع الیم بر تو ظاهر و غفلت شوش و پریشان و از هول مطلع
دو هشت صد هزار عقوبت بیاهم و بتو [illegible] مضطراب و حیران دوستان لباس ماتم در بر اطفالت
خاک یتیمی بر سر وارثانت [illegible] جیفه بدنت [illegible] همه اسپ در فکر مال شیطان را زیاده
بر همه اوقات سعی در گمراهی تو میدارد [illegible] اضلال [illegible] و با ضعف ایقان
و خذلان ملائکه رحمن دور اندم بر غم مؤمنان از وسوسه شیاطین حفظ مینمایند تو سلب ایمان
از دنیا رفته نعوذ بالله هرگز از جهنم در نیائی پس چون بکشند [illegible] تو را بنده و قهر از قالب بیان بدل شود
[illegible] تو بصد هزار الم و جان مردم بند از تو محنت شدت از رسن کش شونه و الله بلکه حواله عالم

بطون [illegible] پس بکشند تو را از خانواده عزت بخاکدان خاری و مذلت عریان و پریشان و از هر چه عوض دین [illegible]
در تحصیل آن نموده بودی تهی دست و پریشان و پشیمان و در چنین سفر پر خطر بی پایان با توشه و سامان جان از حسرت
مفارقات فانیات دنیا و بیجا در کی خدا و یا عالم قدس با آنها انس گرفته بودی مثل سفاو [illegible] و از فقد آن اعمال
صالحه و نماز شب و تلاوت قرآن و غیر آن از امر جا همدم و مونس تو میبود تنها و مزید و حیران جدت با هزار شدت و محنت
جسم در نشت و بار پریشان کفن بسته و از خجلت و هیبت نکیر و منکر جا جر و شر [illegible] و سر شکسته افتاده باشی در وحشت آباد
قبر [illegible] الحد خاک سیاه حسرت و تیره بختی بر سر ما جرت تضرع و استغاثه [illegible] الحق بالله [illegible] رحم نکرده
و گریه ها و عذر هایت نشنیدند از جز خود عاشق و قدر عمر شریف و وقت فرصت ندانستی و غنیمت نشمردی حیات خود را
پیش از مرگ و صحبت خود را پیش از بیماری و قدرت خود را پیش از عجز و فراغ خود را پیش از شغل [illegible] ملکت
نماند در گور متوحش از اعمال زشت خود و متنفر از مار و عقارب اثار جهل و خوی و زشت خود چه گور ظلمت آباد
و از نور نماز شب چراغ نفس ستاده بودی وحشت آباد گور از عبادات صالحه و تلاوت صحیح ابرار خود مهیا نکرده
بودی خرابه آباد [illegible] و جهات سفر شما آنکه در بود حسرت آباد [illegible] آه و نسیم [illegible] سهر کاهی
نفحه رحمتی [illegible] بار در زمین موحشه چاه [illegible] تنگنای مور و مار در بدنت ساکن و راه [illegible] و از عفونت
هوا هر روز رنگی بحدت طاری و از جرک و خون و زرد آب اعضا کرم و حشرات گستکوش و در سر
و صورت جاری [illegible] اعمال خود گرفتار بصد هزار ناری و خواری تا آنکه گوشت بدنت طعمه
حشرات زیر زمین شود و استخوانهایت از [illegible] مرده دیلا کور کرده تا شاهد افزع اکبر در روز حشر و هول
قیامت

قیامت و هنگام حسرت و ندامت ناگاه و شاید کنی قیامت را جمیع شدتهای گذشته را فراموش کنی و آرزو
نمائی هر بار بگور پنهان گردی پس از ملاحظه ارتفاع غبار و وحشت زلزله و جوش از زمین و زمان
و استماع صدای شیون و دهشت و لوله و خروش اهل آسمان سراسیمه و مدهوش بوده هراسان
و از هول انتقام حاکم عادل انروز بیهوش و ترسان و از شدت حسرت و پشیمانی [illegible]
نالان و دل تنگ و با نفس شوم بیعار و ننگ خود در مجادله و جنگ از فکر خراب بپروردگار جبار
در موافق حساب در عجز و اضطراب و از عرق خجالت و رسوائی قبایح اعمال و فضایح افعال
مانده و از حرارت آتش جهنم در پیچ و تاب و از هیبت عقبت پر عقوبت بیجا [illegible] متعاقب
خلائق رسیده و مدهوش و با خود در ملامت و عتاب از حدت آتش خوف دوزخ بران وقت
دیگر شک نخواهی داشت بر آن کار [illegible] همان جاست در سوز و گداز و از حسرت تقصیر در
تحصیل قابلیت رحمت خدای بنده نواز در مصیبت و ندامت دور و دراز نعوذ بالله
من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا بخدا قسم اگر شقاوت و سفاهت نباشد بعد از توفیق تذکر
این مراتب دیگر کسی خود را غافل یا کاهل نماید و از همین دم شروع بخلاصی نفس عزیز از درکات
و بسوی درجات عالیه پردازد و تدارک کلیه بعون الله تعالی بیک همت و عزم جزم میتوان
کرد از حالا در ید اختیار است بلعد دیگر در اختیار تو نیست نیداند و لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم
بدانکه احادیث در فضیلت و فواید

یاد مرگ و احوال برادران بسیار است و باعث زهد میشود از دنیا و رغبت جمیع کن آن و عقوبتهاست و رسول خدا
بسیار وصیت میفرمود بیاد مرگ و میفرمودند که شکننده لذات است و جایست میان شما و خواهشها
نفسانی و فرموده اند اگر حیوانات میدانستند از مرگ اینقدر را که شما میدانید گوشت فربهی نمییافتند
زیادها و تنها مرگ را یاد کنید هیچ چاره از مرگ نیست اینکه میسر باراحت و نعمت برای انها ابرار که
سعی کردند بشقاوت و عذاب ابد برای انها فریب خورده اند برای دنیا سعی کردند بتحقیق کسی را است خدا و سلامت
ابدی و لازم شد و اجلش میان دو چشم او است و آرزو پشت سر او فراموش ناهد بتر بای مردم کسی است
که فراموش نکند قبر را و پوسیدن جسد او را و ترک کند زینت دنیا را و اختیار نماید باقی را بر فانی و خود را در
سلک اهل قبور شمارد و در حدیث معراج فرمود دیدم ملک موت را و گفت روح همه را من میگیرم مگر تو و خدا
قبض میکند و تمام دنیا مثل درهمیست نزد من و نیست خانه مگر هر روز پنج مرتبه اهل او را ملاحظه و یک یک را
وارسم و چون بر میتی گریه کنند گویم مگر بر بیلا مرا عودی بعد از عودی بشما هست تا یک نگذارم گفتم
مرگ کافیست برای اندوه و بهم شکستن ادمی جبرئیل گفت ما بعد مرگ بسیار بدتر از مرگست و در روایت
فرموده هر کس یاد مرگ کرده باشد بیابد قبر خود را روضه از ریاض بهشت و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده مرگ
دنیا را رسوا کرده و برای عاقل در دنیا جای فرح و شادی نگذاشته و فرموده بسیار یاد مرگ کنید و بیرون آمدن
از قبر او ایستاده نزد خدا در موقف حساب مصیبت در دنیا بر شما سهل و آسان شود هر که فردا او را از
عمرش حساب کند مصاحبت نیکو نکرده مرگ را و نشناخته مرگ را و فرموده نیست میان شما و بهشت

یا دوزخ

یا دوزخ مگر مرگ و در حدیث است جنازه از اهل خدا گذشت گفت گویا مرگ در این دنیا بر غیر ما نوشته شده و گویا حق الهی بر غیر ما
واجب شده و گویا ان مرده ها که میبینیم مسافرانند چند روزی که زود بسوی ما مراجعت میکنند خود ایشان را در قبرها
جا میدهیم و میراث ایشان را میخوریم و گمان میکنیم که همیشه بعد از ایشان خواهیم بود فراموش کرده ایم هر واعظی
و پند دهنده را با آنکه بهر بلیه و مصیبت گرفتار شده ایم خوشحال کسی که نفس خود را ذلیل شمارد و کسبش حلال باشد و باطنش
شایسته و خلقش نیکو و زیادتی مالش را صرف نماید و زیادتی سخنش را نگهدارد و فرموده بقیه عمر قیمت ندارد
تدارک میشود بان انچه فوت شده و زنده میشود بان هر چه میراند و روزی داخل قبرستان شده خطاب فرموده که ای اهل
دیار غربت اما خانه ها پس دیگران ساکن شدند و اما زنان شما پس دیگران نکاح کردند و اما اموال
شما پس قسمت کردند اینست خبر که نزد ما است پس کاش میدانستیم که چه خبر نزد شما
چه خبر است انگاه با اصحاب ملتفت شد و فرمود اگر در جواب ماذون میبودند میگفتند ان خیر
الزاد التقوی بتحقیق بهترین توشه ها در این سفر پر خطر اطاعت تقوی و پرهیزکاریست
و در بین راه همیشه در کار است و بحدیث آمده از مقبره یک سلام کرد بر آنحضرت و گفت خبر
نزد ما اینکه هر چه اعمال کرده بودیم جزای او را یافتیم و از مال انچه پیش فرستاده بودیم بما رسید و انچه
باقی گذاشتیم خسران کردیم انگاه التفات باصحاب کرد و فرمود شنیدید گفتند بلی فرمود
پس توشه بگیرید بهترین توشه ها تقوی و پرهیزکاریست و از نافرمانی خدای عز و جل
و در روایت دیگر فرموده ملک موت هر روز پنج وقت نماز اینها را ملاحظه کند پس اهل طاعت

[illegible]

نوید بر نماز اول وقت هنگام مرگ ملک موت او تلقین شهادتین نماید و شیطان را از او دور میکنند و در روایت دیگر فرموده
و چون حق تعالی مرگ را آفرید پوشید از خلق و عظمت او بزرگتر از آسمانها و زمین است و صفات را بالنجیر
او را ابست دیگر بار ملائکه بران نظر کرده هزار سال بیهوش شدند انگاه ملک موت را امیر و مسلط
گردانید پس ساکت شد و یک مرتبه اذن یافته ندا کرد در آسمان باعلا صوت منم مرگ که جدا سازم
میان همه دوستان و خراب کنم خانه ها و هیچ مخلوقی نماند مگر بچشد مرا پس هر گاه نازل شود بکی بصورت
خود بایستد بالا سر او هر یک گوید منم مرگ و بتحقیق فانی کردم قرنهای گذشته را که قوی تر از
تو بودند بیرون میکنم ترا از دنیا و اولاد ترا یتیم میگذارم و زوجه ات را بیوه و مالت را
بپیش نفرستادی میراث دیگران میسازم از روی خود را از هول او بدیوار کند و همانجا
ایستاده مثل هلاک کند ای ایها الناس هر روز بر روی زمین راه میروی و البته بشکم زمین میروی
شب و روز ساعت ساعت مینماید در هدم عمرها و برابر هر روز سفری او است و تو روز و نعمه مرگ
و هر روز کار را نشناخته غافل نمیشود از استعداد و تدارک بعد از مرگ کسی خیر خود را از شر
تمیز نکند بمنزله بهایمست هیهات هیهات انکار موعظه و ترک تدارک نمیکنید مگر بعلت کمی
... دارید و هنگام رحلت وصیت فرموده فرزندان خود را کوتاه کن و مرگ را یاد کن
بدرستی که تو در گرد مرگی و بشیعیان خود نوشت ای بندگان از مرگ نجات نمییابید پس حذر کنید و پیش
از انکه بدر رسد بحرمت و تدارک فوات کنید ای همه احاطه و محاصره کرده اگر بایستید شما را میگیرد

۱۹
و اگر بگریزید

و اگر میگریزید شما را می یابد و از سایه شما نزدیکتر است و در پشت شما ایستاده و دنیا را از پای شما میپیچد
و عنقریب تمام شود پس هرگاه شهوات نفسانی با شما منازعه کند بسیار یاد کنید مرگ را و مرگ برای موعظه
و پند کافیست شیخ مفید رضی الله عنه و عنا بسند معتبر رحمه الله حدیثی روایت کرده بسند خود از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام ترجمه ان اینست که چون حق تعالی خواهد روح فاجر را قبض نماید امر میفرماید
ملک موت را او برو با اعوان خود بسوی دشمن من را انعام کردم بر او و بانواع نعمتها او را دعوت نمودیم
او را بدار السلام که بهشت است و نخواست و کفران نعمت من کرد و روح پلیدش را گرفته
بجهنم انداز پس ملک آید با روی ترش و هیبت چون شب تار و نفس میزند زبانه نار آتش با دود و دیده
مانند برق ربایند و صدای او مثل رعد درهم شکنند و سر در آسمان پا بر هوا یکی بمشرق دیگری بمغرب
سنج بکف و شعله های بسیار در ان باشد با پانصد ملک با تازیانه های مشتعل و پلاس سیاه و اخگر
از جهنم در کام او زده پیوسته نفسش باشد تا داخل جهنم شود و چون نظر او با سعادت بر ملک موت افتد دیده اش بازماند
و عقلش پرواز کند و استغاثه نماید مرا بدنیا برگردانید جواب شنود کلا انها کلمة هو
قائلها این نخواهد شد پس بزند او سیخ را شعبه های آن در جمیع رگها و مفاصل
ان بنده شود انگاه بکشد ان سیخ او و روحش را بان جذب کند از جانب پاهای او چون
روح بزانوهای او رسد که نتواند جنبید امر کند که ان تازیانه های آتش بار را برو فرود آورند
پس سکرات و شدت های موت را با دچار ندهد گویا انها شمشیر بر او میزنند و چنان

[illegible]

بسختی جان او را بکشد مانند سیخ پرشعبه از نمد تر پس آن سیخ را در بدن او بگرداند
را شعبهای او جان او را از جمیع رگها و اعضا و بندها در آرد و چون چون بگلوی او
رسد ملائکه تازیانه زنند بر رو و پشت او و گویند بعنف و شدت و بیرون کن جان خود را چنانکه
در قرآنست ولو ترى اذ الظالمون اذا فى قراة الموت والملائكه باسطو
ايديهم اخرجوا انفسكم اليوم تجزون عذاب الهون بما كنتم
تقولون على الله غير الحق وكنتم ان اياته تستكبرون يعنى اگر به بینی
ستمکاران بر خود و بر دیگر در سکرات موت اند و ملائکه دستها گشاده بقبض ارواح
ایشان گویند بیرون کنید جانهای خود را امروز جزا داده میشوید عذاب خواری و مذلت بسبب
آنکه میگفتند بر خدا غیر حق و تکبر میکردند از قبول کردن آیات خدا و چون روحشرا درآنه
بدنش را میان مطرقه و سندان درهم شکنند از سر انگشتان تا دیدهای او پس کنند از او
برآید و جمیع اهل آسمانها منادی شنید خدا و جمیع لعن کنند کان لعنت بر او کنند و چون
روح او را بسوی آسمان اول برند درهای آسمانها را بر او ببندند چنانکه در قرآنست لا تفتح
لهم ابواب السماء پس ندا رسد برگردانید این روح پلید را بزمین را ایشانرا
از زمین آفریدم و بر زمین برمیگردانم و از زمین بیرون می آرم بار دیگر و چون او را بتابوت
گذارند شیاطین جنازه او را بر دارند و چون نزدیک قبر رسانند بقعهای زمین بفریاد آیند

دهم بکذا

و همه بخدا استغاثه از آن نمایند تا در گودالی مقرر شد دفن شود زمین او را خطاب کند لا مرحبا بک خوش نیامد مرا آمدنش
بخدا بر نیست من را لا امیر فرشتا را دشمن میداشتم امروز در شکم من در آمدی بنشین دشمن میدارم بعزت پروردگار
وردگار بدیها و رسته کنم و بر تو تنگ و سوهش کنم و گودالی شوم از جهنم پس منکر و نکیر در آیند با ولی سیاه و چشمهای
کبود و حلقها مانند دیگ مس سرخ و چون برق لامع بشکافند به نیشترهای خود قبر او را و در سؤال خود او را
رنند با دو ازمد آسا بیک بر او زنند او جانش را بحنجره آید و بپرسند از خدا و دین و پیغمبر و امام و گوید
نمیدانم گویند در دنیا شک داشتی اینجا هم شک دارد گرزی زندانی بعد از آن نیا پا انگاه گرزی بر او زنند که بغیر
جن و انس هر چه در مغرب و مشرق عالمست بشنوند و ماهیان و وحشیان رم کنند و خدا مسلط گرداند
بر او مار سیاه ازرق را و روزی پنج ساعت و شب شش ساعت او را عذاب کند بسبب آنکه کارهای
بد را از مردم پنهان میکرد و از خدا پنهان پروا نمیکرد پس خدا او را ملک کور و کر بر او موکل گرداند
که پیوسته گرز آهن بر او میزنند تا قیامت و تتمه این حدیث در احوال عقبات آینده کاران مذکور خواهد شد
و بحدیث امام جعفر صادق ع منقولست که پرسید امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه از رسول خدا ص
که آیا از ماست تو بکسی این شدت میرسد فرمود جا کم جابر و اکل مال یتیم بظلم و شاهد ناحق منقولست
از ابراهیم خلیل علیه السلام که بملک موت فرمود میتوانی خود را بصورتی که قبض روح مومن مینمائی بمن
بنمائی گفت بلی روی خود را بگردان پس جوانی دید خوش صورت و خوش جامه و شمایل و بوی خوش فرمود
اگر نبیند مومن بغیر حسن و جمال تو را بسست او را پس خواهش کرد دیدن صورتی که فاجر را قبض

میکند گفت تاب دیدن ندارید فرمود دارم گفت روی بگردان پس نظر کرد دید مردی سیاه مو ایست
ایستاده در نهایت بدبوئی با جامهای سیاه و از دهان و سوراخهای بینی او آتش و دود بیرون می آید
حضرت بیهوش شد چون بهوش آمد ملک بصورت اول برگشته بود فرمود فاجر را اگر نبیند مگر همین صورت
ترا کافیست برای عذاب او و امیر المؤمنین ع میفرماید چون آدمی را روز آخر دنیا و اول آخرت
میرسد متمثل میشود بر او مال و اهل و اعمال او پس رو میکند بمال و الله من بسیار حریص بودم در
جمع تو و بخیل در صرف تو الحال مرا چه مدد میکنی جواب دهد کفن خود را از من بگیر پس بفرزندان التفات
کند و الله شما را بسیار دوست میداشتم و حمایت میکردم امروز برای من چه دارید گویند ترا تا بقبر میرسانیم
پس رو بعمل خود کند او را و الله خواهان تو نبودم و بر من گران و دشوار بودی امروز مرا چه مدد دهی
گوید قرین توام در قبر و حشر تا من و ترا بر خدا عرض کنند پس اگر دوست خدا باشد نزد او آید شخصی از
همه کس خوشبوتر و خوشروتر با جامهای فاخر و گوید بشارت باد بنسیم و گلهای بهشت و نعیم
ابدی پرسد کیستی گوید عمل صالح توام و چون از دنیا روی بهشت جای تو است و مرده غسل دهنده را میشناسد
میشناسد قسم میدهد بر دارنده جنازه اش را که مرا زود ببرید پس در قبر دو ملک می آیند موهای خود را
در زمین میکشند دندانهای زمین را میشکافند صدا مانند رعد بلند و چشمها مشابه برق بسیار روشن
و میپرسند از خدا و دین و نبی و امام چون جواب گفت گویند حق ثابت دارد خدا ترا در آنچه میخواهی
پس قبرش را فراخ کنند تا چشم کار کند و دری از بهشت بقبرش گشایند گویند بخواب با فرح

و نشاد در

و شادی در وحشت و اگر دشمن خدا باشد شخصی نزد او آید در نهایت زشتی و بدبوئی گوید بشارت باد ترا
بجهنم و غسل دهنده را نیز میشناسد و قسم میدهد حاملانش را که او را نبرند پس چون داخل قبر شد دو ملک
آیند از خدا و پیغمبر و امام و دین پرسند گوید نمیدانم گویند هرگز ندانی و هدایت نیابی پس گرزی بر او زنند که هیچ جانور
نیست که صدای آن را نشنود و نرسد مگر جن و انس و دری از جهنم بقبرش گشایند گویند بخواب ببدترین
حالی و قبر بر او تنگ شود تا آنکه مغزش از ناخنهای پایش در رود و بر او مسلط گرداند حق تعالی
مارها و عقربها و حشرات زمین را که تا قیامت او را بگزند و از قبر تا آن روز قیامت کند از حضرت سجاد ع
فرمود نمیدانیم چه کنیم با مردم اگر حدیثی که شنیده ایم بایشان بگوئیم نمیتوانیم پس مثل این حدیث را
از رسول ص میفرمود جمعی بانجا رسیده اند در بیرون دیدند حمزه نام مرد شوخی در آن مجلس بود گفت [illegible]
حرفها را میزند بخندید بگردن آنها جنازه او را بر داشته اند حضرت متغیر شد [illegible] بر او کردند و بعد از
چهل روز مرد پس کسی که از جنازه او برگشته بود بحضرت عرض کرد که از قبر صدای واویلاه می آمد حضرت
فرمود اینست جزای کسی که استهزا نماید بحدیث رسول خدا ص و بروایه دیگر فرمود اینست جزاء کسی که بخندد
و بخندانند از حدیث رسول خدا ص و از رسول خدا ص منقولست که ببعض اصحاب فرمود چگونه
خواهی بود وقتیکه در آید بر تو از ملائکه قبر دو ملک درشت غلیظ با صدای مانند رعد عاصف و دیدهای
چون برق خاطف در موی خود راه روند و با نیشها زمین را دریدند پس سؤال نمایند از تو و پرسیده در آن وقت
من بیکال خواهم بود یعنی در هوش و معرفت با اعتقاد درست فرمود بلی گفت پس کفایت ایشان

احوال قیامه

خواهم کرد و فرمود بروایت حضرت باقر علیه السلام چون رو بقبرش میبرند ندا میکند حاملان خود را ای برادران بشنوید
شکایت میکنم بشما از شقی بشما از دو شیطان جن و انس مرا بفریب ببلا انداختند و دنیا مغرور
کرد پس بزمین انداخت و دوستان را ناامید دل یافتم امروز از من بیزارند و ای فرزندان که بر جان
خود اختیار کردم مالم را خوردند و مرا اول گذاشتند و از مالی که بخل کردم در حق خدا و باش بر من ملامتند و از خانه و مایه
خود اسراف و تعمیر آن کردم و دیگران نشستند و از بسیار ماندن در قبر ندا میکند منم خانه و بندیها دران
کرم میشود و خانه ظلمت و وحشت و تنگی تا میتوانید مرا دریابید و شما حذر کنید از آنچه من مبتلا شدم
مرا بشارت داده اند باتش و خواری و مذلت ابدی و غضب جبار و احسرتا بر تقصیر در اطاعت خدا
چه ... او چه ناامیدی ... دارم شفیعی دوستی و کاش مرا بر میگردانیدند تا داخل مؤمنان میشدم
مرویست که چون روح از بدن مفارقت نمود سه ندا از آسمان باو میرسد یا ابن آدم آیا تو دنیا را ترک کردی یا دنیا ترا
تو دنیا را جمع کردی یا دنیا ترا تو دنیا را قبول کردی یا دنیا ترا و هم چنین در روی تخته یا ابن آدم کوانست
قوت چه بر ضعیف شد و زبان فصیح چه بسیار خاموش و چه شد دوستانت چه بسیار تنها و محزون
شدی و هم چنین در کفن یا ابن آدم میروی سفر دور بی توشه و میروی از خانه ات و رجوع نخواهی کرد
و هم چنین در جنازه یا ابن آدم هرانچه کرده ای بین حالا از خیر و شر و همچنین جنازه لب قبر نهاده شده
یا ابن آدم چه همراه خود آورده از روشنی برای ظلمت و از وسعت برای این تنگنا و عبرت و چون بلحد
درآورده میشود در میان او سه ندا میکند یا ابن آدم در روی من شاد بودی پس محزون شدی
در شکم

در شکم من و چون مردم از او برگشتند خدای عزیز جلیل فرماید بنده من منفرد بی کس و تنها و وا گذاشتم
ترا در تاریکی قبر و حال آنکه برای ایشان نافرمانی من نمودی و من ارحم الراحمین رحمت و تعجیل کنند از اوان
خلایق و من مهربان ترم بتو از مادر و فرزند خود و آنحضرت با جنازه بود چون بقبر میرسید انقدر بیکر
و اشک رحمت بسیار کشیش تر میکرد و بعد از آن میفرمود ای برادران برای مثل امروز باید آماده
و مستعد باشید و فرمود قبر اول منزلیست از منازل آخرت اگر از او نجات یافت بعد از آن آسانتر
تر است و الا بعد از آن شدیدتر است و الحق اعلاء و اعلی این روشن باشد چاره انها پیش از ورود
واجبست و لذا نه و این آخرتی بایدزهد از او نها منتهی تم و فرمود بیرون نمی رود کسی از دنیا تا داند جای
خود را از بهشت یا دوزخ و باین مضمون اخبار بطرق عامه و خاصه بسیار است و مستفیض
یا متواتر است از حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام که حرام است بر هر روحی از جسد مفارقت
کند تا ببیند پنج نفر را محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین را خوش حال شود یا بدحال مشهور است حکایت
بنوی ص سه صفات فقد قامت قیامته یعنی هر کس که مرد بتحقیق قیامتش برپا شد بعد از آن
فرمود بدستی آدمی میبیند وقت در رفتن او حسن جزا هر چه پیش فرستاده و بروایتی فرمود
چون یکی را مرگ در رسد باو گویند چه طور دیدی دنیا را گوید بسیار مکر کننده و فریبنده پس خلق کنند دنیا را بصورت
و گوید ای عاصی شرمنده نمیشوی تو گناه کردی در من و منع نکردی نفس خود را از معاصی تو طلب
کردی بمن طلب تو گمان کردی که مفارقت نخواهی کرد از دنیا پس بتحقیق من بیزارم از تو و عمل تو

پس حال گوید ای عاصی کسب کردی مرا بغیر حق و تصدق نکردی بر فقرا امروز افتادم بدست دیگر
و همانا رعد ابلیس با اهل دوزخ چنانکه برای تنبیه و تحذیر غافلان در قرآن مسطور بهتر از این منقوله است بدانکه
شدت سکرات موت برای غیر مؤمن صالح بسیار عظیم و الیم خواهد بود حتی نسبت ببعض مثل
شدت اره کشیدن و بمقراض بریدن و بسنگ کوبیدن و گزیدن افعیها و گشتن آسیا در حدقه و در رفتن از
سوراخ سوزن و پوست کندن واقع شده و لیکن برای شیعه عاصی مثل کفار نیست بلکه بقدر شدت
معصیت شدت میکند برای تطهیر از گناهان هر گاه بتوبه و در سقام و مصائب در دنیا پاک نشده
و در صحیح حضرت صادق علیه السلام از رسول از جناب اقدس الهی جل جلاله ذکر فرموده هیچ بنده نیست
از خواهم او را به بهشت برم مگر آنکه مبتلا سازم او را در جسد او اگر کفاره گناهانش نشد مسلط برا و سلطان جابر
یعنی دفع شر او نکنم اگر باز کفاره گناهانش نشد روزیش را تنگ کنم اگر پاک نشد شدید خواهم کرد
وقت مرگ تا بیکناه آید و داخل بهشت کنم او را و هیچ بنده نیست خواهم او را داخل آتش کنم
مگر آنکه او را تن درست کنم و اگر از طلبش باقی مانده مرفه و با نعمت دنیا باشد و قبض روحش آسان
و از جناب حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که نیست عاصی از شیعه مگر میمیرد
انکه پاک میشود از گناهان ببلائی در مالش و فرزندش و جانش پس اگر بماند چیزی مرگ
براو شدید شود و از حضرت باقر صلوات الله علیه منقولست جوانی چند از عباد بنی اسرائیل
در سیاحت بقبر مندرسی رسیدند برای اطلاع شدن بموت دعا کردند صاحب قبر زنده شد و تا که شد
دسر از قبر بیرون

دسر از قبر بیرون آورد موی سفید و خاک سرش فرو میریخت ترسناک دیدار کرد بسمت آسمان بر سید
از چه ابر سر قبر من ایستاده اید بدعا کفتند گفت نود و نه سال است که در این قبرم و هنوز الم محنت
و غم موت از من بر طرف نشده و تلخی جان کندن از گلوی من بدر نرفته است و چون حال که مور
بخروج شدم و خاکها در پرزان بدنم جمع شد و باد دهشت باین سرعت بیرون آمدم از هول
تو هم روز قیامت موی سر و ریشم سفید شد و از کلام قدسیست که کی یقین بمرگ دارد
نمی خندد و در بعضی از روایات چنین است فرموده عجب دارم بکسی که یقین دارد بمرگ چگونه
شاد میگردد و کسی میداند خدا بر او مطلع است چگونه معصیت میکند و کسی میداند خواهد
مرد و داخل قبر میشود تنها حساب کشیده خواهد شد تنها چگونه انس میگیرد بمردم و هیچیک از آنها
با عانت او نتوانند کرد بلکه باید بخدا انس و عمل صالح داشته باشد و در فکر و ذکر آن باشد در همه جا
همراه و همدم او و حاضر و ناصر و حضرت سلمان رضی الله عنه صاحب الغر سیره رسول خدا صلعم با مرده تکلم
شد و از احوال مرگ و قبر خبر داد و گفت ای سلمان جدا کردن بمقراض و بریدن با رهها ارشار بر من آسانتر
برمن از یک غصه از غصه های موت و من از اهل خیر و عبادت بودم آمد شخصی بزرگ حسن هیئت معطر
میان آسمان و زمین پس اشاره کرد بچشم و گوش و زبان من هر کور و کر و گنگ شدم و دین
حال اهل من گریستند و خبر من فاش شد پس گفتم تو کیستی مرا مشغول ساختی از مال و اهل
خود گفت من ملک موتم آمده ام جان ترا بگیرم و نقل دهم ترا از دنیا بآخرت اجلت بسر آمده

در این مخاطره شخصی به نیکوترین صورت آمد یکی از جانب راست و یکی از جانب چپ نشستند و بر
من سلام کردند و گفتند نامه عمل ترا آورده ایم بیان و امان و ملکیم در دنیا با تو می بودیم رقیب
و حسنات می نوشت و عتید سیئات می نوشت دیدم کتاب رقیب را خوشحال و دیدم کتاب عتید را
گریان شدم پس ملک الموت گفت بشارت باد ترا از اهل خیر بنزدیک من آمد و کشید روح مرا پس
هر جزو بر جای خود شد تا بود از آسمان بزمین رسید پس همچنین بهمین منوال می بود و جذب می بود روح
تا رسید بسینه من و بعد از آن بیک جذبه اگر بر کوهها گذاشته شود البته گداخته شود قبض روح من کرد
از آن پس من چون بلند شد شیون و نوحه اهل من پس ملتفت شد بجثم و گفت ایها الناس
چیست که بر شما وارد شده ظلمی نکردیم براو که گریه کنید و نه تعدی کردم تا شکوه کنید غیر این نیست
که ما و شما همه بنده پروردگار رحیم کریم اگر بشما امری میفرمود البته امتثال میکردید پس اگر صبر کنید اجر
یابید و اگر جزع کنید گناه دارید و چه بسیار گشتیم بسوی شما دارم برادر بردن پسران و دختران
و پدران و مادران پس برگشت با روح من ملکی دیگر رسید و گفت روح مرا واگذاشت بر حریر سبز و بالا برد
با آسمان در کمتر از چشم زدنی چون رسید نزد سؤال پروردگار پرسید از گناه کوچک و بزرگ از نماز و روزه
و خمس و زکواة و نماز و روزه و همه فرایض از نسخ و تلاوت قرآن و شب مردم در خواب بودند
دیر والدین و قتل مردم و مال یتیم و مظالم و حقوق کلیه و مانند اینها پس برگشت باذن خدا روح
بسوی زمین پس مردی آمد و برهنه ام ساخته شروع بغسل نمود پس صدا زد روح من نه ترا

قسم بسلم اسلام

قسم میدهم ترا مدارا کن که بدن من ضعیف است بخدا قسم بیرون نیامدم از رگی مگر آنکه بریده و شکافته شد
و نه از عضوی مگر آنکه بر هم کوبیده و شکسته شد پس بخدا قسم اگر می شنید این اقوال کسی را غسل
نمیداد پس مرا بکفن پیچید و اولاد مرا تعزیه داد و گفت بیائید وداع کنید چون فارغ شد برداشتند
شدم در تابوت در آن هم در پیش روی من میرفت و میگفت ای اهل و اولاد من بار زنان شما را دنیا
مثل من را اینست آنکه جمع کرده بودم از حلال و حرام واگذاشتم و حذر کنید از چیزی که من مانند
در او من را پس از زمین گرده برداشتند و روح میان رو و کفن بود چون نزدیک قبر رسید هول
عظیم بمن هول کردم پاسبان بود که چیزی بقبر گذاشته شدم خیال آنکه از آسمان بزمین افتادم و بر
من خشت چیدند و خاک ریختند بر من عظیم نمود و چون ندای مراجعت آمد روح من بسوی تن بر
گشت و مرا پشیمانی گرفت و حسرت پس گریستم و گفتم ای کاش که از ایشان بودم مرا بر گردانند
پس مرده گوید در قبر قائلی در جواب من این آیه را خواند کلا انها کلمة هو قائلها و من
وراءهم برزخ الی یوم یبعثون در جواب جمعی است که تدارک کار دنیا رفته اند از معاملهٔ عفو
و انتقام الهی ترسیدند و آرزو داشتند که رجوع کنند خدا میفرماید ممکن نیست رجوع این حرف است او میگوید
بر فرض رجوع میگویید عهد شکنی وقوع ندارد و از پی سر ایشان برزخی خواهد بود تا روز محشور
شوند پس گفتم تو کیستی گفت منبه از خدا موکل داشته برای آگاه کردن خلق تبر گردار شان
تا بنویسند اعمال ابرار بر خدای عزوجل پس کشید و نشان گفتم نمیتوانم شمرد گفت نشنیدی قول

خود را احصاه الله و نسوه یعنی شمرده و ضبط نموده او را خدا و خود فراموش کردید پس
من املا میکنم گفت کاغذ بگیر پاره از کفن خود را پس کاغذ ورق شد گفتم قلم گفت انگشت
شهادت گفتم مرکب گفت آب دهنت پس املا کرد بر من آنچه را گفته بودم و کرده بودم
در دنیا چنانکه در قرآنست یقولون یا ویلتنا مال هذا الکتاب لا یغادر صغیرة
و لا کبیرة الا احصاها و وجدوا ما عملوا حاضرا و لا یظلم ربک احدا
یعنی خداوند گفت گناهکاران وقتی که نامه عمل خود را ببینند وای بر ما چیست این نامه
که واگذاشته هیچ عمل کوچک و بزرگ را مگر شمرده و بیابند هر چه کرده بودند حاضر و ظلم
نمیکند پروردگار تو هیچکس را پس گرفت کتاب را و مهر کرده و بمن داد و بر طوق
ساخت پس خیال کردم که کوهها را بر گردن من انداخت گفتم با من چرا چنین کردی
گفت مگر نشنیدی قول حق تعالی و کل انسان الزمناه طائره فی عنقه و نخرج
له یوم القیامة کتابا یلقاه منشورا یعنی هر کس را لازم گردانیدیم در گردنش نامه عملش را
و روز قیامت میبرد بدست راست یا چپ سر آید و بیرون خواهیم آورد برای هر کسی
روز قیامت کتابی که ببیند او را باز کرده شده پس با این کتابها خطاب میشود بندها در قیامت
و می آورند او را این برابر چشمت نشر کرده شده و با او شهادت دهی بر نفس خود پس
رفته و من ماندم گریان بر خود از حسرت دنیا و کاشکی عمل خیری یا بدی بر من نوشته نمیشد

ناگاه آمد ملکی

ناگاه آمد ملکی منکر با کمال عظمت و هیبت منظر و با نهایت وحشت در هیبت مانند کوه بزرگ با عمودی از آهن
که همه جن و انس نمیتوانستند جنبید پس تهدید کرد مرا بفزع و جزع افکند گرفت دست مرا و بر
ریش مرا و بنشاند و صیحه بر من زد که اگر می شنیدند تمام اهل زمین میمردند و گفت ای بنده خدا خبر ده مرا
که کیست پروردگار تو و کیست پیغمبر تو و کیست امام تو و چیست دین تو و بر ولایت عمل تو و بر چه استقرار
و بر چه کار بودی در خزانه دنیا پس بام بند آمد از ترس و متحیر شدم و چگویم و نماند بمن چیزی مگر آنکه مفارقت
کرد از فزع آنگاه دریافت مرا رحمت از حق تعالی دلم را آنگاه داشت و دیدم قوی شد و هوشم بر گشت
و زبانم روان شد گفتم سید ما خدای تعالی پروردگار منست و محمد مصطفی صلی الله علیه و آله پیغمبر منست و اسلام دین منست
و قرآن کتاب منست و کعبه قبله منست و علی ابن ابی طالب صلوات الله علیه امام منست و ائمه طاهرین بعد از
او امامان من و مومنان برادران من و جمیع آنچه رسول خدا خبر داده تمام حق است و قیامت خواهد
آمد و خداوند عالمیان بیرون خواهد آورد هر که را در قبر است گفت نجات یافتی حالا بشارت
باد ترا بسلامتی و رفت پس آمد نکیر و از او شدیدتر بلا حیران شدم و بلطف خدا همان
جوابی نمودم جواب با صواب گفتم گفت بشارت باد ترا ای بنده خدا با نیکی مرا و گفت خواب
راحت کن مثل داماد پس گشود از بالای سر من دری از بهشت و از پایین پای من دری از
جهنم پس گفت نجات یافتی بمعرفت پروردگار خود و پیغمبر خود و امامان خود پس بست
از من در آتش را و داخل از در بهشت نسیم و نعیم پس چراغ افروخته در لحد من و روشن شد از افق

بیرون رفت اینست احوال من و بشهادت میطلبم خدا را و بدرستی که تلخی موت در گلوی
منست تا قیامت پس با جبر و حضر بطلبش سوال کنند و بترسی از اهوال او اطلاع یافتی ای
ذکر کردم با صلاح من بود اما غیر صالح پس در جواب منکر از ترس او میگوید تو ئی بر در کار نی
پس گوید دروغ گفتی ای دشمن خدا و رسول و بزند ضربتی را چنانچه از همه اعضای او بی
هم ضربتی بزند او برسد تا پنج طبقهٔ زمین و با کفار در آتش دوزخ بخند نعوذ بالله من النار
و من عمل الفجار و بحدیث نبوی صلعم اول ملکی را داخل شود بقبر پیش از منکر و نکیر
رومانست را میدرخشد روی او مثل آفتاب و میثاق را میخواند و میگوید بنویس آنچه کرده
پس چون برسد بسیئات او از شرمندگی حیا میکند را بنویسد پس رومان گوید ای
خطا کار چرا حیا میکنی از آن در دنیا و در اینوقت از من حیا میکنی و بروایتی میزند او را
ضربتی بمطرقه و حریر خود چون تمام شد بنا ختنش مهر نموده و بگردنش می اندازند و اینست
قول خدای تعالی وکل انسان الزمناه طائره فی عنقه تا آخر ظاهرا
کتابها او در صحرای محشر بدست راست و چپ میدهند و امر بحوالهٔ ن آن میکنند
همیان باشد والله یعلم و حضرت امام محمد باقر ع میفرماید از جناب پیغمبر ص پیش از نبوت
کوسفندان میچرانیدم و نیست پیغمبری مگر کوسفند چرانیده پس یکا کاهی میدیدیم هم
سببی خائف و از چرا باز ما میماندند و آخر از جبرئیل ع پرسیدم گفت کافر برادر قبر
ضربتی بر تو

ضربتی میزند غیر از جن و انس که مکلف‌اند همه خلق میشنوند و میترسند و قیس نامی
از حضرت رسول ص استدعای موعظه کرد و در بیابان ها میباشیم و کم بخدمت میرسیم فرمود
یا قیس با هر لذت عزت دنیا ذلتی هست و با هر زندگی مرگی و با دنیا آخرتی و با هر چیزی حسابی گنجا
و گواهی هست و هر حسنه را ثوابی و هر گناهی را عقابی و هر اجلی را قدری هست و بدانکه البته قرینی
خواهد بود ترا با تو دفن میشود زنده و تو مرده باشی و آن عمل تست پس اگر کرامی و نیکوست ترا
گرامی دارند و بد است ترا خواهد گذاشت و بدانکه آن با تو محشور و از تو نخواهند
پرسید مگر از آن پس قرین خود را عمل صالح گردان تا انس با آن داشته باشی و اگر صالح
نباشد وحشت ندارد مگر آنکه از جهان و بروایتی فرمود هیچ منزلی سلمانی نیست که بگذرد بمقبره
از مقابر مسلمانان مگر آنکه اهل قبور را دو گویند ای غافل اگر میدانستی آنچه ما میدانیم البته میگداخت
گوشت بر جسدت و از حضرت صادق ع منقولست که قبر هر روز آواز میدهد و میگوید منم
خانهٔ غربت و منم خانهٔ تنهائی و وحشت و منم خانهٔ تاریکی و ظلمت و منم خانهٔ مار و عقرب و کرم
و حشرات و منم قبری باغ از باغهای بهشت و گودالی از گودالهای دوزخ و بروایتی باین زیادتی
است که چیز برای من مهیا کرده مرویست از بعضی زوجات حضرت رسول ص که دا
خل شد از جناب مقدس بر من خواستم برخیزم از برای او چنانکه عادت من بود فرمود
باش پس خوابید بر پشت و سر مبارک خود را بر دامنم گذاشت پس چشم مو

محاسن شریفش نوزده دانه مو بود پس فکر کردم پیری و بیرون رفتن از رحمت خدا را از دنیا
پس گریستم و قطرهٔ از اشکم برخساره مبارکش چکید بیدار شد و از گریه پرسید چون
عرض کردم فرمود کدام حال بر میت شدید تر است گفتم یا رسول الله بفرما پس فرمود
وقتیکه بقبرش گذاشتند و برگشتند و او بجا ماند تنها در تنگی و وحشت قبر با عملش گفتم
پس چون است او وقتی که از خانه اش بیرون آرند و شیون و فریاد کنند زوجه و اهل و طفلانش
فرمود شدید است و لیکن این شدید تر است پس فرمود چون غسال داخل شود لباس
بکند و عمامه اش را بردارد ندا کنند روحش برابر جسدش بصدا را که همه خلایق بشنوند
و غیر از جن و انس بخدا قسم میدهم ترا ای مرد که نرم و هموار بکشی و در این ساعت
از چنگ موت خلاص شد و مجروح است از نزع روح پس چون خواهند او بکفنش پیچد
باز فریاد کند ای ... مرا مپیچ بکفن تا بار دیگر ببینم دیدار اهل و دوستان خود را دیدار
آخر است و چون از خانه اش بیرون آورند ندا کنند ای جماعت مسلمان تعجیل مکنید
تا وداع کنم اهل خود را وا گذاشتم زنان خود را بیوه و پس نوا لبس از ارش مکنید و اولاد
و اطفال خود را وا گذاشتم یتیم پس بایشان احسان کنید بخدا تعجیل مکنید تا بشنوم
صدای ایشان را پس سه قدم بمنبر بنده ندا میکند جمیع خلایق بغیر از جن و انس
همه بشنوند ای یاران فریب ندهد شما را دنیا بمثل فریبی چنانکه بفرزند و استهزا اکرد بعبرت
بگرید ازمن

بگریید از من و بیا گذاشتم هر چه جمع کرده بودم برای وارثان و همچنین از من متنبه نمیشوند پس
چون نزدیک قبر رسد گوید ای برادران میدانستم و مرا فایده نخواهند گذاشت در تاریکی
میان قبر بیمان توقع دارم که فراموشم مکنید از دعا و صدقه و احسان و در حدیث دیگر فرمود
هر چون سه روز از میت بگذرد روح او گوید پروردگارا مرا رخصت کن تا بر جسد خود را ببینم
پس اذن یابد میرود بسوی قبر و نظر مینماید بر پیکر خود در حالتی که آب دماغ او از دو منخر
بیرون می‌آید و از دهان و گوشهای او سیلان نموده باشد پس بگرید بسیار و گوید ای بیچاره دماغ
آباد که خاطر داری در ایام حیات دنیا را اینست منزل وحشت و بلا و پوسیدن و جای غم و اندوه
و عناء پس میرود بسوی آسمان و بعد از پنج روز تجدید اذن نموده بالین بدن میآید
ناگاه ببیند چرک ریزد از بینی و دهان و گوشهای او سر کرده و سیلاب نموده پس
بگرید بر او گریستن شدید و گوید ای بدن بیچاره من هیچ یاد میکنی زندگانی دنیا را و یاد میکنی
اینجا این منزل محنت و شدت را و ندارد که از برای اینجا پیش فرستی پس از هفت روز
دیگر اذن یابد و جسد خود ببیند ناگاه مشاهده کند که سیلاب خون و چرک از دماغ و دهن
و گوشها روان و کرم افتاده پس بگرید و نالد هر چه تمامتر و گوید ای منزل حیات
محنت و عقربها است و خوردن کرمان گوشت ترا و از هم دریدن پوست ترا و اعضای
ترا بخوا ... ترا یاد آور ایام حیات خود را و اهل بیت و دوستان خود را بغم خوار ... ماندگ

محنتی به دعا و گریه برای تو میکردند و جمعی از علما و زهاد بودند قبرها از برای خود مهیا نموده در اوقات
استشعار قساوت قلب یا سستی در عبادت و ریاضت خود داخل آن شده احوال پر اختلال و اهوال
سرای آخرت خود را در قبر مشاهده کرده می‌شدند و عبادت خود میشمردند و بعد از طلب مهلت
از قبر بر سر عبادت خود برمیگشتند و حضرت صادق ع فرموده میان دنیا و آخرت هزار عقبه است
اسهل و آسان‌تر آنها موت است و پرسید راوی ابو بصیر آیا محزون و غمگین و متألم
نمیشوی گفته والله اندوه یاد کن مرگ را و تنها ماندن خود را در قبر و ریختن حدقه‌های خود بر رو
عارض و جدا شدن بندها و خوردن کرمها گوشت‌ها و پوسیدن و منقطع شدن از دنیا را بتحقیق
که باعث عمل و مانع حرص دنیا و طول امل میشود هر وقت جنازه‌ای بردارند بر جنازه باشی گویا
در میان جنازه‌ای و از خدا میطلبی که ترا باز بدنیا برگرداند تا تدارک گذشته را نمائی و خدا قبول کرده دیگر بار بینند
پس در این حال چه خواهی کرد حال این خیال کن و تدارک خود را بکن بعد از آن عجب دارم از مردم
که جمعی از ایشان را بردند و بر دیگران نه بینند و ندانند که چه باقی ماند از زندگی و باز مشغول
لهو و لعب‌اند ... که بر جناب امام ع تعجب میفرمایند از لهو و بازی بسیار در حال غافل
و مشغول معصیتها باشند و در ظلم بر خود و بندگان خدا و حبس حقوق مردم و سادات و فقرا
جرأت مینمایند و بد احوال بدبخت جاهل که از بطالت و ترک تحصیل معرفت و مسائل دین خود
که اهم و اعظم واجبات است سرمایه عمر عزیز خود را هر ساعت از آن که سعادت ... مدت
و درجات عالیه

و درجات عالیه ابدیه برای خود تحصیل میتوان کرد و صرف اسباب شقاوت ابدی و درکات
و عقوبات برزخ و حسرت دائمی میکنند خدا همه را از خواب غفلت بیدار کند و بدانکه باجماع امت
و آیات و احادیث زنده شدن در قبر و سؤال ملائکه و فشار و عقوبات عصیان حق است و هر که انکار
کند کافر و مرتد است و عدم احساس ما احوال قبر و مار و عقرب بعد از تجسس جهت
آنست که جریان آنها در عالم دیگر است و غیر حجج الهی را در دنیا احساس احوال آن عالم
میسر نیست مثل نزول ملائکه و غیر آن و در بعضی احادیث است در قبر تنها ماند و روح بهمان بدن
برمیگردد تا ناف گاه و بحدیث حضرت صادق ع بعد از سؤال و جواب ارواح مؤمنان
خالص و بدنهای مثالی را بعینه مانند بدنهای جسمانیست و قالب نورانی در برزخ میان
کثافت جسمانی و لطافت روحانیست متعلق و متنعم میباشند و هر شام از غرفه‌های
خود بیرون می‌آیند بسوی بهشت دنیا که در مغرب است سیر و تعیش میکنند و از میوه‌های
آن میخورند و چون صبح شد در طیران میکنند و در هر جا که خواهند تفرج مینمایند و بر قبر
و خانه خود می‌آیند و بزیارت کنندگان مطلع میشوند و در وادی السلام یعنی نجف اشرف
در بقعه‌ای است از جنات عدن حلقه حلقه نشسته و با یکدیگر ملاقات و آشنائی مینمایند
پس روح تازه میرسد میگویند ساعتی او را مهلت دهید که از هولهای عظیم را
دیده و بعد از آن میپرسند از یاران خود پس اگر زنده اند امید میدارند و شاید نزد.

ایشان رود و اگر مرده گویند هوی هوی بزیر رفته بجهنم واصل شده و بحدیث دیگر ارواح مؤمنان
در حجرات بهشتند و از طعام و شراب بهشت میخورند و میگویند خدایا قیامت را بر پا کن و آنچه
با کرامت ما وعده فرموده بود در کرامت ما و مؤمنانی که مانده‌اند بما ملحق گردان و اخبار در این باب
بسیار است و ارواح اشقیا و بدکاران در بدنهای مثالی در حسرت و ندامت و تأسف میباشند و شبها
در دوزخ دنیا که مشرق است در عذابند چون صبح میشود ایشان را بوادی برهوت که در یمن است
میبرند و عقوبتها میکشند بدتر از آتش و باز شب برمیگردانند بسوی آتش و در این حالند تا هنگام
قیامت و آن هنگام اعظم پر حسرت پر وحشت و ندامت که باصل جزای اعمال خود برسند و اکثر
خلق که در ایمان و شقاوت خالص نیستند متعرض احوال ایشان نمیشوند بلکه موافق چند حدیث
صحیح سؤال هم نمیکنند تا روز قیامت که بجزای ایشان برسند و مرتبه ثواب و عقاب هر یک را معین
نمایند و در بعضی احادیث هست که ترس شیعیان ما در عالم برزخ است که بسیار اهوال
عظیم دارد تا وقتی که روز قیامت بخدمت ما برسید و حضرت امیر المؤمنین ع میفرمایند مؤمن
گنهکار را حالش مبهم و محبوس است تا خدا عز و جل او را با دشمنان ما مساوی نخواهد کرد و بیرون خواهد
آورد ایشان را از آتش برزخ پس اطاعت کنید تا عمل نمائید و خاطر جمع مباشید با ایمان
و شفاعت تنها و محبت و کم میندارید عقوبت خدا را پس بدستی و تحقیق که از مسرفین
و گنهکاران مباشید و نمیرسند بشفاعت ما مگر بعد از عذاب آتش سیصد سال و بروایتی سیصد
هزار سال

هزار سال و در باب گنهکاران مسلمان که پاک نشده باشند در دنیا بتوبه و حسنات و نه بشدائد و آلام و نه در سکرات
موت و نه در تنگی و وحشت و ظلمت قبر و عالم برزخ و نه عقبات عقوبات قیامت احادیث بسیار است
که چون قابل شفاعت و لایق رحمت نخواهد بود مگر بعد از تطهیر که با آتش جهنم بیرون آمده داخل
بهشت خواهند شد هرگاه از کثرت شوم معاصی ایمان از و سلب نشده باشد چنانکه در جای دیگر ذکر
خواهد آمد انشاء الله تعالی در ذکر بعضی از اعمال صالحه که تقدیم آنها در این ایام فرصت باعث
نجات و خلاصی از شدت سکرات موت و مرگ و حسرات قبر میگردد بدانکه اصل کلی در باب رستگاری
و نجات کامل و ایمنی از جمیع شدائد و اهوال و داخل بهشت شدن تحصیل ایمان خالص و متابعت
اوامر الهی و تقوی از کل معاصی و مناهیست چنانکه در قرآن میفرماید که إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا
رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ یعنی بتحقیق
آنها که میگویند پروردگار ما الله است یعنی ایمان بحق تعالی آورند پس مستقیم و ثابت باشند
بر لوازم این قول تا با طاعت پروردگار نه اینکه قول خوبان گویند و عمل بدان ننمایند نیست
ترسی برایشان و نه غمی إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا
خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ فَمَنِ اتَّبَعَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ یعنی پرهیزکاران و دوستان خدا را و هر که تابع هدایت الهی باشند و هیچ
معنی است بیمی و المی نخواهد بود و آیات باین معنی بسیار است و در قرآن حق تعالی سوگند یاد

کرده و فرموده همه مردم در زیان کاری و خسرانند مگر جمعی جامع چند خصلت باشند اول ایمان
دویم عمل صالح سیم وصلت و معاونت با یکدیگر بالتحصیل اعتقادات حقه و صبر یعنی بر عبادت
و از معصیت و در مصیبت و ایمان عبارت است از کسب معرفت و اذعان بخدا و آنچه
فرستاده بخود و دعایی پنجم مذکور میشود هر چند شنیدن عوام باشند از علما که بعد از
تامل و فهم اعتقادات ثابت بهم رسانند و خالص بودن ایمان و جزو علت بجانت
ترک جمیع معاصی میشود و جوهر پاکیزه ایمان را بکثافات سیئات ملوث نگرداند و بعد از
کسب ایمان خالص هرگز غبار خوف و ملال بدامان عزت و امنیت و راحت تو نخواهد
رسید دیگر بزیادتی معرفت و عبادت و فکر و ذکر تصفیه باطن و تهذیب اخلاق درجات
بهشت و قرب الهی زیاد میشود و باحادیث متواتره ملک الموت برای مطیع حضرت
بصورت بهشت و مثل گندر زجامهای پر چرک و کثافت و غلها و بندهای سنگین سراپا
آفت در تطهیر بدن و پوشیدن فاخرترین جامها بخوشبوترین بویها و بر مرکوب خوش
ترین مرکبها و ساکن بانوسی ترین منزلها است و در احادیث معتبره میفرمایند بشیعیان
مشقت شما همین در دنیا است تا هنگامی که جان شما باینجا رسد و اشاره بگلوی مبارک
فرمودند در آن وقت اول راحت و لذت و چشم روشنی شما خواهد بود و حضرت امام زین
العابدین ع از رسول خدا صم ذکر فرموده اگر بر مؤمن بشل کنند ان اهل زمین باشند

الکفاره انها

1

در بکفاره انها مرگ کافیست و حضرت صادق ع در تفسیر آیه فلولا اذا بلغت الحلقوم
میفرماید و در این حال مؤمن را دو بهشت جای او را با او مینمایند پس میگوید برگردانید
مرا تا خبر دهم اهل خود را آنچه می بینم گفته شود او را هیچ راهی بسوی برگشتن نیست و ملک الموت
چون پیش مؤمن آید و او گریه و جزع نماید گوید که ای دوست خدا بیتابی مکن بحق آن خدا
که محمد صم را فرستاده من بتو مهربانترم از پدر و مادر تو چشم بگشا و ببین پس ممثل
شود برای او چهارده معصوم انگاه گوید اینها رفیقان ایشان خواهی بود پس یکی ندا باو شنواند
دیگر میکند منادی از جانب پروردگار میگوید یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی
ربک راضیة مرضیة الی آخرها پس مؤمن را هیچ چیز خوبتر از قبض روح او نیست
و در حدیث از آنحضرت است که به بهشت رود و بحدیث چون ملک الموت میرسد نزد او با حشم
او گار کنند ملائکه بشان بشارت و کیفیتهای بهشت انگاه گویند که ای نفس مطمئنه جواب یا ایتها
النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة پس حق تعالی میفرماید
که فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی پس ملائکه او را بشاشت و خوشحالی بیرون برند
و با اهل آسمانها میرسند او را تهنیت کنند و گویند چه خوشبوئیست بوی تو چه بسیار
کریم است پروردگار تو و خوبست عمل تو تا آسمان هفتم پس ملائکه سفره بنویسند
کتاب عمل او را در علیین و برگردانند او را بسوی جسدش و اینست معنی قول حق تعالی

ان کتاب الابرار لفی علیین تا آخر حدیث و مشتمل بر خلاف دین هر شقی
و بروایت صدوق فرموده ملک الموت میایستد نزد قبض روح چون بنده ذلیل نزد مولای
خود با اصحاب خود و پیش او میروند مکرم با کرام و بشارت بهشت دهند و شیخ مفید رحمه الله روایت
باسناد معتبر بسند خود از حضرت صادق ع روایت نموده حدیثی را خلاصه ترجمه آن اینست
که چون حق تعالی اراده قبض روح مؤمن نماید خطاب فرماید بملک الموت که برو با اعوان
خود بسوی بنده من که در دار الدنیا تعب بسیار کشیده در عبادت من روح او را بیاور نزد من که
تا راحت بخشم او را در جوار رحمت خود پس ملک الموت آید خوشرو و خوشبو با جامهای
نیکو و بر در خانه او بایستند و پرده بردارند و یاد ربش کنند و با پانصد ملک با خود آورد و در دست آنها
ریحان و بستر از مشک جان انگاه ندا کنند او را سلام الهی بر تو باد ای دوست خدا بشارت
ای پروردگار سلامت میرسانند و از تو راضیست و بشارت باد ترا بروح و ریحان و بهشت
جاودان پس روح راحت یافتن از تعبهای دنیاست و ریحان جمیع خوشبوهای بهشت
و آنها را بچشد وقتی او را گذاشتم نسیم آنها بمشام جانش میرسد و در راحت و لذت است تا روح
مفارقت میکند پس رضوان با خازنان بهشت نزد او می آیند و شربتی از بهشت بکام او بریزند
که هرگز در قبر و قیامت تشنه نمیشود پس ثنا گویند بروح او و بر بدن او خدا اجرای خیر دهد تو را
در بطاعت الهی مسارعت مینمودی و از نافرمانی او گریزان بودی پس بر تو باد سلام خدا

تا روز جزا

علم تا روز جزا و همچنین بدن با روح هم او وداع کنند انگاه ملک الموت گوید ای روح پاکیزه خو
خوشبو بیرون رو از دنیا با ایمان مرحوم و خوشحال پس ملائکه روح او را بالا می برند و جمیع ملائکه
از او نازل میشود و جمیع موارد بر آسمان گردد و محبتا که جاوید گشته و حق تعالی ملائکه دیگر را
میفرستد او را وصف میایستند از خانه او تا قبر او و طلب آمرزش و شفاعت برای
او میکنند و ملک الموت او را از دار دنیا ببرند و مشغول میگردانند از جانب خدای
کریم بخیر و کرامت و با انواع ملاطفت او را تسلی میفرمایند چون کسی طفلی را بازی دهد تا آنکه
با آسانی قبض روح او بکند و چون بگلوی او رسد و ملائکه با او بودند گویند بملک الموت
رفق و مدارا با صاحب ما و با او ترحم نما که او نیکو برادری و همنشینی بود برای ما هرگز
از و نشنیدیم حرفی را موجب غضب الهی شود و چون روح از بدنش مفارقت کند در میان
مشک و ریاحین و حریر سفید بپیچید با آسمان اول برند در های آسمان گشوده شود ملائکه
ای در در آنها موکل اند گویند تحیت خدا برید نه این روح در بدن او ساکن بوده و بسوی
عمل شایسته او بر ما میگذشت و میشنیدیم حلاوت صدای تلاوت او را و بر فوت او
بگریند و دعا کنند ای خدا با برای گریه او بنده کو رشنواندی آنچه او میشنوانید پس او را
بالا برند و جمیع ملائکه آسمانها او را مرحبا و شفاعت و استغفار نمایند پس خدای
کریم رحیم فرماید رحمت من بر او باد و ارواح مؤمنان باستقبال او شتابند پس

نمازی که بر کرده انبیاء را بسوی بدن که ایشان را از زمین آفریده ام و بزمین بر میگردانم و باز از زمین زنده
میکنم در قیامت پس چون او را در تابوت گذارند ملک نقش او را بر دارند بسرعت تمام ببرند و شیاطین از دو طرف
صف کشیده از دور بحسرت نگرند و جرات قرب او نکنند و چون نزد قبر رسد بقعهای آنجا همه گویند خدا او را
در نزد من ساکن گردان و چون در لحد او را خدا استقرار فرمود دفن کنند متصل شوند بر او اهل او پس حسرت نظر
بر ایشان کنند وداع کنند از ایشان یاری نمیرسد پس صورتی بسیار زیبا بنظرش آید بر سر او تو
کیستی گوید من عمل توام که امروز حصار و سپر توام از هر ضرری گوید والله اگر میدانستم او را چنین
محل یکاری زیاده اکثر البته زیاده برآنچه سعی کردم جهد میکردم و فریاد اهل و مال را نمیخوردم گویند ای
دوست خدا بشارت باد ترا بر نیکیها و بخدا قسم چون فرض او را بر گرده برگردند و شنود صداهای
پاهای دستهای مردم و خاک بر او می افشانند زیرا روح او به بدنش برگشته آنگاه زمین او را ندا
میکند مرحبا خوش آمدی ای دوست خدا و ای که برتر … وقتی که راه می رفتی ترا دوست میداشتم
امروز که بشکم من در آمدی بسیار شادم و بتو نیکویی … و برای تو باغی باشم از بهشت
پس ملک قبر او را از یکی از چهار طرف چهل فرسخ گشاده کند بالای سرش و بر هر طرف چهل مشعل
نور بر او فروزد آنگاه نکیر و منکر بر او داخل شوند و به نیشهای خود قبر را بشکافند و در موی خود راه
روند و صدای قهقهای ایشان چون رعد باشد … پس باشد سرخ با صدای رعد آسا و سوال کنند از خدا
و پیغمبر و امام و دین و کتاب او پس مؤمن بتوفیق خدا بجرات و توکل بخدا جواب با صواب

گوید پروردگار من

گوید پروردگار من و شما و کل اشیا خداوند یگانه بی همتاست و پیغمبر من و شما محمد مصطفی ص پیغمبر
آخر زمانست و دین من اسلامست که خدا غیر آنرا قبول نمیکند و کتاب من قرآنست
که شاهد و مصدق جمیع کتابهاست پس امامهای خود را یک یک شمارد پس آن ملک
گویند راست گفتی و توفیق یافتی خدا ترا هدایت کرده بدین حق نظر کن جانب پای خود
ومصدق
چون نظر کند پس دری از جهنم بیند گوید انا لله و انا الیه راجعون پس گوید این گمان
نداشتم به پروردگار عالم فرمایند و مترس ما را دوست خداست دلشاد باش و این جای تو نیست
خواستیم بنمائیم ترا از چه عذاب نجات یافتی تا لذت عفو کریم را بیابی پس بنگر بجانب سر آنگاه دری
بیند از بهشت با حور و قصور که برای او مهیا شده اراده نماید برخیزد و با حوریان معانقه
کنند آن ملک گویند ای دوست خدا تا قیامت برپا نشود داخل بهشت نتوان شد بخواب
بشارت و از آن در و فرش از بهشت گسترانیده و در لحد او را بخوابانند و هیچ طفلی در
گهواره راحت بدین طور در مهربان نخوابد دولت … و شمیم نعیم بهشت بر روی او
بگشایند بسوی قبرش تا قیامت و پیوسته مشتاق قیامت و لقای الله باشد و تتمه
این خبر در محل ذکر خواب آید و شیخ حدیث دیگر از حضرت باقر از پیغمبر ص روایت
فرموده در احوال قبض و تجاوز از همه احوال ایشان بر خلاف حال مؤمنست
مذکور شد و حضرت صادق ع میفرماید چون جمعه یا عید … میشود حق

تعالی ارواح ایشان را امر میفرماید که ندا کنند روح مومنان و دوستان را که در غرفهای بهشت ساکن اند
که خدا شما را مرخص فرموده که بروید بزیارت اهل و دوستان خود از اهل دنیا و با مر الهی
برای هر روحی ناقه از بهشت حاضر سازند که بر آن قبه باشد از زبرجد سبز و پرده از یاقوت
سرخ با حلهها و برقعها از سندس و استبرق بهشتی پس از زن ارواح طیبه بر آنها سوار و حلهای
بهشتی در بر و تاجها از مروارید خوش … هر بر سر او نور از آنها ساطع باشد مانند نور ظهر از نزدیک
پس در عرصه بهشت در آیند و امر میکند جبرئیل را با ملائکه آسمان که ایشان را استقبال
کنند و ملائکه هر آسمان تا آسمان دیگر ایشان را مشایعت نمایند پس به بحر النجف الاشرف فرود
آیند و از آنجا هر یک بشهر و دیار خود متوجه شوند و با آلان خود را زیارت کنند و با ایشان ملکی
چند باشند و ناخوشیها را از ایشان مستور دارند که غمگین نشوند و نزد قبرهای خود آیند
و زیارت کنند و چون اهل دنیا از نماز جمعه و عید فارغ و بخوابها روند جبرئیل ندای
رحیل زنند ارواح بمنازل رفیعه خود بر گردند پس مردی از اهل مجلس گریست
و گفت فدای تو گردم آنچه فرمودی حال مؤمنانست حال کافران چگونه است فرمود
بدنهای ایشان ملعونست در زیر خاک و ارواح خبیثه ایشان معذبست در وادی
برهوت تا قائم آل محمد ص ظهور کند پس آن ارواح خبیثه را با ابدان ملعونه رد میکنند
در رجعت و گردن ایشان را میزنند آنگاه بجهنم میبرند و ابد الآباد معذب خواهند بود

واخبار بسیار دلالت

و اخبار بسیار وارد شده که محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله بر بالین شیعیان صالح و محبان
خود آمده بملک الموت سفارش مینمایند در نهایت سهولت و آسانی قبض روح او را
میکنند و حضرت صادق ع میفرماید که نمیمیرد … ایشان را معاینه آن وقتی است
که معاینه میبینند رسول خدا را پس شاد و متبسم میشود و اشک از چشم او ظاهر میشود و در تفسیر
امام حسن عسکری ع میفرماید که بنشینند نزد سر او محمد و علی حسن و حسین ع صلوات الله
و حوالی ایشان خواص و دوستان ایشان و سادات ایستند پس رسول خدا ص بملک الموت
میفرماید عمل بوصیت و سفارش حق تعالی در خوبی و محبت خادم ما کوید اگر نه این بود حق
تعالی مرا کرامتی قرار داده بنعیم ابدی و ثوابهای غیر متناهی نمیرسد مگر بعد از آن که
البته قبض روح او نمیکردم ولیکن خادم و محب ترا بایدش سپردن خود بتو و سایر انبیا
و اولیا حضرت میفرماید اینک برادر ما سپردیم بتو پس خوب عمل کن بوصیت و بجد ثبت
حضرت صادق ع بعد از آن بالا میرود با آن جمع بسوی ریاض جنان و کشف حجب
شده آن بیمار گوید یا ملک الموت زود برگیر روح مرا و درنگ مکن که دیگر صبر ندارم
و ملحق کن مرا با ایشان پس در آن وقت که او را … روح بهوا میکشند مشابه کشیدن
مو از آرد و چنان میپندارد که در شدت است اما در شدت راحت است و چون داخل قبر
شد بیاید بجماعت ما که از منکر و نکیر … که بیابند میان این محمد مصطفی و علی مرتضی و حسنین ص

و اصحاب ایشان در حضور ما باید با آداب بخدمت ایشان برسیم پس چون سلام و تحیت عرض
کنند و دانستیم یا رسول الله زیادت شفقت شما را برای خود و موالی خود را اگر نه
این بود لاحق تو را میخواهد اظهار کند فضیلت تو را بر ملائکه هر آینه سوال نمیکردیم
از او ولیکن امر خدا را از امتثال چاره نیست پس می‌پرسند از پروردگار و دین
و پیغمبر و امام و قبله و برادرانش چون جواب گفت او را دعا کرده مرخص میشوند و در
بعضی اخبار هست که اگر از ترس و دهشت زبانش بجواب مساعدت نکند حضرات
از قبل او جواب گویند و شهادت بحقیقت اعتقاد او دهند و بعضی آیات قرآنی هم
بتفسیر اهل بیت علیهم السلام در این باب نازل شده و در مفتاح الجنان مذکور است
و در حدیث حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که گفتم یا رسول الله شیعیان ترا
در وقت مردن چه ثواب خواهد بود فرمود او را مخیر نمایند میان مردن و ماندن
و ملک الموت را امر میکنند او را اطاعت کند و ایشان در محبت ما را استجند قبض
روح ایشان مثل آنست که تشنه روز گرمی آب بسیار سرد را بیاشامد و دلش را
خنک کند و سایر شیعیان ما چنان است از دنیا بیرون روند که کسی با نهایت
استراحت در رخت خواب بخوابد و در دیده ایشان بهرکس روشن گردد
و بروایت رسول خدا صلعم ابن عباس میفرماید بتحقیق هول روز قیامت

شنیدم الالله

شدید است پس هر که خواهد خلاص شود از هول و شداید آن روز میباید وصی من علی را دوست
دارد و حضرت صادق ع میفرماید چون مومن از زبان افتاد رسول خدا صلعم و هر کس را که خدا
خواهد آمده و در چپ و در راست او بنشینند و رسول خدا صلعم میفرماید آنچه آرزو داشتی
اینست پیش تو از آنچه بهتر رسیدی بتحقیق که ایمن شدی پس دری از بهشت از برای او
گشوده شود و گوید اینست جای تو در بهشت پس اگر خواهی باز گردانم ترا بدنیا و بتو طلا و نقره
بسیار دهیم گوید مرا بدنیا حاجتی نیست و در حدیث طولانی ابن عمیر میفرماید که محب علی
بیرون نمیرود از دنیا تا از کوثر بنوشاند او را و از میوه طوبا بخورد و جای خود را در بهشت نه بیند و آسان
میکند حق تعالی بر او سکرات موت را و میفرستد ملک الموت را بسوی او برفق و هموار و دفع کند
از او هول منکر و نکیر را و قبرش را منور و روضه از ریاض بهشت گرداند روز قیامت
با صدیقان و شهدا در زیر سایه عرش الهی جای دهد و رویش مثل بدر و تاج کرامت
بر سر و حله سعادت در بر و بی حساب و دیوان و میزان داخل بهشت شود و از هر در از درهای
هشت گانه که خواهد داخل بهشت شود
در مرتبه فرموده هر که بمیرد با محبت محمد و آل محمد صلعم ضامنم برای او در بهشت و در حدیث
دیگر بعد از بیان فخر و شرف ملائکه بشرف محبت علی ع فرموده بتحقیق ملک الموت رحم
مینماید بر مومنان مثل رحم بر پیغمبران در قبض روح ایشان و حضرت صادق ع از
آباء کرام خود از رسول صلعم روایت میفرماید که محبت اهل بیت من نفع میکند در

میبخشند زیاده بر قدر متعارف میان عامه شیعه است و خواهم احاطه بیشود و بعد از تتبع
تامل و تفکر و تامل کامل در احوال ایشان و استقصای آیات و روایات واقعه در اسرار مناقب
و فضایل ایشان و تذکر جهاد و اسباب محبت که جمیع آنها بر وجه اتم در ایشان موجود است
چنانکه مفتاح سیم این کتاب بر خلاصه جمیع آنها مشتمل است بر سیدن از رسول
خدا صلعم که علی افضل است یا ملائکه فرموده که ملائکه شرف یافتند مگر بمحبت محمد و علی
و قبول ولایت ایشان و هر محب علی که دلش از غش و حسد و گناه پاک کند افضل است
از ملائکه و در این حدیث اشارت است باخبار معتبره که در تفسیر الست بربکم
و محمد نبیکم و علی امامکم و الائمة هداة که در عالم ذر بخلایق خطاب شد
وارد شده که محبت و ولایت اهل بیت عصمت و رسالت عرض شد بر اهل آسمان
و زمین همه قبول کردند پس هر که سبقت گرفت و مبادرت نمود بقبول آن از انبیاء اولو العزم
شد و از ملائکه مقرب شد و بر این مضمون صدق مشحون کتب موافق و بطلان کتب منافق
مشحون است و متواتر است از طریق شیعه و اهل سنت از رسول خدا صلعم منقول است
که داخل بهشت نمیشود کسی مگر بجواز علی و در حدیث معراج فرموده که بهیچ گروهی
نرسیدم از علوشان علی الا آنکه گمان کردم که در آسمانها نام علی اعظم من مشهورتر است
و بهیچ آسمانی نگذشتم مگر آنکه ملائکه از حال علی پرسیدند و گفتند که علی و شیعیان علی را از قافله

در هفت جا احوال آنها عظیم است هنگام مردن و در قبر و در حشر از قبر و وقت پریدن نامها
از دست راست و چپ و وقت حساب و نزد میزان و نزد صراط پس ایمن خواهد بود مایین
هفت جا خدا را خواهد راضی ملاقات کند باید محالست علی و اولاد او نماید و بروایت ابن بابویه
فرموده قتال خواهی یا علی با ناکثین و قاسطین و مارقین و بتحقیق ترا برسد از ایشان شفاعت
در صد هزار از شیعه خود و محمد بشیر یک نفس علی صلوات الله علیه در شب فراشش کافی است
بجمیع خصمان محبت آن حضرت و در صحیح حضرت سجاد ع میفرماید که سلمان رحمه الله
گفت روزی نشسته بودم نزد رسول خدا صلعم که رو کرد بعلی و فرمود که یا علی بشارت دهم
ترا اینست حبیب من جبرئیل خبر میدهد مرا از جانب خلاق جلیل بدرستی و بتحقیق که علی
کرده بمحبان و شیعیان تو هفت خصلت رفق و مدارا در هنگام مردن و انس نزد
وحشت و نور در ظلمت و امنیت در فزع و تهیب و در وقت میزان و گذشتن بر صراط
و داخل شدن بهشت پیش از سایر مردم بهشتاد سال و امیر المومنین علیه السلام فرموده
دوست همدار او وقتی که جانت بگلو برسد مرا خواهی دید چنانکه دوست دارد و چون تا برسد
از پل صراط میگذرم و الحمد بدست منست و در پیش روی رسول خدا محمد مصطفی صلعم
میروم چنان مرا خواهی دید که شاد و مشعوف شوی و احادیث در این معنی متواتر است
از طرق شیعه و سنی بر آنکه محبت و ولایت اهل بیت را بشارت این فوز عظیم

بملائکه زیاده

دعا و سلام برسان و زیر عرش آمدیم علی را دیدم ایستاده گفتم پیش از من آمده جبرئیل
گفت ملکیست بصورت علی خلق شده و چون ما گروه ملائکه مشتاق او بودیم او را زیارت
کنیم بگر است علی نزد حق تعالی و در کافی حدیث جلیلی است در جلالت شان علی و شیعیان
او در جناب و ضبط ملائکه احوال ایشان را و خواندن نامه مشتمل بر اسامی ایشان از
جمیع در بیت المعمور و احاطه انوار ارواح شیعیان در عرش جعلنا الله منهم بحق محمد
و علی و آلهما الطیبین صلواة الله علیهم اجمعین و حضرت صادق ع از آبای
کرام خود روایت میفرماید که رسول خدا ص آمد و عبای تازه پوشیده بود پرسیدم این کسا را
بتو پوشانید فرمود حبیب من و صفی من و برگزیده و خاص و خلاص من و عدا کننده از جانب من
و دوست من و وارث و برادر من و آل مومنان در اسلام خالص ترین با ایشان در ایمان
پیشی ترین و جهانمرد ترین مردم در عطا سید ناس بعد از من پیشوای سفید دست
و پا سفیدان امام اهل زمان علی ابن ابی طالب اینها را میفرمود و از کمال شوق آن جناب
ولایت مآب گریه میکرد چندان گریست که ریشهای مبارک تر شد از آن گریه الا ای
آن حبیب رب العالمین در نهایت شدت محبت و غلبه مودت و اشتیاق بسوی
علی اقتدا میفرمود شناسد او را هر کس خویش را بهتر شناسد و میفرمود علی مرا بمنزله
سر است از بدن و رشحه از زلال اسرار اخبار در علی مهفتم و دهم سمت جریان

خواهد پذیرفت و آیات و خصال و یکی در آیات صحیحه وارد شده که توفیق آنها در این
اوقات مهلت مؤمن شیعه و عبر خالص را اهم باعث نجات از سکرات موت و عقوبات
قبر میشود و از انجمله اشتغال بتحصیل علم دین و تعلم و تعلیم مسائل شرع متین و فضایل
این شغل بعد از ایمان عملی از آن افضل نیست در مقتاح اول مذکور شده و خلاصه
آنها در علی دهم همان رساله مسطور است و مشغول است از و حی مور را یاد گیر خیر را ویا
ده پس بتحقیق نورانی سیکنم قبر ان معلمان و متعلقان خیر را تا وحشت نگیرند
از نجات خود و از رسول خدا ص در حدیث طولانی که طالب علم از دنیا بیرون
نمرود و قبض روح نمیشود تا از حوض کوثر ننوشد و از میوه بهشت تناول کند
و چهل روز در قبر کرم نمیخورد و خوش بحال طالب علم و بعد از فضایل بسیار فرمود
اینها همه در تحت این آیه است که یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم
درجات و فرمود عالم عامل و امیر عادل چون بمیرند ریگ و گوشت ایشان را نمیخورد
و استخوان ایشان نمیپوسد بلکه تازه میماند تا قیامت مشهور است که رشید بالله
تحریر صحت این حدیث قبر نوشیروان را که پیغمبر ص از عدالت او خبر داده
بود شکافت و صحیح یافت و ثقات نقل کرده اند که بعض قبر سید مرتضی را
شکافتند جسدش تازه بود و مشهور است که مولانا عبدالله شوشتری را وقت

نقل تازه یافتند مگر جای انگشتری که از اهل دنیا هدیه قبول کرده بود و از انجمله زیارت
و گریستن و گریانیدن و سعی نمودن در مصایب اهل بیت رسالت ص خصوصا مرثیه و
آل عبر را علیهم السلام و افتخار بر رتبه شهادت و هدیه برای ایشان فرستادن نماز
و صلواة فرستادن چنانکه حضرت صادق صلواة الله علیه فرمود هر کس بر امام حسین گریه بکند
بر امام حسین ع و هرزو بشنود پیش از وقت مرگ پدران من حاضر شوند نزد
تو و سفارش کنند ملک الموت را برای تو و بشارتها دهند ترا و دیده تو روشن
شود و شاد گردی و ملک الموت بر تو مهربان تر باشد از مادر مهربان مشفق پس
حضرت گریست و من گریستم بعد از آن فرمود هر که گریان شود برای ترحم
بر ما البته حق تعالی رحمت خود را شامل حال او گرداند پیش از آنکه اشک از دیده او بیرون
آید و چون آب دیده بر رو جاری گردد اگر قطره از اشک او در جهنم ریزد حرارت
آن را فرو نشاند و هر که دلش برای ما بدرد آید در وقت مردن چون ما را ببیند
شاد شود و آن شادی از دلش برطرف نشود تا در حوض کوثر بر ما وارد شود
و کوثر اینقدر از لذتهای طعامها بکام دوستان ما میرساند و نمیخواهند از
آنجا بر گردند و جمیع بویهای خوش را بمشام او میرسانند و میگویند مرغ
را ضیم و مراد دنیا بگذارند و نعمت دیگر نمیطلبیم و هر کس بقدر محبتی

ابابا دارد

بیاد دارد لذت آن را زیرکن آب بیاید و بر روایتی قطرات آن اشک را ضبط و در ملک
اعمال او کنند و قیمت آنها در روز جزا ظاهر خواهد شد و باز بگیر فرموده حضرت
امام حسین ع نظر میکند بسوی زیارت کنندگان خود و ایشان را بهتر میشناسد
از کسی فرزند خود را و بسوی گریه کنندگان خود نگرد نیست و طلب آمرزش میکند
برای ایشان و از پدران خود نیز سؤال میکند که برای ایشان استغفار کنند و گوید گریه
کنندگان بر من اگر بدانند آنچه حق تعالی برای تو مهیا کرده اند تو اینها البته شادی تو زیاده
بر اندوه تو خواهد بود و از خدا سؤال میکند که هر گناهی که آن بیامرزد و فرموده
اگر گریه کنی بر حسین ع تا اشک تو جاری شود خدا جمیع گناهان ترا
بیامرزد و صغیره و کبیره کم یا بسیار اگر خواهی خدا را ملاقات کنی پاک پس
زیارت کن حسین ع اگر خواهی در غرفات بهشت با ما باشی پس لعن کن بر قاتلان
امام حسین علیه السلام اگر خواهی ثواب شهدای کربلا داشته باشی هرگاه مصیبت را
یاد کنی بگو یالیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما و ثواب هدیه بارواح
مطهره ایشان ثواب عظیم است ابن طاووس در اسناد خود در جمال الاسبوع
از ائمه طاهرین صلواة الله علیهم اجمعین روایت فرموده که هنگام مرگ پیش
از آنکه روحش بپرد نزد او گویند یا فلان رسید هدیه تو با و والطاف تو برای

پس هر روز زیارت و ملاقات ایشان است پس اگر خواهی چشم روشن باشد بسبب آنچه حق تعالی برای تو مهیا کرده را

و گفت که از کیفیت هر یک پرسیدیم فرمود که نماز شب بمنزلت هدیه ایست برای رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم

اجمعین و اگر تواند بر نماز پنجگانه زیاد کند اگر چه دو رکعت باشد و عمل بروایت شیخ در مصباح بهتر است و احادیث

صلوات مذکور خواهد شد و از آنجمله دفن در نجف اشرف و جریده و تلقین و بروایت دیلمی از خراص عین حیادم

نازل است سقوط سؤال و عذاب قبر با اخبار صحیحه از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و از آنجمله نماز

شب و استغفار با سحار و گریه های شب تار که از کمل علامات ایمان و انور و افضل اسباب بهجت و روشنی و ضیاء قبر

مؤمنانست چنانکه در بیان دوازدهم مذکور خواهد شد و بجهت نور نماز شب چراغیست در ظلمت قبر و از آنجمله

ادخال سرور بر مؤمن و اعانت و قضاء حاجت او و در صحیح حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که بر مؤمنی سرور

داخل کند حق تعالی از آن سرور خلقی بیافریند که هنگام موت او را استقبال نماید و گوید ای دوست

خدا بشارت باد ترا بکرامت از جانب خدا و رضوان پس همیشه با اوست تا داخل قبر شود باز

چنین بشارت دهد و چون از قبر محشور شود بشارت دهد پس پیوسته با اوست و از او جدا نمیشود و بهر هولی

در شدتی که برسد با این بشارت او را مسرور میکند آنگاه میپرسد تو کیستی خدا ترا رحمت کند گوید منم

آن سروری که تو داخل کردی بر فلان و در حدیث نبوی است که اعمال خیر نسبت با ادخال سرور بر دل مؤمن مثل

ذره ایست در جنب دریای الهی و احادیث درین معنی بسیار است که سروری که بمؤمنی یا اهل

خانه مسلمانی برسانی خدا از او آفریده که در هر شدتی انیس و جلیس او در لحد مونس و رفیق او در قیامت

معین ار تشییع ادب

معین در تشییع

اوست تا به بهشت و همچنین در قضای حوائج و اعانت و دفع کربت او فرموده اند که هر که بپوشاند برهنه مؤمنی

را بپوشاند از ثیاب و استبرق بهشت و در حفظ و ضمان خداست تا تار یکی از آن با قیست و حق و لازم

است بر خدا که آسان کند براو سکرات موت را و توسعه دهد او را در قبرش و ملائکه استقبالش کنند با بشارت

وقتی که از قبر بر آید و اینست معنی کلام خدا وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ

یعنی استقبال میکنند ملائکه ایشانرا که اینست روز شما که در دنیا بشما وعده میدادیم و در اخبار

متواتر است که عبادت خدا نشده بچیزی دوستتر از ادخال سرور بر مؤمن و در چند حدیث صحیح اگر چه

یکدانه خرما باشد و حضرت سجاد صلوات الله علیه فرمود که هر که بجای آورد حاجت مؤمنی روا کند اول حاجت خدا را

تعالی برآورده و حاجت خدا را روا کند و خدا صد حاجت او را روا کند که یکی از آنها بهشت باشد و هر که برادر

با او تزویج کند که با او انس گیرد خدا در تنهائی در وحشت قبر مونسی با او کرامت کند که با او انس گیرد بصورت

دوستترین اهلش بخدا قسم که برادر در حاجت مؤمنی دوستتر است نزد خدا از روزه دو ماه پی در پی با اعتکاف

آن دو ماه در مسجد الحرام و در صحیح حضرت صادق صلوات الله علیه منقولست که هر که خواهد که تخفیف دهد خدا

از او سکرات موت را پس باید که صله رحم و بر والدین بجا آورد و از رسول خدا منقولست که حق تعالی عذاب

قبر را از ایشان بر میدارد و حشرشان با فاطمه زهرا خواهد بود و صبر کنند بر غربت شوهر و بر کج خلقی او بحتمته

مهربانی و از آنجمله ملازمت مسجد و جماعت چنانکه بسند معتبر از رسول خدا منقولست که هر که بسوی

مسجد رود برای نماز جماعت هر قدمی هفتاد هزار حسنه و همچنین هزار درجه دارد و اگر برانی مداومت

۱

سیم تا دیگر میگوید مدد کنید صاحب خود را و اگر عاجز شوید من او را دمیابم و بروایتی چون در

قبر عذابی متوجه او میشود اگر مداومت مینمود بر سوره الم سجده و ملک و سوره ملک نزد او ایستاده

مانع شود و سوره الم گوید باش نامن شفاعت پروردگار عالم را بیاورم پس عذاب از جانب راست

او میل کند و نماز حایل شود و از طرف چپ او حایل شود و چون از گوشه سر او آید که شما آتش را از دو

در گرد دید من مهیا شده ام برای او نزد میزان و صراط و عرض اعمال او بر خدا ابوذر ص آمد نزد

کعبه ایستاد مردم را بسوی موعظه خود خواند و توشه سفر آخرت تحریص مینمود پرسیدند

از توشه این سفر فرمود یکی روزه در شدت گرما برای حشر روز نشور و حجی بکن برای عظایم

امور و دو رکعت نماز بگذار در تاریکیهای شبها برای وحشت قبر کلمه خیری بگو و از شر ساکت

صدقه بمسکین بده شاید که نجات یابی ای مسکین از آن روز عسیر پر شور دنیا را دو درهم

قرار ده یکی را صرف نفقه عیال خود کن و یکی را برای خود بآخرت بفرست سیم بخواه که ضرر

میکنی دنیا دو ندا را دو حرف بگو یکی در طلب حلال و دیگری برای آخرت سیم که

که ضرر دارد و نفع ندارد و حضرت صادق ع فرمود که چهار حج بجا آورد هر کز فشار قبر باو نرسد

و چون بمیرد خدا حجتهای او را در احسن صورتها که تواند بود متمثل گرداند که در میان

قبر او نماز کنند تا حشر که از قبر بیرون آید ثواب آنها از او باشد و در احادیث در مطلق حج وارد شده

که مانع عذاب قبر است و در صحیح وارد شده که میت در قبر حسرت ها میبرد و کاش بعوض

کند تا بمیرد خدا هفتاد هزار ملک موکل کند که در قبر او عبادت کنند در تنهائی قبر مونس

او باشند و برای او استغفار نمایند تا مبعوث شود و فرمود هر که اوقات نماز را تفحص

و ملاحظه و ضبط نماید ملک الموت با او در هنگام قبض روح تلقین و شهادتین نماید و از و شیاطین

دور کند و فرمود که خدا نظر رحمت از عذاب قبر حفظ نماید مؤذن و شهید و کسی

که شب جمعه فوت شود و در حدیث معراج میفرماید که دیدم بر در آسمان ششم نوشته بود لا اله الا الله

محمد رسول الله علی ولی الله و هر که توسعه قبر خواهد باید که مساجد بسازد و هر که دوست دارد

کرم او را نخورد در زمین باید ساکن شود بمساجد و هر که خواهد تا زنده بماند در زمین و بپوسد فرش

نماید و در حدیث دیگر فرمود که هر کس مسجد را روشن کند خدا قبر او را روشن سازد تا چراغ روشن است

ملائکه برای او استغفار نماید و بروایت ابوالدرداء فرمود هر که بعد از نماز صبح بنشیند در مصلی

بتعقیب تا آفتاب برآید خدا ده چیز باو عطا کند از آنجمله با ایمان و توبه مردن و وسعت قبر بحسب

چون برق از صراط گذشتن و بهشت رفتن و در صحیح حضرت باقر ع میفرماید که هر که رکوع را تمام

بجا آورد وحشت قبر ازو بلند و ایضا حضرت صادق ع فرمود که چون مؤمن را داخل قبر

میکنند نمازش از دست راست او می ایستد و زکاتش بدست چپ و بر سر او احسان بپدر و مادر و غیر ایشان

بر سر او مشرف میشود و صبر بعیده روزه یا صبری که در راه خدا کرده باشد بمشقت عبادت یا در معصیت

یا در مصیبت که سر ایمانست بکنار می ایستد پس چون منکر و نکیر داخل قبرش میشوند صبر بان

سیم تا دیگر

کل دنیا حجی داشته بجهة آنکه آنچه مشاهده میکنند از نعمتها در اهسته اکر برای حاج آماده شده
واز انجمله حفظ قرآن وکثرت تلاوت آن با قواعد وآداب وارکان خصوصا در نماز شب
چنانکه در تفصیل خواهد آمد خصوص مواظبت بعض سورها که باخبار صحیحه دفع شدت
سکرات موت وعقوبات قبر مینماید علی الخصوص سوره ن ویس و زخرف ودخان
وحم عسق وق والذاریات وملک ون والنازعات وقیامه وزلزله والهیکم
وملازمت توحید شروحی که در باب هریک در مفتاح [illegible] روضه چهارم مرقومست
وحضرت باقر علیه السلام فرمود هر مؤمن بخواند این کلمات را من ضامنم برای او در دنیا وآخرت
اما در دنیا حضرت ملک الموت او را بشارت میدهد هنکام مردن ودر آخرت
پس بعد در فرح حق تعالی او را در بهشت با وکرامت کند ابلست یا اسمع
السامعین ویا ابصر الناظرین ویا اسرع الحاسبین ویا ارحم الرا
حمین ویا احکم الحاکمین ومناسبت بعد از سوره مذکوره در حال خصوصا
در سجده بکرات حالی که شیخ رحمه الله در مصباح روایت کرده اللهم اعنی علی
غمرات الموت اللهم اعنی علی سکرات الموت اللهم اعنی علی
غم القبر اللهم اعنی علی ضیق القبر اللهم اعنی علی ظلمة القبر
اللهم اعنی علی وحشة القبر اللهم اعنی علی اهوال الی

یوم القیامة اللهم بارک لی فی طول یوم القیمة اللهم وزوجنا الحور
العین ومیرداماد در منتخب خود از رسول خدا ص روایت کرده که اینده عا بخواند تا سالی و سهولتی
قبض روح او شود که هنکام جان دادن دعا بخواند اللهم یا ملک الموت طیبنی للموت
واصلحنی قبل الموت وارحمنی عند الموت وهون علی سکرات الموت
ولا تعذبنی بعد الموت وارضنی لا ملک الموت یا فاطر السموات
والارض انت ولیی فی الدنیا والآخرة توفنی مسلما والحقنی بالصا
لحین ودر تضاعف ادعیه واوراد تعقیبه در این باب بسیار است خصوصا تعقیب
ظهر از حضرت زهرا علیها السلام در معنی تمام است ولکن بخصوص دفع شداید قبر واهوال عالم
برزخ بر خطر بلکه فزع اکبر محشر بهتر دعا مناسب از مناجات امیر المؤمنین علیه السلام استغاثه منقیه
که بعد از تهجد سنت مؤکد است بجهت عنقریب در لحد خواهی خوابید مثال بعان حال برزخ تلال
خود را برابر نظر حسرت مستقبل دار تشنه با کمال تضرع وزاری ونوحه وسوز مقرون بخواند الهی
الهی کانی بنفسی وقد اضجعت فی حفرتها وانصرف عنها المشیعون
من جیرتها وبکی الغریب علیها لغربتها وجاد بالدموع علیها
المشفقون من عشیرتها ونادیها من شفیر القبر ذو ودّها ورحمها المعادی
لها فی الحیات عند صرعتها ولم یخف علی الناظرین الیها عند ذلک

صرفاقتها ولا علی من رآها توسدت الثری عجز حیلتها فقلت ملائکتی فریدا نا
ئی عنه الاقربون ووحید جفاه الاهلون نزل بی قریبا واصبح فی
اللحد غریبا وقد کان لی فی الدنیا داعیا ولنظری الیه الیه فی هذا المقام را
جیا فتحسن عند ذلک ضیافتی وتکون ارحم بی من اهل وقرابتی الهی
کیف ایئس من حسن نظرک الی بعد مماتی وانت لم تولنی الا
الجمیل فی ایام حیوتی الهی تتفجع انفسنا من النقلة عن الدیار
ان لم توحشنا هنالک من مرافقة الابرار الهی ارحمنا غرباء
اذا تضمنتنا بطون لحودنا وغیبت باللبن سقوف بیوتنا واضجعنا

مساکین علی الایمان فی قبورنا وخلفنا فرادی فی اضیق المضاجع وصرعتنا المنایا
فی اعجب المصارع وصرنا فی دار قوم کانها ماهولة وهی منهم بلاقع الهی
اذا جئناک عراة حفاة مغبرة من ثری الاجداث رؤسنا وشاحبة من تراب
الملاحید وجوهنا خاشعة من افزاع القیمة ابصارنا وذابلة من شدة
العطش شفاهنا وجائعة لطول المقام بطوننا وبادیة هنالک للعیون
سوآتنا وموقرة من ثقل الاوزار ظهورنا ومشغولین بما قد دهانا عن
اهالینا واولادنا فلا تضعف المصائب علینا باعراض وجهک الکریم عنا
وسلب عائدة ما مثله الرجاء منا الهی للنار ترتبنی امی فلیتها لم تربنی ام للشقاء

ولدتنی فلیتها لم تلدنی الهی انهملت عبراتی حین ذکرت عثراتی وما لها

لا تنهمل ولا ادری الی ما یکون مصیری وعلی ما ذا یهجم عند البلاغ مسیری واری

نفسی تخاتلنی وایامی تخادعنی وقد خفقت عند راسی اجنحة الموت

ورمقتنی عن قریب اعین الفوت فما عذری وقد حشی مسامعی

رافع الصوت الهی قد رجوت ممن البسنی بین الاحیاء ثوب عافیة

ان لا یعرینی منه بین الاموات بجود رافته ولقد رجوت ممن تولانی

فی حیوتی باحسانه ان یشفعه لی عند وفاتی بغفرانه یا انیس کل غریب

انس فی القبر غربتی ویا ثانی کل وحید ارحم فی القبر وحدتی ویا عالم السر

والنجوی

والنجوی ویا کاشف الضر والبلوی کیف نظرک لی بین سکان الثری وکیف

صنیعک لی فی دار الوحشة والبلی فقد کنت بی لطیفا ایام حیوة الدنیا

یا افضل المنعمین فی الائه وانعم المنعمین علی اولیائه

یا خیر من دعاه داع وافضل من رجاه راج بذمة الاسلام اتوسل الیک

وبحرمة القرآن اعتمد علیک وبحق محمد وآل محمد ع اتقرب الیک فصل

علی محمد وآل محمد واعرف ذمتی التی رجوت بها قضاء حاجتی

برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین

وسلم تسلیما کثیرا والجناب ولامات بعد از این مناجات خطاب بنفس نفیس

خود می نمودند در تا خیر تدارک این سفر پر خطر وقول بی عمل عتاب مینمودند سیفرمودند در عقبه

سؤال از جهاد مذکور است و بدانکه بعض احوال اهم سبب شدند موافق آیات و روایات برای

مؤمن هم باعث شدت سکرات مرگ واهوال قبر میشود مثل افساد و تفتین و درشتی با مردم

و بدخوئی خصوصا با اهل خود و انس بزخارف دنیا وغیبت و دروغ و تهمت چه بحدیث

نبوی ص عمده عذاب قبر از این سه امر است و ترک نفتن شارب چه بحدیث نبوی ع نکیر و منکر

غضبناک بر او وارد خواهند شد و بروایتی فرمود یا علی هر که موی لب نگیرد از ما نیست و

شفاعت ما را در دنیا بدو هر که شارب دراز کرد دائم همیشه در لعنت خدا و ملائکه

باشد و دعایش مستجاب نشود و قبض روحش دشوار باشد و عذاب قبرش شدید باشد

و بهر موئی از او ماری و عقربی برو مسلط باشد و در عذاب باشد تا قیامت یا علی هر که بعبارت

کم در بهر موئی ثواب صد قم صد من طلا دارد که من هفتاد رطل و هر رطل هفتاد قد و مثل کوه

احد و قهقهه که بحدیث نبوی صلعم باعث ظلمت قبر است و بروایت خنده

در مسجد ظلمت قبر است و نومید کردن مؤمن در حاجت او که بحدیث صحیح مار

عظیم در قبر همیشه او را خواهد گزید تا حشر و بی احتیاطی در طهارت و بی باکی از نجاست

خصوصا بول و غیر اینها بتفصیلی که در عیون عقبات بهمت جریان خواهد یافت بعون

الله تعالی

که بسبب الحادوات و تجربه تا تیر تام در تنبیه غافلان از خواب

حسرت و خذلان دارد بدانکه وقایع موحشه آخر الزمان بسیار است و مابر کر غرایب آنها

بعض کتاب که از اخبار متواتره و آثار معتبره مرتب شده التفات میکنم تا موجب عبرت صاحبان

بصیرت گردد پیش از ورود آن احوال باید در این اوقات فارغه هر کس فکری و تدارکی

برای زاد و کالی و راحت جاودانی خود ممهد و مهیا سازد و آنها تقریبا بیست

واقعه کلیه هایله است که عموم خلایق را واقع میشود از خروج دجال و یاجوج و ماجوج

و سایر مفسدین و بر طرف شدن دو ثلث مردم بموت احمر و اکثر ~~عموم خلایق~~

~~را واقع میشود از خروج~~ دجال بیض و اسود و ظهور انواع آیات هایله آسمانی

و خروج آثار یا قائم آل محمد ص و نزول حضرت عیسی ع و ظهور دابة الارض و دخان

و آن باران چهل شبانه روز برای روئیدن گوشت اهل قبور و قیامت صغری

که راجعت مردگان است بدنیا و محاربه حضرت امیر المؤمنین ع با شیطان که هر که

چنان محاربه تشکیل و کیفیت وقوع واقعه هایله ادابر و امر و فزع اکبر و نفخه اولی و ثانیه هنگام

حشر و مجاری حالات مذکوره را بترتیب که حقیر تتبع و از اخبار متفرقه و آثار متعدده جمع

و مرتب نمود در سه جدول است جریان مییذیرد در ارشاد ابو قایعی که بیش از

ظهور حضرت خاتم الاوصیاء ع صورت ظهور خواهد نمود در مجملی کیفیت

ظهور آنحضرت و کلیات وقایع سلطنت آنحضرت بطریقی که بلاغت عبرت و

تنبیه ناظران گردد در ذکر سوانح بعد از آن تا قیامت کبری

در وقایع متقدمه بر قیام قائم آل محمد ص
خروج جمعی کثیر بسلطنت
از خراسانی و یمانی و دو سفیانی و غیر ایشان
پیش از ظهور خورشید برج امامت و
ولایت بخروج مفسدین و ملحدین ظلمت فتنه و بلا و محنت و ابتلا عالم را فرو خواهد
گرفت و بحدیث امیر المؤمنین و حضرت صادق ع اول کسیکه خروج میکند از اصحاب
فتنه بعضی در مقدم ظهور حضرت قائم اصهب نام است که بمرض برص مبتلا باشد از بلاد
جزیره با شوکت و شوکت عظیم جرهمی از شام و قحطانی و بروایتی سبع از یمن و جمعی دیگر
و فرو کرد ظلم و فتنه ولایات ایشان آنگاه خروج کند بر ایشان سمرقندی از خراسان
با علم سیاه و سفیانی از اولاد عتبه بن ابی سفیان از شام با علم سرخ بنشد بنیرو زهد و جلب
قلوب او باشد و همان روز خروج او یمانی خروج نماید از یمن با علم سفید مانند دو اسب
که یکروز تاز ند پس سفیانی بر قهستانی و اصهب و جرهمی غالب و در اطراف مبالغه در قتل
و فساد نماید و بدفع خراسانی متوجه روم شده نصرانی بر گرد د پس قصد یمانی
نموده بعد از محاربات منهزم گردد آخر یمانی او را با پسرش جسر بنهاد از بند جدا کند و بابکی
جدا کند و بایمانی سید حسینی از اقصای بلاد مشرق خروج کند و چین و ترک و هند و خراسان را
بقهر بگیرد و بعلم یمنی گیلان و طالقان و قزوین اجابت او نمایند و او کوفه را آباد و بصره را
خراب کند و چون مقارن قیام قائم در جهاد سفیانی شهید شده و بعد قائم ع رجعت نماید

از الیمانی

وچون یمانی و پسرش بانتظار فرج آل محمد ص برحمت الهی روند دجال و سفیانی دیگر خروج
کنند و مبالغه در اغوا و اضلال خلق نمایند تا آنکه قائم ع بعد از ظهور و رفع کوفه لشکر با شهرها
متفرق سازد برای دفع عمال دجال اما خلاصه کیفیت خروج دجال بد شکال که اشد فتنه ها است
و پیغمبران داده اند از شرّ او قوم خود ترسانیده اند بمخالفت او وصیت میکرده اند و ظاهرا
سفیانی ثانی همانست بحدیث بعض علما که روایت بهم خلط کرده اند و ظاهر نزد حقیر اینست
که غیر او است اما بالجمله امیر لشکر او است بهر حال خروج او با قیام قائم ع بحدیث محمد بن مسلم از
حضرت باقر ع در یکسال خواهد بود و روایت کرده اند که مردم در سه سال پیش از خروج او
بقحط عظیم مبتلا شوند سال اول بحبس ثلث باران و تلف شدن ثلث محصولات
سال دوم دو ثلث و سال سیم همه و قحط و غلا استعلا یابد در حیوانات و اکثر مردم برطرف
شوند و در چنین شدتی دجال خروج کند با اطعمه و آلات تعیش فراوان و بسا تعیش
گشته بند خلق بیحد و پایان حتی آنها که دانند که او ساحر و باطل است و در محل خروج او اخبار
مختلف نقل شده از مشرق و خراسان و میان شام و عراق و با صح روایات خاصه از اصفهان
بیرون می آید و یک چشم دارد در برخون و درخشان و چون ستاره صبح و میان دو چشمش نوشته
هذا الکافر که هر عالم بخواند و جاهل خبر دهد و عجایب بسیار نماید از آوردن باران و رویانیدن گیاه
و اظهار گنجهای زمین و زنده نمودن کشتگان و نمودن بهشت و دوزخ و غیر آنها اما

اما هیچ مؤمن و عاقل با آنها فریفته نمیشود با این شبهات زیرا که وجه آنها را اظهار میکند بر طبق دعوی الوهیت
و ابالبد یکی باطلست و خدا جسم و مرئی و کور و محتاج نیست پس باید مؤمنان بولایت اهل عصمت متمسک شده
صبر کنند بر شک چند ماه مرافات ایشان البته ظاهر خواهد شد و پانزده ماه ایام افساد او و در شش ماه که در کل
عالم ظاهر گشت و بعد از استقرار ملک از نه ماه بحدیث حضرت صادق ع از هشت ماه و یکروز بیشتر نخواهد
کشید و در عقب شام سه ساعت از روز جمعه کشته قائم آل محمد او را خواهد کشت و آن ملعون چون
خواهد خروج کند بر سر کوهی نشسته نعره با بلند زند صدای آن بهزار فرسخ رسد و بحدیث حضرت صادق ع
هر که میان مشرق و مغرب است از عالمیت از جن و انس بشنوند که بدو بیائید ای دوستان من
منم خالق و پروردگار بزرگ شما پس خلق عالم رو بسوی او آرند و اول روز خروج او هفتاد هزار یهود و نصاری
و بادیه نشینان و زنان و اولاد زنا و اهل شراب و غنا متابعت بسوط او نمایند و سحره جن و انس با او
ملحق شوند و با او بهشتند ابلیس و شیاطین متمرده و هر که را بکشد یکی از شیاطین بصورت او خود را
نماید و این تزویر را نام بر دم آن میکشم و زنده میکنم و گمراه میکنند خلق را باشد گمراهی و مباح
میکنند هر حرامی را بر سر دم و نماز نهاد و پسرها در کوچه ها و راهها علانیه و عریان زنا کنند و گوشت و شراب
خورند و اقسام سازها نوازند و اکثر لشکر او اولاد زنا و صاحبان کلاههای سبز خواهند بود و با نکه
زنان نیکو دارند تمام بلاد را
سوار بر الاغی کلکون و بهر گامش بحدیث علوی سه یک
میل را ثلث فرسخ است و بحدیث نبوی ص میان هر گامش یک میل و سایر اعضا

ازاین قرار

ازبرای قرار و تسخیر نمایان آفاق زمین و بغیر مکه و مراقد ائمه طاهرین ع و بهر ولایت که از آنش
افتد زلزله در کوه و دشت بدید آید و خلق اطراف بدام آن نامرد بی افتاده مرتد گردند
و سفیانی لشکر عظیم بمدینه فرستد بسرداری یکی از بنی امیه خزیمه نام که بر چشمهای او ناخنک
باشد و بروایتی یکی چشم او کور باشد پس مدینه را بتاراج و غارت کنند و صغیر
نفر بکوفه فرستد پس شصت هزار نفر با اهل کوفه هجوم نمایند و در عیدی با میر ایشان جبار
صاحب باشد و سید علوی که نفس زکیه است با هفتاد نفر از صلحا از نجف اشرف بیرون
آیند حضرت صادق ع میفرماید که گویا نظر میکنم نیزه ها و شمشیرها و متاعهای ایشان را
و لختی بر دیوارهای نجف روز دوشنبه و شهید خواهد شد روز چهارشنبه و گویا می بینم
سردار لشکرهای سفیانی را که در رحبه کوفه منادی او ندا کند که هر که بکشد شیعه علی بن
ابی طالب ع بیاورد هزار درهم جایزه یابد پس همسایه به همسایه خود را
و در ده جایزه گیرد و گویا می بینم نقاب داری را و بدرجه او میشناسد شمالی و
نمیشناسد یکی را و بس پس تا به یکی یکی شماره کن نمیدهد تا نیست او و مکر و کید
الله فاد آتش فتنه بالا گیرد و میان کوفه و حیره بلکه تا کربلا و در یکساعت روز
در کوفه چندین هزار نفر کشته شوند بحدی که مردم تا سه روز از آب فرات تنفر کنند
از شدت خون و گند جسدها و خوش حال کسی که از فرات عبور نماید و در کوفه و دمات

نباشد ودران سفر مکر بهترین بلاد دست سوار بر سید چه باید کرد حضرت صادق ع فرموده
کرموران او پنهان کنند و بر عیال باکی نیست تا انکه سفیانی و دجال باسردار او بربلاد
شام مستولی شود پس بکوچید بسوی صاحب جفر بعنی قایم آل البیت م خروج کرده و بحدیث نبوی
بیش تر عوار دن شهر ملعون بغداد رشوند قتل بردان واسیر زنان کنند پس بکوفه فرود آیند
واهالیان آن را خراب کرده انکاه علم هدایت از کوفه برایشان تاخته بکیریو ها نکنند واسرا
وغنایم بر بر کردانند ولشکری که ملعون بمدینه فرستد بعد از غارت مدینه و مسجد بعزم
خرابی یا کرفتن کر یختها بعدی روی بکاه اوند و همه بزمین بیدا فرو روند و بحدیث علوی
بیرون آید از بغداد سرداری با پنج هزار ساهر و کشته خواهد شد بر سر جسر هفتاد هزار نفر بجدی
که سه روز از فرات تنفر کنند و هفتاد هزار بکر طاهره از کوفه بعد از بغداد یا حوالی کوفه
اسیر شوند و دست نزده بمحمل ها کذاشته برند و آخر از کوفه صد هزار نفر مشرک و منافق بدمشق
حرکت کنند پس یمانی رضی الله عنه که از مشرق خروج نموده حضرت باقر ع میفرماید
که کنج های طالقان اطاعت او کنند که یا من سیم اصابه سرخ بر سر با دوازده هزار نفر از
فرات عبور کنند المین که شنبد بدنبا بید بسوی او اکر چه بدست و یا بر روی برف باشد و
شاید غیر یمانی اول باشد باخراسانی و او کوفه شوند بطلب خون کشتکان و پدران
ودران وقت درمیان مشرق و مغرب سه هزار هزار کشته میشوند پس در شب جمعه

بیست و سیم

بیست وسیم ماه رمضان ندای آسمانی بشنود و فرمایش آفتاب تیره و سیاه میکردد
و عنقریب حضرت قایم صلوات الله علیه خروج میکند که آن صدای جبرئیل است و از انجمله
معصیت و قحط عظیم و خوف شدید و کمی اموال و تجارات مردم و محصولات باغات ملخ و غیر
آن چنانکه در احادیث معتبره باین تفسیر ما تاویل شده وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ
وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ و ابو بصیر از حضرت
صادق ع روایت کرده که ناچار است که پیش از قایم ع بر سر مردم کرسنگی و خوف شدید
پس آیه را نشان آورد و بشارت در آیه بتعجیل فرجست که منتظر خواهد شد جابر کوید
که حضرت صادق ع فرموده که جوع عظیم در کوفه مخصوص دشمنان آل محمد است که هلاکشان
خواهد کرد و در شام عام خواهد بود که جوع و خوف عظیم خواهد شد که مرکز نشده و جوع پیش از قیام
قایم آل محمد ع خواهد بود و خوف بعد از آن و بروایت ابو بصیر در آیه سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا
فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ فرمود که خواهد نمود در نفسهای
ایشان مسخ در آفاق کمر آنها تا دانند که خروج آل محمد ع حق است و بحدیث حضرت صادق ع
آیات انفس خسف و قذف است دفرو رفتن مردم در زمین در مغرب و مشرق و پیدا خواهد شد و
فرموده که در معنی عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ که یا ابا بصیر کدام
رسوایی از این شدیدتر که مردم در خلوت خانه خود باشند باعیالش که ناکاه اهلش که بیاران چاک

زنند و فریاد کنند که فلان حالا مسخ شد واین پیش از قیام قایم آل محمد خواهد شد برطرف
شدن دو ثلث مردم بسبب موت احمر و ابیض و اسود و موت احمر بشمشیر ظالمان و ابیض بقحط
و غلا و اسود بطاعون عظیم دریا که بحدیث حضرت صادق ع پس سبع مردم
تلف شوند ظهور باد سیاه در بغداد پس زلزله شود و اکثر شهر بزمین فرو میرود در
آیات آفاقی ظهور کوکب دنباله دار از مشرق که چون ماه روشنی دهد و بروایتی
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرمایند که چون از ابر ببینید توبه کنید
سرخ از طرف آسمان و آتش طولانی بزرگ از مشرق تا چند روز این علامتیست که در قیامت
ظاهر خواهد شد و مردم بسوی محشر خواهد راند و حضرت باقر ع میفرماید که در انوقت
منتوقع فرج آل محمد ع باشید کرفتن آفتابست در نصف ماه رمضان و در آخر آن
بعکس قاعده نجوم و طلوع و طلوع آفتاب از مغرب بعد از حبس سه شبانه روز زیر کره
زمین و اجتماع آن با ماه و این اعجب علامات قریب قیام است و مجمل این قضیه عجیبه بحدیث
ابن عباس چنانست که هر شام آفتاب بر زمین سر عبودیت میکذارد و بحر باذن جدید طلوع
مینماید بمضمون وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا بر تفسیر حدیث نبوی که حالش براین
مجری جاریست که ظلمت معاصی از ادانی و اقاصی شایع و نور امر معروف
و ترحم بهم و نهی منکر مختل و ضایع کرد و چون آفتاب در شب معهود عرض سجود

والسنبذان

واسنبذان عابد بهیچ جواب شرف خطاب نیابند تا ماه با آن هم رسیده هر دو در عقده
تعویق بمانند تا مقدار سه شبانه روز طول آن شب مجتهدان دانند که اهل قلیل باشند و چشم
انتظار همیشه بر رهکذر نسیم اسحار و فیض عوالم اسرار و انوار میدارند که بعد از اوراد خود
مترقب صبح امید باشند چون طول کشند بیرون رفته بنظر بآسمان نموده کواکب را بمحل
دمیدن صبح یابند پس در ذکر بخوابند چون بیدار شده بیرون آیند شب را بجا خود
ملاحظه نمایند متفکر متوجه نماز و مناجات کشته بتوهم تخفیف از کار پیش از وقت قرار
در فکر بخواب روند چون بیدار شوند کواکب را بمقام اول شب می بینند در وحشت و دهشت عظیم
بمانند و غافلان نور کرامت و محرومان فیض سعادت در فراش غفلت سر بر بستر بلیه زیر
وحسرت از پهلو بر پهلو منقلب در معطل میباشند و عارفان دانند که همان شبی است
که همیشه ازان بر سنان و هراسان میبودند و باسید فضل الهی و بشارت بشر المشائین
الی المساجد بالظلم بالنور الساطع یوم القیامة بمساجد شتافته مشغول تضرع و زاری
باشند پس فرمان الهی بجبرئیل علیه السلام رسد که آفتاب و ماه را از زیور نور عاری از غارب
طالع کردانند پس ماه و آفتاب چنان بکریند و چنان از خوف قرب قیامت لرزان و نالان
کردند که تمامی اهل آسمانها و انچه در آنهاست و سماوات عرش بکریه آنها کریان شوند
پس آفتاب بیتاب و ماه سیاه مکدر و مکور از مشرق افق مغرب در آمده هر دو بلعون

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ باهم برفعت متابعت نمایند و چون این امر عظیم مهیب
و چنین هایل واقعه غریب نصب العین مردم گردد شور و ولوله و غوغا و شیون در میان
بنی آدم بلکه تمامی موجودات عالم از زمین و زمان بلکه کافه ساکنان هفت آسمان اشتعال
یابد که از مهابت و دهشت چنانکه در عظائم روز قیامت پرند همه و وحشت کسی از
اضطراب بحال خود و فکر خورد و خواب و مکالمه احباب نپردازد و همه بتوجه و نالزار
متوجه دعا و توبه و انابت و گریه و بیقراری باشند ولیکن باحادیث نبوی صلعم آن روز گریه و توبه فایده
ندارد و بکار کسی که با وجود مواعظ و نصایح و اهتمام حجت بیشتر کسب معرفت و اطاعت
امر خیر ایمان برای خود تحصیل نکرده باشد پس چون آفتاب و ماه بمیان آسمان رسند جبرئیل بفرمان
جبار جلیل قرون هر دو را گرفته باز بمغرب فرود آورد اما از غیر باب توبه در این حال کسی
بر نسید که یا رسول الله باب توبه کدام است فرمود که حق تعالی در آفرینش بهشت منزلی مصراع
از طلا مرصع بجواهر میان هر دو تا چهل سال راه است پس این در باز است تا صبح آن شب
پس هیچکس توبه نصوح نکرده تا امروز مگر تا آن توبه داخل آن باب شده باشد و آن روز بسته
میشود پرسیدند که یا رسول الله صلعم توبه نصوح کدام است شیر پستان بر نگردد پرسیدند
که بعد از انحال آفتاب و ماه چه منوال قرار خواهد گرفت فرمود بحال پیشتر و باز مردم
باصلاح امور دنیا و زراعت دنیا پردازند و باحادیث این واقعه پیش از نزول عیسی

و بعد از خروج

و بعد از خروج دابه مذکور شده و همچنین طغیان طوفان و دخان قال الجبار فارتقب یوم تأتی
السماء بدخان مبین شعر دستی نقل کرده اند از حضرت رسول صلعم و امیر المؤمنین علی ابن ابی
طالب علیه السلام که در عالم دودی پیدا خواهد شد که در گوش و دماغ کفار داخل شود و بر ایشان مانند گریبان کرده تمام
بخدمت نبوی مانند مستان در بر کنند میان مشرق و مغرب را تا چهل روز و شب و میان آسمان
و زمین چون خانه پر دود باشد که آتش در آن افروخته باشند و دود از سوراخهای گوش
و بینی و بر ایشان بیرون آید و مؤمنان را مثل زکام عارض شود مردم بتضرع و زاری در آمده عهد
کنند که خدایا این عذاب را از ما کشف کن که مؤمن میشویم و آخر باز بر گناهان اسرار کنند و حق تعالی
بعد از ذکر اینها انبه میفرماید أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ بعزکی منتبه
نمیشوند که متنبه نشوند از این حالت و حال آنکه اعظم موجبات تنبه و تذکر پیغمبر آنها با آیات
بسیار و مواعظ بیشمار بسوی ایشان آمده اطاعت نکرده و این علامت اول مقدمات
قیامتست   دیگر استماع صداهای آسمانی چنانکه بروایت صدوق و شیخ رحمهم الله
حضرت امام رضا صلعم میفرماید که ناچار است شیعیان را از فتنه عظیم که در آن فتنه بسیاری
از شیعیان خاص از دین بر گردند و فتنی است که سیم فرزندان حسین وفات یابد و بعد از
و امام ایشان غایب باشد و اهل آسمان و زمین بر او گریند و چه بسیار از مؤمنان که بر او حسرت
سوزناک محزون باشند و منبع چشمه امامت از ایشان مخفی باشد و چون ظهور او بسیار نزدیک شود

در ماه رجب سه آواز از آسمان بایشان برسد که همه بشنوند اول الا لعنة الله علی
الظالمین بعد آگاه باشید که لعنت الهی تابنست بر ستمکاران دوم أَزِفَتِ الْآزِفَةُ
بعوی تر دیگر شد امری که روز بروز دمبدم نزدیک میرسد سیم بدنی بپیش قرص آفتاب ظاهر
شود ندا رسد که اینست امیر المؤمنین صلعم که بدنیا برگشت برای هلاک کردن ستمکاران فرج
مؤمنان رسد و مردهها آرزوی حیات کنند و بروایت بسیار از حضرت باقر و حضرت صادق علیه السلام
اول روز خروج حضرت قایم صلعم ملکی ندا کند که بتحقیق که حق با علی ابن ابی طالب علیه السلام و شیعیان
اوست و آخر روز شیطان ندا کند که حق با عثمان و شیعه او است و مظلوم کشته شد پس
دلهای آنها که بتحصیل معرفت یقینی بهم نرسانیده باشند بشک و شبهه مبتلا شوند
نعوذ بالله و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که مرا آید زمانی که امام غایب شود از خوف کشتن و خدا
به غیبت او شیعیان را امتحان فرمود و بسیار خواهند کرد اهل ضلالت و بطالت و بکثرت ثواب
جمعی که ثابت بمانند بر اعتقاد حق و ولایت اهل بیت رسالت اینست که خدا ایشانرا ندا کند ای بندگان
کم ای بندگان من که ایمان آوردید ابدا از پیش پای من و غیبت من بشارت باد شما را بثواب
نیکو از جانب من بتحقیق که شما بحق و راستی بندگان و کنیزان منید از شما قبول طاعات
و عفو میکنم و بسبب شما باران رحمت میفرستم و دفع بلا ما میکنم راوی پرسید یا ابن رسول الله
در آن زمان چه عمل بهتر است فرمود زبان نگاه داشتن و ملازم خانه ماندن و بروایت زراره

اگر آن زمانرا

اگر آن زمانرا دریابی مداومت نماید بر این دعا اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی
نفسک لم اعرف حجتک اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک
ضللت عن دینی و ابن بابویه از حضرت صادق صلعم روایت کرده که خواهد رسید شما را
شبهه که بی علم و هدایت و امام آشکار خواهید ماند و نجات نخواهد یافت احدی از آن
مگر آنکه این دعای غریق بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب
ثبّت قلبی علی دینک و حضرت سجاد علیه السلام میفرماید که طول خواهد کشید غیبت امام دوازدهم
بدرستیکه اهل آن زمان که قائل بامامت او و ظهور او باشند بهترین اهل هر زمانی خواهند بود
زیرا که حق تعالی بایشان داده از عقل و فهم آنقدر که غیبت نزد ایشان بمنزله حضور
شده و ایشانرا ثواب جمعی باشد که در پیش روی رسول خدا صلعم جهاد میکردند ایشانند مخلصان
اخلاص که حقیقت و شیعیان ما بر راستی و خوانند کان مردم بدین الهی در پنهان و آشکار
و انتظار فرج کشیدن بهترین فرج هاست و باحادیث معتبره هر که با اعتقاد بامامت حضرت
صاحب الامر علیه السلام انتظار فرج آن حضرت کشد بمنزله کسی است که در زیر علم آن حضرت بلکه میان
خیمه آنحضرت بلکه در خون خود در جهاد دست و پا زده باشد و باحادیث معتبره
هنگام ظهور آن حضرت یکپای بکعبه و دیگری بر بیت المقدس بآواز فصیح چنان
ندا کند که همه مردم بشنوند أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ آمد امر الهی پس شتاب بیرون

مکنید و بروایتی بنام و نسب آنحضرت چنان صدا از فلک که هر که در خواب باشد بیدار
شود و هر که نشسته باشد برخیزد و هر که ایستاده از دهشت بنشیند و بعضی نداهای دیگر
از دابة الارض و ابر را در عقبش خواهید شنید و بروایتی بسیار پنج علامت پیش از ظهور
حضرت ظاهر شود صدای آسمانی و خروج یمانی و فرو رفتن لشکرش میان مکه و مدینه و قتل
نفس زکیه از سادات حسینی با هفتاد نفر از مسمی حضرت از صلحا در کوفه که در اسم
خود و پدر مسمی بمحمد قایم ع بروایتی بعد از پانزده روز از شهادت او حضرت قایم ع
خروج کند و در حدیث وارد شده که هر قومی را دولتی است و دولت اهل بیت پیغمبر ما
در آخر الزمانست پس ملازم خانه های خود باشید تا علامات دولت ما را ببینید و
نزدیکترین علامات محتوم قتل نفس زکیه و غلبه سفیانی نیست بر دلالة شام و حضرت
صادق ع میفرماید که در آن وقت بکوه حیا بسوی صاحب خود و مقدمات خود خروج آل
محمد ص باحادیث منفرقه ترتیب بسیار است و شاید بعضی از آنها واقع شده
باشد خروج خوارج از بحر فارس و پنج خالد از مشرق و قتل بسیار میان
دو طایفه عجم و عبور علم سیاه خراسانی از فرات بکوفه و خروج عرب بر شاه عجم و تو
طن ایشان در خراسان و استیلای ایشان بر شهرها و آباد کوفه و قتل سفیانی شیعه را
و خرابی دیوار مسجد آن و مسجد دمشق و خرابی و فتنه در شام و مصر و اختلاف در روایت

دارد که

در هر یک و بعضی گفته ترک و روم و خرابی بسیار بلاد بغداد و قتل عام و زلزله در ار
و واسطه و طوس و هفت سال ابن عراق عراق عرب و قحط و وبای عظیم مکرر در عرب و
و روم و نزول روم در رمله و انقراض حکام [illegible] قسطنطنیه و آب دادن قری و دیگر
نجف و ساوه و اجتماع هفت ستاره سیار و بعضی از اینها محتوم است و بعضی احتمال
تفصیل دارد و بحدیث نبوی که حضرت سجاد ع از سید شهدا ع روایت نموده که چون
هنگام خروج قایم ع میشود علم آنحضرت بر سر بر کشوده بلند میشود ندا کند آن حضرت علم
بیرون بیا یا ولی الله پس بکش دشمنان خدا را و شمشیر آنحضرت از غلاف بیرون بر آید
و ندا میکند که خروج کن که جایز نیست ترا نشستن از جهاد دشمنان خدا و بعضی
احادیث دلالت میکنند بر اینکه زودتر ظاهر میشد گناهان ما باعث تاخیر شد و در توقیع که
آنحضرت بشیخ مفید رحمه الله نوشته در فتنهای آخر الزمان میفرماید که هر گاه شیعیان
ما جمع میشدند بوفای عهد تاخیر نمیشد از ایشان شرف خدمت و سعادت ملاقات ما پس
حابس ما را حبس نکرده از ایشان مگر آنچه میرسد بما چیزی چند از ایشان که ناخوش
داریم و فرموده هر یکی از شما شیعیان باید عمل نماید بچیزی که او را بمحبت ما نزدیک سازد
و اجتناب کند از امری که او را ببغض و کراهت ما نزدیک گرداند که بتحقیق امر ظهور ما
بیکبار و ناگاه میرسد و توبه فایده نخواهد داشت توبه و نجاتش نخواهد داد از عقوبت

وندامت او در اجرای رشحه از خلاصه احادیث کیفیت ظهور آن خلاصه کاینات و فخر
موجودات و قبله اهل ایمان از کافه ساکنان ارضین و سموات و استیلای آنحضرت بر کل سلاطین
و دشمنان دین و ممالک روی زمین جعلنا الله بعزته و قدرته الشاملة من خوا
صة المخلصین و انصاره بالنبی بحق محمد و آله الطاهرین صلوات الله علیه و علیهم
ما دامت الارض و ذات الشماء بدانکه وقت ظهور آن حضرت معین نشده و پنجم
ظاهر میشود و بحدیث حضرت صادق ع هر که تعیین وقت نماید خود را در علم غیب با خدا
شریک کرده او را دروغگو بدانید پس چگونه معلوم میشود که آن حضرت است فرموده ظاهر و آ
شکار خواهد شد امر او بنهجی که حجت تمام شود بر عالم بر وفق اخبار متفرقه در طبق آثار
معتبره آن جناب ولایت مآب بعد از الهام الهی بامر خروج در سال طاق از هجرت روز
جمعه نوروز پنجم دهم محرم داخل مکه شود تنها بصورت جوانی کامل چهل ساله با لکنت
امامه از دیگر لباس رسول خدا ص در بر و نعلین آنحضرت در پا و عصای آن جناب در ید
پیغمبر [illegible] چند در پیش انداخته کسی آنحضرت را نشناخته [illegible] کعبه آید و تنها داخل
خانه شود پس چون شب در آید [illegible] از جانب حق تعالی بر آن حضرت
جبرئیل و میکائیل و صف صفا از ملائکه پس جبرئیل بآنحضرت عرض کند که ای آقا من قول
تو مقبول و فرمان تو جاریست آنگاه دست مبارک بر روی کشد و فرماید الحمد

لله

لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوأ من الجنة حیث نشاء
فنعم اجر العاملین بآنگاه میان رکن و مقام ایستاده و ندا کند نقبا و خود
بطلبد پس سیصد سیزده مؤمن از محراب نماز و فراش خود باشند از همه بلاد متفرقه بغیر
بصره جمع آیند بعضی شبانه از رختخواب خود ناپیدا شوند و بعضی علانیه سوار ابر
شده و صبح بطی الارض در برابر آنحضرت ایستاده باشند و مسئول ما بلیست کلام
الهی اینما تکونوا یات بکم الله جمیعا ان الله علی کل شیء قدیر و حضرت سپید
سبز و شمشیر که از آسمان بنام هر یک و بلارش آمده بایشان قسمت کند و عمود نوری
تا آسمان ممدود شود که هر جا مؤمنی باشد باو آن نور فرح یابد و چون صبح شود پشت بکعبه
ید و یبضا بلند نماید و فرماید اینست دست خدا و از خدا و بامر خدا پس این آیه بخواند
ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله پس اول کسی که دست مقدس آنجناب را
ببوسد و بسعادت بیعت مشرف میشود جبرئیل ع باشد و بعد از آن ملائکه و نجبای جن
و نقبا و آن گاه اهل مکه فریاد بر آورند که ایشان کیستند و چه شب چه علامتی بود که
مثل آن ندیده بودیم چون نظر کنند بغیر از چهار نفر از مدینه کسی نشناسند و چون آفتاب
بلند شود از پیش قرص خورشید منادی ندا کند بزبان فصیح که همه اهل آسمانها و زمینها
برسد که ای گروه خلایق اینست مهدی آل محمد ص و بنام و کنیت جد خود و نسب او

ذکر کنند تا علی ابن ابی طالب صلوات الله علیهم بیعت و اطاعت او نمایید تا هدایت
در یابید و مخالفت او مکنید که گمراه شوید پس صاحب گوشی در عالم نمی‌ماند مگر آنکه این
صدا را بشنوند و شیعیان رو میکنند و هجوم می‌آورند از شهرها و صحراها و دریاها و از
ایام خود ... میگیرند روز دیگر وقت غروب شیطان از مغرب ندا کند که ای خلایق پروردگار شما سفیانی
در وادی الیابس زمین فلسطین ظاهر شده بروید و متابعت او کنید پس هر صاحب شکی و منا
فقی بندای آخر گمراه میشود و حضرت قائم ص همچنان پشت بکعبه ایستاده میفرماید
که ای خلایق آگاه باشید که هر که خواهد نظر کند بآدم و شیث و نوح و سام و ابراهیم و اسماعیل
بموسی و یوشع و بعیسی و شمعون و نظر نماید بسوی محمد و علی و حسن و حسین و ائمه صلوات
الله علیهم پس نظر کنید که علامات و کمالات همگی با منست و سؤال کنید از من تا خبر دهم
بانچه آنها خبر داده‌اند و هر که کتب آسمانی و صحف انبیا را خواهد از من بشنود و آنگاه شروع
فرماید بصحف آدم و شیث و نوح و ابراهیم و توریت و انجیل و زبور و قرآن و به نحوی تلا
وت نماید که همه حکم اهل ملل تصدیق نمایند که آنچه تغییر و نقصان و از ما فوت شده
بود همه را خوانده آنگاه مردی که رو بقفا گشته بخدمت حضرت عرض کند که منم بشیر امر کرده مرا
ملکی که برگردم و هلاک لشکر سفیانی را بحضرت تو برسانم حضرت فرماید که قصه خود و برادرت
را برای مردم نقل کن گوید که ما در میان لشکر سفیانی بودیم و بعد از خرابی که در آن حسن و شهید

حضرت امام

حضرت امام حسین علیه السلام و بریدن سر اطفال و خویشان و برادران و اسیر کردن اهل بیت
رسول خدا صلعم و ریختن خونهای ایشان و هر خونی و فرج و مال و امر حرام که واقع
شده همه را بر ایشان بشمارد و اعتراض کنند که همه بشنوند غضب حلیف خدا واقع شده
آنگاه امر فرماید تا شیعیان هر که حاضر باشند از ایشان قصاص کنند پس بازایشان را
بر درخت کشیده بآتش امر فرماید که از زمین بیرون آمده که هر دو را با درخت
بسوزاند و باد را امر فرماید که خاکستر نجس ایشان را بدریا بپاشد پس مردی از اصحاب
خود را بمدینه حاکم کند و توجه کوفه شود آنگاه نامه سفیانی بمدینه رسد که حضرت را
اندر میکند بید مردهای شما را و زنان و ذریه شما را اسیر خواهم کرد پس عامل آنحضرت بر
میگردند خبر بحضرت رسیده مراجعت مینماید و قتال بسیار در مدینه خصوصا از قریش
میکنند پس حاکم دیگر تعیین فرموده بر میگردد تا بنجف اشرف و حضرت باقر ع
میفرماید که گویا نظر میکنم با حضرت که بنجف و کوفه بالا میرود با سیصد و ده
نفر که دلهای ایشان مانند پاره‌های آهن جبرئیل از دست راست آنحضرت و میکا
ئیل از چپ آنحضرت و رعب پیش او و پشت سر او یکماهه راه امر فرماید که امشب
عبادت خدا او را بچهار هزار ملک و چون بنجف بر آیند با اصحاب خود فرماید
که امشب بعبادت کنید پس مشغول طاعت و عبادت و تضرع باشند تا صبح

روانه از راه نخیله بمسجد ابراهیم ع رسیده حضرت دو رکعت نماز بجا آورده و از کو
فه که خندق محکم دارد بیرون آیند ایشان و خبر ایشان از لشکر سفیانی پس حضرت با
با اصحاب خود فرماید که والله یکی را نخواهند گذاشت که از خندق بگذشتم بشهر
خبر برد پس کوفه هجوم آرند و سفیانی اول از در تسلیم و بیعت در آید و بحدیث حضرت
صادق ع سفیانی از کوفه بیرون آمده و گوید این عم من بیرون آید پس بعد از مکا
مکالمه با حضرت بیعت کند قوم او بنی کلب او را توبیخ نموده و بمحاربه حضرت باز
دارند پس بعزم کارزار روز چهارشنبه بیرون آیند حضرت ایشان را نصیحت کند
و حقیقت و مظلومیت خود را بایشان بشناساند گویند از انکار که آمده ای برگرد ای
پسر فاطمه ما را بتو حاجتی نیست پس آن روز بی قتال متفرق شوند و روز جمعه
بجنگ بیرون آیند و تیری از مسلمانان از لشکران حضرت بکشند پس در آنوقت فرزند
اسد الله علم رسالت پناه را باز کنند و نازل شوند ملائکه جنگ بدر پس آنحضرت و اصحاب
حمله کرده و لشکر سفیانی را چنان بکشند که همه فانی شوند و بقیة السیف کوفه رو بگریزند
به کوفه داخل کنند و حضرت میگشاید ایشان را تا بازارهای شهر که یکی از اولاد آنحضرت که
بعد از حضرت از ان شجاع‌تر و قوی‌تر نیست گویا همین حسن است که بحدیث
حضرت صادق ع با دوازده نفر از طالقان بکوفه آید و بحضرت ملحق شده گوید

چرا اینقدر میکشی

چرا اینقدر میکشی آیا عهدی از رسول خدا صلعم داری آنگاه یکی از موالیان حضرت
گوید ساکت میشوی یا گردنت را بزنم پس حضرت عهدنامه از رسول خدا صلعم بآن نماید
پس او بگریه نماید پس حضرت بدستور خدا امیر لشکر سفیانی را که اسیر شده در زیر درخت
جره طرف شام ذبح کنند دکان خضری در کوفه بلند است در سنگر و درختی که دشمنی با آن
پناه برده او را نشان دهد و سباع و وحوش و طیور را از گوشت کفار سیر شوند پس حضرت
به نجف اشرف فرود آید با چهل و شش هزار ملک و مثل آن از جن و سیصد و سیزده مؤمن در
خدمت آنحضرت باشند و ملائکه که بودند با نوح در کشتی و با ابراهیم در آتش و با موسی در
شق دریا و با عیسی در عروج آسمان و چهار هزار مسومین و هزار مردفین که مدد کردند
در جنگ بدر رسول خدا صلعم نازل شدند و چهار هزار که بر حضرت امام حسین ع نازل
شده رخصت جنگ نیافتند و در آن وقت ملائکه و جن با مردم الفت و معاشرت
میکنند و از پشت کوفه هفتاد هزار نفر صدیق خدا مبعوث کند که اصحاب
و انصار آنحضرت باشند و گنجها و معدنهای زمین بر آن حضرت ظاهر شود و انواع بلاها مسخر
آنحضرت گردد و حضرت را شوکتی باشد و بهر جا توجه فرماید یکماهه راه رعب بدلها افتد و
قوتی داشته باشد که بزرگترین درختان را از ریشه برکند اگر دست انداز د و آن
حضرت را هیبتی باشد که هر گاه در میان کوهها فریاد برزند همه از هم فرو ریزند و ادا

فراستی باشد او هر که را ببیند بسیما بشناسد که او مؤمنست یا منافق نیکوکردار است یا بدکردار و خود سایه
ندارد و در همه جا ابر بر سر او سایه کند و صدای فصیح از ابر بر آید که این مهدی آل محمد است ص
و زمین در زیر پای آنحضرت و لشکرش پیچیده شود و با او باشد آثار انبیاء و از انجمله عصای موسی
او هر وقت اژدها اژدها شود و میان او کامش چهل گز باشد و هر چه را فرماید فرو برد و سنگ
آنحضرت را بار شتر است از مکه تا کند که کسی توشه بر ندارد و آن سنگ را نصب کنند و هر منزلی
دوازده چشمه از آن جاری شود و طعام و علف بیرون آید و چون ساکن نجف شود و پیوسته آب
و شیر از آن جاری شود و پایتخت در کوفه خواهد بود و محل قضا ایم در مسجد سهله و خلوتش نجف اشرف
و مؤمنی نماند مگر در کوفه یا حوالی کوفه یا اهل کوفه باشد و قیمت جای اسبی بدو هزار درهم باشد و مردم آرزو
کنند و کاشکی شبری از آن زمین را بخرند به شبری از طلا و وسعت کوفه بهجده فرسخ برسد و قصرهای او
متصل شود بکربلا و پیوسته محل تردد ملایکه باشد و بوستان و شأن عظیمی خواهد داشت و آن قدر برکت
در انجا باشد و اگر مؤمن در انجا دعا کند خدای تعالی صد هزار برابر دنیا عطا کند پس در اینمقام جناب
حضرت صادق عم آهی کشید و فرمود و فرمود بتحقیق که بقعهای زمین بهم تفاخر کردند پس کعبه بر کربلا
تفاخر کرد حق تعالی وحی فرمود بکعبه که ساکت شو و فخر مکن بر کربلا و فرمود که برای شیعیان ما در او
خیر و برکت [illegible] مهیا است تا قیام قایم عم و در روایتی از پشت قبر حضرت امام حسین علیه السلام
نهری بسوی نجف جاری شود و بدریای نجف ریزد و در میانش پلها و آسیاها ساخته شود و حضرت

فرموده کیا بمن

فرموده که بآب سیر ضعیف کند سوار بر سر نهر کربلا و آسیا کند با کرامه و چنان امنیت
بهم رسد که سباع ضرر بحیوانات نرسانند پس حضرت مهدی صلواة الله علیه جمیع بدعتها را
برطرف کند و قرآن تمام را و سنتهای متروک و معطل مانده بر پا دارد و بغیر اسلام
راضی نشود و جزیه و نفاق ~~نپذیرد~~ نپذیرد و زانی محصن را سنکسار کند و هر که زکوة
نداده باشد کردن زند و بعلم خود حکم کند و بسیار از دل کسی که در خدمت آنحضرت ایستاده
امری را و ظاهر شده فرماید او را کردن بزنند و بروایتی دیگر متعرض عقوبت آنچه
از ظهور واقع شده نخواهد شد چنانکه رسول خدا ص از زمان جاهلیت عفو فرمود پس
در غیر زکوة و زنا خواهد بود و دست مبارک خود را بر سر مؤمنان کشد و عقل ایشان کامل
شود و هر شیعه را قوت چهل مرد باشد با دل محکم تر از قلعه آهن و دشمن را اگر خواهند کوه را از جا
بکنند و همه اشیاء اطاعت ایشانرا بکنند حتی درندگان و رمان فخر کنند و یکی از
اصحاب حضرت قایم عم پا برادر بکذارد و کوش و چشم ایشانرا نور بیاید و در هر جا
باشند بمخاطبه آنحضرت مشرف شوند و جمیع امراض و کینها از سینها ببرکت آنحضرت
از ایشان برطرف شود و قروض شیعیانرا ادا کند حتی دانه خردل و برکت
عظیم در مال [illegible] و عمر و اولاد ایشان بهم رسد و فقیر برای زکوة بهم نرسد و مردان
مؤمنان یکدیگر را زیارت کنند و بظهور آنحضرت ایشانرا بشارت دهند از خلص

ایشان و هر که خواهد زنده شود و بخدمت آنحضرت آید چنانکه در جدول سیم مذکور خواهد شد
ان شاء الله تعالی و چون حاکمی بجانبی فرستد فرماید که کتاب تو کف دست تو است آنچه بینی
عمل کن پس از کوفه لشکری بیفرستد و بروایتی خود تشریف می آورند بر سر سفیانی
که هانا امیر الامرای لشکر از بنی کلب و در انوقت در وادی رمله است چون تلاقی دو لشکر
شود جمعی از هر طرف بدیگری ملحق شوند و از این جهته در احادیث است که روز ابدال گفته اند
و چون جنگ در گیرد سفیانی و لشکرش چنان کشته شوند که کسی نماند که خبر برای دجال بیاورد
و آنحضرت بعد از نزول عیسی علی نبینا عم بر دجال غالب شود و او را در شام و بروایتی
بر روی صخره بیت المقدس ذبح کند و بعد از طی کار سفیانی و دجال لشکرها را باطراف فرستد
و هر یکی از سیصد و سیزده نفر را در ولایتی والی گرداند و ایشان حکام الهی در زمین
بر خلق او و حضرت صادق عم میفرماید که کویا می بینم قایم عم در نجف اشرف و کوفه زره رسول
خدا ص را در بر و برابر است سیاه سوار ابلق است و سفید باشد و از راه کتش داهد راه بجاز
آنحضرت اهل هر شهر پندارند که آنحضرت با ایشانست پس بکشاید علم رسول خدا ص
را چون بشش از عمود عرش و باقی اجزای ان همه نصرت و ظفر باشند و ان را متوجه هر
نماید خدا اهل انجا را هلاک کناید و لشکرها مستقبل روانه نماید و چون بخلیج بخلیج رسند
چیزی بپای خود نوشته بر روی آب عبور نمایند اهل شهر از مشاهده آن در طاعه او لا

شنوده اطاعت

شنوده اطاعت نمایند و بنی امیه بفرنگ فرار کنند و چون نصرانی شوند و چلیپا بگردن اندازند
اهل فرنگ ایشانرا تعاقب کرده و نصاری امان طلبند و اصحاب قایم عم بشرط امان دهند
ایشانرا اگر بخشها را اگر فتنه همه را گردن بزنند و تمام بلاد فتح شود و نام کفر و شرک از روی
زمین برطرف شود و در احادیث در قلت سلطنت آنحضرت مختلف است قدر ممکنست اصحاب
کهف سیصد و نه سال وارد شده است و چهل و هفت برابر هفتاد سال وارد شده است
و شاید اقل بعد از فتح کل بلاد روی زمین باشد و الله تعالی اعلم و عاقبت حال سعادت مآل آن بر
برگزیده متعال در مجاری جدول سیم جاری خواهد شد ان شاء الله تعالی در جریان
اجرای اتفاق قریبه ثانیه بعد از ظهور آنحضرت عم در عهد آنحضرت یا بعد از ان تا وقوع بلیه
عظمی قیامت کبری نزول حضرت عیسی عم از طارم اعلی و استعداد آنجناب
رسالت مآب بسعادت اقتداء و مساعدت خاتم الاوصیاء عم و جلادت نبوت عم
اعانت آنحضرت نماید بر قتل و رفع دجال شقاوت اشتمال و قلع و قمع عساکر خذلان
مآثر بعد و احصاء آن شقی الاشقیاء و به بیت المقدس که همان جای پاک از
مرکز خاک بمعراج افلاک نهاده نزول نماید امالکین و حور خانه زنکاری و جواهر قطرات
عرق بر جبین مبین و دستها بر جناح دو ملک آیات کوبند چون امواج نور او از دریچه سما صفحه
غبرا را ضیا اندازد و خلق کل آفاق واقف و هر کس تفرج نور الهی باستقبال

[illegible]

روح الله متوجه سازد و جان مؤمنان از زایجه دم عیسوی طراوت پذیرد و هر کافر
و جاهل را نور ایمان ببرد و حربه بران حرب دجال با او بغداز مروارید سنان او رنگ زرع
مانند شهاب الثاقب و چشم دیو دجال را در بیت المقدس بقتل و فساد اشتغال
دارد از نور جمال آن رسول با عزم ذو الجلال خیره شود از فرط حیرت حمیت
فرار و حرکت نمیتواند کرد پس یک ضرب عیسوی چندان سیلاب خون از پیکر آن
روسیاه ملعون روان شود که صحرای بیت المقدس سرخ رو گردد و شاید این منافی
نباشد با حدیث صدوق قتل آن ملعون از حضرت قایم ص و چون حضرت روح الله
خدمت بجا جنت اقدس برگزیده العلا رشک عالم قدس سازد و سایه ظل الله
بر شرف اقبال اختیار نماید حضرت با وی تکلیف نماز فرماید از عارف معارف لولاک و درک
مرتبت ولایت بر رسالت بصدق ادراک پاک باذن اللهی دست خطاب رفع القدر
بدامن اکرم قدم برخود مقدم و بشرف متابعت و ایتمام با آنحضرت مشرف و مکرم باشد
و این یکی از ادله جزم بر افضلیت اهل بیت رسالت از پیغمبران
علوا العزم و الحمد الله پس از چو کانه آفاق اخوت و وفاق باتفاق نایره فتنه و فساد
اهل شقاق را بآب زلال شمشیر فرو نشانند پس حضرت روح الله
مخدره از اهل بیت رسالت بحباله عقد خود در آورد و بعد از ... واقع شود

یاجوج و ماجوج

یاجوج و ماجوج احرام حجة الاسلام بسته در حدیث علوی پیش از وصول مکه در سجده طریق
فرو رسیده بیش نکرده و بحدیث نبوی ص بشرف دفن در پناه آن حبیب الله فایض گردد
یاجوج و ماجوج را در قرآن صریح است و بحدیث حضرت صادق ع ایشان اکثر
مخلوقات اند بعد از ملایکه و هیچ یک نمیرند تا هزار فرزند از صلب ایشان بهم رسد و در آخر
الزمان سد خراب شود و بیرون آیند و مردم را بخورند و در بیت ... را یکی از ایشان گروه
چهارصد هزار راستند با هم مشابهت ندارند و بروایتی چهارصد فرقه اند و هر فرقه
چهارصد برابر امت محمد اند ص و چون وعده الهی بخروج ایشان رسد سد را شکسته
چهار گروه شوند و سردار گروه اول طولان نام و هر چه زبده اشجار و اثمار و زلال
انهار و آب خوشگوار باشد تمام کنند و بیم آنجمع را آنچه در باغات از ریاحین و نبات منزه
با بحار آبهای تلخ و شور رفانگشته سیم ساقه را در دشت و کوه و خاک و آنچه از جانوران
وحش و خاشاک در مغاره و مغاک یابند بشکم برابایند بحدی که چهار زبان بر گیاه
و ذره گیاه و قطره سیاهی نمایند مگر آنکه ریشه آنرا با آب رسانند چهارم طارقان
را از بیان توشه که چون گرگ گرسنه و سگ تشنه دوانند و هر طعمه بابس را در آفاق
از تر و خشک باشد تلف نمایند و جهان محیط زمین را احاطه کنند یک گز زمین خالی از ایشان
نماند و چون بکوه بیت المقدس بر آیند تیرهای طغیان بکمان تسخیر از کمان کین

بآسمان اندازند و بعزم مصاف الخذلان بانصاف چشم آفتاب را بشتاب و خیره نموده
قرص آن را هدف خدنگ کفران سازند و گویند بهارستان تیرانداز نی داریم تیر از دست
سلاطین آسمان از ارض و فرسنگ سیاه رنگ بنالد و چون ظلم و جفای ایشان بمرتبه علیا
رسد شدت قحط و غلا میان مؤمنان را در خدمت حضرت خاتم الاوصیا و حضرت عیسی ع
باذن اللهی در کوه طور و بروایتی در بیت المقدس محبوس بیابان شوند اعتلا یابد بدعای مستجاب
جناب ولایتمآب همه بطاعون یا کرمی از کینه کوچکتر که عرب آنرا نغف گویند از گوش
و بینی بجوف ایشان روند و اهل جهنم شوند و از گند آن پلید آن عالم که جای بستری
از ان خالی باشد متعفن گردد تا فراش باد مراد و سقای ابر رحمت جواد عرصه بلاد را
از دنس اجساد ایشان پاک نموده و مؤمنان بفراغ بال بشکر ذو الجلال
اشتغال دارند و مرویست که مسلمانان هفت سال از تیر و کمان آن اهل نیران
آتش بسوزانند و مدت تسلط ایشان چهل سال بر اکبر دجال ذکر شده و بعد از چند سال
مؤمنان برحمت الهی روند مگر بدان که قیامت بر ایشان قیام کند قیامت
صغری یعنی رجعت ائمه هدی و خلص شیعیان ایشان در عهد قایم صلوات الله
علیه و بعد از ان و بعد از آن تا دید ایشان روشن شود بدولت و سلطنت ائمه هدی

دوم بعض از

و متعصب از اجرای اعمال حسنه و با انتقام از ظالمان و دشمنان خود که هم زنده خواهند شد بجزای
عقوبت و فی الجمله این معنی اجماعی شیعه است و همیشه چون سنی منکر این بود از روی
تقیه این معنی شهرت نیافته و آیات بینات که تقریب بیست آیه مؤلف شمرده و روا
یات متواتر است در این معنی بسیار وارد شده و در حدیث طولانی رجعت و غیر آن
مفضل گوید عرض کردم بحضرت صادق ع که جمعی از شیعیان و دوستان شما قایل به
رجعت شما نیستند فرمود مگر نشنیده اند فلان آیه را و احادیث ما و جد ما رسول
خدا ص خبر داده ایم و جمعی در شناخت ما تقصیر کرده اند رجعت را بمعنی عود سلطنت
بما میگویند وای بر ایشان که پادشاهی دنیا و دین را از ما کم گرفته تا بما بر گردد و اگر
تدبر نمایند شیعیان ما در قرآن البته در فضیلت ما شک نکنند و در کتب مشایخ شیعه
رضی الله عنهم روایت کرده اند از سلمان فارسی رضی الله عنه که روزی داخل شدم
بر رسول خدا ص علیه و آله چون مرا دید فرمود بتحقیق که خدا پیغمبری نفرستاد
مگر آنکه دوازده نقیب برای او مقرر گردانید که گفتم این را دانسته ام از اهل کتاب فرمود
آیا دانستی نقبای دوازده گانه مرا که خدا ایشان را برگزیده با مامت بعد از من گفتم
پدر و مادرم فدای تو یا رسول الله چه ثواب عارف ایشان است فرمود که یا سلمان هر کس ایشان را
بشناسد حق شناختن ایشان را و اقتدا کند بایشان و دوست ایشان را دوست

ایشانرا دوست دارد و دشمن ایشانرا دشمن دارد پس بخبر اسو کنند یاد میکنم از ایشان
دارد خواهد شد هر جا که ما داریم شویم و مساکن میشود آنجا که مساکن میشود آنجا که مساکن
میشویم کفتم پس آیا ایمان بایشان بی شناختن نام و نسب ایشان درست میشود
فرمود نه کفتم تا حسین شناخته ام فرمود بعد از او سید العابدین علی بن الحسین است تا آخر
پس من کریستم و کفتم که سلمان را ادراک ... فرمود یا سلمان ادراک ایشان
خواهی کرد تو و امثال تو که با حق معرفت ایشان بیرون کرده باشید کفتم عمر من تا زمان
ایشان میرسد این آیه را خواند ثم رددنا لکم الکرة که در باب رجعت بدنیا نازل شده
پس کریه شوق من شدیدتر شد کفتم در خدمت تو خواهد شد فرمود بلی بآن خدائی که
محمد را برسالت فرستاده که خواهیم بود من و علی و فاطمه و یازده امام و هر کس از ما باشد
و از برای ما ظلم کشیده باشد بعد از آن البته حاضر خواهد شد و شیطان با لشکرش و هر که
ایمان خالص داشته باشد یا کفر خالص تا قصاصها کرفته شود سلمان رضی الله عنه
کوید پس از خدمت رسول الله برخاستم و پروا نکردم هر وقت که بمیرم و حضرت
صادق علیه السلام در حدیث سابق میفرماید که بعد از قیام قایم علیه السلام و قتل سفیانی
حضرت امام حسین علیه السلام با هفتاد و دو تن شهدا و کربلا و دوازده صدیق برو
بنز هفتاد و پنجهزار و بعد از آن صدیق اکبر امیر المؤمنین علیه السلام بیرون آید و برابر

برپا

برپا میشود که یکی از آنها در نجف و یکی در بحرین و یکی در صفار و چهارم در مدینه کویا
می بینم که قندیلها و چراغها که روشنی دهد بآسمان و زمینها مانند آفتاب و ماه و بعد از
آن سید اکبر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله با هر مؤمن از مهاجر و انصار و شهدا
باو پس زنده میکنند هر که تکذیب و دشمنی آن حضرت کرده باشند تا در دنیا هم
بجزای خود برسند و همچنین بر میکردانند یک یک از ائمه تا صاحب الامر ص را با یاوران
ایشان تا خوشحال شوند و معاندان ایشان تا معذب و خوار شوند و کویا میبینم
آنروز را که ما کروه ائمه نزد جد امجد خود ایستاده و شکوه کنیم از آنچه بر ما واقع شده
از امت جفا کار و چون رسول خدا ص نظر بر مظلوم کربلا افتد بخون خود آغشته چنان
بکرید که اهل آسمانها و زمینها بکریه آنحضرت بکریند و حضرت فاطمه ص علیها نعره
زند که زمین از نعره او بلرزه در و بکریند براو ملائکه آسمانهای هفتگانه و عرش الهی
و هر که در دنیا و تحت الثری باشد بخروش آیند پس نماند احدی از کشندکان و ظالمان
ما و راضی از آنها مکر آنکه از نو هزار مرتبه کشته شوند تا فرمود که پس برخیزد مهدی
و ملایکه از دور ایستاده باشند با جامه رسول خدا ص که در جنک احد از زخم بینی نیز
و دندان آنحضرت خون آلوده شده بود کوید مرا وصف کردی ... امت بنام و نسب
انکار من و حق من کم دند و کفتند که متولد نشده یا مرده و اکر بود این قدر غیبت

نمیشود پس صبر کردم تا بعد از آنکه ظاهر شدم و فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله با همه مؤ
منین با صاحب الی ما آن البته اول زمین را خواهند کشت حتی پشت کاو و
قاف و ظلمات و جمیع دریاها را تا نماند جائی مکر دین خدا را برپا دارند و بر همه دینها غالب
کردند و حضرت امام حسین علیه در خطبه که بحدیث حضرت باقر علیه السلام پیش از شهادت
باصحاب خود خواند میفرماید که اول کسی که زمین را شکافته بیرون خواهد آمد من باشم
و موافق باشد بیرون آمدن من با بیرون آمدن حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و ظهور قایم اهل بیت علیهم السلام و نازل شوند بر من جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
و لشکری چند از ملائکه و ائمه ص علیهم السلام پس رسول خدا ص علم و شمشیر خود را بقایم ص
دهد پس بعد از آن آنقدر در زمین بمانیم که خدا خواهد پس امیر المؤمنین علیه السلام
بمن دهد شمشیر رسول خدا را و بفرستد مرا بمشرق و مغرب تا جمیع دشمنان خدا را
بکشم و بتها را بسوزانم و کل هند را فتح کنم و حضرت یوشع و دانیال زنده
شده بخدمت حضرت امیر المؤمنین ص آیند و کویند راست کفت خدا و رسول
خدا آنچه بشارت و وعده داده بودند و حضرت ایشانرا با لشکر ببصره فرستد که
دشمنان را بکشند و شیعه نماند مکر آنکه ملکی را فرستد که بدست غبار از روی
او پاک کند و زنان و منزلش را در بهشت باو بنمایند و از برکت ما مبتلائی و تنکی

[illegible]

در زمین نماند و بعد از آن دیکر امام حسین ع آنقدر پادشاهی کند که موهای ابروش بچشم مبارکش افتد
و چون معرفت حضرت امام حسین ص در دلها مستحکم کردد حضرت قایم ع رحلت فرماید و حضرت
امام حسین ص او را غسل و کفن و نماز و دفن نماید و از حضرت صادق ص منقولست که کویا
می بینم حضرت امام حسین ص بر تختی از نور و قبه از یاقوت سرخ مرصع بانواع در
و جواهر و بر دور آن نود هزار قبه باشد و مؤمنان فوج فوج بدیدن آن حضرت آیند و سلام
کفته از جانب خداوند عالمیان ندا بایشان رسد که ای دوستان من آنچه خواهید از حاجات
دنیا و آخرت از من طلبید که ظلم و خواری بسیار کشیدید و آب و طعام بهشت برای ایشان
آید و بروایتی آن حضرت بعد از حضرت صاحب سیصد و نه سال پادشاهی کند بعد از آن نوبت سلطنت
حضرت امیر المؤمنین ص باشد و در خطبه بحوث که از حقایق معروف و معارف رجعت
مشهور نیست میفرماید که روح البصیرت حیات ابدیست که تغییر ندارد و ایمان نیز روح آن
تا فرمود باید هر کس آماده کند توشه خود را و نمیشود مکر بسبب بصیرت و تحصیل معر
فت و تسلیم و اطاعت و صدق نیت که شک و معصیت در آتش است نیست از
ما و نه بسر اسباب او و نه بسوی ما تا فرمود که بشارت باد شما را بتحقیق که از ما اهل بیت دعوتی
خواهد بود خالص از کفر که خدا نعمت خود را بآن کامل خواهد نمود تا فرمود بدرستیکه کار ما
بسیار صعب و دشوار است متحمل آن نخواهد شد مکر ملک مقرب یا پیغمبر مرسل یا بنده

[illegible]

خدا دل او را بایمان امتحان فرموده باشد پس مکرر فرموده یا عجبا کل العجب بین
جمادی و رجب پرسیدند که چه امر است که این همه تعجب از آن میفرمائی فرمود که اعجب
عجیبی است امر مردها که خواهند زد برق زندها سوگند بخدائی که دانه را شکافته و انسانرا
آفریده که گویا میبینم مردگانرا که داخل کوچه‌های کوفه شده اند و تیغهای برهنه بر دوشها
نهاده و میند ده باشند بر دشمن خدا از اولین تا آخرین پس شروع فرموده به تفصیل
و کیفیت خروج قایم صلوات الله علیه و علامات آن و بروایت حضرت امام محمد باقر
علیه السلام فرموده که حق تعالی فرد در فردانیت منفرد است و از اول آفرینش تکلم
فرموده و آن نور شد و از آن حضرت رسالت پناه صم و ما را خلق نموده پیش از
کل خلایق پس عهد و پیمان گرفت از کل ارواح انبیا که ایمان آورند و ما را یاری نمایند
نمایند و اینست معنی آیه و اذ اخذ الله میثاق النبیین تا لیؤمنن به و لتنصرنه
یعنی ایمان بمحمد صم بیاورید و وصی او را یاری کنید و عنقریب همه و حقیقی پیغمبرا
یاری خواهند نمود بتحقیق که خدا ایمان مرا با پیمان پیغمبر گرفت که همه یکدیگر را یاری
کنیم و من وفا کردم و برابر آنحضرت دشمنان او را کشتم و احدی از پیغمبران هنوز یاری
من نکرده اند که پیش از اعانت من رحلت کرده اند بعد از این خواهند کرد و منم که کل
عالم از من باشد و خدا همه پیغمبران از آدم تا محمد صلی الله علیه و آله زنده گرداند در پیش

ابرای

روی من جهاد خواهند کرد و شمشیر بر سر کفار خواهند زد از مرده و زنده در برابر من الهی
عجیب چگونه تعجب نکنم از مردها فوج فوج آیند و صدا بر تلبیه بلند نمایند که لبیک یا داعی
الله یعنی اجابت کردیم در خدمت تو ایستاده ایم و در کوچه و بازارها شمشیر بر تارک جبا
ران او لبیند و آفرین بر تند بتحقیق که مرا است زنده شدن مکرر و منم صاحب رجعتها
ی بسیار و منم صاحب انتقامهای بی شمار و منم صاحب صولتهای عجیبه و منم صاحب
دولتهای عجیبه منم بنده خدا و منم برادر رسول خدا منم امین خدا و خازن علم سر
خدا منم اسماء حسنی و منم امثال علیا و آیات کبری منم صاحب بهشت و دوزخ
و با منست ترویج اهل جهان ... بازگشت خلق در قیامت و حساب ایشان
منم مؤذن در اعراف منم ظاهر در آخر الزمان در پیش چشمه آفتاب با عصای
موسی و انگشتر حضرت سلیمان که رنگ ... نی مؤمن و کافر را که
نقش کرد مؤمن حقا و کافر را حقا منم امیر همه مؤمنان و خاتم اوصیای پیغمبر
آخر الزمان منم آنکه خدا مسخر من ساخته ابر و رعد و برق و نور و ظلمت و بادها
و کوهها و صحراها و دریاها و آفتاب و ماه و ستارگان و بحدیث حضرت صادق
ع چون شیطان مهلت خواست تا روز قیامت و خدا تا وقت معلوم
مهلتش داد پس تا روز ظاهر شود و جمیع لشکر و توابعش از خلق آدم تا آن روز

زنده شوند

بحضرت امیر المؤمنین ع بر گردد با اصحاب خود و اینها آخر رجعتهای آنحضرت
است و بعزم محاربه همدیگر ملاقات نمایند و در روحا کنار فرات نزدیک کوفه جنگ کنند
که هرگز از اول خلق عالم تا حال نشده باشد که یا میبینم اصحاب حضرت ص علیه
که شکست خورند و صد قدم پس نشینند و گویا میبینم که پاهای بعضی داخل فرات
شده آنگاه خداوند قهار ابری فرستد پر از ملائکه و حضرت محمد مصطفی ص
علیه و آله پیش اپیشان با حربه از نور چون شهاب ثاقب و چون چشم شیطا
ن برآنحضرت افتد از عقب برگردد و گویند الحال که ظفر یافتی کجا میروی
گوید میبینم چیزی را که شما نمی بینید و من میترسم از عقاب پروردگار عالمیان
که ناگاه رسول خدا ص علیه و آله در رسیده نیزه چنان در میان دو کتفش
زند که بهمان یک ضرب او و جمیع اصحابش هلاک شوند و بعد از آن عبادت
خداکنند خالص از شرک و کفر در زمین کرده شود و حضرت امیر المؤمنین
ع چهل چهار هزار سال پادشاهی کنند و از هر شیعه هزار پسر شیعه بهم رسد و در ...
... بیرون دو باغ سبز که خطاب مدهامتان در سوره الرحمن فرموده در مسجد کوفه بهم رسد تا وقتی که خدا
خواهد و در حدیث دیگر فرموده که آن حضرت با حضرت امام حسین ع یکجا رجعت فرمایند و از معاویه
و تبعیش انتقام میکشند و در همان صفین بعد از آنکه بیست هزار از یاران آنحضرت ... هزار

از یاوران دیگر

از یاوران دیگر ع
ع زنده شوند و معاویه و اصحابش زنده خواهند شد و همه را بکشند و باز این را با فرعون
یا فرعون بدترین عذابی معاقب گردانند و بار دیگر آنحضرت با رسول خدا صلی الله علیه و آله برگر
دد و جمیع پیغمبران ظاهر شوند رسول خدا ص علم خود را بآن حضرت دهد و همه انبیاء
در زیر علم آنحضرت باشند و سایر امامان عمال و نواب او باشند در اطراف عالم و حق تعالی
به پیغمبرش عطا فرماید چندان برابر پادشاهی جمیع اهل دنیا را و بروایت دیگر فرموده
پنجاه هزار سال و در تفسیر آیه اِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ اِلی مَعادٍ
فرموده که والله که دنیا منقضی نشود تا رسول خدا و امیر المؤمنین ص به دنیا برگردد
و در نجف یکدیگر را ملاقات فرمایند و در آنجا مسجدی بنا کنند که دوازده هزار در داشته
باشد و در بعض احادیث معراج مذکور است که وحی شد که علی آخر کسی است که قبض روح
او خواهم فرمود از امامان و او است دابة الارض که با مردم سخن خواهد گفت و ابن
عباس روایت کرده عمر دنیا صد هزار سال است بیست هزار مردم است و هشتاد
هزار سال ملک اهل بیت محمد است ص و بروایتی چون قایم ع خروج کند از پشت کوفه
بیست و هفت نفر از مردگان زنده شده یاوران و حکام آنحضرت باشند در شهرها و با
ز ده نفر از قوم موسی که مردم را بهدایت و بحق دلالت میکردند و اصحاب کهف و یوشع
و سلمان و ابو دجانه و مقداد و مالک اشتر و بروایت دیگر چون آنحضرت ظاهر شود ملکی تغییر

از مؤمنین آمده کوید امام تو ظاهر شده اگر خواهی تو را زنده کنم تا با آن ملحق شوی و الا در نعیم پروردگار خود بمان تا قیامت و بروایتی نزدیک ظهور آنحضرت در دهه ماه رجب یا در جمادی الاخر بارانی آید که نشنیده باشند و بروید کوشتهای بدن مؤمنان بر روید و کویا می بینم ایشان را که بیرون می آیند و خاک از قبرهای ایشان میریزد و در بعض اخبار معتبره مذکور است که رجعت کنند دو برابر خواهد بود و در تفسیر آیه وَلَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ آمده است که هر که هر کس را مرگی و قتلی هست یکی پیش از رجعت و دیگری بعد از رجعت و دیگری بعد از رجعت و بروایت بسیار رجعت نخواهد کرد مگر کسی که ایمان خالص و کفر خالص داشته باشد خروج دابة الارض چنانکه قرآن بآن ناطق است و بمشهور خروج او در مسجد الحرام یا کوه صفا است بعد از نزول حضرت عیسی علیه السلام و قتل دجال و قامت آن شصت ذرع و بروایتی سر او برابر ابر و الوان مختلف در بدن او باشد و هر عضوی از وی شبیه بعضو حیوانی باشد و چهره او چون برق درخشان باشد و جبین مبین او چون آفتاب تابان و پیکرش چون چون کوه راسخ و میان دو قرن او یکفرسخ و بحدیث علوی سه روز متصل بیرون آید که مردم ببینند و هنوز ثلث او بیرون نیامده باشد و بروایتی سه روز باقی بدنش چهار روز بیرون آید از زمین چون تن طیور مودار و چهار دست و پا دارد هر فصلی از فضایل فوام

دوازده

او دوازده کز بذرع آدم علیه السلام و در تفسیر ملا فتح الله موسی علیه السلام خواست که دابه را ببیند پس سه شبانه روز بیرون می آمد از زمین بهوا با خلقت مهیب موسی ترسیده دعا کرد که تا بمقر خود برگشت بدانکه حق تعالی از برای امتیاز خوب از بد آنرا بیرون آورد که بزبان فصیح بمؤمن یا مؤمن خطاب کند و بکافر یا کافر و متکلم کند بزبان بلیغ که إِنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ و کویند که کوید الا لعنة الله على الظالمين و عصای کلیم الله بدستی و انکشتر سلیمان بن داود بدست دیگر و میان دو چشم کافر و مؤمن نقش میکند بان سبحانی و روی مؤمن نورانی و نوشته میشود در میان دو چشمش که مؤمن بالله و کافر رویش سیاه و ظلمانی کشته در میان دو دیده اش نوشته میشود کافر بالله و بروایتی مؤمن را بخاتم و کافر را بعصا نشان میکند و کوید فلان تو از اهل بهشتی و یا فلان تو از اهل دوزخی پس بعد از ان مردم را بنام نخوانند بلکه رو سفید را بهشتی و روسیاه را دوزخی خطاب نمایند باحادیث متواتره نزد شیعه دانه بحیاب مقدس مآب سید الاوصیاء امیر المؤمنین است صح نفخ صور است دو بار سه بار و بروایت مختلف صورش خیست بسیار عظیم پلیست و یک و بروایتی مفتاد دایره دارد هر یکی بوسعت دنیا مشتمل بر ارواح اصناف و ی روح و آنرا چهار شعبه است بچهار جهت و سوراخها و شکافها دارد بعدد ارواح اهل آسمان و زمین و آنرا اسرافیل در زیر عرش بدم گرفته منتظر فرمان ملهوف

آیه ما ينظرون الا صيحة واحدة تأخذهم وهم يخصمون در حالتی که مردم بام در معامله و مخاصمه و مجادله مشغول بوده و چیزی بخاطرشان نمیرسد امر فنای دنیا است که بناگاه باذن الله بدمد نفخه که جمیع خلایق از وحشت و فزع دهشت هراسان و مدهوش و مضطرب و بیهوش شوند و کسی نداند که این چه بود و چه حادثه نازل کردید بود و بفرمان جبار در نفخ طول دهد که من مالها فواق پس کوهها از هم بپاشند و زمین بمثابه کشتی در طوفان چهار موجه لرزان باشد و شیاطین هر دیار بعزم فرار اقطار انتشار یافته بضرب ملایکه در آفاق متفرق کردند بهمین نفخه بعدیم از صولت نهیب مهیب اسرافیل که آسمانهای معلق و زمین های مطبق بی حد و ذرات سمت بلا شی شوند بپرند و کل خلایق را بعدم پیش کیرند که از عرش مجید تا فرش مهید زنده نماند و حضرت سجاد علیه السلام در کیفیت نفخ صور میفرماید که اول بامر الهی اسرافیل بزمین فرود آید با صور و آن دو شعبه دارد میان هر دو طرف با یکی میان آسمان و زمین چون ملا یکم و اهل زمین ببینند که اسرافیل بزمین فرود آید کویند که فرمان جبار رسیده که اهل آسمان و زمین هلاک شوند پس در بیت المقدس رو بکعبه یکمرتبه چنان بدمد طرف که بصدای آسمان اهل آسمان و از صور شعبه زمین اهل زمین جمیعا بمیرند پس خدا با سرافیل فرماید که بمیر پس با یحال میماند میماند آنقدر که خدا خواهد آنگاه فرماید آسمانها

را کم از هم

را که از هم بپاشند و کوهها روان و ریزه شوند و چون غبار بر هوا شوند و زمین را بدل کند بزمینی که بران معصیت الهی نشده باشد و کشیده باشد و بلندی و کیاهی بر آن نباشد چنانکه روز اول پهن بود و عرش را بر روی آب بقدرت خود قرار دهد الا که از صدر بارکاه الله صدای لمن الملک صدور یافته صدور یابد پس هیچکس نباشد جواب کوید پس خود فرماید لله الواحد القهار منم یکانه که جمیع خلایق را بید قدرت خود آفریدم و بمشیت خود بقهر همه را معدوم کردانیدیم و بقدرت خود زنده میکردانم پس باذن الهی صدای از آن صور بر آید که اهل آسمانها زنده شوند و اسرافیل میدمد تا اهل زمین بشنوند و حاملان عرش را بر داشته ملایکه بهشت و دوزخ را میکردانند و خلایق محشور میشوند برای حساب چون حضرت تا اینجا فرموده شروع بگریستن نموده و مشغول گریه شد و بحدیث حضرت صادق صح چهل روز باران رحمت بر آن سطح چند بیارد که از تموج آب اجزای متفرقه قوالب اموات از مشرق و مغرب عالم حلیته التیام پوشند بروایت [illegible] دیگر اول جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل را زنده نموده بهشت فرستد تا از برای محمد و آل محمد و شیعیان ایشان زینت و آرایش دهند و براق را با لوای احمد و دو حله و تاج برای سلطان سریر لولاک لما خلقت الافلاک برداشته با هفتاد

انار ملک مقرب متوجه تقبیل مرقد منور خیر البشر و شفیع یوم محشر گردند و بهدایت
لمعه انوار گرامی قبر احمد مختار تا فلک دوار کشید بسر تربت مقدس رسیده جبرئیل
علیه السلام قطرات عبرات بر آن جناب بارید لختی گرید ملایکه سؤال نمودند جواب گوید که امسال
این برگزیده متعال از مطلع مرقد مطهر معطر دیده بهجران دیده مرا از نور
جمال خورشید مثال خود منور ساخته و اول از امت خود سؤال خواهد نمود ندانم
جواب صواب آن جناب چگویم پس سر مبارک بعد از عرض و سلام ندای خروج زینت
برای حساب روز جزا بغرض فعل قضا که ناگاه قبر آن جناب بشارت مآب
جلوس اجلال فرماید و طوطی نطق اش باین نمط سراید که الحمد لله الذی احیانی بعد
اماتنی والیه النشور پس مکشوف شود بر آنحضرت دریچه‌ای بجانب نجف الاشرف
و دری بجانب بالا تا منازل اسرار و درجات ابرار ببینند پس خطاب فرماید
که یا جبرئیل الحق یوم هذا جبرئیل گوید روز هنگام قیامت است و هنگام
حسرت و ندامت امت فرماید از این خبر سعم گوید درهای بهشت سر برای
قدوم میمنت لزوم تو گشوده و ابواب دوزخ بسته همان جواب فرماید گو
ید ملائک انتظار شرف موفور سرور تو میکشد همان خطاب فرماید
گوید تو اول کسی که تشفیع قبول شفاعت فرمایند یا جبرئیل جز... مرا از

حسرت امت

حال امت من که جواد کریم با ایشان چه کرد نمیپرسم مگر از حال امت کنند کار خود گویند
هنوز نفخه اجزای بصور آخری ندمیده و کسی محشور نگردیده و بر و این شیو
آن غمخوار وفادار امت جفاکار روی مبارک باز بر خاک مرقد آورد و فرماید من آ
مدت خود را در خاک و خود را بیرون نخواهم فرمان الهی در رسد که ای
حبیب من تو سردار امتی و سالار عرصه قیامتی باید که پیشتر محشر در آئی پس
خلعت الهی و تاج شهنشاهی بر سر بر براق سوار و بعرش مجید آورد و در پای عرش
سر بسجده گذارد پس منادی از حضرت عزت ندا کند که یا محمد صلی الله علیه وسلم امروز روز
رکوع و سجود نیست روز حساب است و ثواب نیکوکار و عقاب بدکردار و روز
حسرت و ندامت عاصیان فی... سر بردار و سؤال کن تا پروردگار عطا کند
انچه خواهی عرض نماید که پروردگار من وعده شفاعت امت بمن فرموده بود
خطاب مستطاب رسد که لسوف یعطیک ربک فترضی پس بفرمان جبار قاطبه ارواح
را از اماکن بیاورند بتفاوت احوال بحسب اعمال منور بقدر نور علم که تحصیل
نموده و نور عملی که بجا آورده باشند و از تاریکی مکدر و یا در حیوانات در صور
دارند آنگاه خطاب باسرافیل رسد که نفخه صور در دمد که ناگاه دفعه
جمیع ارواح که در صور متمکن باشند از مشتاق بطلب قوالب مبادرت نمایند

و ارواح اولین و آخرین بمشابه زنبور عسل میان آسمان و زمین پر باشند و بجانب کا
ن و از مرخیا تیم با اجساد رمیم در آیند و بموجب آیه نفخ فی الصور فصعق (غلط) فیه اخری فا
ذا هم قیام ینظرون بدنها که از ابتداء عالم تا انقراض بنی آدم روی نقاب تراب
کشیده اند دفعه از زوایای لحد در آیند سراسیمه و عریان و مدهوش و حیران از شدت
گرسنگی نالان و حرارت تشنگی نه زبان از دهان آویزان رویها خاک آلوده و بدنها خاک
لحد فرسوده میان زمین و آسمان پر شورش و غوغا خلایق از شومی وبال و جزای خود
دیده در سهو اکثر کسی که در دنیا تنها سر حرمات الهی نمیگذارد و پرده محارم پروردگار خواهد چون از قبر
خود در بیرون باشند که مستور و با خاطر مسرور محشور میشوند و اعمال صالحش مجسم شده
همه جا رفیق و مونس او باشد و از هول نجات و مثوبات الهی بشارت دهد و
بحدیث نبوی اگر خواهی که روز قیامت با عورت پوشیده باشی زبان و فرج
خود را نگاه دار و بروایت صحیح ملایکه بر قبر مومنان آیند و صورت
این را پاک کنند مگر پیشانی ایشان را که پاک نشود دو ندا رسد که این خاک قبر نیست
بلکه از تراب محراب و اثر سجود معبود دست داکن از رسید بلکه از طهور... گذشته
گذشته داخل بهشت شود که هر که ببیند داند که ایشان خدام و عباد کرام اند و بموجب
یوم نطوی السماء آسمانها نور دیده شود تا بهشت که بالای آسمانهاست

نزد لواء

نزد سدرة المنتهی آشکار گردد و همچنین زمینها از میان برخیزد تا دوزخ از زیر انها است
نمایان شود زمینی از نقره خام و بهشت بر آن قرار گیرد پدید آید و این زمین از برای معیت
رب العالمین واقع شده سقر جهنم گردد و آتش دوزخ بر آن اشتعال پذیرد پس عبور بهشت
و پل صراط است که از روی جهنم بسوی بهشت کشیده شروع حساب خلایق شود ای عزیز از هول
حساب آن روز خلاص نخواهی شد تا امروز بتفکر در توبه و توبه تدارک بسته دی حساب خود را پاک بکنی
و لاحول و لا قوة الا بالله   در ماجرای عقبه اولی از پنجاه عقبه روز عالم سور قیامت
ماجرای رشحه از طوفان اهوال نشور و خروج خلایق از قبور تا بدینجا بر دهشت و وحشت
و ملامت و اشاره به شاه راه نجات از آن فزع اکبر و چنان عقبه پر حیرت و ندامت بدانکه شیخ
محمد ... ابابابعه رحمته باسناد خود از امام بحق ناطق جعفر ابن محمد الصادق علیه السلام روایت
کرده که فرموده خود حساب خود را بکنید پیش از آنکه حساب کرده شوید پس بتحقیق روز
قیامت را پنجاه موقف با غل و زنجیر و محل بازداشت است هر موقف هزار سال بجهت
حساب اعمال خلایق را باز خواهند داشت پس آنحضرت خواندند این آیه را که فی یوم کان مقداره
خمسین الف سنة یعنی در روزی پنجاه هزار سال است و در وصیت رسول خدا است
یا اباذر محاسبه خود را با نفس خود بکن قبل از آنکه محاسبات بر سند این آسانتر است
برای حساب تو از فردای روز قیامت و بسنج نفس خود را پیش از آنکه سنجیده

شوی و مهیّا شود تدارک توشهٔ خود بکن برای عرض اکبر و فزع محشر در روز معرض
کرده خواهی شد بر خدای قهار پوشیده نیست بر او از تو هیچ پنهانی و حق تعالی
میفرماید فوربک لنسئلنهم اجمعین عما کانوا یعملون یعنی بحق پروردگار
تو یا محمد البته سؤال خواهیم نمود از جمیع ایشان آنچه در دنیا میکردند و میفرماید و ان تبدوا
ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله یعنی اظهار نمائید آنچه در دلهای
شماست یا پنهان کنید خدا برای جزا آنها شما را حساب خواهد فرمود و حضرت کاظم
ع میفرماید نیست از ما هر که حساب خود را خود نکند در هر روز پس اگر عمل خیر
کرده از خدا طلب توفیق و زیادتی کند و اگر بدی کرده استغفار کند از حق تعالی و توبه
و بازگشت نماید بسوی جناب اقدس اعلی گوید حقیر عقبات مذکوره
روایت عبدالله بن مسعود از جناب ولایت مآب امیر المؤمنین ع حدیثی
که مبسوط تر از آن بنظر نرسیده متفرق و مشروع باخبار صحیحه معتمدی علیها ایراد
مینماید لاحول و لاقوة الا بالله بر سر قبرها سر و پای برهنه گرسنه و بسیار
تشنه ژولیده حیران و خاک آلوده و ترسان و محزون و گریان و از شدت دهشت
آواز صور اسرافیل مدهوش و سراسیمه و هراسان و از مشاهده غبار وحشت و حرد
از زبان و دندان بیهوش و دیده ها حیران باز مانده بسوی آسمان و از معاینه آثار غضب

صاحب دیوان

صاحب دیوان و انتقام جبار عادل دیتان بهر طرف نگران و از اعمال خود ناشاد و متحیر
و پشیمان قال الله تعالی یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة شیء
عظیم یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما ارضعت و تضع کل ذات حمل حملها و تری
الناس سکاری و ما هم بسکاری و لکن عذاب الله شدید
یعنی ای گروه مردمان بترسید از پروردگار خود بتحقیق که زلزله و جنبش هنگامه روز
قیامت چیز عظیم نیست روزی که از هراس و شدت و دهشت و حیرت حواس غافل
خواهد شد هر شیر دهنده از طفل خود غافل شود که هرچه بپرسش آید بایشان همه شفقت و رحمت
که با او میداشت در نهایت پیچ و تاب و فزع و اضطراب وضع حمل خواهد کرد هر حامله و
بینی مردم را که از شدت فزع مدهوش هستند و حال آنکه مست نیستند و لیکن عذاب
الهی شدید است یوم یفر المرء من اخیه روزی که خواهد گریخت آدمی از برادر و پدر
و از زن و از مادر و فرزند خود هر کسی را شغلیست که باحوال خود مشغول سازد و
اصلا بحال دیگری نپردازد اذا زلزلت الارض زلزالها یعنی هنگامی که جنبش
آید و بلرزد زمین بجنبش شدیدی که بیرون اندازد آنچه در اوست از مردگان و شهادت
دهد هر جائی بهر عملی که از آن واقع شده بسبب آنکه خدا وحی کرده بآن از وحشت
بند مردم بر آیند متفرق و بعضی عامر نابینا بعضی مزدکردار خود سر بس که در

خیر یا در شر در دنیا کرده خواهد دید آنرا یوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة
قلوب یومئذ واجفة ابصارها خاشعة روزی که از زلزله بشکافند
زمین باهلش و صیحه عظیم در پی آن باشد و دلها در این روز بسیار مضطرب
و ترسانند با دیدهای گریان و حیران و هراسان اذا السماء انفطرت و هنگامی
که آسمان ها شق شود و انجم بشکافد از کهکشان به تفسیر علوی آفتاب و ستارها سیاه
و پراکنده شوند و دریاها بهم ممزوج شوند و بروایتی دیگر از زیر آن و آتش شوند آن برافروخته
شود و مقبرها مقلوب و زیر و بالا کردند و در چنین هنگامه میان هر کس هر چه کرده بجای بیش
هر عملی که کرده چنان متذکر شود که گوید حالا کرده و نفخ فی الصور فاذا هم من الا
جداث الی ربهم ینسلون و دمیده شود در صور دمیدن ثانیه پس ناگاه ایشان
از قبرها بسوی حساب پروردگار خود بشتابید و گویند بخیال ما که از خواب ناگاه ما کم
بیدار کرد ملایکه که موکلند برای جزا دهند اینست که خدا وعده فرموده بود در
معاد و راست گفتند پیغمبران و بیک صیحه دیگر ناگاه جمیع خلایق نزد ما حاضر شوند و امروز ظلم
نخواهد شد جزای عمل کسی و جزا نخواهد یافت مگر موافق عمل خود و امتازوا الیوم ایها
المجرمون الم اعهد الیکم پس خطاب شود در روز قیامت بگنه کاران که امروز
جدا شوید از مومنان و صالحان آیا من عهد نکردم در دنیا بشما و اطاعت مکنید شیطان را

ادمی انه لکم

زیرا دشمن شماست و اطاعت من کنید و راه راست را بشما نمودم به تحقیق که جمع
کثیر شما را گمراه نمود آیا هیچ عقل نداشتید اینک جهنم است که بشما گفته که آنرا در دنیا وعده
میدادیم و تری الظالمین لما رأوا العذاب یقولون هل الی مرد من
سبیل و خواهی دید ظلم کنندگان را بر خود بسبب معصیت آلهی یا بر دیگران را دیدند عذاب را
گویند آیا مفری بازگشتن هست تا توبه و تدارک بجا آریم دیدن ایشان را در معرض عذاب
خشوع کنندگان از خواری و مذلت و از هراس به زیر چشم نگاه کنند القارعة ما القارعة
و ما ادریک ما القارعة یوم یکون الناس کالفراش المبثوث
و تکون الجبال کالعهن المنفوش یعنی قیامت را از شدت هول میگوید که کوبنده
چه میدانی یا محمد چیست کوبنده روزی که خلایق از کثرت وحشت و مذلت و دهشت
مانند پروانه منتشر و حیران و مضطرب و سرگردانند و کوهها در آن فزع اکبر مثل پشمهای
الوان حلاجی شده در هوا و آفاق عالم پران فکیف تتقون ان کفرتم یوما
یجعل الولدان شیبا السماء منفطر به کان وعده مفعولا ان هذه
تذکرة فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا پس چگونه میترسید
اگر کافر میشوید از روزی که از هم و غم و شدت بیم و الم کودکان را پیر خواهد کرد آیند در
از روز آسمانها خواهد شکافت وعده الهی شدنیست به تحقیق که این تنبیه و پند است

نبت نشا لا پس هر که خواهد درست کند برای خود در این ایام مهلت بسوی پروردگار خود
راه نجات بنو برد و عمل الا یظن اولئک انهم مبعوثون لیوم عظیم آیا گمان
میکنند ایشان و جرات معصیت الهی مینمایند بر انکه بحشر خواهند شد برای روزی
بسیار بزرگ ایستادن روزی و ایستاده خواهند شد بجهته حساب برای پروردگار
خود ایحسب الانسان الن نجمع عظامه آیا می پندارد انسان
را جمع نخواهیم فرمود استخوانهای او را بلی قادرین علی ان نسوی بنانه
بر قادریم بر ساختن نوک انگشتان او بل یرید الانسان لیفجر امامه بلکه
میخواهد انسان فجور و خطا را پیش اندازد و توبه و ندارد کی این روز خطا را بسوز را روز
بروز پس اندازد و بیان نیز دارد یسئل ایان یوم القیمة فاذا برق البصر
وخسف القمر وجمع الشمس والقمر یقول الانسان یومئذ
این المفر و میپرسند از تفاوت روز قیامت پس هنگامی او در شدت
هراس حیران بماند و دیدها تاریک شود و ماه و آفتاب در نهایت حرارت شدت
بر تابد بر سر گناه کاران بر اضطراب باز ایستند خواهد گفت در آن هنگام این
کو مفر جای مفری باشد بجز سایه رحمت الهی برای کسی که پیش خود را سابق
آن ساخته باشد ینبؤا الانسان یومئذ بما قدم و اخر بل الا

نسان

الانسان علی نفسه بصیرة ولو القی معاذیره خبر داده خواهد شد در آن روز بانچه عمل از
خیر و شر بلکه خود شاهد بینا است و کردار خود را میداند اگرچه از بیم عذر ها ناموجه بیهوده
میراند استجیبوا لربکم من قبل ان یاتی یوم لا مرد له من الله ما لکم
من ملجا یومئذ و ما لکم من نکیر اطاعت و اجابت کنید پروردگار خود را پیش
از آنکه بیاید روزی که دیگر مفری از خدا نخواهد بود و نه پناهی دارید و نه انکار میتوانید کرد
[illegible] و اعضا شهادت خواهند داد ان یوم الفصل میقاتهم اجمعین بدرستی روز
جزا وعده گاه همه ایشان است [illegible] از روز [illegible] بنده نخواهد [illegible] و یاری ندارد مگر آنکه خدا
او را ترحم کند [illegible] در دنیا با طاعت و توبه خود را مستحق رحمت الهی کرده باشد
وانذرهم یوم الازفة اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین ما للظالمین
من حمیم ولا شفیع یطاع بترسان یا محمد ایشان را از روز قیامت که روز بروز
ساعت بساعت نزدیک میشود وقتیکه دلها و جانهای گنهکاران از شدت و فزع
و هول جزع بحنجره بند میشوند [illegible] در حالت [illegible] غضبناک باشند و نیست
گنهکاران [illegible] توبه و ندرست راه یاری و نه شفاعت کننده که قبول شود و یوم
تسیر الجبال وتری الارض بارزة وحشرناهم فلم نغادر منهم احدا
وعرضوا علی ربک صفا لقد جئتمونا کما خلقناکم اول مرة بل زعمتم ان لن

نجعل لکم موعدا یعنی روزی [illegible] و بر طرف خواهیم کرد کوهها را و زمینها را
کنند
خواهی دید هویدا و حشر کنیم مردم را پس و انگذاریم از ایشان یکی را و عرض شوند همه
بر پروردگار تو صف کشیده البته بتحقیق آمده باشند چنانکه خلق کرده بودیم اول بار
شما را برهنه و عاری از هرچه در دنیا [illegible] پندار [illegible] برای حشر شما را وعده نداده بودیم
ازفت الازفة لیس لها من دون الله کاشفة افمن هذا الحدیث
تعجبون وتضحکون ولا تبکون نزدیک شد قیامت که نزدیک شدنی بود [illegible]
[illegible] جز حق تعالی کشف شدائد او را نمیتوانند نمود آیا ازین حدیث شما عجب دارید و
خنده میزنید و بر حال خود گریه نمیکنید یوم تاتی کل نفس تجادل عن نفسها وتوفی
کل نفس ما عملت وهم لا یظلمون روزی خواهد آمد هر کسی را مجادله [illegible]
کنان از طرف خود که نفس خود را خلاص سازد و اصلا دیگری نپردازد [illegible]
[illegible] و خواهد یافت هر کس جزای آنچه در دنیا کرده بی کم و زیاد ومن اظلم ممن
ذکر بایات ربه فاعرض عنها نیست نفسی بر خود ظالم کننده تر از کسی که یاد آورده
شود بایات پروردگارش و بفکر آخرت خود افتد و از خواب غفلت بیدار گردد پس
او اعراض کند از آیات الهی و قبول نکند نصایح او را فذرهم یخوضوا
حتی یلاقوا یومهم الذی یوعدون یوم یخرجون من الاجداث

سراعا کانهم

کانهم الی نصب یوفضون خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة
ذالک الیوم الذی کانوا یوعدون [illegible] و اکذار یا محمد ایشان را که
بموعظه متنبه و منتفع نمیشوند در لهو و لعب باشند تا روز وعده که از قبرها
بیرون آیند بسوی حساب جزای خود بتعجیل [illegible] از خود ترسان و
خوار [illegible] و گرفته باشد ایشان را این است روز وعده و بروایت
شیخ مفید بعد از آنکه بشومی غفلت در دنیا حاصل هزار محنت و عناد
در گور کشیده از زور حشر مینمود چنانکه در حدیث وارد است
که در آن وقت همه را فراموش و آرزو کنند که کاشکی بگور بر میگشت
پس هزار سال بدین حالی شقاوت [illegible] تا بعد از آن حاکم
قهار [illegible] حکم فرماید و بدرواینی از شدت حیرت و شور نشور حشر
تا [illegible] یک قدم در لحد و یک قدم در لب قبر حیران بماند
حضرت [illegible] صلوات الله علیه از امیر المومنین صلوات الله علیه
ذکر فرمود که نیست احدی که بیرون آید از قبر مگر آنکه دو ملک
در بازوی او چسبیده گویند اجابت کن امر پروردگار خود را بسوی
حساب و از رسول خدا صلم منقولست که محشور میشوند عریان و ختنه

نشد و با بهر موثر و ناخنی و عضوی که در مدت عمر قطع نشد و فرمود بارالها
از حق تعالی ملایکه چند هستند که همیشه ایستاده اند و از خوف الهی
سر بالا نمیکنند تا نفخ صور پس در آن حال از بیم جمیع ملائکه گویند خدایا
منزه میدانیم ترا از هر قبیحی و از اینکه عبادت ما لایق درگاه تو باشد
و ترا بر نعمتها شکر نکردیم و حق عبادت ترا بجا نیاوردیم و اگر کسی
عمل هفتاد پیغمبر داشته باشد البته کم شمارد از شدت هول آن روز
جهان سوز و چون جهنم در صحرای محشر پر شور و شر بخروش نماند
ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر آنکه بزانو در افتند و استغاثه کنند و از
ترس گویند رب نفسی یعنی ای پروردگار من خود مرا نجات ده حتی
ابراهیم خلیل الله پسر عزیز خود اسحاق را فراموش کند و گوید خدایا من
خلیل توام مرا امروز از رحمت خود فراموش مکن و بحدیث حضرت
امام محمد باقر ع که مصطفی ص فریاد برآورد که امتی امتی یعنی امت مرا نجات
ده پس بیلند یا رسول الله چه چیز نجات میدهد از این هول محشر و چنین
فزع اکبر فرمود این نجات میدهد که بنشینید بر زانوی خود نزد علما
و مسائل دین خود را و اعتقادات شرع مبین را از ایشان تعلیم بگیرید و امیر

المؤمنین

المؤمنین صلوات الله علیه بروایت ابن مسعود میفرماید در این موقف اول هر کس ایمان آورده باشد
بر آنچه پیغمبر ص از جانب خدا آورده که اصول دین است ناجی و رستگار است و هر که شک در آنها داشته
باشد و تحصیل یقین و معرفت بآنها در دنیا نکرده باشد هزار سال با آن شدت و حسرت مذکور شد در
عذاب موقف خواهد ماند و بدانکه معرفت اصل وجود حق تعالی احتیاج باکثار و گفتگوی بسیار
ندارد چه وجود صانع از کل اشیاء ظاهر بلکه از کل اشیاء ظاهرتر است و هر که خود را شناخت میداند
که نبوده و خود بخود بهم نرسیده و خالق او را آفریده و اینمعنی فطری و جبلی آدمست
مثل میل بملایم و از کراهت از نمولم و جوع و نوم و سایر حالات نفسانیه که در اطفال بلکه در حیوانات هم
که نمیدارند میباشد و قطع نظر از احادیث بسیار بلکه متواتر است در اینمعنی که در این مقام
ذکر آنها مناسب نیست و دلیل عقلی هم بر این معنی تمام است که حق تعالی اول معرفت خود را
بدون سعی و کسب و اختیار به بنده داده بعد از آن تکلیفش نموده بکسب و تحصیل ایمان و
و طاعات و الا لازم میآید که حجت بر خلق تمام نشود چنانکه در کتاب مفتاح الجنان که این رساله
جدولیست از انهار دهر از روضات مفصلا مذکور است و چون این معنی را تجربه و وجدان
تصدیق میکند بذکر آن خالی از طول و غموض نیست بپردازیم همه میدانند حتی حکیم افلا
طون که انصاف دهد که خدا را بالهام و اعلام خدا شناختم نباید که فلاسفه و نمیدانند که شناختم
هر چند تامل میکنند ابتداء وقت و کیفیت آن شناختن را نمیدانند از اینست که در اخبار

و آیات در خصوص بودن خدا بغیر منبهات که آدمی را بیدار سازد و بفکر التفات اینمعنی
فطری اندازد وارد نشده بلکه از راه تعجب در قرآن میفرماید أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ یعنی آیا شکی هست در خدایی که آفریننده آسمانها
و زمینهاست و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که تعجب دارم از کسی که شک
کند خالق خود را و حال آنکه میبیند خلق او را پس برای اعلام آفتاب بر امثال کسی
که خواب باشد بیدار کردن او کافیست بیدار شد بهمان حالت جبلی ابصار که خلاقی
اختیار باو دارد می بیند که آفتابست اگر باز چشم پوشد و انکار کند اتمام حجت بر او
شده و معاند خواهد بود از اینجاست که کفار اول بتوحید خدا و بخصوص بگفتن لا اله الا
الله امر کردند و در این عقبه اول ایمان بما جاء به النبی صلی الله علیه و آله باعث
نجات میشود و اول آنها توحید است و اعتقاد بوجود خدا داخل آنها نیست هر
چند لازم آنها باشد بلی توان بود بعضی بعلت تشکیکات شیطانیه یا کوری تعلیم معلمان
بر اعتقاد و معاندان صوفی و نجات و امری و قدری و جبری که شومی صحبت (رغبت) از علمای
اهل بیت رسالت که اهل علم واقعی غیر ایشان نمی باشد سلب توفیق الهی و فهم و شعور
فطری از و شده شبهها و اهیه ضروری البطلان در نظر شان نظری نماید مثل سوفسطائی
و اشعری بلکه و کلامی که هر کس دیده شک بلکه انکار بدیهی کند و دیگر بتجربه رسیده که

زیادتی

که زیادتی تشکیک و تفتیش در مسئله سهل باعث شک و تشویش میباشد و از اینجهت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرماید لا ترتابوا فتشکوا فی دینی یعنی تشکیک و ریب
منمائید تا شک بهم نرسد در دین خدا و بر فرض که دلایل حکمیه هم برای اثبات واجب
و صفات و نبوت و امامت و معاد افاده اطمینان قلب نظر بهر کس نموده از جمیع ایرادات
مسلم باشد روز قیامت کسی را باین طریق نزع آسان را بیان میکنیم ایمان و یقین بهر سانیده
باشند بحث نخواهند کرد این عقاید را با آن دلیلهای دیگر هم نشناخته پس بهر حال اسلم
و اقرب این طریقه شد که در اثبات حق تعالی که موقوف علیه کل عقاید است کردن خود را بجاهل
و تسلسل بیندازد دگر بپا از ابد ستمگر از ناقص و مانع و معارض داده خود را در دام
دعوی و سرگردانی معطل نسازد و هم چنین در سایر مراتب بعد از اثبات نبوت چنانکه بعون
الله تعالی در کمال سهولت میشود اکتفا بقول مخبر صادق نماید و بعد از تصحیح اعتقادات
که موقوف علیه صحت عبادات است بکثرت طاعت باخلاص حضور و ذکر و فکر ابواب
زیادتی معرفت و یقین روز بروز بروی خود بگشاید و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
اما اثبات نبوت بدانکه اصل آن هم بدلیل عقلی ثابتست قطع نظر از معجزات و علامات
دیگر چنانکه انشاء الله در عقبه سوال از تحصیل علم دین اشاره بآن میشود اما یقین خصوص شخص
نبی پس بتواتر وقوع معجزات و ظهور خوارق عادات از مدعیان واقع میشود

بجهت انکه هرگاه معجزه را بعد از ان حق تعالی باختیار احدی متحقق نمیتوانند شد بدست مفتری
جاری شود لازم می آید را حق تعالی بباطل راضی باشد و دیگر هرگاه معجزه بدست کاذبی
ظاهر شود جزم است را فسادها که برا و مرتب خواهد شد پس خدا بر[اطلاع] این مفاسد عظیمه و در میان
بندگان ضعیفش حادث میشود و قوت در دفع شر آن مفسد دارد یا نه اگر دارد
و نمیکند لازم می آید بر حق تعالی قبیحی را بر هیچ رئیس قریه و خانه جایز نیست و اگر
اطلاع یا قوت بر منع ان ندارد جهل یا عجز خواهد داشت و هر دو بالضروره با خدایی و خلق
منافی اند و با تخال نظری و بتنبهات آفاق و انفس هم را وجود صانع ظاهر میشود و صانع
دانای توانا ظاهر میشود و ظهور معجزات بسیار از محمد مصطفی صلعم بر طبق دعوی نبوت
متواتر است مثل شق قمر و برگردانیدن آفتاب و تکلم آهو و سوسمار و گرگ و شتر
غائب و سموم بریان و اجابت نباتات و جمادات بلکه اطاعت جمیع ذرات کاینات و اخبار
از مغیبات آینده و کم قرنی گذشته باشد را چند چیز از انها بر صفحه ایام ظهور نرسیده مثل ظلم
بر اهل بیت رسالت و ظهور ائمه معصومین صلواة الله علیهم اجمعین با سامی و صفات
بنقیل و غلبه بنی امیه و بنی عباس و ملاحده و قرلکان در کتب مکتوبه پیش از
ظهور ایشان دیده شده و بدعت صوفیه و غیر انها بیشمار تا حال بظهور
پیوسته و با وجود کثرت معاندین و معارضان یکسر مو خلاف در هیچ امری بظهور نرسیده

و از انجمله

قرآنست را بچندین وجه از معجزات مشتمل است و بعض انها بر عوام
هم واضح است و بر عارف مخفی نیست و بنا بر ثبوت اصل نبوت را بعقل یا باشاره شد
بمحض انتفای نبوت غیر انجناب و مجال خلاف نیست نبوت انحضرت پیش از معجزه
هم معیان و مبین میشود با وجود پیغمبر سابق کار آسانتر میشود چون اسباب نبوت بجهد الله
شد هر چه بفرماید در اصول و فروع بعینه فرموده حق تعالی است و یقین ثابت و اعتقاد
عبادات از همینست حاصل میشود در امامت و معاد خصوصیات صفات جمال را که کمال قدرت
و علم و ادراک و اراده و سمیع و بصیر و ازلی و ابدی بودنست و صفات جلال را بتوحید
و نفی ضد و مثل و ترکیب و غیر انهاست و بدانکه امامت را مثل نبوت و اعظم ارکان
و اصول ایمانست چنانکه بنص خدا و رسول و امام سابق ثابت میشود و همچنین مثل
نبوت معجزات و عصمت و دلیل عقل هم ثابت میشود پس در این خصوص
هر قدر فکر در حالات و صفات و احوالات و تتبع طرق تصحیح امامت و اهل بیت
رسالت بیشتر بکند معرفت و ولایت ایشان را فخر ملائکه مقربین و مباهات انبیاء
اولوالعزم بانست بیشتر میشود و اهتمام خدا و رسول در خصوص ولایت اهل
بیت رسالت فرموده اند در هیچ امری نفرموده چنانکه حضرت امام جعفر صادق عم
میفرماید را صد و بیست مرتبه رسول خدا صلعم معراج واقع شد و در هر مرتبه سفارش

دوازده امام ... نوشته شد

و وصیت در باب علی ابن ابی طالب عم از همه امور بیشتر میشد و بروایت سوافق
و منافق رسول خدا صلعم میفرماید را حق تعالی مرا هیچ بار بسوی معراج نبرد و تکلم نفرمود
هرگز مگر آنکه فرمود یا محمد علی را از من سلام برسان و بگو بدرستی را تو ای امام و پیشوای دوستان
و نور اهل طاعت منی پس گوارا باد ترا یا علی این کرامت و حضرت امام عم از آنحضرت
ذکر فرموده هر که ما اهل بیت را دوست دارد ایمن مبعوث شود و فرمود یا علی هر
ترا دوست دارد در روز قیامت با پیغمبران خواهد بود در درجه ایشان و اول
چیزی را در حساب قیامت سؤال میشود محبت ما اهل بیت خواهد بود و اخبار باین
معنی متواتر است و در بعض انها این تتمه هست را پس اگر اقرار بولایت کرده
و بر ان حال مرده نماز و غیران قبول شود و الا هیچ عمل او را قبول نمیکنند و موافق
کلام الهی مطابق احادیث متواتره بطرق سنی و شیعه باجماع را اگر کسی میان
رکن و مقام کعبه انقدر عبادت کند را از هم بگسلد و مانند پوست پوسیده شود
یا عمل مقبول پیغمبر کرده باشد مادام را اقرار بولایت و محبت اهل بیت نداشته باشد هیچ
فایده است و هرگاه ثواب برحمت حق است پس چرا کاهلی میکنی اگر عوض دادن خدا
حق است بخل برای چیست و اگر عقوبت خدا را حق میدانی چرا معصیت میکنی
و اگر مرگ حق است چرا شاد میشوی و اگر عرض اکبر را یقین داری مکر چرا میکنی و اگر صراط

موضع نشان

یقین میدانی

یقین میدانی عجب چرا داری و اگر چون شیطان هست غافل چرا میشوی و چون فنای دنیا را
میبینی اطمینان چرا باو داری و برد اینی عجب از کسی را یقین داری جهنم چرا میخندی
و بحساب چرا گناه میکنی و نشاه اولی چرا در آخرت شک میداری و در چند صحیح از
حضرت امیرالمؤمنین عم ذکر فرموده را هیچکس لذت ایمان را نمییابد تا بداند و را انچه باو رسید
بگذشت چون همه بتقدیر شده و میشود و هر چه نرسید نمیرسید و در صحیح دیگر این زیادتی
نیست را بداند خداست ضار و نافع و رسول خدا صلعم از جبرئیل در تفسیر یقین این
زیادتی ذکر فرموده را خدا چنان عبادت کنی را گویا او را می بینی پس اگر نماز کننده او خدا را
نمی پسند خدا او را نمی پسند و فرمود یا اباذر هیچ عملی به از یقین در سنگینی و نه
حسنه از حسن خلق و نه ورعی از ترک حرام و خوف الهی پس قصور شداد اسرائیل
نموده و فرمود یا اباذر یقین میباید و در صحیح حضرت امام رضا عم از حضرت امام محمد تقی عم
نقل میفرماید را قسمت نشده میان خلق هیچ چیز کمتر از یقین یونس پرسید از حد
یقین فرمود توکل و تسلیم بخدا و رضا بقضای خدا و تفویض کار بسوی خدا و در حسن
حضرت صادق عم در حد یقین فرمود انکه نترسی با وجود خدا از هیچ چیز
در شرح از فضل رضا بقضا صبر و قناعت بر داده دکر ده حق تعالی
را اعظم و اقدم خلایق ایمان و ازا و ثق و احکم و اسباب مؤمنانست بسوی عالم

نور و قرب پروردگار عالمیان چنانکه دلالت میکند صحیحهٔ محمد ابن سنان از پدرش
از حضرت امام محمد باقر ع که رسول خدا ص برخورد بکاروانی در بعضی از سفرها پرسید چه
کسانید شما گفتند مؤمنان فرمود چیست حقیقت ایمان شما گفتند رضا بقضای
حق تعالی و تسلیم امر خدا و تفویض امور بسوی خدا پس فرمود عالمانند حکیمانند نزدیکند
از حکمت بمرتبهٔ پیغمبران باشند آنگاه فرمود هر گاه راست میگوئید پس بنا مکنید
جائی را که نیستید در آنجا ساکن نخواهید شد و جمع مکنید چیزی را که نخواهید خورد
و بترسید از خدائی که بسوی او راجع خواهید شد و محشور خواهید شد بدانکه چاره نیست
مؤمن را از سعی در رسیدن باین درجه در دار تکلیف و بنای اساس او بر انقلاب
و استحکام نیست و الا پیوسته مشغول حسود در عذاب دنیا و عقاب عقبی است چنانکه
حضرت امیر المؤمنین ع میفرماید و وحی شد بداود که ای داود تو اراده میکنی و من
اراده نمیشود مگر بخواهش و ارادهٔ من پس اگر منقاد و راضی باراده من باشی
آنچه مراد تو باشد عطا کنم و الا ترا به تعب اندازم در سعی مراد خودت و آخر
نمیشود مگر مراد من و فرمود هر که راضی شد بقسمت در راحت است و در صحیح حضرت
صادق ع میفرماید در اخبار خدا کیست که بقضای او راضی باشند و سر ایمان
صبر و رضا است از حق تعالی در آنچه خواهی یا نخواهی و هیچ بنده راضی نمیشود

ازخدادرانچه

از خدا در آنچه خواهد و نخواهد تا آنکه همه خیر او باشد و اینمعنی متواتر است و فرمود وحی
شد صرف نمیکنم از بندهٔ مؤمنم چیزی را مگر آنکه خیر او است پس باید راضی شود بقضای
من و صابر شود بر بلای من و شاکر باشد بر نعمتهای من تا بنویسم او را یا محمد از
صدیقان نزد خودم و در صحیح فرمود عجب دارم از مسلم که خدا هر قضای برای او
کند خیر او است اگر بمقراضها پاره پاره شود و اگر مالک مشرق و مغرب گردد و فرمود
علامت مؤمن راضی است در آنچه باو میرسد از آزار و فرمود خدا اجر را برای او
زیاده میکند و خشمناک که اقضا جاری میشود و اجرش برطرف میشود و فرمود
پیغمبر هرگز نفرمود که کاش نحو دیگر بود چگونه کسی مؤمن باشد که از قسمتهای
پروردگار خود بخشم آید و بمنزلهٔ خود را حقیر شمارد و حال اینکه اینها از جانب خدا برای
او مقرر شده و من ضامنم برای هر که خاطرش بغیر رضا و خوشنودی از خدا نیابد که
دعا کنند مستجاب شود و فرمود که شیطان گفت مرا در هیچ کس چاره و حیله
نیست و نتمرد در قبضهٔ منند که در سه مشغول و متوکل شود بخدا در همه امور
و کسی را در شب و روز یاد خدا بسیار کند و کسی را که بپسندد برای برادر مؤمنش آنچه
برای خود می پسندد و کسی را در مصیبتی جزع ننماید و کسی را راضی باشد بقسمت
و غم روزی نخورد و رسول خدا ص میفرماید قسمت را باندازه کرده اند پس آنچه برای

تو مقدر شده بتو میرسد هر چند ضعیف باشی و آنچه از بلا مقدر شده رفع از آن بزور نمیتوانی
نمود و هر چه از تو فوت شده قطع امید نماید چه در راحت است و هر که راضی باشد خوشحال
و چشمش روشن است و بسندهای معتبر از آنحضرت منقولست که خدا فرمود که هر که
رضا بقضا و ایمان بر تقدیر من ندارد پس خدای دیگر طلب نماید و فرمود حق تعالی
میفرماید ای پسر آدم اطاعت من در هر چیز که امر کنم و تعلیم مکن صلاح خود را من بهتر
میدانم و فرمود یا اباذر مستغنی باش بقضای الهی و قانع شو بداده خدا تا غنی ترین مردم
باشی پرسیدم کدام است غنای خدا فرمود چاشت یکروز و یک شام و جناب امیر المؤمنین ع
فرمود هر که راضی شود بانکه از دنیا او را کافیست و هر که راضی نشود بانچه او را
کافیست تمام دنیا او را کافی نیست و در صحیح کثیر مثل آن که گذشت از حضرت امام رضا ع
که سزاوار است هر کس را که غافل باشد از جانب خدا متهم نکند خود را در
قضای او و تعجیل ننماید در رزقش و در خطبه وداعست که هر که راضی باشد
از روزی خود و پهن کند شکوه خود را و صبر ننماید حق تعالی هیچ حسنهٔ او را قبول نکند و ملاقات
کند خدا را و غضبناک بر او باشد و فرمود هر که صبح کند غمگین بر دنیا صبح کرده باشد خشمناک
بر پروردگار خود را و فرمود خرج باندازهٔ نصف معیشت است و بهترین روزی
آنست که کافی باشد و فرمود که حق تعالی میفرماید ای پسر آدم من از آفریدن تو

بنده نشدم

بنده نشدم آیا از کرده تا فرستادن مرا به تعب خواهد انداخت و لقمان پسر خود را گفت
باید کسی که بخدا یقینش ضعیف باشد تفکر نماید و عبرت گیرد در خدا او را آفریده در رحم
شیرخوار که طفل بود و چاره نداشت روزی داد پس بداند که در حالت چهارم نیز خواهد داد
و او بامشاهدهٔ اینها چون بزرگ و عاقل و قادر شد بر کسب پروردگار را بر خود تنگ و بدگمان شد
بپروردگار خود و حقوق خدا را در مال خود انکار کرد پس چنین بنده بد بنده است
از فرزند و حضرت صادق ع میفرماید که من ضامنم برای کسی که میانه روی کند که محتاج
نگردد و اخبار فضیلت قناعت دکهان و اعانت آن برابر آخرت بسیار است
و بمناسبت مقام بهمین قدر قناعت نمود بعلت مجاعهٔ انام و غلاء و قحطی ایام فصل مشبعی
در خصوص قناعت کمی که اهم از قناعت کیفی است در موقف صوم ذکر مینماید
ان شاء الله تعالی و باید دانست که اتم علامات اهم متممات رضا و قناعت شکر است که بآیات
و اخبار موجب زیادتی نعمت و ترک آن کفران منعم در دنیا و عقبی باعث حرمان و نعمت
و بقول حضرت صادق ع هر که توفیق چهار چیز یافت دعا و استغفار و شکر و صبر از
چهار چیز نامحروم نگردید اجابت آمرزش از دیاد عمر و نعمت و اجر و فرمود که چیز است
که با آنها هیچ ضرر نمیرساند دعا در الم و شدت و استغفار نزد معصیت و شکر در نعمت
و از رسول خدا ص ذکر فرموده که طعام خورنده شاکر ثواب روزه دارد و سالم شاکر

ثواب مبتلای صابر دغنی ثواب فقیر قانع وحضرت سجاد ع میفرماید که خدا دوست میدارد
هر دل محزون وهر بندهٔ شکور را واز حضرت صادق ع هر که بشناسد نعمت را که از خداست
شکر ان را کرده وفرمود هر که بگوید الحمد لله شکر نعمت را ادا کرده باشد بزرگ وکوچک
بدانکه اصل شکر نعمت صرف آن نعمت است در مصرفی که منعم برای آن داده
ومقرر فرموده والا کفران نموده چنانکه آنحضرت میفرماید که شکر اجتناب از معصیت
ونافرمانیست وتمام شکر قول الحمد لله رب العالمین است وحضرت امیر المؤمنین ع
میفرماید شکر هر نعمتی ورع از محارم الهیست وهم چنین تفکر در نعمتها واقرار بعجز از
احصار شکر است وشکر واسطه هم ضرور است والا روز قیامت حق تعالی
شکر مرا نکردی چنانکه حضرت سجاد ع فرموده وفرمود شاکرترین شما کسیست که شکر
مردم را بیشتر کند اما اعتماد بر خداست در سبب وواسطه ساخته والا احدی قادر
بر نفع کسی نیست واز اینجاست که وارد شده است که باید کسی املاست
نکند بر چیزی که خدا نداده   در مذمت نفاق ومجمل شقوق آن اخس
رذایل واعم ذمایم اهل شقاوت ونفاق چنانکه در موثق حضرت صادق ع از
حضرت رسول خدا ص ذکر فرموده که مثل منافق مثل چوبیست که صاحبش
هر جا گذارد راست نماید واخر بسوزانند وبدانکه اشد مراتب ان نفاق

باخدا

باخدا ورسول است یا در اصل ایمان که صاحب آن اظهار اسلام مینماید ودر باطن کافر است
واو بعلت غش وخدعه بدتر از کفار وبازگشتش بسوی درک اسفل است یا در اخلاص
مانند ریا وشرک خفی است پس نفاق با مؤمنان مثل غش وترک نصح بر مسلمانان ودروغ
وحسد ومجادله وخیانت ودو روئی وخلف وعده وغیبت وتحقیق علماء اینها همه
نفاق با خدا است یا با مانند السطر چنانکه در موقف آینده مذکور خواهد شد واسباب وعلامات
نفاق مثل غنا وملاهی وفحش وحرص بر خوردن وخوابیدن وتکلف وقول بی عمل وبقول
حضرت صادق ع علامت عاریه بودن هم هست ومتاثر نشدن از موعظه ورعایت
ننمودن آداب نماز چنانکه حضرت باقر ع فرموده وحضرت سجاد ع میفرماید منافق
در فکر غذا خوردنست بی آنکه روزه بوده وصبح در فکر خوابست بی آنکه شب بیدار
کشیده باشد ورسول خدا ص فرموده هر که حقیر شمارد طالب علم را منافقست
در دنیا وآخرت وبروایت دیگر فرموده سه نفرند که خفیف شمارد حق ایشان را مگر منافق
امام عادل وعالم وکسی را موی در اسلام سفید کرده باشد واز اخس افراد نفاقست ظاهر
صالح وباطن فاسد باشد وبقول حضرت امیر المومنین ع روایت ابن مسعود موجب عقوبت
عقبه سیم است چنانکه گذشت وبخوف بکاء فرمود که اگر چنین باشی ستار سوا خواهد
کرد روز قیامت واز رسول خدا ص منقولست که هر که پنهان کند چیزی را باعث

خوشنودی خداست خدا ظاهر کند چیزی را که موجب خوشنودی اوست وهر که پنهان
کند چیزی را باعث سخط خداست خدا ظاهر کند چیزی را باعث خواری اوست
وبروایت دیگر روز قیامت خدا را که خدا را ملاقات از ودر خشم باشد واخبار
در اینمعنی بسیار است بلکه بهتر بودن ظاهر هم نفاقست چنانکه حضرت صادق ع
از رسول خدا ص نقل فرموده هر قدر حسد زیاده باشد ان نفاقست نزد ما وحضرت
باقر ع در صحیح میفرماید هر که ظاهر بهتر از باطنش باشد میزان عملش خفیف
خواهد بود در روز قیامت وباید دانست که بد ساختن ظاهر برای موافقت باطن
هم بد است بلکه بدتر است چنانکه از ملاحده صوفیه خذلهم الله شنیده ایم زیرا که خوب
کردن هر دو مکلفیم چنانکه اشعار باین فرموده ودر وصیت اباذر که خوش حال
کسی که خوب وصالح باشد سر وباطن او ونیکو باشد ظاهر او ولی اصلاح باطن
اهم است چنانکه فرموده خدا نظر نمیکند بصورتها واموال شما ولیکن نظر میکند
بدلها واعمال شما پس بسینهٔ شریف اشاره در سه مرتبه فرمود تقوی اینجا میباشد
وحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرماید هر که باطن خود را اصلاح
کند خدا آشکار او را اصلاح نماید وهر که میان خود وخدا را باسازد خدا میان
او ومردم را باسازد وشعبها ومفاسد نفاق شوم بیشمار است واز بعض

اخبار ظاهر

اخبار ظاهر میشود در مضار اکثر معاصی ورذایل است پس از ذکر بعض از انها در اخبار
مراد افراد شیعه خواهد بود بلکه مشاکل انهاست زیرا که عاصی میگوید بر تقوای پیروی خدا
وصدق وعدهای او دارم ولازم این ترک معصیت است پس البته اصرار بر معصیت
منافق ونفاق بر میگردد وحدیثی که در عملش مذکور میشود دلالت بر این معنی
میکند   در ذکر خصال واعمالی که تقدیم انها در این اوقات فرصت باعث
خلاصی از این عقبات پر عقوبات وحسرات اهل معاصی میگردد ودر ذکر جمعی
که با تحسین حساب وتعب وعذاب وعقاب وارد بهشت خواهند شد
جعلنا الله تعالی منهم ببرکت محمد وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم اجمعین
الی یوم الدین زلال خصالی چند در جلد اول عین سابقه سمت جریان پذیرفت
وسابق مذکور شده که نجات کلی وفوز کامل برای هر مطیع [illegible] اهل بیت
رسالت باشد عموما حاصل است واز حضرت صادق ع منقولست که قیامت
عروسی پرهیزکاران است وحضرت امیر المؤمنین ع از رسول خدا ص پرسید
از تفسیر یوم نحشر المتقین الی الرحمن وفدا یعنی روزی که محشور
میکردانیم پرهیزکاران را بسوی خدای رحیم در حالتی که مهمان وارد بر خدای
خود یا سواره باشند فرمود یا علی ایشان نیستند مگر سواره وجمعی الله از

نافرمانی پرهیز کرده اند بخدا سوگند که از قبرها بیرون خواهند آمد با رویهای چون برف و نورانی
و سفید و جامهای سفید تر از شیر و کفشهای طلا و ملائکه باستقبال آیند با ناقهای بهشت
ایشان سوار شده بسوی بهشت پرواز کنند و با هر یکی هزار ملک باشد او را با کمال
اکرام و احترام بیارند تا درگاه بزرگ بهشت و از چشمه طهور غسل و شراب نمایند
و از هر ناخوشی باطنی و ظاهری مصفی شوند پس ندا رسد بملائکه که دوستان مرا ببهشت
برید و داخل سایر خلایق نکنید که من همیشه از ایشان خوشنود بودم و رحمتم
برایشان لازم شده پس چون ملائکه حلقه بر در بهشت زنند آوازی بلند شود که جمیع
حوریان ایشان شاد شوند و بهم بشارت دهند که آمدند دوستان خدا پس
امیرالمؤمنین ع فرمود یا رسول الله ایشان چه جماعتند فرمود که شیعیان خالص
تو اند و تو امام و پیشوای ایشانی فرمود یا علی امت مرا نام در عالم ارواح بمن نمودند
بر تو و شیعیان تو و استغفار کردم برگناهان شما گفت یا رسول الله دیگر بفرما از فضایل
شیعیان فرمود تو و شیعیان تو بیرون آیید از قبرها با رویها چون ماه و جمیع شدتها
و غمها از شما زایل شود و در سایه عرش الهی خواهید بود و مردم بترسند و شما نترسید
و خلایق در حزن و اندوه و شما مسرور و خوشحال و بر سر خوان نعمت الهی
می آورند مردم در حساب باشند و بروایت دیگر فرمود یا علی ع شیعیان تو

بیرون آیند

بیرون آیند از قبر او می گفته باشند لا اله الا الله محمد رسول الله و علی ابن ابی طالب
ولی الله وجه الله و حدیث حضرت سجاد نیز مثل اینست و بروایت دیگر گویند الحمد لله
و الله اکبر و فاجران گویند واحسرتاه و واسوأتاه و ذکر فرموده که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
و لوح و قلم از خدای تعالی جل جلاله ولایت و محبت علی خواستند و حصن منست هر که
داخل آن شود ایمنست از عذاب من و مشهور است که فرمود حب علی لا یضر معه
سیئة و بعض … بطریق و سنن از آنحضرت منقولست که اگر مردم بر ولایت
و محبت علی ابن ابی طالب علیه السلام اتفاق می نمودند البته خدا جهنم را نمی آفرید
و فرمود یا علی اگر دوست می داشتند ترا اهل زمین مثل اهل آسمان البته احدی را
باتش معذب نمی شد و فرمود حق تعالی جمیع مبعوث خواهد نمود با رویهای نورانی
منبرهای نور بر کرسیهای نور در سایه عرش مانند پیغمبران و پیغمبر نیستند
و مانند شهدا و همه شهید نیستند پس دست مبارک بر سر علی گذاشته فرمود
که این و شیعیانش خواهند بود آیات و روایات بطرق عامه و خاصه در این معنی
از حد تواتر متجاوز است و بمفتاح محبت ابواب خلاصه همه مفتوح است و امیر
المؤمنین ع میفرماید که میخواهی ترا خبر دهم بحسنه که هر که دارد در روز قیامت
هیچ ترس ندارد محبت ما اهل بیت و معنی محبت ایشان مذکور شد باید …

نا قریب بخوانی و با اسم خاص ولایت و محبت معروف نشوی و در عین دهم مذکور خواهد شد
و حضرت امام رضا ع میفرماید که رسول خدا ص فرمود هر که ما اهل بیت را دوست دارد
خدا او را دوست دارد و در قیامت با من مبعوث گردند و فرمود چهار نفرند که روز قیامت
شفاعت ایشان را خواهم کرد اگر چه بیایند با گناهان اهل دنیا یکی آنکه اعانت کند و یاری نماید
مر ذریه مرا و یکی آنکه دوست دارد ایشان را بزبان و دل و یکی آنکه سعی کند در حاجات
ایشان در وقت اضطرار و یکی به بخشد مال خود را بایشان در هنگام تنگی و برداشت
دیگر رفع نماید … از ایشان و حضرت صادق ع میفرماید که چون روز قیامت
شود منادی ندا کند ای خلایق ساکت باشید که محمد مصطفی ص با شما تکلم مینماید
پس آنحضرت برخواسته میفرماید یا معشر الخلایق هر که را نزد من نعمتی و احسانی
و منتی باشد برخیزد تا تلافی کنم گویند فدای تو گردیم چه منت و کدام خوبی و نعمت که از …
و همه از خداست و رسول او بر جمیع خلایق فرماید بلی هر جا داده یکی از اهل بیت مرا
یا احسانی نموده باشند یا برهنه ایشان را پوشیده باشند یا گرسنه ایشان را سیر کرده باشند
باید برخیزد تا مکافات دهم آنگاه برخیزند جمعی که عمل آورده اند پس ندا رسد
از جانب خدا که یا محمد یا حبیب من بدرستی که مکافات ایشان را واگذاشتم بتو هر جا
را خواهی در بهشت ایشان را ساکن کن پس جا میدهد ایشان را در وسیله در جانبی

از هیچ جای

از هیچ جایی و جایی از محمد و اهل بیت آن ص ندا نشته باشد و ذکر فرموده از آبا کرام
خود از آنحضرت که چون قیام کنند روز قیامت در مقام محمود که حق تعالی وعده فرموده
شفاعت میکنم از اهل کبایر امت خود را پس قبول شفاعت من میفرماید و بخدا
سوگند که شفاعت نخواهم کرد کسی را که آزار ذریه من کرده باشد و منقولست از
آنحضرت که مؤمن نمی باشد بنده تا مرا دوست تر از خود نداشته باشد و اهل مرا از اهل خود
و عترت مرا از عترت خود و فرموده هر که احسان کند بیکی از اولاد عبدالمطلب
و او تلافی ننماید من تلافی خواهم کرد فردا که مرا ملاقات کند و فرموده هر شربتی آب
دهد اگر چه در میان دریا باشد شفاعت او کنم اگر چه با گناهان اهل دنیا باشد
و فرمود رعایت صالحان ایشان از برای خداست و غیر صالح خاطر من
و در خصوص عبادات و خصال چند هم که باعث رستگاری و نجات در
۵۱۴ ر هدایت و ارشاد مؤمنان
شرع اثبات شده بذکر اهم و اتم اکتفا میکنیم
به تبیان علوم دین و مسائل شرع مبین بنیت خالص چنانچه از احادیث مستفیضه
بلکه متواتره از رسول خدا ص و امیرالمؤمنین ع و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین
واقع شده که عالمی که هدایت و تعلیم شیعیان آل محمد میکند با ما خواهد
بود و رفیق ما در رفیق اعلی و بیاید روز قیامت بعرصه محشر با تاج سعادت

گروشنی بخشد کل اهل عرصات او و باحله کرامتی که یکتار ان بهتر باشد از دنیا
وانچه افتاب براو تابد هزار هزار و از حق تعالی باو ندا رسد که ای بنده گرامی که
مواسات نمودی با اولاد پیغمبرم ای ملائکه بدهید در بهشت بهر حرفی که تعلیم کرده هزار
هزار بلکه انچه مناسب انها بشود از نعمتها و ندا فرماید ای بندگان حق این عالمیت
از شاگردان آل محمد ص و هر که در دنیا از جهل برآمده راه هدایت دست اعطا او را
قبول نموده و بگوش هوش شنیده امروز بنور او چنگ زنند تا از ظلمت و حسرت
قیامت نجات یافته به بهشت رسید و بحدیث حضرت کاظم ع ندا رسد
ای کفیل یتیمان ال محمد که جدا مانده بودند از پدران حقیقی و امامان خود باش
تا شفاعت کنی هر که را اخاه علمی از تو اخذ کرده پس شفاعت کند ده قیام از
شاگردان و شاگردان شاگردان ایشان تا قیامت و هر یکی صد هزار است
و بروایت فاطمه صلوات الله علیها از رسول خدا ص علماء بقدر علم و ارشاد خلق خلعتهای
کرامت پوشند و شاگردان خود بپوشانند قدر علمی که فرا گرفته اند و انها هم به شاگردان
خود خلعت دهند و همچنین ندا رسد عوض خلعتها بخشید مضاعف دهند و در
این باب احادیث بسیار است و بحدیث حضرت صادق و کاظم علیهما السلام یکی از
ارباب بهتر است از هزار عابد و همتش در نجات خود است و بحدیثی از هفتاد هزار عابد

مثل فضل

مثل فضل بدر بر ستاره ها و بحدیث دیگر از جهاد کنند با کفار هزار هزار بار و منقول است
در نزد رسول خدا ص مذکور شد شخصی بعد از نماز فرایض مشغول است بتعلیم و دیگری
روزها بروزه و شب بنماز فرمودند فضیلت اولی بر ثانی مثل فضیلت من است
بر کمترین شما و بحدیث قدسی هدایت یکنفر بهتر از عبادت صد سال روزها بروزه
و شبها در قیام باشد و بحدیث نبوی طالب علم را شفاعتی هست مثل شفاعت انبیاء و فرمود
مداد علماء در میزان قیامت زیاد آید بر دماء شهداء و فرمود بصحیح حضرت صادق ع روز
قیامت سه طایفه شفاعت میکنند اول پیغمبران دوم علما سیم شهدا [illegible]
بیت عصمت و طهارت و رسالت و زیارت و مجاورت و تقبیل عتبات خاندان نبوت و امامت
و عزت و معرفت و اخلاص علی الخصوص سرخ روی دشت کربلا و چشنده زهر غربت و بلا جانگزا
بطول کتب مزار دستور اخبار از این مضمون ملزوم و مشحون است بسند های صحیح از حضرت
امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام مرویست که بتحقیق هر امامی را عهدیست در گردن شیعیان
بدرستیکه از تمام وفا بآن عهد زیارت قبور ایشان است پس هر که زیارت قبور ایشان نماید
با رغبت و معرفت شفیع او خواهند شد در روز قیامت و بروایت دیگر گویا زیارت کرده خدا را
در عرش عظمت و جلال و بر کریم لازمست گرامی دارد زایر خود را در روز قیامت
عطا کند باو آنچه خواهد و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید بدو پرسید حسن مجتبی

از رسول خدا ص از ثواب زیارت او فرمود هر که زیارت کند مرا یا پدر تو را یا برادر تو را
یا تو را در حیات ما یا وفات ما حق و لازم است بر من که نجات دهم او را در روز قیامت
و ابن بابویه از حضرت امام حسین ع روایت نموده که فرمود حق و ثابت است
بر من که زایر خود را زیارت کنم در روز قیامت و نجات دهم او را و بحدیث حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود ضامن شدم برای او که روز قیامت خلاص کنم او را
از هولهای آن روز تا آنکه ببرم او را با خود بدرجه خودم در بهشت و در حدیث
بسیار صحیح بروایت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت سجاد و زینب خاتون
صلوات الله علیهم فرمودند که جبرئیل ع گفت که ملائکه باذن الله تعالی زوار او را
بهتر از سهمهای عرش الهی نشان میکنند تا روز قیامت معروف باشند و نورانی
و نور دیده ای اهل محشر را خیره کند و گویا می بینم تو را یا محمد که محشور در آیی
و من و میکائیل بر دو جانب تو و علی پیش رو تا با انقل ملائکه باشد که عدد
انها را بغیر از خدا کسی نداند و ما بگوییم میان اهل محشر و هر که اثر آن بهم
بر روی او هست از اهوال و شدتهای آن روز نجاتش دهیم و در حدیث اخبار
تفرقه قبور ایشان جناب حضرت امام حسین علیه السلام گفت که زیارت مرا که خواهد
کرد یا ابن رسول الله که فرمود که گروهی از امت برای برکت و احسان بمن روز
قیامت

قیامت جست و جو خواهم کرد و دست ایشان را خواهم گرفت از شداید آن روز نجات خواهم داد
و زیارت حضرت امیر المؤمنین ع از زوار آن جناب اقدس آنگاه است با افواج ملائکه و انبیاء و افضل است
از زیارت سایر ائمه باشد افضل خود و اعمال خود و حضرت صادق صلوات الله علیه میفرماید هر که
بزیارت آنحضرت رود پیاده بهر قدمی حجی و عمره کرده باشد پس اگر پیاده برگردد بهر قدمی حج
و عمره و ثواب زیارت آنحضرت در دنیا و عقبی زیاده از حد و حصر است و زیارت حضرت امام
حسین ع بروایات متواتره اقلا بهتر از حج است یا مغفرت گناهان و حضرت صادق ع بکسی
که نوزده حج کرده بود و نوزده عمره فرمود که یکی دیگر بجا بیاور تا بیست تمام باشد برابر یک زیارت
حضرت امام حسین ع خواهد بود راوی گوید او پرسیدم و چنان فرموده گفت کدام دارا
دارای بیست حج و عمره را یا حشر با حسین ع گفت بلکه حشر با حسین را فرمود پس زیارت
کن او را در صحاح ثواب هزار عتق با هزار اسب مسلح و بهر قدمی حسنه و محو سیئه و بهر قدمی
حج وارد شده و در بعض زیارات مخصوصه مثل عرفه یا هر ماه هزار حج و هزار عمره مقبول
و هزار غزوه و اجر صد هزار شهید بدر و مرافقت محمد مصطفی ص و ابانت و ضامن
بودن علی مرتضی ع و حوایج و دفع شداید دنیا و آخرت او را وارد شده و در تهذیب از حضرت
امام موسی کاظم ع روایت فرموده که زیارت قبر پسرم علی نزد خدا برابر هفتاد حج مقبول است
و چون راوی تعجب نموده فرمود بلی هفتاد هزار حج و هر که یک شب او ضیح کند گویا خدا را

از رسول خدا ص از ثواب زیارت او فرمود هر که زیارت کند مرا یا پدر تو را یا برادر تو را
یا تو را در حیات ما یا وفات ما حق و لازم است بر من که نجات دهم او را در روز قیامت
و ابن بابویه از حضرت امام حسین ع روایت نموده که فرمود حق و ثابت است
بر من که زائر خود را زیارت کنم در روز قیامت و نجات دهم او را و بحدیث حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود ضامن شدم برای او که روز قیامت خلاص کنم او را
از هول و شداید آن روز تا آنکه ببرم او را بالخود بدرجه خودم در بهشت و در حدیث
بسیار صحیح بروایت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت سجاد و زینب خاتون
صلوات الله علیهم فرمودند که جبرئیل ع گفت که ملائکه باذن الله تعالی زوار او را
بهتر از مهرهای عرش الهی نشان میکنند تا روز قیامت معروف باشند و نوری
[illegible] دیدهای اهل محشر را خیره کند و گویا میبینم تو را یا محمد که محشر در آ
و من و میکائیل بر دو جانب تو و علی پیش رو ما و با ما آن قدر ملائکه باشند که عدد
آنها را بغیر از خدا کسی نداند و ما بگردیم میان اهل محشر و هر که اثر آن مهر
برو او هست از اهوال و شداید آن روز نجاتش دهیم و در حدیث اخبار
تفرقه قبور ایشان جناب حضرت امام حسین علیه السلام گفت که زیارت ما که خواهد
کرد یا ابن رسول الله فرمود که گروهی از امت بدار برکت و احسان بمن روز
قیامت

قیامت جست و جو خواهم کرد و دست ایشان را خواهم گرفت از شداید آن روز نجات خواهم داد
و زیارت حضرت امیر المؤمنین ع زوار آن جناب اقدس آنحضرت است و با افواج ملائکه و انبیا و افضل است
از زیارت سایر ائمه باشد افضل خود و اعمال خود و حضرت صادق صلوات الله علیه میفرماید هر که
بزیارت آنحضرت رود پیاده بهر قدمی حجی و عمره کرده باشد پس اگر پیاده برگردد بهر قدمی حج
و عمره و ثواب زیارت آنحضرت در دنیا [illegible] و زیارت حضرت امام
حسین ع بروایات متواتره اقلا بهتر از حج [illegible] صادق ع بکسی
که نوزده حج کرده بود و نوزده عمره فرمود [illegible] برابر یک زیارت
حضرت امام حسین ع خواهد بود [illegible] او ستر
[illegible] بیست حج و عمره [illegible]
کن [illegible] در صحاح ثواب هزار عتق [illegible]
[illegible] وارد شده و در بعض زیارات مخصوصه [illegible]
و هزار غزوه [illegible] هزار شهید بدر [illegible]
بود از علی ع مرتضی و حوائج و دفع شداید دنیا و [illegible]
امام موسی کاظم ع روایت فرموده که زیارت [illegible] برابر مقبول
و چون [illegible] تعجب نموده فرمود بلی هفتاد هزار حج و هر که یک شب نزد او [illegible] کند گویا خدا را

[illegible] فی زیارتهما اهل الله
حسبی الله ما دعوت وما [illegible]
فی زیارتکما انه قریب مجیب
بسند معتبر منقولست از صفوان
جمال که گفت مولای من حضرت
صادق صلوات الله علیه بمن گفت
در زیارت اربعین که زیارت
میکنی در هنگامی که روز بلند
شده باشد و میگوئی السلام

از رسول خدا ص از ثواب زیارت او فرمود هر که زیارت کند مرا یا پدر تو را یا برادر تو را
یا تو را در حیات ما یا وفات ما حق و لازم است بر من که نجات دهم او را در روز قیامت
و ابن بابویه از حضرت امام حسین ع روایت نموده که فرمود حق و ثابت است
بر من که زائر خود را زیارت کنم در روز قیامت و نجات دهم او را و بحدیث حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود ضامن شدم برای او که روز قیامت خلاص کنم او را
از هول و شداید آن روز تا آنکه ببرم او را بالخود بدرجه خودم در بهشت و در حدیث
بسیار صحیح بروایت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت سجاد و زینب خاتون
صلوات الله علیهم فرمودند که جبرئیل ع گفت که ملائکه باذن الله تعالی زوار او را
بهتر از مهرهای عرش الهی نشان میکنند تا روز قیامت معروف باشند و نوری
[illegible] دیدهای اهل محشر را خیره کند و گویا میبینم تو را یا محمد که محشر در آ
و من و میکائیل بر دو جانب تو و علی پیش رو ما و با ما آن قدر ملائکه باشند که عدد
آنها را بغیر از خدا کسی نداند و ما بگردیم میان اهل محشر و هر که اثر آن مهر
برو او هست از اهوال و شداید آن روز نجاتش دهیم و در حدیث اخبار
تفرقه قبور ایشان جناب حضرت امام حسین علیه السلام گفت که زیارت ما که خواهد
کرد یا ابن رسول الله فرمود که گروهی از امت بدار برکت و احسان بمن روز
قیامت

قیامت جست و جو خواهم کرد و دست ایشان را خواهم گرفت از شداید آن روز نجات خواهم داد
و زیارت حضرت امیر المؤمنین ع زوار آن جناب اقدس آنحضرت است و با افواج ملائکه و انبیا و افضل است
از زیارت سایر ائمه باشد افضل خود و اعمال خود و حضرت صادق صلوات الله علیه میفرماید هر که
بزیارت آنحضرت رود پیاده بهر قدمی حجی و عمره کرده باشد پس اگر پیاده برگردد بهر قدمی حج
و عمره و ثواب زیارت آنحضرت در دنیا و عقبی زیاده از حد و حصر است و زیارت حضرت امام
حسین ع بروایات [illegible] و حضرت صادق ع بکسی
که نوزده حج کرده بود [illegible] شد برابر یک زیارت
حضرت امام حسین ع [illegible] گفت که دام او ستر
[illegible] بیست حج و عمره [illegible] بود پس زیارت
کن [illegible] در صحاح ثواب هزار [illegible] و بهر قدمی
[illegible] وارد شده و در بعض زیارا[illegible] عمره مقبول
و هزار غزوه [illegible] هزار شهید [illegible] و ضامن
بود از علی ع مرتضی و حوائج و دفع شداید [illegible] و در تهذیب از حضرت
امام موسی کاظم ع روایت فرموده که زیا[illegible] خدا ابرابر هفتاد حج مقبول است
و چون [illegible] تعجب نموده فرمود بلی هفتاد هزار حج و هر که یک شب نزد او [illegible] کند گویا خدا را

والمنزل الرفیع والوسیلة انی
انقلب عنکما منتظرا لتنجز الحاجة
و قضائها و نجاحها من الله بشفاعتکما
لی الی الله فی ذلک فلا اخیب و
لا یکون منقلبی منقلبا خائبا خاسرا
بل یکون منقلبی منقلبا راجحا مفلحا
منجحا مستجابا لی بقضاء جمیع حوائجی
و تشفعا لی الی الله انقلب علی
ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله
مفوضا امری الی الله [illegible]

در عرش زیارت کرده پس فرمود چون روز قیامت شود بر عرش خدا باشند چهار نفر از اولین نوح
و ابراهیم و موسی و عیسی و چهار نفر از آخرین محمد و علی و حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین
آنگاه کشیده میشود اندازه پس با ما می نشینند هر که زیارت کرده قبور ائمه را آگاه باشید بدرستی
بلندترین ایشان در درجه و نزدیکترین ایشان در عطیه و بخشش زوار قبر پسر من علی
خواهد بود و در آن کتاب بهمان حدیث بسند صحیح از سلیمان مروزی از آنحضرت منقولست
و بسند صحیح از بزنطی روایت کرده اند که خواندم بخط شریف حضرت امام رضا علیه السلام
ابلاغ کن شیعیان مرا که زیارت من برابر هزار حج و هزار عمره مقبولست عرض
کردم بحضرت ابی جعفر ع هزار حج فرمود بلی بخدا قسم هزار هزار حج
برای کسی که زیارت او کند با معرفت و فرمود من با پدران من شفیعان اویم در روز
قیامت هر چند بر او باشد گناهان مثل گناه جن و انس و روایت کرده است از حضرت
صادق ع مردی از اهل خراسان از او پرسید از ثواب زیارت قبر حضرت امام حسین ع
فرمود خدا آمرزد گناهان گذشته و آینده او را با معرفت و قبول کند شفاعت او را در
حق پنجاه گناهکار و نطلبد حاجتی نزد قبر او مگر آنکه روا شود آنگاه حضرت امام موسی
کاظم ع طفل بود در آمد پس او را در دامن خود نشانید و بیاری نورچشم آن نوردیده
خود را بوسید و فرمود یا طوسی این امام است بعد از من و از صلب او بیرون آید مردی

اسم او رضا

و اسم او رضا باشد برای خدای عز و جل در آسمان و برای بندگان او در زمین کشته
خواهد شد بشمشیر در زمین شما بظلم و عدوان و در آنجا مدفون خواهد شد غریب و تنها
آگاه باشید هر که او را زیارت کند در غربت او و داند که امام و واجب الطاعت است
بعد از پدرش از جانب خدا مثل کسی باشد که رسول خدا را زیارت کرده باشد و همین
فضیلت وارد شده در زیارت عموم ائمه و در زیارت حضرت کاظم ع خصوصاً
و در صحیح حضرت جواد ع فرموده که هر که در طوس قبر پدر مرا زیارت کند بیامرزد
حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را پس چون روز قیامت شود برای او منبری
برابر منبر رسول خدا صلعم زنند تا خدا از حساب خلایق فارغ شود و روایت نموده
کلینی بسند صحیح از ابن مهزیار ثقه که پرسیدم از حضرت جواد ع که زیارت
حضرت امام رضا ع افضل است یا زیارت حضرت امام حسین ع فرمود زیارت
پدرم چرا که حضرت ابا عبدالله را همه مردم زیارت میکنند و پدر مرا زیارت نمیکنند
خواص شیعه و در صحیح حضرت صادق ع مکرر نادر یعنی قلیل با بکار خوبان و بحدیث
حضرت صادق ع زیارت حضرت امام حسین مقدم است و زیارت کاظمین علیهما السلام
جامع تر و عظیم تر است و اجر و ثواب گریستن در مصیبت ایشان در اخبار
متواتره زیاده از حد تحریر است انشاالله جمله و شنیر قبر و ایمنی از فزع اکبر در روز

هر دیده گریان و حیران و دلها در دهشت و بیم مرده باشند و بودن ایشان روز قیامت در درجات
ایشان و آمرزش گناهان و بسیار رسانند ثوابها از زیارت ملائکه و عبرا انما و حضرت صادق ع
[illegible] فرمود در هیچ دیده از نزد خدا محبوب تر نیست از دیده که بر حسین علی بگرید
نه هیچ گریه از اشکی که بر آن حضرت بریزد و هر که گریه برای آن میکند خوبی بحضرت
فاطمه علیها السلام نموده و حق اهل بیت را ادا کرده و در قیامت هیچ بنده محشور
نمیشود مگر دیده اش گریان باشد مگر کسی که بر جدم حسین مظلوم گریسته باشد که
محشور خواهد شد با دیدهای روشن خندان و بشارتها میرسد از جانب خدای رحمن
و آثار سرور و خوشحالی ظاهر و خلایق همه در ترس و بیم باشند و گریه کنندگان حسین ع
ایمن باشند همه را بمقام حساب میبرند و ایشان در زیر عرش الهی نشسته از حساب غمی ندارند
و ملائکه نزد ایشان آمده تکلیف بهشت مینمایند و ایشان ابا میکنند و صحبت
آنحضرت را بر بهشت ترجیح میدهند و لقای خدمت آنحضرت بهتر از بهشت است باز ملائکه
پیغام از زبان ایشان خازنان بهشتیهای ایشان می آورند وصف نعمتها و کرامتهای
الهی که برای ایشان مهیا شده مینمایند ایشان جواب میگویند که خواهیم آمد
انشاء الله نزد شما چون جواب ایشان نزد حوران و غلمان و خازنان بهشتهای
میرسد و می شنوند و در خدمت حضرت امام حسین ع در زیر عرش نشسته اند و شو

قشان

قشان بمقامات ایشان زیاده میگردد پس همنشینان آنحضرت گویند حمد و سپاس خدا را که ما را
از فزع اکبر و هولها از ما بر داشت و ما را نجات بخشید از آنچه میترسیدیم پس اسب
و شتر و محملها از بهشت برای او آورند و ایشان سوار شده مشغول حمد و ثنای الهی و صلوات
بر محمد و آل محمد میباشند تا داخل منازل خود گردند اللهم اجعلنا منهم و صل علی محمد
و آله الابرار   تهجد نماز شب و گریه از خشیت الله چنانکه در عیان دوازدهم مذکور است
و بحدیث نبوی صلعم حق تعالی روز قیامت خلق اولین و آخرین را جمع خواهد کرد و میفرماید
که برخیزند جماعتی که شب بیداری کشیده اند پس برمیخیزند ایشان که کم باشند پس میفرماید
برخیزند آنها که هیچ تجارت و معامله ایشان را از ذکر الله غافل نمیکرد پس برمیخیزند
و کم باشند پس ندا رسد که برخیزند آنها که حمد الله میگویند در خوشحالی و بدحالی پس برخیزند
و کم باشند بعد از آن حساب بر مردم را خواهند کرد و باحادیث صحاح هر چشمی گریان
خواهد بود در روز قیامت مگر سه چشم برای خدا گریان و چشمی در شب بیداری کشیده و چشمی که از
محارم الهی پوشیده باشد   صبر و در اس ایمان و رئیس مکارم و فضایل
مؤمنان است و شعبهای بسیار دارد صبر بر طاعت ایمانست و از محرمات ورع
و از شبهات تقوی و از شهوات عفت و در ورطه مصیبتها نجدتست و از فضلات دنیا زهد
و در غضب حلم بلکه اکثر اخلاق حسنه از فروع این اصلست و منقولست

از رسول خدا صلعم که صبر بر سه قسم است در مصیبت و بر طاعت و از معصیت
حق تعالی در اول سیصد درجه که هر درجه از انتهای زمین تا عرش باشد و دویم ششصد
درجه هر درجه از منتهای زمین تا منتهای عرش باشد و فرمود هیچ صبری نزد خدا دوست
تر نیست از دو صبر در مصیبت و غضب نه قطره از قطره خون شهید و اشک چشمها
در شب ظلمانی و نه قدمی از دو قدم بسوی جماعت و صله رحم و فرمود خدا میفرماید
صابر در مصیبت را شرم دارم میزان نهم و دیوان و حساب برای او بدارم و فرمود
هر که صبر کند در بلای او را است اجر هزار شهید و فرمود چون مؤمن بیمار شود بملائکه وحی
شود که گناه بنده مرا منویس تا در بند منست و بنویسید برای او حسنات را می‌نویسید
و فرمود اهل عافیت آرزو خواهند کرد در روز قیامت که کاش که پوست بدن ما
بمقراض بریده شده بود بسبب ثوابی که اهل بلا را مشاهده خواهند نمود و فرمود
بر تحقیق که حق تعالی محافظت مینماید دوست را به بلا و پرهیز میدهد از دنیا چنانکه
بیمار را از طعام بد پرستی که مؤمن بمنزله کفه ترازو است بقدر ایمانش زیاد میشود بلای
او و فرمود بلای دنیا نعمت آخرتست و نعمت دنیا بلای آخرتست و از حضرت
کاظم عم روایتست که مؤمن نخواهد شد هرگز تا بلا را نعمت نشمارید و مصیبت را
راحت و حضرت با فرعم میفرماید از آن حضرت در روز قیامت از جانب رب العزت

نداء

ندا رسد که جمیع اهل محشر بشنوند که کجا یند اهل صبر آنگاه جمعی برخیزند و ملایکه استقبال ایشان نمایند و گویند چه بود
صبر شما گویند نفس خود را بر مشقت عبادات و ترک معصیت صبر داده ایم پس ندا رسد که راست
میگویند بگذارید بی حساب به بهشت بروند پس ندا کنند که کجا یند اهل فضل گروهی برخیزند
که حلم و عفو میکردند از بدی و سفاهت مردم ایشان را نیز بی حساب به بهشت روند ندای دیگر رسید
که کجا یند همسایگان خدا گروهی برخیزند که برای خدا با هم دوستی داشتند و ایشان میکردند بی حساب به بهشت
روند پس حضرت فرمود ایشان اهل مکان خدا اند و مقربان خدا اند مردم میترسند از احوال
قیامت و ایشان نمیترسند مردم را حساب کنند و ایشان را حساب نیست و در حدیث طولانی
ابن مسعود فرموده است که در کتب منزله بر پیغمبران سابق خدا فرمود که بی بهشت روز کی
صابران که اجر ایشان بی حساب است و بدانکه شوهر صبر از گناه اکمل و اتم و افضل و اعظم انواع صبر است
و مقابل است رسوای فقایل عموم صبر عظیم و فضل عظیم در نجات از کل عقبات دار دنیا که منسوب است
از حضرت فرمود که چون مؤمن توبه کند بگشاید خدا برای او در دنیا و آخرت هزار در رحمت و هر بسید
بدر کعبی از انوار و ثواب عبادت یک سال و بهر آیه که میخواند نوری در صراط و شهری در بهشت بدهد
و از روی شش هر ثواب شهیدی بدهد و از استغفار نیچیش حج و عمره مقرر گرداند و قبر او بسوی
و بدنی او را بعد رستاره ها بنده ازاد و بهر تار مویش نوری عطا کند و گویا بوزن خود طلا تصدق
نموده و نمیرسد باو شدت روز قیامت و وحشت قبر و ترس و هول روز جزا بعد از بهشت

و در ارشود و بعرشش هر روز هزار ملک برای انس او در روز قیامت و عقیده حلم و تاج رحمت زیر سایه
عرش و با پیغمبران و شهدا باکل و شرب و بعیش مشغول باشند تا خدا از حساب مردم فارغ شود
و او را سوی بهشت فرستند و بنص قرآن و احادیث تا ثبت محبوب اللهیست و طائف و وعقاب
ثواب و عقاب و مفاسد ترک و با پیغمبران در نعیم چهارم مذکور خواهد شد اخوت و دوستی
و بهترین است برای خدا و اعانت ایشان چنانکه در احادیث بسیار از رسول خدا صلعم دارد
وارد است و اهل دوستی ایشان اصفیا و برگزیده گان خدا اند در روز قیامت بر کرسیهای نور
در سایه عرش الهی از طرف راست خواهند بود بار و سفیدتر از برف و روشن تر از آفتاب
و رشک میبرند بر ایشان هر ملک مقرب و پیغمبر مرسل و حضرت صادق علیه السلام از حضرت رسول صلعم
ذکر فرموده که حق تعالی در بهشت عمودی از یاقوت سرخ آفریده و بر سران هفتاد هزار قصر
و در هر قصری هفتاد هزار غرفه را از برای جمعی آفریده که در دنیا برای حق تعالی با هم دوستی برادری
نموده اند و از فضایل دوستی و اعانت و قضای حوایج مؤمنان که در موقع خود خواهد آمد در این مقام
اکتفا کنیم بچند حدیث صحیح حضرت صادق علیه السلام میفرماید که هر که رفع کربت و اندوه مؤمنی نماید
یا اعانتی باو کند و حاجتی که داشته باشد برادر در حق تعالی واجب و لازم گرداند برای او هفتاد و دو
هفتاد و دو رحمت که یکی امور دنیای او و سه با صلاح او در دو هفتاد و یک رحمت دیگر را ذخیره کند
برای اهوال و شدتها و فزعهای قیامت او و هر خلایقی که در خود گرفتار باشند و فرمود هر که دو

ایه از قبر خود بیرون شدن از خوشحالی حضرت صادق علیه السلام فرمود که حق تعالی غمهای قیامت را از او بردارد و بهر
حدی و شدتی که رسیده باشد و هر که او را سوار کند خدا او را بر ناقه بهشت سوار کند و ملایکه باو فخر
مباهات کنند و رسول خدا صلعم میفرماید بنده نیست که سروری برای خانه داخل کند مگر آنکه خدای تعالی بیافریند
از آن سرور خلقی که مونس او در روز قیامت بوده باشد تا آنکه برسد که بده ای در دست خدا و حضرت
صادق صلعم فرمود بیرون آید از قبرش مثالی و بشارتش دهد بکرامت از جانب الهی و سرور و عیش
منتهای وی ایمن میگرداند از هر هول تا آنکه باو باشد و مونس او باشد در بهشت و در خیابان بهشت
تا او را داخل بهشت کند پس میپرسد که تو کیستی خدا ترا رحمت کند گوید منم آن سرور که بر دل
برادران خود میبردی و فرمود که هر که شاد کند مؤمنی را خدا او را شاد کند روز قیامت و دور کند از روز آن
تا تمنای لازم بر خدای خود دارد که خواهی کرد حقیقت در بهشت آشنی در دنیا که ترک کرد و پس از آن
پس درجه تمنا نماید خدا عطا میفرماید و زیاده بر آن هم از پیش خود هم کرامت میکند که بخاطر خطور نکرده از
نعمتهای بهشت که زوال ندارد و فرمود مؤمنی نیست که یاری برادر مؤمن خود کند مگر آنکه حق تعالی یاری
او کند در دنیا و آخرت و نیست مؤمنی که ترک یاری او کند با قدرت مگر آنکه خدا او را در دنیا
و آخرت خوار است چنانکه حضرت صادق علیه السلام میفرماید که در روز قیامت در موقف و در
مقام حساب بازدارند یکی یغفو و دیگری عفیف فرو گوید خدایا مرا برای چه بازمیداری فلوس نداده بودی که عدل
با جور کرده باشم یا مالی که حق از آن اعطا یا منع کرده باشم میفرماید روزی مرا الغیر کفاف میداد و نیک

من را است گفت بگذارید که به بهشت روند آن غنی‌ها اینقدر نگه دارند که چهل شتر از عرق ایشان سیراب شود
بعد از آن که به بهشت روند فقرا از ایشان پرسند گویند در از حساب و بسیاری سؤال که بر ایشان عرش
چیزی به جنس آمد که مشغول عذاب بودیم و خدا بخشید و دیگر پیر رسیده‌اند و بحجتی که خدا امر ایشان خرج
می‌بخشید و بر تو بر کاران ملحق کردانید تو را گستن گوید فقیر که با تو بودم گوید نعیم بهشت تغیر داده که تشنا خشم
فرمود فقرای شیعه ما در باغهای بهشت تنعم می‌نمایند پیش از اغنیا به چهل سال مثل درختی که عرق
کند در وقت آیی گوسفند را دام کنند و بر از شیاع گوسفند نگاه دارند تا ما مشغول حساب ایشان کنیم
و فرمود فقرا ملوک اهل بهشت‌اند و همه خلق مشتاق بهشت‌اند و بهشت مشتاق فقرای و ابوذر پرسید از
رسول خدا صلعم که آیا سابقین بهشت جمعی‌اند که با خدا در مقام ترس و خشوع باشند و یاد خدا بسیار
می‌کنند فرمود لیکن فقرای مسلمانانند که بار گردن اهل بهشت کند آن هشته و صفهای مشکاف فرو دارند
بهشت خواهند شد پس خازنان بهشت گویند بکشید تا حساب شما را بکنند گویند بر چه چیز
حساب ما را میکنند سلطنتی نداشتیم که از جور و عدل پرسند و نه مال زیادی داشتیم که از اسراف
و عطا پرسند و لیکن بندگی میکردیم تا خدا ما را طلبید و ما هر دو مابین معنی در وقتی در وارد شده
و به انگ آیات و اخبار بسیار در فضایل فقر و تحقیق آن با اختیار که زهد است بسیار از کثر فقر
مذموم احتیاج بخلق برد است و الآخر بر عفوه جیوه و بنا و تو فیق و فیض آن سعادت است
عظمی که امنیت گرامی از جانب خدای تعالی اعلا در احنیت از آلام و مصایب دنیا

علی

و بعضی اتقیا در پیت بر آن انبیا داد و لیا و رسول خدا صلعم با سه در چیز برگزیده او بیت مکرر که ایشان مؤمنیت
دیگر مال حساب آن سبک‌ست و در حدیث دیگر باعث قرب او میشود بخدا و فرمود فقر فخر منست
بر سایر انبیا و از دعای آنحضرت مرویست اللّٰهُمَّ أَحْيِنِي مِسْكِيناً وَ أَمِتْنِي مِسْكِيناً وَ احْشُرْنِي
فِي زُمْرَةِ الْمَسَاكِين و فرمود ابا در بدترین که از خدا سؤال کردم که رزق و رسیدن آل الله رکفاف
دهد و نیز شمه آن تمام انبیا و اولاد در چند حدیث از حضرت سید و حضرت صادق علیهما السلام که
آنحضرت مکرر اینده ما را نیکو میکنند و در بعضی انها این مفهومست که خدایا محمد و آل محمد را می ... ان باز ... رک
معاف از شبهات و کفاف از رزق بده کرامت فرما و آیات بسیار و روایات بیشمار در راحت دنیا و فایده
با محنت و شدت حساب و عقاب علف با قیمت و فقر و صبر بر طعیت چند روز بار و لشکر راحت ر
سعادت ابدیست و فرد علم ملوک حبیبی نفایس دارد و به فانمر ... مکلاف اتباع شیطان چون
برای دنیا عمل میکنند مانند سنبلای خود را جز راحت آن در دنیا چنین عمل هیچ عاملی را ضایع نمی‌کند
و فرمود که حق تعالی میفرماید اگر نه این بود که شرم میدارم از بنده مؤمن خود هر آینه کهنه برای کافر آن
که بستر اعورت خود نماید و بنده که ایمانش کامل باشد مبتلاش میکنم بضعف و تمکین دو ایرانیس
اگر کاه بسیار دل تنگ شد بر او میکنیم از داری خیر نیز و بار ... ما بش میکنیم ببلا بکه خزر و فرمود با علی
همکس از او لیلی دارد پس منیست مگر انکه آرزو کنند در قیامت که کاش نیا و بر قوت‌باز از دنیا نه داشتم
و فرمود که بنده هر که در دنیا او قوت باشد فانزاک در وقت با فقر شود و جنبه کرامی باشد و فرمود

حکم نمود با من پروردگار من که با محمد صه هر گاه بنده را دوست دارم سه چیز را کرامت کنم دل محزون و بیماری
رنجور و هر گاه دشمن دارم دل شاد و صحت و ثروت بار دهم و بحدیث حضرت کاظم علیه السلام مخصوص
شده‌اند انبیا و اولاد انبیا و اتباع ایشان به سه چیز خوف سلطان و بیماری و فقر و فرمود با ابا ذر
هر که ترک کند تجمل زینت کند و قادر باشد بر آن از روی تواضع برای خدای عز و جل بپوشاند بر او حلّه
کرامت ای ابا ذر خوشحال کسی که عمل کند بعلم خود و انفاق کند زیادتی مال خود را و نگه دارد زیادتی
حرفش را و از سینه فقر علی مرتضی صلوات الله علیه یا شیعه مشغولست و فرمود فقر زینت میدهد
مؤمن را بیش از لجام تنعیس اسب را و فرمود فقیر مخزون است نزد خدا بجز از شهادت عطا فرماید بهر که
خواهد و بحدیث حضرت صادق علیه السلام فرمود خدا بنده را که دوست دارد عطا او را مید هد او را
اطلاع در بلا غوطه دادنی و چون دعا کند فرماید لبیک ای بنده من قادرم بر آنچه مطلبی زود دهم
اما ذخیره کنم از برای تو بهتر است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر چند ایمان زیاد شود تنگی
معاش او بیشتر شود و فرمود مصایب بنیا عطاهای خداست و فقر با حق تعالی برای بنده در حرز
خزینه‌های خود مخصوصی فرماید و از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرمود که فقر امانت خداست هر که
آن را پنهان دارد ثواب روزه‌دار و زنده‌دار عبادت شبها دارد و اگر اظهار کند بکسی که قادر بر قضای حاجت
آن باشد و بر نیاورد او را کشته باشد نمیگویم که به شمشیر و نیزه و لیکن بجراحت دل او و فرمود عطا
نکرده خدا او را امکر برای عزت و دور نکرده مگر برای از ایشان و فرمود که خدا میفرماید چو
سلی ل

ابرار ابی ...

خوشحال اسرو مقرب‌ترین خلق نزد من مؤمنیست که بهره عظیم از اصلاح برداری و عبادت نیکو نماید
و پنهان بندگی خدا کند و میان مردم کم نام باشد و انگشت نمای نباشد و بقدر کفاف از رزق
زر صبر نماید تا بمیرد و میراث و گریه کنند کانش کم باشد و در چند احادیث فرمودند
که روز قیامت حق تعالی التفات فرماید بفقرای شیعه مانند معذرت خواهی و گوید بعزت
و جلال خودم سوگند که شما را فقیر نکردانیدم برای آنکه خوار بودید نزد من امروز
به بینید که با شما چه خواهم نمود و هر که توشه و چیزی بشما داده دستش را گرفته داخل
بهشت کنید و در حدیث بنوی صه که نیست یکی از شما مگر آنکه حق تعالی بی‌واسطه
با او تکلم خواهد فرمود و فرمود بعد دهر چه ببینی در بازار و نتوانی خرید حسنه دارد
و حضرت کاظم صه ذکر میفرماید از حق تعالی که اغنیا را نکردانیدم برای کرامت
ایشان و نه فقرا را فقیر برای اهانت ایشان و لکن فقیر انرا وسیله ابتلای اغنیا
ساختیم و اگر فقرا نبودند اغنیا مستوجب بهشت نمی‌شدند و فرمود سبک شما
فقرای شیعه علی اند که هر یک در قیامت شفاعت میکنند مثل ربیعه و مضر که دو
قبیله بزرگ‌اند و حضرت امام رضا ع فرمود که هر که سلام کند فقیر را بخلاف سلام
که بر اغنیا میکنند در مقام حساب حق تعالی با او در خشم باشد و فرمود فضیلت نان
نون جو بر گندم مثل فضیلت ماست بر سایر مردم و فرمود که جو قوت پیغمبران و

وخوبان است وخدا ابا کرده که قوت پیغمبران را قوت اشقیا گرداند و از وحی الهی است
که یا موسی چون ببینی که فقر رو بتو آورده بگو مرحبا بشعار صلحا و چون ببینی توانگری بتو رو
آورد بگو عقوبت گناهیست که در دنیا بان گرفتار شده‌ام و از رسول خدا صلی الله علیه و آله
منقول است که فرمود خوشا حال مساکین که در فقر صبر نمایند ایشانند جمعی
که می‌بینند ملکوت آسمان و زمین را و فرمود فضل ایشان بر امت من مثل فضل
منست و خنده ایشان عبادت است و مزاح و خوش طبعی ایشان تسبیح است و خواب ایشان
صدقه است و خدا نظر رحمت میکند بسوی ایشان هر روز سه مرتبه و هر چیز را کلید
هست و کلید بهشت دوستی فقرا و مساکین است و فرمود دو رکعت نماز مؤمن فقیر
بسوی خدا محبوبتر است از هفتاد رکعت نماز غنی شکر گذار و فرمود که هر که گرسنه
یا محتاج شود و از غیر خدا پنهان کند حق است بر خدای تعالی که روزی یکساله او برساند از
ممر حلال و فرمود ای گروه مساکین بفقر راضی و خوشحال باشید که تا خدا از دل
شما بیابد تا ثواب عظیم دهد و الا چندان اجر نخواهید داشت و هر که باحوال سید
المرسلین و ائمه الطاهرین و سایر انبیا و اولیا صلوات الله علیهم اجمعین بنظر عبرت
و بصیرت نظر کند البته باختیار و ایثار بر فقرا و اختیار فقر نمود زهد خواهد
ورزید اللهم اعنا علی ذالک بمحمد و اله و عترته الطاهرین و صلی الله

علیه و آله

علیه و اله الدنیا و الاخرة حفظ قران و مواظبت قرائت ان چنانکه در عقبه
سوال از حق ان خواهی رسید خصوصا سوره اعراف و طه و یس و فرقان و الم سجده
و حم سجده و شوری و دخان و نون و قمر و واقعه و صف و معارج و مطففین و قدر و
لم یکن و عصر و ماعون الم نشرح که برای هر یک وارد شده و از اعظم مستحبات از احوال
و مهلکات قیامت و انوار مصابیح ان روز حسرت و ظلمت و سلامت رعایت آداب شب
و روز جمعه است که بحدیث نبوی ص میان ظهر و عصر ان قیامت قیام خواهد
نمود چنانکه حضرت صادق ع میفرماید که هر ثواب و گناهی در این روز مضاعف است
و جمعه روز قیامت پس ایام خواهد بود و شهادت خواهد داد برای هر که صلوات
فرستاده بر محمد و آل محمد و شفاعت خواهد کرد و در حدیث حسن فرمود که با
کسی در روز جمعه بغیر عبادت مشغول نشود بتحقیق که آن روز بخشیده میشود گناهان
بسیار و نازل میشود رحمت جواد و فرمود روز پاکیزه و خوشبو و مزین و عید مسلمین
و بهتر از عید اضحی و فطر است و انرا حرمت عظیم و حق واجب زیاده است زینهار
ضایع نکنی و تقصیر ننمائی در هیچ چیز از عبادات خدا که این روز تضعیف
حسنات و محو سیئات و رفع درجات میفرماید و تقرب جو باعمال شایسته و بشش
مثل روز شش پس اگر توانی که احیا داری بنماز و دعا تا صبح پس بکن که حق تعالی

ملائکه را ... کرامت بآسمان اول میفرستد که حسنات ایشان را زیاد و سیئات
ایشان را محو نمایند پس تا توانی روز و شب خود را بمعرض رحمت الهی در آور باعمال
صالحه و در صحیح فرمود که خدا فضیلت داده روز جمعه را بر سایر ایام بتحقیق که بهشت
میدهند بروز جمعه برای آنها که نماز جمعه میگذارند و روز جمعه قیامت سبقت خواهند
گرفت بسوی بهشت آنها که سبقت بنماز جمعه در روز جمعه درهای آسمان گشوده خواهد
شد برای رفع اعمال و در صحیح حضرت امام رضا ع از رسول خدا ص ذکر میفرماید
که هیچکس حق آنرا نشناسد مگر آنکه لازم است بر خدا که او را آزاد کرده خود
گرداند از جهنم و هیچکس ضایع نمیکند حق و حرمت آنرا که بنماز جمعه حاضر نشود
یا مرتکب گناهی شود مگر آنکه حق و ثابت است بر خدا که او را باتش دوزخ اندازد
مگر آنکه توبه کند و از اعظم عبادات روز جمعه احیای شب انست که خواب شب
بحدیث حضرت سجاد ع خواب حسرت است هنگامی که زنده داران با اجر و کرامت
عظیم مشاهده خواهند شد و حضرت مجتبی ع میفرماید که مادرم شب جمعه از
اول شب تا صبح در محراب خود مشغول عبادت حق تعالی میبود و پیوسته
برای مؤمنون و مؤمنات دعا میفرمود و نام میبرد ایشان را و در صحیح حضرت
باقر ع میفرماید بتحقیق که حق تعالی البته ندا میفرماید در شب جمعه از بالای عرش

از اول

از اول شب تا آخر شب که آیا بنده مؤمنی که مرا بخواند از برای آخرت و دنیای خود پیش از طلوع فجر تا اجابت کنم آیا مؤمنی
نیست که شفا طلبد پیش از طلوع فجر تا او را عافیت دهم آیا مؤمنی نیست که
زیادتی روزی طلبد تا او را توسعه دهم آیا مؤمنی نیست که رهایی خواهد از حبس
تا نجاتش دهم آیا مؤمنی نیست که گرفتار مظلوم خود طلبد پیش از فجر تا انتقام
حق او را بگیرم و شبهای دیگر هم بعد از نصف شب چنین ندا میشود تا صبح
و در شب و روز جمعه هیچ عملی بهتر از صلوات نیست بر محمد و آل محمد صلوات
الله علیهم اجمعین و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که صلوات فرستند بر
محمد و آل محمد در شب جمعه میدرخشد نور او در آسمان تا قیامت و ملائکه آسمانها
و ملائکه که موکلند بر قبر آنحضرت استغفار میکنند و ایضا از آنحضرت ذکر
فرموده که صلوات بسیار بر من بفرستید در شب و روز نورانی جمعه
اقلا صد بار تا روشن شود در قیامت نور روی شما و هر قدر زیادتر بهتر و در بعض
روایات باین زیادتی هست که هر که روز جمعه صلوات بر من بفرستد روز
قیامت منزل عظیم تر و بمن نزدیکتر خواهد بود و بروایت دیگر فرمود که هر که
شب و روز جمعه صد نوبت صلوات فرستد حق تعالی شصت و برآرد صد حاجت
او را بسیار زند و بروایتی صد حاجت او را بر آورد و موکل نماید بر او ملکی در قبر

که مقبول نمیشود در قبرش که او صلوات رحمت دهند مانند کسی که هدیه‌ها از برای
کسی بیاورد و اگر هزار بار صلوات بفرستد نمیرد تا جای خود را در بهشت
ببیند و در روایتی بشارت دهند او را به بهشت در صحیح حضرت صادق
ع میفرماید که هیچ عملی روز جمعه بهتر از صلوات نیست در صحیح دیگر
فرموده که سنت است روز جمعه هزار بار و در روزهای دیگر صد بار و در روایت
صحیح دیگر فرموده که صلوات میان ظهر و عصر جمعه برابر هفتاد حج است و در ر
وایت دیگر هفتاد رکعت نماز و کیفیت صلوات با فضایل بسیار در کتب
دعا مسطور است و بعض فضایل متعلق صلوات در عین دهم مذکور
است و فرموده که خدا را کرامتها و رحمتهاست که مخصوص میگرداند
بندگانش را بانها در شب و روز جمعه پس بسیار تسبیح و تحلیل و حمد و
ثنا و صلوات بجا آورید و فرموده که بگوید بعد از عصر روز جمعه هفتاد بار استغفر
الله ربی و اتوب الیه کفارهٔ گناهان گذشته او کمتر زید که شود و بعد او را در بقیه
عمر از گناه حفظ نماید و اگر گناهی نداشته باشد از والدینش بخشند و بروا
یتی فرموده حق و لازم است بر بالغ که روز جمعه ناخن و شارب بگیرد
و خود را خوشبو کند و غسل جمعه لازم است یا واجب بنابر احادیث
مکرر از

بچشی سطر باید نوشود

مکرر ادر شب جمعه قلب آب و کفارهٔ گناهان و طهر است تا جمعهٔ دیگر و بحدیث نبوی هر قطرهٔ از آن
غسل فرشته خلق شود و استغفار نماید برای او تا قیامت و بحدیثی دیگر هر قطره حوری در بهشت
دارد و بهر موئی از بدنش ثوابی دارد و خطایا باو نرسد تا جمعه دیگر و اگر بمیرد ثواب شهیدی دارد
و بروایتی فرمود زیارت قبر والدین روز جمعه ثواب حج دارد و حضرت کاظم ع میفرماید روز
جمعه خدا را هزار نسیم رحمت است به هر بندهٔ را آنچه خواهد عطا میفرماید پس هر که بعد از
عصر جمعه صد مرتبه سورهٔ قدر بخواند همه آنها را با مضاعفها و کرامت فرماید و اعمال
۲۳ دوره نوشتند مؤکده جمعه بسیار و مبالغه و فضایل آن بیشمار است تعمیر مساجد بعبارت و محافظت
بر نماز جماعت رسول خدا صلی الله علیه فرمایند یا ابا ذر خوشحالی صاحبان عملها در روز قیامت
را نهارا بر داشته باشند و بر مردم پیشی خواهند گرفت آگاه باش ای ابا ذر که هر گروهی را اندیشه
بیکرند بسوی مسجدها در سحرا و غیر سحرا یا ابا ذر ترا در هر نفسی بمسجد درجه ایست ده
حسنه و محو ده سیئه و ملائکه ترا دعا و صلواة میفرستند یا ابا ذر هر مسجد نشستن لغو است
مگر برای سه چیز قرائت مصلی و ذکر و سؤال علم دین و فرمود مسجد خانهٔ پرهیز
کاران و بروایتی فرمود هر که در مسجد حرف دنیا گوید خدا اعمال چهل ساله اش را
حبط نماید و خنده نیز در مسجد همچنین حدیثی روایت شده و در روایت دیگر
هر که در مسجد بخوابد باعترازی مبتلا شود و بدردی که دوا ندارد در اجابت مؤذن رجعتی

ثوابش جنت و هر که اجابت ننماید روز قیامت باو خصمی کند و بروایت باقر ع از جبرئیل
پرسیدم از دوست ترین بقعه‌ها بسوی خدا گفت مسجدها و احب بسوی خدا کیست از ایشان گفت هر که اول
داخل مسجد شود و دیرتر بیرون رود و بروایتی آمده که بر قبری رسید و رحمت فرستاد بصاحب
آن قبر فرمود خدا ترحم کرد او را بسبب تعاهد مسجد و بحدیثی چون قیامت شود خدا
فرماید کجایند همسایگان من پس ملائکه گویند سزاوار است همسایگی تو را فرماید مسجد نشینان مرتبه
کو بدایشانند همسایگان من و از حضرت مجتبی ع منقول است که هر که داخل مسجد
شود مهمان خداست تا برگردد و همچنین زیارت برادر مؤمن و از تورته منقول است
که خانهای من در زمین مسجدهاست خوشحال کسی که در خانهٔ خود طهارت
کرده در خانه ام زیارت کند و بر زیارت شده لازم است اکرام زائر خود را
بشارت ده آینده گان مساجد را در تاریکی شبها بنور ساطع در قیامت و در حدیث
حضرت صادق ع این زیادتی پس بسیار کنید در آنها نماز و دعا را در مساجد و در جاهای
مختلف نماز کنید که هر بقعه روز قیامت برای نماز کننده شهادت خواهد داد و فرمود
نماز ابی بمسجد از هر قبیلهٔ او و اهل دینی مگر بزرگی زنجیبر از اهل ایشان و فرمود هر که
رود و پا بر هر تر و خشک گذارد برای او تسبیح کنند تا طبقه هفتم و جناب امیر المؤمنین علیه السلام
میفرماید نیست همسایه مسجد را نماز مگر در مسجد پرسیدند که همسایه مسجد کیست
فرمود

فرمود هر که بشنود صدای مؤذن را و فرمود یک نماز در مسجد جامع برابر صد نماز است و در مسجد
بازار دوازده برابر است و بحدیث نبوی هر که قدم بسوی مسجد جماعت بر میدارد بهر
خدا هولهای قیامت را بر او آسان کند و او را به بهشت برساند و بحدیث دیگر هر که یک
اربعین ادراک مسجد جماعت نماید نوشته شود برای او دو براتی از آزادی از آتش و خ
و برائتی از نفاق و بهر قدم از رفتن و برگشتن ده حسنه و محو ده سیئه و رفع ده درجه دارد و بروایتی
نماز مرد در جماعت بهتر است از نماز خود چهل سال و فرمود چون بندهٔ پشت سر امام بایستد
نوشته شود برای او صد هزار درجه و در حدیث طولانی ثوابهای عظیم از جبرئیل
ذکر شده یا محمد ص اگر دریاها مداد گردند فضیلت جمعه و جماعت را نتوانند نوشت
و حضرت باقر ع میفرماید سه چیز کفارهٔ گناهان است کامل ساختن وضو در سحرهای سرد و در
شب و روز بسوی نمازها بمسجد و محافظت نمازهای جماعت و حضرت صادق ع فرمود هر که
پنج نماز را بجا آورد دریابد پس با او گمان خوب برید و قبول کنید شهادت او را و از
احادیث وارد و ثابت شده که یک نماز جماعت اقلا برابر بیست و چهار نماز است
بوقوع مسجد و تعدد ماموم ثواب مضاعف میشود و ماموم اگر به ده رسید الحمید حصر ثواب
آن میسر نیست و در حدیث نبوی است که صفهای امت من مانند صفهای ملائکه
است در آسمان و فرمود که آمد مرا جبرئیل و گفت حق تعالی ترا اسلام میرساند و هدیه

برابر تو فرستاده ام هیچ پیغمبری نفرستاده گفتم ای حبیب من چیست آن هدیه گفت
پنج فریضه را بجماعت گذاردن گفت است مرا چه ثواب است گفت هر گاه دو نفر باشند
برابر هر یک بهر رکعتی صد و پنجاه نماز است و در سه نفر برای هر رکعتی هفتصد نماز و در
چهار نفر هزار و دویست و در پنج نفر دو هزار و چهارصد تا فرمود در ده نفر هفتصد
و دو هزار و هشتصد و چون از ده نفر زیاده شود جن و انس از قدر ثوابش عاجز باشند یا محمد صلعم
تکبیر را مؤمن ادراک میکند با پیشنماز بهتر از هفتاد هزار حج است و عمره و غیر فریضه و یک رکعت
چنان بهتر از صد هزار دینار صدقه است و یک سجده چنان بهتر است از صد عتق
و نیست بر کسی که میبرد بر جماعت عقاب قبر و نه شدت قیامت یا محمد صلعم هر که دوست
دارد جماعت را خدا و ملائکه او را دوست دارند و فرمود بعثمان بن مطعون رحمه الله
دایانا برحمته هر که نماز صبح را بجماعت گذارد و بنشیند بکند خدا تا آفتاب بر آید برای او
خواهد بود در فردوس بهشت هفتاد درجه از میان هر درجه یک سال راه اسب تازی باشد
و هر که نماز ظهر را بجماعت گذارد پنجاه درجه در جنت عدن و هر که عصر را بجماعت
گذارد او را هشت عتق از فرزندان اسمعیل دارد و هر که عشا را بجماعت
گذارد گویا شب قدر را دریافته و احیا کرده و تکبیر اول با پیشنماز بهتر از دنیا
و آنچه در آنست و کسی را در جماعت فوت شود بنده آزاد کرده بود از آنحضرت

برسیدم اباد

پرسیدم آیا ادراک ثواب جماعت کردم فرمود نه بلکه دیگر آزاد نمود فرمود نه اگر چه
نفقه کنی آنچه در زمین است و بروایت ابن عباس اگر جماعت از تو فوت شود در صبح
آن روز را روزه دارد و در ظهر تا عصر نماز کند و در عصر ذکر خدا کند تا غروب آفتاب و در مغرب
نماز کند تا عشا و در عشا آن شب را احیا کند تا شاید ادراک نماز جماعت نماید و از جمله جمیع
اینها حساب داخل بهشت شوند موافق احادیث کیست تا پنجاه رکعت [illegible]
دریابد چنانکه از رسول خدا صلعم منقول است که [illegible] از کرید خود باشد چنانکه مذکور
خواهد شد و کسی متحمل ظلم مردم یا شهید شده باشد مرویست که رسول خدا صلعم چون روز
قیامت شود ندا رسد که هر که را حقی بخدا است برخیزد پس خلق گویند [illegible]
جز گویند متحمل ظلم گویند چه راست گفتند ای بندگان من شما دوستان منید داخل
بهشت شوید بر شما حساب و عقاب نیست پس ملائکه گویند چون حال شما عمل شما ثواب
شما نزد حق تعالی بسیار و کسی را نفس خود را دشمن دارد نه مردم و کسی که آب به تشنگان
داده باشد و کسی که در حرم مکه یا مدینه مدفون شده باشد در مطلق حاج و مؤذن هم دارد شده
و سواره و این محشور میشود و ثابت است که اقلا هزار کس از نجف اشرف محشور
و بی حساب به بهشت خواهند رفت و از رسول خدا صلعم منقول است که هفت نفرند
که در سایه عرش الهی خواهند بود در روزی که غیر آن سایه نیست پیشنماز عادل

و جوانی که در عبادت برآمده باشد و کسی که دلش بمسجد متعلق باشد و چون بیرون آید باز
گردد و دو مسلمان که برای خدا با هم برادری نمایند و محبت کنند و کسی که را از یاد الهی کند و اشکش
فرو ریزد و مردی که زنی صاحب جمال او را بخواند و گوید من از خدا میترسم و شخصی که تصدق
پنهان داده و در صحیح حضرت باقر عم سه نفر دیگر را هم فرموده اول آنکه عطا کند
بمردم آنچه توقع کنند دویم آنکه قدمی پیش و پس نگذارد تا داند خدا راضی است
یا نه یعنی محتاط باشد در امر دین خود سیم آنکه عیب مسلمانان را از خود دور کنند
و هر عیبی را که دور کند عیبی دیگرش ظاهر شود و کسی که عیب مردم را بیند
و بخود گوارا دارد و در حدیث دیگر مؤذن حافظ اوقات و کسی که در روز
دویست آیه هر روزه از قرآن بخواند با امام مذکور است و در حدیث حضرت
صلعم تاجر راست گو و پیر شده در عبادت و پیشنماز عادل ذکر شده که بی حساب
به بهشت روند و در خصوص هر یک از جماعت فضیلت بسیار وارد شده
و مرویست که هیچکس نیست که واگذارد [illegible] لهو و لعب دنیا را و روآورد بطاعت
الهی مگر آنکه حق تعالی اجر هفتاد صدیق با و عطا کند و فرماید ای که [illegible] شباب
خود و ترک کننده شهوات خود نزد من مثل بعض ملائکه مؤمنی و موافق
اخبار بسیار که کسی که ذکر الهی کند با حضور قلب در وقت روز قیامت

البته

البته در زیر عرش الهی خواهد بود و بحدیث نبوی اول کسی که داخل بهشت خواهد شد
سه نفرند شهید و مملوک بندگی او را از اطاعت پروردگارش مشغول نساخته باشد
و فقیر عیال بار و اول کسی که داخل جهنم خواهد شد حاکم جابر و توانگری که حق خدا را
[illegible] نداده باشد و فقیر فخر کننده از تضعیف عبادات و نه اعمال خیریه منجیه
از احوال محشر و فزع اکبر و محنت حساب و عتاب پر خطر بسیار است خدا طلب
را برساند پس وای بر حال عاجز مهملی که مدت عمر خود را با طول فرصت و تاخیر
مهلت یکی از این خصال [illegible] و علمای پیشنماز [illegible] را از شمائل و اهوالی که در پیش
دارد کسب نکرده و تا امروز از آفات سالم و محفوظ باشد لا حول و لا قوة الا بالله
و بدانکه چنانکه جمعی بی حساب به بهشت خواهند رفت و گروهی را از [illegible]
و نامه های ایشان بی حساب روانه جهنم خواهند ساخت چنانکه از رسول خدا صلعم
منقولست که چون قیامت شود خدا مسلط گرداند بادها بر دریاها که همه آتش
شوند آنگاه گردی از آتش برآمده و بر سر اهل محشر ایستد تا آنکه بمشابه گوشتی
گردند که در دیگ باشد پس گویند ای کسی تو آنکه حرفی زد [illegible] حساب ما تا خدا حکم
فرماید یا بسوی بهشت یا بسوی جهنم هیچکس جرأت نکند مگر من انکار [illegible] بسوی من آیند
یا حبیب الله الامان الامان بفریاد ما برس و شفیع ما شو بسوی خدا و بحدیث

حضرت صادق علیه السلام برای اهل محشر از شدت قیامت کار چنان تنگ شود که عرق تا دامنها
ایشان برسد پس آنگاه گویند نزد آدم رویم شاید شفاعت ما کند و چون بیایند گوید
من گنه کارم بروید نزد نوح و همچنین نزد هر پیغمبری که آیند بسوی دیگری می فرستند
تا آنکه حضرت عیسی گوید بخدمت پیغمبر آخر الزمان روید چون بخدمت آن حضرت
آیند فرماید با من بیایید و بیاورد ایشان را تا در بهشت و رو بدرگاه رحمت بسجده در آید
پس ندا رسد که سر بردار که شفاعت تو مقبول است و این است عسی ان
یبعثک ربک مقاما محمودا و بروایت دیگر بسجده می افتد بقدر ربیت و یکروز
دنیا آنگاه ندا رسد که نظر بخواه کرد بسوی ایشان تا بیرون رود از میان ایشان
سه نفر گویند کیستند ایشان بفرما تا جبرئیل اخراج کند ایشان را پس امر فر
ماید جبرئیل را که بیرون کن شیطان و دنیا دوستان و متکبران را آنگاه می آورند در
ثنایه بصورت عجوزه او امر کنند زبانیه دوزخ را که بکشید او را بسوی جهنم دنیا گو
خداوندا تو حاکم عادلی و جور نمی کنی بسیار بمن اهل خدعه و شوهران و دوستان مرا پس
می سپارند باو آنگاه می آورند فرعون را با کلاهی از آتش و پیراهنی از قطران و در بر و
خوکی بود پس گویا شود که ای بندگان من و متکبران و جباران همه را باو ملحق
سازند که او پیشوای ایشانست پس قابیل را می آورند بدستور ندا رسد که ای بند

حاسدان

حاسدان و با و ملحق ساخته و او پیش روایت نسبت بسوی آتش دوزخ پس می آورند
کعب رئیس یهود آن را و علمای ایشان را آنگاه ندا کنند که ای بندگان آنها که علم و حق را
کتمان کردند و باو ملحق کنند پس می آورند ربیع را بدستور با اشتهار کنندگان و
ابوجهل را با پیروان و امرء القیس را با شعرا که حکم دروغ می بستند بر خدا و رسول
پس مسلم را بدستور با مدعیان و مفتریان پس می آورند هامان را با هر که مشغول
مال و اولاد و خدمت پادشاهان و خلق الهی شوا ایشان نسبت بسوی آتش دوزخ بعد از
آن ندا رسد که کجا است ابلیس پس پیدا می کنند او را هفتاد هزار ملک بسوی آتش
جهنم و او فریاد می کند که ای حاکم عادل بسیار بمن و وزرای مرا که کاهنان و ساحران
و موزیان یعنی لعبت گران و غوغا یعنی غیبت کنندگان و شعبده بازان
و خزینه داران که عمله شرابند و تجار که بربط نوازانند و طنبورگران اهل دف و
طنبور زنند و شکار روز که حریفانند آنگاه بیرون می آید مارهایی از جهنم که گند بر سر
و گردنش هفتاد سال راه باشد و جمع می کند جمیع ایشان را بسوی آتش
دوزخ بعد از آن می طلبد ایشان را که سایر خلق باشند بسوی حساب و هم از
آن حضرت منقول است که چون روز قیامت شعله بیرون آید از جهنم عقر
بهم که نامش حریش است و سرش بآسمان هفتم و دمش بر زمین هفتم و دهانش

از مشرق تا مغرب و گرد اهل محشر گردد و طلب کند شش گروه را تارک نماز مانع
زکوة و شراب خوار و ربا خوار و صورت گر و کسی که در مسجد حساب مال دنیا
کند و بروایتی کسی که سخن مال دنیا گوید و هم در بعض اخبار وارد شده که در
قیامت حاضر نمایند هر بنده را اول سوال کند از مال اگر از حرام جمع کرده بدوزخش برند
و اگر از حلال بود فرمان آید که حسابش را بکشند در تفصیل سوال
حساب و سوالات داده که در آن عقبات بسیار اضطراب قال تعالی انهم مسئو
لون یعنی باز دارید ایشان را بتحقیق که ایشان سوال کرده خواهند شد لتسئلن
عما کنتم تعملون از هر چه در دنیا کرده اید سوال کرده خواهید شد و بسند معتبر از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقول است که چون روز قیامت شود مردم را برای حساب بحشور می کنند می گذرند بعد برا هوا
ل قیامت تا بعرصه حساب می رسند در اینمقام از کثرت و ازدحام و شدت عطش می کشند و برو
ابتر و معه عریان و پا برهنه بر سر شان محشر انقدر ایشانرا باز دارند که عرق از ایشان بریزد
انقدر که نفسهای ایشان تنگ شود و مدتی چنین بمانند پس ندا می کنند از نزد عرش خدا
اکبر که جمیع خلایق بشنوند که کجاست پیغمبر امی پس بار دیگر ندا رسد که کجاست نبی رحمت محمد
ابن عبدالله قرشی عربی آنگاه آنحضرت برخیزد و در پیش همه خلق روان شود چون او را بجانب
عرش برآرند پس آنحضرت امیر المومنین و ائمه معصومین صلوات الله علیهم

می طلبند

می طلبند و در دست راست عرش میدارند پس امت آنحضرت را طلبند و در دست چپ ایشان
می دارند پس باز جانب حق تعالی ندا رسد که ای قلم آنچه الهام کردیم در لوح نوشتی گوید بلی فرماید که
کی گواه تست گوید خداوندا تو میدانی و گواه هر راز مخفی فرماید تمام کردی حجت خود را
پس بیارند لوح را بصورت آدمی و از او پرسند که آیا قلم ثبت کرده در تو آنچه را که با و
صبر کردیم گوید بلی پروردگارا آنچه در من نقش کرد باسرافیل رسانیدم پس اسرافیل بصورت
آدمی با ایشان بایستند و از و سوال فرماید که لوح بتو رسانید آنچه قلم باو رسانید از وحی من گوید
بلی خداوندا من بجبرئیل رسانیدم همه را پس جبرئیل را طلبند و در پهلوی اسرافیل بایستد
از او پرسند که اسرافیل تمام وحی ها را بتو رسانید گوید بلی پروردگارا و من بجمیع پیغمبران
رسانیدم و بآخر کسی که وحی رسالت و حکمت و کتاب و علم و کلام ترا خواندم حبیب تو محمد
بن عبدالله بود پس اول که از بنی آدم سوال طلبند آنحضرت باشد و خدا او را آنروز در برتر
قرب و کرامت امم باز داشته بدارد و سوال نماید که یا محمد جبرئیل بتو رسانید آنچه بتو وحی کرده بود
دم بسوی تو از کتاب و علم و حکمت گوید بلی فرماید همه را بامت رسانیدی و هم سعی در راه جهاد
و دین رسانیدم و زحمت بردم خطاب رسد که کیست برای تو گواهی میدهد گوید پروردگارا
تو گواهی و ملائکه و نیکوکاران امت و گواهی تو کافیست پس ملائکه را طلبند و گواهی بر تبلیغ
رسالت دهند پس امت آنحضرت را طلبند و سوال کنند که محمد صلی الله علیه و آله بشما رسانید رسالتهای ما

وکتاب وعلم مرا برشما خوانده کواه باشید انکاه نداری رسول خدا که هیچ از میان خلق نتی
خلیفه کند اشتر که کتاب وعلم مرا بیان کند و در انچه اختلاف کنند حجت من باشد بعد از تو کو بدل علی
ابن ابی طالب که برادر و وزیر و وصی من و بهترین امت من بعد در حیات خود خلیفه ۱۰
ونصب کردم و مردم را باطاعت او خواندم که پیروی او نمایند پس علی را طلبیدند و خدا فرمود
باید که آیا محمد تو را وصی و خلیفه خود نمود و بعد از و بامامت قیام کردی کوید خدا اوندا محمد مرا
وصی خود کردانید پس چون او بجوار رحمت تو رفت امت انکار امامت کردند و با من مکر
کردند و مرا ضعیف کردانیدند و نزدیک شد که بکشند و جمعی که سزاوار نبودند بر من مقدم داشتند
وسخن مرا نشنیدند پس شمشیر کشیدم و در راه تو جهاد کردم تا کشته شدم پس خطاب رسد که یا علی
مرا بند
خلیفه برای خود نصب کردی که بندکان مرا بسوی من بخوانند و براه من هدایت نماید کوید بلی حسن
که فرزند من و فرزند دختر پیغمبر تو بود نصب کردم و همچنین هر امامی را طلبند با اهل علمش و
جمیع پیغمبران را طلبند تا حجت بر ایشان تمام شود پس حق تعالی فرماید هذا یوم
ینفع الصادقین صدقهم یعنی این روزیست که نفع میدهد راستی کویان را براستی ایشان
وحضرت صادق ع میفرماید که چون خلایق را برای حساب جمع کنند نوح را طلبند و پرسند آیا
تبلیغ رسالت کردی کوید بلی کواه خواهند کوید محمد بن عبد الله و آیه نزد آن حضرت که با امیر المؤ
منین بر بلندی ایستاده باشد و کوید حق تعالی از من تبلیغ رسالت میخواهد آن حضرت فرماید
که جعفر

که ای جعفر و ای حمزه بروید و شهادت دهید برای نوح پس از روز جعفر و حمزه کواه پیغمبران باشند
کسی پرسید که چرا علی شهادت نمیدهد فرمود که رتبه او از این عظیم تر است که تکلیف شهادت باو نمایند
که حضیر اکر سرادقات حساب را بروایت ابن مسعود از حضرت امیر المؤمنین ع
مسموع ابعونالله تعالی در ده جدول موافق آنها جاری میسازم در بیان سؤا
ل مواقف اول بعد از صحرای ظلمت اهل محشر را نزد پیمبر شوند بسوی جسر پردهای حجاب
و در هر جا موقف باز داشته خواهند شد و در موقف اول سؤال خواهند کرد از محارم
الهیه که خدا آنها را حرام کرده پس هر که بر دیده از آنها چون ستر حرمت خود را دریده و یا
رشته توبه رفو نموده هزار سال بحجت و شرف کذشته ایستاده میشود و محارم شامل جمیع
محرمات از افعال و ترک و شاید این غیر از خصوص خواهد آمد مراد باشد یا اینکه
از مطلق کناهان پرسند و بعد از این از خصوص اینها یا اینکه از عموم انها سؤال شود و
از شدت احتمام از بعض انها مکرر سؤال نمایند بر تقدیر ضبط روایت و عدم خلط
و خبط روات که از بعض مواضع آن بعلت تعارض اقوا اظاهر میشود بدانکه بحدیث
صحیح نبوی پروردکار عالم غیور و غیرتش از همه سلطان غیورتر بیشتر و بالاتر است و از
کمال غیرتش حرام و فرق فرموده و فواحش و سهام را محدود و مقرر ساخته پس سزاوار
حقا است براو ملک قهار که انتقام کشد از کسی که پروا نکرده و بیرامون آن کناهان جبار

عادل کردیده و در جزای احسانهای الهی و اذا نعمتها و الطاف نامتناهی هیچ شرم و حیا نکرده
بی باکانه بموافقت دشمنان قادر منان بر جنک حرمت فرمان او جرات نماید و حضرت
صادق ع میفرماید که خدا نظر رحمت نمیکند بنده را که ترک فریضه از فرایض نماید و مرتکب
کبیره از کبایر شود را و تعجب نمود حضرت فرمود آری بتحقیق که شرک بخدا آورده
تعجب را زیاده شد حضرت فرمود پس بعد از شنیدن این اخبار و حسنات آثار
اکر تاب مقاومت غضب حق تعالی و طاقت انتقام آن شاهد حال جل و علی داری قباب
جلد
ربوالا باید حد بندکی خود شناسی و از هر صغیره و کبیره البته در حذر باشی و بکو
جکه کناه نکاه مکن بلکه بحدیث نبوی بعظمت و جلال ان بزرکوار که جرات معصیتش
داری نظر کن در شهوت کم که ضبط خود نکنی پس در بسیار چکونه نکه میتوانی داشت و از کناهای
عظیمه که امروز دیده نمیشود حقیر نمودن کناهست هر چند خود دنمایی چنانکه کوئی خوشا حال
من اکر غیر از این کناه نداشته باشم چنانکه در احادیث بسیار وارد شده و از این جاست
که بسیاری از علماء صغیره فی نفسه قایل نیستند و میکویند که مکروهات لا یهم سهل انبیای شمرد
وحضرت امیر المؤمنین ع میفرماید که کوچک نباشد چیزی که در قیمتش نفع یا ضرر کند
و در حدیث نبویست که یا اباذر نفس مؤمن از کناه مضطرب تر است از کنجشک در دام
بینند
به تحقیق که کناهش را چنان عظیم میدانند و حذر میکنند که کویا زیر سنک است و میترسد
که مبادا

که مبادا بر سرش آید و کافر چنان سهل میشمارد که کویا مکسی بر بینی او کذشت و حضرت
امام رضا علیه السلام میفرماید که کناه خورد را هیبت بسوی کناه بزرک و کسی که اندک
چیزی از خدا اترسد از بسیار هم نمیترسد و خدا اکر خلق را از بهشت و دوزخ نمیترسانید
واجب بود که اطاعت او و ترک معصیت او کنند برای فضل و احسان و نعمتهائی که استحقاق
کرامت فرموده و در صحیح فرموده که وحی آمد به پیغمبری که هر کاه اطاعت کرده شوم راضی شوم و چون
راضی شوم برکت دهم و برکت مرا نهایت نمیباشد و هر کاه عصیان من کنید غضب کنم لعنت
نمایم و لعنت من برسد به هفت پشت شما و در وحی است که بکو بظالمان که مرا یاد کنند که ناچارم
ایشانرا یاد کنم و یاد من ایشانرا لعنت است پس هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد کافر شود و در
موثق حضرت صادق علیه السلام از پدرانش از رسول خدا از حق تعالی ذکر فرماید که هر بنده که اطاعت
من کند و اکرام او را بغیر خود دهم و هر بنده که نافرمانی من کند و اکرام بخودش بعد از آن پروا
نکرده که در کدام وادی هلاک شود و فرمود که خدا میفرماید که هر که مرا شناسد و نافرمانی نماید مسلط
کردانم بر او کسی را که مرا نشناسد و شب و روز از جانب خدا ندا میرسد که ای بندکان باز ایستید از محارم
دکناهان که اکر نبود حیوانات چرنده و اطفال شیر خوار و پیران خمیده یا کمار کنند بر شما عذاب
نمازیکنی شدید چنان از خدا بترس که کویا او را می بینی و اکر تو او را نمی بینی او تو را می بیند و اکر
کمان میکنی که او ترا نمی بیند کافر و اکر میدانی که در همه حال تو را می بیند و اعمال تو را میداند و در حضور او

موجب میکنی پس او را از جمیع نظر کند کار [illegible] عمل بکند در صاحبش
شده است از تاثیر کارد در گوشت و فرمود قرآنکه [illegible] است چه
بسیار شهوت یک ساعت که باعث اندوه و حزن دور و دراز میشود و صحیح است که گناه
اندوه کافی گناهان پس ملکی آنرا اگر به مطلع شود خدا به تو در آن حال و فرماید که بعزت
و جلال خودم سوگند که نیامرزم هرگز تو را و در صحیح از بیدار حضرت رسول خدا ص ذکر فرمود
که تعجب دارم از کسی که پرهیز میکند از طعام از ترس الم چگونه پرهیز نمی کند از گناه از ترس
آتش جهنم و فرمود وحی شد بحضرت موسی ع که هیچکس تقرب نجسته است بسوی من بعبادت مثل ورع
از محارم به تحقیق که مباح میکنم برای ایشان جنات عدن را و به آنکه کسی را شریک او
گردانم و در صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت فرمود که بدرستی که شک و معصیت از آن
تشند و از ما نیستند و نه بسوی ما و فرمود آدمی را مؤمن نمیشماریم مگر آنکه جمیع اوامر ما را متابعت
نماید و از اوامر ما فرمود تمام داشته باشد و از متابعت اوامر ما ورع است پس زینت خود را
سازید مامور به هستید آنها کردید و فرمود پرهیزکارترین مردم توقف و احتیاط کنندگانست نزد
شبهات و در حدیث است که گاه باشد بنده یک گناه از گناهانش صد سال در محشر در موقف
محبوس بماند و نظر کند بر زنانش که در بهشت متنعم اند و احادیث بسیار است در آنکه گناهان صادر
شد لکن بسیار در دل بهم رسد اگر ایمان دم توفیق توبه که واجب فوریست بیافت زایل میشود الا اگر

بیابد

خیر بلکه

بنا بلکه دو مسجد گناه دیگر است بلکه موافق حدیث همین اصرار است آنکه زیاده تر میشود و
ناامید از افزونگیر و صاحبش رستگار نمیشود هرگز و مؤید اینست مضمون حدیثی که جرئت بر
گناه ننماید باز هر روز تریاق اینکه از شیعه ما نمیدید که گناه بهم تنها میرسد که صاحبش از ولایت ما بیرون
میرود پس حضرت شاهد میآورد در قصه عابد بنی اسرائیل که بجز دکن هر کارش بکفر منجر شد حضرت
صادق ع میفرماید که البته بجهنم خواهد رفت کسی که مبتلا میشود بکبر و فخر پس دلش قساوت
گیرد و در شغل خود ترش روی و فحش گو و کم حیا میشود خدا کشف پرده او نماید و دشمن او
شود و بجهد بر روی مردم و مرتکب محارم شود پس توبه هم نکند بعد از آن ارتکاب معاصی خدا نماید
و دشمن اطاعت او شود و سیر نشود از خصومتها و میسر نشود دیگر او را ترک خصومتها پس طلب عافیت
کنید از خدا و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود نیست بنده مگر آنکه پرده ای براو پوشیده
باشد تا بجهل کبیر کنند پس تمام پرده ها از و دریده شود و خدا و ملایکه فرماید که او را به بالهای
خود بپوشانید پس قبیح نگذارد که مرتکب نشود و باین فخر کند میان مردم حفظ گویند
خدایا این بنده هیچ ترک نمیکند و ما را شرم میاید فرماید بالهای خود را بردارید پس
ظاهر عداوت ما اهل بیت نماید در این هنگام خدا او را در آسمان و زمین رسوا کند ملایکه
گویند خدایا این بنده را تو چنین رسوا ماند فرماید اگر چیزی در او میدانستم نمیگفتم بالهای
خود را بردارید و فرمود هر که عزت خواهد بی قوم و عشیره و هیبت بی سلطنت و غنای بی

مال و مطاع بودن عطا پس باید بیرون رود از مذلت معصیت الهی بسوی عزت و طاعت او و شخصی
از حضرت صادق ع بعد از ملازمت سالها وصیتی طلبید فرمود وصیت میکنم به پرهیزکاری و ورع
از محارم و سعی و اهتمام در عبادت اما این را بدان که عبادت نفعی ندارد بی اجتناب از محارم
و در صحیح فرمود در تفسیر آیه وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا
آگاه باش بخدا قسم عملهای ایشان که خدا ابر طرف نمود پاکیزه تر و سفید تر از جامهای مصری
بود و لیکن حرام که رو میداد نمیگذاشتند و فرمود که روزی حضرت موسی علیه گذشت بشخصی
و چهره برگشته دید هنوز در سجده است گفت اگر حاجت تو در دست من بود بر می آوردم و
حق تعالی گفت اگر اینقدر سجده کند که گردنش بر گردد و جدا شود قبول نکنم تا برگردد به آنچه
خواهم و فرمود حفظ نمایید دین خود را بورع از حرام که نمیتوان رسید بچیزی که نزد خدا است
مگر باین و آیات و روایات درین معنی بسیار است و در وصیت بنوبت که یا اباذر اصل دین
ترک گناهانست و سر دین اطاعت خداست و بدانکه اگر نماز چنین کمان و از روزه مانند
زه باریک شوید نفعی بشما نخواهد داشت مگر ورع و ترک گناهان ای اباذر آنها که ترک حرام
دنیا نمودند اختیار زهد نموده اند بحق و دوستی اولیا و دوستان خدا امید و هیچ چیز نزد خدا
دوست تر از ایمان و ترک محارم نیست یا اباذر هر که بیاید روز قیامت بی این خصلت پس
بتحقیق که زیان کار و خاسر است و بروایت مؤمن نیست و از خدا نیست و ترک او را از

محارم

از محارم الهی مانع زده باشد و حلمی که بآن رد جهل سفیه نمود و خلقی که باعث مدارا
با خلق گردیده باشد و فرمود مطیع خدا یاد او بسیار نمود هر چند نماز و روزه و تلاوتش
بسیار باشد و فرمود در وصیت علی ع که ذکر خدا سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ
أَكْبَرُ نیست بلکه آنست که چون حرامی رو دهد از خدا بترسد و ترک آن نماید و در حدیث
فرمود که در بهشت حوری است لعبت نام که آب دهانش دریا را شیرین میکند و آن از
برای پرهیزکار آفریده شده که با خبار بی شمار و تجربه اشیا گناه باعث
جرئت شیطان و سلب توفیق عبادت و لذت مناجات و ایمان و قساوت قلب
و دوری از خدا و مصایب و بلیات و [illegible] در بار حاجات و رد دعوات و طلعات
و منع روزی و منع باران و خیرات و نفی برکات دنیا و آخرت و رسوایی [illegible]
روز حسرت و ندامت میگردد و احادیث بسیار از جماعتی که شکایت میکردند
از مصیبات و آفات و فقر و امراض و انواع بلیات بحدیهم حضرت استغفار میفرمودند
و حضرت صادق ع میفرماید که نیست هر رگی که بکوبد و بلغزد قدمی مگر بسبب گناهان چنانکه
حق تعالی میفرماید وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ یعنی
هر مصیبتی که بشما میرسد بسبب معصیت هاست و عفو میفرماید خدا از بسیاری
از آنها که عقوبت نمیکند و در صحیح فرمود که بتحقیق که مؤمن قصد گناه میکند پس از آن

محروم میشود و در صحیح موثق فرموده‌اند که خدا حکم و قضای حتمی فرموده که هیچ نعمتی را سلب نکند
مگر بسبب گناهی و در این معنی قرآن صریح است و در صحیح فرموده که وحی رسید به پیغمبری که
بقوم خود بگو بدرستیکه بتحقیق هیچ اهل قریه نیست که بر طاعت من باشند پس خوش حالی یابند از
رسیدن آنگاه برگشتند و از آنچه میخواهم بسوی آن چیزی که ناخوش دارم مگر اینکه من هم برگردم
از آنچه دوست دارند بسوی چیزی که نمیخواهند و بجهت که بر نافرمانی باشند پس بد حالی اثر اینان
رسید پس برگشتند بعد از آنچه ناخوش دارم بسوی چیزی که دوست دارم مگر اینکه من هم
گردم از آنچه ناخوش دارند بسوی چیزی که خوش دارند و حضرت باقر ع میفرماید که گاه هست که
بنده حاجت می‌طلبد و نزدیک است که خدا روا کند گناهی میکند پس بملک وحی میفرماید که حاجت
او را روا مکن که مستوجب غضب و حرمان گردید آشکارا مرتکب گناه شدن
گناه دیگر است و تخفیف عقوبتش در دنیا و عقبی از اصل گناه بیشتر است و باعث
شیوع گناهان و رفع قبح آن و هتک پرده ناموس و ستر عرض خود میشود که خدای مهربان
از کمال شفقت آنان روا نشده و معلوم است که بظاهر بنده میان مردم بنافرمانی
آغاز خود باعث زیادتی غضب و شدت و عقوبت او میگردد و اخبار در این باب
بسیار است و حضرت امام رضا ع میفرماید که فاش کننده گناه مخذول است و آمرزیده
نخواهد شد و حدیث نبوی بمضمون اینست و حضرت صادق ع میفرماید

که امید نجات

که امید نجات دارم برای هیچ از این امت که حق ما را بشناسد مگر از
طایفه سلطان جور کنندگان و بدعت کنندگان در دین و فاسقی که علانیه کند
گناه بی پروا نکند و فرمود که چهار نفر اند که شریک شیطانند که دخل در نطفه آنها
کرده کسی که بی پروا نکند در این خصوص که آنچه گوید و آنچه با او گویند و کسی
که بی پروا باشد از اینکه مردم او را در معصیت خدا ببینند و کسی که غیبت
مؤمنی کند بر عداوتی از او و کسی که شهوت زنا و محبت حرام شغف شود و خوا
هش داده و در بعض احادیث دیگر دیگر از آنجمله است دشمن اهل بیت رسالت و سبک
دارندگان دین و کسی که از بیرون در حضور بدگویی کند و بدانکه توبه کنندگان از گناه
مثل کسی است که هرگز گناه نکرده چنانکه در موقف جهاد واقف خواهد شد ان شاء الله تعالی
در اجرای سؤال موقف ثانی که از هوای نفس است خواهد شد چنانکه حق تعالی میفرماید
فاذا جاءت الطامة الکبری تا آنجا که و نهی النفس عن الهوی فان الجنة هی المأوی
یعنی چون بیاید شدت عظیم که وصف و خیالست مافوق همه شدتها و بلیتهاست روزیکه
بیاید آدمی خواهد آمد که هرچه کرده فراموش نموده و نمایان شود دوزخ هر بیننده را پس کسی که
نافرمانی کرده و دنیا را اختیار نموده دوزخ جای او و هرکه ترس داشته باشد از ایستاده
شدن در برابر پروردگار خود در مقام حال که یقین با آخرت داشته یا خدا را بر خود بینا و شنوا و دانا

و دانا دانسته چون یقین بخدا داشته و منع کرده نفس خود را از هواها و خواهشهای نفس
پس بهشت جای او و حضرت صادق ع در این آیه میفرماید این بنده ای است که تا در میشود
بر گناهی و ترک میکند از خوف خدا که مکافات او بهشتست و حضرت کاظم ع میفرماید
که بترسی از سربلای هموار که سر اشیب او صعب باشد و ابوعبدالله ع میفرماید که نفس
را بهوای او مگذار زیرا که خواهش آورد هلاک خود است و دفع نفس از خواهش او دوای
اوست و امیرالمؤمنین ع میفرماید که بیشتر ترسم بر شما مگر از دو خصلت متابعت هوا و طول
امل پس فراموش میکنید آخرت را و حضرت باقر ع میفرماید که حق تعالی فرموده قسم بجلال
و رفعت شان خودم که هیچ بنده اختیار نمی‌کند خواهش خود را بر خواهش من مگر آنکه کارهای
او را بر پریشان و دلش را مشغول واگذارم و دنیا را با او مگر همان که مقدر فرموده ام و بعزت
جلال و بلند مرتبه خودم سوگند که هیچ بنده ترجیح نمیدهد هوای مرا بر هوای نفس مگر آنکه میگردانم
غنا و توانگری او را در نفس خود و ضامنم برای او روزی و امر او را متکفل باشم و
هستم برای او عوض تجارت هر تاجری با تجارت او بسوی او میروند و در چند حدیث حضرت صادق
ع از رسول خدا ص ذکر فرموده که هرکه طلب رضای خلق کند بغیر رضای خدا او را ذلیل و مدح
کنندگان او را بدگوی او گرداند و هرکه اختیار اطاعت رضای خدا کند بچیزی که غضب خلق در آن باشد
کفایت کند خدا از وی شر هر دشمنی و حاسدی و ظالمی و پشت و پناه او باشد و فرموده که هرکه

حاکم را ...

حاکم کند و راضی نماید بغیر رضای خدا بدرمیرود از دین خدا و در حدیث علوی همین
معنی است و زلال احادیث این جدول در مجاری جهاد سمت جریان خواهد یافت
و مدارک ترک هوا ترک دنیا است که سر همه عبادات و افضل کل عبادات است
چنانکه از شهادت عقل و حدیث مشهور حب الدنیا راس کل خطیئة معلوم میشود
و حضرت سجاد ع میفرماید که بعد از معرفت عملی بهتر از بغض دنیا نیست و در حدیث
بهمین مضمونست و الحق ظهور مفاسد دنیا و انقلاب احوال و رسوائی طالبان آن
خصوصا در این آخر الزمان از ذکر آیات و روایات مستغنی است کافیست و حضرت
صادق ع میفرماید که حرام است بر شما ادراک حلاوت و لذت ایمان تا ترک دنیا نکنید
کجاست صبر کننده صاحب کرمی که در این چند روز اندک از سر دنیا بگذرد و فرمود
حریص دنیا مانند کرم پیله هر چند بر خود بیشتر تنند از نجات دور تر شود و از و
صیت نبویست که یا اباذر بخدائی که جان محمد در قبضه قدرت اوست که اگر دنیا که
نزد خدا قدر پر پشه میبود بکافری شربتی آب نمیداد و ملعونست دنیا و آنچه
در دنیاست مگر چیزی که غرض از آن رضای خدا باشد دنیا خانه کسیست که در آخرت
خانه ندارد و دنیا کسی جمع میکند که عقل ندارد و از مواعظ الهیه که ای پسر آدم هر قدری که دلت بدنیا
میل میکند بیرون آورم محبت خود را از دل تو یا موسی ترک کن از دنیا آنچه احتیاج نداری و منکر

بجمیع که مفتون دنیا شده اند ایشان اند بجای خود واگذاشته ام و بدانکه هر فتنه که هست تخم محبت
دنیاست بلوسی نبله کان صالح من ترک دنیا کرده اند بقدر عملشان و دیگران اختیار نموده اند قلیل
حملشان و نیست هیچ احدی که بزرگ شمارد دنیا را مگر آنکه منتفع گردد بدنیا اتبعی من خدمک
و اخدمی من رفضک به تعب انداز هر که ترا خدمت کند و خدمت کن هر که ترا ترک کند و امیر
المؤمنین ع میفرماید که هر که خواهد از احوال دنیا عبرت گیرد دنیا او را بعیوب خود بینا گرداند و هر که
نسبت بآن نکو کوری میکند و فرمود حب دنیا آدمی را کور و کر میسازد و فضایل زهد در عیبی بحد
بتقریب ذکر چیزی که بحساب به کشت خواهد رفت سمت جریان یافت و لا حول و لا قوة الا بالله

در ذکر موقف سیم از حقوق والدین بدانکه حق تعالی در آیات بسیار بر و احسان والدین
را در کمال مبالغه و تاکید مقرون بتوحید خود نموده و فرموده و لا تقل لهما اف و در صحیح
حضرت صادق علیه السلام میفرماید که حق تعالی اگر چیزی کمتر از اف میدانست از آن
نهی میفرمود و نظر تند از عقوقست و در صحیح فرموده هر که بخشم نگرد بایشان برا و ظلم
کرده باشند هیچ نماز او را خدا قبول نکند و فرموده که چون روز قیامت یکی از پردهای بهشت
را بردارند بوی جان دار بوی او را پانصد ساله راه می شنود مگر عاق والدین و بحدیث
دیگر قاطع رحم و پیر زانی و متکبر هم نمی شنود و پیغمبر ص در عیادت بیماری یکی را فرمود
بگو لا اله الا الله نتوانست فرمود زنی که بالای سر او نشسته بود که او مادر دانه گفت بلی

مادر او یم فرمود آیا از تو راضی است گفت بلی فرمود راضی شو تا خدا راضی شود گفت راضی شدم برای رضای
تو آنگاه فرمود جوان را تهلیل و او گفت فرمود چه میبینی گفت مرد سیاه زشت بد بوئی که بالجا
نهای چرک نمود و رو کرد گفت بگو یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر و اعف
عن الکثیر انک انت الغفور الرحیم چون گفت فرمود حالا چه میبینی گفت مردی سفید خوشبو
با جامهای نیکو بطرف من می آید و آن مرد دور میرود فرمود بار دیگر بخوان دعا را پس رسید چه میبینی گفت سیاه را
نمی بینم و نورانی نزد من می آید در آن حال مرد پس فرمود دعا از چند کس مستجابست پدر برای فرزند
نیکوکار و بر فرزند عاق و مظلوم بر ظالم بر ستم کننده از او و مؤمن برای مؤمن و برادر که ترک گناه کند با قدرت
و در حدیث نبوی که با علی دیدم بر در بهشت نوشته بود که تو حرامی بر بخیل و ستم کن و مرائی و عاق
و در حدیث دیگر هر که پدر و مادر خود را بزند پس او از حرام بهم رسیده و فرمود بگو عاق والدین را هر چه
خواهی کن که داخل دوزخ نخواهی شد هرگز و بگو عاق والدین را هر چه خواهی کن که داخل بهشت
نخواهی شد هرگز و بحدیث قدسی بیان فرمودست هرگز و در صحیح نبوی که عاق والدین بعد خواهد در
جهنم است و نیکوکار را انس در بهشت و در صحیح شخصی را حضرت طلبید بعد از آنکه از شرک فرمود
الطاعت رحم کن که پدر و مادر خود زنده باشند یا نه وارد کنند بیرون رو از اهل رسالت پس
شخصی که این از آنجانست حق والدین افزود و اعظم است و بحدیث نبوی هر که پای مادر خود
ببوسد آستانه بهشت را بوسیده و بروایتی کسی با نحضرت گفت که هیچ معصیتی نیست که نکرده ام

آیا مرا توبه هست فرمود پدر و مادرت هست گفت پدرم زنده است
فرمود باو نیکی کن چون برفت فرمود کاش مادرش زنده بود فرموده هر که در زندگی
پدر و مادرش را سعی نکند که او را نفرین شود دور داشت از رحمت الهی و در حدیث باز الله
میفرماید در سه چیز رخصت نیست عام است در بر و فاجر امانت و وفا بعهد و بر والدین
و در صحیح فرمود چهار صفت است هر که دارد خدا او را ساکن گرداند در اعلی علیین در بالا
ترین غرفهای شرف و پناه و تکفل یتیمی چون پدر مهربان و رحم و اعانت ضعفا و صرف
مال بدو پدر و مادر و مدارا با ایشان و ترک تندی و ملاطفت به بنده زیر دست خود و یاری او در
خدمات و در صحیح فرموده اند بدعا و تصدق برای والدین که مخالف باشند و در صحیح فرمود شخصی که بنده نیکوکار
پدر و مادر میباشد که بعد از مردن ایشان عاق شود بترک استغفار و ادای دین ایشان و بسا عاق
مینویسد عاق باشد که بعد از فوت با ادای دین و استغفار برای ایشان فرزند او را باز مینویسید
که هر که شب پنجشنبه دو رکعت نماز با فضایل بسیار وارد شده هر روز چهار رکعت و اورد
و حضرت صادق علیه السلام میفرماید چه مانع است هر یک شما را که نیکی بوالدین زنده باشند یا مرده بنماز
و تصدق و حج و روزه پس خواهد برای ایشان و برای او مثل آن زیاده میکند خدا بجز عمل
مقدار خیر بسیار در بیان سئوال و موقف چهارم از حقوق که حق تعالی بادتعویض فرمود
از اهل و اولاد که آباء تعلیم قرآن و شرایع دین و آداب ایمان و تربیت ایشان نموده باب

مهمل و ضایع گذارند خدا میفرماید قوا انفسکم و اهلیکم نارا وقودها الناس و
الحجارة یعنی حفظ نمائید خود را و اهل خود را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ کبریت
فرموده ان الخاسرین الذین خسروا انفسهم و اهلیهم یوم القیامة بتحقیق
زیانکار شدند آنها که خود را و اهل خود را افکندند بخسران و زیانکاری روز قیامت
و آیات باین مضمون متعدد است و از رسول خدا ص منقولست که لازمست بر پدر و مادر
بیاری ولد صالح و حق که ایشانراست بر او نیز رعایت نمود بسوی بعض اطفال و فرموده وای بر اطفال
آخر الزمان از پدر ایشان که تعلیم واجبات بایشان نخواهند نمود و فرموده که من بیزارم
از ایشان و ایشان بیزارند از من که یکی از آن گروه که جهنم را در بسته دارند بحدیث نبوی
هر که اهل خود را امور دنیا آموخته و امر آخرت نیاموخته چنانکه در مظالم عباد خواهد رسید
و فرموده ادب اولاد بهتر است از تصدق یکصاع طعام هر روز بفرزند خود نمودن و فرموده روز
قیامت در حله کرامت بپوشانند بر مؤمنی که تعلیم قرآن بفرزند خود نموده و فرموده هر که تعلیم
قرآن بفرزند خود نماید باده هزار حج و عمره و جهاد و اطعام نموده و بهر حرفی ده حسنه و محو
ده سیئه داده و با او خواهد بود در قبر و میزان و صراط و قرآن تا در محل کرامت
حاضر سازد و افضل اجر آرزو میکند و اخبار در فضیلت تعلیم و تأدیب و اصلاح و عنایت

ایشان و ملامت و عقوبت و تضییع و سوء تربیت ایشان ناپسندیده است و نحوی باید با ایشان

سلوک کرد که رفع حجاب نشود چنانکه در حدیث صحیح حضرت صادق ع از آبای کرام خود از

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود خدا رحمت کند کسی را که اعانت نماید بر بر و

نیکی خود و اولاد خود و همچنین والدین و رفیق و همسایه و سلطان و مصاحب خود و در احادیث

معتبره نبویه منقولست که بهشت را دریست فرح نام داخل آن نمیشود مگر شاد

کننده اولاد خود و حب اولاد خود حاجب است از آتش و نظر بر روی اولاد خود نظر

بر پیغمبر است و چیزی خوردن با ایشان دوریست از آتش جهنم و گرامی داشتن ایشان

باعث گذشتن از صراط و کرامت بهشتست و هرکه تفقد اولاد را در یابد تفقد نه با او بازی

کند شخصی گفت بآن حضرت که هرگز اطفال خود را نبوسیده ام چون رفت حضرت فرمود این

مرد از اهل جهنم است و هرکه ببازار رود و تحفه از برای عیال خود بیاورد مثل حامل صدقه است

بسوی قوم فقرا و باید که اول بدختر داده که شاد کردن دختر مثل عتق بندگیست از فرزندان اسمعیل

و پسر مثل گریستن از خشیت الهی که موجب بهشت نعیم است و میوه بکف فرزند

نهادن در میزان سنگین گوید باشند بدانکه آیات در مذمت محبت بسیار است که اولاد فتنه بلکه

دشمن شمارند از ایشان حذر کنید غرض از اینها افراط حب است که بسبب آن

بحرام و شبهه افتد یا از تحصیل معرفت و اسباب سعادت ابدی و تدارک توشه آخرت وشبهه

محروم

محروم مانند و شب و روز سرمایه بنجروزه عمر عزیز را که سبب می درجات عالیه و سعادت

باقیه برای خود ذخیره باید کرد خرج تعیش ایشان و صرف توفیر میراث ایشان نمود و چون

شمع خود را برای دیگران بسوزاند و حفظ حدود در همه جا علامت ایمانست و حضرت

سجاد ع میفرماید حق والد آنست که بدانی او از تو و منسوب به تست در دنیا بخیر و شر

و بتحقیق سؤال کرده خواهی شد در آخرت از چیزی که تو او را متولی آن کرده از

حسن ادب و راهنمائی بسوی پروردگار خود و یاری بر طاعت او پس بعمل آور در عمل

کسی را که میداند مثالیست بر خوبی با او و معاقبت بر بدی بر او و از احادیث نبویه است که

هرکه شفاعت مرا خواهد باید دختر خود را بفاسق تزویج نکند که هرکه چنین کند نازل شود

بر او هر روز هزار هزار لعنت و بالا نمیرود از و هیچ عملی و دفع دعائی و هر زنی که بتزویج

فاسقی راضی شود چون از قبر برخیزد میان دو چشمش آیه آیسه من رحمة الله و بعضی

لست در دنیا و آخرت و هر شب و روز بهتقای خطا و گناه است و بحدیث دیگر هرکه

بشراب خوار دهد بما او را بزنا داده و در خطبه وداع فرموده که هرکه اهل خود را ضایع

گذارد و قطع رحم کند خدا او را ضایع و محروم گرداند روز جزا و هرکه دو زن دارد و بعدل

میان ایشان سلوک نکند از خود و مال شی روز قیامت غل کرده اند یک طرف کج

تا داخل دوزخ شود و هرکه ظلم کند بزن در مهر او نزد خدا زناکار است روز قیامت

و میفرماید ای بنده من تزویج کردم کنیز خود را بتو پس بعهد من وفا نکردی پس خصمانه

باید نماید و تمام حسنات او وفا نکند انگاه فرماید او را بسوی جهنم برند بعد از بیان

فرمود که زنی که آزار شوهر کند نماز و هیچ عبادت او مقبول نیست تا شوهر از او راضی

شود و گر کند فرمود مثل این عقوبتست بر مرد هرگاه آزار زن نماید بتحقیق که مضاعف

میکنند برابر او زن چنانکه از برای یتیم حضرت کاظم ع میفرماید خدا غضب نمیکند

بچیزی مثل غضبش بر ظلم زنان و طفلان و در حدیث حضرت باقر ع میفرماید

از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که آیا خبر دهم به بدترین شما کسی

بگوید کار را که نکرده باشد و فحاش و تنها خورنده و خیر خود را منع کننده

بنده خود و ملجأ کننده عیال را بدیگری و بروایت دیگر فرمود هرکه زنش را دشنام

دهد بیرون رود از حسنات مانند مار از پوست و بجاوست که هر موی بدنش

گناهی و بر او نازل شود لعنت الهی و قبول نشود از و هیچ عملی که دشنام میدهد زن خود را

مگر ملعون تا آنکه فرمود منافق و فرمود که دشنام مدهید زنان خود را بزنا که مثل طلاقست

و غیبت مکنید که شبیه بکفر است و بدانید که مراین از خود خراب میکنید عمل صد ساله را

دشنام مدهید زنان خود را که در آن پشیمانی بسیار و عقوبت شدیدست و فرمود

ملعونست ملعونست کسیکه ثقل خود را بر مردم اندازد و ملعونست کسیکه عیال خود را

ضایع

ضایع کند و فرمود نزدیکترین شما بسوی من در روز قیامت کسی است که خلقش نیکو و با عیالش

بهتر سلوک کند و فرمود هرکه زن را بزند بناحق من خصم او باشم در قیامت و فرمود که عجب دارم از

کسی که زن خود را بزند و او از تو بهتر است بلکه بال و پر ایشان را کوتاه کنید بترک لباس و زینت و نکه

داشتن از خانه بیرون رفتن زنش از خانه پس او دیوث است بنا میشود برای او بهر کاری

که برداشته خانه در جهنم و فرمود هرکه اطاعت زنش کند خدا او را بجهنم اندازد و پرسیدند از

اطاعت فرمود مثلا اذن میطلبد بحمامها و عروسیها و باغها پس مرد قبول میکند

در ذکر موقف پنجم سؤال در احسان بمملوک از غلام و کنیز بلکه حیوانات و حقوق اینها

و حضرت سجاد ع میفرماید حق مملوک اینست که بدانی او آفریده پروردگار تست مالک او

نشده برای آنکه خلقش کرده یا روزیش از تست بلکه از خداست و مسخر تو ساخته و ترا

امین داشته برای نفع تو بتو سپرده پس احسانش کن چنانکه خدا بتو احسان کرده و اگر

نخواهی بدل کن و آزار مخلوق خدا مکن و در وصیت امیر المؤمنین ع است که از خدا

بترسید در زنان و مملوکان خود که آخر سخن پیغمبر شما فرمود این بود که وصیت

میکنم شما را در حق این دو ضعیف و در حدیث مبالغه شده در اغماض از ظلم

کسی که پناهی و یاری بغیر خداوند ندارد و باید دانست که بمضمون کلکم راع و کلکم

مسئول عن رعیته هر کسی را رعیتی و زیردستی مقرر شده از اهل و عیال و شاگرد

واخوان در نفقه و جراح و بهایم که رعایت و محافظت آنها واجب است و هر یک را حقی است و احادیث
بسیار است در حق حیوانات که بر رفق و هموار سر کنید در بار و بار در تحمل آنها نمایند و از منزل
نکذرید و بد سوار نشوید و در منزل ابتدا به سوار نمایید و بیجا بر رویش نزنند و هر که ملاحظه
علت این آداب نکند میرسد حکم شرع را بلکه هر صاحب قدرتی که از ارباب امر معروف
که او را خبر کنند بر فروختن آن مملوک یا رعایت او   در ذکر سؤال موقف
ششم پس ملکوت بسوی سراوقات حساب و از حق همسایه شده و حضرت صادق
علیه السلام میفرماید از ما نیست کسی که همسایه نیکو نکند و از والد ماجد خود فر
معلوم که حرمت همسایه مثل حرمت مادر است و از رسول خدا صلعم روایت معلوم که هر که
ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که اذی نرساند بهمسایه و مهمان خود را و حرف
خیر کوید یا ساکت باشد و فرموده علیه السلام با سلمان و ابا ذر که ندا کنند در مسجد که ایمان
نیاورده هر که همسایه اش از شر او ایمن نباشد پس خود بدست اشاره کرد بچهل خانه
در چهار جانب و بروایتی چهل کز و در خطبه وداع فرمود که هر که از همسایه منع کند خدا
احسان خود را در روز قیامت و او را واکذارد بخود دشی و هر که را بخود واکذارد هلاک
شود و هیچ عذر او قبول نکند و هر که بخانه نکرد پس عورت یا چیزی ناخوش مرد
یا زنی یا چیزی از جسد او ببیند حق و ثابت است بر خدا که او را داخل دوزخ
کند

کنند با منافق که عیوب مسلمانان میجستند و از دنیا بیرون نرود تا خدا او را رسوا کند
و در آخرت عیوبش را بمردم ظاهر کند و بروایت حضرت باقر ع فرمود ایمان بمن نیاورده
هر که شب سیر بخوابد و همسایه اش کرسنه باشد و نظر نیست اهل قریه که کرسنه شبی در
آن بکذرانند و خدا نظر کند بایشان و بروایت دیکر فرمود که هر که یک شبر از زمین
همسایه خود خیانت کند خدا آن زمین را تا طبقه هفتم طوق کند و در کردن او افکند
تا روز قیامت و بهمان هیات بمقام حساب در آید و فرمود ملعونست هر که آزار برساند
بهمسایه اکرچه کافر باشند و حضرت کاظم ع میفرماید که حق جوار همین نیست که اذیت
نرساند بلکه باید صبر بر اذیت همسایه کند و در وصیت علوی است که خدا را بیاد آورید
در حق همسایه بتحقیق که رسول خدا صلعم در باب ایشان این قدر سفارش فرمود که کمان
کردیم که میراث برای ایشان مقرر خواهد شد   در اجرای سؤال موقف هفتم از ظلم
ارحام و حقوق ایشان و عقوبت ترک آن از رسول خدا و ائمه هدی ع متواتر است
که قاطع رحم خراب کننده خانه ها و هلاک کننده و بانداز نده خانواده است و قطع
کننده نسلها است و بر طرف کننده عمرها است و مالها است و در احادیث وارد شده است
یعجل الفناء و صله رحم دین و عمل بهتر از احسان نیست و نیکی با خویشان ارحام کند باعث طول
عمر و سعادت دنیا و عقبا است باحادیث بسیار و در حدیث نبوی است که پرسیدند

از فضل صدقات فرمود اکرچه باشد دشمن باشد و فرمود صدقه نیست و حال آنکه خویش محتاج است
و فرمود که یا علی حق سبحانه و تعالی بهشت را آفرید و تکلم فرمود لا اله الا الله الحی القیوم
قد لیعد من مدخل به تحقیق که خوش بخت و رستکار شد هر که داخل من شد و فرمود بعزت
و جلالم که داخل تو نخواهم کرد شراب خوار و سخن چین و دیوث و مخنث و شرطی
و نباش و قطع کننده رحم و قدری را بر صحیح حضرت امام رضا ع فرمود فرمود که دیدم در معراج
بعرش چسپیده و شکایت مینمود بر سیدم که چند پشت بهم میرسید کفت در
چهل و در موثق حضرت امام محمد باقر ع فرمود که دو کنار صراط یکی رحم است
و دیکری امانت است   پس کسی که صله رحم و ادای امانت نموده بکذرد بسوی بهشت و
بجهت خاین و قاطع رحم باشد و خواهند بکذرند در جهنم افتد و هیچ نفع نمیکند با این
دو عمل عبادتی و بموثق از حضرت صادق ع پرسید که کیست لازم نمی ترس
عملها بسوی خدا فرمود شرک بخدا بعد از آن فرمود قطع رحم پرسید بعد از آن
فرمود ترک امر معروف و نهی منکر و بصریح قرآن قطع کننده رحم ملعونست
در ذکر پرسش موقف هشتم که از حسد خواهد بود و آن اول معصیتی
بود که اول صادر شد منشأ الکشتکنا مان ورز ایم است چنانکه با اندک تاملی همه کس
میفهمد و اظهار آن از کبایر و بقول حضرت نبوی ص باکبر و حرص اساس اصول کفر اند

و بحدیث

و بحدیث متواتر از آنحضرت و حضرت باقر علیهم میخورد ایمان را چنانچه آتش هیزم
را و آفت دین حسد است و عجب و فخر بد آنکه حسد خواهش زوال نعمت است
از غیر با و برسد یا نه چون نعمای الهی پیوسته بر بندکان نظاهر و متواتر است همیشه حسود
آزرده و در عذاب است چنانکه وارد شده مانند بد خلق که با خلق بلکه با خالق همیشه در نزاع
و جدال است و اکر بزبان نتواند بدل و بحدیث معتبر نبوی وحی شد بموسی ع که حسد هم
معلوم را بانچه داده ام از فضل خود در نظر دنفی خود را در پی آنها معرست که حسود
دشمن نعمتهای و مانع قسمتها که کرده منست دمن از او نیستم و او از من نیست و لقمان
کفت حسود را سه علامت است غیبت در غیبت و تملق در حضور و شماتت در مصیبت
اما غبطه که خواهش مثل آنست برای خود ممدوح است و حضرت صادق ع میفرماید
که مومن غبطه میکند نه حسد و منافق حسد میبرد و غبطه نمیکند و فرمود حسد و بغی
بعز بالا دستی نزد حق تعالی برابر شرک کنند   در بیان موقف نهم و دهم
از مکر بعض عذر و بی وفائی عهد و از حد عهر یعنی فریب مسلمانان خدا میفرماید و لا
یحیق المکر السیئ الا باهله وضرر نمیرساند مکر بصاحبش و بقول نبوی هر که
عهد بشکند داخل آتش شود و منقولست که کم خطبه میفرمودند که کفر ما ئیل
لا ایمان لمن لا امانة له ولا دین لمن لا عهد له و در بعض روایات این زیادتی

بهشت و لا صلوة لمن لا یتم رکوعها و سجودها و امیر المؤمنین ع میفرماید مکر
و خیانت و خدعه در آتشند و از وحی الهیست که با عیب زبانت در نهان
مثل آشکار باشد و همچنین غیبت و حضرت صادق ع فرماید هر که بر خورد بر
مسلمانی دو رو و دو زبان بیاید در قیامت با دو زبان در آتش و در حدیثی
یکی از قفا باشد و بحدیث نبوی آتش از آنها زبانه کشد تا بجسد او رسد و باین
معروف باشد و در چند حدیث فرموده که واجبست بر مؤمن مناصحه و خیرخواهی
مؤمن در حضور و غایبانه و در بعضی مثل خیرخواهی خود نفس و از رسول
خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرموده که از ما نیست هر که غش و مکر کند با مسلما
و مسلمان نیست هر که اهتمام بامور مسلمانان نداشته باشد و احادیث باین معنی
قریب بتواتر است و بعضی زیادتی دارد و هر که بشنود استغاثه مسلمانی
را و اجابت نکند مسلمان نیست و فرمود بر تو باد بخیرخواهی و نصیحت
مسلمانان که ملاقات خدا بخواهی کرد با عملی بهتر و در چند حدیث باین مضمون
وارد شده که فرمود شخصی را ملائکه در قبر زنده کردند نشانیدند و گفتند
ما صد تازیانه بتو از عذاب الهی میزنیم گفت تاقت ندارم یکی یکی کم کردند گفت
تاقت ندارم تا بیکی رسید از یکی دیگر چاره نیست گفت بسبب چه
گفتند روزی نماز بی وضو کردی و گذشتی بر ضعیفه و یاری نکردی پس
تازیانه از عذاب بر او زدند که قبرش پر از آتش شد و در خطبه و دعا است

کم هر که

که هر که شبی روز کند و غش مسلمانی در دلش باشد در لعنت الهی باشد تا توبه نماید و اگر توبه
ننمود و بمیرد در بیرون دین اسلام مرده باشد و فرمود بآنخدائی که جان محمد در قبضه قدرت اوست
نمیگذارد خدا رحمت خود را مگر بر رحم کننده گفت ما همه رحم داریم فرمود به همین
بر خود و باهل خود بلکه رحم بکنید مسلمانان را و باخبار بسیار مسلمان کسیست که از
دست و زبان او خلق سالم باشند و در حدیث وارد شده که هر پنجشنبه اعمال بر رسول خدا ص
عرض میشود آنحضرت برای همه استغفار میکند مگر دو نفر که با هم قهر باشند که خدا فرماید
ملائکه را که بگذارید این دو نفر را تا آشتی با هم و لهذا در حدیث وارد است که اصلاح افضل است
از عموم عبادات و حضرت صادق ع میفرماید که هر که سعی کند در حاجت برادر خود با خلوص
و خیرخواهی نکند خیانت کرده باشد با خدا و رسول و ائمه ع و این معنی در احادیث متواتر است
و در بعضی آنها که هست که خصم او باشد خدا و فرمود که در مشورت محض خیر نگوید
خدا ایشان را سلب کند و فرمود هر که گوش دهد بحرف جمعی که نخواهند سرب بر گوشهای
او ریخته خواهد شد و روز قیامت معذبست و فرمود خدا هیچ پیغمبری را نفرستاد
مگر الکه امر کرد مردم را براستی سخن و ادای امانت بخوب و دید و فرمود نظر مکنید
بطول رکوع و سجود مردم که دلبست و بتر او وحشت بهم میرسانند و لیکن براستی
و امانت او نظر کنید و فرمود هر که امین شد بر امانتی و آنرا بصاحبش رد نماید

هفتاد هزار عقده ما را آتش از گردن خود گشوده باشد پس میاد رت نمایید
باد را امانت بدرستی که امانتی که بکسی میسپارند صد شیطان بر او گماشته
میشود که او را وسوسه و گمراه و هلاک کنند مگر کسی را که خدا نگاه دارد و حضرت
سجاد ع فرمود اگر قاتل پدرم مرا امین کند بر شمشیری که پدرم را بآن کشته
البته او را رد میکنم و در حدیث نبویست که هر که امانتی را خیانت کند
و بصاحبش رد نکند تا بمیرد بر غیر ملت مرده باشد و خدا را که ملاقات کند بر او
غضبناک باشد و هر که بخرد چیزی را که خیانتی در آن دانسته باشد بر او
هست مثل گناه خیانت کنندگانها و در خطبه وداع است که هر که امین خود
بر مالی یا حرفی و ادا نکند و خیانت کند خدا بر او غضب کند و در آتش مخلد
او نمود هر گز بیرون نیاورد و در صحیح حضرت صادق علیه السلام میفرماید وعده
برادر مؤمن نذریست که کفاره ندارد پس اگر خلف آن کند ابتدا بخلف
خدا کرده و بسخت خدا متعرض شده پس خواند این آیه را اکبر مقتا عند
الله ان تقولوا ما لا تفعلون یعنی بزرگست در غضب نزد خدا
گفتن چیزی را که نکنی و در صحیح از حضرت رسول ص ذکر فرمود که هر کرا ایمان
بخدا و روز جزا دارد باید وفا کند هر وقت که وعده کرده است و بروایت

دیگر فرمود

دیگر فرمود وعده دینست عینیت نهم در شرح از احوال برزخ نامهای اعمال
و سؤال موقف پانزدهم گذر بر شدت و ملال از گرد ارعبادات و ترک واعمال
و نامه عمل خواندن هر یک از اصحاب یمین و شمال قال الله تعالی و کل انسا
ن الزمناه طائره فی عنقه و نخرج له یوم القیمة کتابا یلقاه منشورا اقرأ
کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا و از بن چشمه چون چشم ارباب
بصیرت انهار بسیار منشعب و منفجر میگردد   در اجراء بلجاری موقف
احل و سؤال در آن عقبه صعب پر خلل و زلل بروایت سابقه از امیر
المؤمنین ع منقولست که بعد از عقبات سرادقات حساب خلایق
محشور میشوند بعد گرفتن نامهای عمل بدست راست و چپ و در آن
حال سؤال کرده میشوند از پانزده چیز بدان صدقات و آنچه خدا بر
مال لازم نموده از خمس و زکات و کفارات و احکام و صله ارحام و عطا
فقرا و همسایه و ایتام و بلوغ جمل عمده عقبات در صعب ترین عقبات که
از فرایض و اعظم مبانی اسلام بشمار آمده در این مقام بزرگ خمس
از عقوبات ترک صدقات غیر مشهوره و حقوق مهجوره لازم در مال و فضیلت
قیام بآن ها اکتفا مینماید و حضرت صادق ع میفرماید که حق تعالی فرمود که ایمان

نیاورده یعنی کسی که سیر بخوابد و برادر مسلمانش گرسنه باشد و فرمود هر که از حاجتی
منع کند مؤمن محتاج را نخواهد چشید بخدا سوگند از طعام بهشت و نه از آن
مختوم و هر که بگذارد خانه او مؤمنی محتاج باشد و نه دهد حق تعالی فرماید ای
ملایکه من بخیل و بر این بنده ام من بکنید خانه او قسم بعزت و جلال خودم
که ساکن نخواهد شد در بهشت من هرگز و فرمود هر مؤمنی منع نماید چیزی از
مال محتاج او را قادر باشد از غیر خود یا از غیر خود باز دارد حق تعالی او را
در روز قیامت رو سیاه و چشم کور و دستها بگردن بسته آنگاه ندا شود که
این است خاینی که خدا و رسول را خیانت کرده پس تمام محشور میشود بجهنم و در
صحیح فرمود که مبتلا کند خدا او را بقضای حاجت دشمن ما که بدان معذب
هم باشد و بصحیح دیگر فرمود که مسلط کند خدا بر او ماری از آتش که بگزد او را
در قبرش تا روز قیامت که بر بخشد یا عذاب کند او را و اگر طالب هم
او را معذور دارد حالش بدتر از اوست و در صحیح فرمود که هر که خرج کند
و جزم بعوض ستانند بشود این را بداند که اگر خرج نکند در طاعت الهی مبتلا
شود بخرج در معصیت الهی و هر که در حاجت دوست خدا براه نرود مبتلا
شود باینکه در حاجت دشمن خدا راه رود و هر که جاهی زیادتر دارد

و داند

و داند مؤمن بآن محتاج هست و نه دهد خدای تعالی او را برو در جهنم
اندازد و هر که سیر بخورد و مؤمنین نزد او گرسنه باشند خدای عز و جل میفرماید
که ای ملایکه گواه میگیرم شما را بر این بنده که من او را امر کردم پس نافرمانی
من کرد و اطاعت غیر من نمود و اگذاشتم او را بعمل خودش قسم بعزت و جلا
لم که نیامرزم هرگز و حضرت کاظم ع میفرماید که رسول خدا ص لعنت نمود
سه نفر را کسی که توشه خود را تنها خورد و کسی که سفر بیابان تنها رود
و کسی که در خانه خالی تنها بخوابد و در خطبه وداع فرمود که هر که منع کند حاجت
طالب را با قدرت بر اوست گناه عشار بر او رسید نه از گناه عشار
فرمود بر اوست هر روز لعنت خدا و ملائکه و جمیع خلایق و از آن
حضرت منقول است که خدا را بندگانی چند هست که ایشان را مخصوص
ساخته بنعمتها برای نفع بندگان خود پس اگر منع کنند بدیگری تحویل
میکند و فرمود هر که منع کند مال خود را از خوبان با اختیار صرف
نماید حق تعالی او را با اشرار با اضطرار و فرمود هر که سایل گرسنه
را از در خانه اش رد کند خدا او را بر او ارسال عذاب کند و فر
مود نومید مکن امیدوار خود را که غضب کند خدا بر او و دشمن

دارد و در سایل چهارم رخصت ندادن عطا شده و فرمود که شب
سایل مرد را رد مکنید و فرمود که رد مکن سایل را اگر چه سوار باشد
و بروایتی هر چند به نصف خرما باشد و بحدیث حضرت صادق ع پرسید از آن
حضرت پرسید که آیا در مال حقی میباشد بغیر از زکات فرمود آری بر
مسلمانان لازم است اطعام گرسنه که هرگاه سؤال نماید و پوشیدن برهنه
هرگاه سؤال کند گفت میترسم که دروغ گوید فرمود که آیا نمی ترسی که راست
گوید و بحدیث دیگر فرمود اگر نه این بود که دروغ میگویند هم یاک نمیشد
هر که رد میکرد و حضرت باقر ع میفرماید که وحی شد بموسی ع که
بتحقیق ملایکه چند هستند که در آنجا ببینند آنچه عطا کردم شما را و سؤال
میکنم پس نظر کن چگونه خواهید کرد و بعد بنده دیگر برسید الهی چیست جزای
مسکین که کسی طعام کند او را برای رضای خدا خطاب شد که میفرماید روز
قیامت که منادی ندا کند او آزاد کرده های خداست از آتش جهنم
و فرمود که یک سیر بکنم دوست تر دارم از هفتاد عتق و اهل بیتی از
مسلمانان گرسنه ایشان را سیر و برهنه ایشان را بپوشانم و در روایتی
از مسلمانان باز دارم دوست تر دارم از هفتاد حج و در صحیح حضرت صادق

علیه السلام

علیه السلام میفرماید که اطعام برادر مؤمن در راه خدا اجر طعام صد هزار دارد از مردم
دیگر و بحدیث دیگر بهتر از اینست و در صحیح که خدا او را اطعام دهد از سه جنت در ملکوت
آسمان و زمین فردوس و عدن و طوبی فرمود بهتر است از ده حج و ده عتق و دوست دارم که
زیارت کنم بهتر از ده عتق است و واجب شود برای او بهشت و بصحیح سدیر میفرماید چرا
بنده آزاد نمیکنی گفتم مالم وفا نمیکند و فرمود طعام ده سیر کن مسلمانی را گفتم غنی کا گرسنه
میباشند و فرمود که اطعام بمؤمن مالدار برابر عتق که یکی از اولاد اسماعیل ع از کشتن
خلاص کند و بمؤمن محتاج صد برابر اینست و فرمود اجر سیر کردن مؤمن در آخرت بغیر خدا
نمیداند نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل و هر که آب دهد خدا از شراب سربمهر بهشت آبش
دهد و فرمود هر که جگر گرسنه را سیر کند واجب شود برای او بهشت و فرمود جاری کند خدا
برای او نهری در بهشت و از رسول خدا ص منقول است که هر که آب دهد مؤمنی را در جایی که
قادر باشد بر آب بهتر نزد من از هفتاد حسنه دارد و جایی که قادر نباشد ده عتق ولد اسماعیل دارد
و از امیر المؤمنین ع ذکر فرمود که اول چیزی که اجر داده میشود در آخرت صدقه آب است
و بحدیث دیگر وارد است که خداوند کریم رحیم دوست میدارد سرد کردن جگر گرم
را و هر که آب دهد جگر تشنه را از حیوان و انسان خدا او را در سایه رحمت خود جای
دهد روزی که سایه بغیر آن نیست و در موثق فرمود عیسی محتاف که آیا دوست داری

[illegible] از اینجا تا باقر [illegible] در تحقیق به [illegible]

برای برادران خود را گفتم بلی فرمود نفع میرسانی فقراء ایشان را گفتم بلی فرمود نفع میرسانی
فقراء ایشان را گفتم بلی فرمود حق ولایت است بر تو که دوست دار جمعی را که خدا ایشان را
دوست میدارد آیا میطلبی ایشان را بخانه خود گفتم بلی چیزی نمیخورم مگر با دو سه نفر
از ایشان زیاد یا کمتر فرمود آگاه باش بدرستی که فعل ایشان بر تو عظیم تر است پرسید
چرا فرمود بخانه تو میآیند با آمرزش تو و عیالان و در حدیث دیگر بار روزی خدا میروند
میبرند گناهان شما را و روایتست که امیر المؤمنین ع هفت روز مهمان وارد نشد گریست
و فرمود میترسم که بسبب اهانتی باشد از خدا و در احادیث نبوی وارد شده که بهر خانه
که مهمان وارد نشود ملایکه نمیآیند و حق مهمان واجب است بر هر مسلمانی و اگر صبح
کند در خانه او پس آن دینیست بر ذمه او خواهد بطلبید و در حدیث وارد شده است
که مهمانی تا سه روز است و زیاده از آن صدقه است و بآیات و احادیث منت نهادن
مبطل صدقه است و حرام است و فرمود که هر میزبانی منتی است بر مهمان
مگر علی و اولاد من که ایشان را بر میزبان منت است و با مهمان هزار رحمت
و برکت داخل برادر مؤمن میشود و بهر لقمه اجری و عمره دارد هر گاه برادرت
خفیه بیاید آنچه حاضر است بیاور و اگر میطلبی پس تکلیف کن از برای او
و هر که دعوت را اجابت نکند او را خدا اگر ده و بحدیث حضرت صادق ع

ازادله

از آباء
کرام خود از امیر المؤمنین ع که هر درد از شیعیان خود رسید فرمود سعی کن تا منافقی
را بر تو منتی نباشد که مکافات کننده از طرف تو خداست عز و جل به بهشت
و محمد مصطفی به تحقیق که شفاعت حسن و حسین ع بعوض جد خود و بلا که
بآیات و اخبار تصدق باعث برکت مال و عمر و سعادت دنیا و آخرت و رفع
بلاها و امراض و فقر میشود از همه چیز سنگین تر است بر شیطان و حضرت صادق ع
پیغمبر ما ید که اول بدست خدا میرسد پیش از سایل و فرمود تصدق شب محو میکند گناهان و
حساب روز قیامت را آسان میکند و روز دیگر مال را زیاد میکند و خدا ابرای هر چیز
خازنی مقرر فرمود مگر تصدق که خود او را میگیرد و حفظ مینماید و پدرم چون
تصدق میکرد هر چیزی که در کف سایل میگذاشت پس بر میداشت و میبوسید و میبوئید
و باز بدست او میگذاشت و از رسول خدا منقولست که تصدق پنهان آتش
غضب خدا را فرو مینشاند و همیشه این آداب ائمه ما بود که بعد از رحلت ایشان
پنهانی روی شانهای مبارک ایشان و بر ایشان و حرمان فقراء ظاهر میشد پرسید ند از
آن حضرت که کدام صدقه افضل است فرمود آنکه بجهد صادر شود پس استشهاد
فرمود بآیه و یؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة فضیلت چهار تصدق
با فقر در گذشته و در وصف انصار پیغمبر ما که دیگران را بر خود اختیار میکنند چند

خود احتیاج دارند در صحیح حسن فرمود که چرا تصدق نکنید کسی بقوت روزش به تحقیق
که بجل موت بنده بملک الموت داده میشود پس تصدق داده میشود پس تصدق میکنند
میشود با او که پس نمیمیرد و در موثق حضرت سجاد ع فرمود که هیچکس بمسکین ضعیفی تصدق
نمیکند پس او دعایش کند همان وقت مگر آنکه مستجاب شود و در صحیح آنحضرت ذکر فرمود که
اول چیزی که روز قیامت ابتدا میشود با و صدقه است و فرمود و اسطه چیزی مثل خیر کننده
است اگر هفتاد دست جاری شود و اجر دارند بی نقصان صاحبش و رسول خدا میفرماید
که هرگز مال از تصدق کم نشده است و مکرر بوزن تجربه شده است و اخبار در این باب متعدد است
و بعضی با این زیاد نیز است هرگز از منع حقوق زیاده نشد و فرمود تصدق کننده اهل
کسیست که داخل بهشت و وارد میشود بی منی و حرمتی کوتر دو فرمود یک نان در حیات
خود تصدق کردن بهتر است از هزار سالش بعد از مرگ و در حدیث دیگر فرمود که یک خرما
بیش فرستی بهتر از صد مثقال طلا است که بعد از تو بفرستند و بروایت آباد در
فرمود که صدقه پنج حرف گوید اول آنکه مرا بافر کردی و فانی بودم بسیار نمودی و اندک
بودم دولت خود کردی و دشمن تو بودم حافظ خود نمودی و از حضرت امیر المؤمنین
ع فرمود بر تو باد در صدقه که نور است در دل گفتم تسبیح چه طور است فرمود
بر تو باد بصدقه که بهر جود العین است گفتم پس نماز شب گفت افضل است

از نماز

از نماز شب و بروایت دیگر فرمود یا علی تصدق پنج قسم است یکی بر ده تصدق بر فقرا است که سالم
باشند و یکی بر هفتاد اگر مبتلا باشند و یکی بر هفتصد اگر خویش باشند و یکی بر هفت هزار
اگر مرده باشند و یکی بر هفتاد هزار اگر مرده باشند و بروایتی یکی بر صد هزار اگر طالب علم باشند
و حضرت صادق ع میفرماید که صله ارحام بیک درهم افضل است از هزار هزار که در راه
خدا بدهید و فرمود که هر که قادر بر صله ما نباشد صله شیعه ما را صله نماید که ثواب صله ما دارد
و باید دانست که صله محتاج غیر سایل اهم و افضل است و آن حضرت فرمود که امیر المؤ
منین ع به شخصی که سؤال نمیکرد از هیچکس پنج وسق خرما فرستاد پس شخصی عرض
کرد که او خود از شما چیزی نطلبید یک وسق هم کافی بود و فرمود خدا مثل تو را در میان
مؤمنان زیاد نکند منعطل میکنم و تو بخل میکنی هر گاه کسی که امید توقع از من دارد و ندهم
پس کار بعد از سؤال به هم نداده باشم مگر قیمت چیزی را که از و گرفته ام از ملجأ ساختن او بر یختن
آبرو و بر پیشانی که بر زمین میگذارد در برابر پروردگار بعبادت پس هر که با برادرش چنین
کند راست گفته باشد بخدا در طلب مغفرت بهشت برای او بر زبان که میگوید اللهم اغفر للمؤمنین
و بعمل انصاف نمیدهد و تصدیق آن نمیکند هم بجل طعام از خاش و باید دانست که جمیع سؤال
و گدائی حرامست چنانکه مذکور خواهد شد پس ملجأ ساختن و موقوف نداشتن و عطا به سؤال
اهانت بر ترک احترام است و موجب زیادتی اکرام و در صحیح حضرت صادق ع السلام که خدا

و رحمت کند بنده را که عفت و استغفار ورزد و لبس و نکاه خود را باستغنا و عفت بدارد

و باز ایستد از سؤال کردن پس به تحقیق که آن تعجیل میکند مذلت دنیا و آخرت و از چیزی ستم

بر نیاز نمیکنند و فرمود که زینهار سؤال مکنید از خلق که موجب مذلت دنیا و فقر عاجل و

حساب روز قیامت میگردد و فرمود چه بسیار قبیح است طمع و رقبت ذلیل کننده و اخبار در

این معنی بسیار است که به بند است چنین بنده ها و در بعضی اکثرها که نیست از شیعه ما سایل

بکف و تملکین دهنده ها مردمان از خود فرمود طلب حاجت از خلق برطرف کننده عزت و حیات

و یاس آنچه در دست مردم است عزت مؤمنست و طمع فقریست حاضر و کسی از رسول خدا

صلعم خواست که بگفت دوست خدا و خلق شود فرمود رغبت کن بانچه نزد خداست تا

ترا دوست دارد و آنچه در نزد خلق است بی رغبت شو تا ترا دوست دارند و از امام حضرت

کاظم علیه السلام و کلیم که هنه سایل را فروخته و یک پیش باز داشت و فرمود حلال نیست تصدق به آن

غیر و صاحب بیمهنی فقودر و فرمود بر شود در بو گوشت و نخواهد دید ما فقیر که حاجت خود را

عرض برابر بر نماید یا بایستد ببرد رضانه او اگر چه یک ساعت باشد و در خطبه وداع فرمود که

هر که تعظیم نماید دنیادار را برای دوست دارد او را بسیار طمع غضب کند خدا بر او و با فارون

بدرک اسفل جهنم باشد و فرمود یا اباذر اگر همه مردم این آیه یقین و عمل کنند البته همه را

کافیست و من یتق الله الی آخر آیه یعنی که بپرهیزکاری نماید از نافرمانی خدا امر او را

بسیار

بسبب از اظطرار و التجا میکرد اند و روزیش میلرهد از جایی که گمان نمیکند و هر که توکل کند

بر خدا بس است او را و این مضمون صدق مشحون صریحست در تکذیب جمعی که ادعای ضرورت

معاش میکنند و حیرات از ارتکاب تحصیل روزی از حرام ناشروع مینمایند و حضرت صادق ع فرمود اگر

مومنی که فرو تنی نماید بصاحب سلطان یا مخالف دین خود برای طمع خدا او را خوار کند و دشمن دارد

و دوزخش واگذار د و اگر چیزی بدستش آید برکت خدا از دو اگر در راه خدا خرج کند اجر ندارد و بدانکه اکثر

معاصی از ضعف توکل و یقین و امید بخلق داشتن با شی میشود و هر که در تحصیل توکل تمام داشته باشد

بتمام مخلوق عظمت و سعت قدرت الهی و حکمت و خزاین رحمت نامتناهی در مقر خاطرش مستقر و مخلوقات

در نظرش سهل و طمع وانی بمردم بسیار قبیح و فضیح مینماید در این وقت است که سعادت جاودانی

و کرامت دو جهانی اقبال میکند بر او و جمیع صفات ملکه در او مجتمع میشود چون امیدش بخدا منحصر

شد در هیچ امر نافرمانی نمیتواند کرد بلکه بتدریج بذکر و فکر از انس و محبت بمرتبه میرسد که هیچ گناه نمیکند

نمیکند و نمیخواهد مگر آنچه محبوب کند و خواهد و حضرت باقر ع میفرماید که اگر میدانست سؤال کننده

آنچه در سؤال است هرگز سؤال نمیکرد و عطا کننده آنچه در عطا است هیچ کس رد نمیکرد و جمعی از

رسول خدا صلعم استدعای ضمان بهشت نمودند آنحضرت بعد از تحمل و تفکر بسیار فرمود ضامنی شوند

که چیزی از کسی نطلبید پس بخدای اجتناب میکردند که تازیانه از دستش میافتاد از

پیاده نمیطلبید که مبادا سؤال کرده باشد خود فرود آمده برمیداشتند و آب از کسی

که از دیگر تربه ها نمیخواستند بلکه خود بر چیزها میستدند تا فرمود استغنا نمایید اگر چه بچوب مسواک

باشد و فرمود که از مردم سؤال مکنید اگر چه بند نعلین باشد و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود

متابعت کنید قول پیغمبر را که فرمود که هر که در را سؤال بر خود گشاید خدا بر او در احتیاج

بگشاید و بر روایتی هفتاد در و فرمود یا اباذر اگر آدمی بگذرد از روزی خود چنانکه از مرگ میگریزد البته

روزیش او را مثل مرگ در یابد زیرا اگر چیزی طلبی از خدای خود طلب و اگر یاری خواهی از خدا بخواه

و به تحقیق که قلم جاری شده بانچه واقع خواهد شد تا روز قیامت پس از جمیع خلق جمع نمایند

که برسانند بتو نفعی که نوشته نشده برای تو قدرت ندارند پس عملی که نشوا بی برای خدا بکن تا به

صاد یقین در قدر و اگر صبر کن بر مکروه که خیر بسیار و نصرت و فتح در پی صبر است

و بروایت حضرت صادق ع فرمود یا اباذر سؤال مکن و اگر چیزی آید قبول کن و فرمود هر که بی سؤال

چیزی ~~از غیب~~ برسد و رد کند رد بر خدا نموده و بروایت عامه پیغمبر هدیه برای عمر فرستاد و او رد

کرامت نمود و گفت شنیده که فرمودی خیر شما و بهترین شما که چیزی از مردم قبول نکند فرمود آن

از روی سؤال است اما بی سؤال اگر برسد پس آن رزقیست که خدا بسوی تو فرستاده و آنحضرت

و آنحضرت هدیه را قبول میفرمودند و بهاز آن تلافی مینمودند و باید دانست که گدائی

و طمع که آنهم گدائی باطنی است هر چند اظهار نکنند زهی یک فلوس طلبیدنست یا توقع یک لقمه

داشتن است بلکه هزار تومان از خلق منت خواستن گدائی و حرام است حتی از انبیاء و ائمه

نیز طلب

نیز طلب خیر نیست و تجویز بعضی فقها او در اضطرار مسلم نیست و اینجا اضطرار هم معنی ندارد

مگر احتیاج و کویا بعضی احادیث مذمت سؤال بدون احتیاج که اشد افراد است مرخوم این

مجاز است چنانکه ابن ابی عمیر از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده که هر که سؤال

کند از مردم و قوت سه روز داشته باشد ملاقات کند خدا را روزی که ملاقات خواهد کرد

در حالتی که هیچ گوشتی بر روی او نباشد و فرمود هر که سؤال کند بی حاجت نمیرد تا خدا او

محتاج کند او را و بابن بسبب آتش جهنم را برای او ساخت نماید و این حدیث ها دلالت

بر شدت حرمت سؤال بی حاجت میکند بر خواز سؤال با حاجت بلکه حدیثی هست که حلال نیست

سؤال مگر بجهت فقر شدید یا دین فقر و لیکن بضعف سند قوت استنباط حکم شرعی

ندارد و اما استعانت از غیر خدا در امور غیر خود را اگر حرام نباشد کراهت شدید دارد

چنانکه در صحیح مفضل حضرت صادق ع وحی شد بداود ع که هر بنده که برمن اعتماد

نموده روی از خلق بتابد و بیابم بصدق نیت او را سبب کار آسمان و زمین و آنچه در آنها ست

با او در مقام کید و مکر در آینده البته که مفر و چاره برای او ببر زند و هر بنده که متوسل

با حدی از خلق شود قطع کنم از دست او سبب های آسمانها را فرو برم بزمین از زیر

او که در سناو از همه جا کوتاه شود و پروا نکنم که در کدام وادی هلاک شود و در صحیح عالیر

فرمود که متوجه امور شود که خدا نیخواهد البته خدا متوجه امور چند شود که او

میخواهد و هرکه طلب یاری و عصمت از خدا نماید او را حفظ میکند و هرکه خدا متوجه احوال
و حفظ او باشد بپروا کند اگر آسمان بر زمین افتد یا بلیه از آسمان نازل شود فرا گیرد
کما و بسبب تقوی از امینان خداست از هر بلیه نمیرسد که خدا میفرماید ان المتقین
فی مقام امین و کلینی بسند معتبر از حسین بن علوان روایت کرده که در مجلس طلب علم
میبودم و خرجی من در بعضی سفرها آخر شد بعضی از رفقا پرسیدند که امیدوار
برای برین خوب گفتم فلانرا گفت والله که حاجت ترا روا نمیشود و بامل امید خود نخواهی
رسید گفتم چه میدانی گفت به تحقیق که حضرت صادق ع مرا خبر داد که
در بعضی کتب خوانده‌ام که حق تعالی میفرماید که بعزت و جلال و رفعت شان
خودم در عرش و بزرگواری خود که قطع میکنم امید هر امیدواری را که از غیر خودم
بنو امید دارد و لباس خواری و مذلت بر او میپوشانم نزد مردم و از درگاه قرب و وصال
و فضل خودم او را دور میکردانم آیا در شدائد که بدست منست غیر مرا امید دارد
بجلال و کرم خود درگاه دیگران را میکوبید و حال آنکه کلیدهای همه در دست منست و همه درها
بسته و در قبض من است آیا [illegible] که بخواند مرا پس کدام بنده من در بلا و بمن آورد
که قطع امید او کردم و کدام بنده من برای امر عظیمی بمن امیدوار شد که من او را
از درگاه خود محروم کردم و نا امید کردم آرزوهای بندگان نزد من محفوظ است که

تا هنگام حاجت بایشان برسانم و راضی نیستند به حفظ من و آسمانها را پر کرده‌ام از ملائکه که
ملال ندارند از عبادت من و امر کرده‌ام که ابواب درهای فیض و رحمت مرا نه بندند
میان من و بندگان من پس اعتماد ندارند بحرف من آیا ندانسته اند که بلائی را از من
براو وارد شده که هیچکس رفع او نمیتواند کرد غیر من مگر باذن من پس چرا چنین غافل
از خدا میبینم عطا نمودم باو بمحض جود و فیض خودم چیزهای چند که از من سؤال نکرده
بود و بعد از آن باز گرفتم پس از من نطلبید تا رد کنم و سؤال غیر از من نمود آیا
پندارد که سؤال نکرده داده میدهم و بعد از سؤال نخواهم داد بل جود و کرم بخیل که
بنده من مرا به بخل منسوب میدارد آیا جمیع جود و کرم مخصوص من نیست آیا همه
عفو و رحمت از من نیست آیا نیست چنین که من محل کل آرزوهای خلایقم پس کی قطع
البتّه آن از من خواهد که در آیا [illegible] نزد ایشان از غیر من امید میدارند پس اگر اهل آسمانها
و زمین‌ها از من خواهند یکی در آنچه همه طلبیده اند و از ملک من قدر عضو پشه‌ء
کم نشود و چگونه کم میتواند شد ملکی که بمن قایم است پس بد احوال نا امیدان و بعد
رحمت من و بد احوال کسی که عصیان و نافرمانی من کند و هیچ حیا و پروا از من نکند
در لمعه از سؤال عقبه دویم که از قول حق و انصاف مطلق در همه حال
از حلم و عفو از خلق است و کمال مبالغه تمام و اهتمام بی فقت این صفت است

چنانکه در صحیح حضرت سجاد ع میفرماید که رسول خدا ص که در آخر خطبه‌های خود میفرمود
که خوشا حال کسی که خلقتش نیکو و طینتش پاکیزه و باطنش صاف و ظاهرش خوب باشد
و زیادتی مالش را انفاق کند و زیادتی سخنش را نگه دارد و انصاف دهد مردم را از خود
و حضرت صادق ع فرمود سیّد و سرور اعمال سه تا است انصاف مردم از خود تا آنکه نخواهد
چیزی برای خود مگر آنکه مثل آنرا برای ایشان خواهد و مواسات برادر مومن در مال و یاد
کردن خدا در همه حال نه همین سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و لیکن اطاعت باوامر و نهی که از
از خدا بتو رسد و در صحیح دیگر فرمود موثق فرمود سه نفر روز قیامت نزدیک‌ترین خلقند
بخدا تا از حساب خلایق فارغ شود کسی که قدرتش حال غضب باعث حیف بزیر
دستش نشود و کسی که برود میان دو نفر و ذره‌ء میل بطرف یکی نکند بر ضرر دیگری
و کسی که حق گوید در همه چیز نفع یا ضررش باشد و در صحیح حسن ابن محبوب فرموده
منصف از خود مرضی و مقبول است در حکم بیمار غیر و فرموده هرگز یکی انصاف نداده که
بنجهم حقه که [illegible] کنند مگر غلبه کند براو و در صحیح دیگر از حضرت باقر ع ذکر فرموده که
خدا را بهشتی هست که داخل آن نخواهد شد مگر سه نفر یکی آنکه بحق حکم کند در خود
و در خصوص عفو از خلق و ترک غضب و مراء و خصومت که اهم لوازم ایمان
دانم و اعم فضایل اهل ایمانست آیات بسیار و روایات بیشمار است و حضرت

صادق ع ذکر فرمود از رسول خدا ص که جبرئیل در هیچ چیز آنقدر مبالغه و اهتمام نمی‌نمود که در
ترک معارضه و مجادله و در اخبار صفح جمیل که بآنحضرت ارشد شد بعفو بی عتاب تفسیر
شده و از امیر المؤمنین ع که زنهار مراء و خصومت مکنید که دلها را مشغول
و مریض میدارد بر برادران و نفاق میدارد و کشف عیوب مینماید باین مضمون اخبار
بسیار است و فرمود که روز قیامت ندا میشود که برخیزد هرکه اجرش بر خدا است پس عفو
کنندگان از مردم برخیزند پس این آیه را خواند فمن عفی و اصلح فاجره علی الله و فر
مود رسول خدا ص که هرکه با سه خصلت خدا را ملاقات نماید داخل میشود در بهشت از هر
دری که خواهد حسن خلق و خشیت الهی در سر و آشکار او ترک مجادله هرچند که محق باشد و فرمود
که حضرت عیسی ع وصیت فرمود که هرگاه بدی در حق تو گویند که داری بدانکه گناهی را بیاد
تو آورده اند و از آن استغفار کن و الا بدانکه بی تعب برای تو ثوابی نوشته شده و امیر المؤمنین
صلوات الله علیه فرمود که سه کس انتقام کشند شریف از وضیع حلیم از سفیه و بیخرد و صالح از فاجر پرسیدند
از قوی‌تر و داناتر فرمود هرکه حلیم نباشد پرسیدند کیست حلیم‌ترین مردم فرمود
آنکه هرگز بغضب نیاید و حضرت صادق ع فرمود در صحیح که کیست که ضامن شود چهار
چیز بچهار خانه در بهشت انفاق نماید از ترس از فقر و افشاء سلام در عالم و ترک مراء
و نزاع اگرچه محق باشد و انصاف دادن بمردم از خود فرمود سه خصلت است که

هر که دارد حق تعالی او را از حور عین بتجویز تزویج نماید بهر نحو که خواهد خشم فرو بردن
و صبر از شمشیر در راه خدا زدن و غالب چراغی که میسر باشد ترک کردن و فرمود که سه
چیز دارد خصال ایمان را در خود کامل داند جبر بر ظلم دوم فرو بردن خشم در راه خدا و
عفو از تقصیر مردم و خدا از ترتیب حساب داخل بهشت کند و شفاعت نماید بمثل ربیعه و مضر
و فرمود چون دو نفر نزاع کنند دو ملک نازل شوند و با نکه سفاهت و تندی و هرزه گوید
گویند آنچه تو گفتی خود سزاوار آنی و بزودی جزای گفتهای خود در سه خواهی
یافت و با نکه حلم کرده گویند حلم و صبر نمودی و بزودی اگر زیاده بشنوی اگر حلم را بانجام
برسانی و اگر او نیز هرزه گوئی جواب داد بالا میروند و ایشان را بکارهای عمل او
و امیگذارند و در صحیح فرمود که حواریان پرسیدند از حضرت عیسی ع که چیست شدید
ترین چیزها فرمود غضب الهی گفتند بچه چیز از آن نجات توان یافت فرمود
بآنکه غضب نکند پرسیدند از منشأ غضب فرمود تکبر و تجبر و حقیر شمردن مردم
و در تورات است که ای آدم مرا یاد کن وقت غضبناکی تا من ترا یاد کنم وقت غضب
و هلاک نکنم ترا با هالکین و راضی باش بانتقام من که بهتر از انتقام تست و از
رسول خدا ص ذکر فرمود که غضب فاسد میکند ایمان را چنانکه سرکه عسل را و فرمود که
کلید هر شر و آفت و هلاک دل حلیمی اوست و هر که مالک غضبش نباشد مالک

عقلش

عقلش نیست و در صحیح فرمود که ملایکه ابلیس را از خود میپنداشتند پس بسبب نخوت و غضب
رسوا شد و گفت خلقتنی من نار و خلقته من طین و فرمود که هر که غضبش نگه دارد
حق تعالی عیوب او را بپوشاند و فرمود اعرابی مکرر از پیغمبر ص پرسید از جوامع کلم یعنی
از کلمه بسیار که جامع خیر باشد فرمود غضب مکن تا سه مرتبه پس اعرابی انصاف داد
که هیچ رسم از غیر این امر نفرمود مگر بچیز عظیم و در حدیث وارد شده که غضب لشکریست
از لشکرهای شیطان و در حدیث دیگر اخگر شیطانست و بروایت دیگر و بروایت دیگر
شیطان گفته که غضب میکند و دام شکار منست و بآن خوبان را از راه بهشت بر میگردانم
و در مکالمه با نوح ع گوید که چهار چیز کن اول کبر که خود مرا هلاک کرد دوم حسد که قابیل
سوم حرص آدم را و غضب [illegible] قدرت و دست یافتن من بر آدمی وقت هنگام
غضب اوست و حضرت پیغمبر ص فرمود که هر که غضبش را باز دارد حق تعالی از او
باز دارد عذاب قیامت را و فرمود که بتحقیق کسی را که غضب [illegible] بیندازد
تا داخل جهنم شود پس هر که غضبناک گردد باید فواید بیند که بر طرف میشود از او
وسوسه شیطان و بروایت دیگر ساکت شود و هر که بر خویش خشمناک گردد برسد بر بدن
کم ساکن شود و فرمود هر که حلم کند و قادر باشد بر انتقام حق تعالی در قیامت دلش را پر کند
از ایمنی و ایمان و رضا و خوشنودی و پشیمانی بر عفو بهتر و سهل تر است از پشیمانی در عقوبت

و فرمود خدا دوست میدارد صاحب حیا و بردبار را و از والد ماجد خود ذکر فرمود که هیچ چیز موجب
خوشحالی و روشنی چشم پدر تو نمیشود چون جرعه خشمی که عاقبتش صبر است و بروایت
دیگر فرمود که خوش میآید مرا از کسی که حلمش هنگام غضب او را دریابد و یکی آنحضرت
را ناخوش سخنان گفت جمعی قصد او نمودند فرمود او را واگذارید که بیچاره پوشیده کار زیاده
از آنست و دیگری آنحضرت را دشنام داد فرمود ای جوان عقبه سختی در پیش داری اگر آن
بپیش خواهم گذرانم باکی نیست بر من آنکه گفته تو ندارم و اگر از آنجا حیران مانم بدترم از
آنچه تو گفتی و دیگری هم ناسزا گفت ملتفت نشد گفت ترا میگویم فرمود من هم
ترا عفو کردم و گذشتم و جمعی که غیبتش میکردند فرمود اگر راست میگوئید بیامرزد
خدا مرا و اگر دروغ است خدا شما را بیامرزد و امیرالمؤمنین ع کسی را که در معامله حیف
بضعیفه میکرد منع فرمود او نشناخت و درشتی نمود بر سینه آن سلطان سریر لولاک
انداخت آخر یافت باتفاق مقام استرضا شتافت فرمود چون حق مردم را بایستی داد
از قرار آن خود شدم و هم قصه پیر در حین معامله که دستش بریده باید بدست خود چون خون
از دست او خلق بسوی آسمان نمیکشید و [illegible] روان کردید از شدت تضرع
و بکا او سرعت دعا بر [illegible] عرش اعلا رسید پس آن خدای سفینه نجات در تکلم [illegible]
برحم خدا آرزم از عالم علاج [illegible] رفق و حسن خلق با عفو سبب دعا او [illegible]

و فرمود که

فرمود دست آنکه گرفته بر و بهتر نمود و هم چنین جمیع پیشوایان راه دین با خاص و عام
باین طریق سلوک میکردند و نیز باید تتبع افعال ایشان و تحصیل این فضیلت بنجیه از کل
مهالک قیامت میسر میشود و حضرت صادق ع از پیغمبر ص علم کافیست در اعانت
اگر ندارد به تکلیف و تتبع خود را بر حلم بدار و هیچ عفو کننده نیست مگر آنکه حق تعالی
عزت او را در دنیا و آخرت زیاد میکند و رسول خدا ص از پیغمبر ص خدا امر که کسی
بجهالت و تند خوئی عزیز نگردد و بحلم ذلیل و [illegible] فرمود اگر حلیم نباشی پس
متحمل شو بحلیمان پس بدرستی که کم است که کسی متشبه بقومی شود مگر آنکه متقرب
از ایشان گردد و یا از نزدیک برتبه ایشان شود و لا حول و لا قوة الا بالله
در رشحه از عقوبت تارک واجبات امر بمعروف و نهی منکر و از نحو ما شیت
و آیات در مذمت او بسیار است و حضرت صادق ع از رسول خدا ص حدیث فرمود
که چه امتی تا زمانی که امر بمعروف و نهی از منکر نمایند مستقیم بلا و متوقع عفو
بالتمام از حق تعالی و در صحیح پیغمبر فرمود ظاهر شدم که در قوم عمل شنیع که باش
و انکار کنند مگر آنکه طاعون در ایشان ظاهر شود و در معاشر چند که بیشتر نبوده و در
حدیث دیگر باین زیادتی هست که اشرار مسلط شوند و دعای اخیار در حق مردم
مستجاب نشود و حضرت صادق ع فرمود که بنده هر گاه گناه پنهان کند ضرر بکسی نرسد

بخود رسد و چون آشکار کند و مردم سرزنش و انکار او نمایند هرزنش بهم رسد زیرا
که ذلیل مینماید دین خدا را عزیز جلیل را و متابعت او مینمایند دشمن خدا در گناه
و در حدیث نبوی تشبیه شده گناه بشقب کشتی که بیند کسی منع همه غرق و هلاک شوند ۲
و اگر تاثیر کند ترک رفاقت اهل آن کشتی لازمست و فرموده حقا است مرا که مواخذه کنم
بر گناه شما را بگناه کارچه من نه و حال انکه شما از شخص کار قبیح میبینید پس انکار و آزار
رش نمیکنید تا زدک کنند و فرموده که بر ابو بیان قوم و تادیبش نمایند بر بدیها
اول عقوبت که خدا ایشان را میکند کمی روزی ایشانست و فرموده که معذور دارد
ظلم کننده را و منع نتمایید او را بظلم او خدا مسلط نماید بر او کسی را که بر او ظلم کند بین
چون دعا کند مستجاب نکند او را جزش ننهد و بسندهای صحیح از حضرت باقر علیه السلام منقولست
که یافتم در کتاب رسول خدا صلعم که چون بعد از من ظلم شود زنا پیر شود و مرگ ناگهان
و در حدیث دیگر ذلذله و کم فروشی بقحط و مکر اجناس مبتلا شوند و در منع زکوة از ماینع
برکت زمینی از زرع و میوهها و معادن بالتمام و در حدیث دیگر بدرک مواشی و در جور حاکم
بمعاونت ظلم هم و از نقض عهد بتسلط دشمن و در قطع رحم با فتادن مال بدست اشرار
و در ترک امر بمعروف و نهی از منکر که متابعت اهل بیت من نکنند بتسلط بدان و دعای
خوبان هم مستجاب نشود و فرموده امت من همیشه در خیرند تا امر بمعروف و نهی از منکر

ویارع

بار هم مینماید بر خیر و چون نهی کنند باز گرفته شود از ایشان برکتها و بهم مسلط میشوند
و ناصری نداشته باشند نه در زمین و نه آسمان و فرموده اینها دو خلق اند از خلق خدا پس
هر کس یاری اینها کند خدا او را عزیز دارد و هر که ترک نماید خدا او را مخذول گرداند
و در صحیح فرموده خدا هر سال باران بر تفاوت میفرستد و لیکن صرف میکند از گناه کاران
بسوی دشت و کوه و دریا و به تحقیق که خدا عذاب میکند جعل را در سوراخش
بحبس باران بگناه اهل آن محل و حال انکه راه در رفتن از میان اهل معصیت
با و داده انگاه فرمود فاعتبروا یا اولی الابصار یعنی عبرت گیرید و متنبه شوید
از این کلام ای صاحبان بصیرت بدانکه اول مراتب انکار بقلب است که رضا
بهامر موجب شرکت در جزای آنست چنانکه در عقیده مظالم عباد خواهد رسید
و بالاتر از آن انکار بزبانست که باید گوینده منکر در رد و طعن و تخویف و تقبیح و
دشنام در حضور و غیبت اگر فایده نکند ترک معاشرت واجب است و بالاتر
از این تادیب است بزدن و حبس حاکم شرع و قتل جایز باو واجب است
و هر مرتبه اول که واجب عینی مطلق است واجب کفائی مشروط است بعدم
ضرر و تجویز تاثیر مگر احتمال عدم اطلاع آن شخص بمسئله رود به اتمام حجت با
بر ظالم خبردار کردم هر چند تجویز تاثیر ننماید و در صحیح مسعده بن صدقه حضرت

صادق علیه السلام از رسول خدا صلعم ذکر فرموده که خدا دشمن دارد مومن ضعیف ایمان را که دینی که خللی ندارد
گفتند او کدام است فرمود بدو امر که متوجه نهی منکر نشود و مسعده گوید سوال کردند
آیا امر معروف و نهی از منکر بر همه امت واجب است فرمود نه بلکه وجوب مخصوص جمعی
است که قدرت بر آن داشته باشند و مردم اطاعت ایشان کنند و دانند معروف و
منکر را و دلیل این قول خداست ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یامرون
بالمعروف و ینهون عن المنکر یعنی باید از شما جماعتی باشند که بخوانند بسوی خیرات
و امر معروف و نهی از منکر کنند که مراد حضرت اختصاص بحفظ مصادر
که موقوف باشد الا الکلم کافیست باحادیث سابقه و در صحیح فرمود سزاوار نیست
مومن را نشستن در مجلسی که در ان معصیت خدا میشود و نمی تواند تغییر آن
و آیات داده اند و احادیث درین معنی بسیار است و در حسن فرموده که هر که ایمان بخدا و
روز قیامت دارد باید ننشیند در مجلسی که در ان غیبت امامی یا نقص مومنی
کرده میشود در ذکر سوال عقیم پنجم که از حسن خلق است کلیات صفات
و اخلاق نفسانیه خود را بر طبق حکم عقل و بر وفق امر شارع که برای تکمیل نفوس
ناقصه خلق و تتمیم مکارم اخلاق مبعوث شده بعد بجز تهذیب و تذکیه کرده
در عرض مدت مهلت عمر خود در دنیا بانه و خلق هر صفتی است که ملکه و در نفس

مستقرشده

مستقر شده باشد و آثار بر او مرتب شود و بی تکلف و کرمی آن از جبلی بهتر و ثوابش بهتر است عقلاً و نقلاً بجوره بر شود
بخصوص ملایم است در معاشرت مردم همه استعمال میشود چون فرد کامل موضوع له است چنانکه از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که حسن خلق اینست که پهلو از جانب تو آزار نرسد و سختی را هموار و ملایم نمائی
و با برادران بخوشی و خوش حالی برخوری و در حدیث دیگر میپرسیدم از رسول خدا صلعم از افضل
اعمال فرمود حق تعالی کرامت نکرد و روی خوب داد جهنم را بر او حرام گردانید و صحبت با فاسق خوش خو
دوست تر دارم تا با عالم بد خو و خلق نیکو طاعتی است که هیچ معصیت با آن زیان ندارد و خلق بد معصیت است
که هیچ عملی با آن نفع ندارد و خلق نیکو آنست که با مردم نیکو سلوک کنی نیکی و تازه روئی و بردباری دریغ کشی
ایشان با شیر و مکافات بدی او بنیکی و کسی پرسید که چیست دین فرمود حسن خلق و از جانب آنحضرت آمد و بر
و این سوال را شنید و در مرتبه آخر آن افتی را خلق فرمود آیا نمی فهمی اینکه غضب نکنی و با خلق در شتی نکنی
و با خبار متواتره معتبر حسن خلق احسن اعمال و احب الخلق بعد از فرایض بخدا و سائر جمیع عیبها و اعظم
علامات ایمان و موجب خیر دنیا و عقبی است و از رسول خدا صلعم منقولست که خوشخو در بهشت است
و بدخو در جهنم است بیچاره و در میزان عمل هیچ چیز به از حسن خلق و اول عملی است که در میزان
گذارند و اکثر است متربان و متقون داخل بهشت خواهند شد و شبیه ترین شما بمن خوشخلق ترین
شماست و در حدیثی نزدیک ترین شما بمن در روز قیامت خوش خلق ترین و خوش سلوک ترین
شما است با اهل بیت من و از جبرئیل ذکر فرموده بر تو باد ای محمد صلعم بحسن خلق که خیر دنیا و آخرت است و امیر المؤمنین علیه السلام

میفرماید بریاضت باشد اربد نفس هار خود را باخلاق حسنه پس به تحقیق اسم را به درجهٔ کسی میرساند که روز را بروزه
و شب را بعبادت بگذرد و فرمود نمیتوانید مردم را بمال فرا گرفتن پس همه را بخوشی فرا گیرید در برخورد و فرمود نیکو کنید
خلق خود را تا حق تعالی حساب ترا آسان و سبک گرداند و حضرت صادق علیه السلام در صحیح چنان فرموده که حسن خلق گناه را
میگدازد چنانکه آفتاب یخ را و فرمود در خدا دین و اسلام را برای شما شیعیان پسندید پس نیکو مصاحبت
کنید با ان بسخاوت و حسن خلق و فرمود این دو خصلت خانها را معمور و عمرها را زیاد میکند و فرمود مدارا
کن با منافق بزبان و خالص بکن دوستی خود را با مؤمن و اگر یهودی با تو همنشینی کند نیکو بجا آر و در صحیح
فرمود چهار خصلت هر که دارد ایمانش کامل است هر چند از فرق گناه داشته باشد نقص ندارد در راستی
و امانت و حیا و حسن خلق و در حدیث نبوی شکر بدل ثانی است و فرمود که کاهان اول الجنت میبل میکند
و فرمود حق تعالی بنده را بحسن خلق ثواب مجاهد فی سبیل الله و فرمود هیچ عملی نجد المحبوب‌تر نیست
از فرا گرفتن مردم بخوشی خلق و فرمود بدخوئی البته فاسد میکند عمل را چنانکه سرکه عسل را و این معنی
متواتر است و از رسول خدا صلعم منقول است که حق تعالی ابا کرد از توبهٔ کج خلق و چون از گناهی توبه
کند در گناه بزرگتر افتد یعنی بریاضت اصل منشار را باید تغییر داد و در هیچ حال دست از مجاهده
و تهذیب نفس نمیتوان برداشت و الاعدی میرسد آدمی با غیر ذوی العقول از حیوان و جماد
و غیر مقصر کج خلقی نعوذ بالله و فرمودند خلق بد همیشه صاحبش در عذاب دارد و حضرت
باقر علیه السلام میفرماید هر که بهره از حرق و تندی دارد محجوب است از او ایمان و در صحیح فرمود کامل

ترین مومنان

کامل‌ترین مومنان در ایمان خوش خلق‌ترین ایشان است و از رسول خدا صلعم ذکر فرموده اگر رستند در درشتی
خلقی بود از آیان رشتتر و بدتر از آن خلقی نبوده و بروایت دیگر فرمود دو خصلت است که جمع نمیشود
در هیچ مسلمی بخل و کج خلقی و فرمود مومن هموار و نرم و ملایم با حسن خلق است و کافر تند غلیظ
و درشت و زشت خو متجبر است و فرمود یا اباذر بنده همیشه از خدا دور است تا خلقش بد است
و سعد ابن معاذ را با آن همه کرامت که رسول خدا صلعم بی کفش و ردا بمشایعت ملایکه بمشایعت
جنازه او نمودند و خود متوجه غسل و کفن و دفن او بودند فرمود فشار قبر بر او رسید چنانکه
با اهلش بد خلقی مینمود   در اجراء سؤال موقف ششم از حب سلطان و نقض
فجار و عاصیان برای حق تعالی است و باحادیث صحیح اعظم شعبهای ایمان و اکمل صفات
مومنان است و آیات و روایات متواتر است با تاکید تمام در شدت اهتمام ایشان ... اشرف
مرام بسیار وارد است و در بعض انها مبالغه فرموده که ایمان همین است و تارک این خارج است
از دین و همچنین شدت عقوبات و تارک و لوازم اینکه در دنیا و عقبی عظیم است و علاوه
حسرت او نهایت عظیم و مجمل فضایل مجاهدین فی الله بتقریب ذکر المتیمان از فرع اکبر
گذشت و بسندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مهر و دوستی و دشمنی و عطا و منع
او همه بخدا باشد ایمانش کامل است و حضرت باقر علیه السلام میفرماید اگر خواهی بدانی خیری در تو هست
ببین اگر دوستی مطیع خدا و دشمنی عاصی خدا داری خیر در تو هست و در حدیث دیگر فرمود

شق ورق و ...

هر چند خلاف واقع باشد و حضرت صادق علیه السلام میفرماید به تحقیق که مومنان را از نور عظمت
و جلالت و کرامت خود آفرید پس هر که طعن بارد قول ایشان نماید بر خدا رد کرده است در عرش
او و فرمود آماده حرب من باشد هر که ذلیل کند بنده مؤمن را و ایمن شود از غضب من هر که اکرام
او کند و این معنی متواتر است و در صحیح فرمود در حرمت مومن عظیم‌تر از کعبه است و در
موثق فرموده قدر مؤمن را هیچ کس نمیتواند دانست و فرمود مومن را از این مومن
میگویند که امان میدهد خدا از جانب الهی پس خدای بزرگ و جمیع در مهتاب و صفا آسمان
و نور ستاره‌ها مینمایند فرمود شما این را میگوئید و چهار ملک عظیم جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
و عزرائیل چون نظر کنند در زمین بشما و برادران مؤمن شما نور شما را در آسمان زیاده
از این کواکب یابند و گویند چه بسیار نورانی اند این مومنان و در صحیح فرمود سؤر
مؤمن شفاست از هفتاد درد هر که تبرک انرا بخورد خدا ملکی از آن بیافریند و برای او
استغفار میکند تا قیامت و در حدیث قدسی است که گنجایش مرا ندارد آسمان و زمین
و دل بنده مؤمن دارد و رسول صلعم فرمود به تحقیق که مومن در آسمان معروف است مثل
اهل شما بشما و گرامی‌تر است نزد خدا از ملک مقرب و بروایت عامه و خاصه گذشت
ابوذر رضی الله عنه بر آن حضرت که جبرئیل بصورت دحیه کلبی در خدمت او بود سلام نکرد جبرئیل
گفت اگر ابوذر بما سلام میکرد جواب سلام او را میگفتیم حضرت فرمود او را میشناسی

گفت [illegible]

گفت بحق آنخدائی که ترا بحق فرستاده که او در ملکوت هفت آسمان مشهورتر است
از زمین فرمود چه عمل باین منزلت رسیده گفت از زهدش در این دنیای فانی و فرمود مؤمن
بنور الهی نظر میکند در اشیاء و فرمود مسلمانرا هفت حق واجبست بر مسلمان اول ترک
هر کس از دوستی خدا و طاعت او بدر رود و او را از خدا نصیب نیست پس فرمود کمتر حقی او را
هست بر تو اینست که برای مؤمن خواهی آنچه برای خود میخواهی و نخواهی آنچه برای خود نخواهی دوم
انکه از آزردگی او احتراز کنی و در خوشنودی و اطاعت امر او باشی سیم اعانت او کنی بجان و مال
و زبان و دست و پای خود چهارم انکه دیده و رهنمائی او باشی پنجم انکه سیر نباشی و او گرسنه باشد و پوشیده
باشی و او برهنه باشد ششم انکه اگر خادمی داری و او ندارد بفرستی که جامه او را بشوید و طعام او را
مهیا نماید و رختخواب او را بگستراند هفتم انکه قسمش را اجابت کنی و دعوتش را قبول کنی و نمائی
و بیماریش را عیادت کنی و بجنازه اش حاضر شوی و حاجتش را بدانی که بدانی بیش از انکه سؤال
کند روا کنی پس اگر همه اینها را بعمل آوری ولایت و دوستی خود را بمیان تو و او استوار خواهد
بود و حضرت باقر علیه السلام فرمودند که هیچ مؤمنی نگذارد برادر مؤمن خود را با قدرت بر نصرت او
مگر انکه خدا او را واگذارد در دنیا و آخرت و در احادیث متفرقه فرموده اند هر که بضعف
کلمهٔ ضرری بمؤمنی برساند خدا را ملاقات کند در قیامت نوشته باشد میان دو چشمش آئس
من رحمتی و هر که نظر تندی بسو کند که بترساند او را بترساند او را خدا روزی که بغیر سایه او نباشد

نیست هر که حقیر شمارد مومنی را خدا حقیر او را دشمن و حقیر دارد تا توبه کند اگر تحقیر بعلت فقر او باشد خدا
او را رسوا کند در روز قیامت در حضور ائمه قیامت و هر که مسلمی را که بجهت حاجتی یا زیارت او آمده باشد محجوب
کند از خود پیوسته در لعنت خدا باشد تا آن مومن بر خورد نیست ضرری در صحبت کسی از شیعیان بر
حق مثل آنچه تو برای روی بینی و هر که بترساند مومنی را بکمی اما که گردانید روی برساند در آتش جهنم
خواهد بود و اگر آزاری برساند با فرعون باشد و آل فرعون در جهنم و هر که تجسس عیب او نماید خدا [illegible]
او سازد اگرچه در خانه اش باشد چون قیامت شود ندا رسد که کجایند نمامان و معاندان دوستان من پس
قومی برخیزند که گوشت بر رو ندارند ندا آید که گویا شود این ها آنهایند که آزار و عداوت و عناد کردند
با مومنان در دین پس حضرت فرمودند ابو دند بخدا سوگند قایل بقول ایشان [illegible]
بودند و لیکن حقوق ایشان را حبس و سر ایشان را فاش کردند و فرمود رنج مومن بر مومن
ریاست و هر که نزد او رهن معتبرتر از برادر مسلمش باشد پس او بیزار است و فرمود حق تعالی خو کند
بذات خود یاد نموده در جوار رحمت خود جا ندهد خاینی را گفتند خاین کیست فرمود کسی که از خیر
از مومنی درهمی منع نماید بجهت زیادی دنیا گفتند از زیادتی مال خود یا دهد فرمود از جان
و روح خود یا دهد اگر جان خود را بخل کند ببرادر مومن خود یعنی عرض و اعتبار خود را
نماید و حاجت او را بر نیاورد و شیطان در نطفه او شریک شده و از رسول خدا صلعم ذکر فرمود
هر که سرزنش نماید مومنی را بچیزی تا مرتکب آن شود و بروایتی خدا او را ملامت و سرزنش کند
مومنی

در دنیا و آخرت

در دنیا و آخرت و فرمود نزدیکترین احوال بکفر حفظ عیوب و لغزشهای برادر خود داشتن روزی تا بآنها
ملامت او کند و در خطبه وداع است که هر که فقیری را حقیر شمارد خدا او را در قیامت مانند مور
محشور نماید تا داخل دوزخ شود و هر که ببرادری یا و محتاج شود قرض ندهد حرام کند حق تعالی بهشت را
روزی که احسان کنند و اجر او خواهد داد و هر که با حاجت برادر ش منت نهد عملش حبط و باطل شود
و فرمود هر که مومنی را غمگین کند پس دنیا را با و دهد کفاره حزن او نشود و اجر ندارد و آزار او
آزار منست و آزار من آزار خداست و آزار دهنده بنده خدا ملعونست در چهار کتاب
اگرچون متذکر عقوبات ترک حقوق مومن شدی ششمه هم اکنون از فضایل مراعات
او بشنو و حضرت صادق عم میفرماید که حق تعالی خلقی انشی ب کرده برای برآوردن حاجات
فقرای شیعیان تا بتلافی آن بهشت را بایشان کرامت فرماید پس اگر توانی از ایشان باشی
و فرمود ایمنند روز قیامت و فرمود هر که یک حاجت مومنی را بر آورد حق تعالی روز قیامت صد
هزار حاجت او را بر آورد اول آنها بهشت باشد و از جمله آنها شفاعت خویشان و آشنایان
خود را ناصبی نباشند و فرمود آن بهتر است از عتق هزار بنده و فرستادن هزار اسب
با براق در راه خدا و بجهتی بیست و پنج حج و بروایتی بهتر از ده طواف بهر طوافی
شش هزار حسنه و محو شش هزار سیئه و دفع شش هزار درجه است و بروایت عمار با قضای
شش هزار حاجت و فتح هشت در بهشت و در صحیح ابن محبوب برابر یک حج و عمره و روزه

دو ماه پیاپی هر دو با اعتکاف در بیت الحرام باشد و اگر بیا حاجت برود و روان شود ثواب یک حج دارد
پس رغبت کنید در خیر و در صحیح فرمود بهر قدمی حسنه و محو سیئه دارد یا ده حسنه دیگر و قضای
حاجت و فرمود هر که با و گوید مرحبا خدا مرحبا نویسد برای او تا قیامت به تحقیق که از خصایص مومن
از خدا راه باو می شناسند برادران خود اگرچه اندک باشد و خیر بسیار نیست و اینست
قول خدا تعالی و یوثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة یعنی ایثار میکنند برادران مومن را
هرچند خود احتیاج دارند پس فرمود و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون
هر که باز ایستد از حرص و بخل بر نفس خود پس ایشان رستگاران و هر که را خدا نعمتها
این را او ستارد و هر که دوست دارد کامل میدهد اجر او را به حساب پس فرمود جمیل
مرا در این حدیث جلیل بار آوری کمی ببرادران خود دادن ترغیب بهتر است و فرمود
هیچ مسلمانی زیارت نکرد برادر خود را برای خدا مگر آنکه خداوند اگر دعای ... بازگشته
و پاکیزه است برای تو بهشت و حاجت او را روا نکرد مگر آنکه ندا کرد ثواب تو بر منت و راضی
نیستم بکمتر از بهشت و حضرت کاظم علیه السلام میفرماید هیچ چیز شیطان و لشکرش را
مجروح نمیکند مانند زیارت مومنان یکدیگر را و به تحقیق دو مومن باهم خدا را یاد میکنند
پس فضایل ما اهل بیت را گوشتهای روی شیطان میریزد و از شدت الم بفریاد می
آید و ملائکه سموات و خازنان بهشت حال او را یافته لعنش میکنند و در صحیح

حضرت باقر

حضرت باقر عم فرمود ملکی بر در خانه شخصی دید ایستاده بجهته پرسید گفت میخواهم برادر را
سلام کنم گفت حاجتی یا قرابتی داری گفت نه غیر برادر دینی گفت من رسول خدایم بسوی تو و تو را
و ترا السلام میرساند و میفرماید مرا اراده کردی و برای من زیارت کردی به تحقیق واجب ساختم
از برای تو بهشت را و معاف داشتم ترا از غضب خود و در خطبه وداع است هر که بدیدن
برادری رود بهر گامی که بردارد ثواب صد هزار عتق و رفع صد هزار درجه و محو صد هزار سیئه
و صد هزار رحمت دارد تا برگردد بخانه خود و هر که شفاعتی برای او کند خدای عز و جل نظر رحمت
بسوی او و حق است بر او که عذاب نکند او را هرگز و اگر طلبیده باشند هفتاد شهید دارد
و فرمود احدی از امت من تلطفی ننمود برادر خود را در راه خدا بچیزی مگر آنکه حق
تعالی بخدمتش اعداد کرد و خدمه بهشت را و هر که بر خود شخص و بچیزی او را اشاد کند
روز قیامت شاد و خرم داخل بهشت شود و فرمود قرض دادن بمسلمانان بهر درمی بوزن
کوه احد حسنه دارد و اگر مطالبه قرض با او مدارا کند بگذرد بر صراط مثل برق لامع
بحساب و عقاب و هر که ترویج مومنی را بهم آورد خدا در بهشت هزار حوری با و ترویج
کند هر یک در قصری از در و یاقوت و بهر قدمی و کلمه عبادت سالی دارد و هر که
کوری را بیاورد تا بمسجد بهر قدمی ثواب عتقی دارد و ملائکه بر او صلوات و رحمت
فرستند تا از و مفارقت نماید و هر که در حاجتی سعی کند تا روا کند خدا او را از آتش دهد

یکی از آتش جهنم و یکی از نفاق و هفتاد هزار حاجتش را در دنیا روا کند و همیشه در رحمت
الهی فرو رفته باشد تا برگردد و اجر ثواب شب قدر دارد و فرمود اصلاح بهتر است از عامه
نماز و روزه و در صحیح است اصلاح میان دو نفر بهتر است از تصدق دو اشرفی و بروایت
دیگر فرمود هیچکس عیادت بیمار نمیکند مگر آنکه بیرون میرود از او هفتاد هزار ملایکه
واستغفار کنند برای او تا برگردد و فرمود که خوض کند در رحمت خدا و از مناجات موسی ع
است موکل میگردانم ملائکه را در قبر او عبادت کنند تا حشر و تا سال بیت را فرمود از کنار ع
برادر مثل روزی که از مادر متولد شود و در تشییع جنازه مؤمن فرمود ملایکه را موکل
گردانم با علمها در محشر او را مشایعت کنند و در تعزیه گفتن فرزند مرده فرمود
او را در سایه عرش جا دهم روزی که غیر آن سایه نباشد و فرمود که بنده
را به تقریب بسوی من بیاورند با حسنه حکم فرمایم او را در بهشت هر جا که خواهد او
دهند موسی پرسید از آن حسنه فرمود در راه رفتن پی حاجت برادر مؤمن و در حدیث
نبوی ص هر که در یاری و نفع مؤمن راه رود ثواب جهاد فی سبیل الله دارد و هر که
و هر که مؤمن را گرامی دارد خدا او را گرامی داشته باشد پس گمان کنید خدا
با گرامی دارنده خود چه خواهد چه خواهد کرد و حضرت رسول ص میفرماید هر که
یک حاجت او را برآورد اول حاجت خدا برآورده خدا صد حاجت او را برآورد
کمتر از آنها بهشت

یکی از آنها بهشت باشد و حضرت صادق ع فرمود هر که بمؤمن قرض دهد و مهلت دهد
مالش در زکوة و خود در صلوات ملائکه است تا ادا کند و فرمود هر که روزی بکند سد از
وعده اش ثواب تصدق یک اشرفی دارد و فرمود هیچ مسلمی بمسلمی قرض نمیدهد
برای خدا مگر آنکه بحساب صدقه اجر دارد و تا بگیرد و در صحیح فرمود که ثواب یکی برابر هجده است
و اگر بمیرد از زکوة محسوب است و فرمود هر که قادر بر صله ما نباشد پس صله نماید شیعیان
صلحای ما که ثواب صله ما دارد و در زیارت حسنین علیهم السلام فرمود اشارا در مصافحه
اجر مجاهدان است و چون دو مؤمن ملاقات و مصافحه نمایند حق تعالی نظر رحمت بایشان
کند و گناه ایشان میریزد تا از هم مفارقت نمایند و باسحاق فرمود خدا صد رحمت
میان دو ابهام ایشان فرستد نود و نه آنها برای او که بیشتر دوست دارد دیگری را
و دو رحمتش بیشتر با او باشد و چون معانقه کنند فرو گیرد ایشان را رحمت پس اگر
ملکت کنند بتعرض دنیوی فرمایم آمرزیده شدید عمل را از سر گیرید و چون او را هم
او را رو برسش کنند هم دیگر را ملایکه دور شوند که بهتر داشته باشند و در حدیث است
با معانقه ملایکه است و در حدیث نبوی هر که مصافحه کند با محبت حق تعالی گناهان او را بی
حساب او را داخل بهشت گرداند هر که آب بر دست برادر مسلمان بریزد ثواب سه حشر اهل دنیا
دارد و باید دانست که مؤمن باینمعنی در شرع استعمال میشود مؤمنی که محبت و ولایت اهل

[illegible]

و اخوت و رعایت او این همه فضیلت و ثواب دارد و عداوت و عقوق و ترک اعانت
و حقوق آن همه فضیحت و عقاب دارد شایع تر از معارف گسیسته الا قلیل یا تکمیل
حفظ یا خبر کن و ... اساس اسلام و ولایت اهل بیت عصمت ع و طهارت و نماز
و زکوة و خمس و روزه و حج است و عمل بواجبات و اجتناب از محرمات و ستر عیوب
کمال عیوب اهتمام داشته باشد اگر بندرت نامشروعی از او بروز کند و اتفاقا مرتکب حرامی
بشود فورا توبه کند تا بدانکه در این زمان مؤمن و عادل بغیر علما و عاملان و تابعان ایشان
بهم نمیرسد و سایر مردم هر چند از تشیع و معرفت دم زنند بلکه بیان علم و حکمت کنند
بی خنک کافر یا فاسق جر و بدانکه مصاحبت و اعانت اهل معصیت و دشمنان خدا مانند
ترک رعایت مؤمنان و دوستان خدا است و بروایت کلینی حضرت صادق ع میفرماید
هر که سیر کند کافری را حق است بر خدا پر کند شکم او را از زقوم جهنم و با آیات
و احادیث بسیار هر که نماز صبح نگذارد و زکوة مالش ندهد و به اهلش نرساند مولا
دوستان خدا بر خود لازم نداند داخل کافر است و بحدیث علوی هر که بابی نمازی
باختیار چیزی خورد گویا مرتکب شده قتل چندین پیغمبر را و زنای چندین محرم
خود را و بحدیث نبوی ص هر که سلام کند یا مصافحه یا معانقه کند شراب
خواری را خدا عمل چهل ساله او را حبط کند و هر که با او هم نشینی کند روز قیامت
کور محشور شود

کور محشور شود آگاه باش هر که لقمه یا شربتی بدو خوراند بر او مسلط شود در قبر مار و عقرب و بچند سگ جهنم
روز قیامت و هر که یک حاجت او را روا کند پس بتحقیق که اعانت نموده بر خرابی اسلام و کعبه و کشته هزار برادر
مؤمن و هر که بر او سلام دهد لعنت کنند بر او هفتاد ملک و هر که سلام کند باختیار ظالمی را نور ایمان
از او بر دور نگردد و هر که دعا کند ببقا و عمر او گویا هفتاد پیغمبر را کشته و هر که اعانت او کند به نصف
کلمه از اهل آن باشد و مهیا دارد جای خود را در جهنم یا اباذر مصاحب مشو مگر مؤمن را و مخوران طعام خود را
مگر پرهیزکار و مخور طعام فاسق را ای اباذر بخوران طعام خود را بکسی برای خدا او را دوست
میداری و بخور طعام کسی را که ترا او دوست دارد برای خدا و نهی فرموده از اجابت دعوت فاسقان
بطعام ایشان و بروایتی با فاسقان مدارا کن از دین خود را از شر او حفظ نمائی و بدل او را
دشمن داری حواریون بعیسی ع گفتند با که همنشینی کنیم فرمود با کسی که دیدن او خدا را
بیاد شما آورد و سخن او در علم شما افزاید و عمل او شما را راغب آخرت سازد و فرمود در نهار
حذر کنید از همنشینی مردمان که فرمود ایشان کیستند فرمود اغنیا و بروایت حضرت صادق ع
میفرماید اثر نفر که مجالست ایشان دل را میمیراند دنی و زن و اغنیا و بروایت ابن عباس
فرموده کلمه است رب العزت پیش از خلق ... فرموده اگر کسی با عبادت اهل زمان
با بدان نشیند روز قیامت با بدان خواهد بود و اگر با گناه اهل زمان با خوبان نشیند با خوبان
خواهد بود و امیر المؤمنین ع در هنگام رحلت فرمود در نیها را از جاهای تهمت و مظنه ریبه حذر

کنید با هم نشینان بد فریب میدهد هم نشینان خود را و فرموده هر که خود را در محل تهمت بدارد ملامت
نکند مگر خود را و در حسن حضرت صادق ع میفرماید هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید نه
ایستد در مقام بدگمانی و در صحیح فرموده هر کس قرین بد دارد طاعت نکند مگر خود را و محمد بن
مسلم را در جای دیدا نا مناسبی دید فرمود نمیترسی از لعنتی نازل شود همه اهل مجلس را فرو گیرد
و حضرت امام رضا ع به بعض اصحاب خود فرمود چرا با فلان نوشته بودی و با او مجالست مینمائی
و ترک او نمیکنی گفت مرا چه ضرر دارد اگر بر طریقه او نباشم فرمود نمیترسی که بلائی
نازل شود و همه شما را فرا گیرد پس ذکر فرمود که یکی از اصحاب موسی ع با برادر نصیحت
بدارش بلشکر فرعون باز گشت و اصرار در مذمت و حرمت و معاشرت و دوستی فساق
و کذاب و احمق و بخیل و بدخو و قاطع رحم و اهل بسیار است در بیان
سؤال موقف هفتم از مال حرام است و بطلان اقدام تمام انام و بحدیث صحیح گمراهی
و معصیت غالب این امت در این مقام است و وجوه آن بسیار از دزدی که بحدیث
نبوی ص دزد بیرون خواهد آمد از قبر رو سیاه و ازرق و کور چشم و نزد شعله آتش جهنم آن
در شود که کفر و شرکست بخدا و غضب که تصرف بی اذن صاحبست و در عقبه مظالم عباد
خواهی دید و تجارت بی معرفت و آداب شرعیه است با جرام و مایه منسوب بحق فقرا
مثل زکوة و خمس باشد چنانکه در مواقف ربا و غیر آن خواهی رسید یا اصل کسب حرام باشد
مانند غنا

مانند غنا و قصه و شعر حرام و نوشتن کتب ضلال و قمار و شعبده و تعلیم اینها و ملازمت
اهل ظلم و جور چنانکه حضرت صادق ع در تفسیر فاجتنبوا الرجس من الاوثان میفرماید
مراد شطرنج است و نرد بدتر است و باحادیث نگهداشتن شطرنج کفر است و نرد بدتر است
و بازی با آنها از کبیره و تعلیمش کبیره هلاک کننده و نظر بازان چون نظر بفرج مادر است و دست
درمیان آن کردن چون میان گوشت خوک است و بحدیثی نمازش مقبول نیست تا دست
نشوید و اهل آن مجلس هر ساعت مستوجب لعنت و غضب الهی و جای خود را در جهنم
مهیا دارند و این عیش در قیامت حسرت خواهد بود و نرد چون اکل گوشت خوک و بازی
با یکدیگر ماننده گذاشتن دست میان گوشت و خون خوک و جایز نیست انگشتر بازی و دریکها و گرو
٥٩ و کبوتر و تخم بازی و امثال اینها که تمام قمار است بلا عبده اعب و ناظر کننده همه در گناه و سلام کنندگان
برابرند و هر کردن حرام است مگر سواری و تیر اندازی و تیغ با آداب مقرره و در فقه مذکور
مذکور است و زنهار چوگان مبارکه شیطان با تو میباشد و ملایکه نفرت میکنند و هر که در
اعمال اسبش بسر در آید و بمیرد بجهنم میرود و سحر و جادو که در میان اهل سواد و متعارف
و متداول است از العلیها تا شروع و نوشتجات نامعلوم و طلسمات و اشکال نامفهوم
بمدعا میپردازند و گویا حرام نمیدانند و حال آنکه بصریح قرآن هیچ بهره از آخرت
نخواهد داشت و بفرموده خدا و رسول خدا ص بدتر از کفر و شرک بخدا است و هر که

بخشیده نمیشود حتی از ائمه صلوات الله علیهم مع مطلق وارد شده از خواندن و نوشتن
هر رقیه که حکایتی ندارد و معنی‌اش معلوم نباشد زیرا بسیار کلمات کفر آمیز درج میکنند
از تعلیم شیطان به تجربه رسیده که سرعت اجابت خدا را باستدراج دیده اند نعوذ
بالله و هم چنین هر صنعت حرامی و صورت حیوان مجسم ساختن بحدیث نبوی ص
شدیدترین مردم روز قیامت در عذاب مصورانند و تاوان تلف شده از پی نقصه گرفتن
و قرض نه بعزم ادا کردن و جستن و فریب دادن و دروغ انداختن و کلاه گیر در چنانکه
گذشت همه اینها حرام است و در احادیث نبوی ص وارد شده که هر که لقمه حرام بخورد
لعنت کند خورنده خود را تا هضم شود و عبادتش مقبول نشود و مرویست که شخصی از
رسول خدا ص اذن پیشه خواست فرمود غیر پیشه گندم فروشی و قصابی و کفن فروشی
از مکه امت مرا خواهد و یک امت نزد من آسان است از دنیا و آنچه در اوست و مرویست
ابرار متحرک قبری حفر مینمودند ماری اسود ظاهر شد و طرازش افرو گرفت آخر بفرودت
با او دفن کردند و زنش گفت از گندم برای قوت خود برداشته خاک میر بحیت این خبر با ابن
عباس رسید گفت اگر تمام زیان را میکنند چنان میشد و اگر در شکم مؤمن مقدار
موئی حرام باشد هیچ دعای او مستجاب نشود اگرچه پیغمبر باشد هر که حرام خوار باشد
لعنت کند او را هر ملکی در آسمانها است و زمین تا از طرف شکم او بیرون آید و خدا
نظر رحمت

نظر رحمت بسوی او نمیکند و غضبناک باشد با او و هر چه از حرام عفو یا فقره یا فقر باشد از جنت
بر او حرام است و فرمود یا علی ترک یک دانگ حرام از تصدق ده هزار دینار افضل است و ترک
یک لقمه حرام بهتر است نزد خدا از هزار رکعت نماز و هر که مال حرامی در خانه نگهدارد
رحمتی و ملکی نازل آن خانه نمیشود و هرگاه گوید یا رب حق تعالی فرماید لا لبیک یا عاصی اگر تو را
حرام اگر حرام را خود خورد و میکرد و هر روز خطائی بر او نوشته خواهد شد و هر که در ظرف
طلا و نقره چیزی خورد و غیر از این نیست که بجنبش آید در شکمش آتش جهنم و از ظرف
طلا و نقره بهشت محروم باشد و هر که زیاده بر سیری چیزی خورد پس بتحقیق حرام خورده
و بروایت حضرت امام کاظم ع از آباء کرام خود فرموده اکل بر سر سیری باعث پیسی میشود
و در صحیح حضرت باقر ع از رسول خدا ص ذکر فرموده که روح الامین در دل من دمید اینکه
هیچکس نمیمیرد تا روزی مقرره خود را تمام کند پس از خدا بترسید و از طلب روزی اجمال کنید
و سعی مکنید بطلب رسیدن روزی از راه حرام بطلبید به تحقیق که خدا روزی را حلال
مقدر فرموده نه حرام پس هر که تقوی ورزد و بر تنگی روزی صبر کند روزیش از حلال برسد
و هر که پرده ستر الهی را بدرد از غیر حلال معاش گیرد نقاص کند او را از روزی او
روز قیامت حساب از وی طلبد و حضرت صادق ع میفرماید حفظ کنید دین خود را
از ترک حرام و تقویت نمائید آن را بتقوی و استغنا بخدا از طلب حوائج از سلطان

وحکام پرسیدن از چیزی که ثابت و محکم دارد ایمان را فرمود پرهیز از حرام و از چیزی که بیرون میکند
از ایمان فرمود باید دانست مرتکب حرام شدن را چنانکه تحصیل مال از وجوه حرام باعث عقابست ترک
کسب روزی از حلال هم موجب عتاب بلکه منجر بحرام و عقاب و عذابست چنانکه حضرت صادق علیه السلام
در دیگر کسی میگفت در خانه می نشینم بنماز و روزه و عبادات البته روزی من میرسد فرمود دیگر از
آن سه نفرست که دعای ایشان مستجاب نمیشود و مباحثات آنحضرت با اصحاب صوفیه که از بیدعتهای شنیع
باین عقیده مشهور در کافی و غیران مذکورست و فرمود ترک مکن طلب روزی را از حلال
که معاون تو است بر دین و بار مرکب خود را ببند و توکل کن بر خدا و بجد بیشی در [illegible]
کن [illegible] خود را و توکل کن بر خدا و فرمود نیست چیزی بر کسی که بخواهد جمع مال از حلال برای
حفظ آبروی خود از قرض و صله رحم و حضرت باقر علیه السلام میفرماید هر که طلب دنیا کند برای غنا از خلق
و مهربانی بهمسایه ملاقات کند خدا را در حالتی که رویش مثل بدر تابان باشد و در حدیث قدسی
فرمود یا احمد عبادت ده جزو است افضل آنها طلب حلالست چون طعام و شراب خود را طیب
و پاکیزه کردی در حفظ و کنف حمایت من باشی و در وصیت داود علیه السلام مذکور است که چون
بنده هستی ولیکن معاش تو از بیت المال پس گریست آنحضرت تا چهل روز تا زره ساز
تعلیم او شد و در احادیث نبویه است که طلب حلال فرض است بر هر مرد مسلمان و زن مسلمه
و هر که از کد یمین خود حلال خورد از جهنم رها خواهد بود داخل بهشت خواهد شد و روز قیامت در صف
انبیا باشد

انبیا باشد و هر که حلال تناول میکند فرشته استغفار از برای او میکنند تا فارغ شود و کا
سب دوست خداست به تحقیق که خدا دوست دارد هر مؤمن پیشه ور صاحب ورع را و دشمن
میدارد روی کار مسلم که نه در کار دنیا و نه بکار آخرت و بطالت و قساوت قلب بیاورد
و بروایت ابن عباس از آنحضرت چون از کسی خوشش می آمد میپرسید اگر میگفتند
کسبی ندارد میفرمود ندارد از نظرم افتاد زیرا چون کسبی ندارد ناچار بدین خود معاش میکند
و بروایت حضرت صادق علیه السلام میفرمودند بهترین عملها در روی زمین سه کار است طلب
طلب علم و جهاد و طلب حلال و طالب علم حبیب خداست و غازی ولی خداست و در اخبار متعلق
واقع شده که روزی و برکت ده جزو است نه جزو در تجارتست و یکی در گوسفند و در خصوص
ثواب زراعت که بهترین تجارتها و کیمیای کبیر وارد شده و احادیث بسیار است لذا بجمله در مدح مطلق
تجارت هم احادیث وارد شده و حدیثی است که عقل را زیاد میکند اما در هر باب و تمام این اسباب خاطر
نشود که ترتیب ثواب مشروط است بچند شرط اول به نیت صحیح در کسب تا عبادت گردد و از
علامات آن اجتناب است از خلاف شریعت و الامر [illegible] دنیا و لازم اینست که کسب روزی
برای عیال ضروریست و هم الکفاف بقدر کفاف و الا اقل محل [illegible] طلبتا و بر دو سنت موکده
که فراغ برای آنها اصل این فرع است فشود سیم آنکه اعتماد بفضل و برکت رب الارباب
باشد چنانکه در احادیث گذشت نه بتحصیل و اکتساب که سبب روزیست چنانکه اهل عباد

مقدم شود سیئات توبه است و امید بمحض فیض خداوند است چه بسیار کاسبیست که اولاد ذمت اند بلی
پس کسب [illegible] روز قیامست لذا آرزو نجات [illegible] ولا حول ولا قوة الا بالله — در باب شراب
رشحه از طوفان [illegible] بامرار شرابست در عقبه جهنم جگر را [illegible] ناصواب از عهده جواب
سؤال این عرصه و هول و بیم آن دشت پر شور و شر است و دل تشنگان آن سراب از تاب آتش حسرت داغ
کتب و قرآن مجید از کثرت غیظ آن ام الخبائث و محرمات و شدت و حرمت [illegible] یکجنس و [illegible]
وارث شده عدد از آیات محکمات تعداد شده و در حدیث نبوی صلعم وارد شده که شراب
خوار مثل بت پرست است بآن خدائی که مرا بحق فرستاده است شراب خوار می آید روز قیامت
رو سیاه و از دهانش [illegible] و اهل محشر از [illegible] بخدا شکوه نمایند و به [illegible] در قبر
بماند و محشور شود تشنه و هزار سال فریاد کند و [illegible] آنگاه آب [illegible] مانند [illegible] گداخته و زرد
روی او را [illegible] کند چنانکه در آیه واقع شده هر که در دلش آیه یا حرفی از قرآن باشد و شراب
بر آن ریزد قرآن خصم اوست روز قیامت [illegible] و شراب اصل خبائث و جمع گناهان و
و کلید همه شراست قسم یاد کرده پروردگار عزت و جلال خود را البته بیاشامانم از چرک اهل
جهنم مثل انچه تجرع نموده تا آخر [illegible] و هر کس از ترس [illegible] ترک آن کند [illegible]
او از شراب خاص بهشت و [illegible] اگر بیمار شود عیادت نکنید و چون بمیرد
بنمازش حاضر نروید بتحقیق از سکان جهنم است قسم بآن خدائی که مرا بحق بخلق فرستاده
[illegible]

به پیغمبری شراب بخورد مگر ملعون در چهار کتاب چون بنده بار اول شراب خورد دلش قساوت گیرد
و در مرتبه دوم جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و جمیع ملائکه از او بیزار شوند و در مرتبه سیم جمیع پیغمبران و او
لیا از او بیزار میشوند و در مرتبه چهارم خداوند حلیم بیزار شود هیچکس نیست که [illegible] مگر عروس شیطان
[illegible] فاسق و ملعونست تا صبح پس چون صبح شود غسل جنابت براو واجبست و الا توبه اش قبول نیست
و بروایت دیگر غسل نکند چنانکه از جنابت غسل میکند و [illegible] و دشمن تر [illegible] خدا و جمیع
شود شراب خواران در یکجا [illegible] ابن مسعود زنا کننده [illegible] نزد خدا از یک حبه دنیا و شراب
[illegible] کننده [illegible] تر است از [illegible] زیرا که مفتاح هر شریست و در جهنم بماند یکی از امت من [illegible]
هفتاد سال خدا امر کند میکائیل را [illegible] بیاید و او را غرق در هفتاد نوع عذاب در شکل آتش و زقوم و لباس
آتش و بر تاج از آتش بر سر [illegible] کردنش [illegible] پس
چون باز دار [illegible] در مقام خطاب خدا میفرماید چگونه بود حالت در دنیا گوید پروردگارا مرا رسوا مکن فرماید
نجات [illegible] بود دم ملک الموت در رسید
[illegible] پس گوید خدایا مرا رحم
کن [illegible] قبض روحم [illegible] مدفون شدم [illegible]
عذاب [illegible] جهنم [illegible]
و فریاد میکند [illegible]

فرماید برانیدش بسوی جهنم کوید خدایا قطع امید من مکن ازان است محروم میکفتم اشهد ان لا اله الا الله

محمد رسول الله و شرابی بکری بشوفرار نداده فرماید به تحقیق واجب و لازم کرده ام برانی تو آتش جهنم را

انکاه کوید بحق محمد مرا نجات شده میداز ان فرماید ازملایکه آمرزیدم او را پس بان منادی مرا بحق

بخلق فرستاده ام که یک شربت از مسکر بیاشامد تا چهل روز نمازش مقبول نیست و اکر در این

چهل روز بمیرد کافر مرده باشد خدا فرموده بهشت نمیشود تا توبه نکند داخل بهشت نخواهد شد و من

و مصر بر شراب چنانچه یهودی و دیوث و شرطی و مخنث و کفن دزد و بروایتی هیچ عمل شراب خوار

مقبول نیست تا توبه نکند و همچنین عامل و فروشنده و خرنده آن یا علی میکرد در شراب خمر ساعتی

انمی شناسد پروردگار خود را یا علی هرکه ترک خمر نماید برای غیر خدا سیراب شود از شربت سربهر بهشت

پرسید برای غیر خدا فرمود بلی و اگر برای حفظ خود یا خدا باز داشتن او خبر دهد او را و امیر المؤمنین ع

فرماید سه چیز باعث بکر امی مردم میشود و محبت زنان و آن شمشیر شیطان است و شراب

آن دام شیطان است و محبت زر تیر شیطان است پس دوست تیر آن بیاطل فایده از عمر نبرد

و دوست شراب بهشت بر او حرام است و او دست از بلاء دنیا است و از حضرت صادق ع پرسید

از سفله ترین مردم فرمود کسی که شراب خورد و طنبور زند و عقوبت و مفاسد دنیوی و اخروی

این شوم ترین معاصی بیشمار و بعضی در عیان هفتم در سلک جمیع را بیاب بدونخ

خواهد رفت مذکور است و هرچه مست کند مثل نبید و عرق و فقاع و غیر اینها حکم

شراب دارد

شراب دارد و بکذاشتن حرام است و از رسول خدا ص منقولست هرکه بنک خورد کویا کعبه را خراب

کرده است هفتاد بار و هفتاد پیغمبر مرسل و هفتاد ملک مقرب شهید کرده و هفتاد مصحف سوخته

در ذکر سئوال عقوبت از زنا و فرج حرام است و بروایت امیر المؤمنین ع از رسول خدا ص

پیغمبر فرمود از زنا حذر کنید از انکه در ان شش عقوبت سه در دنیا است برطرف و قطع میشود نور

و روزی و عمر را و سه در آخرت صعوبت حساب و غضب جبار و خلود نار بس حضرت این آیه را

خواند سوّلت لهم انفسهم ان سخط الله علیهم و فی العذاب هم خالدون

و بروایت دیکر فرموده هرکه زنا کند با زن مسلمه یا غیر مسلمه و بی توبه بمیرد بکشاید حق تعالی بر او در

قبرش سیصد و شصت هزار در که از مار و عقرب و زبانه آتش و بسوزند تا قیامت و فرمود هرکه بحرام

بر زنا یا پسری جماع کند محشور شود کنده تر از مردار که مردم همه از بوی او متاذی باشند تا بجهنم

رود و همه اعمالش حبط شود و در تابوتی میخهای آهن بدوزند و در عذاب باشد اکر یکی از

رکهای او را بر چهار صد نفر بکذارند همه بمیرند و از همه کس عذابش بیشتر باشد و هرکه

با زن شوهردار زنا کند از فرج هر دو رود چنانچه از چرک و ریم روان شود پانصد ساله راه و جمیع

اهل جهنم از کند آن متاذی باشند و هر زنی که زنا کند بغیر از شوهر بر شوهرش حرام و بر خدا لازم است

که او را بآتش بسوزاند بعد از انکه در قبر عذابش کرده باشد و فرمود در شب معراج کذشتم

بر زنانی که به پستانهایشان آویخته بودند زیرا که از زنا فرزندی بهم رسانیده و بشوهران خود ملحق

ساخته و ارث شوهر را بایشان رسیده ستوانست در احادیث هرکه زنا کند با حرمت او

چنین کنند و از امیر المؤمنین ع منقولست که روز قیامت بد بوی آید که اهل محشر متاذی

شوند پس ندا رسد میدانید چیست این بو بوی فرج زناکاران است که بی توبه خدا

را ملاقات نمودند لعنت کنید ایشان را لعنت خدا بر ایشان است و نمی ماند احدی

مکر انکه لعنت کند ایشان را و فرمود دروغ کفته هرکه کمان کرد حلال زاده است

و حال انکه دوست میدارد زنا را و هرکه کمان کرد خدا را میشناسد و هر روز و هر شب جراءت

معصیت او میناید و فرموده حضرت صادق ع از سیصد نفر شرک شیطان است

و هفتاد اول عالم بهشت کذشت و فرمود که زانی و دزد و شرابخوار مانند بت پرستند

و از رسول خدا ص ذکر فرموده چهار چیز است که از انها داخل هیچ خانه نمیشود

مکر انکه خراب شود و هرکز برکت ندارد و خیانت در امانت و دزدی و شراب و زنا

و فرمود نشنیدیم هرکز زنا را بخدا مثل نالیدن از سه چیز خون حرام و آب غسل

زنا که بر آن ریخته شود و خواب پیش از طلوع آفتاب کرده میشود و شوم و مفاسد

و شومی زنا در دنیا و عقبی زیاده از حد تحریر است و هفده آیه در ان نازل شده و باید

دانست که انزال در قبل زن حرام دیکر است و عزل واجب است چنانکه منقول است

از رسول خدا ص که کناهی نیست بعد از شرک بدتر از وضع نطفه در رحم حرام و حضرت

و حضرت صادق ع از آن حضرت ذکر فرموده که مردی کنکاری نکرده عظیم تر نزد خدا از قتل پیغمبر یا امام

و منهدم کعبه که قبله عالم ساخته و ریختن منی در فرج بحرام در فرج زنی و فرمود که روز قیامت بدترین

مردم در عذاب قرار دهنده نطفه است در رحم حرام و فرمود چون روز قیامت شود بیاورند زنانی را که

با هم مساحقه نموده اند جامها از آتش و مقنعها از آتش بر سر و زیر جامهای آتش پوشیده و

عمودی از آتش در جوف شان و داخل جهنم کنند و از ان حضرت پرسیدند از مساحقه فرمود که

تکمکنند یاد کنید که آنچه می شنوید بزنها خبر دهید بعد از قسم فرموده داخل جهنم خواهند شد

و هفتاد حله از آتش بالای آنها پوشت کنند که بر ایشان پوشند و کمربند آتش در میان

شان می بندند و ذوموزه آتش در پای ایشان میکنند و در جهنم میباشند و فرمود هر دو

ملعون اند و شرع حد زنا بر ایشان است و فرمود اکر مردی بر بالای مردی رود عرش الهی بلرزد

در آید و خدا ملوط را بر روی جسر جهنم حبس نماید تا از حساب خلایق فارغ شود

انکاه بفرماید که او را بجهنم افکنند و در هر طبقه عذاب کنند تا طبقه زیر و از انجا در نیاید و هرکه

ذکر فرمود و از تفسیر سدوم است که از شهرهای قوم لوط و شرعا هر دو را باید کشت مطلقا

و فرمود که سه نفرند که روز قیامت که خدا با ایشان تکلم و نظر رحمت و تذکیه ایشان نمیکند

و ایشان راست عذاب الیم کسی که موی سفید خود را بکند و کسی که با خود چنین کند

و کسی که مرد دیگر با او چنین کنند و حضرت با قر ع مبتلا نمود که خدا فرموده بعزت و جلال

و حضرت صادق

خود قسم که براستی و هر که بهشت نخواهد نشست کسی که برادر دینی کشنده و امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
لواط پاشش نزد برائت و در و بکفر است. بخدا و رسول خدا ص فرمود که هر که لواطه کند روز
قیامت جنب محشور شود و آبهای دنیا او را پاک نکند و خدا او را غضب و لعنت کند و برا
او جهنم را مهیا نماید و بد جای بازگشتی است جهنم و هر که اصرار کند نمیرد تا مردان او را
طلبند و بروایت حضرت صادق ع فرمود که چون قوم لوط کردند آنچه کرده اند گریست
زمین بخدا تا گریه اش به آسمان رسید و آسمان با گریه اش بعرش رسید پس وحی شد باسمان که سنگ
بر سر ایشان ببارد و بزمین که ایشان را فرو برد و حضرت صادق ع میفرماید هر که بمیرد با جرار
و بلواط البته خدا فرماید یکی از آن سنگها را بر او زنند و هرکس با شد و کسی آن سنگ را
نبیند و در چند حدیث بمعنی تفسیر شده آیه و ما هی من الظالمین ببعید یعنی
این عقوبت قوم لوط از ظالمان است و که این عمل کنند دور نیست و محمد بن شهر آشوب گوید
عمر امر کرد بکشتن غلامی که آقای خود را کشته بود پس حضرت امیر المؤمنین صلواة الله علیه
او را طلبید و از جهت قتل پرسید گفت بزور با من وطی کرد حضرت از اولیاء مقتول پرسید و او را
او را دفن کردید گفتند اری حالا دفن کردیم فرمود بعد از سه روز نزد من آئید فرمود بعمر که غلام
را حبس کن پس بعد از سه روز با عمر نزد قبر رفتند و قبر را نگاه کردند کفن یافتند خالی پس
حضرت تکبیر گفته فرمود والله که دروغ نگفته ام شنیدم از رسول خدا ص هر که

از امت

از امت من عمل قوم لوط کند پس در آن حال یعنی بی توبه و انابه بمیرد آنقدر مهلت
میدهند خدا بعد از سه روز بیشتر نکشد ارواح او را فرو برد تا بقوم لوط برساند پس
با ایشان محشور شود و حضرت رضا ع فرماید در حد لوطی او را بآتش میسوزانند یا دیوار
بر سرش خراب میکنند یا شمشیر بر او زنند که کشته شود خواهر و مادر ملوط برادر حرام است
و در قیامت او را از خلق جدا کنند در کنار جهنم و بعد از حساب خلایق در جهنم میاندازند پس
در هر طبقه معذب خواهد بود تا آخر طبقات و لواط بدتر از زناست چه خدا بدان یا چند
شهر را خراب کرد و در حدیث نبویست که بگریزید از آن و فرمود زنهار حذر کنید از
از نظر و صحبت ساده گان که فتنه ایشان بدتر از دختران پرده نشین است و
و فرمود در خطبه وداع هر که پر کند چشم خود را از زن نامحرم خدا پر کند روز
قیامت چشمهای او را از آتش و بمسمارهای آتش پس بجهنم فرستد مگر توبه کند و
غضب الهی بزن شوهردار که نظر بغیر شوهر خود یا محرم نماید پس حبط کند عمل خیر
که کرده باشد و هر که شوخی کند با زنی که مالکش نباشد بهر کلمه که گفته هزار سال در آتش
محبوس میشود و همین عقوبت بر هر زنی که اطاعت کند مرد بیگانه را و مرد او را
در بغل گیرد یا ببوسد یا بدنش یا شوخی کند یا قبیحی بعمل آورد و اگر مرد جبر کند
وبال آن هم بر او ست و هر که بحرام دست بدست زنی رساند بمحشر دست بگردن

بسته در آید و هر که بسر برد شهوت ببوسد حق تعالی در روز قیامت لجامی از آتش بر سر او زند و
او را هزار سال در آتش عذاب کند و در حدیثی گویا با در خود زنا کرده هفتاد بار و فرمود که کافرند بخدای عظیم
ده کس از امت من فاسق و ساحق و جادو گر و دیوث و جماع کننده بر دبر زن بحرام و با حیوان و با محرم
و ساعی در فتنه و قمار و فروشنده حریر بکافر و مانع زکوة و تارک حج و فرمود ملعونست هر که با حیوان
وطی کند و شرعا گوشت و نسل او حرام میشود و واجبست کشتن و سوختن او و غرامت قیمت آن
و اگر سواری باشد از آن بلد بیرون میکنند و بدانکه قیادت هم از گناهان کبیره است و بحدیث
نبوی بهشت بر او حرامست و همیشه خدا بر او خشمناک است تا بمیرد و شرعا بعد از هفتاد و پنج تازیانه
اخراج بلد و تشهیر میکنند اگر مرد باشند و حضرت صادق ع میفرماید نظر تیریست از تیرهای
زهرآلود شیطان و هر که ترک نظر حرام میکند برای خدا ایمانی باو کرامت فرماید که لذتش را بیابد
و فرمود هر نظر شهوتی در دل میکارد همین نظر برای فتنه او کافیست مخفی نماند که از نظر باعث
عشق مجازی میشود کفر است و از قبیل بت پرستی است [illegible] مشقوق بفرماید مضامین
نمیکند و فرمود بدل از عشق خدا بدل های فارغ از یاد خود محبت غیر خود در [illegible]
در اجرای سؤال عقبه دهم از غنا یعنی خوانندگی و از سخن حرام است بدانکه این زمزمه
شیطان و نوحه شوم اهل خذلان و شغل ارباب شقاق و آشیانه نفاق باجتماع و اتفاق اهل
بیت عصمت صلوات الله علیهم علماء شیعه و اهل وفاق حرام است چنانکه متقدمین و متأخرین

نقل کرده اند

نقل کرده اند بلکه بمثل زنا حرام است و حرمتش از ضروری مذهب شیعه است و از کبایر گناهانست
و مرتکبان فاسق و فاجر است و هر که حلال داند ظاهرا مرتد و کافر است و آیات متکاثره و روایات
متواتره در حرمت آن وارد شده و تا حال احدی از علمای ما قایل بحلیت آن نشده اند مگر جمعی
صوفیه مانند تصوف مخالفین میراث برده اند و از اهم و اعم عبارات میدانند و به تصوف عذر
از امر [illegible] ولیکن برای حفظ ظاهر گاه متعذر شوند و بحدیثی را اگر اصل و صحت و این
معنی هم داشته باشد بجهات شتی ضعیف و استنادیان باطل خواهد بود و بتعارض اصح
و اصرح و اکثر از آیات و روایات و اجماع موافق و بموافقت مخالف و غیر ذلک و گاه
باده وجد و حال خوش وقتی بسماع و حال آنکه آهنگ تار و کمانچه خوش شنوا و ضربان شوهای معشوقان
[illegible] و نغمه با اصول غمزه های دلربای بتان [illegible] افزای بسیار و در این معنی ابلغ عند
و چون مقتضای خواهش از این مزخرفات [illegible] تجاهل و تغافل نمایند و غنا چیست
با کدام است و حال آنکه هر عامی میداند همان سرود و خوانندگیست مانند زنا که معلوم است
هر که حکم خدا را تابع و خواهش خود خواهد چنان رسوا شود و گاهی تخصیص دهند غنا را
باشعار باطل و حال آنکه کلام حق و باطل را در حرمت غنا تاثیر نیست باشتراک فسّاق و عوام
زنها را از قبیل اینست که کسی گوید زنا حرام است مگر بیار زوجه حلال که حلالست [illegible] امثال
این سخن را ناشی نیست مگر از شیطنت و نفاق که اثر غنا و آن مایه غنا و شقاوت است یا از کوری

بچشم بصیرت بموجب حبک یعمی ویصم و نیز مؤید ثابت باشد و انچه از رسول خدا صلعم منقولست
محشور خواهند شد صاحب غنا و خوانندگان از قبرش کور و کر و گنگ چون زناکار و سازنده و
هیچ کس نیست که بلند کند آواز خود را بخوانندگی مگر آنکه خدا دو شیطان فرستد بر دوش
او سوار شوند و پاشنه پاهای خود بر سینه و پشت او زنند تا وقتی که واگذارد و فرمود هرکه
بکشد بصاحب ساز دهد و آلت فساد نزد خدا اشنودتر است از زنا با مادر خود هفتاد
بار و در حدیث است که غنا نوحهٔ ابلیس بود بر فراق بهشت و فرمود نوحه کننده بیاید
روز قیامت نوحه کنان مثل سگ و فرمود نوحه و غنا افسون زنا است و در حسن حدیث
با قرم سیفرماید که غنا از گناهانیست که خدا وعید آتش داده پس خواند آیه و عذاب
مهین و خوار کننده در آن بقر شده و در صحیح حضرت صادق علیه السلام میفرماید خانه
که خوانند سامیشود ایمن نیست از نزول بلاها و دعا که در آن مستجاب نمیشود و ملائکه
نازل نمیشود و فرمود خدا اعراض نموده از اهل آنجا نیاوردی رحمت بر گردانیده
و فرمود غنا آشیانه نفاق است و شنیدن ملاهی و غنا میرویاند در دل نفاق را چنانکه
آب گیاه را و این متواتر است و مجرب بودن سورت ادبار و بسته شدن کار وقت و رقت دل
و عکس کشت و رحمت و دعا که در احادیث وارد شده و فرمود حرمت کنیزی خواننده حرام است
و تعلیم ایشان کفر و استماع و خواندن ایشان نفاقست و فرمود خوانندگان باعث نفاق
وفقر و بی‌ثباتی

وفقر و بی‌ثباتیست و در سوق یکی از آن حضرت پرسید که مرا همسایه ایست که در خلا نشستن را طول میدهم
برای شنیدن غنا و ساز ایشان پس حضرت فرمود این را مشنو بنهایت وحشت و اهتمام تحدی فرمود
نشنیده‌ای قول خدا را که ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا
یعنی به تحقیق که گوش و چشم و دل همه سؤال خواهند شد گفت بلی والله گویا آیه را نشنیده
بودم دیگر نخواهم کرد توبه و استغفار کردم فرمود برخیز و غسل کن و نماز بکن زیرا که به تحقیق در
گناه بزرگی بودی و چه بسیار بد بود حال تو اگر بر آن حال میمردی طلب آمرزش از خدا بکن تو از آن
گرد توبه کن از هرچه او را ناخوش است او ناخوش ندارد مگر قبیح را و واگذار قبیح را با اهلش
که هر کاری را اهلی است و فرمود بعد از فوت آدم علیه السلام شماتت نمود ابلیس و قابیل با هم بملاهی و غنا آدم
پس هرچه از این مقوله است که مردم متلذذ میشوند از آن جمله است و فرمود هرکه در نعمتی
ساز بیاورد و کفران نعمت نموده و در صحیح آمده است که گفتم با آن حضرت سؤالی دارم و حیا
میکنم آیا در بهشت غنا خواهد بود فرمود درختی هست که نسیم بهشت باد خدا را امر است چند
مترنم سازد هرکس که آن صدا را نشنیده شود و صلوات که است که از شنیدن الحان
غنا کرده باشد در دنیا از حضرت امام رضا علیه السلام نیز چنین روایت شده و در تفسیر علی بن ابراهیم
از ابن عباس ذکر کرده از رسول خدا صلعم در حجة الوداع حلقه کعبه را گرفته دعا کرد
و فرمود آیا خبر دهم شما را بمقدمات قیامت سلمان که نزدیک بود گفت بلی یا رسول الله

شهوات
فرمود ضایع کردن نمازها و متابعت شیطان و خواهشها و فرمود قومی پیدا خواهند رسید که
قرآن را بغنا خوانند و حرمت غنا بخصوص قرآن احادیث دیگر هم وارد شده و باید بود
انکه عمومات آیات و روایات کافیست برای حرمت غنا در قرآن و مرثیه هم بلی بلحن
و اندوه خواندن قرآن و مرثیه بی آنکه قصد خوشنده کنی غنا باشد جایز بلکه ممدوحست اما لحن
● حرام که در این مقام مذکور است بقرینه غنا عبارت است از اشعار عشق انگیز فتنه
انگیز که مطرب بغنا مقرون میسازد خصوصا آنها که مشرب صوفی حقانی نامند که نسبت
پروردگار تعالی شانه چیزی چند نسبت میدهند که اگر ببعض و عیال کسی نسبت دهند
از ننگ و عار البته جلای وطن کنند و اگر روز جزا حکم خواهد فرمود میان ما و هواداران
ایشان و چون غنا در قرآن تعبیر شده بلهو و حدیث شامل هر سخن است که از ذکر
خدا غافل نماید احتمال کلی دارد که سخن حرام هم عام باشد و از انجمله است اشعار
مذکوره مطلقا بلکه هر حرام شعر اگرچه منظوم نباشد که بهیج شهوات نفسانی و دل
و شاغل از یاد الهی یا هجو یا ضحک یا عرض مسلمانی باشد و آیات و اخبار در مذمت این
اشعار بسیار است و از آن جمله قصصی که لهو و دروغ باشد و بقول بعض علما
چنانکه حضرت جواد علیه السلام از رسول خدا صلعم ذکر میفرماید ذکر علی علیه السلام عبادت است و
و از علامات منافق است که میدان از ذکر او و اخبار شنیدن قصه‌های دروغ و افسانه
مجو

مجوس و شاهنامه و غیره بر فضایل او و از امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر مجلسی که ذکر خدا
نشود روز قیامت حسرت خواهد بود بر اهلش پس فرمود ذکر ما از ذکر خداست و یاد دشمنان
ما یاد دشمنان خداست و از انجمله سخنی که بمسخرگی یا تقلید کسی برای مضحکه زده شود و
استهزاء کسی شود بلکه از همه افراد جزئیات این قبایح شایع است نموده باشد و حال آنکه شکی
در شر عظیم نیست چنانکه رسول خدا صلعم فرمود یا ابا ذر کسی که سخنی میگوید که جمعی را
بخنداند پس بسبب این فرو میرود در طبقات جهنم بقدر میان آسمان و زمین وای بر کسی
که دروغ گوید که مردم را بخنداند وای بر او و وای بر او و بروایت حضرت صادق علیه السلام چهار
نفر آزار اهل جهنم را زیاد میسازند با این همه آزار که میدانید یکی آنکه چرک و خون از دهانش
سیلان میکند پرسند که چه بوده کار این پس خبر گویند تقلید مینمود پس میدید هر سخن
قبیحی را و از افساد را حکایت میکرد و تتمه حدیث در مظالم مذکور میشود
و بروایت دیگر فرمود استهزاکننده بمردم را دری از بهشت باز کرده خواهند
طلبید چون بیاید با تعب و محنت بسیار پیش بر بندند و مکرر چنان کنند
تا آنکه مأیوس شود و فرمود هرکه سخریه کند مردم را پس به تحقیق عیب خدا را
نموده بخلق او و خدا فرموده قسم بعزت و جلالت خودم که هرکه عیب جوید
از خلق من کند که ملاقات من کند با جمیع اعمالش قبول نکنم و او را داخل جهنم

بکنیم

جهنم کلکنم مگر توبه کند و مرویست که نوح علیه السلام بر سگی گذشت و گفت ما اقبحه سگ باذن
الهی بسخن آمد و گفت اگر راضی نیستی بآفریدن خدا پس مرا تغییر ده یا نبی الله
حضرت متحیر شد و خود را ملامت نموده و نوحه بسیار کرد چهل سال تا ندا رسید که قبول
کردم توبه ترا تا کی گریه کنی و احتمال دارد راستی حرام را اعم از ملاهی هم باشد پس از
الجمله خواهد بود و صرف لغو باعث بر آزار و دلشکستگی مسلمانان باشد پس کم گلی (?)
دار این بر باشد حتی آنکه رسول خدا صلعم در ضبط وداع فرموده هر که با خادم
خود و مملوک خود با هر که باشد بگوید لا لبیک و لا سعدیک او محبوس خواهد بود
در آتش و فرموده هر که بروی برادرش یا پسر او سخن سختی بگوید بگردانند
خدا جان او را در ویل و چاهیست در جهنم و از آنجمله لعن بیجاست و مستدام
ولیت جرات بان و حال آنکه در چند حدیث از حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام
منقولست که لعنت از دهان که در آمد اگر محلش را راه یافت قرار بگیرد و اگر بیجا
بوده بملاعن برگردد و در موثق حضرت باقر علیه السلام فرموده هرگز شهادت
نداد کسی بکفر مگر آنکه برگشت بیکی پس از ایشان طعن مزنید بر مؤمنان و فرموده
هیچ کس نیست که طعن کند در چشم مؤمن یعنی روبرو مگر آنکه بمیرد بمردن
بدترین و میسزد که خیر نبیند و در صحیح علاء العلاء حضرت صادق علیه السلام فرموده
که هرگاه

هرگاه کسی برادر مؤمنش را اف گوید از ولایت او بدر میرود و اگر گوید تو دشمن منی
کافر میشود و خدا قبول نمیکند از مؤمن عملی را بدلی برادر مؤمنش در دل گیرد و از آن
جمله سخن یعنی از عجب و کبر ناشی میشود و بصحیحه از حضرت نوشت بسمع ملاحظه
رسیده که تکلیم کنی بکلام بغی هر کس هر چند ترا خوش آید و از خود و از رسول خدا صلعم
فرموده زودترین شرور در عقوبت بغی است و بروایتی فرموده هر که ایمان بخدا و روز
قیامت دارد باید حرف حق گوید یا ساکت باشد و بوصیت ابا ذر فرموده که هر که خاموش
شد نجات یافت و احادیث در فضیلت سکوت متواتر است ولیکن نظر بجز و فرض بر جو
هست چنانکه حضرت سجاد علیه السلام فرموده بایل و از فضل سکوت و سخن و فرموده
از آفتهاست با سلامتی تکلم بهتر زیرا که خدا پیغمبران را بخاموشی نفرستاد بلکه
بسخن امر فرموده و بصحبت مستحق محبت الهی و نجات از آتش نمیتوان یافت
هرگز نمی ماه را با آفتاب بدل نکنم با امیر المؤمنین صلعم میفرماید همه خوبیها جمع در سه
امر نظر و سکوت و سخن پس هر نظری که عبرت نیست لهو است و هر سکوت بی فکر سهو و سخن
بی یاد حق لغو است پس خوشحال کسی که نظر او عبرت و سکوت او فکر
و سخن او ذکر و بر گناه خود گریان و مردم از شر او در امان باشند و فرموده
بیشترین کلام شما باید یاد خدا باشد و فرموده که کلام خود را از اعمال خود حساب

کشید تا کمتر شود مگر در منبر و در صحیح حضرت کاظم علیه السلام گذشت بر مردی که حرف بیجا میزد
پس ایستاد و فرموده ای فلان بدرستی که املا میکنی و می نویسانی بر دو ملک خود نامه ای بسوی
پروردگار خود پس سخن بگو که بکارت آید و واگذار غیر آن را و در حدیث است
که دلهای پر گویان در غیر ذکر خدا قساوت دارد و بعید اند در غرقاب
و سابعه یازدهم از اقسام دروغ است و در صحیح حضرت باقر علیه السلام فرموده در کتاب
علی علیه السلام است که سه چیز است که صاحب آن نمیرد تا وبال آنها را ببیند بغی و قطع
رحم و قسم دروغ و فرموده قسم دروغ و قطع رحم خانهها را خراب کند و از اهل
خالی و قطع عمر و نسل میکند و در این معنی احادیث بسیار است و در حدیث
قدسی است که برحمت خود نخواهم رسانید هر که را قسم دروغ یاد میکند و نه
نظر کرم او در روایت او ... دوم از اقسام مخوف باسم ... است و نه دروغ
را راستش فقر آورد و در روغنش کور از آتش و در حدیث وارد شده که خدا را
ملکی هست که عرض ... گوششش بالا است و در تسبیحش گوید سبحانک
من عظیم ما اعظمک خدا میفرماید ... بقسم دروغ ... کند و رسول
خدا صلعم میفرماید که برای تعظیم و اجلال حق تعالی ترک کند قسم
دادن غریم را که داند بر دا نمیکند روز قیامت خدا را نگه شود برای
او جایی که منزل

او جایی که منزل خلیلش ابراهیم علیه السلام در طوفان عقوبت عقیره
هم سود حرامی قال الله تعالی الذین یاکلون الربوا لا یقومون الا
کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس اینها که سود میخورند
بر نمیخیزند روز محشر مگر حیران مانند مخبط گشته از مس شیطان و در این کریمه
میفرماید از خدا بترسید و واگذارید آنچه باقی مانده از ربا اگر ایمان آورده اید
پس اگر نکنید آماده حرب خدا و رسول باشید و آیات در این باب بسیار است
و از رسول خدا صلعم منقولست شب معراج دیدم هر چند ... میخواستند
از جا برخیزند نمیتوانستند از بزرگی شکم گفتند ربا خوار بوده در دنیا و فرموده هر که
سود خورد خدا پر کند شکم او را از آتش جهنم بقدر آنکه خورده پس اگر مال
از آن کسب کند هیچ عملی از او قبول نشود و همیشه در لعنت خدا و ملائکه
است تا قیراطی از آن باقی است و فرموده یا علی گناه ربا هفتاد جزو است و سهلترین
آنها مثل زنای مادر است در کعبه و بروایتی زنا هفتاد محرم است در کعبه و فرموده
خدا لعنت کرده است گیرنده و بار او و واسطه و نویسنده و شاهد او را و بروایتی
دیگر شکم ربا خوار در قیامت پر از مار باشد و از بیرون بدن او پیدا باشند و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چون خدا خواهد قومی را هلاک کند ربا

درمیان ایشان پیدا شود و گفتند بروی بیت با هیچ زرد و ملال پیدا اند چون شیر مار فرمود
اگر خدا مرا بر او مسلط میکرد دن او را میزدم و البته اضبار در قتل مستعمل را با خوار بسیار است
ودر موثق فرمود یکدرهم ربا او عظیم تر است نزد خدا از سی زنا با محرم خود کرده باشد و فرمود اول
عارف شوید و بعد از ان تجارت کنید بخدا سوگند که ربا در این دنیا مخفی تر است از اثر پای مورچه
بر سنگ صلب سخت و از حدیث عقرب صاحب پنج گروه ظاهر میشود که ربا خوار بهیچ
بجهنم خواهد رفت و شاید در این مواقف از غیر مصر سوال شود والله یعلم

در عقاب الفحش عقاب روز جزا از شومترین کبایر فحش
سوال میشود و در صحیح حضرت صادق ع فرمود که بدترین و دشمن ترین خلق
خدا روز قیامت بنده ایست که مردم از زبان او ایمن نباشند و این معنی متواتر است
و در صحیح فرمود فحش و بدزبانی از نفاق است و فرمود از علامات شرک شیطان
و در تسویه شک در آن نیست فحاش بودن است که پروا نکند از آنچه بگوید و شنود و در
صحیح از رسول خدا ص هم ذکر فرمود و این معنی هم متواتر است و در موثق حضرت
امیر المومنین ع از آنحضرت ذکر فرمود که حرام است او را بهشت و اگر تفتیش
کنی نیابی او را مگر ولد الزنا یا شرک شیطان در نطفه و در خطبه وداع فرمود هرکه
دشنام دهد مردم مسلمان یا زن محصنه را حبط کند خدا عمل او را در روز قیامت

تازیانه زنند بر او هزار ملک از پس و پیش او و بار دیگر گوشت او بکنند و بعد از ان او را
بجهنم برند و بروایتی اهل جهنم از گند دهان او بفریاد آیند و فرمود که علی لعنت بر او حرام است
و بروایتی فحاش بصورت سگ محشور شود و بروایت حفص صادق ع فرمود که دشنام
مومن مشرف بر هلاکت است و بروایت دیگر دشنام او فسوق است و قتال او کفر و حرمت
مالش مثل خون اوست و در صحیح حضرت باقر ع فرمود به تحقیق که اگر فحش صورتی
میبود بد شکل بود و فرمود که خدا دشمن دارد فحاش و سائل مبرم را و در حدیثی
هرکه بر برادر مسلم فحش گوید خدا برطرف کند روزی او را و بخود وا گذارد و [illegible]
کند بر او بهشت را و در صحیح حضرت کاظم ع فرمود که ابتدا کننده بدشنام ظالمتر است
گناه دیگری بر اوست [illegible] تا تعدی نکرده باشد مظلوم و در صحیح دیگر تا عذر نخواسته
از مظلوم و حضرت صادق ع به سماعه فرمود چیست میان تو و شتر دار تو زنهار
حذر کن از آنکه فحش گوید و فریاد کند و لعن کننده باشی گفتم والله بر من ظلم کرده
فرمود اگرچه ظلم کرده باشد ترا زیاده گرده بر او و فحش بد رستی که این کار از من
نیست و نه با آن فرمودم ایم شیعیان خود را استغفار کن و دیگر این کار مکن
و در صحیح فرمود مردی سه سال دعا کرده پسر طلبید چون اثر اجابت ندید گفت
خدا ادورم از تو که نمی شنوی یا از دیکی همین اجابت نمیفرمایی پس در خواب

که باو گفت تو بازبان فحش گو و بد زبان پاک خدا را میخوانی و نیت غیر صادق پس باز ایست
از فحش و دل متقی کن و نیت خالص و بعد از آن دعا کن پس بعد از آن الهام رسانید و روزی پسر
صدیق آنحضرت را از او مفارقت نمیکرد سه مرتبه غلام هندی خود را تفحص کرد و نیافت
مرتبه چهارم گفت کجا بود در پاین الخطا علیه حضرت این را شنید دست مبارک
خود را بلند کرد بر پیشانی خود زد و گفت سبحان الله دشنام میدهی مادرش را
من دو علی [illegible] تو میدیدم که تو شوم های در شنی هندی مشرکیست فرمود آیا ندا
نسته ام که هر امتی را نکاحی میباشد مرا از زنا پاک کنند [illegible] پس هرگز با او
راه نرفت تا مرگ
در ذکر عقوبه شهادات ناحق که عقیم اقبح اسباب کفر
و نفاق است فروغ و اشنع و افزع افراد دروغ است و مفاسد آنرا دارد بازیاد
در آن منقول است از رسول خدا ص که شهادات دهنده بناحق آویخته خواهد شد
روز قیامت از زبانش و معذب باشد با منافقان در درک الاسفل و بروایتی
فرمود که هفت نفر قبر از قبله رو گردان شوند خمر فروش و مصر بر شراب
شهادات ناحق دهنده و محتکر و ربا خوار و عاق والدین و نوحه گر و فرمود
هرکه کتمان شهادت نماید حق تعالی گوشت او را بخورانند در حضور
خلایق با خشر و داخل جهنم شود و در حدیثی که زبانخود را بجوا بیده

باشد و بجوی ظلمی در روی او باشد تا چشم کار کند و هر آنکس که معروف خلایق باشد و در قرآنست
ومن یکتمها فانه آثم قلبه و بحدیث نبوی شاهد زور مثل بت پرست است
در بیان عقوبه سیزدهم که از بهتانست و در صحیح حضرت صادق ع فرمود
که هرکه بهتان زند بمومنی یا مومنه بچیزی که در او نیست حق تعالی او را محشور گرداند
در جری که وریم فرج زناکاران تا از عهده گفته خود بیرون آید و بروایت ابو الدردا از رسول
خدا ص حق است بر خدا او جزای او را ابد الاباد روز جزا در آتش و بحدیث جابر فرمود بد
ترین مردم کیست که بهتان و فحش گوید و غلام خود زند و عیالش از دست او پناه بدیگری
برند و بهتان و زنا الحش افراد بهتان و قذف است و عقوبت صاحبان آن در تحت ترین
عقبه ها گذشت و موافق آیه ملعون دنیا و آخرتست و در حدیث آنحضرت بالخدای که
بحق فرستاده مرا روز قیامت امر فرماید محصنه را که بیاید نزد قاذف کنند و مخاصمه کند آنگاه
امر فرماید او را بسوی جهنم بدانکه تهمت و بدگمانی بهتان باطنی است و از کبایر است چنانکه
در صحیح حضرت صادق ع فرمود که هرگاه مومن متهم کند برادر خود را ایمان از دلش
بگدازد مانند نمک در آب و فرمود هر که نیست میانه ایشان و هرکه معامله کند با برادر خویش
چنانکه با مردم میکند پس او بری است از چیزی و رباو مغضوبست و از امیر المومنین ع
نقل فرمود که اگر کسی امر برادر خود را به بهترین محمل تا تقیابی ترا بر گر دانند و حرف کان

بر سر تا از خبر مجملی بیابید و در حدیث معتبر حضرت باقر ع میفرمایند اگر کسی بر دست راست تو
برابری در اثنا باشد در جنب تو بیاید حق او سخن خیر بگو و از او بپرس مجوی تا دیگر
هزار روز بشنوی بدرستیکه دلها میان انگشت قدرت حق تعالی است که بهر نحو که میخواهد
میگرداند ببیار اراده را بنده توفیق مییابد و شیخ شهید ثانی از حضرت رسول خدا صلعم
روایت شده که خدا حرام کرده از مسلمان خون و مال و گمان بد بردن و بروایت سابقه هر که
در این پانزده موقف بری الذمه بوده باشد بکمال امنیت در زیر لوای حمد نازل شود
و نامه عملش بدست راستش دهند و در هر جا مواخذ نبوده و با توبه از دنیا رفته
هزار سال بنهایت شدت و ملال در آن موقف محبوس باشد بعد از آن ایستاده شوند
برای خواندن نامهای عمل هزار سال و در حدیث دیگر واقع شده که پریدن نامها مانند تطایر
و ریختن برف است و از امیر المؤمنین ع در حال مؤمن گنهکار میفرمایند چون بر نامه
خود نظر کند از بیم اعمال ناشایست خود بندهای بدنش بلرزه آید آنگاه قهار ندا کند
که ای بنده آیا در این نامه گناه نوشته ایم که نکرده باشی یا از حسنات تو چیزی هست
را ننوشته باشیم گوید ای آقای من تو عادل ترین و بهترین حکم کنندگانی پس ندا رسد
ای بنده من آیا شرم از من نکردی و از عقوبت من نترسیدی در ارتکاب معصیت
و جرات نافرمانی نمودی پس آن بنده با نهایت خجالت و شرم ساری گوید ای پرو

دگارا



وردگارا من را ای سید من و مولای من بد کردم و خطا نمودم تو خداوندا کریمی و مرا در میان
خلق رسوا مکن را در این وقت همه بمن مینگرند و هر گناهی را او شمرد و گوید ای
آقای من از آتش جهنم بترس گوارا تر است از این خجلت پس ندا رسد که ای فلان
گرسنه را سیر کردی خاطر داری و احسان کردی به برادر مؤمن و در بیابان کعبه صدای
لبیک در درگاه من بلند کردی و روزها از ترس عذاب من چون آب از دیده ها روان
کردی و شبها از ترس من بعبادت و بیداری بسر آوردی و دیده ها را از خوف عذاب
من از نامحرم پوشیدی باین جهت جمیع گناهان ترا بخشیدم و بحسنات تو و ثوابهای
بسیار دادم پس در آن حال رو سفید و دلشاد گردد تاج شاهی بر سر و زیورهای
بهشت در بر او کرده امر شود جبرئیل را ببر بنده مرا و کرامت مرا بوی نما پس بجانب
روانه شود نامه خود در انگشوده بمؤمنان نماید و از سرور افتخار و استبشار
گوید هاؤم اقرؤا کتابیه انی ظننت انی ملاق حسابیه پس
در عیشی باشد پسندیده و چون بدر بهشت رسد ملائکه گویند نامه گذشتن خود
را بما ده پس نامه را برآورد و بر او نوشته باشد بسم الله الرحمن الرحیم این نامه
گذشتن است از خداوند عزیز حکیم برای فلان ابن فلان آنگاه ندا رسد که فلان مؤمن
سعادت یافت بعد از آن شقاوت مبدل نشود هرگز و تعبی او را نگیرد و در روایت

سابقه هر که سخی و مال خود را برای روز حاجت خود پیش فرستاده باشد نامه اش
را بدست راستش دهند و خدا اش نماید بر او خواندن نامه را و با لباسهای جنت و تاج
کرامت در سایه عرش بعزت و امنیت بنشینند و حضرت صادق ع میفرمایند جاهل
سخی بهتر از عابد بخیل است و ذکر فرمود از رسول خدا صلعم که جوان گنهکار سخی دوستتر
از شیخ عابد بخیل است نزد خدا و سخاوت درختی است در بهشت شاخهای او در زمان
آویخته پس هر که بچسبد شاخی از آن او را بسوی بهشت کشد و ابن عباس از آن
حضرت روایت نموده که بگذرید از گناه سخی بدرستی که حق تعالی دست او را بگیرد
هر وقت بلغزد و بروایت دیگر فرمود به تحقیق که ابدال امت من داخل بهشت
نمیشوند بنماز و روزه ولیکن بسخاوت نفس و سلامت سینه و نصیحت و خیر
خواهی مسلمانان داخل بهشت خواهند شد و فرمود در زمان قیامت همه آفتابست
مگر سایه مؤمن که تصدق او سایه بر سر او افکند و شمه از فضایل سخی در صدقات
گذشت و بروایت سابقه والا نامه اش را بدست چپش دهند با لباسهای
آتشین ایستاده شود در برابر خلق هزار سال گرسنه و تشنه تا حق تعالی روز قیامت
چه حکم فرماید و بروایتی چون شقی خواهد که نامه اش را بگیرد ملک بر دست او زند و به
پشت سرش و بیرون کشد و روی او را باژگونه نموده نامه بدست چپش داده

شود و قرآن

شود و قرآن باین مضمون متواتر است و سابقاً نیز مذکور شد و بظاهر احادیث نامه که در اینمقام خوانده
میشود همانست که ملکان در قبر بر او نوشته اند و مرویست که چون گناهکار در اثنای نامه
خواندن بگناهی میرسد ساکت میشود پس خدا فرماید چرا ساکت شدی گوید از شرم تو پروردگارا
فرماید که چرا در دنیا شرم نکردی بگیرید او را و ببرید بسوی جهنم

در بیان میزان

و تحقیق بعضی و تفصیل مواقف آن قال الله تعالی والوزن یومئذ الحق فمن
ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون و من خفت موازینه فاولئک
الذین خسروا انفسهم بما کانوا یظلمون و فرموده و نضع الموازین القسط
لیوم القیامة یعنی نصب خواهیم کرد میزانهای عدالت را در روز قیامت باید دانست
و بظاهر بعضی آیات و بعض روایات میزان ترازوی حقیقی است که دو کفه دارد و
میسنجند اعمال نیک و بد را مصور خواهند شد و هر یک را امثال و کمیتی خواهد بود و
هم چنانکه صراط جسمی است و معبری است بسوی بهشت و هم بصحاح وارد شده که مراد
عبارت از عدل و دین قویم و صراط مستقیم و حجج الهی و ولایت امیر المؤمنین و ائمه
هدی صلوات الله علیهم اجمعین و منافاتی نیست که هر دو مراد است میتواند بود چه هر چیزی را صورتی
است ظاهر از این عالم ملک و شهادات و روحی است باطن از عالم غیب و ملکوت و این
معنی عموماً در خصوص نماز و روزه و صدقه و قرآن و سرور مؤمن و غیر ذلک بسیار

وارد شده چنانکه منقولست از امیر المؤمنین ع که شخصی فرمود دایا نمیدانی تاویل نماز خود را
گفت مگر نماز تاویلی دارد بغیر تعبد فرمود بلی بدرستی که خدا محمد را نفرستاد بامری از امور مگر
آنکه تاویلی دارد و تنزیلی و همه اینها دلالت توحید میکنند پس تاویل نماز را چنانکه در فقره
مذکور است فرمود و حضرت صادق ع میفرماید که قرآن بصورت نیکی محشر آید و
حاملان خود را شفاعت خواهد نمود راوی پرسید که قرآن سخن میگوید فرمود خدا
رحم کند ضعفاء شیعیان ما را که آنچه از ما میشنوند اذعان میکنند بعد از آن فرمود
نماز شخصی است و صورتی دارد و خلقی و امر و نهی میکند راوی گوید که رنگم متغیر
شد گفتم این سخن را [illegible] نمیتوانم گفت فرمود هر که ما را بنماز نشناسد حق
ما را نشناخته و انکار ما نموده میخواهی سخن قرآن را بتو بشنوانم گفتم بلی فرمود
در قرآنست ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنكر ولذكر الله
اکبر چون نماز نهی میکند و سخن میگوید و فحشا و منکر مردانند و ماییم ذکر خدا
و ما بزرگتریم و تحقیق این معنی بر تقریر علما میشود نه تحریر مجملا نه مثل حشویه
بانکار باطن خود را از درجات بسیار و فواید بیشمار محروم کن و نه بجرات انکار
ظاهر بمعرض الحاد و زندقه در آری ولیکن در خصوص میزان اخبار بسیار
صحیح است در اینکه میزان قیمت حجتهای خداست و ترازوی مصطلح نیست

امعتزله

و معتزله گویند و بآیات همچنین تفسیر شده در اخبار معتبره و سنگینی و سبکی میزان بمعنی
آسانی و دشواری حسنات است نه اینکه حسنات و سیئات را بیانی هم دارند چنانکه
سنیه گویند بخلاف ضرار امر و معنی است هم ظاهر و هم باطن چنانکه عنقریب خواهی
رسید و بروایت باقر بعد از طی طومار و نامهای کردار میکشند بسوی میزان امام که
با سیاتش بسنجند پس در اینمقام ایستاده خواهد شد بشدتی که بگذشتن هزار سال
و هر که میزان حسناتش راجح و سنگین باشد نجات یابد بیک لمحه و بروایت دیگر فرمود
این بنده را چون بمقام حساب بازدارند خدا فرماید بسنجید نعمتهای مرا با عمل او پس
نعمتها عملها را فرو گیرد آنگاه فرماید نعمتها را با دخشیدم خوبیها و بدیهای او را بسنجید
پس اگر برابر باشد به بهشتش امر فرماید و اگر خیرش بیشتر باشد تفضلها و حسنها
یابد و اگر شرش زیاده باشد پس اگر ایمان باشد محل رحمت الهی هست اگر
خواهی امرزد و از رسول خدا ص منقولست که روز قیامت آدمی را می آورند
و برابر دو کفه میزان بازمیدارند و ملکی بر او میگمارند پس هرگاه عملش سنگین
آمد ندا میکند آن ملک بصدایی که همه خلایق بشنوند که سعید و رستگار شد فلان
شخص بسعادتی که شقاوتی نیست بعد از آن هرگز و اگر سبک باشند ندا کند که شقی
و بدبخت شد فلان شقاوتی که هرگز سعادتی نیست بعد از آن هرگز و در سیر او ورند

بر او ملایکه عذاب گرزهای آتش بدست و لباسهای آتش در بر و نصیب آتش را میگیرند
بسوی آتش و فرمود امر میشود مردی از امت مرا بسبب کمی حسنات و بسیاری سیئات
بسوی آتش پس چون کنند جهنم رسد معاینه جزم نماید بعذاب جزع کند و بلا یکه استغاثه
دیگر کم بگذارید تا گریه کنم بر حال خود جواب گویند سزاوار این بودی در دنیا که از
بعمل آوری تا فایده و اثری بر آن مرتب میشد گوید من از امت محمدم ص و طاقت آتش
و این گمان را به پروردگار خود نداشتم مرا با کافران جمع کنند گویند اینست محمد ص
ایستاده نزد پروردگار خود پس با او استغاثه کن و اگرنه بهاویه جهنم مبتلا خواهی
شد آنگاه فریاد کند به بلندترین صدای خود یا محمد ص پس ملتفت بسوی او شده
گوید او را بمن بسپارید تا بار دیگر اعمال او را میزان کنم بعد از آن بیرون آورد
صحیفه از نور و بر کفه حسنات گذاشته راجح آید پس فرماید این صحیفه صلوات
بر امت فرماید به بهشت برید پس پاهای مبارک آنحضرت را بوسیده گوید اگر تو و صلوات
تو نبودی ملحق باهل هاویه بودم و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید هیچ عملی
در میزان سنگینتر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست و به تحقیق که میزان عمل
آدمی در قیامت سبک می آید و رسول خدا ص صلوات میزان او را
سنگین میگرداند بدانکه فضایل و فواید صلوات زیاده از حد و حصر است

واربعین

و اربعین و در رساله علیحده بخصوص نوشته شده و از بلا اخبار در هشتم روضات در عیان یازدهم مذکور است
و بروایت سابقه آنگاه بازداشته خواهد شد در هر ازده موقف در هر موقف هزار سال
سوال از عتق و آزاد نمودن بندگان خواهد شد بدانکه احوالی چند رومیدهد مکلف را که عتق
و آزاد نمودن رقبه بر ذمه او قرار میگیرد چنانکه در قصد روزه ماه مبارک رمضان و ظهار
با زن خود و قتل و حنث قسم و در مصیبت گریبان دریدن و گیسو بریدن و یا روضه ساختن
و غیر اینها پس میباید آدمی ذمه خود را بری کند پیش از حساب و آزاد کردن بنده ثواب عظیم
هم دارد و بصحیح حضرت باقر ع از رسول خدا ص روایت فرموده بهر عضوی عضوی از آتش
جهنم آزاد شود   از حق قرآن مجید سؤال خواهد شد و در حدیث متواتر متفق علیه
کل امت که رسول خدا ص میفرماید از میان شما میروم و دو چیز عظیم در میان شما میگذارم اگر
بایشان متمسک شوید گمراه نخواهید شد و هرگز از هم جدا نمیشوند تا بر حوض کوثر بر من
وارد شوند یکی و بروایتی بزرگتران دو چیز کتاب خداست که ریسمانیست آویخته
از آسمان بزمین و دیگری عترت من پس نظر کنید و ببینید چگونه میدارید مرا در حق ایشان
و فرمود در روز قیامت حق تعالی خطاب فرماید بقرآن قسم بعزت و جلال خودم که امروز گرامی میدارم
هر که ترا گرامی داشته و خوار میدارم هر که ترا خوار نموده و بروایتی حرمت قرآن بر خدا
مانند حرمت والد است و فرمود هر که او را پیشوای خود داند او را به بهشت کشاند و هر که

سر انداز د بجهنم راند و فرمود یا علی قرآن افضل جمیع اشیاست بعد از جناب الهی پس
هر که توقیر قرآن نموده توقیر خدا نموده و بروایتی فرمود غافل مشوید از قراءت قرآن هر گاه
صبح کنی و هر گاه شام کنی پس بدرستی که قرآن زنده میکند دلی را که مرده باشد و باز
میدارد از فحشا و منکر فرمود بخوانید قرآنرا و گریه کنید و اگر نیاید بجهد گریه
کنید و در حدیث سلمان میفرماید چون مؤمن قرآن بخواند در کوی رحمت بر او گشاید
بهر حرفی که از دهانش در آید ملکی آفریند که تا قیامت برای او تسبیح گوید و فرمود
جلای دلها تلاوت و ذکر موت و فرمود خوبان شما آنها باشند که تعلیم قرآن
کنند و فرمود هر که قرآنرا ختم نماید و بروایت طبرسی بخواند گویا پیغمبری را ایمان
به پهلو او جا داده الا آنکه وحی باو نیاید و در حدیث است که حسرتی نیست مگر در دو نفر
یکی آنکه خدا قران باو عطا کرده پس قیام میکند باو اوقات شب و روز و در حدیث
طولانی حارث همدانی از اخبار یقینی از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است
که گفتم برسول خدا ص پس مفر چیست از فتنها فرمود کتاب خدا که خبر گذشته
و آینده در آنست فصل است نه هزل میل نمی دهد او را هوا و سیر نمیشود از او
علما و فرمود هر که طلب هدایت از غیر خدا او را گمراه کند و هم از آن حضرت
ذکر فرمود هر که قرآن بخواند پس گمان کند که کسی را از آن بهتر عطا شده

پس بر تحقیق

پس بر تحقیق که حقیر شمرده چیزی را که خدا عظیم شمرده و تعظیم کرده چیزیرا که خدا حقیر شمرده و فرمود
هر که قرآن یاد گرفته پس فراموش نماید عمدا آنرا در ست بگردن بسته محشر آید و بهر آیه حق
تعالی ماری برو مسلط نماید که در جهنم با او باشد مگر خدا ببخشد او را و هر که قرآنرا یاد گیرد
بعد از آن در دین متفقه و دانا شود و بعد از آن نزد مصاحب سلطان رود برای طمع فرو
رود بقدر هر گامی که برداشته در آتش جهنم و فرمود هر که با خواندن قران مسکری بیاشامد
یا محبت و زینت دنیا را بر قران اختیار کند مستحق غضب الهی گردد و با آواز بلند ندا
فرموده ای حاملان قران به سبب او تواضع کن تا تو را رفیع مرتبه گرداند و با آن از خلق طلب
عزت مکن که خدا ترا ذلیل گرداند و مزین شوبان برای خدا تا ترا زینت بخشد و در خطبه
وداع فرموده هر که قرآن خواند برای طمع از مردم ملاقات کند خدا را روز قیامت
در حالتی که در روی او هیچ گوشتی نباشد و قران پشت گردن او زند تا داخل جهنم
کند و هر که قران خواند و عمل بآن نکند کور محشور شود و گوید خدایا چرا مرا کور محشور
گردانیدی بینا بودم فرماید همچنان نابینا بودی آمد ترا آیات ما پس ترک و فراموش نمودی
آنها را پس امروز از رحمت فراموش شوی آنگاه امر فرماید او را بسوی جهنم و فرمود
در درجه یهود و نصارا باشد که کتاب خدا را پشت سر انداز و فرمود
عذاب ضایع کنندگان شوید ترا استاد از عذاب بت پرستی و با قرآن خوان را

قرآن او را لعنت کند بترک عمل و یا بغلط یا غنا خواندن و فرمود روز قیامت دیوان
حساب سه تاست دیوان نعمتها و حسنات و سیئات پس نعمتها تمام حسنات را فرو گیرد و آدمی را
بطلبند برای حساب گناهانش در این حال قران با احسن صورتها آمده پیش او روان
شود و گوید خدایا منم قران و این بنده مؤمن تو است که خود را بتعب می انداخت
بطلاوت من و در درازی شب مرا به ترتیل میخواند و چون مرا در تهجد میخواند آب دیده
اشکبار میشد خدایا او را راضی کن چنانکه مرا راضی کرده خدا فرماید ای بنده
مؤمن دست راست خود را بگشا پس پر کند از رضا و خوشنودی و دست چپش را از رحمت
و گوید اینست بهشت مباح است ترا بخوان و بالا رو پس بهر آیه درجه ترقی نماید و این
معنی از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم متواتر است و درجات بهشت بعدد آیات
قرآنست و در صحیح امیر المؤمنین ع این زیاده است پس نمی باشد در بهشت
بعد از پیغمبران و صدیقان بلند مرتبه تر از او و فرمود در هر خانه که تلاوت قرآن
و یاد خدا کرده میشود برکت و ملایکه نازل میشوند و نور می بخشد باهل آسمان و رفع
شیاطین میشود و فرمود بدرستی که خدا اراده عذاب اهل زمین میکند یکی را نگذارد
پس چون نظر میکند به پیران قدم بسوی نماز بر میدارند و اطفال که قرآن یاد میگیرند
ایشانرا ترحم و تاخیر عذاب میکند و در وصیت رسول خدا ص فرموده بر تو باد

بخواندن

بخواندن قرآن و دانستن عمل بانچه در آنست و شب بیداری با آن و تلاوت آن در شب
و روز پس بتحقیق که آن عهد است با و نامه از خدا بسوی بندگان پس واجب است
بهر مسلمانی که در هر روز نظر نماید بعهد خدا اگر چه بپنجاه آیه باشد و فرمود هر که داخل
اسلام بشود و قران بخواند پس برای او است هر سال دویست اشرفی از بیت المال
مسلمین و اگر منع کنند در قیامت خواهد گرفت تمام بمحتاج ترین وقتی و بر
وایتی رسول خدا ص فرمود یا علی ده چیز از جفا است ترک کردن والدین خود او را و
قرآن نخواندن و بی سلام و دعا از اهل قبور گذشتن و در مسجد گذر کردن و رکعت
نماز نکرده بیرون رفتن و از عالم همسایه نگرفتن و جوانی بغفلت ضایع نمودن و حرمت
پیران نداشتن و اجابت دعوت را حلال نکردن و سیر خوردن و همسایه گرسنه
باشد و پیش از نماز جمعه از شهر بیرون آمدن و حضرت صادق ع میفرماید که سه چیز
بیت مؤمن را به بیرد و قرآنرا یاد نگرفته باشد و فرمود دوست دارم که در خانها مصحف
باشد و به برکت آن خدا شیاطین را از خانه رفع میکند و موافق احادیث نظر
بقرآن کردن عبادتست و ثواب تلاوتش از مصحف بهتر است هر چند از بر باشد
و فرمود سه چیز است که در قیامت شکوه خواهند کرد از مردم آنکه ایرا و غبار گرفته
نشسته باشد و خوانده نشود و عالمی که مسائل دین را از او نپرسند و مسجدی که در آن نماز

نکنند و فرمود که شش چیز است که بعد از موت نفع میدهد اولاد صالح و مصحف و چاه
و درخت برای خدا و صدقه و آب جاری و سنت نیکو و طبرسی از رسول خدا صلعم روایت
کرده که اهل قرآن اهل الله اند و خاصه اویند و افضل عبادات قرائت قرآنست و قرآن غنائیست
که غیر آن غنائی نیست و قرآن مائده خداست پس تعلیم گیرید از آن تا توانید و حبل
الله المتین است و پروردگار است و کهنه نمیشود از تکرار پس بخوانید او را که به تحقیق که خدا
اجر میدهد شما را بتلاوت آن بهر حرفی ده حسنه آگاه باشید نمیگویم که الم ده ولیکن
الف ده لام ده میم ده و بحدیث علوی بهر حرفی در نماز ایستاده صد حسنه و نشسته پنجاه
حسنه و غیر نماز با وضو بیست و پنج حسنه و بی وضو ده حسنه و در حدیث حضرت صادق عم
چنین است که در غیر نماز ده حسنه دارد و از حضرت سجاد عم منقول است که استماع
قرآن بهر حرفی حسنه و محو سیئه و رفع درجه دارد و یک ختم قرآن ده چنین ثواب دارد
و در نماز صد چنین ثواب دارد و بحدیث حضرت سجاد عم بعد از ختم البته دعا مستجابست
و در حدیث حضرت سید الشهدا عم باین زیاده هست که اگر شب ختم کند ملائکه کاتبان
تا صبح براو صلوات فرستند و اگر روز ختم نماید تا شام و فضایل حفظ قرآن
در روضه هشتم جنان یازدهم مذکور خواهد شد و آیات و روایات در ترغیب
بمواظبت تلاوت خصوصا در نماز و علی الخصوص در نماز شب بسیار است
و آداب

بکورق تا باید قدو اقلع ... [illegible]

و آداب قرائت و قواعد واجبه و مستحبه را و ضرور است البته باید تحصیل نمود   از جهاد
اکبر و اصغر سؤال کنند که آیا در راه خدا با دشمنان مجاهده نموده صبر و اثبات قدم ورزیده تا با حصول
الحسنیین ظفر و سعادت شهادت کشته باشد و جهاد اصغر با دشمنان ظاهر دین واجب کفائیست
با شرایط و اخلال آن از اکبر کبایر و باعث خواری و رسوائی دنیا و آخرتست و ترک هیچ
عملی بالاتر از درجه رفیعه شهادت نمیباشد منتهای آرزوی دوستان خداست و جهاد اکبر و اهم
و اعظم و بر هر مکلفی واجب عینی مطلق و مضیق است و جهاد اصغر یک مرتبه است مجاهد و مجادله
با نفس اماره است که اعدا و خونخواره است و مفاسدش عظیم تر و مصیبت و ضرر ابش بیشتر
جهل اهم
و بلا تر و شدید تر است که این دشمن خانه که همیشه از دست شیطان و شب و روز در
هلاک دین و تعرض غضب و انتقام رب العالمین و غارتگر نعمت و راحت ابدی و تاراج
کننده لذات و سعادت سرمدی سعی و جهد بلیغ باید چنانکه جناب امیر المؤمنین عم میفرماید
که رسول ایمان صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین بلشکر بعد از مراجعت از غزای فرمود
مرحبا بقومی که از جهاد کوچک برداشتند و جهاد اکبرشان مانده پرسیدند از جهاد اکبر فرمود
جهاد با نفس اماره بعد از آن فرمود که بهترین دلست که در میان دو پهلوی تست و
فرمود مجاهده کنید با آن بکرسنگی و تشنگی که به تحقیق اجر این مثل اجر جهاد است
در راه خدا و بدرستی هیچ عملی دوست تر از این نیست بخدا و فرمود با باذر که ای باذر

متقیان نمیباشد تا از نفس خود حساب کشد شدید تر است از حساب شریک از شریکش
پس بدانند از کجاست شرب او و از کجاست خوراک او و از کجاست لباس او
از حلال است یا از حرام و حضرت باقر عم فرمود که فریب ندهد ترا احوال مردم از
نفس خود که بقول یا بعمل شان غافل نمایند پس بدرستی که امر تو به تو خواهد رسید نه
بایشان و قطع مکن روز خود را باین و آن که به تحقیق که با تو هست که حفظ مینماید
بر تو عمل ترا و ندیدم چیزی بهتر و زود تر در تدارک و جستن گناه کهنه
از حسنه تازه و حضرت کاظم علیه السلام فرمود از ما نیست هر که هر روز حساب نفس
خود را نگیرد پس اگر حسنه نموده طلب توفیق زیادتی از خدا طلبد و اگر معصیت
کرده استغفار و انابه کند بسوی پروردگار و حضرت صادق عم میفرماید زنهار
که غفلت مکنید از نفس خود غافل شدید و زنهار تهاون و کاهلی منمائید در امر
الهی و هر که چنین کند خدا او را اهانت و خوار رساند روز قیامت و فرمود هر که
امروزش مساوی دیروز باشد مغبونست و اگر بدتر باشد ملعونست و هر که نباشد
ترقی در نفس خود به نقصان اقرب خواهد بود و هر که چنین باشد پس مرگ از برای او
بهتر از زندگیست و حدیث علوی هم باین مضمونست و در موثق فرمود هیچ
بدن ضعف نشود از آنچه نیت بر آن قوی شود و در صحیح ابن محبوب فرمود که خدا
تا بنو

نائید از هوای نفس مانند دشمنان که به تحقیق مردانرا هیچ چیز دشمن تر از متابعت
خواهشهای نفس خود و درو دیدن زبانش نیست خدا میفرماید در روز قیامت شیطان بگمراهان خواهد گفت
که مرا بر شما تسلطی نبود مگر آنکه شما را خواندم اجابت کردید پس نفس خود را ملامت نمایید نه مرا بدانکه
هر آفتی که بادمی میرسد بنص قرآن همه از شومی نفس و مطاوعت خواهش آنست و هیچ عبادتی عظیم
تر و ریاضتی نافع تر از معارضه و مخالفت نفس نیست و فوز رتبه شیعه محبت الهی که از اعلی درجات کامل
و اعلی مقاصد انبیا و اولیاست بهمین میسر است چنانکه خدای فرماید قد افلح من زکیها به تحقیق
رستگار شد هر که زینت و مجاهده و تذکیه تطهیر نفس نمود و غرض اصلی و مطالب کلیه بلکه کل مطالب
از ایجاد و تکلیف عباد و ارسال رسل و انزال کتب و مهلت چند روزه دنیا همه در بوته بسی کثیف خاکی
نیست جوهر قابل خود را از اعراض فاسد و کدورات جسمانی آلایش غش و کدورات نفسانی ابرار مجبول
و مجبول شده با آلات شهوت و مالوف گشته بتاب مجاهده و ریاضت پیش از آتش قیامت و ندامت
تصفیه و تمام عیار کرده اند و آن شهباز رفیع پرواز عالم ملکوت و لاهوت را در این عالم ملک
و ناسوت بکمال استعمال جوبال علم و عمل از این منزل شیاطین و حشرات تیه محنت و ضلالت
و اسفلات فلکین در مکان ظلمانی اهل شقاوت و جهالت بأوج معارج روحانی مقربان بار
گاه عزت و جلالت اعلی علیین درجات نورانی اهل کرامت و سعادت برسانی و ظاهر نعمه این
مجاهده و ریاضت بعد از استمداد از جناب حضرت ملهم السداد آنکه در ملک ارباب غیر شاد و دین

والذین جاهدوا فینا ثابت قدم یقین بوفا و وعدهٔ صدق و ظفر و نصرت لنهدینهم
سبلنا قوت فطرت و قدرت همت مستعان و ان صدق عزم و اخلاص را افراشته طریق شرع
انور را نصب العین دیدهٔ بصیرت داشته همت والا نهمت بر استیصال احزاب نفس گماشته بجنود
تعقل و تدبر آیات و روایات و تامل و تفکر در عواقب حالات و عبرت از تغییر احوالات سبب سرکشی نفس
بصر فتح حزن و خشیت و صفا و تازیانه شوق و رجا و ذرات و بکاء و قطره زنان در مضمار ریاضت و علم
تبارز و بتدریج در قلع و قمع جنود متفرقه نفس در مراصد و مخارج طریق مستقیم عقل بر دار
و روز بروز اخذه و قصاص آنکه موجب حیات ابدیست تقصیر و تاخیر جایز نداشته مطیع و منقاد
و اخس ملکه شاکر بر تحمل مشاق و تکالیف شرعیه بسازند و در نصرت جانب عقل و تقویت دین
بهانه الت سر لذت و راحت فانی را در بازند تا آنکه رئیس جنود و قوای نفس از بهیمی
و سبعی و شیطانی از منشأ شهوت و غضب و ابلیس است بالتمام بر تحت تصرف خدام قوت ملکی و عقل
نیفتد از تاروز برود آثار و فرمان سلطان شرع و انوار عدل وزیر عقل به محال از مقر سلطنت
دل بنواحی جوارح تابد و تهذیب اخلاق انسانی و تکمیل ملکات نفسانی و تجارت قرار دار
ظلمت و غرور و میل کل بسوی عالم نور و سرور و سعادت ابد فریب و محبت پروردگار حمد یابد
والا اگر در این جهاد العیاذ بالله تقصیر و تاخیر نماید شاهزادهٔ عقل را که تمام اهل
آسمان و زمین و کل اهل عالم علوی و سفلی دم از غلامی او میزنند و بجهت کسب ملک

دایم بران نوبا مهبط تو نهاده اند بدست خود اسیر و ذلیل غلامان حبشی و اهل سواد کونکشن کن همانند
جمیع بزرلان اطاعت و تسخیر شش در آرند حسب الخواهش خود بهر طرف میل دارند سر اسند و همه
اوقات شریف و ساعات عمر لطیف ترا صرف تحصیل مشتهیات نفس نمایند از یک طرف سگ غضب مانند
منشور الکتب اشیاد دنیا تو را ابراز نیل مراد خود دراه همیشه با مردم در مقام غوغا و نزاع باز دارند و از
طرف دیگر خوک قوت شهوی شب و روز در تلاش اسباب عیش فرج و شکم کسر کرده اسند کر داند
و بوسواس ابلیس پر تلبیس بدام تزویر و مکر و تدلیس انداز دو تو مسکین را او امان حیوان بر میان زده دست
نره درست بسیر منتظر در خدمت خود باز دارند و بهر خدمتی امر فرماید سر قدم ساخته بکمال
اهتمام و استعجال بسر انجام نمودن آن کوشیده با تقدیم رسانند و ب طمع انجمان سرگرم
ملازمت و بندگی خود ... و تو هم آنکه بلکه بر آن همیان ... شغل خدا ترا آفریده سابقه
بتهیه اسباب انواع لذات و کامرانی ایشان نموده نطلبیده یکی یکی عرض غایت ... بد
بسوی دیگری میل کنند بلکه بمصلح و مقوی و وسیلها سازی و در این مهم چاره و حیله انگیزی
پس قلاده بندگی خدمت کلاب عداوت و جدال و خنازیر طول حرص بیملال و شیاطین
طول غرور حیله عبر و بال بگردن انداخته بدون انوار ادب پرستش ایشان قیام و نفر مکن
بردار ایشان تا بتمام اهتمام اقدام نمائی و شب و روز در این خیال او از جانب ایشان
جرات ره صادر تا قوه را خود را بسعادت انجاح و شرف تقدیم آن فایز

دان و فی الحقیقه حیرانک بعد را که هر روز در مقام اخلاص ملک زمین خوانی مغلوب ساخته
خود را بمعرض عتاب الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم
عدو مبین و توبیخ و تقریع افتتخذونه و ذریته اولیاء من دونی
و هم لکم عدو بئس للظالمین بدلا هلاک حسرت و ندامت ابدی کردانی
نعوذ بالله من الخذلان و طول الغفلة و بدانکه مقدمة الجیش لشکر ظفر اثر این جهاد اکبر
شرط این فتوح توبه نصوح است بدون آن هر عبادت و ریاضت ضایع و مکنوب است
والحمد لله ببرکت اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم برای شیعه مرحوم آسان شده که
اگر هزار سال هر روز هزار کبیره نموده شقی ترین اشقیا باشی به یک عزم و مجرد نیت
جزم بطرفة العین از سعید ترین اولیا گردی گویا اصلا گناهی نکرده بلکه بعفو دوستی
خدا و رسول بر بشر علیا محبت الهی فایز شوی بانیکه از گذشته پشیمان شوی میان خود و خدا
قصد و عهد کنی این بعد نافرمانی ملنهها و اگر قضایای کفاره یا حق الناس در ذمه داری
تا تو لا داد قضا کنی و هر چه نتوانی تلافی او بر خداست و تا هفت ساعت گناه مؤمن را
نمی نویسند با انتظار آنکه شاید از مستی معصیت هوشیار و از خواب غفلت عاقبت بکار
بیدار شده بتوبه یا جبر تدارک نماید و بعد از نوشتن هم خدا بیکی از آن چه عمل
... میرسد ندار حضرت صادق علیه السلام چگونه می نویسند مود محو میکنند از خاطر
و ملائکه

و ملائکه براو نوشته اند و وحی میکنند باعضا و بقعه و زبان مهم گناهان آنرا پس
پس در روز قیامت هیچ خبر براو گواهی نمیدهد و در روایت از جابر واردی بعرض رسول
خدا صلعم رسانیده از زنی فرزند خود را کشته توبه دارد فرمود بلی بخدائی که جان محمد در ید
قدرت اوست اگر همه انبیا پیغمبر گشته تایب و نادم شود و خدا از نیت او داند و بر نمیگردد
بمعصیت قبول کند توبه او را و عفو نماید از او پس به تحقیق در توبه کنار است مابین
مغرب و مشرق و توبه کننده مثل کسی است که گناه نکرده ... این حدیث منافی
نیست با آنکه کشندهٔ مؤمن توفیق نمی یابد و همیشه با سالها پیشاره در جهنم خواهد بود چنانکه در آیه
و حدیث واقع شده و فرمود کفاره پشیمانی است و فرمود هیچ کس نزد خدا محبوب تر از
مرد و زن توبه کننده نیست و حضرت صادق علیه السلام فرمود عجب است از بابا امیر رحمت الهی
و حال آنکه محو گناهان با اوست پرسیدند چه چیز فرمود استغفار و فرمود خود را معطر
نمائید با استغفار و در حدیث است که هر درد را دوائیست و دوای درد گناهان توبه و استغفار
و آنکه حضرت پیغمبر نماید روح و شادی خدای مهربان از توبه بنده اش زیاده بر خوشحالی
کسی است که در شب تار راحله خود را گم کرده باشد و بعد از آن بیابد یعنی نهایت سرعت
و کمال مهربانی قبول نماید و در وحی داود است که اگر میدانستند انها که رو
گردانند از من چگونه است انتظار من برای ایشان و مدارای من با ایشان و شوق

بسی ترک معصیت شان البته نمیرند از شوق سوی من و بند ایشان از هم جدا شود از محبت من با داد
ایمن از آن منت در اینها را از من رو گردانیده اند پس چگونه خواهم بود از اراده من در تنبیلین گردانیدم اگر دور داند
و در موثق فرمود که هیچ گناهی نیست مگر آنکه مؤمن بر آن مطبوع است ترک میکند مدتی پس مبتلا
میشود اما از سلیقه اش نیست و در صحیح فرمود که مؤمن نیست مگر آنکه برای او گناهی هست
ترک نمیکند پس مرتکب آن میشود و در حدیث است که اگر شما گناه نمیکردید خدا جمعی دیگر آفرید
و گناه میکردند و مر آمرزید باظهار عفو و در صحیح فرمود خدا دوست میدارد فرمود خدا دوست
میدارد توبه کنندگان را چون مکرر عود بگناه کنند باز کنند میکنند توبه نماید و در صحیح حضرت باقر ع
فرمود هر وقت مؤمن عود بگناه کند باستغفار و توبه خدا بر میگردد بمغفرت و به تحقیق
غفور و رحیم است قبول میکند توبه او را و عفو میکند از سیئات پس زنهار مؤمن را از
رحمت خدا نا امید مکن و در صحیح ابن عمیر فرمود که آدم علیه السلام گفت پروردگارا شیطان را
بر من مسلط بار کرده مجری خون از من پس مقرر گردان برای من چیزی فرمود هرگاه از ذریه
تو قصد گناهی کند نوشته نشود پس اگر بعمل آورد یکی نوشته شود و بقصد حسنه یکی نوشته
شود و اگر بعمل آورد ده نوشته شود گفت پروردگارا زیاده کن فرمود هر که گناهی
بکند پس استغفار نماید بیامرزم گفت پروردگارا زیاده کن فرمود مقرر گردانیدم برای
ایشان توبه را تا نفس بگلو رسد گفت کافیست و از حضرت کاظم ع پرسید سبب [illegible]

[illegible]

را که ملک میلاند گناه و حسنه را فرمود بلا آنکه بدی کند و جوشش مساوی است و در توریات منقول است
که ای ابن آدم اگر نه عفو اهم اشکال است البته مبتلا میشدم اهل را بگناه و در صحیح حضرت صادق ع
فرمود صغیره نمیباشد با اصرار و کبیره نمیشود و کبیره نمیماند باستغفار حضرت باقر ع فرمود اصرار
آنست که گناهی نماید و توبه ننماید و بخاطرش توبه نرسد همان اصرار و در صحیح فرمود هیچ
چیز از طاعت را قبول نمیفرماید با اصرار بر گناه و از رسول خدا ص ذکر فرمود که از علامات
شقاوت خشکی چشم و قساوت قلب و شدت حرص دنیا و اصرار بر گناه و حضرت صادق ع
فرمود چون خدا خیر بنده را خواهد و او گناهی کند او را به بلائی مبتلا میکند و استغفار را
بیاد آورد و توبه کند و الا در نعمت میگذارد و فرمود که ابا ذر نفس مؤمن اضطرابش از
گناه بیشتر از اضطراب گنجشک است در دام افتد و حضرت امیر المؤمنین ع
میفرماید که اخلاص نمیشود مگر بعلت قساوت قلب و قساوت دل نمیباشد مگر بکثرت
گناهان و فرمود خیر و فایده نیست در زندگی مگر دو کس یکی آنکه هر روز کار خیری
زیاد کند و دیگری آنکه بتوبه تدارک کند گناه هر کس خود نماید بدانکه توبه واجب فوری است و هیچ نفس
تاخیر آن جایز نیست بلکه حرام است زیرا که معصیت شبیه به زهر قاتل است بدن و دین را
اگر بهمان دم ساعت باستفراغ و استغفار و رجوع بسوی پروردگار نشود [illegible]
بر هلاک شود و بتاخیر منجر بعدم قبول [illegible] گرده اسباب قساوت و زنگ سیاه در دل منکوس

شده بفکر توبه نیفتد و میل بآن نکند تا فوت فرصت هر چند تفرع و استغاثه کند مهلت
مهلت رجوع بدنیا نیست چنانکه در آیات بسیار و اخبار بیشمار واقع و در تفسیر
لا تلهکم اموالکم تا آخر سوره منافقان روایت کرده اند در وقت جون کندن
چون پرده غفلت از روی کار آدم به تنگ و مار بر داشته شود بر زشتی اعمال مطلع شود گوید
در ملک الموت بچه شود دیگر روز دیگر مهلت ده عذر گناهان خود را از خدا خواهم
و برای چنین سفر پر خطر خود توشه از تصدق و عمل صالح بردارم جواب شنود که ایام
عمر تو گذشت و روزی تو فانی شد و اجل مهلت داد نیست تو نمانده پس بعجز و الحاح گوید
یک ساعت مرا فرصت ده جواب شنود که ساعتها و ساعات عمر تو تمام شده و مهلت
اصلا نیست پس دریچه توبه بر روی او بسته شود و روحش بسوی حلق کشیده شود
ساعتی یأس نومیدی شربت حسرت عظیم و ندامت طویل بر او پیموده باشد و ب
از شدت اهوال و صدمات و کثرت سیئات و ضعف ایمان و قلبه جنود شیطان تزلزل
در بنیاد ایمان او راه یابد اصل دین برجا نماند و ابد الآباد با کفار و اهل عناد در دوزخ
باشد نعوذ بالله من شرور النفس و در حدیث است که [illegible] تا ملائکه بر سر او در اجل شیطان
تاخیر [illegible] شده چون تا حال نرسیده بجو پس گویا اجل در رسید و شما را کوچانیدند
پس از حال ضلال دعوت را در گوشهای خود دارید تا فایده بخشد و بر نفس

[illegible]

افر کنید و از حال امثال من شوید و تدارک [illegible] و مبادرت نمائید به توبه و حضرت صاحب الزمان ع
و علی آبائه صلوات الرحمن فرمود که باید هر یک از شما شیعیان عمل کنید بانچه شما را محبت
ما نزدیک میکند و اجتناب و حذر نمائید از آنچه او را بکراهت و غضب ما نزدیک میکند پس به
تحقیق که امر ما بناگاه خواهد رسید و وقتی که توبه او نفعی ندارد و نجاتش نخواهد داد از عقوبت ما
پشیمانی و ندامت او و قطع نظر از احتمال کی این آفت قطع به هر قدر زود تر توبه کند فواید
و ثوابش بیشتر و بمحبت و قرب و قبول الهی نزدیکتر است و به تاخیر اگر از عهده تکلیف هم بر آید
تدارک تقصیری لازم اهمال و تاخیر است هرگز نخواهد شد مگر به انتقام الهی در دنیا یا عقبی
یا نقصان در ثواب یا خجالت و حسرت عظیم یا عفو الهی و حضرت باقر ع میفرماید اهم تمامی گناهان
شور بلات و شدید ترین آنها آنست که با آن گوشت و خون بروید و داخل بهشت نخواهد شد مگر
پاکیزه و در حدیث حسن بن عمیر از افاضل و اصحاب ائمه معصومین صلوات الله
علیهم که با حضرت کاظم ع عرض کردم که چگونه شفاعت خواهد شد و برای صاحب گناهان
کبیره و حال آنکه خدا میفرماید و لا یشفعون الا لمن ارتضی یعنی شفاعت نمیکنند
مگر برای کسی که خدا پسندیده باشد و مرتکب کبایر نشود فرمود ای ابا احمد هیچ مؤمن نیست
که مرتکب گناهی شود مگر آنکه او غمی بدید آید و پشیمان شود و بیمار ان گردد و رسول خدا ص فرمود
که کافیست ندامت توبه را و فرمود هر که از خوشش آید و بد را [illegible] مؤمن است [illegible]

از گناهی کرده مومن نیست و ظالمست و خدا میفرماید ظالمان را شفاعت کننده نیست عرض کردم ای پسر رسول
نیست کسی که پشیمان نشد از گناهانش فرمود هیچ کس نیست که گناه کبیره کند و میداند که بر آن گناه معاقب
خواهد شد مگر آنکه پشیمان شود و نادم خود تا شب مستحق شفاعت است و هر که پشیمان نشود مصر خواهد بود
و مصر بخشیده نخواهد شد زیرا که ایمان نیاورده بعقوبت گناهش اگر ایمان داشت البته نادم
میشد و رسول خدا فرمود گناه کبیره نیست با استغفار بلکه بخشیده میشود و فرمود معنی اینکه شفاعت
نمیکنند مگر کسی را که مرضی باشد دین او و دین اقرار است بجزاء حسنه و سیئه پس هر که از
دین او خدا راضی باشد پشیمان است از گناهانش چون معرفت دارد بعقوبت آن گناه در قیامت پس
فلان بر حال کسی که خود را مومن پندارد و این حدیث را داند و نادم و تایب نشود و از جمله اعانت
نفس کاهل و تسویل او تاخیر توبه اینکه او را در معرض عتاب و خطاب ... ای نفس تا در بازار
دنیا سود و سرمایه داری از جمیع و کسب درجات نعیم توانی ساخت سوار این چند روزه عمر فانی
نبسته هر چه بگذرد مثل آنست که گذشته و حیران عظیم آنست که نمیتوانند داشت
بر اسب املی تو راه یافته یک نفس حال را در دست داری و از اجل مهلت یافته غنیمت شمار
و در تدارک آن بشتاب و بر آرام باش چه اگر امروز در سلک مردگان میبودی مانند تو
در خیال بخواب بودند و لیکن تاخیر میشود و البته بهزار تضرع و استغاثه از خدا میخواستی
برای تدارک بدنیا برگردی و نیم ساعت و ایام دنیا و آنچه داری از مال و اطفال و عیال میبخشی
والله آن

والله آن ساعت است و این همان روز است و تا میتوانی در عمل مکن و بدان ای نفس که در حدیث
نبویست که بادر اگر به پیری سرعت آمدن اجل را و ... در توبه حاث میشود البته وحشت خواهی کرد
از انها و در برابر تو غافل میکنند بادر بسیار تاخیر مکن بر خود بطول امل که خواهیم بود و خواهیم نمود
و چه بسیار منتظر فردا بفردا این سوار با در هلاکی بر غافل زیاد در آتش پس دیگر برگشتی
و تدارک محالست ای بادر تاخیر کنند در توبه و تدارک چرا انتظار میکشی آیا انتظار میبری دیگر
توانگری ترا او طاغی کند یا افلاس او از خدا فراموش کند یا بیماری ... یا پیری را
از کار مانده یا مرگ بتعجیل در رسد و مهلت ندهد یا مر فتنهای دجال که او بدترین فتنهای غایب
است از نظام خواهد شد یا قیامت را از همه ... شدیدتر است ای نفس حدیث
... هر کرا در خیر وا شود باید غنیمت داند فرصت را زیرا نمیداند کی بسته
خواهد شد پس چون دیگران تاسف و حسرت خواهند برد از تاسف حسرت نو... غفلت
خواهند بود و به تضییع الطاف خفیه و این تنبیهات وافیه همه کس لاانتفاق نیفتد
و با عراض تو از درای خیر که بر روی تو مفتوح شد البته بسته خواهد شد و حضرت
امیرالمؤمنین ع بعد از مناجات مشهور مصدر به الهی ارحمنی اذا انقطع من الدنیا
اثری با عتاب بنفس نفیس خطاب میفرموده که ای مناجات کننده باید ورد کار
بانواع کلام و طالب مسکنی از او در دارالسلام و تاخیر کننده توبه و رجوع بخدا

را هر عام بعد از عام منصف نمی بینم ترا از میان انام پس اگر بدافعه بگذرانی روز خود را
از غافل از آنچه در پیش داری بریاضت و صیام و اکتفا و صبر بر تنهائی و باید که ... از طعام
و احیا داری شب خود را بجد و سعی در نماز و قیام سزاوارتر خواهی بود در رسیدن با شرف
مقام ای نفس بیا همین شب و روز خود را بذکر گناهان شاید ساکن گردانی در ... جنبان با متقیان
و متشبه مانند جمعی باشی که ضعیف و لاغر گشته به حوائج ... ایشان را مستمر و پیوسته است
در خلوتها و عبادات که هنگام شدت گریه و توجه و زاری شان بگریه در آورده اند ترحم برای
مستغفار افزاید و ... ایشان این جماعت نفوس چند بدارند و ... دنیا را زینت
و اختیار نموده اند سعادت عقبی را ایشانند مهمان و وارد خواهند شد بکرامت و
سعادت ... خاطر و زبان کار نیک خواهند شد بسوی منزل ای خود و رسیدن ثواب ...
بیرون کار خود بخوبی و خوش حالی ارباب تقوا و طاعت و با مثال این کلمات ارباب
دل مجروح و سینه مشروح در محاسبه نفس بسیار نوشته اند باز دارد نفس را از بلا زینت
تفکر و ملامت و تذکر شدت خطر تاخیر توبه از نافرمانی و عقوبت و انتقام قهر جبار
و تاسف بر فوت چه فواید عظیمت دنیا و عقبا و چه نعمتهای الهی و چه کرامتهای نامتناهی
را هر کس بشومی معصیت و تاخیر توبه خود را از آنها محروم و بی نصیب کرده و میکند
پس سهولت توجه نفس باید بر توبه و محافظت آن لهذا در فضایل تفکر اخبار
بسیار است

بسیار است و امیرالمؤمنین ع میفرماید عبادت بسیار را نماز و روزه نیست بلکه تفکر در امر
الهی و حضرت صادق ع فرمود تفکر یک ساعت بهتر از نماز یک شب است و در صحیح فرمود
افضل عبادات است دوام تفکر در خدا و قدرت خداست و بحدیث دیگر اکثر و معظم عبادات
ابادر تفکر بود و بدانکه توبه در کیفیت هم متفاوت و مشتمل مراتب بسیار است چنانکه
حضرت باقر ع میفرماید که کافیست پشیمانی در توبه و همین معنی در حدیث نبوی گذشت
و حضرت صادق ع فرمود که هیچ بنده نیست که گناهی کند پس پشیمان شود مگر
آنکه خدا او را بیامرزد و پیش از آنکه استغفار نماید و باید دانست که عزم بر ترک لازم بنا
ست البته بلکه اصل اینست چنانکه از حضرت امیرالمؤمنین ع دیگر فرموده که به تحقیق
پشیمانی بر سیئه باعث بر ترک آن میشود و از حضرت عیسی ع روایت میفرماید
گذشته بر جمعی میگریستند پرسید که چه ... بر گناهان گریه میکنیم فرمود ترک
کنید تا خدا بیامرزد پس معلوم شد که هر که از معصیت باز نه ایستد و توبه نکرده
استغفار کند خود را فریب داده است چنانکه در چند حدیث از حضرت باقر و حضرت
رضا علیهما السلام منقول است که استغفار کسی که در گناه باشد مانند استهزا نمودن
خود است و امیرالمؤمنین صلوات الله علیه استغفاری شنید فرمود بر حال تو گریه
کنند مادرانت چیست استغفار رتبه علیین است و بر شش معنی اطلاق میشود

اول پشیمانی از گذشته دوم عزم بر اینکه دیگر نکند سیم رد حق الناس بر صاحبش یا چون ملاقات
کند حلال را پاک و بری الذمه باشد چهارم قضای فرایض را فوت نموده پنجم تبدیل گوشتی که از حرام
بهم رسانیده باشد بگوشت تازه ششم الم عبادات بچشاند بر نفس چنانکه لذت معصیت چشانیده بود
از رسول صلی الله علیه و آله مرویست که آیا توبه بود تایب طاهر نباشد پس توبه نکرده و اخیر کرد خصاید قضای
نماز و فرایض را ملک یا درست نکرده و شکستگی و تواضع با مخلوقات و پرهیز نفس از شهوات و باریک
گردن گردنها بروزه روزها و زردی رنگها از شب بیداری و صفات باطن یلم خوار و خمیدن
پشتها از خوف آتش قهار و گداختن استخوانها از شوق بهشت باری و رقت قلب از هول ملک
الموت و چسپیدن پوست باستخوان از شدت فکر آخرت و فوت پس چون به اینها بنده را باین صفت
او تایب کامل و ناصح نفس خود است و بروایتی باز فرمود که چند چیز توبه قبول نیست حق الناس
و غیبت و شرک و جاه و از جهاد گریختن و دیگر فرمود چند توبه رجوع است و از هفت چیز بهفت
چیز از جهل بعلم و از معصیت بطاعت و از ریا باخلاص و از کذب بصدق و از تکبر بتواضع و از
حرام بحلال و از خواب شب بیداری بطاعت و فرمود آیا میدانید تایب کیست گفتند نه تایب بنده
که اخلاص از او راضی نباشند یا در عبادات نیاید و تقصیر بنماید لباس و مجلس همه نشان و خلق
و نیت و دل خود را و ایثار نماید یا بر قوت خود را و مراتب توبه کامل بسیار است و از کمال
بمرتبه میرسد حق تعالی گناهان او را بحسنات مبدل میگرداند و بسبب همه گناهان

او را بدرجات رضوان میرسانند چنانکه دلایل قرآن و حدیث بر این شاهدند
سؤال شود از غیبت مسلمانان و زنان خورش سگان نیران و با آیات بسیار و روایات بیشمار از افحش
گناهان و افحش رذایل فاسقانست و باشدت شومی حرمت این شغل مشوم میان خواص و عام
بنهایت شیوع و عموم دارد و رسول صلی الله علیه و آله میفرماید آمرزیده نمیشود تا صاحبش نبخشد و در
خطبه وداع فرمود هر که بشنود فاحشه را و افشا نماید مثل کسی است که خود آنرا کرده
باشد و بروایت حضرت صادق علیه السلام میفرماید که فاسد میکند دین مسلمانرا زودتر از افعال خوره
در جوف آدمی و روزه را باطل میکند و وضو را میکند و در قیامت کسانی از او ظاهر شود
بدتر از اهل مردار و اهل محشر را متاذی کند و فرمود غیبت مکن که ترا غیبت میکنند و چاه مکن
برای برادر مؤمن خود مکن که خود در آن می افتی و هر چه کنی بیابی و فرمود هر که مؤمنی را
سرزنش کند بر گناهی نمیرد تا خود مرتکب آن شود و بروایتی خدا او را در دنیا و آخرت
سرزنش و ملامت کند و حدیثی دیگر فرمود از صفت منافقانست و چون مخالفت
او کنی ترا غیبت کند و هر که غیبت مردم بسیار گوید خود عیب بسیار دارد و در حدیث
است نماز و روزه غیبت کنند تا چهل روز مقبول نیست مگر آنکه توبه کند و بحدیث
غیبت کنند اول قیامت از نامه خود تعجب نماید این نامه من نیست چون حسنات خود نه بیند
گویند بر طرف شده و حضرت صادق علیه السلام میفرماید هر که بقصد خفت مؤمنی روایت کند

خدا او را از دوستی و ولایت خود بیرون کند بسوی ولایت شیطان پس شیطان هم او را
قبول نکند و فرمود غیبت البته خورد حسنات را چنانکه آتش هیزم را و در حدیث معتبر
فرمود هر که غیبت برادر مؤمن کند با عداوت شیطان در نطفه آن شریک شده و بحدیث
معتبر سؤال شده از آن حضرت از کسی که شهادت او مقبول است فرمود هر که بر فطرت
اسلام باشد پس بچشم خود در گناهش نه بینی و دو گواه بر او شهادت ندهند او از اهل
عدالت و ستر است و گواهیش مقبول است هر چند در واقع گناهکار و هر که غیبت او کند
بخصلتی که دارد خدا هرگز میان ایشان در بهشت جمع نکند و اگر ندارد عصمت ایمان
از میان ایشان قطع شود و بدانکه غیبت کننده همیشه در آتشست و بر جا [illegible] جار او د
شخصی بحضرت سجاد علیه السلام عرض نمود فلان ترا بگمراهی و ضلالت نسبت میدهد
فرمود حق هم نشینی او را رعایت نکردی که حرفش را نقل کردی و نه حق ما را از برادر
ما چیزی را نمیدانستیم باکفتی به تحقیق هر که هر دو را در خواهد یافت و قت ... محشر
و روی ... است بکی حاضر خواهیم شد و خدا میان همه حکم خواهد فرمود زینهار اعراض
کن از غیبت که نان خورش سگان جهنم است امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
بپرهیز از غیبت که نان خورش سگان جهنم است و فرمود دروغ گفته هر که گمان
کرده حلال زاده است و گوشت مردم را بغیبت میخورد و فرمود گوشت کننده غیبت مثل

غیبت کننده است و از رسول صلی الله علیه و آله باین مضمون مرویست و فرمود هر که احسان کند برادر مؤمنش را در بر
غیبت او رد کند حق تعالی از او هزار نوع بدی را در دنیا و آخرت دفع نماید بهشت را برا او واجب کند البته
و اگر رد نکند و منع نکند و تواند هفتاد برابر وزر گناه غیبت کننده بر او ست و بحدیث حضرت باقر علیه السلام خدا
او را خوار کند در دنیا و آخرت و در وحی موسی علیه السلام غیبت کنندگان اگر توبه آمرزیده کسی است که به بهشت میرود و الا
اول کسی است که بدوزخ میرود و در موافق خبر طویل مشهور معاد عبادات مغتاب اگر چه مانند آفتاب بدرخشد
ملکی کل براسمان اول رد نموده بر روی صاحبش زند و بعضی افراد غیبت را استثنا کرده اند و السلام ایشف
ابهام مرض صحیح حرفی که ... اگر بشنود ناخوش دارد تا از مفاسد غیبت سالم مانی و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست هر که ترک غیبت نماید پس برای او ست بهشت و در ترک غضب و ترک حسد هم چنان فرمود و در
حدیث معتبر دیگر میفرماید ابو بسید رسول صلی الله علیه و آله را از کفاره غیبت فرمود استغفار برای غیبت شده
و احوط آنست که تا دسترس داشته باشد حلیت از او طلب نماید اما مانع ... نرسد که در قرآن مجید
بعذاب تعبیر شده و آن کبایر است و رسول صلی الله علیه و آله میفرماید یا اباذر نمام راحتی نمی یابد در آخرت از عذاب
الهی یا اباذر از مجالس امانت ... افشاء راز برادرت خیانتست و فرمود هر که به فاحشه سعی کند میان دو نفر
ملک الموت را بفرستد بقبض روح او در حالتی که برو غضب ناک باشد و در صحیح حضرت صادق علیه السلام
از آن حضرت ذکر فرمود بدترین خلق آنهایند که راه روند بسخن چینی و جدائی اندازند میان دوستان
و عیب جویند برای بری از آن و فرمود چهار نفر داخل بهشت نخواهند شد کاهن و خبر میدهد از مردن دانش و منافق

دشنام بسیار دادن و سخن جدال و بحث بی کار که هنوز بریزد یا شراب خورد یا سخن چینی کند و در صحیح حضرت
پیغمبر فرموده است بدترین مردم کسی است که سخن جدال و در حدیثی بر جبل و تمام دنیا فرمود از شنیدن آن سوال
دروغ از شوم ترین
آنکه اکثر نسبت داخس ذمایم منافقان بیان فرموده است چنانکه حضرت امام باقر ع فرمود حق تعالی از برای شر در
و بر بها قفلها زده و کلید آنها را شراب قرار داده و دروغ بدتر از شراب است و امام فرمود که پدرم باولاد
خود میفرمود به پرهیزید از دروغ کوچک و بزرگ آن در هر جد و شوخی زیرا که چون کوچک بزرگ هم میرسد و در صحیح
فرمود اول کسی که تکذیب کاذب میکند حق تعالی است دیگر دو ملک همیشه با او می باشند دیگر خودش میداند دروغ
گوست و در صحیح دیگر فرمود از علامت دروغ گو آنست که خبر میدهد از آسمان و زمین و مشرق و مغرب اما از مسئله
دینی از پرسی خبر ندارد و از رسول خدا ص منقول است که کاذب ملعون است و مومن بخیل و جبان و دروغ گو
نمیباشد و دروغ گو را لعنت میکنند هفتاد هزار ملک و از دهانش گندی بیرون آید که بعرش برسد پس جمله او را
لعنت نمایند و بر او گناه هفتاد زنا ... از تهمت و غیبت و دروغ است و فرمود نمی یابد لذت ایمان را
هیچ بنده تا ترک نشود از جد و شوخی در دروغ و حضرت صادق ع فرمود هر که راست گوید عملش
پاکیزه و مقبول است و فرمود امیر المومنین ع صاحبان مرتبه نزد رسول ص براستی و ادای امانت
و فرمود خدا با راستی گویا نیست و دروغ گو از ایمان دور است و بدرستیکه راست گو بر لب نجات است و دروغ
گو بر کنار خواری و هلاکت است و همچنین مردم هر یک بجزای خود میرسند و فرمود هر دروغ را خواهند پرسید
مگر در سه مصلحت جنگ و صلح و وعده اهل خود و رسول خدا ص همچنان فرموده دروغها را بغیر

و از زنا ...

و افترا داده است و آیات و احادیث وارد شده و لعنت در عقبه ... و فحش و بدعت و فحش
و انکار حق و قسم ناحق و بهتان و حکم و فتوای بی علم افترا است بر خدا و رسول بلکه کبر و عجب و ریا
مذکور است و صدیق کسی است که در کل حال و همه اقوال و اعمال راستگو باشد خصوصا با فاتحه الکتاب
در عبادات و مناجات پس با اطاعت شیطان و خلق در مسخط خالق ایاک نعبد گفتن عبادات است
خالی از صدق و فروغ و ایاک نستعین با طلب اعانت از غیر حق محض افترا است و دروغ تا بدانی از اکثر
انها خود را از اولیاء خدا میدانند مفتریان و دروغ گویانند و سزد که صدیقان در مواقع بسیار
از قرآن و حدیث با انبیا و پیش از شهدا یا بغیر از ائمه صلوات الله علیهم بیان ظاهر شود
و خدا همه را از خواب غفلت بیدار نماید و پیش از فوت فرصت گوش شنوا و چشم بینا کرامت
محل سوال از طلب علم دین و تعلیم مسائل شرع مبین بدانکه باتفاق اهل عقل و نقل
خداوند حکیم غنی جواد عالم و آدم را نیافریده مگر برای غرض عمده سعادات ابدی عباد موقوف است بر معرفت
و عبادت خود و هر دو موقوفند بر تحصیل علم پس همین که آدمی خود را شناخت و بعقل خود این را یافت
که او را با کمال و حکمت او را آفریده و عبث نیافریده بلکه پیش از خلق مطالب بسیار عظیم و
بسیار جسیم باشد ... چنین کار عظیم جهان پروردگار جلیل تواند بود ... حکمت بالغه خود در
آورده بعد از آن عالم را و او را خلق نموده باید بتأمل مبارک شاید بتفحص و تجسس آن مطالب و علم طریق
شکر نعمتها در خود می باید و چون حق تعالی مقدس و منزه است از مخالطه و مکالمه هم کس باید

پیغمبری او را خوب میدانی و قابل اینمعنی باشد برای اعلام و تحقیق این مطالب بفرستد و الا بار خلق عبث
خواهد بود و پیغمبر را فرستاد و چون پیغمبر همیشه در دنیا نمی ماند البته باید خلیفه معین نماید باذن خدا باطلاع
باطن هر کس قابل خلافت است میداند و الا بار خلق عبث خواهد بود نسبت با کثر خلیفه را تعیین نموده
و همچنین هر خلیفه خلیفه دیگر را و چون وصی آخر زمان برای تقیه و مصلحت بسیار غایب است
و کسی باستقلال از او بهره نمی شود مگر بندرت و ضرورت و نشناختن یا ملاقات پس باید البته
شیعه و رعیت خود را در ایام غیبت از حیرت در آورده و براه نجات دلالت نماید و الا باز جمله
عبث و نقص حکمت کامل و اتمام حجت لازم می آید زیرا همچنانکه اصل وجود حجت بجهت نظام
عالم لازم است همچنان برای انتظام دین تعلیم و ارشاد مکلفان ضرور است و آنرا بجا آورده
نموده و شیعیان خود را از حیرت در آورده و فرموده در مسائل حوادث شرعیه که واقع شود
رجوع نمایند و بیایند بسوی عالمان مذهب و راویان حدیث ما به تحقیق که ایشانند حجت من
بر شما و منم حجت الله و این مضمون از احادیث صحاح ثابت شده و در بعضی آنها چنان است
که او را حاکم گردانیدیم بر شما پس هرگاه حکمی نماید و قبول نکنید حکم خدا را خفیف و سبک
شمرده اید و حکم ما را رد کرده اید و رد کننده بر ما بر خدا رد کرده و رد حکم خدا در مرتبه شرک است
بخدا و حضرت باقر ع فرمود اگر بعد از غیبت غایب ما علما نمیبودند هر آینه مردم از امام دلالت
نمایند و از دامهای مکر شیطان و شبهه های ... دهند همه شیعیان مرتد میشدند و ایشانند

بهترین مردم نزد خدا و از رسول خدا ص متواتر است که علما امینان پیغمبرانند بر بندگان خدا
و علما وارثان پیغمبرانند و علماء امت من مثل پیغمبران بنی اسرائیلند و بروایتی ... مرتبه
گفت اللهم ارحم اخوانی پرسیدند از اخوان آنحضرت فرمود ایشان مردمانند ندیده مرا بمن
ایمان آورده اند و متابعت سنت و طریقه مرا نمایند و حدیث ما را روایت کنند گفتند ما برادران
تو نیستیم فرمود شما اصحاب منید و ایشان برادران منند و احادیث در اینمعنی بسیار است و از
این تقریر مختصر فواید نامی بسیار ظاهر شد اول تنبیه بمعرفت الهی و اینکه اصل و حجت
عقل است بی توقف بر نقل و نه کسب آن در او تعلل لازم آید دوم ظهور و فایده خلق با اختیار
بی لزوم اشکال و اثبات معاد از عقل خالی از اختلال سیم اثبات نبوت با سهل و اکمل
از طریق ظهور لطف و غیر آن چهارم اثبات امامت پنجم عدم اساس مذهب سنی با التزام
و تعیین
نص بلکه امر الهی در نصب ... ششم جواب شافی مسکت از شبهه مخالف در فایده امام غایب
در خصوص تعلیم و هدایت و پیش از ظهور هفتم اثبات نیابت علما و اهل بیت رسالت
از ایشان در امر دین بلکه دنیا هم هشتم صفت عالمی که اقتدا و متابعت باو مثل متابعت
... و تعیین علم ... کمال و باعث نجات از شقاوت ... و فوز بدرجات جنان
و رضوان ... الجلال است پس باید از آن جناب متعال ... باید از آن جناب متعال ... و استغفار
تفصیل هر یک مذکور میشود نهم اصل ... آدمی ... تکلیف ... رسید از ... حیات

فرض تر همیان است خود را بصحبت ملازمت علما مبادرت نموده علت خلقت خود را و مسائل
و ملت خود را و کیفیت شکر گذاری ولی النعمت خود را بتفصیل اخذ و برای عمل حفظ نماید
تا از ایشان مستغنی شود یا به تقلید و اطاعت ایشان ضلال را ملاقات کنند و هم اثبات
دین و نفاق و کفر و نفاق هر که از عوام و خواص هر بر این علما رد و استخفاف
کنند و از کبر یا علم سر فراز از امر و اطاعت ایشان سر پیچیده رجوع کنند بحکام عرف یا عالم
قابلیت و اجتهاد در احادیث و علوم اهل بیت رسالت بر زور و سند فتوای متصدی
احکام و متشرع شیخ الاسلام شده از جهال حکم خود را حکم خدا اینداند یا از شرک مثل اند
شمارند و اصلا بر خود و بر مردم ترحم ننموده همه را موافق احادیث بمعرض لعنت خدا و جمیع
ملایکه ارض و سماء و هلاکت ابدی عقبا در آرند اما فضایل تحصیل معرفت و مذمت ترک آن زیاده
بر آنست که از آیات و روایات آنچه ذکر کنیم و از بیشتر آنکه شاد برای اختصار تذکرا
انها را ابتلاوت سوال نموده و از اخبار هم بنوادر اهم اکتفا مینماید با تفاق
و مخالف متواتر است و از رسول خدا ص است طلب علم فرض است بر هر مرد و زن
مسلمانی بدرستی که خدا دوست میدارد طلب کنندگان علم را و فرمود عبادت کنندگان
بهتر از تفقه و تعلیم و فرمود طلب علم کنید اگرچه باید بچین روید و فرمود خیر نیست
در زندگانی مگر برای کسی که عالمی را اطاعتش کنند و شنونده را عمل کند و بحدیث حضرت صادق ع

فرمود اهل

فرمود اعمال کننده بی علم فساد او زیاده بر صلاح اوست و مؤید اینست حدیث مستفیض علم بی عمل و بال است
و عمل بی علم گمراهیست و ضلال ابرار گمراه هر چند راه بیشتر رود از مقصد دورتر شود و همیشه
تشبیه در حدیث است و بروایتی فرمود نیست فرقی میان بی نماز و نماز کننده بی علم و بروایت معتبر
فرمود هر که راهی رود بطلب علم هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند و بهر قدم ثواب شهیدی دارد و حق
تعالی راهی بسوی بهشتش گشاید بدرستی که ملایکه بالهای خود را بر زیر پای گذارند برای طالب علم از روی
خوشنودی و استغفار کنند برای او هر که در آسمان و زمین است هر خشک و تری حتی جنبیان صحرا و ماهیان
دریا و تعلیم برای خدا صدقه و حسنه است و تعلم عبادت و مذاکره علم بثواب تسبیح و نماز تفکر در آن
برابر روزه است زیرا که بعلم واضح میشود حلال و حرام و بنده بر ملک علام و وسیله ارحام و راه دار السلام
مونس است در وحشت و مصاحب است در غربت و وحدت و همدم است در تنهایی و خلوت و راه نماست
در شادی و محنت و حربه است برای اعدا و زینت نزد دوستان خدا بعلم جماعتی را بلند خواهند کرده پیشوا
یان خیر بهمه اند و ملایکه برغبت می نشینند در دوستی ایشان و بال خود را بایشان می مالند و برکت میفرستند
بر ایشان هنگام نماز بدرستی که علم حیات دلها و نور دیدها و قوت بدنها است میرساند بنده را بمرتبه بر
گزیدگان و درجات عالیه در دنیا و آخرت علم را الهام میکنند بسعدا و محروم میدارند از اشقیا پس خوشا
حال کسی که از آن بهره خود را اگر فته و محروم نمانده باشد و هر طلب کنند علم مثل کسی است که روزه بر روزه و
شب را بعبادت ایستاده باشد و عبادت کرده نشود بچیزی بهتر از فقه در دین و عالم میان جهال مانند

زنده است میان مردگان و طالب علم را شفاعت است مثل شفاعت انبیا و نظر بر روی عالم بلکه بدر خانه او
عبادت است هر که علم و عالم را دوست دارد گناهانش نوشته نشود در ایام حیات بهشت و او را واجب گردد
و صبح و شام میکند در خوشنودی خدا هر که عالمی را خدمت نماید هفته گویا بنده که خدا را هفت
هزار سال و نهار در خدمت ثواب هزار شهید دارد و بهر حرفی میشنود و می نویسد شهری در بهشت
دارد و هر که عالمی را زیارت کند به تحقیق مرا زیارت کرده و هیچ مؤمنی نه نشیند ساعتی
نزد عالم مگر آنکه خدا او را ندا کند نشستی نزد حبیب من قسم بعزت و جلالم البته ساکن خواهم کرد
ترا در بهشت و پروا نمیکنم در آن و بروایتی لقمه با عالم مثل اطعام جمیع است محمد ص است و در حدیث
یا اباذر یک ساعت مجلس عالم بهتر است از هزار جنازه شهید و عبادت هزار شب و هر شبی هزار
رکعت نماز و هزار جهاد و دوازده ختم قرآن زیرا که از تعلم دین میدانسته میشود یا اباذر نظر بسوی
عالم بهتر است از هزار عتق ای اباذر به تحقیق فضیلت علم بهتر و زیادتر از فضیلت
عبادت است و فرمود هر که یک باب از علم یاد گیرد قطع نظر از عمل بهتر است از هزار رکعت
نماز نافله و بروایتی روز قیامت او را بهزار قلاده نور مزین و هزار گناه او را عفو و هزار
شهر با وعطا کنند و امیر المؤمنین ع فرمود ایها الناس بدانید که کمال دین در طلب
علم و عمل بآنست آگاه باشید پس عالم او قیمت و ضامن شده البته وفا میکند و علم را نزد
اهلش سپرده و امر فرموده از شما را بیاد گرفتن از ایشان پس طلب کنید تا بیابید

و در بعض

در بعض احادیث تشبیه شده که نور شعور فطری خود را در امور دنیا ضایع نموده صرف رفع ظلمت مشکل
و امر آخرت خود نکنند بکسی که چراغ را در روز روشن کنند و شب در تاریکی مانند و فرمود خیری نیست در دینی
که عالم بمسائل آن نباشد و حضرت صادق ع میفرماید هر که علم دین یاد نگیرد در روز قیامت خدا
نظر رحمت بسوی آن نکند و هیچ عملی از او قبول نشاید و فرمود چون خدا خیر بنده خود را خواهد او را
در دین خود دانا گرداند و چون شیطان همیشه در فکر گمراهی مومنان است و برای
شغل مهلت خود از شما هر قدر آدمی بکمال هدایت نزدیکتر شود سعی در اضلال آن بیشتر کند
از اینجاست که شقاوت و آفت اهل معرفت را اتفاق افتد شدیدتر از شقاوت جهالت است
پس بجان جمع گردیده بدوزخ جهالت ساخته شده میل بجانب معرفت نمودن و الحق نزا
توانستند راه جهل گمراه کرد با تمام تمام اکثر این قلیل را هم در ضعیف تر از جهل هلاک میکند
اما خواص را پس باختیار علوم چند از طلب آنها تضییع عمر است و بتوفیق تحصیل علم را در
حساب گرفتن آن البته زیاده بر جهل خواهد بود و اما عوام را پس بمتابعت و تقلید هر عالمی
بملاحظه شرایط صحت سؤال از او و قبول او پس در جدول برای تنقیح آینده و
مطلب سمت جریان می پذیرد تعلیم علوم نافع منجر در معاد است و ذکر
مفاسد غیر علوم نافع بدانکه نیت صحیح و خلوص شرط لازم است در عموم عبادات
و توفیق است خصوص که در تحصیل علم را افضل و اقدم و اشرف و اهم آنها است

و معلوم است که نیت خالص برای خدا اصلا در نمیتوانند شد بلکه نیت عبادت نمیتوانند کرد مگر در طلب
علم و جناب اقدس اذن بآنکه امر بآن فرموده باشد و آن منحصر است در علم و از آن جناب اقدس صادر
و هیچ خود رسانیده با شما کتاب و سنت است و غور در غیر اینها لغو و معلوم است بلکه بموجب تقریر مذکور بدعت
و باعث ضرر است مطلقا مگر آنکه بعضی اینها را اضاعت داند داخل علم و عبادات و این معنی متواتر است
از ائمه هدی صلوات الله علیهم که هر علمی که از اهل بیت صادر نشده باشد باطل و ضلال است و امیر المؤمنین
[illegible] بکمیل فرمود و اخذ مکن مگر از ما تا از ما باشی و در وصف فقیه حقیقی فرمود قرآن را ترک نکند
برای رغبت بچیزی دیگر و فرمود با سالمی و مردم اتفاق کردند بعلمی نزد او و نزد خدا و رسول خدا
و اهل بیت او جهلش [illegible] اکثر [illegible] از دین خدا و رسول برای او و باز نمود [illegible] نداند اخذ علم نکرده بلکه
از افواه مردم اخذ کرده و فرمود بعضی [illegible] و بعضی [illegible] میکنند و حضرت صادق عم میفرماید هر که اخذ
دین از دهنهای مردم کند همه مردم او را از اهل [illegible] و هر که از کتاب و سنت فرا گیرد از اهل شود کوه [illegible] داد
[illegible] است و فرمود هلاک شما اهل کلام مگر کسی که از ما اخذ کنند و فرمود از میوه [illegible] میکنید و [illegible] میکنید از
[illegible] رسول خدا است و خدا [illegible] باید بگوید [illegible] خبر دهیم [illegible] کار ترین مردم در عمل
جماعتی اند که گمراه و ضایع سعی ایشان در حیات دنیا و حال آنکه ایشان پندارند که از کمال حق
و کار خوب میکنند و فرمود [illegible] و در چند جا فرموده اند [illegible] نبود علم
[illegible] و در حدیث است که علم نافع است موجب قلب [illegible] و منقول است که حکیمی [illegible]

همزوان

صدوق کتاب جمع کرده بود پس [illegible] پیغمبران عصر او بگو با آن [illegible] اثر اهم با آن جمع کنی نفعی
نخواهد داشت ترا تا عمل [illegible] نکنی اول اینکه نخواهی دنیا را در خانه مومنان نیست [illegible] اینکه مصاحب شیطان [illegible]
رفیق مومنان نیست سیم آزار مومنان نکنی که کار مومنان نیست و فرمود علوم نافع را [illegible] در چهار یافتم
اول اینکه خدای خود را بشناسی دویم اینکه بدانی که خدا چه نعمتها بتو داده سیم اینکه بدانی از تو چه خواسته است
چهارم اینکه چه چیز ترا از دین بیرون میبرد و از لقمان علیه [illegible] نقل فرمود [illegible] کفت عالم [illegible] علامت
است اول اینکه پروردگارش را بشناسد دویم اینکه مراد او را داند تا بعمل آورد سیم [illegible] خلاف خواهش
او را داند تا ترک [illegible] و حضرت کاظم عم میفرماید رسول خدا صلعم جمعی را دید که گرد شخصی در آمده بودند
پرسید این کیست گفتند علامه فرمود چه میداند گفتند داناترین مردم است بانساب و وقایع و اشعار عرب فرمود
این علمی است که ضرر ندارد کسی که نداند و نفعی ندارد کسی که داند علم همین سه تا است آیات باقی است
تا قیامت و هر چه غیر اینها باشد فضله و زیادتی است و بکار نمی آید و قصه تنوری و تقصیر نصرت بر آن بیان
تمیز اعظم از اهل کتاب حکمت و معارف منقول است مشهور است و فرمود یا اباذر بدترین مردم نزد خدا
روز قیامت عالمی است که بعلمش منتفع نشود و فرمود یا اباذر هر که از علمی اخذ کند که باعث خوف و گریه
او نشود سزاوار است از اهل علمی باشد که نفع از آن نبرده زیرا که خدا میفرماید ان الذین
اوتوا العلم من قبله اذا یتلی علیهم یخرون للاذقان سجدا الی آخره پس یکون و یبکون [illegible]
خشوعا [illegible] از اشتغال و تداول این علوم [illegible] بواسطه احداث شرکت و منع

[illegible] جمع با سنن موکد است بلکه اخلال بآداب و شرایط کمال قبول واجبات حرام را هم کرده در نهایت شدت است
و حرامش اگر همین باشد دل را از اقبال بمواظبت اعمال موقوف میکند و فطنت او را از مرتبه حضور در شبانه روزی
حضور و فراغ بال مشغول و متفرق میدارد بانکار دقیقه [illegible] در رضا لا [illegible] عمیقه چنانکه بهر [illegible]
کمالیست و خواص عرفا امانت سنن موکده را خیانت نموده ضایع و مهمل گذارند و می فطنت قیام [illegible]
چه اثر میدارد و در حدیث معتبر وارد شده که دلها بد گویان در غیر ذکر الهی قساوت دارند و خود شان بمیند
و این معنی بتجربه رسیده است پس هرگاه چند روز طلا گذارند متنبه نمیشوند و لیکن بسیار دشوار است ترک
شغل را اهتمام در تکمیل و تشیید مبانی آن ضایع شده باشد و لا حول و لا قوة الا بالله رب العالمین

تشحیذ

میرساتیم اسباب تشحیذ ذهن معین است بر فواید علم نافع و این تسویلات شیطان بود المصداق چنانکه
للشیخ بمعنی [illegible] چون از اوان شباب بتقلید اصحاب شیفته آن علوم نامواب بود سخافه اینجانب
دامن گیر نمود با قطع نظر از خطر اجتهاد در برابر نص و تسلیم اعانت از جهتی مضر است بجهات شتی
از احتمال کلی بدعت اهم و اقدم و اعظم آنها حرام است و خطرات شبهات و تقویت اهم و تغییر فطرت
مستقیمه و فهم جبلی چنانکه از بعضی مشایخ حکیم شرب را دخل در اصلاحات میکردند میدیدیم و از جمع
او در عواصر عمر متأسف بودند می شنیدیم و بدیهی است که هر معین فی الجمله مطلوب مطلق
نیست والا علم موسیقی و بعض انواع و کهانت و شعبده در تقویت فکر بیشتر از فلسفه و تحریر او
کمتر نیست و نیز موقوف علیه مطلوب مطلوب است با وجود هر مطلبی از فلسفه نیز در علماء و به طرز تعقل

[illegible]

[illegible] رسانیده و متعلقات آنها بر تقریر توقف و نیز باید اکتفا شود بقدر توقف نه بحد ذی مقدمه و اکتفا
بطریق از اکثر و صرف جمیع ایام تکلیف تا انتهای عمر شریف بتعلیم آنها نعیم از این قبیل است
و در مهلکه عطلان مردم را بکمال تاکید و استعجال خبر کنند و هر که لذا این آفات خواهد سالم ماند و هر روز
بفراغ بال به تحصیل هزار درجه باقیه بر ارتقا و سعادات ابدیه مغتنم و غانم باشد باید فورا تا
فرصتی دارد بتعجیل خود را از این اکثر طرق باین بام رساند و تو سر دو بام ایستاده به پهنی
موانع و عوایق از ششی جهت هجوم آورده و مردم را از بالا رفتن باز میدارند و هر کسی
[illegible] آید در تلاش و گیر دارند و از صد هزار یکی بندرت از دست آنها جسته خود را پیش [illegible]
بهلام اندازند و دامن او روبه تو دارند و عنقریب چند را بتوهیب [illegible] باید کتاخیر و غفلت
از بالا رفتن باز مانده ظفر یافته بهلاکت ابدی میاندازند و ندانی حالا یا یکدم دیگر یا ساعتی دیگر
یا روز دیگر یا ماه یا سال دیگر پس در این هنگامه و غوغا و شورش و غلغله و فتنه و بلا و قلت
فرصت و تنگی مجال مهلت و کثرت عوایق و ازدحام علایق و خروش رحلت خلایق نو
حلیم گوش و چشم و هوش بسته و بخاطر جمع نشسته شروع بفکر و مطالعه و غور و با مثال خود در
مطارحه و شور را آلتی بجهت صعود باعلی مراتب طلوع و هر قدر محکم تر و پاکیزه و تر
بهتر و هر چه قوی تر از سنگ تر گرفتن و گیر مستحکم تر پس سلمی باید از شمشاد بلکه فولاد [illegible]
کمال است و هندی خوش نماتر بلکه مغز پا محکم تر و بر جوهر تر است انکار [illegible] فولاد و اسباب و

دامن اجابت سفر پر آفات بحار معرفت و ظلمات اما بشغل مزوری اشرار و کتابت فجار بلکه محجوب دینی کفار

قیام بعد از آن شروع نموده بتهیه تدارک اعمال و انتقال مسافرت اقدام فرمود در کفات و توشه هر عبادت

از عقود و اسنام معاملات اسباب تحقیقات و تدقیقات و احتمالات و مناقشات و حل شبهات

و طرق استفاقات مبذول دارد و در هر نفسی و وضع هر کلامی شرط وقت بجا آرد و در منازل و قرای

بحث و استقرا بتدقیق و تحقیق انهاء وجوه و بقاء و اشیاء و شرح حواشی و حواشی آن بلکه

شفا امرز و کیفیت تبایع و ترتیب اصطلاحات اولا و ترکیب اجسام از اجزای متجزی یا بعضها

بالا تجزی و اشتغال اموال شاغل هر فضا از خلا و ملا و سکون عناصر امتزاج و تولد یا توالد موالید

ثلاث و ربط معلول حوادث بقدیم و کیفیت بر علت حدوث و احداث و تشخیص حلول صور تسدد هیولای

نامتشخص و تخصیص نصب اوضاع معاملات از تباین و تضاد و اعم و اخص و تحدید معقولات جواهر

و اعراض و تعهد رد هر ایراد و اعتراض و تنقیح فراسخ و امثال بطریق الکس و نقیض قیاسات

صور و تقسیم بر ملال و استنتاج صغری و کبری خارج از حد و سط اعتدال و اشکال عقیم الاشکال

و تعیین علل وسائل و صول نشیب و فراز و کل و جزو و از انواع و اجناس تمهید قضایای مهمل

یا محصور محتمل صدق و کذب بر قصور رسیدن قیاس و تکریر خطابات شعریه و مخیله الاسس

و با کمال وقت و وقار بضبط اوراق و انجار و مرکز و مدار دوایر موهومه سطوح بر ارکان

پا نشار و طول و ارض محیط بحار و تاریخ و زایجه طالع منحوس و مسعود مولود هر دیار

جعفر

استعفار فراسخ بوادی و میول خطوط و انهار و ساعات معوجه و دقایق ناعوات لیل و نهار پرداخته

کمال شعف داشته باشیم اینچنین نیست که در همه وقتی تحصیل البته ترقی اوج بام سعادت نکرده و اکر هم در ضلال

این احوال بتقریب شیخ موت و فوت فرصت بخاطر آید دل خوش کند که در مقدمات خیر مرده هم خیر

خواهد بود پس بعد از محنت و مشقت بسیار و قطع بوادی پر خار و طی مسالک پر خار و اقتحام بحار

کثیر الاخطار هر گاه زنده برگشته حالی داشته باشیم جمع بی خبر را جمع کرده باستفاده آنچه در این سفر پر

رنج از سوانح طریق و وقایع ظریفه متحقق شده معطل سازد و بسا که بسیار از مرگ ناگاه یا بسبب توفیقی از بیراه

بانند سالها و قوت مجال راه بالا نیافته از عروج اوج سعادت محروم و در اسفل السافلین با حشرات ارض

و شیاطین مطرود محشور کرد و بر فرض امان از همه آفات نامحصور سالم بدروه مطلوب برسد بشتاره جمیع

اغراض ام سلعتی از قرنها او تلف کرده عمر این مثوبات و تقربات الهی و ذخایر درجات سامیه نامتناهی

بکار نبرده اند و حسرت و غبن ابدی و ندامت و خسارت سرمدی بمانند و حال آنکه از اول امر

باید که بعد از آن سالک راه شارع واضح نموده بود با من رسیده بنصرت و توفیق و رحمت و تایید

الهی از سبب اطاعت از هزار طرف دستگیری تو میکند البته باعلی مدارج عزت و سعادات ابدی

و اقصای معارج رضوان سرمدی میرسیدی و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم کسی که نه بندار الله

الموجب للمؤعده و المانع له این کلام معلول بخلاف سلیقه اعلام و فحول بعلت عدم وقوف

بفواید این علوم حقیقی و قصور غموض و خوض بفرایدی دارا این فنون تحقیقی است بجلال

عزیز بلکه با اطلاع و اتفاق معاصرین بتوهم اینکه حکمت فلسفه اشرف و انفس معارف یقینی است

اشتغال اوقات عمر با صرف استفاده و افاده و تعلیق مراتب عالیه ان نموده اکثر بالهامات علمی

و تنبیهات الابی متنبه و متذکر و تفکر و بتدریج عیوب با آن اعتراف در نظر انصاف بیشتر نموده از جمله

مبنها در رونما صحیح بیان لطیفه از دست بعض افاضل اهتمام تمام در استفاده این علوم داشت

کرفتم و از کمال دقت و لطافت چیزی بنظر نیامد تا عینکی که او داشت از چشم خود برداشته

بچشم من گذاشت پس صفحه دیدم بدان افشان و سراپا جوهر نشان با کمال صفا و جلا شسته و با

لوان تکلف و تصنع پرداخته مشتمل بر اشعار منظوم و افادات شعریه همه جلیا مرقوم

که آخر هیچ مدعا از و حاصل نمیشد و کسی بمطلوب معنوی از آن واصل نمیشد و نیز گویا

در سایه دیوار مسجد شاه میرفتم دیدم در بعض از درهای آن نوشته بود از آنکه شفا میخواهی بمسجد

داخل مشو الحق اکر در این مراتب اطلاعات بیشتر داشت بر نقد علت جهالت و نجات از ضلال

لیتی میبود مصنفین و مؤسسین قواعد آنها اول و با آن آخر بودند و حال آنکه منشا

کمراهی ایشان کردید و در اسلام بدع عاطله و مذاهب باطله تصوف و الحاد و غیر ذلک

از ایشان ظاهر شد چنانکه نقل کرده اند بو علی خود در پیش اهل دنیا فاجر و آخر وزیر ملوک

اسمعیلیه الشقی کافر بود و اعتقاد بر مجتهدات الهی و معراج و حدوث عالم و علم الله

بجزئیات نداشت و از شاگرد دانش عمر خیام جبر و تناسخ و محمود پیساخوینی شاگرد

بهمنیار از

بهمنیار از شد تلامذه بو علی بود کویند که او را ترغیب ادعای نبوت مینمود و حسن صباح از دلایل فلسفه

ترویج مذهب اسمعیلیه و ملاحده کرد و در بحار و بیت نموده که اسحق کندی فیلسوف عراق بود شروع

نمود بتالیف تناقض القرآن و حضرت امام حسن عسکری ع همه را یک کلمه باطل کرد و اهل کلام

هم اصول اضلال از فلاسفه اخذ نموده اند در ضمن صوفیه مذکور میشود اخذ و مثل نص الهی مسلم نموده اند

از قبیل اینکه تا همه بحد وجوب نرسد محال است که موجود شود و چون علتش تام شد ممتنع است

موجود نشود با التزام همین مقدمه تمام امور شرعی مختلف است از اختیار شرعی و تکلیف عباد ثواب و عقاب

معاد بلکه مثل این خلل در اعتقاد صفات بلکه ذات الهی تعالی شانه انداختند که مردان در راه خدا

از ملامت باک نداشته از در دین این مدعا تر اکوید که این مقدمه را مسلم ندارم و مجبور از محققین

این معنا گویند از بهر از قدم زمان عالم صراحت قرآن و سنت بحدوث زمانی و نیاز از این امر اعیان

وجود قایم بذات باشد با حکم عقل با متناع انقلاب قایم بذات بودن امر اعتباری و عکس آن و بعض صحاح

در اینکه هیچ چیز خصوصا ذات خدا عیان وجود نمیتواند بود و اگر اجل برگشته از سر برگشته بجهت حفظ

شرع گوید که ایشان اصل اصیل این همه تحقیقات محور و در از ستار بر خلاف ضرورت دین مبان و معارض

قول خدا و رسول ایمان و مخالف اجماع اهل شرع متبان است این همه طول کلام و تردد در رد و قبول

این مرام برای چیست عالم کی مرتکب امر عظیمی شده باشد تشنیع سطحی مسند افاده عقل راجع محال

معارض نقل است و حال آنکه خود شان با تسلیم آن مقدمات در جا مهاد ماند اعتراف بعجز فهم مینماید

پس پیش از هدم قواعد شرع انچه مانع میباشد بغیر تعصب و جلال حق تعالی حکم خواهد کرد میانه ما و ایشان در روز
جزا از این جهت است که در احادیث متواتره طعن و ذم اهل کلام شده چنانکه گذشته و نیز شیخ مفید از ابن سنان
روایت میکند که مومن الطاق که از متکلمین شیعه است از من سؤال اذن دخول کرد بر حضرت صادق ع
پس آنحضرت بعد از سخن بسیار فرمود که اذن مده او را بر من به تحقیق که کلام و خصومت فاسد بر طرف میکند
دین را و بروایت دیگر فرمود متکلمین این طایفه شیعه بدترین ایشانند و فرمود بلاست بر شما اقوال ستوی
بحیرت تا از ما شنوید و فرمود هلاک شدند اهل کلام و نجات یافتند مسلمان را ملتفت مجالله انجانند که
بآنحضرت عرض کرد برای الزام خصم احتیاج بآن میشود و فرمود مخاصمه کنید با نچه بشما رسیده از
علوم ما پس اگر بر شما غلبه کنند بر ما غلبه کرده اند و ابن بابویه بسند صحیح از محمد ابن عیسی ثقه روایت
کرده که خواندم در کتاب علی ابن بلال بحضرت کاظم علیه السلام که اصحاب ما از آبای کرام تو علیهم السلام
نقل کرده اند که نهی فرمودند از کلام در امر دین پس شیعیان تو که متکلمند تاویل کنند که نهی مخصوص
کسی است که خوب نمیتواند حرف زد با مخالفان اما است حضرت نوشتند انکه خوب داند و انکه خوب
نداند هیچ کدام تکلم ننمایند که گناهش بیش از نفعش است و بعد از این روایت شیخ ره میفرماید که
احادیث بسیار در اینمعنی متواتر است و در صحیح در تفسیر آیه ان الی ربک المنتهی وارد شده
که هر گاه سخن بخدا منتهی شد ساکت شوید و در صحیح حضرت باقر ع میفرماید زنهار خود را
کنی و خصومت مکن که موروث شک است و حبط عمل و هلاکت و شاید که به حیرت تکلم نماید و آمرزیده نشود
به تحقیق

به تحقیق که بودند در زمان گذشته قومی که ترک کردند تحصیل علمی را که مامور و مکلف بان بودند و طلب علمی
مینمودند که بعهده ایشان نشده بود تا آنکه کشید ایشان را کلام بسوی خدا پس متحیر شدند بحدی که اگر مردی
از پیش رو میطلبیدند از پیش سر جواب میداد و در صحیح فرمود به پرهیز از اصحاب کلام
و خصومتها و از همنشینی ایشان که ترک کردند انچه را که مامور بدانستن ان هستند و به
تکلف و مشقت انداختند خود را به تحصیل علمی که مامور بدانستن ان نشده اند و حضرت امیر المومنین ع
میفرماید زنهار بپرهیزید از جدال که باعث شک میشود و خود را بریب و تشکیک مدارید تا شک و شبهه
بهم رسانید و در دین خدا و صحاح در تحذیر و نهی از کلام و جدال و تفکر در خدا بسیار است و باعث نفاق
و حیرت و کینه و شغل قلب از ذکر خدا و افترا میگردد و به تجربه رسیده و از ابن عباس مرویست
که قومی در ذات صانع فکر میکردند و رسول خدا صلعم ایشانرا منع کرد و فرمود تفکروا فی خلق
الله و لا تتفکروا فی الله و اگر گاهی توهم میشد که علم کلام واجب کفائی
میباشد برای دفع شبهات اما حق انصاف اینست که اگر دفع همه شبهات وظیفه غیر امام هم
باشد عالم بکتب احادیث اصول از عهده آنها بر می آید و این کتب مشتمل است بر جواب اخبار
شافیه متعدده از شبهات معاندین و مخالفین که ائمه ما علیهم السلام فرموده اند و طلبا
انها کافیست برای هر شبهه تازه هم که رو دهد بی آنکه احتیاج بکلمات اصطلاحات فلاسفه
افتد و حقیر بعنی اظهر کل معاصرین و فضلای این شهر مقدم احادیث مشکله و مطالب

غامضه اصولیان را بعنوان الکلی بعنوان تقریر و تحریر نمایم که اصلا باصطلاح منطق و کلام هم
احتیاج نشود الحمد لله و حاصل در تمیز عالمی که اقتدا و سؤال او و اطاعت و تقلید در اقوال و اعمال او
مانند طاعت خدا و رسول عود برابلکه خواص ایشان باعث سعادت و نجات ابدی و موجب کرامت بلکه اعلا
مرتبه رضوان و لذات و درجات بهشت میتواند شد بدانکه در او شرط معتبر است باجماع جمیع
علمای دین اول علم بعلوم اهل بیت علیهم السلام بود چنانکه گذشت دوم عمل بمقتضای تعلیم نمودی
رسول خدا صلعم میفرماید علما امینان پیغمبرانند بر بندگان خدا تا اختلاط دنیا و سلطان نکنند چون کردند
خیانت پیغمبران کرده اند پس ایشانرا معزول کرده باشید و حذر نمایید و امیر المومنین صلوات الله علیه
از عیسی ع ذکر فرمود که دنیا درد دین است و عالم طبیب دوای دین پس چون به بینید که طبیب درد را
خود میکشد او را متهم دارید چون خیر خود را نخواهد خیر خواه دیگران نخواهد بود حضرت صادق ع
میفرماید چون عالمی را به بینید که دنیا را میخواهد او را متهم دارید بر دین خود که هر کس عیوب خود را
میطلبد شاید دین شما را بدنیای خود ضایع نماید به تحقیق که وحی شد بداود ع که اختر از راه محبت
من بر میگرداند بدرستی که ایشان راه زنان بندگان منند مگر عقوبتی که ایشان را میکنم اینست
که لذت و حلاوت مناجات خود را از ایشان سلب میکنم و از رسول خدا صلعم ذکر فرموده که
دو صنفند از امت من که صلاح ایشان باعث صلاح جمیع امت منست و فساد ایشان فساد جمیع
امت من فقها و امرا و حضرت امام حسن عسکری ع از حضرت سجاد ع ذکر میفرماید که حسن
ظاهر فریب

ظاهر فریب محو ربیل که بسیار است که دین را دام و تله دنیا کرده اند چون بمال حرامی رسد نمیگذرد
و اگر هم ضبط خود نمود فریب او را نخورید که شهوتهای مختلف میباشد بسا از حرامی عفت میورزد و حرام
دیگر از مشتهیات نفس مرتکب میشود و اگر از همه عفت دارد باز زود فریب مخورید تا ملاحظه عقل
عمل او کنید و بسیار ندارانچه بنا دارانی فاسد میکنند زیاده بر آنکه را بعقل اصلاح میکنند و عقل را
استوار یافتید باز زود فریب مخورید تا هنگام غلبه خواهشهای نفس به بینید تابع آنها میشود یا تابع
عقل و به بینید چون نست محبت او بریاستهای باطله و مطاع بودن و زهد ش در دین زیرا که میباشند
بعضی ترک دنیا و آخرت شود دنیا را برای دنیا و ریاست عتبار ترک میسنمایند پس حضرت این آیه را
خواند با این معنی که چون باو گویند از خدا بترس تکبر و حمیت و جاهلیتش گیرد با اینکه مرتکب گناه شود
ایشست کردن دیلمی زیاتر کند بس است او را جهنم پس خطبها میکنند و نهایت ریاست
برسد انکه همد الم لطف از ان نموده در طغیان افتند پس حلال میکنند حرام را و حرام میکنند حلال را
و پروا ندارد از هر چه از دینش فوت شود چون ریاست دنیوی او سالم ماند برای ان تقوی را
اظهار مینماید ولیکن مرد تمام کسی است که خواهش خود در تابع امر خدا و قوای خود را
صرف رضای خدا کند و بداند که با حق و راستی که خوار باشد عزت ابدی دارد و عزت باطل
زود فانی است و بداند که اندک مشقت دنیا بر اتباع حق بنعمتی میرسد که او را مرکز

روال و کهنه نه کند دارد و بر آنند و سرور بسیار بمطابعت هوا نمود میکنند و از ابعد ابی که انتها
ندارد و اینچنین مرد مرد تمام است پس باید متمسک شوید و به برکت او بخدا متوسل بشوید و از دعای او
دعای او و حاجتش او است و رسول خدا صلعم میفرماید یا اباذر چون به پاس برادر خود در از اهل دنیا
پس بشنو از او به تحقیق الحکمت بتو القا میکند گفت کیست زاهدترین مردم فرمود که فرا
موش نکند قبر او پوسیده را و ترک کند زیادتی زینت دنیا را و اختیار کند باقی را بر فانی و فردا
را از ایام خود نشمارد و خود را از مردگان شمارد یا اباذر به تحقیق بدترین مردم در منزلت
نزد خدا عالمیست که بعلم خود منتفع نشود و قومی از بهشت بقومی از جهنم مطلع شده گویند چه چیز
شما را بجهنم برد و ما ببرکت شما به بهشت آمدیم گویند ما میگفتیم و عمل نکردیم یا اباذر هر موافق بخود و
فعلش را پس ان کسی است که بهره خود رسیده و الا غیر ان نیست که توبیخ خود را اظهار کرده فر
مود وای بر عالمی که خواهش نفس تکلم نماید و هیچ کس عذابش شدیدتر از آن نخواهد بود
و بروایتی هیچ عالمی بدار الملک سلطان نمیرود که باعتبار ملک شریک او باشد در آتش دوزخ و اکثر
در منع اقتدا و پیروی عالم بی عمل در مسئله دین و مذمت علمای آن بسیار است و در حدیث
عیسی عم واعظ غیر متعظ تشبیه شده بشمعی که خود بسوزد برای نفع غیر و بغربال که بر به
دقیق و لطیف را بیرون میکند و انچه نخاله و درشت را برای خود نگاه میدارد و خدا
در قرآن میفرماید یا ایها الذین امنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتا

عند الله

عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون و ترک موعظه هم بجای خود فایده ندارد بلکه بترک اعظم
واجبات کرده بلکه ابتدا بموعظه نفس خود نموده بارشاد مردم بپردازد و عمل مقدم بر قول است چنانکه در
وصیت ابوذر اشعار لطیفی بان گذشت و در صحیح حضرت صادق عم میفرماید که شدیدترین عظیم
ترین مردم در عذاب روز قیامت کسی است که امر بعدل کوید و خود نکند و بحدیث انحضرت این علامت
عالم بودن از ایمان است پیش از مردن شیطان سلب خواهد نمود نعوذ بالله الرحیم و فرمود خدا عملی
را قبول نمیکند مگر با معرفت و نه معرفت را مگر با عمل بدرستیکه اجزای ایمان بعضی حاصل و بعضی
مربوط و فرمود عمل مقرونست بعلم پس هر که دانست عمل میکند و هر که عمل کرد دانا میشود و علم
مطلب عمل را اگر اجابت کرد میماند و الا علم هم میرود و در حدیثی است هر که عمل کند بانچه داند
حق تعالی علم انچه او نداند باو بفهماند و به تجربه رسیده همچنانکه بزیادتی معرفت
احوال مبدا و معاد زیاد میشود شوق عبادات و باعث محبت و قرب مبدء و نجات از اهوال
در آخرت حاصل است و همچنین بعمل بر طبق آن شوق و زیادتی آن نور معرفت بیشتر و روز
بروز دل روشن تر میشود و بجایی که از حالت سابق استغفار میکند و بترک عمل روز بروز
ظلمت و قساوت دل زیاده شده بمرتبه میرسد که مانند ارباب علوم باطله بر انبیاء از سوام
کالانعام بل هم اضل و کمراه تر و در عبارت پاکتر و حضور تر میباشد و علت آنکه شقاوت و
توفیق الهی شامل حال هر کسی بباشد که اول به نیت صحیح عمل علم را از نفس واله

از لوث هوا و سیئات و کثافات زمایم صفات تنقیه و پاک نموده پاکیزه نگه دارد والا از قبیل مقویات
پیش از تنقیه باطن مریض و حرم باعث زیادتی قوت مواد فاسده میگردد و از عالم وضع و نشو
لطیف بظرف قذر کثیف تعفن ان ظرف البته بهمان قدر لطافت حال و کثافت محل بیشتر میشود و معلوم
است که عالم بی عمل و غیر شرعی به نیت صحیح تحصیل نکرده از این جهت از غیر عالم افسد بتراند بلکه
عوام عمل بمتابعت علما شنیده اند تشیع و محاسن آثار ائمه هدی صلوات الله علیهم به مرتبه از
رشد و صلاح میتوانند رسید از علما نقل مسائل دین برای هدایت و ارشاد مردم توانند نمود مانند
اکثر راویان اخبار و مردم هم از این قسم عالم میتوانند حدیث و مسئله شنید زیرا که هر چه از
علما درست ضبط نکرده به فتوای او دارند به تکلیف عمل نمیکنند اما از ان قسم عالم پاک
نمیتوانند شنید و طریق تحصیل علم عوام را به تضییع عمر و جهالت خود را از سعادت رتبه
عالم بودن محروم کرده ام منحصر بهمین نخواسته در مثوبات و درجات علما شریک خواهند
بود چنانکه در حدیث مستفیض نبوی است هر که چهل صباح در عبادت خدا اخلاص ورزد
خدا چشمهای حکمت و معرفت از دل بر زبانش جاری کرداند و بصحیح حضرت صادق عم
میفرماید هر که از امت من چهل حدیث از مسائل دین حفظ نماید خدا او را عالم فقیه محشور
نماید و فرمود یا اباذر هیچ بنده در دنیا زاهد نشد مگر آنکه خدا نابت گرداند حکمت را در دل
او و گویا گرداند بحکمت زبان او را و بینا ساخت او را بعیوب دنیا و درد و دوای او را

باو نشناسانید

باو شناسانید و بیرون برد او را از دنیا سالم بسوی دار السلام بهشت و فرمود هیچ عملی چون یقین درست
نیست و برانکه احادیث در آداب علم برای خواص و عوام را مراتب انها موجب ترتب مطلب البته میشود بسیار است
بمرجوع بکتب آداب متعلمین و حضرت صادق عم در حدیث طولانی عنوان بصری را طلب علم و تعلم آداب آن از
انحضرت مینمود فرمود علم بتعلم و درس خواندن نیست بلکه همان نوریست که حق تعالی در دل کسی که خواهد او را هدایت
او را پس هرگاه علم خواهی بطلب اول در نفس خود حقیقت بندگی را و طلب علم کن باستعمال آن و طلب فهم کن از
خدا تا بفهماند ترا گفت کدام است حقیقت بندگی فرمود سه چیز یکی اینکه بنده خود را در چیزی که خدا داده مالک
نبیند زیرا بندگان ملکی نمیباشد و مال را مال خدا دانسته انچه فرموده صرف کنید دیگر اینکه خود را امد بر خود نساند
دیگر انکه شغل خود را در انچه خدا امر و نهی فرموده معروف دارد پس چون خود را مالک چیزی ندانست آسان
شود بر او خرج در مصرفی که خدا فرموده و چون تدبیر خود را تفویض بخدا نمود آسان شود بر او
مصیبتهای دنیا و چون مشغول امر و نهی الهی شد فرصت نزاع و مباهات با مردم ندارد پس هرگاه
خدا گرامی داشت بنده را باین سه کرامت شود با دنیا و شیطان و مردم و طلب دنیا نمیکند برای تکاثر
و تفاخر و طلب چیزی را نزد مردم بهت نمیکند برای عزت و رفعت ایام عمر خود را باطل و لا نمیکذارد و بعطلت
و بطالت پس این اول درجه تقوی است و فرمود حق تعالی تلک الدار الاخرة نجعلها
للذین لا یریدون علوا فی الارض و لا فسادا و العاقبة للمتقین گفت
مرا نصیحت کن فرمود ترا به نه چیز وصیت میکنم که آنها وصیت منست به مرید راه بسوی خدا سؤال

میکنیم و از خدا مر اتوفیق استعمال آنها بدهد سه در ریاضت نفس و سه در حلم و سه در علم پس حفظ آنها
و ریشهارا تهاون و سهل انگاری مکن اما آنها که در ریاضت است پس خور کن از خوردنی که اشتها به تحقیق او موجب
بلا و حماقت است و مخور مگر هنگام گرسنگی و حلال بخور و نام خدا ببر و بیاد آر حدیث رسول خدا ص
که پر نکرد آدمی هیچ ظرفی را بدتر از شکم خود باشد اگر ناچار باشد ثلثی برای طعام قرار ده و ثلثی برای
مزار و ثلثی برای نفس خود اما آنها که در حلم است پس هرکه بتو گوید اگر یکی گوئی ده تا شنوی تو بگو اگر
ده تا بگوئی یکی نشنوی و هرکه ترا دشنام دهد بگو اگر راست گوئی خدا مرا بیامرزد و اگر دروغ گوئی
خدا تورا بیامرزد و هرکه ترا وعده ناسزا کند تو با و وعده نصیحت و دعا کن و اما آنها که در علم است پس
سؤال کن از علما هرچه ندانی و زینهار بپرهیز از اینکه ایشان بنفاوت و تجربه و حذر کن از عمل برای اخذ حرز
و اخذ کن با احتیاط در جمیع آنچه راهی بسوی آن یابی و بگریز از فتوی مانند گریز از شیر و گرگ
خود را جسر برای مردم مکن و فرمود طالبان علم سه قسم اند یکی طلب میکند علم را برای
جدل و ... و یکی برای کبر و زیادتی و فریب مردم و یکی برای عمل اول بیهوده مردم است و متعرض
گفتگو میشود در مجالس در دانش و علم خود را بسیار یاد میکند و خشوع را بر خود می بندد و خدا دماغ
و بینی او را بکوبد و پشت او را بشکند دوم صاحب مکر و حیله است و با امثال خود از علما برسر بالا دست و زبان
درازی و گردن کشی و با اغنیا شکسته ... فروتنی مینماید و چرب و شیرینیهای ایشانرا خورده دین خود
را برای اینها ضایع کند خدای نام او را کور و اثرش از میان علما برطرف و ... گرداند سیم ...

علمای

علمای و محزون است و شبها بعبادات بیدار است و تحت الحنک میبندد بر کلامی اصرار دارد در
تاریکی شبها بعبادات می ایستد و از عبادات همیشه ترسان از استکبار قبول نشدن عبادات و از عقوبت
و پیوسته مشغول دعا و تضرع است اقبال او ... و بکار خود کرده متوجه اصلاح خود است اهل زمانه
خود را میشناسد و از اوثق ... و برادران خود در حذر است مبادا دینش را فاسد کند
پس خدا ارکان او را محکم کرداند و از خوفهای قیامت در حفظ و حمایت خود و امان خودش نگاه دارد
و اطلاع عوام بصفات عالم شرعی در علم و عمل او اقتدار و متابعت او سو قوف بر
اینست حاصل میشود به معاشرت و ملاحظه صلاح او در حالات مختلفه از رضا و شدت و غضب و غفلت
و شهوت و خلوت و مشاهده پرهیز او و طاعت و اخلاق و تواضع و زهد در دنیا و ملاحظه عقل و انصاف در قول
و فعل و احتیاط او در امر دین و فتوی و نقل حدیث و محافظت آداب فرائض خصوصا نماز
از کمال وقت و حضور قلب و عدم وسواس و مواظبت سنن مؤکده و عدم مبالات و همچنین بشهرت
میان خلق خصوصا عرفا ارز بواطن امور مطلع می بوده باشند ارباب قرض بنا شده علما را بیشتر
حسد می برند در مقام اقدام عوام از هر دو طرف افراط و تفریط بسیار می لغزند اما از طرف
افراط پس هر عالمی بلکه هر صاحب سوادی را دیدند در نهایت فصاحت حرف بسیار میزند بنقلها
قریبه و طرح مسائل عجیبه و حل اخبار مشکله و قصص علما و اعصار و سیر فقهای هر دیار گویند
اینست افضل مجتهدین و همین است پیشوای اهل دین هرچند فاقد ... و جهالت باطن او را فرد

علمائیکه

گرفته باشند و همین افراط آخر منحصر به تفریط و باعث بی اعتقادی بعلما هم میشود و این هم از شومی علما
سوء و ضرر اینها نسبت بدین و امیر المؤمنین ع میفرماید او نفر شکستند در این دنیا دو بار
زبان آور فاسق و نادان عابد او بزبان آور دارد مردم را از راه حق در میبرد بسبب فجور و این از راه
عبادت نمیاید مردم را از راه حق باز میدارد بسبب جهل پس بپرهیزید از علمای فاسق و جاهلان
متعبد شنیدم از رسول خدا ص هلاک امت من بر دست هر منافق زبان آور است و بروایت
دیگر فرمود تورات کلمه تمام شد او است دارم اهل صحیح مطالعه کنم عالم بی عملی با ابلیس
برابر است و سلطان بی عدل با فرعون برابر است و غنی فیض مالش را نبرد با مزه در برابر
است و فقیر را تملق غنی بطمع با سگ برابر است و زنی چادر شده از خانه در آید با کنیز برابر
است اما در طرف تفریط پس بمحض شنیدن یا دیدن صدور امری از علما بد نماید هرچند محامل
جمیله تو ان داشت یا مکروه و ترک اولی باشد و منافی عصمت هم نیست یا بعض گناهان اصرار
نموده فورا بتوبه از آن اعرفند مبادرت نماید او منافی عدالت نیست کمال تامل و تحقیق ننموده
بوسوسه شیطان جن و انس طعن بر ایشان زنند و بظهر غفلت و تفسیق ایشان دین
و آخرت خود را بالمره فاسد کنند و حال آنکه ایشان هم بشرند گناه از ایشان بعید و بدیع
نیست و بندرت در امور معاش و معاملات مردم الازمه زندگیست به بعض امور ناالیق
اتفاق می افتد تا بمرتبه اصرار و بی مبالاتی در امر دین نرسد مانع اقتدار و متابعت ایشان

نمیشود بلکه موافق

نمیشود بلکه موافق احادیث اطلاق فسق و فجور بر ایشان نمیتوان کرد هرچند کبیره و اصرار بر گناهان
هم بکنند اگرچه در صورت اخیر متابعت و تقلید پس نمیتوان کرد تا توبه او معلوم نشود مگر در
صورت استفتاء محض تقلید نباشد چنانکه بروایت از رسول خدا ص اخذ کنید از علما آنچه
صاف است و واگذارید آنچه ناصاف است و به تحقیق حق تعالی برای عالم هرآینه در روز
قیامت هفتصد گناه را نبخشیده برای جاهل یک گناه مجملا هرکسی را حسن ظن برا و باشد جمیع
اقوال او را باید بر محمل خوب حمل کرده هرچند بعید باشد و دیگر همین که بعض علما را اکثر و اشهر
ایشانرا خالی از عمل یافتند از قاطبه علما بی اعتقاد شده باین بهانه گمان میکنند تکلیف از مدار
آن در این زمان بوجود عزیز علما است از ایشان ساقط شد و ذمه ایشان از دین اسلام بر
شد پس دست از طلب علم و علم برداشته خود را نزد خدا معذور پندارند غافل از اینکه تکلیف دین
اسلام را تا قیامت مستمر است البته با وجود علما صورت ندارد و باید به تفحص و تجسس پیدا کنند
هرچند در ظلمات ولیکن آب حیات باشند و الا بی شک بیدین خواهند بود خود شنیدم از اعرف
معارف امرای عصر در عذر ترک تطلب علم که عالم عمل بقول او توان نمود فلان و فلان
را اعرف و اشهر فضلای عصر نزد حال ایشان معلوم او به چه رتبه از رشد و صلاح و قیقس
و فلاح رسیده اند تا از اثر علم ایشان تابعان و متعلمان ایشان چه رسد انکه بعد از تمهید آن
و تمهید از این رای کفر آمیز اعانه نموده عذر خواست و الحق این عقیده جمعی است

مراز دین بیرکانه اندو الآیه تقریب پله و در ابتدا این موقف گذشت بایست بفکر این افتاده
باشند اهم چنانکه بترک هجرت بسوی اهل رسالت و تحصیل علم از ایشان غرض از ایجاد مختل
مینماید همچنین در این زمان بترک هجرت بسوی علماء و طریقه ایشان و تحصیل علم از ایشان غرض
مختل فوت میشود و اگرچه در این اوقات بعلت هجوم حوادث ایام و قلت تمکین فرمان فرمایان
انام و سوانح آخر زمان علماء موصوفین در کنج خمول متروی‌اند اما خدا طالبان را وعده فرموده
است که ... و بدانکه چون به سبب مذکور و شورش هرج و مرج و فتور اهل بدعت و ضلالت در این زمان
در لباس علما اشتهار و کثرتی بهم رسانیده باضلال جهال مشغول‌اند برای هدایت یا اتمام حجت
اهل غفلت در این قحط هدایت برای تنبیه غافلان باید مثل این حقیر بی‌بضاعت و در مرتبه
اشاره خاتم الانبیا ص شود و فرمودن خاتم الاوصیا ع و سه فصل شنیع بحال اهل بدعت و طعن
ایشان عموما و خصوصا میبرد از لیهلک من هلک عن بینة و یحیی من حی
عن بینة باید دانست که هر عملی بغیر سنت احمدی و طریقه محمدی ص بدعتست و هر بدعتی ضلالت
است و بازگشتن آن بسوی آتش دوزخ است بحدیث متواتر نبوی ص بطرق خاصه و عامه
فرموده توبه صاحب بدعت قبول نمیشود زیرا که در دلش محبت آن جا کرده و در دیگری و در
صحیح حضرت صادق ع میفرماید صاحب بدعت پشیمان و زنجیر در گردن بسته و قرار داد
نگشاید تا خدا توبه اش را قبول فرماید پس وحی شد به پیغمبر آن زمان که بعزت و جلال

خودم اگر

خودم که اگر اینقدر مرا بخوانی که بندهای تو از هم جدا شود مستجاب نمیکنم دعای تو را و قبول
نفرمایم توبه تو را تا زنده کنی آنهایی را که گمراه کرده‌ و برگردانی و فرمود که هر که حجت میبندد از ایمان
برابر دراکنند برای خلاف حق قایل شود و بران بماند و این معنی در صحاح متواتر است
و در بعضی آنها میفرمایند که آن ناصبی و دشمن ماست و مخبر از شرک و کافر شده بنا دارند و در حدیث
از بدعت تعبیر بمعارضه خدا شده و رسول خدا ص میفرماید هر که نزد صاحب بدعتی رود و او را تعظیم
نماید سعی کرده در خراب اسلام و از اشنع و اشیع بدع تحصیل علوم بر وجه شرعیت
چنانکه گذشت و از آنجمله فتوی دادن جمعیت قابلیت آن ندارند بلکه شروط آن را هم ندانند
و در این زمان بحدی رسیده که هر که بتلاش یا اقبال جهال و اوباش متمکن از فتوی در مسایل
اسلام و اجرای احکام کرده بعقل و فهم یا بمحض اینکه کتابی دیده یا شنیده بجرات حکم و فتوی
افترا بخدا و رسول می بندند بلکه و تعصب استنکاف و قرار بجهل نمودن از رسوای سوز جزا
نمیترسند و در سه آیه متوالی از این بدعت تعبیر شده بکفر و ظلم و فسق و در بعضی اخبار
بمشاره و معارضه جبار و رسول خدا ص میفرماید اباذر هرگاه علمی از تو پرسند که نمیدانی
بگو نمیدانم تا نجات یابی از عقوبت و فتوی مده بجهت آن که علیا تا از عذاب شور قیامت
نجات یابی و فرمود هر که فتوی دهد و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه قرآن را نداند خود و دیگران
را هلاک کرده و این معنی متواتر است و ضروری دین اسلام است و حدیثها است

اجری ترین شما بر آتش عقبی جری ترین شما است بر فتوی و حضرت باقر ع در صحیح
میفرماید هر که فتوی دهد مردم را بی علم و هدایت لعنت کنند او را ملایکه رحمت و ملایکه
عذاب و با او رسد گناه هر که بخبر فتوای او عمل کند و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید حذر
مینمایم شما را از دو خصلت که در آنها هلاک شده هر که هلاک شده زنهار که فتوی بر آن رأی
زنهار عبادت خدا نکنی به چیزی که نمیدانی خلاف رضای معبود در آنکه ... و همیشه امتیاز شیعه از سنی
این بوده و احادیث کثرت و شورش لعن و طعن مفتی بغیر علم بمرتبه الیست که بعضی علما
قابلیت احتیاط در فتوی و نقل مسئله شرعیه و تعلیم مردم نمیکنند اگرچه اینهم بدلایل
بسیار خطا است بلکه قالب اوقات قایت بر بدعت مذکوره اسعد و سه آیه متوالی
اشاره با نها شده احتمال کلی در این شیوه هم میکنند و حضرت باقر ع میفرماید
حق خدا بر خلق اینست آنچه دانند گویند و آنچه ندانند توقف و سکوت نمایند و از آنجمله
الحاد و تصوف است که الحق سعی علما اهل بیت عصمت و اعانت سلاطین حق‌کوش
اعتقام بر طرف شده بود تا در این اوقات بعلت فتور و اختلال و تشویش اوضاع
و احوال ایشان و غلبه مخالفان دین اثر بیت و تقویت صوفیه و ملحدین
نمودند باعانت شیاطین جن و انس از زوایای خمول و خذلان پیدا شده و اصل
این معنی و موضوع و اصطلاح صوفیه کیست که گویند ما کنه ذات حق تعالی کیفیت

خلق او را

خلق او را نشناخته‌ایم او عین وجود و هستی هر موجودیست در ظهور مینماید در اطوار فاسدات و مظاهر
موجودات بعینه مانند تشکل شمع باشکال و اهیه و صور غیر متناهیه و مظهر کرده قالبهای مختلفه از کبیر
و صغیر و طویل و قصیر و غلیظ و رقیق و غیر ذالک از جمادات و نباتات و انسان و حیوانات متصور شده است
و صور کاینات و حقیقت هیچ نیست بغیر خدا باقی اعتبار محض خیال و پندار است پس هر چه هست عین
خدا است حتی سگ و خوک بلکه خودشان هم و خطای امثال فرعون که دعوی الوهیت نمود همین
تخصیص خدا بخود بوده و شیطان را ابلیس الموحدین دانند چون خود را موحد پنداشتند و هر که غیر این
نفهمیده یا بتعصب و فور تشنیع ابا نموده و چون بنای این بدعت از مجوس و کفره نصاری منکوس
و فلاسفه منحوس بوده و در عهد جباران اهل ضلال بر خلاف و رغم ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین
تجدید آن نموده بعضی متشبه بوالهوس بخلط عجیب اطوار ایشان بعقاید حقه بعضی گوی سبقت
ایشان ربوده اند و با کفر و مفاسد ظاهره این عقیده احتیاج نیست بتحقیق علماء ارضه آنکه از ظهور
مذهب و تغییر ذات الهی و بطلان تکلیف شرایع و ثواب و عقاب و غیر ذالک و فروع این مطلب
حق قبایحی که شیطان بخاطرشان دمیده برای فریفتن هر احمق شقی ظاهر از عشق بازی و وصل
امرد و ملاهی و دست بازی و سرود خنیا نیدن و رقاصی و سایر قبایح و فضایح و معاصی که هرگز
ندیده و نشنیده و آیات و احادیث متواتره است در کفر و لعن ایشان و متابعان ایشان عموما و خصوصا
بسیار است و هر آیه و حدیثی و دلیلی که در مذمت و بدعت و افترا بخدا و رسول واقع شده در طعن

ایشان صریح است و در کتاب حدیقة الشیعه منسوب بمولانا احمد اردبیلی رضی الله عنه وعنا بعبد رحمته صحیح
از چندین نسخه ایکه در زمان مصنف نوشته شده ذکر فرموده بدو سند صحیح از حضرت امام رضا ع
که هرکه صوفیه نزد او مذکور شود و انکار و طعن ایشان نکند بزبان و دل او از ما نیست و هرکه انکار
وطعن ایشان نماید گویا با کفار جهاد کرده پیش رسول خدا ص و در صحیح امام حسن عسکری ع
میفرمایند که زمانی بر مردم آید خنده رو و دل سیاه باشند و در میان ایشان سنت بدعت
و سنت و طریقه پیغمبر بدعت باشد و مؤمن ذلیل و محقر باشد و فاسق عزیز و موقر امراء ایشان جاهل
و جور کننده و علماء ایشان در درگاه ظالمان سیر کنند و اغنیاء ایشان دزد توشه فقیران کوچک ایشان
تقدم جویند بر بزرگان و هر نادانی نزد ایشان دانا تمیز نکنند میان مخلص و صاحب شک و نشناسند
میش را از گرگ علماء ایشان بدترین خلقند بر روی زمین میل میکنند بسوی فلاسفه و تصوف بخدا
سوگند ایشانند از حق برگشته و منحرف مبالغه نمایند در محبت مخالفان و گمراه کننده شیعیان
ما و دوستان پس اگر بمنصبی رسند از رشوه سیر نشوند و اگر معزول شوند بریا بندگی خدا کنند به
به تحقیق ایشان راه زن مؤمنانند و دعوت کننده بشیوه ملحدان پس هرکه بایشان برخورد
باید حذر نماید و البته دین خود را از ایشان نگهدارد پس فرمود یا ابا هاشم این حدیثی است
که خبر داد مرا پدرم از پدران خود را از جعفر بن محمد ع و این حدیث از اسرار است مکتوم مگر از اهلش
و هم در صحیح از آنحضرت سؤال شد از جعفر بن محمد ع از حال ابوهاشم کوفی فرمود بسیار
فاسد العقیده

فاسد العقیده بود و او کسی بود که بدعت و اختراع نمود مذهبی را که تصوف گویند و آنرا وسیله
ستر عقیده خبیثه خود ساخت و بروایتی سفر نفس خبیثه خود و اکثر ملاحده و پناه عقاید باطله خود
شان ساختند و اینحدیث را از قرب الاسناد احمد واسطه بان حضرت وارد نقل نموده و فرموده
که این کتاب شریف بخط مصنف بدست این فقیر افتاده و در صحیح بزنطی یکی از اصحاب
ما است گفت بحضرت صادق ع ظاهر شده در اینزمان قومی را ایشان را صوفیه گویند چه
میفرمائید در باب ایشان فرمود به تحقیق ایشان دشمنان مایند پس هرکه میل بایشان کند از ایشان است
و با ایشان محشور میشود و زود باشد که قومی ادعای محبت ما نمایند مایل و متشبه بایشان شوند و خود را
بلقب ایشان و صوفیه ملقب سازند و مر خرفات و اباطل ایشان را تاویل نمایند آگاه باشید هرکه بایشان
میل نماید از ما نیست به تحقیق ما از ایشان بری و بیزاریم و هرکه انکار و رد و طعن ایشان کند مانند
کسی است که در پیش روی رسول خدا ص با کفار جهاد نموده و شیخ مفید طاب ثراه از محمد ابن حسین که از
خواص چند معصوم است ذکر نموده که بودم در خدمت حضرت هادی ع در مسجد مدینه
و جماعتی از اصحاب آنحضرت آمدند از انجمله ابوهاشم جعفری مرد بلیغ و منزلتی عظیمی نزد
آنحضرت داشت بعد از ان جمعی از صوفیه بمسجد درآمدند بگوشه حلقه نشستند و شروع
بذکر لا اله الا الله نمودند پس حضرت فرمود ملتفت نشوید باین خدعه کنندگان که ایشان
به تحقیق خلیفه شیاطین و خراب کنندگان ایمانند زاهد مینمایند برای تنبلی و شب بیداری

کنند برای بند و شکار حیوانات چند اورادشان رقص و دست بهم زدن و ازکارشان غنا و زمزمه
کردن متابعت ایشان نمیکنند مگر سفیهان و اعتقاد بر اینها نمیکنند مگر احمقان پس هرکه بدیدن
یکی از اینها رود گویا بدیدن شیطان رفته و عبادت بتان نموده و هرکه یکی از ایشان را
یاری کند گویا یاری یزید و معویه و ابوسفیان کرده انگاه مردی از اصحاب عرض کرد هرچند به
بحقوق شما قایل باشند حضرت غضبناک بسوی آن نظر کرد و فرمود واگذار این را چه حرفی است
که حرفی باشد بحقوق ما میل نکنند بسوی خلاف مذهب ما و حقوق ما آیا نمیدانی از جمیع طوایف
اینها از مخالفان ما و طریقه ایشان مغایر طریقه ماست نیستند ایشان مگر نصاری و مجوس این امت
جهد مینمایند بر خاموش کردن نور هدایت خدا و خدا تمام کننده نور خود است هرچند نخواهند
کافران و هم بروایت شیخ مفید و اسانید صحیحه حضرت امام رضا ع میفرمایند که هیچکس بتصوف
قایل نمیشود مگر بخدعه یا ضلالت یا حماقت و احادیث در این خصوص و عموم هر بدعت مدد و جواب
انکار و طعن و سب هر بدعت خصوصا بدعت باین فحامت و شناعت زیاده بر حد و حصر است و در
صحیح حضرت صادق ع از حضرت رسول ص ذکر میفرمایند هرگاه اهل شک و بدعت را ببینید
بعد از من پس اظهار برائت و بیزاری کنید از ایشان و بسیار دشنام دهید و طعن کنید
بر ایشان و بیغتید در بدگوئی و آزار ایشان تا طمع در فساد اسلام نکنند و مردم از ایشان
حذر نموده و بدعتهای ایشان را یاد نگیرند تا بنویسد حق تعالی برای شما باین سبب حسنات و بلند
گرداند در قیامت

گرداند در قیامت درجات و احادیث در اینمعنی در نقض فی السنه و نهی منکر هم مذکور شد و غافل
مشو ای معنی چون از علاج این احادیث و سایر دلایل بطلان تصوف عاجز و حیران اند
و از لذت این لقب شوم و ورز میشوم که بتشریب قلوب ایشان شده گذشتن هم نمیتوانند ناچار
گویند ما صوفی متشرعیم و تابع اهل بیت رسالت و در باب متشرعیم از قبیل کشیش بدکیش ای برادر از
ریش و جبه شوم سیاه و خرقه نجس تباه ناچار در مسجد مسلمانان گویم من کشیش مسلمانانم گویم ای مدبر تیره
بخت اگر موی از شرع خارجی کافری والا ارسم شارع بقول و فعل بجا رود داشته و رسم ضد بر ما گذاشته
چه ننگی دارد دار اگر شکلی نداری و در لباس ترویج باطل و تدبیر اضلال مسلمانان نمیخواهی کشیش و هم
بجای صوفی بدکیش چه فخر و چه ترجیح بر شوم و متقی و شیعه مسلمان دارد حتما باید خود را بدنام
ساختن و مخالفت شارع بمجرد لقب کفر نقد ایمان درباختن و اگر هم لفظ صوفی عام می بود از هیچ عقلی
تجویز التمام باین نمی نمود مانند جمعی که پشمینه پوشیده گویند من حیوانم گویند پس ترا جای مزبله و طویله
و شغل کناسی قبیله است دار اشتغال این لکیر دو دار و مجادله دبیکار بعد از انکه مدتها از شنیدن افاد
و بالان و ننگ و از کثافات کوتکشی و ضرب سرخک یا ناموس و ننگ انگاه خسته و سرشکسته فریاد کند
که من حیوانم اما حیوان ناطقم گویم ای بی تمیز نامشخص پس چرا خود را از اول در زمره نام
نبی انسان که اسم حقیقی کامل حیوان ناطق است نمی نامی را مثل مزبله عالم با اجناس اراذل
حیوانات بی ناموس از سگ و خوک و خرس و کافر و نسناس هم جنس شده اگر تو از فضل عزیزه و قال

وقیل از هزار قرقشه و صد هزار کوزه ملال برز و رجبد الی جبلاص نوین قطع نظر از احادیث متواتره

که در من مقرض معرض تهمت واقع شده کن اید سوشل اکرکل کلهای مشایخ طریقت و پیران

حقیقت از کوردد افتند با همه پیا رور و پا انصاف در میدانی و اقرار بعجز ز جواب این نادر ویش

نموده ملزم و مجل بر کردند و الحمد لله و لا حول قوة الا بالله محل سؤال از عجز و نارش

بجود از حال و اعمال مانند موضع مرتاض عمران ماسل ز ناشی میشود از نهایت جهالت و شدت حمق و غفلت

از اینکه هر صفتی با عمل خیری بتوفیق الهی موجب شکر و تذلل است نه خود پسندی و تدلل و اکر ناقد

بصیری تفتیش عبادات ما نماید قطع نظر از سیئات بهانها مارا مستوجب غضب و عقوبت یابد

و با حادیث باید مومن هر چند متعبد باشد خود را از ضمیم قلب بتکلیف در مرتبه تقصیر داند و این

نمیشود مگر بتفکر صادق در بدی و تقصیرات خود با لطاف نامتناهی و نعمتهای الهی و دعا و تضرع

چنانکه در احادیث وارد شده بسیار بگو اللهم لا تجعلنی من المعادین و لا تخرجنی

من حد التقصیر و در صحیح حضرت باقر ع از رسول خدا صلعم ذکر فرموده که حق تعالی میفرماید

که اعتماد نکنند عمل کنندگان بر عبادات خود به تحقیق که اگر عمرهای خود را به جهد و تعب اندازند

در عبادت من مقصر باشند در طلب آنچه در نزد منست از کرامت و نعیم و درجات رفیعه ولیکن

برحمت من اعتماد نمایند و بفضل من امیدوار و بحسن ظن بمن مطمئن باشند که در این حال

رحمت من دریابد ایشانرا منم الله و رحمن و رحیم و این نام منست و بروایت دیگر فرموده هیچ

بالتحقیق

بالتحقیق و عمل خود داخل بهشت نخواهد شد بغیر تفضل الهی گفتند تو هم یا رسول الله فرمود من هم

و فرمود یا اباذر به تحقیق که حقوق خدا از آن عظیم تر است که بعبادات با آن قیام توان کرد و نعمتهای

خدا زیاده از آنست که توان شمرد ولیکن هر صبح و شام توبه کنید یا اباذر بدرستی که بنده حسنه میکند

و بران اعتماد مینماید و گناهانش را حقیر میپندارد تا روز قیامت وارد میشود بر خدا و بر او غضب

نکند و بنده گناهی میکند و از آن در حذر است پس روز قیامت نزد خدا آید ایمن و باکی ندارد و بر دا

فرمود عابدی چهار صد سال عبادت و سؤال کرد قبض روح او در سجده شد و روز قیامت حق تعالی میفرماید

بنده مرا به بهشت برحمت من پس گوید بعمل من گو فرماید حساب او را بکنید پس نور بصرش بر همه اعمالش

غالب آید فرماید ببرید او را بجهنم بعد از آن گوید توبه کردم پس فرماید برحمت من داخل بهشت کنید

او را و حضرت صادق ع فرماید عابدی بود از چهل سال قربانیش قبول نشد و با آتش نسوخت پس خود

را ملامت و توبیخ نمود که تقصیر هم از نقص و گناه خود است پس با و وحی شد که مذمت نفس

خود در این ساعت بهتر است از عبادت چهل ساله و در احادیث بسیار است که خوف گناهکاران بهتر از

عجب و دلال عابدانست و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که خدا دانسته گناه برای مومن

بهتر از عجب است و الا هیچ مومنی را هرگز آن نشاید بگناهی مبتلا شود و فرمود به تحقیق هیچ عملی

از کسی که عجب و اعتماد برای بر عمل خود دارد و بالا نمیرود و فرمود وحی شد بداود ع بشارت ده گناه

کاران را و بترسان صدیقان را گفت چگونه فرمود بشارت ده گناهکاران را به تحقیق قبول توبه و عفو

گناهان میکنم و بترسان صدیقان را که عجب و اعتماد بعملهای خود نکنند که هیچ بنده نیست

که باز دارم او را برای حساب مگر آنکه هلاک شود و از رسول صلعم ذکر فرموده که موسی ع

با ابلیس گفت خبر ده مرا بگناهی که چون آدمی کند بر او غالب و مسلط میشوی گفت وقتی که عجب

دارد و عملش را بسیار پندارد و گناهانش را کوچک شمارد و مؤثر از انواع خواص در

محرمات و ترک عبادات و اخلاص عاجز ماند و کمینگاه عقبه عجب در سد افتاد و تمام اعمال او

و بدترین عجبها خوب پنداشتن کار بد است چنانکه حضرت کاظم ع در خصوص همین آیه میفرماید

آیه قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالا یعنی بگو آیا خبر دهم شما را بزیان کارترین مردم

آنها گمراه و ضایع شد سعی ایشان در دنیا و پندارند خوب کاری میکنند و بد آنکه عجب در غیر عبادات

نیز مذموم است چنانکه در باب کبر و ریا می آید و در حدیث حسن از عقبه مرویست که گفتم بحضرت

باقر ع منم فلان با حسب کننده فرمود چه منتی بر ما میگذاری خدا بلند کرد این

با یمان کسی را که مردم پست نامند و پست کرد بکفر کسی را که شریف دانند و کسی را

بر کسی زیادتی نیست مگر به تقوی و در اخبار بسیار وارد شده که آفت حسب عجب است

از کبر بسیار خوار و خوار کننده ترین صفات ذمیمه و اول خطای

ومنها الکبر کبر و موجب سواد دنیا و آخرت بخلاف تواضع چنانکه

حضرت صادق ع میفرماید وحی شد بداود ع که چنانکه نزدیکترین مردم بسوی خدا

متواضعانند

متواضعانند همچنین دورترین مردم از من متکبرانند و در صحیح فرمود که خدا دو ملک گماشته که هر که تواضع

کند بلند و عزیز گردانند و هر که تکبر نماید پست و ذلیلش نمایند و این متواتر است و مجرب

و در موثق فرمود در جهنم وادیست متکبران آن نامش سقر شکوه نمود بخدا از شدت گرمی تا اذن

یافت و نفسی زد جهنم سوخت و در صحیح سجاد ع میفرماید عجب از متکبر فخر کننده که دیروز نطفه

بود و فردا جیفه خواهد بود و در حدیث حضرت باقر ع با این زیادتست میان دو حال نمیداند که چه

بر او میشود و رسول خدا صلعم گذشت بر جمعیتی گفتند دیوانه ایست صرع و جنون حرکتها میکند

فرمود مبتلا نیست و مجنون کسی است که از کبر و عجب و از روی بطالت میکند از خدا با معصیت

و مردم از شرش ایمن نباشند اینست دیوانه و در احادیث بسیار است که کبر و بزرگی ردای

حق تعالی است هر که با او در آن منازعه نماید بیفزاید او را مگر پستی و خواری و خدا او را بر روی

در جهنم اندازد و هر که ذره از کبر در دلش باشد داخل بهشت نمیشود مگر آنکه بعد توبه کند و بحدیث

نبوی هر که بقدر خردلی در دل دارد خدا او را بروی در جهنم اندازد و فرمود متکبران

محشور خواهند شد بقدر مورچه پا مال میکنند ایشانرا مردم تا خدا از حساب مردم فارغ

شود و فرمود تکبر و تجبر نمیکند هیچ کس مگر آنکه از ذلتی در نفس خود مییابد و بر سیلهٔ از

ادنا مرتبه الحال فرمود تکبر بد آنکه مراتب و علامات این خصلت شوم بی شمار است و از آنجمله

تحقیر مردم خصوصا فقرا و خود را و عرض و خون خود را بهتر داند چنانکه در حدیث نبوی

داقعشره دیگر قبول نکردن وطعن اهل آن در مسئله وحکم وموعظه هرچند از ضعیفی باشد
وباحادیث بسیار این دو فرد اعظم افراد کبر است وزینت خانه وجامه واسباب بقصد تفوق
وتعزز وتوقع وتواضع وتوقیع از مردم وخرامیدن وطلب بالاتشینی بقصد صحیح وکراهت
اهل خیر مناف توقیر خود پندارد واحادیث بر این مضامین روایت شده وعلامات دیگر هم
بسیار است والحش وانشوا اتها غضب است وبغی تا بدان حد اکثر ناس بلکه خواص را از اعراف
آن استنکاف دارند هم از کبر وغضب است ودر صحیح حضرت صادق ع‌م از رسول خدا ص
ذکر فرموده هر که تعصب یا دیگری برای او تعصب نماید وراضی باشد پس به تحقیق از عقد
ایمان از گردنش در آمده وهم از آنحضرت ذکر فرموده هر که بقدر خردلی عصبیت در دلش
باشد خدا او را با عراب جاهلیت محشور نماید وحضرت سجاد ع‌م فرموده از عصبیت که آدمی
قوم خود را بر ظلم یاری کند نه آنکه قوم خود را دوست دارد ودر حدیث نبویست متواضعان را
تواضع کنید ومتکبران را تکبر وبحدیثی هر دو صدقه وعبادت است وعلامات تواضع الحدیث
علوی بهترین عبادت است رضا بدون مرتبه خود وابتدا بسلام هر که برسد الحدیث سر تواضع
است وترک جدال اگر چه محق باشد وعدم عقوق مردم بقدر تواضع از ایمان وبر
تقوا وزهد وعجب وخواهش مدح ندانستن وعلم وادب وعمل واسباب وبضاعت خود بینه
گردن گفتن خود چنانکه در اخبار به تفصیل واقع شده وبحدیث نبوی هر که پشم پوشد

وبرالاغ

وبرالاغ سوار شود وبز بدوشد وبا مساکین نشیند از کبر نجات یابد وامام حسن عسکری ع‌م سیفرماید که
تواضع برای برادران مؤمن نزد حق تعالی از صدیقان وخواص شیعه است وعظیم ترین
ایشان نزد خدا کسی است که برحق برادران مؤمن داناتر باشد وحرمت ایشان را بیشتر دارد بدانکه
از اقوال علامات کبر حب ریاست است بهر وسیله باشد خصوصا با امر آخرت که بدتر است وبحدیث
مشهور هر که طلب دنیا کند بعمل آخرت هیچ بهره در آخرت نخواهد داشت مانند تدریس وقضا وامامت
دواعظ وقراءت بقصد ریاست لهذا حضرت صادق ع‌م میفرماید ملعونست هر که ریاست
دیبود خواهد وملعونست هر که اراده آن نماید وملعونست هر که او را بخاطر گذراند وبخدا
سوگند که پشت سر هیچکس صدای کفشها برنخواست مگر هلاک شد وهلاک کرد ودر صحیح محمد
ابن مسلم فرمود پندارند نمی شناسم خوب وبد را بلی والله بدترین شر کسی است که میخواهد از
بیا او راه روند وحضرت باقر ع‌م میفرماید طلب ریاست مکن وتابع هر کس هم مباش ومحو
بوا استر ما فقیر شوی وبگو در چیزی را خود نمی گویم او به تحقیق روز قیامت باز داشته وسؤال
کرده خواهی شد ناچار وحضرت رضا ع‌م میفرماید حذر کن کسانی که در کمال شبان بیشتر زینت
ازضرر وفساد ریاست در دین مسلمانان ودر چند حدیث از حب مال وشرف از رسول خدا ص
منقولست ریا اباذر هر که خواهد مردم در برابرش بایستند جای خود را در جهنم مهیا
دارد وفرمود چون روز قیامت شود از جانب خدا ندا رسد کجایند ظالمان واعوان

ظالمان وهر که لیقه در دوات ایشان گذاشته یا سر کیسه برای ایشان بسته یا مدد باین
داده همه را با ظالمان محشور کنند وفرمود هر که تازیانه حاکمی یا ظالمی بدست گیرد خدا او
را ماری گرداند روز قیامت هفتاد گز ومسلط گرداند بر او در جهنم وفرموده ملازم سلطان
معاشر گردد وبقدر قرب پادشاه از خدا دور گردد وفرمود نزدیک شد بسلطان هیچکس مگر آنکه
از خدا دور شده بسیار شد مالش مگر آنکه حسابش زیاد وشدید شود وزیاد نشد طبعه اش مگر
آنکه زیاد شد شیطانش از آنها حذر کنید از درگاه سلطان وتابعان او والا نزد دیگر ترین شمار است
بخدا وهر که اختیار کند سلطان را بر خدا برطرف کند خدا از او ورع او وحیران کرداند وفرمود
امیر نشود کسی بر ده نفر یا زیاده مگر آنکه در قیامت او را دست وگردن بسته آورند پس اگر
ظلم نکرده میگشایند والا غل بر او می افزایند وبحدیثی او را بکنار جهنم هر روز حالت
هزار سال حبس نمایند وفرمود اول کسی که داخل جهنم میشود امیر مسلط است وغنی که مال
خدا را ندهد وفقیری که فقر وکبر کند ودر حدیث معتبر حضرت صادق ع‌م فرمود هیچ جباری
نیست مگر مومنی با او می باشد وخدا با او دفع شر او از شیعیان میکند وبهره آن مؤمن
در آخرت کمتر از همه مومنان خواهد بود بعلت مصاحبت آن جبار وفرمود اعوان
ظالمان در قیامت در سرادقات آتش خواهند بود تا خدا از حساب خلایق فارغ
شود وحضرت امیر المؤمنین ص فرمود بنوف وصیت مرا قبول کن ونقیب ودربس

وزاده

ویسر کرده وحاکم وعشار ومتقاضی مباش هرگز وپیغمبر ص شبی نظر کرد باسمان وفرمود
این ساعتی است که دعا رد نمیشود مگر دعای اینها وحضرت کاظم ع‌م میفرماید چهار چیز
دل را فاسد وتو ونفاق میرویاند چنانکه آب درخت را غنا وساز شنیدن وفحش گفتن
وبخانه پادشاه رفتن وشکار ودر خصوص علما اورع نور زند حدیث وارد شده که بیکی از
عقوبت مبتلا شوند صحبت حکام ورستاق وجوان مرگ شدن از ریا
دخود نمائی وسمعه در عونه سؤال نکنند دآیات وروایات در شدت وعقوبت این عمل
شوم زیاده از حد وحصر است وهر عمل شرک است بخدا واکثر روایات متواتر است
ودر اینمعنی بسیار است وهر عرضی غیر الهی را که دخل در عمل دهی انرا در ان عمل
شریک خدا قرار داده واجماع علما وعقلا است هر عملی را برای خدا خالص نباشد
خدا قبول نمیکند بلکه مراتش از عهده تکلیف در نیامده وآنچه بعمل آورده ماموریه
ومطلوب خدا نبوده چنانکه میفرماید وما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین
بلکه عبادت ریائی موجب عقاب عظیم خواهد بود چنانکه حضرت صادق ع‌م ذکر میفرماید
را اجتناب کنید از ریا که آن شرک است وروز جزا مرائی را بچهار نام خوانند یا کافر
یا فاجر یا مکار یا خاسر اجر تو باطل وثواب عملت برطرف شد ودر صحیح حضرت کاظم ع‌م
از آن حضرت ذکر فرموده حق تعالی روز قیامت جمعی را بسوی جهنم امر کند وبمالک

مومن

خطاب فرماید ای بگو آتش را افروزانند با ایشان او را بمسجدی آمدند و نه روی ایشان را
از وضوی کامل میساختند و نه دستهای ایشان را بدعا برمی داشتند و نه زبان ایشان را
از قرآن بسیار میخواندند پس مالک گوید ای اشقیا با این اعمال چه کرده اید موجب
حرزخ شده اید گویند اعمال خود را برای غیر خدا میکردیم امروز بما گفتند مزد خود را
از کسی بگیرید که از برای او کار میکردید و حضرت باقر ع از آنحضرت ذکر فرموده هر که
برای مردم نماز کند مشرک است و در زکوه و روزه و حج و هر امر الهی چنین فرمود
و در وصیت ابیذر است ای ابوذر فقیه دانا نمیشود کسی تا مردم را در جنب عظمت الهی بمثابه
شتران و حیوانات انگارد در عبادات و خوف و رجا بنظر نیاورد و دیا از ملامت
کسی پروا ندارد پس برگردد بنفس خود و از هر حقیری حقیرتر شمارد بدانکه ریا
را علامتها است ای باید هر کس خود را با آن بیازماید که ریا را مهابط بسیار دقیق دارد
و در حدیث است که ریا اخفی تر از اثر مورچه است بر سنگ سخت در شب تاریک
بسیار عابد بلکه عامه ریا کند در ترک ریا بلکه ترک ریا مثل حدیث است هر که
باطن و نیت خود را نیکو و خالص کند نگذرد چند روزی که خدا خوبی او را بر خلق ظاهر
کند و الا بدی او را ظاهر کند و انواع علل برای مثال زیاده از آن بر خلق ظاهر شود
و تعب بسیار و بیداری شبها ریا در نظر خلق منظور بوده سهل نماید و ایا اخبار

در اخبار

در اینمعنی بسیار است پس کسی که از برای طمع اول یا خوف ثانی از گمان خود ترک ریا کرده
و داعی بر ترک ریا افضل عبادات است غیر خدا بوده و نیت همان داعیست که از دل
تراود نه آنکه از خارج بتکلف بخاطر گذراند و بدل بچسباند از عالم کسی که بطمع مالی
ما نماز کند و نیت بزبان گوید اصلی قربة الی الله یا این را بدل گذراند کسی نگوید پس
امثال این احادیث برای چیست زیرا که فایده آنها ترک ریاست بر برای غیر خدا مثل
اخبار سابقه و بدانکه ریا در غیر عبادات هم مذموم بلکه کبیره و از اکبر کبایر است چنانکه در
خطبة الوداعست که هر که بنائی سازد برای ریا و سمعه و شهرت روز قیامت با هفت
طبقه از زمین طوق شود در گردن او ان از آتش مشتعل کند پس انداخته شود در جهنم
بر رسیدند از بنای ریائی فرمود زیاده بر کفاف یا برای مباهات و فخر و هر که اطعامی کند
بریا بخوراند خدا مثل آن از چرک و ریم جهنم وان اطعام را آتشی کرداند در شکم
او تا از جا که مردم مر پردازند و هر که لباسی پوشد و خرام نماید بر آن فرو برد خدا
او را بجهنم و قرین قارون باشد بر آن چنان کرد و هر که زنی خواهد بحلال و بمال حلال
اما بقصد فخر و ریا بیفزاید خدا او را بسبب مگر بذلت و خواری و باز دارد بقدر تمتعی
که از او برده بر لب جهنم تا هفتاد سال بعد از آن فرو می برد در جهنم و بروایتی
امیر المؤمنین ع میفرماید هر که هر کاری کند برای مخالفت خدا او را روسیاه محشور

گرداند

موعظه ۱۱ و ۱۲

مورد سؤال از یأس رحمت نامتناهی و امن عذاب
الهی که هر دو بر وفق آیات متکاثره و بر طبق روایات متواتره از کبیره کبایر و موجب
غضب جبار قهار و غیور قاهر است و هر یک باعث سستی و ترک عمل میشود و در قرآنست
انه لا ییأس من روح الله الا القوم الکافرون افامنوا مکر الله فلا
یأمن مکر الله الا القوم الخاسرون و باید خوف و رجا هر یک در اعلی مرتبه
باشد پس البته مساوی خواهند بود و این مانند سایر حالات نفسانیه کسب نمیشود
مگر بکمال تفکر در الطاف غیر متناهی و دوام تذکر آیات و وسعت بحار فضل
و رحمت الهی با تأمل و تدبر در سیئات و با سپاسهای خود و شدت انتقام جبار و صعوبت
عقوبت قهار و تتبع و مواظبت آیات و احادیث شوق و خشیت و حالات
ارباب رغبت و رهبت و در مقدمه فقره چند مذکور شد در بیان فایده خوف و رجا و
امتیاز رجا از غرور و خوف از یأس کافیست و حضرت صادق ع فرمود اصرار در گناه
ایمن شدنست از مکر الهی و گناه با آرزوی عفو محل هلاکت و تأخیر توبه محض فریبست
و طول تسویف و پس انداختن توبه و تدارک و امر حیرت کردانیست و ذکر فرمود
از وصیت لقمان ع بفرزند خود که از خدا چنان بترس که اگر ثواب جن و انس
داشته باشی ترا عذاب خواهد کرد و چنان امیدوار باش که اگر با گناه جن

و انس بیائی

و انس بیائی امیدوارتر است رحم خواهد کرد فرمود پس پدرم ع میفرمود هیچ مؤمنی نیست مگر دو نور در دل اوست
نور خوف و نور رجا که اگر هم سنجند برابر باشند و فرمود مؤمن بایمان فایز نمیگردد تا خایف و امیدوار
نباشد و خایف و امیدوار نمیباشد مگر آنکه البته کار میکند برای آنچه بآن ترس و امید میدارد و فرمود
هر که خدا را شناخت از او میترسد و نفسش بدنیا رغبت نمیکند و فرمود از خدا چنان امیدوار
باش که ترا بر نافرمانی او جرأت ندهد و چنان بترس از او که از رحمتش مأیوس نگردی و فرمود در حکمت آل
داود است ع ای پسر آدم چگونه سخن هدایت گوئی از مستی گناهان هشیار نشده صبح نموده
دلت با قساوت و فراموش کرده عظمت پروردگار خود را اگر با او بزرگواری او دانا بودی همیشه
از او ترسان و بوعدهای او امیدوار بودی بیچاره فرزند آدم چرا بخاطر نمی آوری لحد خود را و تنهائی
خود را در هنگام دفن و در وصیت ابی ذر است که حق تعالی فرمود جمع نکرده ام بر بنده دو خوف
و دو امن را پس اگر در دنیا از من بترسد ایمن سازم او را روز قیامت و اگر از من نترسد ترسانمش ایمن
گردانم او را در قیامت ای اباذر بتحقیق که بر بنده عرض شود گناهانش روز قیامت پس
گوید من ترسان بودم از اینها باین سبب خدا او را می آمرزد یا اباذر بدرستی که بنده
گناهی میکند و به سبب آن داخل بهشت میشود فرمود آن گناه برابر چشم اوست همیشه
و از آن توبه میکند و به پناه خدای عزیز جلیل میگریزد تا باین سبب داخل بهشت میشود و بروایتی
فرمود حق تعالی در حساب بنده گناهکار عتاب فرماید که آیا از من شرم نداشتی و عصیان من نمودی

پس زبانیه بکشند دوزخ ابسوی آتش لبر جنبانند انگاه خدا امر بردد روا از صرفش سوال نماید
کوید پروردکارا کفتم تا کی این جفا در دنیا بمن جفا کردند یاران و اولادم و در بیمار
اهل و عیال من و در قبض روح ملک الموت و در قبر منکر و نکیر و در قیامت زبانیه و کمان داشتم
که اینها جفا میکنند اما پروردکارم بخواهد کرد مکر عفو چون امر فرمودی مرا باتش کفتم الحال
هلاک شدم پس حق تعالی فرمایدم من نزد حسن ظن بندهٔ خودم پس کمان کند بمن انچه خواهد
بروا ترا بخشیدم و بروایت دیکر فرمود اخر کسی که بجهنم برند نکاه میکند تعقیب نماید خدا از او
سوال نماید کوید ای پروردکار من بتو این کمان نداشتم انکاه فرماید ای ملایکه من بعزت
و جلال خودم که یک ساعت عمر کمان نیکو بمن نداشته والا باتش نمیرسانیدم او را با بین دروغ
به بهشت برم پس فرموده هر که حسن ظن بخدا دارد بکمان او با او عمل میکند پس این ایه را خواند
ذالکم ظننتم الذی ظننتم بربکم اردیکم فاصبحتم من الخاسرین وحضرت باقر ع
فرموده در کتاب علی یافتم که رسول خدا ص بر منبر فرمود بحق انخدائی که جز او خدائی
نیست که بهیچ مؤمن عطا نشد خیر دنیا و اخرت مکر بحسن ظن و کمان نیکو بخدا و خود
و خوشخلقی از معاشرت مردم و ترک غیبت مومنان و بعزت خدائی نیست که عذاب
نخواهد کرد مؤمنی را بعد از توبه و استغفار مکر بعلت بدکمانی و کوتاهی در امید پروردکار
خود و بد خوئی و غیبت مومنان بان خدائی که سوای او خدائی نیست که هیچ بنده کمان خود را

بخداوند

بخدا خوب نکرده مکر انکه خدا موافق او با او سر میکند زیرا که او کریم است و جمیع خیرات بدست
اوست و حیا میکند از خلف کمان نیکوی بندهٔ مؤمن خود و باطل سازد امید او پس نیکو
کنید به پروردکار خود کمان خود را و رغبت نمائید بسوی او بطاعت وحضرت صادق ع
فرموده حسن ظن بخدا اینست که بغیر او امید نداری و نترسی مکر از کناه خود و در صحیح حضرت
رضا ع میفرماید حق تعالی فرموده من نزد کمان بندهٔ خودم هر کمانش بمن نیکوست با او معامله
و اکر بد کمانست سلوک من هم با او چنان است و بروایت سابقه هر جا از این مواقف
تقصیر کرده و بی توبه و تلافی مرده موقوف و محبوس مانده هزار سال بان شدت نکال
و کمال ملال تا بعد از ان چه حکم فرماید قادر متعال در ذکر جسر جهنم و تفصیل
عقبات صراط و عقوبات آن مهول پر غم و الم به تقریب تحقیق میزان مجملی کذشت
از شرح ائمه هدای علیهم السلام که سلوک راه معرفت و عبادات الهی و سنجیدن خوب
و بد اعمال باشان و متابعت ایشانست تعبیر بمیزان شده و در صحیح حضرت صادق ع
میفرماید و الله علی است بصراط و میزان و صراط المستقیم در قران ایشان مرادند
و احادیث بسیار درین معنی متواتر است ولیکن مراد اینست که ولایت و اطاعت ایشان
در ان تکلیف صراط المستقیم است و در دار جزا هم باعث کذشتن آن میشود
از پل صراط همان معبر باشد البته از بهشت بسوی محشر خواهد بود و چه بودن صراط یعنی

معبر مذکور عبارت از اطاعت ائمه طاهرین صلوات الله علیهم شعر مجملی و مفصلی ظاهری
ندارد بخلاف میزان چنانکه ابن بابویه از مفضل روایت نموده که پرسیدم از حضرت صادق ع
از صراط مستقیم فرمود ان راهیست بسوی معرفت الهی و صراط دو صراط است یکی در دنیا
و یکی در آخرت و اما صراط در دنیا امام مفترض الطاعت است هر که او را شناسد و پیروی و هدایت
آن نماید بکذرد بر صراطی که جسر جهنم است در اخرت و الا قدمش بلغزد و برود در آتش جهنم
افتد و قریب باین معنی از حضرت امام حسن عسکری روایت نموده والله اعلم و بروایت ابن مسعود
از امیر المؤمنین ع بعد از سنجیدن اعمال میزان امر میشود بردن خلایق بسوی پل صراط
ره کشیده میشود بر بالای دوزخ تا بسوی بهشت بجای اسا نها از مو باریک تر و از شمشیر
تندتر و فرو رفته در جهنم بقدر چهل هزار سال و زبانه آتش بر دو طرف کشیده و هفت
جسر است و در هر کدام عقبه ایست سه هزار سال راه هزار سال بالا و هزار سال راست
و هزار سال نشیب و اینست قول خدای تعالی ان ربک لبالمرصاد به تحقیق پروردکار
تو یا محمد ص در کمینکاه کننده کار است یعنی کمین کاهی فرمود کمین کاه صراط است و
و حضرت باقر ع فرماید چون نازل شد این ایه و جیء یومئذ بجهنم تفصیل انرا از رسول خدا ص
پرسیدند فرمود خبر داد مرا جبرئیل که چون خداوند جلیل خلایق اولین و آخرین را
در محشر جمع نماید امر فرماید تا جهنم را بمحشر در آورند و از دو کشند بهزار مهار و هر
مهاری را صد هزار ملایکه غلاظ و شداد کرفته و جهنم فریاد کند از خشم بر کناهکاران

وهلاکت

و هلاکت کند چون بان صحرا در آید زفیری کشد که اکر خدا حفظ نکند همه از شدت ان هلاک شوند
انکاه کردنی کشد که جمیع اهل محشر را فرو کیرد و در ان حال هیچ بنده نماند نه ملک مقرب و نه پیغمبر
مرسل مکر همه فریاد بر اورند نفسی نفسی و تو یا محمد فریاد بر اوری امتی امتی پس صراط را بر روی جهنم
کذارند از دم شمشیر نازکتر و در ان سه قنطره یکی صله رحم و امانت و دیم نماز سیم عدالت
خدا در مظالم بندکان انکاه مردم را تکلیف نمایند و از صراط بکذرانند پاره را از رحم نکه دارد
اکر قطع رحم نکرده باشد و اکر قطع رحم و امانتها و بیمانهای الهی شکسته باشند انجا نمانند
و هر که از انجا نجات یابد نماز ایشان را نکهدارد و هر که در نماز تقصیر نکرده بکذرد و در
مقام مظالم حساب باز میدارند باز میدارند و سؤال میکنند چنانکه میفرماید ان ربک لبالمرصاد
و مردم بر صراط اویزانند بعضی چسبیده اند و پای بعضی میلغزد و بعضی را یکپای میلغزد
و ملایکه بر دور ایشان فریاد میکنند بخداوند بردبار ببیامرز ایشان را و در کذر از کناه ایشان
و بفضل خود با ایشان سر کن و سلامت ایشان را بکذران و مردم میریزند از صراط در جهنم
بمثابه پروانه پس چون کسی برحمت الهی نجات یابد و کذشت کوید الحمد لله که مرا نجات
داد بعد از انکه مایوس شده بودم بتفضل و احسان خود به تحقیق که پروردکار ما آمرزنده
و اجر دهنده است و حضرت صادق ع میفرماید عبور مردم بر صراط متفاوتست بعضی چون
برق جهنده و بعضی چون اسب تندرو و بعضی چون پیاده راه رود و پاره بدست و پا

بچون طفل که خود را ابر زبان کشد وجمع آوی بخته را آتش باره این را گیرد ودر حدیثی بعضی بدو
زانو وبعضی بر رو در افتاده در میان آتش جهنم نعوذ بالله واحتراز از غفلت این عقبات
بر وحشت وفوت کردن فرصتی را در دست داریم از تدارک اسباب نجات از آفت ان مهالک
بر دهشت حقا اگر مومن تفکر نماید جا دارد که زهره اش بشکافد چنانکه جمعی کثیر چه جای
آنکه مشغول لهو ولعب وطرب باشد چنانکه در احادیث بسیار راست هر که یقین بجواب
وصراط دارد در دنیا خوشنود نمیشود وحضرت رسول صلی الله علیه وآله میفرماید عجب دارم از کسی که یقین
دارد آتش جهنم را چرا می خندد وفرمود یا اباذر صبح میکند مومن در دنیا مگر محزون و
غمگین چگونه حزین وغمگین نباشد وحال آنکه به تحقیق خداوند جبار وعید فرموده
مرا او وارد جهنم خواهد شد چنانکه فرموده وان منکم الا واردها کان علی
ربک حتما مقضیا ثم ننجی الذین اتقوا ونذر الظالمین فیها جثیا
یعنی نیست از شما احدی مگر آنکه وارد جهنم خواهند شد واین امریست جزم قضا کرده
شده لازم بحکم پروردگار تو یا محمد صلعم بعد از آن پرهیزکاران را نجات داده وستم
کاران را در آن وا خواهیم گذاشت از شدت هول ایشان بزانو درافتند ووعده نفرموده
مرا از نجات خواهد یافت یعنی بمید اند با تقوا وپرهیزکاری واید انجا خواهد شد بانه
وورود یا به معنی دخولست چنانکه در اخبار بطرق عامه از رسول صلی الله علیه وآله منقولست

ولیکن بر مومنان

ولیکن بر مومنان سرد وسلامت خواهد بود بحدی که آتش فریاد کند که بگذر ای مومن که نور تو نار مرا
فرو نشاند وبروایتی مقدار هزار سال از او دور شود یا یعنی بمقدار عبور از بالای آن یا حضور
بکنار آن چنانکه از حضرت صادق علیه السلام منقولست زیرا که همه کس مومن وعاصی ومعاصی سرزده دیگر
جهنم ولیکن صراط خواهند رسید ومومن هم باید از جسر که بر متن آتش برابر کشیده شده
بگذرند بر هر تقدیر عاصی از آتش بطلان مومن بعضی نمیتوانند رسید اما از حفظ ایمان
منتعش عبارتست از آنست مومن مشوش منقولست چون این آیه نازل شد آنحضرت
از کمال حزن واندوه تا مدتی بیرون نمی آمد بغیر نماز پس شبی بیرون رفت بسوی بقیع محل
هموم واحزان وفرمود بعلی وفاطمه وحسن وحسین صلوات الله علیهم اجمعین امشب مرا
اعانتی ویاری کنید ودر دلها خود را برخاک نهاده دعا کنید پروردگار را تا رحم فرماید بر
محمد را اداخال جبرئیل نازل شد وگفت یا محمد چون ایشان سرها بر زمین گذاشتند
وگفتند یا رب ملایکه هفت آسمان بسجده افتاده گریان شدند حق تعالی میفرماید مراد تو
چیست حضرت فرمود میخواهم بدانم که ایا امت من چه خواهند کرد در آتش خدای عزیز
جلیل وحی فرمود آنچه کردم با خلیل خود که گفتم یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم بس
اینست معنی قول خدا ثم ننجی الذین اتقوا الی اخره الایه واینحدیث مؤید قول
مفسرینست که تقوی در این ایه پرهیز از کفر است والله یعلم دار چشمه یازدهم در نجات

روضه اول

رضوان حرم وشاد ابت روضه ثانیه در ذکر نجات عقبه اول بروایت اول سؤال از ایمان
خالص وبروایت ابن عباس از رسول خدا صلعم از ولایت امیر المؤمنین علیه السلام سؤال خواهد
شد وهر دو یکی خواهد شد اگر در ایام فرصت دنیا کسب آنها نموده باشیت وراحت بگذر و ایمان
عبارتست از تصدیق یقینی واذعان قلبی بانچه خدا فرستاده وپیغمبر آورده از اصول وفروع
دین واخلاص وسوب ساختن بعقاید فاسده واعمال قبیحه کاسده وحق تعالی صریحا در قرآن
فرموده بلکه قسم یاد نموده که جمیع مردم داخل جهنم خواهند شد سوای مخلصین چنانکه ذکر
میفرماید از شیطان که گفت فبعزتک لاغوینهم اجمعین الا عبادک منهم
المخلصین یعنی سوگند بعزت تو که گمراه خواهم کرد همه را مگر بندگان مخلص را قال فالحق
خدای تعالی در جوابش فرمود راست میگوی که این را خواهی کرد فالحق والحق اقول
راست میگویم لاملأن جهنم منک وممن تبعک منهم اجمعین البته پر خواهم
کرد جهنم را از تو واز هر که پیروی تو نماید واین دو کلام پروهشت چنانکه صریح آیت
در اینکه بغیر از مخلصین همه مردم بجهنم خواهند رفت ومن اصدق من الله قیلا کیست
راست گوتر از خدا شیطان گمان خود را راست کرد گمان دارد او حق تعالی قسم خود را
خلف خواهد نمود کسی پس که اعتقاد بقول خدا ورسول دارد ردو خلاصی از جهنم
دارد باید تحصیل اخلاص نماید بجد اسو کند را ممکن نیست مگر علاج متعلقات او در

خطر وداع

خطر وداع است هر که ملاقات نماید خدا را با شهادت لا اله الا الله با اخلاص ومخلوط نکرده باشد
بان چیزی دیگر را داخل بهشت خواهد شد پس بروایت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام واز اخلاص
استفسار نمود فرمود یعنی حرص بر دنیا وجمع آن از غیر حلال وطمع در دنیا ورضا بان وقوم را قتل خوبان
وکینه وعمل بدان کند پس هر که ملاقات کند خدا را واز این خصال نداشته باشد لا اله الا الله
گوید پس برای اوست بهشت وبرای کسی که اخذ وترک احرث کند آتش جهنم ودر روایت
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود نفعی نخواهد داد گفتار مگر با کردار و هر دو بی فایده است
مگر با اخلاص وهر سه بیفایده است مگر با موافقت سنت وطریقه پیغمبر صلعم وحضرت رضا علیه السلام فرمود
از اکثر امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود خوشا حال کسی که اخلاص کند برای خدا عبادات ودعا مشغول
نسازد دل خود را بچیزی که ببیند چشم او وفراموش کند یاد خدا را بچیزی که بشنود گوش او و
محزون نشود سینه او بچیزی که بدیگری عطا شده آنحضرت اول بر عمرو عاص ظفر یافت
ونگشت بعلت انکه فحش داد وآب دهن بر ان حضرت انداخت واز تو هم شوم غضب شد نمود
باخلاص تقبل او بر داخت ودر حدیث داود علیه السلام چون دید صراط باریکتر از موی برنده
تر از شمشیر با خار کثیر تیره وتاریک بمناجات گفت کدام قدم بر این ثابت خواهد بود وحی شد
بر راستی که من حکم وقضا کرده ام که ثابت نشود بر این مگر پای کسی که بیاید با لا اله الا الله خالص
بر سیدم از اخلاص فرمود عمل بطاعت من وفرمان من پس داود بسیار شد از خوف

حصه دوم در بیان سبب خلاصی از عقوبت عقبه‌ها که از نماز خواهند پرسید پس اگر درست بجا
آورده فایز و ناجی خواهد بود بدانکه بفرموده خدا و رسول و اتفاق اهل وفاق ارباب عقول
نماز بهترین اعمالست و مناط فوز بآمال در حال و مآل که بی قبول آن هیچ عملی مقبول نیست
و نور چشم پیغمبران و آخر وصیتهای ایشان و کفاره گناهان و وجه و ستون دین و معراج
مؤمن بعالم نور و یقین و موصل عارفان بقرب و محبت رب العالمین است و بعزت
ابرار ارباب قلوب سلیم را مرتبه و لذتی در دنیا و عقبی بالاتر از این درجه علیا متصور
نیست و توهم نشود که حدیث مشهور افضل الاعمال احمزها و مقتضای عقل با این منافی ندارد
بلکه هردو مؤید اینست زیرا که نماز با آداب و حضور قلب و طهارت باطن که با آیات و احادیث
متواتره و اجماع بدون اینها نماز مقبول نیست البته دشوارترین اعمال است بلکه
نماز عوام هم لا اقل صحتش بقینی منظور جهت استبعاد ندارد از اشکل ترین
عملها باشد زیرا که از جمله شروط اجماعی نماز علم بمسایل آنست از مقدمات و کیفیت
طهارت هر یک از نجاسات و مقارنات و مخارج حروف و احکام سهو بغیر علما
معدودی از متقشفین باشان و سایر مردم همگی از این محروم اند و از آن جمله است
حلیت طهور و زمین و جامه که تحصیل اینها کند بعضی از حقوق خدا و رسول و فقرا
و سادات و سایر مردم در آن باشد چگونه نماز او صحیح و جزم براءة الذمه نموده

خاطرش

خاطرش جمع میشود و از روز حساب اول از نماز خواهند پرسید البته او را نجات خواهد داد و
وحالی انکه بسی ببیند در دنیا او را از فحش و منکر باز نمیدارد و خدا میفرماید ان الصلوة
تنهی عن الفحشاء و المنکر پس این نماز نیست و خدا فرموده نماز ما همه را از
خواب غفلت بیدار کند و از مستی غرور جهالت هشیار کند جهال را تو هم انکه نماز ما همان کج
شدنست مثل آن مدبری و حی علی خیر العمل را از آن انداخته که بجهت سلطنت شومش قوی
شود و در صحیح معویه از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدم از محبوب ترین اعمال و نزدیک
ترین عبادات بسوی خدا فرمود بعد از معرفت علی نمیدانم بهتر از نماز نمیدانم نمی بینی که عیسی ع
گفت و اوصانی بالصلوة و الزکوة ما دمت حیا و فرمود البته مرد بسیاری از عمرش را
پنجاه سال میکند حق تعالی یک نماز از ایشان قبول نمیکند آیا کدام ضرر از این بدتر می باشد
و الله شما میشناسید از همسایه و مصاحب خود کسی را که اگر برای یکی از شما نماز بکند
قبول نخواهید کرد پس حق تعالی قبول نمیکند مگر نیکو را پس چگونه قبول میکند چیزی را
که سبک شمارند و فرمود چون بنده نماز را سبک کند خطاب شود با ملایکه آیا نمی بینید بنده مرا
که پندارد که قضای او بدست غیر منست یعنی تعجیل میکند از پی کار نود بدر
بود و ابو بصیر از انحضرت پرسید که آیا حور العین از خلقهای دنیاست دنیاست
انحضرت فرمود تو را چکار است با حور العین برتو باد بنماز و آخر چیزی که رسول

خدا ص وصیت و تحریص بآن فرمود نماز بود از برای هیچیک از شما سبک نکند و سهل نشمارد آنرا
و این را بدانکه نه در جوانی انرا تمام و کامل خواهد کرد و نه در پیری در کمال او قوت خواهد داشت
و هیچ دزدی بدتر از دزد نماز خود نیست پس باید در قیام راست و درست بایستد و در رکوع
خوب خم شود ترک طمأنینه نکند و همچنین در سجود و سر برداشتن نیکو راست شود و در سجده
اعضا را از هم دور دارد و فرمود عبادت و بنده که خدا اینست او خدمت او نمائی در زمین و هیچ
خدمتی مانند نماز نیست و از این جهت ملایکه زکریا را در محراب ندا کردند و با حالت بیمار
نماز کننده را سه خصلت است چون بنماز می ایستد ملایکه با و احاطه میکنند از محل قدم
تا آسمان و نیکوئیها نثار او میکنند از آسمان تا فرق او و ملکی موکل است و با و ندا میکند
که اگر این مصلی بداند با که مناجات میکند و راز میگوید هرگز از نماز فارغ نشود و منقول است
از رسول خدا ص چون آدم نافرمانی نمود خداوند فرمود بیرون رو از جوار من اندر جوار
من نمی باشد کسی که نافرمانی من کند آدم گریست پس حق تعالی جبرئیل ع را جبرئیل ع
بسوی او فرستاد تا او را در زمین فرود آورد و از نشر تا پا سیاه شد ملایکه بر حال او
گریستند چنانکه صدا ایشان بگریه بلند شد خدایا خلقی آفریدی و از روح خود
باو دمیدی و سجود ملایکه فرمودی و بیک گناه سفید شدن او را بسیاهی مبدل نمودی
پس حضرت صادق ع میفرماید که هر یک از پنج نماز سیاهی از او بر طرف شد بتخفیف

جبرئیل

جبرئیل ع گفت که مثل تو مثل اولاد تست که به پنج نماز از لوث سیئات و گناهان
پاک میشود و مرویست از رسول خدا ص که جبرئیل گفت حق تعالی بعد از هیجده هزار
سال از خلق من یکبار با من تکلم فرمود که یا جبرئیل گفتم لبیک ربی فرمود تو کیستی و من کیستم
گفتم تو خدای منی و من بنده توام دیگر هیچ نفرمود تا هیجده هزار سال دیگر با این عبارت
ندا فرمود یا جبرئیل گفتم لبیک ربی فرمود پیش آی یک قدم و از کرامت و دولتی تو
یا محمد شبانه روزی پنج بار با امت تو مکالمه میفرماید یا محمد اگر مصلی داند با که راز
میگوید و در چه مقام می ایستد هرگز برخاست و پی خود تنگ در همیشه در رکوع و سجود
باشد و رسول خدا ص میفرمود روز قیامت بنده را در مقام حساب باز میدارند
اول چیزی را از او می پرسند از نماز است اگر تمام بجا آورده خواهد یافت و الا او را در آتش
فرو میبرند و با حادیث دیگر هیچ چیز دیگر از او قبول نمیکنند و در صحیح زراره از
حضرت باقر ع که به تحقیق تارک فریضه کافر است و در صحیح از رسول خدا ص مرویست
و نیست در میان مسلمان و کفر او مگر ترک نماز فریضه عمدا یا آنکه سهل انگاری کند پس
نکند اگر او و فرمود که انحضرت دید کسی را که رکوع و سجود نماز را کامل نمیکرد فرمود
مثل منقار بر زمین زدن کلاغ میکند اگر با این نماز بمیرد بر غیر دین من مرده و فرمود
که انحضرت در هنگام رحلت میفرمود از ما نیست کسی که نماز را سبک کند و بر من در حوض

کوثر وارد نخواهد شد والله و بروایت حضرت صادق ع فرمود نخواهد رسید شفاعت
من فردای قیامت کسی را که تاخیر کند فریضه را تا وقتش بگذرد احتیاطا از وقت فضیلت
تاخیر نباید کرد البته و بعض علماء وقت اختیار نماز همان قدر میدانند پس بر هر تقدیر
باید از وقت مذکور تاخیر نکرد و بروایت دیگر فرمود نماز بمنزله میزان است هر که تمام بجا آورد
تمام میگیرد و هر چه از اینها کم کند ثواب اینها کم است و فرمود که ترک کننده آن با کننده
بی علم تفاوتی ندارد و بقول بعض علماء نماز باطل کننده بدتر است زیرا که تارک نماز شاید
قضا بجا آورد اما کسی که بخلاف آن با اعتقاد باطل خود نماز صحیح کرده و خود را مقصر نمیداند
و فرمود همیشه شیطان هیبت و ترس مؤمن را میدارد تا پنج وقت نماز یومیه را محافظت
مینماید و چون ضایع کرد جرات بهم میرساند بر او و او را در گناهان عظیم می افکند
و فرمود ضایع مکنید نماز را خود را که به تحقیق ضایع کننده نماز روز قیامت با قارون
محشور میشود و بر خدا لازم است که او را با منافقان بجهنم برد پس وای بر
کسی که محافظت نکند بر نماز و سنتش و از حضرت رضا ع از آباء کرام خود از
آنحضرت روایت کرده است که متهاون و کاهل نماز را حق تعالی پانزده عقوبت
نماید شش در دنیا اول آنکه نور از روی او ببرد و برکت از عمر و مال و حبط جمیع اعمال
خیر و عدم استجابت دعا و بی نصیبی از دعای صالحان و سه در هنگام مرگ شدت

رنج و تشنگی

رنج و تشنگی و گرسنگی و سه در قبر عمود رود در او و ظلمت و فشار تا قیامت و سه در روز قیامت
اول حساب بشود دوم غضب الهی و ترک نظر رحمت و تکلم خدا با عذاب دردناک سیم حشر او
مانند حیوانات بچهار پا داخل جهنم شود و بحدیثی فرمود هر که اعانت کند بی نماز را بلقمه
بالکه گویا کشته هفتاد پیغمبر را اول آن آدم صفی الله و آخر ایشان محمد ص باشد و بحدیث
پروردگارم بمیرد یهودی یا نصرانی یا مجوسی و فرمود بکسی را وصیت طلبید که نماز را دانسته
ترک مکن که از دین اسلام از تو بری میگردد و بدانکه در کفر تارک نماز شکی نیست و زنا و سایر
محرمات نماید چنانکه در صحیح است که از حضرت صادق ع پرسیدند که چرا شارب زانی را
کافر نمیدانید و ترک کننده نماز را کافر میدانید فرمود زیرا که زنا و مانند آن زانی را
غلبه شهوت و لذت میکنند و کسی نماز ترک نمیکند مگر بسبب سبک شمردن آن نه بقصد لذت
و اما اینکه شقاوت و کفر و شومت تارک نماز از حد و حصر بیرون رفته و همچنان کسی که نماز
باطل بجا آورد چنانکه مکرر مذکور شد و اهتمام در قرآن در خصوص نماز شده در
هیچ فریضه و بعض علما هزار و ششصد و شصت آیه در باب نماز شمرده اند و در این
عجاله باشاره با هم آداب مهجوره آن اکتفا مینماید از آن جمله محافظت اول اوقات
چنانکه حضرت صادق ع میفرماید چون نماز را در وقتش گذارد و محافظت
آداب آن نماید بالا رود سفید و پاکیزه و گوید حفظ نمودی مرا خدا ترا حفظ نماید

و در صحیح دیگر فرمود که نزد خدا برای او عهدی خواهد بود که او را داخل بهشت شود و اگر
بوقتش گذارد و محافظت نکند بالا رود سیاه و تیره و گوید مرا ضایع کردی خدا ترا ضایع
کند و فرمود نماز فریضه را میکنی در وقتش بکن و نماز وداع کن که گویا آخر نماز تست
و احادیث دیگر توفیق آنها بی و اخبار در تاکید اول وقت یعنی آن برای غیر مضطر
بسیار است لهذا جمع از علماء تاخیر وقت فضیلت را بدون عذر حرام میدانند
و بعض اتمام در هشتم این روضات بتقریب تعداد محرومان روز قیامت
مذکور است و از آن جمله حضور و اقبال دل بجناب اقدس الهی است که روح نماز است و در احادیث
وارد شده که قبول نمیشود از نماز مگر آنچه با حضور قلب باشد نصف آن یا ثلث آن
یا ربع آن و در حدیث نبوی با این زیادتی هست که بعض نماز را هیچ حضور قلب در آن
نیست مانند جامه کهنه که برهم پیچیده بر روی صاحبش بزنند و فرموده الله نماز مکن در سستی و نه در بسیار
گرسنگی و نه بکسالت خواب آلوده و نه با شتاب بلکه با آرامی تن و وقار و خشوع دل و اقبال و باید چنانکه در حدیث
نبوی است حضور داشته جمیع اعضا و جوارح ساکن باشد مگر چشم و لب و هر دو پا باز دارد و در رکعت معتدل باشد که بهتر
است از نماز یک شب که دل بحضور روی سیاهی باشد و در حدیث حضرت صادق ع میفرماید که بتحقیق
هیچ مؤمنی نیست که بدین اقبال کند بر خدا روز بر خلیل در نماز و دعا مگر خدا اکرم برا او اقبال
کند حق تعالی اقبال فرماید و دلهای مؤمنان را دو تا بند و تقویت نماید با محبت در ایشان او را بجنت

و لذا امیر المؤمنین

و لذا امیر المؤمنین ع ذکر فرموده ملکوت زان گوشه چشم خود را از محل موضع سجود و در حدیث حضرت صادق ع
این زیادتی هست اگر دانی در طرف راست و چپ تو کیست البته نماز را نیکو تمام کرده و این را بدان
بعدد برابر کسی ایستاده که ترا می بیند و فرمود چون بنده ملتفت شود یعنی بچشم یا بدل ندا کند خداوند
وجل ای بنده بسوی که التفات میکنی آیا بکسی بهتر از منت برای تو چون سه مرتبه مرتکب چنان بی
ادب شود بر میگرداند حق تعالی از او روی اقبال و نظر رحمت را از او و بسوی او هر که بود از
رسول خدا ص ذکر فرموده که نماز مکن و حال آنکه چیزی از بول یا غایط در خود یابی و اخبار در این
باب بسیار است و در صحیح وارد که آن مثل پیچیدن نجاست است بر خود و فرموده که گریه در نماز
روشنی چشم است بخدا سوگند مرا ایکن نزدان و فضایل گریستن و قساوت قلب در هشتم روضات در
تعداد اهل نجات مذکور است و از رسول خدا ص منقولست که نماز نیست برای کسی که اتمام نماید رکوع
و سجود آنرا و اعلی خبیث ترین دزدیها از نماز خود دزدیدن است که ارکانش را ناقص کند و باسانید
معتبره از حضرت صادق ع منقولست که دو رکعت نماز متاهل برابر هفتاد رکعت و بروایت
دیگر بهتر از عبادات یکشبانه روز عزب است و از والد ماجدش فرمود که بهتر از عبادات عزب
اشبیها بعبادات ایستد و روزها بروزه باشد و فرمود خوابیدن متاهل بهتر از عبادات عزب است
و فرمود هیچ مسلمانی نیست که واگذارد ذریه را از عبادات خدا کنند مگر آنکه برای او مثل جریان
باشد تا قیامت و بحدیث نبوی اراذل ترین مردان عزبانند و بروایتی فرمود که

که کرده الا از برادران شیاطین هستی و از حضرت رضا ع منقولست که یک نماز با بوی خوش
بهتر از هفتاد نماز بی آن و از حضرت رسول صلعم در مسواک و عمامه همچنین وارد شده و ردا
در نماز هم بعضی احادیث اهم از عمامه است و ببعض آداب ضروریه نماز از حضور مسجد و
جماعت در عیان هفتم روضهٔ هشتم مذکور است   در ذکر نجاسات از عقوبات
سیم عقوبات ابرو این سابقه از زکوه و خمس سؤال خواهند کرد و از کمال اهتمام هم جا در
کلام ملک علام تالی اول ارکان اسلام ذکر شده بعد از نماز ارکان وا فهم با بهای ایمان است
و سیصد آیه در خصوص زکوه شمرده اند و بآیات در مبالغه و تاکید زکوة و کفر و نفاق و معاند
و شامت ترک و تاخیر آن بسیار است و در روضهٔ دویم گذشت که تارک هر فریضه کافر است
و در صحیح حضرت صادق عم میفرماید هر که نگهدارد یک قیراط از زکوة را مؤمن نیست و مسلمان
هم نیست در هنگام مرگ سؤال خواهند کرد رجوع بدنیا را و این کلام خداست اذا جاء احدهم
الموت الآیه ترجمهٔ ظاهرش اینست که چون یکی از ایشان را مرگ در یابد گوید پروردگارا مرا بر گردان بدنیا
شاید عمل صالحی بجا آورم در مالی که برای وارث واگذاشتم و زکوة خود را بدهم و فرمود که نمازش مقبول
نیست و فرمود خواه بمیرد یهودی و خواه بمیرد نصرانی یعنی از مسلمانی بهره ندارد و از آنحضرت منقولست
که بتحقیق مانع زکوة در آتش است اگر چه طاعت خدا کرده باشد هزار سال و بروایت عیاشی عیسی بجا
آورده باشد و هر وقت گوید یا رب یعنی در دنیا دعا کند استغاثه نماید حق تعالی فرماید اسکت یا عاصی

و در بعضی احادیث

و در بعضی احادیث فرماید امن از تو بیزارم و او بمنزلهٔ بسیار دور است از خدا و از بهشت و در صحیح فرمود
که اگر خدا میدانست که آنچه برای فقراء مقرر فرموده کافی نیست البته زیاد میکرد و هر تعب و محنتی که بفقراء
برسد بعلت حبس حقوق ایشانست و فقراء محتاج نمیشدند اگر گرسنه و برهنه نمی ماندند مگر بسبب گناه و تقصیر
اغنیا و حق ثابت است بر خدا را منع کند رحمت خود را از هر که منع حق خدا نموده در مالش و در صحیح
دیگر فرمود دو خون است در اسلام که حلال است از جانب خدا حکم نمیکند در آنها کسی تا خدا قائم
ما را مبعوث نماید و او حکم خدا را جاری سازد زانی محصن را سنگسار کند و مانع زکوة که گردنش خواهد
زد و در صحیح فرمود نیست صاحب گنجی از طلا و نقره که زکوتش را حبس کند مگر آنکه حق تعالی او را حبس کند
روز قیامت در زمینی لغزنده و اژدهائی بر او مسلط کند با موی سرش از شدت حرارت و حدت
زهر با طول عمر گزیده باشد و او را دهان بگشاید چون ببیند خلاصی ندارد دست خود را بدم او
دهد پس بدندان دست او را مانند تربچه [illegible] در گردن او چون طوق و آتش به پیچد و اینست
قول خدا سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة و نیست صاحب حیوانات [illegible] که زکوة او را
مگر آنکه باز دارد خدا روز قیامت او را در زمین صاف لغزنده و او را پامال کند هر حیوان صاحب سم
و از هم بدرد هر صاحب دندان و نیست صاحب باغ و زراعتی را منع زکوة کند مگر آنکه حق تعالی طوق
سازد بر او تا هفت طبقهٔ زمین تا روز قیامت و فرمود مانع زکوة [illegible] سر بلند [illegible] باشد
طوق او شده از دماغ او فرو خورد و بحدیث حضرت باقر ع اژدهائی از آتش طوق او شده میگردد

کوشت او را تا حق تعالی از حساب خلایق فارغ شود هر کوه آیهٔ سابقه را بهمین تفسیر نموده اند و آیات
و تعذیب مانع حقوق خدا در مال بهمان مال متعدد است از جمله الذین یکنزون الذهب و
الفضة و لا ینفقونها تا آخر آیه بلکه بظاهر آیه مطلق ذخیره کردن مال بقصد غیر این عقوبت
خواهد داشت [illegible] و در صحیح فرمود نیست کسی که درهمی از مال حق نگهدارد
مگر آنکه در غیر حق دو درهم صرف کند و فرمود زکوة نداد کسی [illegible] مالش کم شود باشد و منع نکرد کسی
از مالش زیاد شود باشد و این مکرر بتجربه رسیده و فرمود هیچ مالی ضایع نشد در صحرا یا در دریا مگر آنکه
بضایع کردن زکوة و هیچ مرغی شکار نشد مگر به تضییع تسبیح خود و حضرت باقر ع میفرماید که حق تعالی
زکوة را قرین نماز آورده فرموده که اقیموا الصلوة و آتوا الزکوة پس هر که نماز کند و زکوة ندهد
گویا نماز نکرده و در صحیح از رسول خدا صلعم ذکر نموده که در مسجد فرمود بر خیز یا فلان و یا فلان
پس تا پنج نفر را اخراج نمود و فرمود بیرون روید از مسجد ما و در آن نماز مکنید و حال آنکه زکوة
نمیدهید و بروایت دیگر فرمود که هر که زکوة نمیدهد چون بمیرد بر هر عضوی از اعضای او ماری و عقربی
و زبانه از آتش گذاشته شود و بروایتی حضرت صادق ع فرمود که پیوسته امت من در خیر
و خوبی هستند تا خیانت در امانت و زکوة نکنند و الا بقحط و غلا مبتلا شوند و حضرت کاظم ع
میفرماید هر که زکوة مالش تمام بیرون کند و بمستحق آن رساند او را سؤال نخواهند کرد
که از کجا کسب آغاز کردی و فرموده رسول خدا صلعم حق تعالی حاجتهای دنیا و آخرتش را روا کند



و نرسد بسر تمام روز قیامت و با پیغمبر آن داخل بهشت شود و فضایل مطلق صدقات و عقوبات جمیع مال
و مردم اخلاق او سبق ذکر یافته و حضرت صادق عم میفرماید که هر که اهل زکوة باشد و نگیرد مثل کسی است
که زکوة ندهد و بدانکه اهل زکوة کسی است که فقیر باشد و گناهی از او بروز نکرده باشد یا توبه کرده باشد و از
بدترین گناهان گدائی و آداب نماز و دین خود تعلیم نگرفتن است و هر وقت از زکوة بر غیر مستحق دهد
ضمان است که زکوة نداده چنانکه در نماز باطل کنند و در عقوبت مانند ترک نماز است بدانکه منع خمس مثل منع
زکوة است بلکه بدتر و حضرت صادق عم میفرماید که بدترین مردم در شدائد روز قیامت هنگامی است
که صاحب خمس برخیزد و گوید خداوندا خمس خود را میخواهم و فرمود که یکی از شاگردان هدیه آورد و قبول
میکنم و حال آنکه از غنی ترین مدینه ام و قرضی ندارم مگر برای آنکه شاگرد ابو بصیر بخدمت باقر ع گفت
مردم بچه آسانی بجهنم میروند فرمود که چنان است که از مال یتیم میخورند و بجهنم میروند ما یتیم
الخمس ما را [illegible] و جمعی از [illegible] بخدمت حضرت امام رضا ع آمدند و عرض نمودند که خمس را بر ما
حلال گردان فرمود محال است و چه محالی [illegible] گرفته اید بزبان اظهار دوستی میکنید و نمیخواهید
برهید حقی که ما را حق تعالی برای ما مقرر فرموده هیچ کس از شما را حلال نمیکنم و سه مرتبه این را
فرمود و در صحیح حضرت باقر ع فرمود که حضرت امیر المؤمنین ص [illegible] اکثر عالمیان هالک و اهل
جهنم اند بسبب شکم و فرج چون حق ما را از خمس نمیدهند و حضرت صاحب الزمان در بعضی فرا
[illegible] صحیح شیخ مفید رحمه الله عنه در حقدار زنهای آخر الزمان میفرماید بتحقیق هر کسی از

برادران دینی که از خدا بترسد و پیروی کند آنچه در ذمه اوست از مستحقین ایمن خواهد بود از
فتنه و هر که بخل ورزد با آنچه خدا با و عاریه داده از آنچه امر حضرت او فرموده پس بدرستی و باین
سبب زیان کار دنیا و آخرت خواهد بود و اگر شیعه ما اجتماع بو فا نمودی ملکی دند البته تأخیر نمیشد از
ایشان شرف خدمت و یمن و برکت ملاقات ما و زود فایز میگشتند بسعادت مشاهده لیکن برکات
ما پس ما را محبوس نداشته از ایشان مگر آنچه با ما میرسد از چیزهای چند که مکروه از ایشان ناخوش
میداریم و فرمود پس میباید عمل کنید هر یک از شما شیعیان با آنچه او را مقرب میسازد بمحبت ما
و باید اجتناب نماید از آنچه او را نزدیک میگرداند بکراهت و غضب ما پس به تحقیق امر ظهور ما بناگاه
فی الجمله بر خواهد رسید هنگامی که نفع ندارد توبه او و نجات نخواهد داد او را از عقاب ما پشیمانی
بر تقصیر و ندامت او   در بیان نجات از عقوبت عقبه چهارم است که موضع سؤال
از روزه است و آن زکوة ابدان و حصار شیطان و سپر روز قیامت است از حرارت آتش سوزان است
و با حادیث متواتره یکی از ارکان ایمان است و در صحیح گذشت که تارک فریضه کافر است و روزه
بعد از زکوة اهم فریضها است و فضایل آن بسیار است و فواید آن در تسهیل سلوک طریق ابرار
بسوی دار القرار بیشمار نزدیکترین راهیست بسوی عالم نور و سهل ترین عملیست در فوز بمقام
بهجت و سرور ممتاز است از سایر عبادات به بعید از ریا و آفات چنانکه رسول خدا صلعم و حضرت
امام جعفر صادق ع از جناب اقدس الهی ذکر میفرمایند که روزه مخصوص منست و جزای آن بر منست و فرمود
روزه دار در عبادات است تا غیبت مسلمانی نکند هرچند در خواب باشد و فرمود با نخوانی که جان

تحمّلذ

تحمل در قبضه قدرت اوست بوی دهن صایم خوشتر آید نزد حق تعالی البته خوشبوتر از مشک
و فرمود خدا ملایکه را موکل و مقرر فرموده بدعا برای روزه داران و جبرئیل مرا خبر داده از جانب
الهی امر نکردم ملایکه خود را ببودی که کسی مگر آنکه مستجاب کنم و فرمود و حق کند خدا بسوی حافظان
عمل را منویسید بروزه داران بندگان تا عصر گناهی و فرمود روزه سپریست از آتش و هر چیزی را
زکوتیست و زکوة عبادات روزه است و فرمود روزه روی شیطان را سیاه میکند و صدقه پشتش را
میشکند و دوستی برای خدا و اعانت بهم بر عمل برای برادران صالح اثر او را برطرف میکند و استغفار
رگ گردن او را قطع میکند و هر چیزی را زکوتیست و زکوة بدنها روزه است و فرمود یک روزه
بنهان از ثبت ثوابان عاجزند ملایکه و خدا او را و پدر و مادر او و سا را بیامرزد و در حدیثی فرمود آیا خبر ندهم
شما را بچیزی که شیطان به سبب آن دور شود از شما بدوری مشرق از مغرب گفتند بلی فرمود روزه و فرمود
جار شیطان از مجاری شرب آدمی پس تنگ کنید آنها را بگرسنگی و تشنگی و حضرت ع فرمود
خواب روزه دار عبادت است و سکوتش تسبیح و عملش مقبول و دعایش مستجاب و در حدیثی نفس تسبیح
و کلامش صدقه و در تفسیر و استعینوا بالصبر و الصلوة فرمود شنیدی و نماز اگر روی نماید
باید روزه بگیرد و صبر روزه است و فرمود آیا خبر ندهم تو را با بواب خیر گفت روزه است سپریست از آتش
و فرمود هر که روزه خود را پنهان کند حق تعالی میفرماید بملایکه که بنده من پناه آورده بمن از عذاب من
و پناه دهید او را و ملایکه را موکل گردانند بدعا روزه داران و نمیفرماید ملایکه را بدعا کسی مگر آنکه

مستجاب میکند و فرمود هر که یکروز در شدت گرما برای خدا روزه بگیرد پس تشنگی با و برسد حق تعالی
هزار ملک بر او موکل گرداند که مسح و پاک کنند روی او را و بشارت دهند او را تا وقت افطار خدا فرماید
چه بسیار پاکیزه است بوی تو و روح تو ای ملایکه من شاهد باشید که به تحقیق آمرزیدم او را و از
رسول خدا صلعم مرویست که هر که یکروزه سنت بگیرد حق تعالی او را داخل بهشت گرداند و بر
وایت دیگر واجب شود برای او مغفرت و هر که یکروزه پنهان بگیرد از ثبت ثوابش ملایکه
عاجز شوند و حق تعالی او را با والدینش بیامرزد و حضرت صادق ع فرمود قیلوله کنید
بدرستیکه خدا طعام و شراب میدهد روزه دار را در خوابش و فضایل احادیث روزه عموما
و خصوصا در کتب جمیل مسطور است و بروایت شیخ مفید حضرت باقر ع میفرماید مؤمن
هرگاه شب خود را بقیام و روز را بصیام بگذراند گناهی برای او نوشته نمیشود و گامی بر نمیدارد
و کلمه نمیگوید مگر حسنه برای او ثبت و اگر آن روز بمیرد در روز حشر او را بعلیین بالا برند و اگر زنده
باشد تا افطار کند او را از زمره ابرار مینویسند و حدیث نبوی به یهودی فرموده از جمله
خصال روزه است که اختر گوشت حرام و قرب الهی و کفاره گناهان آدم ع و سهولت
موت و گرسنگی و تشنگی روز قیامت و برات از جهنم و اطعام طیبات بهشت و فرمود خوشا
حال کسی که تشنه و گرسنه باشد در راه خدا ایشان سیر روز قیامت سیر شوند و بروایت صدوق از
حضرت امام رضا ع میفرماید قلم بر صایم جاری نمیشود تا افطار نماید مخفی نماند که اجماع اهل عقل و ارباب

قلوب بر

قلوب بر طبق آیات و بر وفق روایات متحقق است برآنکه جوع و صبر و گرسنگی و تشنگی که یکی از
فواید روزه است سر جمیع فضایل است شبع منشأ و رئیس کل رذایل است انبرا از اسباب جهالات
و دواعی رعونات و سیئات و طرق شهوات و غفلات جاده شیطان و آفات و موانع برکات
و قبول طاعات و اجابت دعوات بالتمام منحصر است در فراغت و کدورت خاطر و غفلت
و ظلمت و فساد و آفت دل که بر پرخوری و شبع باعث اینها است بالبدیهه چنانکه منقولست از جناب
رسول خدا صلعم هر که مالک شکم خود باشد پس به تحقیق او صاحب و مالک کل اخلاص صالحه شده
و فرمود جهاد نمائید با نفسهای خود بجوع و عطش و به تحقیق که اجر آن مثل اجر جهاد فی سبیل
الله است بدرستیکه هیچ عملی نزد خدا محبوب تر نیست از گرسنگی و تشنگی و فا غلط بن خالد بروایتی
نزدیکترین شما نزد خدا روز قیامت کسی است که گرسنگی و تفکر او بیشتر باشد و دشمن ترین
شما بسوی خدا اهر پرخوار است و فرمود که به تحقیق حق تعالی با ملایکه مباهات میکند بکسی
که کم است خوراک او در دنیا میفرماید به بینید بنده مرا مبتلا و امتحان کردم او را به شراب
و طعام در دنیا پس ترک کرده آن را بسبب من ملایکه گواه باشید هیچ خوردنی و آشامیدنی
مگر آنکه در عوض درجات بهشت با و کرامت شود و باین احادیث بسیار است و در حدیث معراج
اسامی بعد از وصف جوع و صمت و ذم مرض مانند یک کالبد و سکینت سباع بر ضعفا بهایم
بر علف میفرماید که اگر توانی مرگ تو را دریابد با شکم گرسنه و جگر تشنه پس به تحقیق که ادراک

خواهی کرد بان شرف منازل را و خواهی بود با پیغمبران شاد کنند و نور دروح تو ملائکه ابرار و صلوات
میفرستند بر تو بر روح و جسد و حضرت صادق ع میفرماید نزدیکترین احوال بنده بخدا وقتی است
که در سجده باشد و گرسنه باشد و فرمود سیر علی گرسنگی است در اصل و مغز عبادات گرسنگی است در
صحیح ذکر فرموده از رسول خدا که مؤمن در یک معا میخورد و کافر در هفت امعا و در حکمت
و مشهور است که اجسام چون گرسنه شوند ارواح را کردند و ارواح چون سیر شوند اجسام
میکردند آن مرکبست از ملکیت و حیوانیت و بروزه صبر و گرسنگی حیوانیت میل میکند و ملکیت
میگردد و بشبع ملکیت بحیوانیت گردد و اخبار از رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است
که شبع علامت نفاق است بلکه مورث آنست و منقولست از آنحضرت که داخل ملکوت آسمان
نمیشود کسی که شکمش پر باشد و سؤال شد از علامت مؤمن و منافق فرمود به تحقیق که مؤمن
همیشه در نماز و روزه و عبادتست و همت منافق در طعام و شراب مانند بهایم و فرمود هر که همتش
در چیزی باشد که داخل شکم او شود قیمتش آن چیزی خواهد که از شکم او خارج شود و فرمود نور حکمت
گرسنگی است و دوری از خدا سیری است و فرمود سیر مخورید که فراموش میکند نور معرفت را
از دلهای شما و فرمود که حکمت داخل نمیشود در شکمی که پر از طعام باشد و فرمود سه چیز باعث
غضب الهی شود خواب بی بیداری و خنده بی تعجب و اکل بر سیری و بحدیث دیگر سه چیز باعث قساوت
قلب میشود محبت است و محبت خوراک و بحدیث دیگر فرمود هیچ دشمنی ترینت بخدا

از نا بر

از شکم پر و بروایتی فرمود گرسنگی دهید نفسهای خود را و تشنگی دهید جگرهای خود را و بپوشید بدنهای
خود را شاید به بینید حق تعالی را در دلهای خود مشهور است از وحی الٰهی که یا عیسی گرسنگی ده
خود را تا به بینی مرا و ورع و اجتناب از نافرمانی ای تا ... مرا و بنده کن تا بیابی مرا
و مجرد شو از علایق و منفرد باش از عوایق تا بقرب من فایز شوی و در حدیث قدسی است
که یا احمد به تحقیق که چون شکم گرسنه شد بیاموزانم باو حکمت را پس اگر کافر باشد حکمتش
و بال و حجت بر او خواهد بود و اگر مؤمن باشد حکمتش نور و برهان و شفا و رحمت است پس میگرداند
آنچه نمیدانست و می بیند آنچه نمیدید و می بیند عیبهای خود را تا از غیر مشغول دنیا شود
و حد دقایق علم که شیطان بر او داخل نشود و هیچ جا و را کی بر او و طی نیابد یا احمد دشمن
دارد دنیا و اهل آن را و دوست دارد آخرت و اهل آنرا که کهف پرور دگار ... اهل دنیا فرمود
هر که بسیار باشد خوراک و خنده و غضبش و تتمه حدیث علامات مؤمن در مفتاح الجنان مذکور است
و از توریت منقولست یا ابن آدم چگونه ... طمع میداری در عبادت بر شبع و در جلاء
قلب با کثرت خواب او در خوف خدا با خوف و در ورع و حرص دنیا و حب خدا با حب دنیا
و در صفت خدا با تحقیر فقرا و حضرت سلمان را مبالغه میکردند بر طعامی که کفایت
... است شنیدم از رسول خدا که هر که سیری او در دنیا گرسنگی او بیشتر است در آخرت
یا سلمان به تحقیق که دنیا زندان مؤمنست و بهشت کافر و در صحیح حضرت کاظم ع

چنین است دنیا زندان مؤمنست و قبر حصن او و بهشت ماوای او و دنیا بهشت کافر است و قبر زندانش
و دوزخ ماوایش و در صحیفة الرضا از امیر المؤمنین ع ذکر فرموده که ابو جحیفه بخدمت رسول خدا آمد
و گفت من جشا میکنم یعنی آروغ میزنم فرمود باز دار آروغ خود را که به تحقیق که هر کس در دنیا سیری او
بیشتر است گرسنگی او در قیامت بیشتر است پس ابو جحیفه دیگر شکم خود را پر نکرد از طعام تا بخدا ملحق شد
و بروایت دیگر فرمود گرسنگی یک طبع است با ... و سیری ... است ... و فرمود شبع
عقوبتش ... است و مرض بدن و بر طرف شدن بهاء و نور ... و صلاح شیطان و کوری ... دل و فراموشی
خدا و ... دین و بر طرف شدن یقین و تحریم حکمت و مزرعه ابلیس و ترک ادب و ارتکاب معاصی
و از حضرت علی ع منقولست که بجوارح ... فرمود که هر که سیر شود هفت آفت داخل او شود عجز از
از حفظ حکمت و دور رفتن خوف الٰهی و رحمت بفقرا از دل و سنگینی و عبادات و زیادتی شهوات و کنند
مانند مردار و طوف دور مزابل هنگام گشتن مسلمانان در مساجد و مصاحف و اینست ننگ و عار ایشان
در دنیا و وبال بر ایشان در آخرت و مفاسد ... شبع و فواید و فضیلت روزه و گرسنگی و ...
در دنیا و آخرت فوق حد تحریر است از عقل و نقل و تجربه هر عارفی را معلوم است هر که را هو
شماست بر هر عضو او گوشی است برای شنیدن هر چیزی   در ذکر خلاص و نجات از
عقوبات که بروایت سابقه سؤال میکنند از حج بیت الله الحرام که چهارم ارکان و بابهای اسلام
است و حق تعالی ... فرموده ... الله ... و ... هنگام مردن

با کفر میشود

با کفر میشود که بمیرد یهودی یا نصرانی و مثل مانع زکوة آرزوی رجوع بدنیا خواهد کرد در روز قیامت
کور محشور خواهد شد و حضرت صادق ع فرماید هر که توفیق حج نیابد آن بی سعادتی از جهة
گناهی است البته که از او صادر شده و در حسن فرموده که اگر مردم ترک حج کنند بر والی
جبر است جبر ایشان بران و بر اقامت نزد کعبه همچنین در زیارت نبی و اقامت نزد آنحضرت
و اگر مالی نداشته باشد از بیت المال مسلمانان بایشان خرجی دهند و اگر یکسال خانه کعبه را معطل
بگذارند مهلت نمی یابند از عذاب و آیات و احادیث در این خصوص در شداید عقوبات
تارک بسیار و در فضایل و فواید دینی و دنیوی آن بیشمار است و باحادیث حضرت سجاد ع
باعث کفایت مهمات دنیا و آخرت و غنا و دولت میگردد و حضرت صادق ع میفرماید
حج جهاد ضعیفانست و ما ضعیفانیم و فرمود هر که حجة الاسلام کند پس به تحقیق که باز
کرده از گردن خود گره را از آتش و او از جهنم نجات و هر که دو حج بجا آورد همیشه در خیر و ثواب
نگریست تا بمیرد و هر که سه حج بجا آورد پی در پی بعمل آورد بعد از آن حج دیگر هم نکند بمنزله کسیست
که دائما حج میکند و فرمود یک درهم در حج بهتر است از هزار درهم که در غیر حج خرج شود و بروایتی
هزار درهم در راه خدا و فرمود یک نماز فریضه بهتر است از بیست حج و یک حج بهتر است از خانه طلا
تصدق نمایند تا تمام شود و بروایتی یک حج بهتر است از هفتاد عتق و فرمود ... است
و ... میلاد ... که در قبر ... کنند ... حج داشته ... در تمام دنیا و فرمود ...

در بسته شدن درهای بهشت بسته نشود تا وارد شود و در حدیثی آن مهمان خداست در زمانی ان مصافحه میکنند
با آن خلقش و حضرت باقر ع میفرماید هیچکس نیست که کاری را مانع حج کند مگر آنکه نظر نماید بحاجی که بر
گشته باشند و انجا حاجت روا شده باشند و فرمود حج و عمره بازاریست از اسواق آخرت و ملازم
آنها مهمان خدا است اگر زنده دارد بی گناه باشد و اگر بمیرند داخل بهشت گرداند و فرمود هر که محرم
بمیرد مبعوث شود لبیک گویان و آمرزیده شود و رسول خدا ص بکسی که از حاج مانده بود بجهت از مال خود
برسید فرمود نگاه کن باین کوه ابو قبیس اگر مثل این کوه طلا در راه خدا صرف کنی اجر حج نیابی
و بروایتی فرمود حاج سواره بهر گامی هفتاد حسنه است و پیاده را هفتصد هزار حسنه و فرمود حج مقبول را
تلافی نمیشود مگر بهشت و فرمود حق تعالی ۳ نفر را بثواب یک حج داخل کند وصیت کننده و امضا
کننده و حج کننده و حضرت رضا ع فرمود هر که ۳ مؤمن را بحج فرستد سؤال کرده نشود در روز
حساب که از کجا مال را کسب کرده   در اشعار سوال عقبهٔ ششم که از طهارات ثلث
است یعنی وضو و غسل و تیمم بظاهر روایات ابن مسعود از امیر المؤمنین ع احتمال دارد دفع حدث
و رفع خبث و طهارت باطنی باشد و رفع حدث و وضو و غسل و تیمم است شرط افضل صحت ارکان
ایمانست و سایر عبادات و همچنان در رفع خبث و نجاسات ظاهریه است و تفصیل آنها و کیفیت
ازالهٔ هر یک علم آنها بر هر کس واجب عینی و در فقه مسطور است طهارت باطن شرط قبول
است در نماز بلکه شرط نماز باطن است عبارت است از تطهیر و تصفیهٔ دل از لوث معاصی بتوبه و از کثافت
رذایل بتهذیب

رذایل بتهذیب اخلاق بنهجی که در عقبهٔ چهارم گذشت   در ذکر آنچه شدائد آخرت و عقبهٔ نهم
عقبات عظیم العقوبات روز جهان سوز قیامت از مظالم عباد سؤال خواهند شد و اکثر معدود در
در از عقبات حقوق الهی نجات یافته باشند انجا موقوف خواهند ماند بشومی حق الناس کم یا بسیار
چنانکه حضرت صادق ع در تفسیر آیهٔ ان ربک لبالمرصاد میفرماید قنطره ایست بر صراط
نمیگذرد از انجا کسی که مظلمه و در صحیح از جناب اقدس الهی ذکر فرموده که بتحقیق هرگز در نخواهم
گذاشت مظلمه های بندگان خدا هر چند کافر باشند و در صحیح از رسول خدا ص روایت فرموده
حضرت نهایت از ظلم ظلمات روز قیامت است و از امیر المؤمنین ع روایت فرموده هر که از قصاص
باید باز ایستد از ظلم مردم و فرمود آدمی هر چه کارد همان را درود از تلخ و شیرین و نیز بر عکس
و در صحیح فرمود هر که نگهدارد از حق مؤمنی را حق تعالی او را نگهدارد روز قیامت بر سر
پا پانصد سال تا عرق شود از او و دود خالها و ندا شود از جانب خدا که این ظالمیست حبس کرده
حق مؤمن را انگاه او را سرزنش میکنند تا چهل سال پس امر میشود ببردن جهنم و فرمود هر که
چیزی از مال برادر مؤمنش را بظلم تصرف کند پارهٔ از آتش روز قیامت بر آن خود کسب کرده است
و بصحیح حضرت باقر ع از رسول خدا ص روایت کرده است پیوسته خدا از او روی رحمت گردانیده
و اعمال او را دشمن دارد و بر کارهای خیر او ثواب ندهد تا توبه نکند و مالش رد ننماید و در صحیح فرمود
هیچ مظلمه بدتر نیست از مظلمه بکسی یاوری ندارد بغیر خدا و حضرت باقر ع میفرماید پدرم هنگام

رحلت مرا بسینهٔ خود چسبانید و فرمود وصیت میکنم ترا بانچه پدرم مرا وقت وفات وصیت نموده
و فرمود که پدرانش همچنین وصیت باو فرموده که زنهار بر حذر باش از ظلم بر کسی که بغیر خدا یاوری ندارد
و فرمود هر که ظلمی بکسی کند البته خدا او را بگیرد در جانش یا مالش یا فرزندش و فرمود ظلم بر ۳ قسم است ظلمی
را نمی بخشد خدا و ان شرک است و ظلمی را میبخشد و آن ظلمیست که کسی بخود کند میان خود و خدا
و ظلمی را وا نمیگذارد و آن مظالم خلق است با هم و حضرت امیر المؤمنین ع در خطبه
فرمود ایها الناس بتحقیق گناهان بر ۳ قسم است مغفور و غیر مغفور و میان خوف و رجا
اما مغفور گناهیست که معاقب شده بران در دنیا و خدا کریمتر از آنست که دو بار عقاب کند
بندهٔ خود را و گناهی که بخشیده نمیشود مظالم عباد است بدرستی که حق تعالی چون آشکار و ظاهر
گردد بر خلق یعنی بر ان قیامت اسرار الهی فاش و بی پرده خواهد شد قسم یاد کند بعزت
و جلال خود که گذر نخواهد کرد از من هیچ ظالمی اگر چه مسح کفی و کشیدن دستی باشد و
و قصاص خواهد گرفت از حیوان شاخ دار برای بی شاخ تا باقی نماند کسی را بر کسی حقی و مظلمه
بعد از ان بر می انگیزاند ایشان را برای حساب و سیم گناهیست که خدا پوشیده بر خلقش و توبه
باو روزی نموده پس همیشه ترسان از گناه خود و امیدوار برحمت پروردگار است و فرمود
بد توشه ایست برای روز قیامت تعدی و ظلم بر مردم و فرمود ای گروه شیعیان ما از خدا بتر
سید و حذر کنید مبادا هیزم این آتش جهنم شوید تا فرمود بتحقیق هیچ مؤمن نیست
الا آنکه برادر

مظلمه کند برادر مؤمن خود را شریک او نیست در ولایت ما مگر آنکه ساکن گرداند خدا در این آتش
غلها و زنجیر و او را و خلاص نخواهد فرمود مگر بشفاعت ما و سوال خدا او نخواهیم کرد مگر بعد از
آنکه شفاعت او نمائیم بسوال برادر مؤمنش پس اگر عفو کرد از او شفاعتش خواهیم کرد و الا طول
خواهد کشید مکث او در آتش و فرمود در وحی عیسی ع است ابلاغ کنید دعا را بجهت آنکه استجابت
نمیکنم تا مظلمه احدی در نزد او هست و در حدیثی است طالب للشیطان بمال اعوان کند و رسول
خدا ص ابا فرمود از نماز بر میتی که او دو درهم مشغول الذمه بوده تا آنکه اوصیا بر ذمه و الاهمه خود
گرفت و در حدیث معتبر فرمود چهار کس اند که آزار باهل جهنم میرسانند با آزاری که خود دارند
و از حمیم جهنم بخورد ایشان میدهند و فریاد واویلا و واثبورا میکنند یکی در تابوتی از آتش
آویخته و یکی رودهایش را می کشند و دیگری بجرک و ریم و خون از دهانش بیرون می آید و دیگری
گوشت خود را میخورد از مال هر یک را می پرسند عمل این بدبختان چه بوده
را این هم آزار ما میکنند اول گوید او مرده و مال مردم در گردنش مانده و چیزی هم نگذاشته
که حق مردم را ادا کنند دوم گوید پرواز بول نکرده سیم سخن بد را از مردم میشنید و حکایت
باتقلید مینمود چهارم گوشت مردم را بغیبت میخورد و فرمود هر که حق مسلمانی را حبس
کند خدا برکت از روزی او ببرد و هر که تاخیر کند در دادن حق کسی هر روز گناه عشاری
بر او نوشته شود و بروایت دیگر فرمود پنج نفر دوزخ در خانه با گنهکاری ابکری ندارد راهی

نداند او را از هم بشنوند امیری را از رعایا مال گرفته انصاف ندهد و مطاع قومی را برفرا و را
او را بشنوند و او میان قوی و ضعیف تفاوت دهد و کسی را اهل خود را کار دنیا آموزد و بطاعت
الهی نفرماید و غصب کننده مزد اجیر و بروایت حضرت باقر عم فرمود عظیم ترین خطاها غصب
مال مسلمانانست و فرمود که کارترین مردم نزد خدا کسی است که بناحق کسی را بکشد
یا بزند و فرمود هر که طپانچه بر روی مسلمانی بزند حق تعالی روز قیامت استخوانهای او را از
هم بپاشد و آتش را بر او مسلط گرداند و او را غل کرده بجهنم اندازند و فرمود منکر اعوذ
نکند حال کسی را دست بخون مسلمانان کشوده به تحقیق او را کشنده ایشان اهر که بمیرد
و آن آتش جهنم است و فرمود هر که دست بمؤمنی اندکه او را ذلیل کند یا خبری با و واقع سازد
که کراهت از آن داشته باشد ملایکه بر او لعنت کنند تا او را راضی نماید و توبه کند و حق تعالی
فرمود هر که بنده مرا ذلیل کند گویا علانیه با من مبارزت و محاربه نموده و فرمود هر که
نظر کند بمؤمنی که او را بترساند خدا او را بترساند روزی که پناهی بغیر سایه مرحمت او نباشد
و فرمود بحق الجزائی مرا بحق فرستاده که اگر جمیع اهل آسمانها و زمینها راضی باشند بکشتن یک
مسلمان حق تعالی همه را با آتش اندازد و فرمود هر که قاتل را جا دهد بر او است
لعنت خدا و ملایکه و جمیع خلایق و هیچ عملش قبول نشود و حضرت باقر عم فرمود پیغمبر فرمود
اول چیزی که خدا در آن حکم خواهد فرمود روز قیامت خون مسلمانست از کسی که بیگناه ریخته

تا آخر بعد از آن

تا آخر بعد از آن حکمهای دیگر میشود و مقتول خون خود را بر روی قاتل میریزد پس انکار
نمیتواند کرد و مؤید اینست آنچه در عقیده او گذشت و فرمود هر که مؤمنی را بکشد جمیع گناهان
مقتول بر او نوشته شود و مقتول از گناهان پاک شود و در وصیت داود عم است از آنها را اجتناب
کنید از کشتن بناحق که هر که کسی را بکشد صد هزار بار در جهنم او را بکشند مثل آن کشتن
و با کثرت احادیث جزای کشنده مؤمن عمدا مخلد در جهنم و ناامید از رحمت الهی است و حضرت
صادق عم فرمود که آدمی در دین خود هست تا خون حرامی نکرده چون عمدا مؤمنی بکشد
توفیق توبه نمییابد و هنگام مردن با و خواهند گفت بمیر یهودی یا نصرانی یا مجوسی و در حدیث
است که گروهی را روز قیامت امر شود بسوی آتش میکنند و ایشان صدا بلند کنند که خداوندا
آنحضرت گوید پروردگارا ایشان از امت منند حق تعالی فرماید بدرستی که ایشان خون حرام
ریخته اند و در صحیح حضرت صادق عم پیغمبر فرمود هر که اعانت کند بر قتل مؤمنی
بنصف کلمه روز قیامت بیاید در حالتی که میان دو چشمش نوشته باشد آیس من
رحمة الله و فرمود در قیامت مقتول آید که کسی را بخون آلوده نماید او گوید مرا با تو چه کار بود
او گوید ظلم گفتی با سرتی فاش کردی و اعانت بر قتل من نمودی و فرمود ظلم کننده و معین
و راضی هر سه با هم شریکند در ظلم و در احادیث این مضمون متواتر است و راضی بهر
عملی چیزی با شریک است در اجزای آن تا بعضی و مبشر چه رسد و در حدیث حسن بن

ابی یعفور است که یکی با آنحضرت گفت که گاهی یکی از ما را تنگی در معاش راه یابد برادر
برای تحصیل قوت متوجه کار ایشان شویم از بنا کردن یا کندن نهری برای ایشان اصلاح
کنیم چه میفرمایی فرمود نمیخواهم که از برای ایشان بزنی یا سر مشکی به بندی و مرا باز آن
این تمام مدینه از کمال ترحم و شفقت بر شیعه خود این هم راضی نیستم و در صحیح یونس
فرمود اعانت ایشان ممکن بر بنای مسجد بشوی و مفاسد صحبت و یاری ظلم گذشت و بهمان
آیه واقع هدایه و لا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار باندک میل
بایشان آتش جهنم مرتب میشود و از کجا معلوم است که آنقدر حیات او را خواهد
که دست بکیسه کرده با و عطا نماید و فرمود اعوان ظالمان چون روز قیامت در سرا
پرده های آتش خواهند بود تا خدا از حساب خلایق فارغ شود و رسول خدا صلعم در
حدیث معتبر فرماید چون روز قیامت میشود ندا شود کجایند ظالمان و اعوان ظا
لمان و هر که لیقه در دوات ایشان گذاشته یا سر کیسه برای ایشان بسته باشد
یا مدد بایشان داده ایشان را با ظالمان محشور کنند و فرمود آتش جهنم با سه نفر سخن
خواهد گفت امیر و قاری و غنی گران که خدا استیلا داد و عدالت برابر زیردستان
نکرد و قاری را که خود را در نظر مردم زینت داد بخوبی و در حضور خدا معصیت
او مینمود و دیگری آنکه در دنیا خدا مال بسیار داد و اندکی از آن را قرض خواست

و بخل از ادر

و بخل کردن و هر سه را میربایند چون مرغ دانه گنجد را و شامت و عقوبات ظلم و حق الناس در دنیا
و عقبی بینهایت بسیار است و انواع حق الناس بسیار گذشت و از غیبت حقوق فقراء و سادات و سایر
مردم و زنان محصنه و آزار مردم و روز قیامت ظالم با صاحب حق یکجا حاضر شده سئوال آن روز جزا
حکم خواهد فرمود و حسنات ظالم را عوض حق مظلوم داده هر گاه وفا نکند با مظلوم را بعلت کفر
راضی در آنجا حسنات ظالم بکار نشاید که گناهان مظلوم را بظالم بار کرده عوض مظلوم بقدر
ظلمش در آتش دوزخ عذابش خواهند کرد چنانکه منقول است از رسول خدا صلعم که مفلس است
من کسی است که بیاید با نماز و روزه و زکوة که این را دشنام داده و آن را فحش گفته و مال این را
خورده و خون آن ریخته و این را زده پس از حسنات او باین و آن میدهند و اگر حسناتش وفا نکند
از خطاهای ایشان بر او طرح کنند و در جهنم اندازند و شود از حضرت باقر عم پرسید بعض حکام
که آیا توبه من قبول است جواب نفرمود اعاده نمود فرمود تا حق هر صاحب حقی را ادا نکنی و حضرت
صادق عم از رسول خدا صلعم ذکر فرمود که هر که بکسی ستم کرده و او را نیابد تدارک نماید باید برای او
استغفار کند تا کفاره آن شود و این در غیر مالیات است و در مالیات تا مقدور است باید رد کرد
و اگر تلف شد مثل یا قیمت آن را باو یا بوارثش رد کند هر چند هر ربا باشد و اگر بعد از تفحص نیابد بمستحق
تصدق نماید از جانب صاحبش والا توبه اش قبول نخواهد شد و بهنگامه قیامت خواهد ماند
نعوذ بالله   در تزویج حال و تمیح بعض اعمال فاسقه و فاسله و توفیق تقدیم آنها در

در این اوقات سابقه براین واقعه کابلیه بلا شک باعث نجات از جمیع اهوال و شدائد این
عقبات پر وحشت و عقوبات کشته موجب خلاصی از دوزخ و فوز بهشت خواهد بود ان شاء الله
تعالی از الجمله تحصیل معرفت و محبت اهل بیت عصمت باین معنی و نهجی که گذشت و بحدیث نبوی
حق تعالی علی را روز قیامت بهفت نام خطاب کند یا صدیق یا دال یا عابد یا هادی یا مهدی
یا غنی یا علی بگذر تو و شیعه تو بسوی بهشت و امیر المؤمنین ص فرمود خبر داد مرا رسول خدا
که اول کسی که داخل شود منم و تو و فاطمه و حسن و حسین گفتم پس محبان ما فرمود پشت سر ما
و فرمود شکوه کردم بآنحضرت از حسد مردم فرمود آیا راضی نیستی که اول کسی که بهشت
داخل میشود منم و تو و حسن و حسین و زنان ما بر است و چپ ما و ذریه ما از پس سر زنان ما
و شیعیان پس سر ذریه ما و فرمود انصاری بآنحضرت گفت مرا تاب مفارقت تو ندارم
بخانه میروم بیاد تو ترک کارها نموده بخدمت تو میایم که ببینم ترا از محبت پس روز
قیامت ترا با علای علیین روی تو را کجا یابم پس این آیه نازل شد که و من یطع الله
و رسوله فاولئک مع الذین انعم الله الایة یعنی پس او را طلبیده بشارت
داد و حضرت صادق ع بعمر بن یزید فرمود تو از ما اهل بیتی گفت فدای تو شوم از آل
محمد فرمود بلی والله از نفس و جود ایشانی آیا نخوانده کتاب خدای عز و جل ان
اولی الناس بابراهیم و آیا نخوانده کلام خدا را فمن تبع منی الی آخره
بس ام کـ

بهار کرده متابعت ما کند پس بتحقیق کرده از منست والسلام علی من اتبع الهدی و از جمله زیارات قبور
پر نور ایشان است و صلوات بر ارواح طیبات ایشان و مجاورت و مامن در جوار ایشان است
و گریستن بر احوال پریشانی ایشان در اینخصوص آیات بسیار و احادیث متواتره از طرق
خاصه و عامه و اجر مخصوص غدار بیشمار است و شمه مذکور شود در صحیح حضرت صادق ع از رسول خدا ص
ذکر میفرماید از حدیث وسیله از درجه آنحضرت و نظر بدرجات سایر پیغمبران مانند ماه
بر ستارها فرمود روز قیامت بر اعلا درجه آن برایم و علی یکدرجه بعد از من بر آید و جمیع
انبیا گویند خوشا حال این دو بنده و چه گرامی اند نزد خدا پس ندا رسد که این حبیب من محمد
مصطفی و این ولی من علی است خوشا حال کسی هر که او را دوست دارد و وای بر حال کسی که او را دشمن
دارد و او را پس هیچ مؤمن نباشد الا که ترا دوست دارد مگر از این ندا راحت یابد و رو سفید و خوشدل
گردد و دشمن و منکر حق تو رو سیاه و پای او بلرزد در این حال رضوان با کلید های بهشت و مالک
با کلید های دوزخ از جانب الهی آمده بر من سلام کنند گویم به برادرم علی بدهید پس با کلید ها
روانه شود بکنار جهنم ایستد در حالتی که شرره های آن در بر دارد است و بغرید و خروش زبانه
میکشد علی مهارش را گرفته او گوید بگذار یا علی نور تو نار مرا خاموش کرد فرماید قرار گیر ای جهنم
و بشنو آنچه میگویم این را بگیر که دشمن منست و این را بگذار که دوست منست والله او آنروز جهنم
اطاعت علی زیاده بر غلامان اشنا میکند و فرمان او را زیاده بر همه خلق خواهد کرد در مرتبه

بفرماید و قسیم بهشت و دوزخ بودن آنحضرت از طرق مخالف هم متواتر است و فرمود در وحی شود بر رسول
صلی الله علیه و آله حوض کوثر را باختیار علی گذارم و جهنم را برابر او سر کردانم تا داخل شده بیرون آورد
هر که ذره محبت او در دلش باشد و زیارت کنندگان او در هر پرسش نزد آرمن و توانند و بر من لازم
است زائر خود را اگر وعطا کنم هر چه خواهم در قیامت چنان تلافی کنم تا آرزوی حال ایشان
کنند هر که مطلع شود در بر و بروایت حضرت باقر ع فرمود یا علی محبت تو بر دل هر که قرار گیرد
اگر یک قدم او بر صراط بلغزد البته قدم دیگرش ثابت میماند تا خدا او را بسبب دوستی تو داخل
بهشت کرداند و هم آنحضرت ذکر فرمود که حضرت فاطمه ع در قیامت از ظالمان شکوه نموده
ندا رسد امروز ظلم هیچ ظالمی از من نخواهد گذشت تو شفاعت هر که را خواهی آنگاه شفاعت نماید
ذریه و شیعیان خود را پس ملایکه باذن خدا همه جمع نموده با آنحضرت به بهشت برند و بروایت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرموده و شیعیانش بر صراط مانند برق جهند و
بحدیثی فرزندانش پشر و دوستانش از راست و چپ و حضرت باقر ع بجابر انصاری
فرمود فاطمه امروز بخواهد کند که شیعیان و محبان خود را از میان محشر بر باید چنانکه مرغ
دانه خوب را از بد جدا نماید الا که دوستانش باذن خدای تعالی دست هر که را در دنیا آب
از او دیده اند گرفته به بهشت برند و اخبار در اینخصوص بسیار است و در تعزیه ایشان و ذکر
حدیث مصائب و بر حال پریشانی ایشان احادیث بیشمار است که خدا روی او را بر آتش حرام
حرام کرد انند

حرام کرد انند و او را به بهشت ابد الاباد جا دهد و منزل نیکو کرامت فرماید و با ما باشد در درجات
و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید از حسن مجتبی از رسول خدا ص پرسید از زیارت او
فرمود هر که بیاید بزیارت من بعد از وفات من ابرار او بهشت و در زیارت پدر و برادر
و خودش همچنین فرمود و فرمود هر که امیر المؤمنین ع را با معرفت بحق او زیارت کند حق
تعالی بهر گامی بهر گامی حج و عمره مقبوله برای او مینویسد بخدا سوگند که آتش نمی سوزد
قدمی را که گرد آلوده شود در زیارت او پیاده یا سواره بنویس ای پسر ... در اینحدیث را با آب
طلا و احادیث این معنی و مستلزم آن متواتر دارد و معتبره و متجاوز از ... در
زیارت سید الشهدا او ملیست غبار و در زیارت مشهوره عاشورا با مصیبت از دور و نزدیک
ثواب بهای عظیم دارد شده از آن جمله هزار هزار حج و هزار هزار عمره با ثواب مصیبت هر
پیغمبر و صدیق شهید از اول دنیا تا آخر و ثواب هر پیغمبر و رسول هر که زیارت آن مظلوم
کرده یا خواهد کرد تا قیامت هزار هزار حسنه و محو سیئه و رفع درجه و از جمله شهدا باشد با او
و شریک خواهد گردید تا قیامت در درجه ایشان که او را نشناسند مگر از ایشان و در
حدیث حضرت امام محمد باقر ع دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد با امام حق
برابر بعید که آنحضرت ضامن شده این ثواب را برای او و همچنین حضرت صادق ع ضامن
شده در صحیح صفوان و فرموده بهمین ضامن دارم از پدرم از پدرش و او از پدرانش

از رسول خدا ص از جبرئیل از خداوند جلیل بذات اقدس خود قسم یاد کرده که همه حاجات او را برآورم
و شاکر گردانم بفایز شدن بهشت و آزاد از جهنم و قبول شفاعت او برای هرکه خواهد غیر ناصبی
و گواه گرفته‌ام بر این گواه گرفته بود ملایکه ملکوت را و مرا فرستاد بسوی تو با بشارت تو
و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه تا قیامت صلوات ترک مکن البته بدرستی که خدا خلف وعده خود
نمیکند پس چون شخص حال سعادتمندی خود را فارغ دارد و برای کسب این سعادت عظمی
و اکتساب چنین کرامت کبری برای خود هر روز از نزدیک و دور اللهم وفقنا لهذا
بحق الحسین ع و حضرت امام رضا ع میفرماید هرکه مرا با معرفت زیارت
کند در مرتبه من اجر صد هزار شهید دارد و صد هزار صدیق و صد هزار حج و صد هزار
عمره و صد هزار غزوه و روز قیامت در زمره ما محشور و در درجات عالیه ما رفیق باشد و فرمود
من و پدران من شفاعت او کنیم و هرکه از شیعیان ما باشیم البته نجات میابد هرچند گناه جن
و انس داشته باشد و فرمود هرکه زیارت من کند با دوری قبر من در قیامت سه جا [illegible]
او را خلاص کنم در وقت پریدن نامهای اعمال از راست و چپ و نزد پل صراط و میزان
و حضرت صادق ع از رسول خدا ص ذکر نمود که البته بهشت او را واجب کرد و جهنم
بر او حرام و فرمود دست او را گرفته داخل بهشت گردانم اگرچه از اهل کبایر باشد و در
موثق شد اسانی بالحضرت عرض کرد که رسول خدا ص در جواب بمن گفت چگونه

خواهید بود

خواهید بود و هرگاه مدفون شوید در زمین شما پاره تن و جگر گوشه من و فرود در خاک شما
ستاره من حضرت فرمود به تحقیق که منم آن ستاره و رؤیای آن حضرت راست است مثل
سیلاب رود صحیح از داود بن قاسم شنیدم از آن حضرت جواد ع که میان دو کوه طوس
پاره ایست از بهشت هرکه داخل آن شود ایمن است روز قیامت از آتش و بجز بقعه مشهد
او بجز اقلیم روضه ایست از بهشت محل تردد ملایکه پیوسته یک فوج نازل و فوجی بالا روند تا
نفخ صور و حضرت صادق ع میفرماید رسول خدا ص فرمود یا اباالحسن خدا قبر تو را و اولاد
تو را بقعه و عرصه از عرصات بهشت و دلهای نجبای خلق و اصفیاء بندگان خود را مایل
شاکر گردانیده که متحمل اذیت و مذلت میشوند در باره شما پس تعمیر و زیارت قبور شما بسیار
میکنند برای تقرب خدا و محبت رسول او ایشانند یا علی مخصوصان بشفاعت من و وارد آن
بر حوض من و ایشانند همسایگان و زیارت کنندگان من فردا در بهشت پس بشارت باد
تو را یا علی و اولاد و محبان تو را از نعیم بهشت و روشنی دیده بچیزی که چشمی ندیده
و گوشی نشنیده و بخاطری نگذشته و حضرت مهدی ع میفرماید که تربت ما یکپارچه
بود در طوفان نوح ع متفرق شد و تربت یکیست و حضرت صادق ع میفرماید که کربلا خلق
شد بیست و چهار هزار سال پیش از کعبه و حق تعالی آن را بهترین زمینهای بهشت گردانیده
اللهم ارزقنا الدفن بحرمت محمد و آله المصطفین صلوات الله علیهم اجمعین

از اینجا تا آخر نوشود

امّا در ثواب صلوات و باعث نجات شدن آن از عذاب و عقاب بعضی از عرصات
و رفع درجات و نور در ظلمات و رفع امراض و بلیات و کفایت مهمات و کفاره سیئات و
استجابت دعوات و قضای کل حاجات پس احادیث فوق حد احصاست در اینمقام
اکتفا باهم نوادر میشود بسند معتبر از رسول خدا ص منقول است که دیدم مردی از امت
خود بر صراط افتان و خیزان پس صلواتی که بر من فرستاده بود آمد و دست و قدم او را
داشت تا گذشت از صراط و بصحیح ابن ابی عمیر فرمود اگر گوید صل علی محمد و آل
محمد خداوند عزیز جلیل فرماید صلی الله علیک پس باید بسیار بخود از این خیر و بروایتی
اجر هر صلوات دو شهید باو دهند و بیرون آید از گناه مانند روز متولد و فرمود هیچکس
از امت من با اخلاص و صدق و حضور قلب یک صلوات بر من نمیفرستد مگر آنکه حق
تعالی ده صلوات بر او فرستد و ده حسنه و محو ده سیئه و ده درجه باو کرامت فرماید
و بروایت دیگر با این زیادتی هم هست که ملکی باو موکل و مسابقه نمایند در تبلیغ
سلام او بروح من و مرویست از سید کائنات محمد مصطفی ص که هرکه صلوات بر من فرستد
مرغ مبارکات که در اصل دریای عظیم بر درخت نشسته خود را در دریا افکند و در
خود را بیفشارد حق تعالی از هر قطره ملکی آفریند و استغفار برای او و هرکه هر صبح
و صوت خفته صلوات بر من فرستد او و والدینش بیامرزد و هرکه در رفتن ده صلوات

بر من فرستد

بر من فرستد ثواب نماز گذارندگان دارد و مهمات او و حاجاتش برآید و هرکه دو بار
ابروان خود را شانه کند و هفت صلوات بر من فرستد چشمش هرگز درد نکند و هرکه یکبار
صلوات بر من فرستد ملک موکل بر آسمان و زبانی رعد نام صد بار بر او صلوات فرستد
و ملایکه آسمان دویم که این را بشنود دویست بار و سیم هزار بار و چهارم دو هزار بار و پنجم
پنجهزار بار و ششم شش هزار بار و هفتم هفت هزار بار و آنگاه حق تعالی فرماید یا ملایکه
من واگذارید او را که تعظیم رسول من نموده ثواب او با منست و بروایت حضرت صادق ع
فرمود که هرکه صلوات بر من فرستد خدا و ملایکه صلوات بر او فرستند بهر قدر که او
صلوات میفرستد کم یا بسیار و هرکه صلوات بر تو بنویسد همیشه ملایکه برای او استغفار
کنند بجزای این صلوات بعوض فرستند تا نام تو در آن نوشته باقیست صلی الله علیه و آله
و بروایتی احدی بر تو صلوات نمیفرستد مگر هفتاد هزار ملک بر او صلوات فرستند
و بصحیح حضرت صادق ع فرموده صلوات بر من و اهل بیت من نفاق را بر طرف
و بحدیث دیگر صداهای خود را بلند کنید در صلوات بر من و اهل بیت من که نفاق را
~~[illegible]~~ ببرد و فرمود هرکه صلوات را بر من فراموش کند و برد
یعنی اسم مرا بشنود و صلوات نفرستد خطا کرده راه بهشت را و حضرت صادق ع
میفرماید که چون نام آنحضرت مذکور شود بسیار صلوات فرستید بر او و هرکه

یک صلوات براو فرستد خدا براو هزار صلوات فرستد در هزار صف از ملایکه و هیچ
خلقی نماند مگر بسبب صلوات خدا و ملایکه براو صلوات فرستد پس هرکه بخیال رحمتی عنبت نکند
جاهل و غافل است و خدا و رسول و اهل بیتش ازاو بیزارند و در صحیح مصباح فرمود میخواهی
چیزی ترا تعلیم کنم که حق تعالی به سبب آن روی ترا از آتش جهنم حفظ نماید بگو
صد بار اللهم صل علی محمد و آل محمد و فرمود هرکه بعد از نماز صبح و ظهر صد بار بگوید
اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم نمیرد تا قائم ع را ادراک نماید و فرمود هرکه صد
بار بگوید یا رب صل علی محمد و آل محمد صد حاجت او روا شود که سی برای دنیا باشد و
فرمود که هرکه ده صلوات بر محمد و آل او بفرستد خدا و ملایکه براو صد صلوات
فرستد آیا نمیشنوی قول خدای عز و جل را هو الذی یصلی علیکم و ملائکته
الی آخره و در صحیح فرمود صلوات میان ظهر و عصر برابر هفتاد رکعت است
و بصحیح دیگر هفتاد و در صحیح فرمود که در نماز بر رکوع و سجود مثل تسبیح است
و ده حسنه دارد و هر سجده ملایکه مسابقت کنند که کدام آنرا بروح نبی الله برسانند و در
صحیح فرمود که روزی رسول ص بعلی ع فرمود آیا بشارت ندهم ترا اوخبر داد
که مرا جبرئیل بعجبی که از امت من صلوات فرستد بر من و اهل بیت من گشوده
شود برای او درهای آسمان و ملایکه براو هفتاد صلوات فرستند و اگر گناهکار

باشد پس بریزد

باشد پس بریزد ازاو گناهان مانند برگ از درخت و حق تبارک و تعالی فرماید لبیک بنده من و سعدیک
ای ملائکه من شما هفتاد صلوات براو میفرستید و من هفتصد و اگر بعد از صلوات من بر اهل بیت من
صلوات نفرستد هفتاد حجاب میانه او و آسمان حایل شود و خدا فرماید لا لبیک و لا سعدیک
ای ملایکه من بالا نبرید دعای او را تا ملحق نماید به پیغمبر من عترت او را مؤلف گوید مترادف
ار بعین در این باب بکتاب ملحق نموده خلاصه بعض آنها اینست رسول خدا ص فرمود هرکه
صلوات بر من فرستد ملایکه براو صلوات فرستند و هرکه ملایکه براو صلوات فرستند خدا صلوات
فرستد و هرکه را خدا صلوات فرستد نماند چیزی در آسمانها و زمین مگر براو صلوات فرستد و
بروایتی آتش براو داخل نمیشود و بروایتی شفیع او یم در قیامت و هرکه بر من صلوات
نفرستد من بیزارم ازاو و نزدیکترین شما بروایتی او را نزد من در قیامت اکثر شما است در
صلوات بر من و هرکه جمیع عبادات خود را صلوات کرداند خدا حاجت دنیا و آخرت او را
برآورد و خدا در هوا ملایکه چند هست که کاغذ و قلم از نور در دست نمینویسند مگر صلوات بر من
و اهل بیت مرا و خدا را ملایکه چند هست که سیاحت میکنند در زمین و صلوات امت مرا
بمن میرسانند پس استغفار میکنم برای ایشان و خدا ملکی بر قبر من موکل کرده و نامهای
همه خلایق را باو داده پس تا قیامت احدی بر من صلوات نمیفرستد مگر گوید ابن فلان
فلانیست صلوات بر تو فرستاده به تحقیق او دعا کرد بسوی من که اگر خواهی من بتو نزدیکتر

ونتیجه آمال و محو سیئات و انواع خیرات دنیا و عقبی و رفاقت رسول صلی الله علیه و آله در اعلی
درجات جنان میشود و سر کثرت فضایل و وسعت فواید صلوات را مجال ذکر نیست و از
الجمله اشتغال بتعلیم و تعلیم علوم اهل رسالت و جد و اجتهاد در هدایت و ارشاد ضعفاء
شیعه و اهل ولایت و تذکر آنچه در علی هفتم مذکور شد در این مقام کافیست از الجمله
حفظ قرآن که آیات بعدد درجات جنانست بکثرت مواظبت و مداومت محافظت
آن چنانکه از رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود بخوانید قرآن را و حفظ و از بر کنید آنرا
بسبب تحقیق الحق تعالی عذاب نمیکند دلی را که ظرف قرآن باشد و بروایت طبرسی
از عاصم از امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه فرمود هر که بخواند قرآن را و حفظ
نماید خدا او را داخل بهشت نماید و در ده نفر از اهل بیتش که همه مستوجب جهنم باشند
شفاعتش را قبول فرماید و فرمود هر که قرآن را از بر کند پس گویا درج و جا داده
شده است نبوت میان دو پهلوی او لیکن وحی باو نرسد و فرمود حاملان قرآن
بزرگان اهل بهشتند بعد از پیغمبران و در حدیث معتبر فرمود خدا عذاب نخواهد
کرد دلی را که قرآن را حفظ نموده باشد و فرمود این قرآن اگر در پوستی میبود
آتش با و مس نمیمود و فرمود صاحب قرآن را خواهند گفت بخوان و بالا رو و ترتیل
کن و تأنی بخوان چنانکه در دنیا میکردی که جای تو نزد آخر آیه ایست که میخوانی و هر که از
بر کند قرآن را

[illegible]

بر کند قرآن را تخفیف عذاب او شود از والدینش اگرچه کافر باشند و فرمود که قرآن را یاد گیرید و بعد از
آن فراموش کنید بی علتی هر آیه یکدرجه او پست شود و بیاید روز قیامت در حالتی که مخصوم باشد و فرمود
هر که در کبر سن تعلیم قرآن کند اجرش مضاعف گردد و فرمود مثل قرآن مانند مثل همیان که دهنده
صدقه است و جهر کننده بآن مثل آنکه در دهنده صدقه است و در حدیث وارد شده که حامل قرآن و حافظ
کلام و پیام رحمان روز قیامت بر منبر کرامت و مردم در حساب باشند پس بقصرها سوار شوند بسوی بهشت
روان شوند و در صحیح عالی حضرت صادق علیه السلام میفرماید حافظ و عامل قرآن با ملائکه سفر کرام برره باشد
و فرمود هر مؤمنی در جوانی قرآن بخواند و قرآن بگوشت و خون او آمیخته شود خدا او را با رسولان برره
یعنی نیکوکاران از ملائکه محشور گرداند و قرآن از جانب او محبت نماید که خدایا هر عمل کننده مزد خود را
یافت مگر عامل من پس مزد قاری خود را میخواهم پس حق تعالی دو حلّه بهشت و تاج کرامت باو دهد بقرآن گوید
آیا راضی شدی گوید [illegible] زیاده تر امید میداشتم پس برات ایمنی بدست راستش و مخلد بودن
در بهشت بچپش داده داخل بهشتش نماید و گوید یک آیه بخوان و یکدرجه بالا رو و آنگاه بقرآن
فرماید آیا راضی شدی گوید بلی و کسی که حفظ قرآن بر او دشوار باشد و مکرر بخواند تا حفظ نماید خدا
این ثواب را مضاعف و کرامت فرماید و در حدیث معتبر دیگر فرمود هر که حافظ اش کم باشد و قرآن را
بمشقت حفظ نماید حق تعالی دو برابر اجر باو دهد و فرمود هر که باسلام در آید بار غبت و قرآن را از بر یا ظاهر
و آشکار بخواند ثابت باشد برای او هر سال دویست اشرفی از بیت المال مسلمین اگر در دنیا ندهند

در آخرت خواهد گرفت و بروایت طبرسی اینحدیث گذشت بدانکه حفظ قرآن بسیار عظیم است و ثواب
آن بجهت اعمالی که سبب حصول و بقا و این فضل خطیر است از مواظبت و دوام [illegible] تلاوت بر تهجد
و تهجد شبها بآن بسیار جزیل و جسیمست و عقلست در آن حضور و مکاشفات از مواهب حقیقت بتفکر عجایب و
تفهم و تدبر خواستن و غرایب قرآن بنهایت غریب و بغیر جمیل است بحدی که حافظ از کل علماء معاصرین
معلوم نیست که یا حفظ قرآن را کار بیسوادان پندار شده اکثر با قصر سور اقتصار و او اقتصار رفتار
علوم نماینده با آخرت باقی نخواهد ماند مگر حسرت و ندامت اختیار از آنها بر علوم قرآن و الله
لا یستحیی من الحق و فضایل تلاوت در علی دهم در موقف سؤال از قرآن مذکور شد و اهم سور
مداومت در انسب بانیمقام سور حمد و مؤمنین و صافات و یس و زمر و جاثیه و فتح و رحمن و تغابن و مدثر
و لا اقسم و عادیات و قارعه است شد و حمد در محل خود تفصیل یافته و از الجمله مداومت بر نوافل
یومیه که اعظم سینج علامت کمال ایمان و صبر کسر فرایض مؤمنان و تهجد و آگاهی و بیداری
شبها بعبادات و گریستن از خشیت الهی که اقرب فیوضات نامتناهی و اسهل سبیل تحصیل
محبت خدائی و انس خلوتگاه بارگاه کبریائی و حصول اقوی اسباب نجات و ادراک لذت مناجات
و وصول بر نهج حاجات اعلی درجات و محو سیئات و رفع امراض و آفات و مزید برکات و معدن
آب حیات و مملکت فیض عالم نور و سرور سرمدی و طریقه پیغمبران و امامان و شیوه مستمر صدیقان
و صالحان و اکمل علامات ایمان و اعظم موجبات امیدست نور ایقان [illegible] در عجز از ذکر
فضایل تهجد

فضایل تهجد کافی از توصیف الهی از طی اینطریق عدول نموده میفرماید لا تعلم نفس ما اخفی
لهم من قرة اعین هیچکس نمیداند که چه ثواب جلیل و چه اجر جزیلی در مکمن غیب باعث
روشنی دیده خواهد بود و برای ایشان مهیا و آماده کاشته و سوره مزمل و آیات بسیار روایات بیشمار در
ترغیب این سعادت عظمی و مبالغه و تأکید در تحصیل این عزت و شرف دنیا و عقبی نازل و وارد شده
و رسول صلی الله علیه و آله میفرماید چون بنده میان شب تاریک بایستد و بابر وردگار خود خلوت و مناجات کند
حق تعالی نوری عظیم در دل او ثابت گرداند و هرگاه گوید یا رب یا رب فرماید لبیک ای بنده من از من
سؤال کن تا عطا کنم و بر من توکل کن تا امورت را کفایت کنم ای ملائکه نظر کنید بسوی بنده من
که با من خلوت کرده و تنها بدرگاه من آمده است شبها تاریک هنگامیکه بطالان از من غافل و در خواب
گواه باشید که او را آمرزیدم و فرمود جبرئیل مرا ببوسته بنماز شب وصیت مینمود تا بحدی که پنداشتم
خوبان امت من نخواهند خوابید از ترس فوت نماز شب و فرمود جبرئیل فرمود موعظه کن مرا عرض
کرد عیش کن تا خواهی که بتحقیق ملاقات جزای مکافات آن خواهی نمود و شرف مؤمن نماز شب
است و عزتش بازداشتن اذیت از مردم و با حادیث صحیحه فرمود یا علی وصیت میکنم تو را
بخصلتی چند از من حفظ کن پس گفت خدایا یاری کن علی را بر حفظ اینها اول راستی
ایمان در دنیا یاد کرد و منفرد و عزیز که توریم و ورع که جرات هنگام برگناهی هرگز سیم ترس خدا
که گویا می بینی او را چهارم بسیار گریه از خشیت الهی که بنا میشود برای تو بهر قطره هزار

خانه در بهشت پنجم دادن مال و جان خود را در راه دین ششم ملازمت سنت طریق من در نماز
پنجاه و یک رکعت و در روزه هر ماه سه روز پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه وسط و در صدقه تا توانی
که گویند اسراف کردی و نکرده باشی پس جهت کمال تأکید سه بار فرمود بر تو باد بنماز شب
و همچنین نماز زوال سه بار تلاوت قرآن بر هر حال و به بلند کردن دستها در نماز و گردانیدن
آنها و بمسواک نزد هر وضو و بجا آوردن اخلاق که از نیکان نمائی دادند خلعتها و اجتناب
کنید پس اگر نکنید آنچه وصیت کردم ملامت مکن هنگام پشیمانی مگر خود را و فرمود یا علی
سه چیز شادی روح مؤمنان است در دنیا ملاقات برادر مؤمن و افطار و نماز شب
و فرمود خدا ابراهیم را خلیل خود نگردانید مگر با طعام بسیار و نماز شب که مردم در خواب بودند
و از حق تعالی ذکر فرمود استجاب میکنم در دل شب اگرچه دعای عشار باشد و فرمود دو رکعت
نصف آخر شب را دوست‌تر دارم از دنیا و آنچه در آنست اگر نه شاق میبود البتّه بر امّت خود
آنها را واجب میکردم بر ایشان و فرمود هر کرا خدا توفیق نماز دهد مرد یا زن و وضوی کامل
و اخلاص و خشوع و نیّت صادق و دل سالم از بدیها و چشم گریان بدارد در عقب او نه صف
ملایکه از مشرق تا مغرب را عدد هر صفی غیر خدا نتوانند شمرد پس چون فارغ شود بعدد
آنها درجات برای او نویسند و فرمود اشراف و بزرگان امّت من حاملان قرآن و شب
عبادت کنندگان شب‌اند و فرمود یا اباذر خدا میفرماید به تحقیق که دوست‌ترین بندگان بسوی

من برادران

من برادران مؤمن‌اند با مال حلال با هم دوستی ورزندگان بمسجد بستر و استغفار کنندگان در
سحرگاه ایشانند عقوبات اهل زمان را بسبب ایشان بر میگردانم و در صحیح حضرت باقر ع میفرماید
هر که ایمان بخدا و قیامت دارد شب بر نیاورد بی نماز وتر و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید
هر که در وتر ایستاده هفتاد بار بگوید استغفر الله و اتوب الیه و تا یک سال مواظبت نماید خدا او را
از مستغفرین بالاسحار نوشته مغفرت از جانب الهی او را واجب شود و فرمود از شیعه ما نیست
کسی که نماز شب نکند و فرمود در مگذر از برخواستن شب را که به تحقیق مغبون کسی است که محروم
شود از نماز شب و فرمود گاهی بنده شب بر میخیزد و خواب او را براست و چپ میل میدهد و
ذقنش بسینه می چسپد پس حق تعالی امر میفرماید درهای آسمان را گشایند و بملایکه گوید
نگاه کنید بسوی بنده من که چه زحمتی بخود میرساند در تقرب جستن بمن در چیزی که واجب نگردانیده ام
و از من امید دارد از سه چیز دارد آمرزش گناهان و یا تجدید توبه و وسعت روزی شما را گواه میگیرم
که آمرزیدم او را و کرامت کردم و فرمود زمستان بهار مؤمنست شبها بطول قیام و روزها با [illegible]
صیام و در صحیح مفضّل میفرماید وحی شد بموسی که یا بن عمران دروغ گفت هر که گمان کرد
مرا دوست میدارد پس فرصت شب او را فرو گرفت بخواب و غافل باشد از من آیا نه چنین
است هر حبیبی دوست میدارد خلوت نمودن با حبیب خود را ای پسر عمران اینست
من نگران و مطّلع ام بر دوستان خود چون خلوت شوند در یاد من مایل شود دیده ایشان

ایشانند بسوی من و متمثل گردد عقوبت من در برابر ایشان خطاب میکنند با من از روی مشاهده
و مکالمه مینمایند با من از روی حضور ای پسر عمران ببخش برای من از دل خود حضور و
خشوع و از بدنت تواضع و خضوع و از دیدهایت اشکها در تاریکی شبها دعا کن و بخوان مرا
که به تحقیق خواهی یافت نزدیک و اجابت کننده دعای خود و ندا از آسمان هر شب تا صبح در عالی
گذشتن و شخصی با امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه گفت محروم شده ام از نماز شب فرمود
مرد محبت به تحقیق گناهانت ترا مقید کرده و حضرت باقر ع میفرماید شب را شیطان زحمت
ناهشی رهاست پس هر گاه بنده بیدار شود و خواست برخیزد گوید این ساعت برخواستن نیست
و بعد از بار دیگر بیدار میشود او گوید وقت برخواستن نیست و نشده پس همچنین او را حبس
میکنند تا صبح پس چون مغلوب او شد تا صبح طلوع کند گردید است در گوش او و بعد از آن میخرامد
و میجنباند دم خود را از فخر و نشاط و فخر نشاط میکنند از حبس و محروم کردن او از چنین
سعادت عظمی با نهایت کاهلی و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید پس شیطان بول خود را فراخ
گذاشته بگوش او بول کند آیا نمی بینی او را متحیّر نشسته و سنگین و کسلان و سوای فواید کلیه
نماز شب از رضای الهی و تعرض الطاف نامتناهی و نجات از اهوال قیامت و عقبات بر
عقوبات آن هنگامه پر عسرت و ندامت و ایمن از فزع اکبر و دهشت روز محشر و خلاص از
نار جحیم و فوز درجات عالیه جنات نعیم از جمله فواید عزیزه آن که در احادیث متفرقه صحیحه

معتبره وارد شده

معتبره وارد شده جلای چشم و وسعت روزی و دفع امراض و غمها و اعراض و قرض و فقر و گناهان در روز آ
می آرد و سفید و نیکو و خوشبو و خوشخو نمودن و نور اهل آسمان چون ستاره با اهل زمین و هر هوشیار
که یکبار خود را به تکلیف نماز شب با ادعیه و آداب وارد میدارند گویا تا آن وقت هرگز عبادتی نکرده
بود و از چه که امتنان نامتناهی و موجبات انس و لذّت قرب الهی و دولت دنیا و عقبی خود را محروم
ساخته و نقد عزیز را بعبث و لهو با حسرت انگارد یک شب فوت ننماید ان شاء الله تعالی و لا حول و لا قوة
الا بالله بدانکه موافق آیات و احادیث متواتر است که گریستن در هر عبادتی و تلاوت و دعائی مطلوبست
خصوصا در نماز شب چنانکه دانستی و رسول خدا ص میفرماید هر که دیده او پر از اشک شود از خشیت
و خوف الهی بازاء هر قطره اشک قصری در بهشت کرامت فرماید مزیّن بمروارید و جواهر با نعمتهای که هیچ
گوشی نشنیده و چشمی ندیده و بر خاطری نگذشته باشد و در خطبه وداعست که هر قطره مثل کوه احد است
در میزان و هر یک قطره چشمه در بهشت برای او جاری شود که بر کنار آن شهرها و قصرها که آنچه چشمی ندیده و نه
گوشی نشنیده و به خاطری نگذشته باشد و فرمود یا اباذر به تحقیق پروردگار من خبر داد مرا که بعزت و
جلال خود که نیافتند عابدان از هیچ عمل آنچه یافتند از گریه نزد من از قرب و رحمت و بد
ستی برای ایشان بنا میکنم در اعلی درجه بهشت در جوار پیغمبران و مقربان قصرها که هیچ
احدی با ایشان شریک نباشد یا اباذر هر که تواند پس باید گریه نماید و هر که نتواند پس شعار دل
خود سازد حزن و اندوه را و بجهد خود را بگریه بدارد به تحقیق که دل سخت با قساوت دور از

[illegible]

از خدا ولیکن نمی فهمد و در صحیح حضرت صادق عم میفرماید هر چیزی نیست مگر او را کیلی و وزنی
هست مگر اشک را قطره از آن دریاهای آتش را فرو مینشاند و چون دیده پر از اشک گردد هرگز نبیند
خواری و مذلتی و چون بر روی جاری شود آن رو را حق تعالی بر آتش جهنم حرام کرد اند و اگر در امتی
یکی گریه کننده باشد البته خدا ایشان را رحم میکند هیچ چیز گرامی‌تر نیست نزد خدا از قطره اشک در
تاریکی شب از ترس خدا بیرون آید و برای غیر خدا نباشد و اینمعنی متواتر است و بعضی علما گفته
اند که اجر گریه از محبت و شوق خدا اعظم میدانند و ظاهر آنکه گریه از خشیت الهی شامل اینست
و فرمود بسیار است میان آدمی و بهشت زیاده از میان تحت الثری تا عرش دور است پس بگریه
نزدیکتر از ترس خدا نزدیکتر میشود به بهشت از پلک چشم و در حدیث نبوی است که خوش حال صورتی
و حق تعالی نظر کند با آن و میگریسته باشد از خشیت او بر گناهی و غیر او مطلع نباشد و حضرت صادق عم
میفرماید هیچ قطره محبوب‌تر نیست بسوی خدا از دو قطره خونی که در راه خدا ریخته شود و
اشکی که در تاریکی شبها برای خدا جاری شود و در صحیح حضرت محمد صلوات الله علیه میفرماید موسی
در مناجات میگفت الهی چیست جزای کسی که ایستاده شود برابر تو در نماز فرمود مباهات میکنم با
بملائکه خود در حال رکوع و سجود و قیام و قعود گفت چیست جزای کسی که ایثار کند تو را بزبان و دل
فرمود جا دهم او را روز قیامت او را در سایه عرش و در کنف حمایت خود میدارم گفت الهی چیست
جزای کسی که چشمان او از ترس تو گریان گردد و جوهر رسید او روی او را از گرمی آتش نگه میدارم
دا او را از فزع

دا او را از فزع روز قیامت ایمن میگردانم گفت الهی چیست جزای کسی که تلاوت حکمت تو نماید
در شب و آشکار فرمود بگذرد بر صراط مانند برق گفت الهی چیست جزای کسی که بخواند کافر را بسوی اسلام
فرمود اذن خواهم داد با و شفاعت هر که را خواهد و در حدیث وارد شده که روز قیامت هر عضوی
از اعضاء کسی که گناهکار شهادت بر معصیت آن عضو دهد در آن اثنا موئی از مژه او ببرد و از آمده اذن ادا
شهادت طلبد حق تعالی فرماید بگو برای بنده حجت خود را آنگاه شهادت میدهد آنچه دیده از گریه
او عاصی از ترس او پس بهمین دریای رحمت او بجوش آمده آواز برآید که این آزاد کرده عذاب است
بوده و فرمود چه بسیار کسی که بلهو خنده اش در دنیا بسیار باشد و در قیامت گریه او بسیار باشد
و چه بسیار کسی که بسیار بر گناهان گریان و ترسان باشد در روز قیامت در بهشت و شادی و خنده او
بسیار باشد و رسول خدا صلعم میفرماید احتراز کنید از بسیاری خنده که دل را میمیراند و در حدیث دیگر
منقول است که در قیامت آدمی را فقیر میگرداند و فرمود ایمان را محو میکند بسیاری مزاح و آ
برو را میبرد و بروایتی نور تو را میبرد و بروایتی دیگر نور ایمان را میبرد و مروت و آن بنیت
را سبک میکند و فرمود عجب دارم از کسی که یقین با آتش جهنم دارد چرا میخندد و در گذشت
جماعتی بودند که از خنده پر میکردند فرمود از شما هر که را طول امل مغرور ساخته در خیر عملش
قاصر باشد باید نظر کند بقبرها و از حشر قیامت عبرت گیرد و مرگ را یاد کند که شکننده لذتهاست
و فرمود تعجب دارم از کسی که پر میسازد دهن خود را از خنده و حال آنکه نمیداند حق تعالی از او

راضی است یا نه و فرمود اگر میدانستید آنچه من میدانم البته کم خنده میشود دید و بسیار میگریستید و بر
وایتی فرمود هر که کلمه گوید که اهل مجلس را بخنداند خدا او را برو در آتش اندازد باید دانست که تبسم
و خنده و بودن در بعضی اوقات خشیت و موعظه و مزاح با برادران مؤمن مطلوبست چنانکه حضرت صادق عم
میفرماید هر مؤمنی که خوشی کند با یکدیگر او را مسرور سازد حق تعالی او را مسرور سازد و فرمود هیچ مؤمنی نیست که در او خوش
طبعی و مزاح نیست و پرسید از یونس آیا با هم مداعبه و مطایبه شما شیعیان با هم کم است
فرمود چنین مکنید که خوش طبعی و مداعبه از حسن خلق است و داخل سرور بدل مؤمنست و رسول
خدا صلعم بسیار بود که با کسی خوش طبعی میفرمودند تا او را مسرور نماید و حضرت کاظم عم فرمود
که یحیی بسیار میگریست و نمیخندید و عیسی گاه میخندید و گاه میگریست و بهتر از یحیی میکرد و مذموم
قهقهه و افراط مزاح است و خوش شد چنانکه در احادیث نبویه واقع شده که قهقهه از شیطان
و خنده شیطانست و هر که بقهقهه خندد لعن کند او را جبار در بالای عرش جلال و فرمود زنده و با
کینه دارید دلهای خود را بکم خندیدن و خوردن و خوابیدن و خنده آنحضرت تبسم بود و امیر
المؤمنین عم فرمود زینهار مزاح بسیار مکنید که باعث حسد و کینه میشود و دشنام کوچک است و از
الجمله قضاء حوایج و مسرور ساختن مؤمنان و دوستی و برادری ایشان و خدمت علماء و علی بر
از این نمی باشد چنانکه مکرر مذکور شد و در صحیح حضرت عم میفرماید در وحی موسی عم است
که بدرستی مرا بندگانی چند است که مباح کنم برای ایشان بهشت خود را و حاکم گردانم در آنجا
گفت پروردگارا

گفت پروردگارا کیستند ایشان فرمود هر که داخل کند سروری بر مؤمن و تصحیح دیگر هر که
راه رود با برادر مؤمن خود در حاجت او روا شود یا نه پس فرمود مؤمنی از جباران گرفتار بلاد
شرک زال شد بشرک پس او را جا داد و مهربانی و ضیافتش کرد چون محتضر شد وحی شد بعزت
و جلال خود قسم که اگر برای تو در بهشت جائی میبود ساکن میکردم تو را ولیکن حرام است
آن بر هر که مشرک بمیرد و اما ای آتش او را بترسان و آزار مکن و روزیش میآید هر صبح و شام
یکی پرسید او را از بهشت فرمود از جائی که خدا میخواهد و در صحیح منقول است مفضل فرمود بپندارید
کسی از شما همین ادخال خوشحالی بر مؤمن کرده بلکه بخدا قسم ما را بلکه بخدا سوگند رسول خدا را
خوشحال کرده و در اخبار اینمعنی متواتر است و در بعض از آنها این زیادتی هست که هر که او
خال سرور بر رسول الله کند پس بتحقیق او را رسانیده است بر الله تعالی و همچنین غمگین
کردن مؤمن و فرمود بدرستی برادر مؤمن تحفه برادر مؤمن میدهد پس بهشت تعجیل میکند
در تلافی آن و حق تعالی وحی میکند طعام تو را حرام کرده ام بر اهل دنیا مگر پیغمبر یا ولی او پس
چون روز قیامت شود وحی فرماید به بهشت تلافی کن دوستان را بتحفهای ایشان آنگاه
خدام از بهشت بیرون آیند با طبقهای پوشیده بدستارهای مروارید پس چون نظر نمایند
بسوی جهنم و هول شدید آن و بسوی بهشت و آنچه در او است عقل ایشان پریده امتناع کنند
از میل خوردن پس از زیر عرش ندا رسد که حق تعالی جهنم را حرام کرده هر که بخورد

طعام جلیسش را آنگاه دست دراز میکنند و میخورند و در صحیح فرمود در قیامت میگذرد
بر مؤمنی از شناسائی او ملکی همراه دشمن بسوی آتش پس استغاثه کند که ای فلان برس بفریادم
که در دنیا بتو احسان میکردم و حاجتت را میخواستی از من پس مؤمن ملک را گوید
او را دست بردار و ملک او را وعد انشنیده امر کند ملک را که حرف مؤمن را قبول نماید و او را
خدا منقولست بسیار آشنا بگیرید از مؤمنان که بتحقیق هر مؤمنی را شفاعتی است
روز قیامت و فرمود چون مؤمنان خود ایمن شوند از آتش گویند پروردگارا برادران
ما با ما نماز و حج میکردند بعد از ان بجهنم فرستاده ایشان را فرماید بروید در آرید هر که را
بشناسید پس بر آتش منتشر شده هرکه را اراده تعلق به نجات او شده در انوقت شناخته
بیرون آورند و امیگذارد بعد از ان حق تعالی بی شفاعت بیرون آرد برحمت خود اضعاف
آنچه بشفاعت انبیا و صدیقان و شهدا و صالحان بیرون آورده و بروایتی دو برابر اهل
بهشت و بروایتی جمیع را از طبق ایمان عمل خیری نکرده باشند خود بیرون آورد و حال
آنکه زغال گشته باشند و از انجمله بتعهد حال ایتام چنانکه رسول خدا فرماید یا علی هر که
متکفل خرج یتیمی گشت برادر شود تا مستغنی شود بهشت برای او واجب شود البته یا علی
هر که دست بر سر یتیمی کشد از ترحم برای او خدای عزیز جلیل بهر موئی نوری با و کرامت
کند و بروایت حضرت باقر علیه‌السلام از ان حضرت این رفع درجات میکند و بروایت دیگر

این باشد

این باشد دیدن یتیم بر سر چون خود دل را نرم میکند از منت و مسید اهر حبر لیت چنانکه وقت
مصدر امر شرآیت و فرمود چون یتیم گریه کند عرش بلرزه در آید پس خدا فرماید ای ملکی
بیابید بنده مرا که در طفلی پدر و مادرش را بزیر خاک فرستادم قسم بعزت و جلال خود هر اساکن
نمیکند او را هیچ احدی مگر آنکه واجب گردانم برای او بهشت را و از انجمله اذان گفتن
بنیت خالص و در صحیح حضرت صادق علیه‌السلام میفرماید سه نفرند در بهشت بر مشک که بنده مؤذن
و پیش نماز ستوده قوم و مملوک مطیع خدا و آقا شود و در صحیح از رسول خدا صلعم ذکر فرمود
امام که در شهری از شهرهای مسلمانان یک سال اذان بگوید واجب شود برای او بهشت و سند
دیگر فرمود بهی نماز را با صدای او کرده باشد حسنه دارد و بعد از وصف بسیار امیر المؤمنین گ
گفت که پس درین اذان شعاع مواهیند شد و فرمود نه پیان است بلکه بگردن ضعیف ترین
خود خواهند انداخت و ایشان گوشت جبینها را خدا حرام کرده بر آتش و از امیر المؤمنین ع
که از و منبر مگر مؤذنی شهری را و مؤذنی بانگ نماز گوید شیطان سه میل از و دور شود
و بحدیث نبوی حکایت اذان ثواب مؤذنی دارد و هر که اجابت مؤذن نکند تا بچهل
ساله اش حبط شود و در صحیح حضرت صادق علیه‌السلام از آبای کرام خود از آنحضرت ذکر فرمود
یا اباذر هر قرآن خواندن و مسجد خانه او باشد حق تعالی خانه خوبی در بهشت برای او بنا
کند و در وصف حضرت رضا علیه‌السلام وارد شده که همه کلام و جواب و تمثیل او بآیات قرآن بود و هر

و هر سه روز ختمی می نمود و فرمود یا اباذر هر که بتو اهل بهشت هر ژولیده گرد آلود با و و جامه
کهنه که او را مردم حقیر میشمارند بخدا اگر قسم دهد در امری البته روا کند و در حدیث قدسی است
یا احمد بعزت خود قسم هیچ بنده نیست ضامن شود برای من چهار چیز مگر آنکه او را داخل
بهشت سازم بستن زبان از لا یعنی حفظ دل از هوا و هوس بعنی حدیث نفس مراقبه و حفظ علم
و نظر با و و بودن نور چشمش و رجوع گفت پروردگارا فایده آن چیست فرمود حکمت
و حفظ دل و تقرب بسوی من و حزن دائم و خفت و ثبوت در میان مردم و در بعض احادیث
وارد شده است حق تعالی گروهی را بالها برویانند از قبور خود بسوی حیطان جنان
پرواز کنند ملایکه ایشان را قسم دهند چه بود اعمال شما گویند دو خصلت پیدا از معصیت
الهی در خلوت و رضا بقسمت ملایکه گویند این مرتبه سزد شما و بروایت دیگر ما در خلوت و پنهان
عبادت خدا میکردیم پس بپنهان داخل بهشت شویم و حضرت کاظم ع از رسول خدا صلعم ذکر
فرموده هر که حاجت برادر مؤمن خود را بصاحب سلطنتی برساند خدا قدمش را بر صراط ثابت دارد و حضرت
باقر ع میفرماید هر که ضبط نماید خود را در سه حال خواهش و ترس و غضب حق تعالی بدنش را
بر آتش حرام گرداند و از رسول خدا صلعم منقولست هر که در مصیبت سه فرزند صبر و ترک
جزع کند آتش جهنم با و حرام است و فرمود هرگاه از مؤمنی یک ورق علم ماند روز قیامت
ستره و حامل او خواهد بود از آتش و بهر حرفی شهری که ... بار با و کرامت کند

کرام الا

کسی که مرا علی سباکه داخل بهشت کند فرمود به تحقیق از اعمال بدحج میگردانند آمرزش را بذل
طعام است و افشاء سلام و حسن کلام و اعمال خیریه درین باب بسیار است و حضرت صادق علیه‌السلام فرمود
هر که خواهد خدا او را در سایه رحمت بدارد در روزی که غیر آن پناهی نیست تا چهار بار پس مردم از هیبت
حضرت مانع شدند از سوال آنگاه فرمود پس باید مهلت دهد معسر را و چیزی از حق خود
بحال او وا گذارد و باید دانست که صاحب این اعمال اگر چنانکه حق تعالی با وجود گناهان بسیار
از دوزخ ایمن خواهد فرمود و صاحب اعمال چند هم با وجود مسلمانی و عبادات پس از فوز
به بهشت محروم شده از شومی کردار خود البته مستحق جهنم خواهند بود و از جمله اعمال اعظم
آنها اهانت و سهل انگاری بآداب نماز است و رسول خدا صلعم میفرماید هر که محافظت بر نماز ننماید
در روز قیامت او را نه نوری و نه حجتی و نه امانتی و سند در این باب اخبار گذشت و در احادیث از آنحضرت
و حضرت باقر و حضرت صادق صلوات الله علیهم اجمعین متواتر شده که هر که تاخیر کند نماز
عصر را تا آفتاب زرد یا غایب شود روز قیامت محشور خواهد آمد موتور و تاراج از اهل و ولد و در تفسیر این
حضرت صادق ع میفرماید بی اهل و مال خواهد بود و داخل بهشت اگر هم باشد مهمان اهل بهشت
خواهد بود و خود منزل نخواهد داشت و هنگام بانگ رحلت جمیع اقارب خود را جمع نموده و فرمود
که به تحقیق شفاعت ما نمیرسد کسی را که نماز را خفیف گذارد و بجا آورد و بدترین اقل و سبک
داشتن نماز اینست که تحصیل علم کنی بآداب آن از مقدمات و مقارنات یا دانسته فضلت

براانها نشمائی

برانها نشمائی و گذشت حدیث حضرت باقر ع که رسول صلی الله علیه و آله مسجد بود نمازش سبک و بی تمامی
میکرد فرمود مثل دانه برچیدن کلاغ سجده میکند اگر براین حالی بمیرد بر غیر دین من مرده و با حالت
بسیار نماز بی آداب مقبول نیست و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید چون نماز بدرجه قبول نرسید
بجلکه صالا امیر و حق تعالی میفرماید رد کن او را ابر بنده من پس آورده میزند بر روی او و بعد از میگوید
بار نور از عمل اهمیت برانبعث میدارد و در صحیح حضرت باقر ع میفرماید نماز نیست کسی را
که از جماعت بی علت رغبت نماید و در صحیح حضرت صادق ع از آبا و کرام خود از رسول صلی الله علیه
همسایگان مسجد ~~محمد حاضر بودند بی عذر~~ مسجد فرمود ترک مکنید مفارقت جماعت را و اولا
امر میکنم علی را که آتش زند بایشان و خانههای ایشان و از آنحضرت ذکر فرمود امر که اذان
جماعت را شنود و از مسجد بیرون رود بی عذر منافق است مگر بعزم الرجوع و بروایت ابن مسعود
چنانکه در کتاب سید هاشم بحرانی منقولست فرمود آمد بنزد من جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عز
وعزرائیل و با هفتاد هزار ملک پس گفتند یا محمد با امت خود این را که هر که بمیرد با مفارقت
جماعت نمی یابد بوی بهشت را و اگر بیش از عمل اهل زمین داشته باشد هیچ عمل خیر و توبه او قبول
نکنم یا محمد تارک جماعت صبح و شام میکنند در لعنت و غضب الهی یا محمد دعای تارک جماعت را
مستجاب نمیکنم و نمیفرستم رحمتی و ایشان یهود امت تواند و نصیبی نباشد در بهشت و
و اگر مریض شوند عیادت ایشان مکن و اگر بمیرند و اهل بجنازه ایشان حاضر مشو و فرمود تارک جماعت
ملعون

ملعونست در توریت و انجیل و زبور و فرقان و مرتبه صد زانی است و او را لعنت میکنند و بعضی اخبار عقوبات
ترک جماعت در آخر علی بعلم بتقریب فضایل جماعت مذکور شد و از امیر المؤمنین ع مرویست احکام
رحلت امر فرمود با ثبات ده امر که مستمر ماند تا قیامت میان خلایق اول عالم محل را امر نیز وضع کنند
تا مردم را علم آموزد و آتش بخانه تارک جماعت زنند و هر که حروف نیاز اند در مسجد بیرونش کنند
و سلاح جنگ را اذن ندهد و شارب خمر را در مرتبه سیم یا چهارم بسوزانند و مال بخیل را فرو در
وجوه لازمه صرف نمایند و با هر که بعد از نماز صبح صد آیه از قرآن بخواند مجالست ننمایند و زنی را که
بی اذن شوهر بیرون رود تادیب شلاق کنند و همچنین فرزند عاق و جولانی کاری کنند با شاد
برای جمع دیگر در احادیث متواتره و معتبره وارد شده که بهشت بلکه بوی بهشت با فضل سال راه میرسد
حرام است برایشان قاتل مؤمن و متکبر و فخر کننده و حبس کننده مهر زنان یا حق مؤمن یا مال
یتیم یا اجرت مزدور و عاق پدر یا مادر و قاطع رحم و فحاش و حریص و بدخو و مدمن شراب و غیر
اینها چنانکه بتقریبات مذکور شد   در اجزاء الجنة بر جدول زبان خامه صدق نام جاری
شود از رشحه از طوفان عقوبات و عذاب نیران الجحیم در رشحه از عذب فرات مثوبات و لذات
جنات نعیم و از این عالی چون چشم اهل بصیرت و دل ارباب عبرت بحرین سمت جریان میگیرد
وما یستوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح اجاج و من کل تاکلون
لحما طریا و تستخرجون حلیة   در ابحر منفجر گردد از جاک سینه قلم سیه رقم از نفخه از

احوال پر ملال اهل جهنم و کرده از کدورت احوال معصیت و ضلال و شدت نکال و سیاهان در آتش
دوزخ پر ظلمت و وحشت و الم قال العال الجبار یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم
نارا وقودها الناس و الحجارة علیها ملائکة غلاظ شداد لا یعصو
ن الله ما امرهم و یفعلون ما یؤمرون یعنی ای مؤمنان حفظ نمائید بتوبه و اجتناب
معاصی و به نصیحت و موعظه خود را از آتشی هیزم آن از مردم و سنگ کبریت موکلند بر آن
ملائکه درشت تند که نافرمانی خدا نمیکنند هر چه بفرماید در تعذیب اهل دوزخ که نافرمانی کرده اند
و حضرت باقر ع میفرماید اهل جهنم فریاد کنند مانند سگان و گرگان از شدت عذاب چه گمان
داری بگروهی که نگذارند تا خلاص شوند و عذاب ایشان سبک نشود و در میان آتش تشنه و گرسنه
و کر و لنگ و کور باشند رو سیاه و محروم و نادم و غضب کرده پروردگار خود ترحم بر ایشان نکنند
و آتش بر ایشان افروزند و از حمیم پوشان و زقوم عوض آب و طعام بر ایشان بخورانند
و با غلهای آتش بلد نهار ایشان را ابر زنند و گرزهای آتش بر سر ایشان میکوبند و ملائکه
بسیار غلیظ شدید را نافرمانی خدا و ترحم نمینمایند ایشان را در شکنجه دارند و بر رو در آتش
کشند و با شیاطین با غل و بند مقید سازند و اگر دعا کنند مستجاب نشود و هر گاه حاجتی
طلبند روا نشود و این حال جمعی است که بجهنم میروند و رأی المجرمون النار فظنوا
انهم مواقعوها و لم یجدوا عنها مصرفا روز قیامت بیابند گناهکاران معاینه
آتش دوزخ را

آتش دوزخ را و هیزم نمایند با قتال ان در ان و مفری نیابند و حضرت باقر ع میفرماید که آتش شما جزء نیست
از هفتاد جزء آتش دوزخ که هفتاد بار آنرا با آب خاموش کرده اند باز افروخته و الا هیچکس طاقت
نزدیک آن نداشت و بر رستخیز الجحیم را بصحرای محشر خواهند آورد تا صراط را بر روی او بگذارند
پس جهنم فریاد در محشر بر آورد که جمیع ملائکه مقربان و انبیاء مرسلین از هول و بیم آن بزانو
درافتند و استغاثه کنند و تری الظالمین مشفقین مما کسبوا و هو واقع بهم خواهی
دید یا محمد ظلم کنندگان را ابر خود یا دیگر برابر ترسان از جزای آنچه کسب کرده اند و آن واقع شدنیست بر ایشان
پس نفع بحال خود نخواهند داشت و در دنیا که نفع دارد ترس ندارند و آنها را عمل صالح
نداردند در باغهای بهشت برای ایشان تمام مهیاست آنچه خواهش نمایند نزد پروردگار خود اینست دولت
کبری و سعادت عظمی گنج فضل رب میدهد چنان بندگان خود را ایمان و عمل صالح داشته باشند کل
نفس بما کسبت رهینة تا آخر آیات یعنی هر کس ... آن عملی که کسب کرده تا از ...
کار خود در دنیا یاد از کرده دی آیه مگر مؤمنان در بهشت سؤال خواهند کرد از گناهکاران
که چه چیز شما را بجهنم برد گویند نماز نمیکردیم و اطعام مساکین نمینمودیم و در باطل خوض و غور
میکردیم و بروز جزا التصدیق نمینمودیم که الذین یکنزون الذهب و الفضة تا آخر
یعنی آنها طلا و نقره را ذخیره میگذارند و خرج نمیکنند در راه خدا پس بشارت ده
ایشان را بعذاب دردناک روزی که آنها را در آتش جهنم گرم و داغ میکنند آنها

روی و پهلو و پشت ایشان را اینست آنچه برای خود ذخیره کرده اید پس بچشید آنها را ویلٌ
لکل همزةٍ لمزة تا آخر یعنی وای بر حال هر که طعن و تحقیر نماید بفقرا و جمع و جا میکند
مال را یا مکرر میشمارد پندارد که مالش همیشه او را باقی دارد نه چنان است البته انداخته شود در
حطمه و چه میدانی چیست یا محمد حطمه آتش الهیست افروخته چنان که تا بجوف رسیده دل را
سوخته نیز است که آن بر ایشان احاطه نموده محبوس شوند در عمودهای کشیده و بعد از حکایت تعهد
شیطان تا گمراهی بنی آدم را ابا از روی باطل میفرماید و من یتخذ الشیطان تا آخر آیات
یعنی هر که دوستی کند شیطان را که چنانکه عهد او در گمراهی او نموده پس به تحقیق که
خسران عظیم و زیان بی پایان کرد او فریب او را خورد و گمان او را در حق خود راست
نمود حال چنان که مصیر جهنم است و خلاصی از آن نمی یابند و آنها را ایمان و عمل صالح
دارند فرود باشند ایشان را داخل کنیم در بهشتها که چند که از زیر عمارات و اشجار آنها
نهرهای آب روانست همیشه متنعم و در تنعم باشند در آنجا ابد الاباد و وعدهٔ الهیست که
خلاف نمیدارد کیست که از خدا راستگوتر است آیت که الهیست و دوزخ بازگردی
که هر کس عمل بد کند جزاء بد بیابد ان المجرمین فی عذاب جهنم تا آخر آیات یعنی به
به تحقیق صاحبان جرم و گناه در عذاب جهنم خواهند بود همیشه با ملازمتهای
تخفیف نداده نخواهد شد عذاب ایشان و ما یوسند و ما ظلمناهم ما ظلم نکردیم بر ایشان

بلکه خود

بلکه خود ظلم بر خود کردند که با این همه آیات و مواعظ خداوند شفیق نیکخواه و پیغمبر غمخوار و مهلت بسیار
آگاه نشدند و خیر خود را قبول نکردند و نادوا یا مالک لیقض علینا ربک استغاثه کنند بمالک که عرض کن خدا ما را
بمیراند گوید بدرستی که شما در این عذاب بسیار مکث خواهید نمود و به بعضی احادیث فاصله جواب مالک
از عرض و استغاثه ایشان هزار سال خواهد بود پس گویند پروردگار خود را بخوانید که از عذاب الیم تخفیف
کند گویند پروردگارا شقاوت بر ما غالب شده ما را بیرون آر اگر باز بد کنیم پس البته ستمکاریم جواب رسد
که ساکت و ذلیل باشید و بروایت ابن عباس رحمه الله چهل سال فاصله این جواب از خواهش و کشف و بسیار
عرض و عنایت حق تعالی بعد از این دو آیه فرموده پس در این هنگام مأیوس شوند از پروردگار عالمیان که در
دنیا که از همه چیز کمتر و پستتر بود نزد ایشان و مدت العمر خواهش خود را ترجیح میدادند بر حق تعالی
و بعقل و نقل را دور انداخته و هر آیتی را بایشان نموده بود و گفته بود که بچنین بلاها گرفتار و نکال و اهوال
عظیم خواهند شد و بچه گمان در توبه و عمل صالح نشده خواهند شد ابد الاباد و در اوقات زندگی دنیا
با ایشان فرموده بود بزبان حال فصیح بر فرض گرفتار تصدیق من و کتاب و پیغمبران و مؤمنان و حجتها
نکنید و در انتقال با احتمال هم بمیرید که روا است باشند پس بچه کوشند از احتراز و تدارک اعراض مینمایند
و بجای آن مشغول لهو و لعب میباشند خدا هم را از خواب غفلت بیدار کند بهر وجه و ایشان را
عیانی میفرماید برای اهل معصیت میان آتش نموده اند و دست و پای ایشان را در غل و زنجیر کرده
و بر سر ایشان از مس گداخته و جبه از آتش بریده و پیچیده اند و در عذاب گرفتار اند که

که گرمی آن بنهایت رسیده و درهای جهنم را بر روی ایشان بسته اند هرگز نسیمی داخل نشود و غم از ایشان
بر طرف نشود و عذاب ایشان تا پیوسته نشود و عقاب ایشان همواره و جدید نه جان ایشان فانی شود
و نه عمر ایشان بسر آید با مالک استغاثه کنند که از خدا طلب ما را بمیراند گوید شما در این عذاب
بسیار خواهید ماند و از رسول خدا صلعم منقول است که گریه کنید اگر نیاید بتکلف گریه کنید که اهل
جهنم چندان گریه کنند که اشک شان فانی شود بعد از آن خون گریسته تا در رخسار ایشان شکافها
بهم رسد پس اگر کشتیها در آنجا روان شود در اشک ایشان هر آینه جاری شود بعد از آن فرمود که
اهل دوزخ هر تشنه آب طلب ایشان مرگ طلب کنند و هر بار هر خواهند که مرگ خواهند
و بروایت اول بخزنه جهنم استغاثه نمایند که به تفصیلی که در آیه دیگر مذکور است که طلب بنده از خدا
که یکروز عذاب ما را تخفیف فرماید گویند آیا در دنیا پیغمبر شما موعظه و آیات نیاورده گویند بلی ملائکه گویند
پس خود دعا کنید و غرض قطع توقع ایشانست دلالت لقد جعلناکم بالحق به تحقیق
الجز لامر ضیر ظواهر و نصیحت بود لشما فرستادیم اما اکثر شما خود را ناخوش ام ابرموا
امرا فانا مبرمون آیا ابرام و اصرار میکنند در معصیت و نافرمانی و تقصیر و تاخیر توبه
و پشیمانی و بازگشت بجناب قدس الهی پس ما هم ابرام میکنیم در عذاب هر چند جزع نمایند و بعد
بعد از هزار سال جزع میگویند صبر باعث فرج میشد در دنیا پس صبر نمائیم هزار سال و تخفیف نمیشد
گویند سواء علینا اجزعنا ام صبرنا ما لنا من محیص صبر کنیم یا جزع خلاصی نداریم پس از

ستمگر و عذاب

ستمگر و عذاب استغاثه و عجز نمایند هزار سال الحاح ابر سرخ دیده بیدار شود پس بباید بر ایشان عقربها مانند
استر اگر دهد گزیدن آنها تا هزار سال ساکن نگردد بعد از آن باز تضرع و استغاثه کنند هزار سال ابر
سیاهی بر سر ایشان بیاید مارها مانند کردن شتر که وجع زهر آنها هزار سال بماند اینست معنی کلام الهی
زدناهم عذابا فوق العذاب و بروایت دیگر سنگهای بزرگ بر سر ایشان ببارد که کلهها
ایشان کوبیده از زیرشان در رود و ان جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعة ابواب لکل
باب منهم جزء مقسوم یعنی به تحقیق که جهنم وعده گاه جمیع گمراهان و گنهکاران است از او
هفت در است برای هر دری حصه از ایشان مفرد و قسمت شده مرویست که چون این آیه نازل
شد رسول خدا صلعم بجبرئیل ع فرمود وصف کن برای من احوال جهنم را و اهل هر بابی را گفت از
هر دری تا در دیگر هفتاد سال راهست و هر دری در گرمی و شدت هفتاد برابر در بالاست اول
هاویه جای منافقان و کفار است و فراعنه دوم جحیم مسکن مشرکین سیم سقر و صابیان چهارم لظی
سوال ابلیس و اتباعش محبوس پنجم حطمه منزل یهود ششم مکان نصاری و چون بهفتم رسید
جبرئیل ساکت شد حضرت فرمود خبر ده مرا از مقیم هفتم جبرئیل عرض کرد که در آنجا اهل کبائر
که از امت تو خواهند بود که بی توبه بمیرند در حال آن حبیب ذو الجلال بر رو در افتاده بیهوش شد
پس جبرئیل سر مبارک آن از امت را بر زانوی دلسوزی نهاده چون بهوش باز آمد فرمود
یا جبرئیل عظیم کردی مصیبت و اندوه مرا آیا امت من داخل جهنم خواهند شد و گریست

بسیار گریستی شنید و جبرئیل هم گریان گردید و حضرت با صدا و زکس را الخلوت خود راه نمیداد و بیرون
نمی آمد مگر برای نماز و با هیچکس تکلم نمیفرمود و چون شروع بنماز میکرد گریه و تضرع میمنود و اصحاب
بر حال آنحضرت میگریستند و نمیدانستند چه نازل شده و علی ع غایب بود تا ملتجی شدند بحضرت
زهرا صلوات الله علیها هر وقت او را میدید شاد میشد پس بدر خانه آنحضرت آمدند دیدند حالی که جو
آسیا مینمود و میفرمود و ما عند الله خیر و ابقی چون قصه بشنید چادر بر سر مبارک کشید
که دوازده جا از لیف خرما پینه داشت و گریست بر حال قصیر الجناب بعض اصحاب و چون وارد
آنحضرت شد عرض کرد که آیا می بینی فلان را و تعجب میکند از لباس من بجلال حق تو را بحق فرستاده
که پنج سال است اینست من و علی را مگر پوست میشی که روز شتر خود را بر آن علف میدهیم و شب
فرش ما مینماییم و بالش ما پوستیست پر از لیف خرما پس آن فخر پیغمبری و مفتخر با فتخار
الفقر فخری التفات بآن شخص نمود و فرمود واگذار دختر مرا تا شاید که بر داخل خیل
سابقان گردد و چون بخدمت پدر بزرگوار خود رسید دید از بسیاری گریه و شدت اندوه
رنگ مبارکش متغیر و زرد گشته و گوشت رخسار شریفش گداخته و بروایتی که از بسیاری
گریه هم که در سجده نموده زمین گل شده گریان شد و گفت جانم فدای تو بابا چه چیز تو را بگریه
آورده فرمود چون گریه نکنم که جبرئیل این آیه آورده گفت خبر ده مرا از کیفیت آن
فرمود در آن هفتاد هزار کوه آتش است و در هر کوهی هفتاد هزار وادی آتش و در

وادی هفتاد

وادی هفتاد هزار هزار شکاف از آتش و در هر شکافی هفتاد هزار هزار قصر از آتش و در
هر قصری هفتاد هزار هزار خانه از آتش و در هر خانه هفتاد هزار هزار تابوت و در هر تابوتی
هفتاد هزار هزار نوع از عذاب ناگاه در این حال فاطمه صلوات الله علیها مدهوش و بر رو در افتاد
و میگفت وای وای بر کسی که داخل آتش شود و چون بهوش آمد پرسید ای بهترین خلق خدا برای که
کیست این نوع عذابها فرمود برای هر که نماز را ضایع گذارد و متابعت شهوات و خواهشهای
نفس شوم نماید و بدرستی که این کمترین درکات جهنم است پس اصحاب بیرون رفتند
هر یک نوحه میکردند بعضی میگفتند کاش از مادر نمیزادیم و ذکر جهنم نمی شنیدیم عمار میگفت
کاش در بیابانها مرغی بودم بر درختها چه عقابی نمی بود و سلمان بیقیع رفت چون اهل ماتم
دست بر سر بصدای بلند نوحه و فریاد میزد که آه از دوری سفر و کمی توشه در سفر قیامت با آن
تب و عقابی که در پیش است پس بلال با او برخورده پرسید چه خبر است گفت وای بر من و تو یا بلال هم
که گاه بازگشت بعد از لباس پشم و کتان بجامه‌های آتشین باشد وای بر من و تو یا بلال اگر بعد از
مصاحبت ایشان قرین شیاطین باشیم در غلها وای بر من و تو یا بلال گاه بچشانند بار از حمیم و زقوم
جحیم پس فاطمه صلوات الله علیها پرسید که چگونه داخل آتش جهنم خواهند شد فرمود ملایکه
میرانند ایشان را بسوی آتش مثل کفار رو سیاه و چشم کبود نیستند و زنجیر ندارند گفت چگونه
میکشند ایشان را فرمود مردان را از ریشهای ایشان و زنان را از گیسوها و موهای پیشانی

ایشان بسلامت مانده سفید از امت منع بگشند شش بسوی گاهیتم و او فریاد کنند وا شیباه و اضعفاه
و بروایت ابن عباس اول کسی که داخل بهشت میشود بعد از پیغمبران این امتند و آخر کسی
که داخل آتش شود از این امت خواهد بود و چون رسول خدا ص می‌شناسد که دست و پا سفید است
از اثر وضو خدای تعالی فریاد غایب کنید ایشان را در ادویه قیامت چون آن حضرت داخل
بهشت شود خدا فرماید که برانید ایشان را بسوی مالک دوزخ و چون مالک این را ببیند که صورت
کفار مسخ و بصورت شیاطین بر رو بر آتش کشیده خواهند شد تعجب نموده خطاب میکند که شما چه
هراسان
امتید این ان از صولت مالک سراسیمه شده از هیبت او نام محمد ص را فراموش کنند گویند
ما از امت بودیم که بر ایشان نازل شد قرآن و روزه ماه رمضان مالک گوید قرآن نازل نشد مگر
بر محمد مصطفی ص آیا در قرآن خبر نبود از موعظه منع کند شما را از نافرمانی و معصیت آنگاه
پس ندا رسد بمالک که اینها را از بالاترین درکات جهنم داخل مکن و چون نظر کنند بسوی
آتش که زبانه میکشد جزع و التماس کنند مالک که ما را این قدر مهلت ده اسلامی
بر حال خود گریه کنیم آنگاه فوج فوج زاری و نوحه کنند آیا چون صبر کنیم در آتش و حال اینکه
بر گرمی آفتاب صبر نداشتیم پس چندان گریه کنند که فانی شود اشکهای ایشان و بعد از
آن خون گریه کنند در این حال مالک گوید بسیار نیکو بود که این گریه‌ها را در دنیا میکر
دید که فایده مینمود پس اگر از خشیت الهی این گریه در آنجا میبود اینجا اصلا آتش ایشان

بم نبود ایشان

بم رسید و ایشان در نوحه و گریه باشند که بار ندا رسد که یا مالک داخل آتش کن ایشان را از بالاترین
ابواب جهنم پس ملایکه گویند از بدیهای ایشان در آتش ناگاه پیر ایشان بسر و جوانان از پای سر و زنان از پای سر ایشان
معلق با آتش اندازند چون جمیع ایشان فریاد یا محمدا یا احمدا یا ابوالقاسم بر آورند کسی نشنود و بر وایتی
چون بدوزخ افتند یکبار گویند لا اله الا الله آتش دور شود مالک بانگ بر آتش زند آتش گوید چگونه
بگیرم کسی را که لا اله الا الله میگوید کوید بگیر و بسوزان ایشان را امر شده که سجده اله میکردند و نه دلهای
ایشان را که در ماه رمضان تشنگی و گرسنگی کشیده اند و نه جگر بداغ او لا دصبر نموده پس در دوزخ
بمانند تا وقتی که خدا خواهد و پاک شوند و قابل هم نشینی نیکان و نیکان گردند و با شفاعت ایشان مغفرت رسول
خدا ص میفرماید در صورت احوال بعضی از اهل دوزخ امیا نه دو لبهای او سه روز و بروایتی چهل
روز راه است و دندانش بمثل کوه احد که بوستش چهل ذرع و تنیشش بمسافت مکه تا مدینه
و زبانش کشیده یک فرسخ و دو فرسخ پامال مردم و کباب کنند ابزار آتش جهنم ولیکن تا میان سر بجیده
و لب زیر تا ناف کشیده و سر شان مانند کوه بزرگ و چشم گریه مثل جامه‌های معطل و مو مانند نیزه‌ای درشت
صدای فریاد ایشان مانند نعره خران در هر انگشت هزار انگشتری ها از آتش نقش اول بالحق عقابی
و بالعدل سخطی دوم حرمتی من رحمتی و املیتهم من کان امتی سیم وقد قدمت
الیکم بالوعید چهارم ما یبدل القول لدی و ما انا بظلام للعبید و این هر دو مضمون
قرآنست پنجم طعامکم الزقوم و شرابکم صدید ششم ابلیکم ابلیس و قرناء کم

الشیاطین هفتم لا ینجو لکم منها و لا فدا دهشتم سحقا لاهل النار و لعل
علیکم
الهم من الملک الجبار لهم اسودت وجوهکم و غیبت مجالسکم دهم حوام
نیاید نه و اشباع کلامی و فرمود اگر در این مسجد هزار نفر زیاده باشند و از نفس یکی از اهل
جهنم بایشان رسد هر آینه مسجد و هر که در در انست بسوزد و در جهنم مارها هست بکند که
گردن شتر اگر که در دکر زنیدن انها چهل سال میماند و همچنین عقربها و بروایت مجاهد پس نجات
نمید هراین زا ورا انها مگر گریختن با آتش و بروایت ابن عباس طول هر مار سه روز راه باشد انها
چون نخل میکزند چشم و لب و جمیع پوست و گوشت را از استخوان میکنند چون میکرد می
افتد در نهر از نهرهای جهنم که چهل سال فرو میرود و بروایت دیگر فرمود مرا آید جبرئیل نزد
من لرزان از ترس الهی گفتم یا جبرئیل این چه خوف عظیم است گفت بحق الخدائی
که ترا به پیغمبری فرستاده نخندیده ام از وقتی که خدا جهنم را آفریده و سزاوار نیست
کسی را که میداند جهنم چیست و عذاب الهی شدید است که دیده او روشن شود تا وقتی
که از آن ایمن شود گفتم وصف کن آن را گفت یا محمد زمین او از سرب و سقفش از مس
و دیوارهای آن از کبریت و بروایتی فریاد کرد که هرگاه از چرک و ریم جهنم مثل سوراخ
سوزنی در مشرق باشد دماغ اگر در مغرب سیلان کند و اگر یکی از اهل جهنم را بدنیا بیا
رند همه اهل دنیا بمیرند از بوی بد آن شخص و ابو بصیر گوید عرض کردم بحضرت صادق عم که بترسان

مرا از عذاب الهی

مرا از عذاب الهی که دلم بسیار قساوت کرده فرمود یا محمد مستعد شو و تدارک خود در این جهان برای
زندگانی روز رود از آنحضرت که آخر بداز دو فکر و تهیه آن را اگر فته بدرستی که جبرئیل آمد روزی بخدمت
رسول خدا صلعم ترسان بود و آثار حزن و اندوه از رو ظاهر و پیشتر خوشحال می آمد حضرت پرسید گفت
امروز دمهای آتش را گذارشتند فرمود دمهای آتش چیست گفت یا محمد حق تعالی فرمود
فرمود دمیدند بر آتش جهنم هزار سال تا سفید شد و هزار سال دیگر تا سرخ شد پس هزار دیگر
تا سیاه شد اکنون سیاه و تاریک است و اگر قطره از ضریع که عرق اهل جهنم و چرک فرج زناکار
در دیگهای جهنم جوشان در جای آب بجوید که کافران میدهند در آبهای دنیا بچکد همه اهل دنیا
الت راز کنندان بمیرند و اگر حلقه از زنجیر گردن اهل جهنم بر دنیا گذارد از شدت و حرارت آن تمام
دنیا بگدازد و اگر پیراهن از اهل آتش را میان زمین و آسمان بیاویزند اهل دنیا از تعفن آن هلاک
شوند پس حضرت و جبرئیل هر دو از شدت خشیت الهی بگریه در آمدند تا ملکی نازل شد که پروردگار شما را
سلام میرساند و میفرماید که من شما را ایمن کردانیدم از گناهی که موجب عذاب بشیت پس حضرت صادق عم
فرمود که از روز اهل آتش عظمت جهنم و عذاب جهنم را خواهند دانست و اهل بهشت عظمت
بهشت و نعیم او و چون کفار را داخل جهنم میکنند هفتاد سال سعی تا خود را بالای جهنم میر
سانند پس ملایکه گرزهای آهن بر کلههای ایشان میکوبند تا بقعر جهنم برمیگردند پس
پوستها نو به ایشان بپوشانند تا بیشتر تاثیر کند پس ابو بصیر فرمود آیا کافیست گفتم بلی مرا

صحیح ذکر فرمود از آنحضرت عم که شب معراج در راه صدائی مهیب شنیدم که ترسیدم جبرئیل
گفت این سنگی بود که از هفتاد سال پیش از این در کنار جهنم انداخته بودند حالا به تهش رسید
پس دیگر آنحضرت را خندان ندیدند تا رحلت فرمود و چون داخل آسمان هفتم شدم ملکی دیدم که از
او عظیمتر ملکی ندیدم بهیئتی منکر و غضبناک پس مرحبا و دعا که ملایکه نسبت بمن نمودند او نمود
و لیکن نخندید از جبرئیل پرسیدم این کیست که از دیدن او بسیار ترسان شدم گفتم کنجایش
دارد که از او بترسی ما همه از او میترسیم اینست مالک خازن دوزخ از روزی که خدا او را والی جهنم
کردانیده هر روز خشم بر دشمنان خدا و اهل معصیت زیاده میشود برای انتقام از گناه
کاران حق تعالی این را مقرر خواهد فرمود پس بر او سلام کردم بجواب و مرا به بهشت
بشارت داد گفتم بجبرئیل چون همه اهل آسمانها او را اطاعت میکنند بفرما دوزخ را بمن
نماید پس پرده بر گرفت و دری از درهای جهنم را گشود ناگاه زبانه با آسمان بلند و طلوع کرد دید
و چنان بخروش آمد که هراسان و ترسان شدم پس گفتم بجبرئیل که بگو پرده را بیندازد و فرمود
سبکترین اهل جهنم در عذاب کسیست که در دریای آتش دو نعل آتش در پای او باشد
که از شدت حرارت مغز دماغش مانند دیگ در جوش باشد و پندارد که از جمیع اهل جهنم عذا
بش سخت تر است و قریب بهمین معنی حدیث نبوی وارد شده و فرمود فلق دره ایست
در جهنم که در آن هفتاد هزار خانه است و در هر خانه هفتاد هزار حجره و در هر حجره هفتاد هزار مار سیاه

و در شکم هر مار

و در شکم هر ماری هفتاد هزار سبوی زهر و جمیع اهل جهنم را بر این دره گذر خواهد افتاد و آیات
و روایات در شدت و عقوبت اهل جهنم بسیار است چون صریح یا ظاهر در باب کفار بود به همین
اکتفا نمود و بحدیث طولانی سابق چون حکم الهی در پاک کردن اهل نجات آتش جاری گردید
فرماید یا جبرئیل در چه کارند عاصیان امت محمد صلعم گوید الهی تو داناتری فرماید برو حال ایشان را
نظر کن پس مالک دوزخ بر منبری در وسط جهنم نشسته باشد ناگاه برخیزد به تعظیم جبرئیل و از
سبب آمدنش سؤال کند گوید چه کرده ای با گنه کاران امت محمد صلعم گوید چه بسیار بد است حال
ایشان و تنگ است جای ایشان سوخت با آتش جسدهای ایشان مگر رو و دلهای ایشان که نور
ایمان در آنها میدرخشد پس چون سرپوش جهنم را بر دارند نظر ایشان بجمال جبرئیل
افتد دانند که از ملایکه عذاب نیست بپرسند از مالک که این کیست گوید جبرئیل که وحی می آورد بمحمد
مصطفی صلعم چون نام محمد را بشنوند همه فریاد بر آورند که یا جبرئیل بمحمد مصطفی از ما سلام برسان
و بگو گناهان ما را از ما جدا ساخت و محروم ساخت از خدمت تو و خبر کن آنحضرت را باین
بدحالی ما پس چون جبرئیل عم بمقام عرش میکند فرمان رسد که برو بمقام ایشان برسان
و بروایتی از بسکه ناله کنند و فریاد یا محمد یا اباالقاسم ای پناه بیوه زنان و ای فریادرس ضعیفان
و بیچارگان یا فخر قیامت یا شفیع امت ما ضعفاء امت توییم بفریاد برس ای مالک کار از
امت بگذر تا خانه صبر بر آتش و بیران شد و تاب و طاقت بر ما نماند پس

مالک چون ناله و استغاثه و شدت عذاب ایشان را ببیند که به نهایت رسیده ترحم بر ایشان افتاده متوجه
جنان گردد پس دستهای خود را بگوش نهاده مانند مؤذن بصدای بلند فریاد کند که یا محمد ص تو در بهشت
بنعم و تعیش و کامرانی مشغولی و ضعفاء امت تو در جهنم بتو استغاثه و بتو تشفع میجویند برس
بفریاد ایشان چون صدای این خبر محنت اثر بگوش گلشن رسالت و آب و رنگ چمن مقام
محمود شفاعت را افسرده سازد باد گلچین پرخار غم و از بهر نوحه و زاری غنچه از گلبن
سریر عزت و کامکاری در بار عرش باری بخاک سجده و خاکساری اندازد پس طوطی ناطقه را
مشغول ثنا و ستایش فرماید که در آینه خیال امثال آن صورت ارتسام نبسته باشد آنگاه
نسیم لطف الهی و روح رحمت پادشاه نامتناهی جبهای انکل عزت و خاک مذلت است بر خاک
افتاده را چنان از خاک بردارد و بلطف این و حیران سرور را سرافراز فرماید که سر بردار
و سؤال کن تا عطا کنند عفاره و شفاعت کن تا قبول نماید پروردگار پس بعد از شفاعت
از کمال اهتمام خود بنفس نفیس بسوی مالک دوزخ روان شود و چون ابر رحمت سایه مرحمتش
بر سر دوزخ را از رشک فردوس سازد و نظر ظلمت منظر امت جفاکار بنور جمال آن مشفق
وفادار منور گردد و سینه صد چاک و دل دردناک همه یکبار صداها بلند کنند فریاد یا محمد یا
از حضیض حال دوزخ شرار باوج دار السلام سینه ابرار رسانند و مانند نامه سیاه خود
سر تا پا زبان گشته شکوه حال تباه نمایند پس آنگاه بدریت شفقت و مهر همه را از جهنم بیرون
آرد و حال

آرد و حال آنکه از تاب آتش انتقام برشته و از وبال اعمال تیره خود زغال گشته باشند پس بنهر
در بهشت حیوان که از عرق اهل بهشت بیرون می آید غسل نموده چون ماه درآیند و گوشت
و خون و موی بر آرند و نوشته باشد بر پیشانی ایشان که از جهنمیانم ستار آزاد کرده رحمان
آنگاه داخل بهشت شوند در این حال سایر اهل دوزخ گویند کاش ما هم مسلمان بودیم اینست
معنی کلام الهی ربما یود الذین کفروا لو کانوا مسلمین یعنی پس آرزو کنند کفار
که کاش مسلمان می بودند تا آخر بعد از پاک شدن از جهنم در آمده و داخل بهشت می شوند
و منقول است که رسول خدا ص بعضی اصحاب خود را وصیت می فرمود که مهیا شوید برای
بعد قیامت پس شروع کرد در شمردن عقاب آن روز عالم سوز که بر شنیدن لرزید پرسیدن که
آیا خدا امت تو را با آتش عذاب خواهد کرد فرمود با آن خدائی که غیر از آن خدائی نیست اگر
ندانستمی که حق تعالی امت مرا عذاب بخواهد کرد قطره اشکی از چشم من بیرون می آمد
دیگر چه غم داشتم بر تحقیق که آخر مدتی که امت من در آن خواهد ماند هفتاد هزار سال است
تا الکه زغال گشته باشند بعد از آن بیرون خواهند آمد آنگاه در جهنم بسته می شود
بر اهلش و به صحیح حضرت باقر ع منقول است که آخر کسی که از جهنم بیرون می آید مردیست
همام نام عمری فریاد کند در جهنم یا حنان یا منان و بروایت ابن عباس آخر کسی که بیرون
می آید از این بعد از هفت هزار سال است بعد از چهار هزار سال فریاد زند یا الله

یا الله تا هزار سال یا حنان یا منان هزار سال یا حی یا قیوم هزار سال بعد از آن حق تعالی
فرماید یا مالک بنده مرا که مرا میخواند در جهنم بیار او را بسوی من پس مالک وحی میزند بر آتش
که از هیبت مالک بخود بعضی بعضی را و او را بجز گویند آتش میطلبد تو را جبار او تضرع نماید
نماید که یکبار مرا گوید چاره نیست و بیاورد او را در حالتی که از بیم بشابه ماهی سیلی زده
باشد پس حق تعالی فرماید ای بنده من آیا نیافریدم برای تو گوش و چشم و فلان و فلان
اسباب هدایت او از شرم بسیاری در عرق افتاده گوید پروردگار آتش از این خجالت
بهتر بود فرماید برگردانیدش با آتش آن بیچاره بحسرت ملتفت شده گوید ای پروردگار
من این گمان را بتو نداشتم بلکه گمان کردم که بعد از بیرون آوردن بار دیگر مرا بدوزخ نخواهی
فرستاد آنگاه او را داخل بهشت نماید و حضرت باقر ع فرماید مکث کند در آتش هفتاد
سال بعد از آن سؤال نماید که بحق محمد ص و اهل بیت او که مرا ترحم کن پس وحی رسد
بجبرئیل که برو بیرون آر بنده مرا پس بیاید او را در حالتی که برو در افتاده باشد و بیرون
آرد آنگاه حق فرماید ای بنده من چه مکث کردی در آتش میخواندی مرا و سوگند میدادی گوید احصا
نکرده ام فرماید قسم بعزت خود که اگر نه این از من سوال میکردی البته طول میدادم خواری
تو را در آتش و لیکن حکم کرده ام بر خود که سؤال نکند بنده از من بحق محمد و اهل بیت او
مگر آنکه بیامرزم او را در آنچه میان من و او هست مؤلف گوید که ظاهر آیات بسیار و روایات
بسیار دلالت

بسیار دلالت دارد بر اینکه بعضی اهل نجات بآتش دوزخ معذب خواهند شد و استبعاد بعض جهال
ناشیست از قلت معرفت بعظمت الهی و نافهمی شدت قباحت مخالفت و نافرمانی و این
نعمتهای نامتناهی خود که از الطاف و فواید و مثوبات غیر متناهی در ازای کلمه استبعاد ندارد از جهت آن
قیاس کن که اگر پادشاهی کسی را از خاک برداشته تربیتش کرده باشد تا آخر بعد از آنکه از دولت
او بکمال جمال و عزت و جلال رسیده باشد یک نگاه بدر بناموس آن پادشاه نماید البته اگر پادشاه قتل
او فرمان دهد هیچ عاقلی بعید نشمارد بلکه از اغماض پادشاه تعجب و طعن نماید با آنکه پادشاه نه خالق
خالق اوست و نه رازق او پس چه گمان داری بجبار آسمان و زمین و مالک ملک و ملوک دنیا و دین
که تو را بید قدرت و رافت خود از ظلمت عدم بنور ایجاد منور گردانیده و خلعت اصطفا و کرامت
بتو پوشانیده و نور از جمیع مخلوقات برای تو برگزیده و کل ذرات کاینات را از برای خدمت
تو باز داشته و بسیاری از ملایکه و بندگان خود را ببحی فطرت و حیرات تو گماشته و به هیچ حال در اسباب
و انواع راحت و رعایت تو دقیقه فرو نگذاشته و روز بروز بلکه دم بدم در کمال رافت و داد
احسانهای تازه و نعمتهای بی اندازه بتو داد و تعلیم تو و تمیز دوستان از دشمن و تکمیل هدایت
و بر مواهب و عزت و راحت دنیا و آخرت تو حکمت و قرآن و رسول و هادی و برهان بسوی تو
فرستاد و در همه احوال مثل پدر که چون پرستاری و تربیت و غمخواری بفرزند شغلی نداشته
باشد با نهایت لطف و شفقت روی اقبال و رحمت و توجه و مرحمت بسوی تو گردانید پس ای همیان

کر تو را جنات شد و کمال رسانید و دانستی که در جزای این همه احسانها با دشمنان او همداستان شده از کمال
بی‌شرمی شروع بمخالفت و هتک پردهٔ ناموس محارم او نمودی و بعصیان کوری پای جفا و بی نوری
راه کدورت دوری و غضب او پیمودی هر چند صبر و مزید و رعایت و تجویز طلاقت نمود و عفو
و احسان و ملایمت فرمود و مهلت داد و نصایح و میانجی بسوی تو فرستاد و در هر آن آتش و استمالت
بر روی تو گشاد قبول نکردی و باصرار و ابرام از نهایت بیمروتی چون معاندان در مخالفت و نافرمانی
جنان پروردگار احسان کوشیدی و بتغافل و تعامی دیده و فهمیده چشم بصیرت و ادراک از جمیع الطاف
نامتناهی بر بستی اگر بتوبه و ندامت هم از تو راضی و قانع شد تو راضی نشدی حالا خود انصاف
ده که آیا چنین ناپاکی منجمد رزنی را بغیر صورت آتش غضب الهی چه چیز پاک میتواند نمود و ناهموار
معاصی این چنین دل شوریده را شسته روی سخت چون طریقه رشته ابرای شوریت ... نمک
میزان چه سود دو دیگر گناه ما نیز همراست و عذاب چون هلاکت لازم آنست بعد از آنکه طبیب
مهربان صادق تو را از تناول زهر تحذیر و منع بلیغ فرماید و آگاه نماید که موجب هلاکت است و تو دانسته
نسته و فهمیده و دیده و شنیده بشیرینی آن زهر فریفته شده بمخالفت طبیب جرات اقدام نمائی
و باغوای موافقت نفس و دشمنان او و خود بخوردن زهر قاتل قیام و اهتمام نمائی طبیب چه کند
و استبعاد و گله از او چه سود دهد و از غرایب مؤیدات این مقال و عجایب بی نهایت شاهد
کل حال اینکه بعد از اتمام کتاب همین عباس بتقریب شیطانی ضایع گردید چنانکه گرده مسوده
همه ازان

همه ازان بر صفحهٔ خیال نماند بعد از تاسف عظیم و حزن بسیار الیم که ... بتسجیل شیطانی تو هم می
شد کرش بید با فراط خوف مؤمنان که غرض بالذات از تالیف تذکره این ... حق تعالی اینچنین
شدت ساخته نمود بهذا در تحریر همان منوال با آن جناب اقدس اعلی اشاره نموده همین
آیه عبرت ایراد فرموده قل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من یشاء فلیکفر
انا اعتدنا للظالمین نارا تا آخر آیه یعنی بگو حق است از جانب پروردگار شما پس هر که خواهد قبول
کند و هر که خواهد کافر شود که به تحقیق ما ... مهیا کرده ایم برای ستمکاران آتشی که احاطه کرده
با ایشان سراپردهای آن آتش و هرگاه استغاثه کنند و از شدت عطش آب طلبند آبی باین
دهند چون مس گداخته که بریان کند روهای ایشان را بد آبیست و بد آرام گاهی بدرستی که آنها
که ایمان و عمل صالح دارند ما ضایع نخواهیم کرد مزد کسی که عمل نیکو نموده باشد و در توریه منقول است
که ای پسر آدم چه گونه نافرمانی من میکنید و حال آنکه جزع میکنید از تاب آفتاب و به تحقیق
که دوزخ را هفت طبقه است و در آن آتشهاست که بعض میخورد بعضی را از شدت و در هر یکی
هفتاد هزار وادی از آتش تا فرمود که پس بذات اقدس خود سوگند که نیافریدم این
آتشها را مگر برای کافر و بخیل و سخن چینی و عاق والدین و مرائی و سود خوار و مانع
زکوة و زانی و جمع کنندهٔ حرام و فراموش کنندهٔ قرآن و آزار کنندهٔ همسایگان
مگر توبه کنند و با ایمان عمل صالح نماید پس بر خود رحم کنید و بلا نهال را ضعیف

و بعضی دور و بیشتر رسنگی و صراط باریک و منادی اسرافیل است و آتش زبانه میکشد و حاکم پروردگار
کار عالمیان است مؤلف گوید اتفاقی بلکه ضروری مذهب شیعه است که جهنم و همچنین بهشت بالفعل
موجودند و آیات و احادیث در این معنی بسیار است و شب معراج رسول خدا صلعم داخل بهشت و مطلع
بر دوزخ شدند و انکار این از معتزله کفر است بلی الحال دور یا مسطور است و روز جزا نزدیک
و انکار خواهد و بخدمت حضرت رضا علیه السلام عرض شد که بعضی میگویند خدا بهشت و دوزخ را مقدر
فرموده را خلق خواهد نمود و فرمود ایشان از ما نیستند و ما از ایشان نیستیم و هر که منکر شدن خلق
بهشت و دوزخ تکذیب پیغمبر ما کرده و هیچ بهره از ولایت ما ندارد و همیشه در جهنم خواهد بود
پس استدلال فرمود بآیات و احادیث و بروایت ابن عباس و یهودی از امیر المؤمنین ۴
پرسیدند کجا است بهشت و دوزخ فرمود بهشت در آسمان و جهنم در زمین و بروایتی کدام
آسمان و کدام زمین گنجایش بهشت دارد بلکه بالای آسمان هفتم زیر عرش است و حضرت
باقر علیه السلام میفرماید بخدا سوگند که بهشت خالی نیست از ارواح مؤمنان از روزی که خدا آفریده
و رسول صلعم میفرماید حق تعالی جبرئیل را فرستاد بسوی بهشت که به بینید آنچه برای اهل آن ساخته
پس برگشت و گفت قسم بعزت تو که نمیشنود کسی خبر او مگر داخل آن میشود پس محفوف
و مقرون بمکاره گشته و حکم شد که برگرد بسوی آن چون برگشت گفت بعزت تو سوگند
که میترسم که احدی داخل آن نشود پس فرستاد بسوی جهنم گفت بعزت تو سوگند که داخل
ان نخواهد شد

ان نخواهد شد مگر که بشنود خبر او پس محفوف بشهوات و خواهشها گردید و امر شد که برگرد
بسوی آن چون دید گفت بعزت تو قسم که میترسم کسی نماند که داخل آن نشود و منقولست
که چون جهنم آفریده شد گریهای ملائکه از بیم بسیار مضطرب گردید پس چون بنی آدم مخلوق
شدند شدت و اضطراب ایشان زایل شد پس وای بر حال بنی آدم از آنچه غافل از برای او آفریده
شده خدا همه شیعیان را از خواب حسرت بیدار کند و توفیق نجات کرامت فرماید ببرکت محمد
و آله الطاهرین صلوات الله علیه و علیهم الی یوم الدین — در بیان آنچه بر جدول خامه سرشت
خامه جاری شود از رشحهٔ نکهتی از روایح طیبات لذات و بهجت مؤمنان و مثوبات اهل جنان
قال الرحمن وعد الله المؤمنین والمؤمنات جنات تجری من تحتها الانهار
خالدین فیها و مساکن طیبة فی جنات عدن و رضوان من الله اکبر ذالک
هو الفوز العظیم یعنی وعده فرموده خدای تعالی مردان مؤمن و زنان مؤمنه را به بهشتها
که از زیر آنها نهرها روانست همیشه در آنجا متنعمند و مسکنهای پاکیزه در بهشتهای عدن
و رضوان الهی که شامل حال مؤمنان خواهد شد بزرگتر از اینها است فوز و رستگاری عظیم که
لذتها و بهجتهای دیگر نظر باین حقیر است و الذین آمنوا و عملوا الصالحات لنبوئنهم من
الجنة غرفا تا آخر آیه آنها که ایمان و عمل صالح دارند البته جا دهیم ایشان را از بهشتها در
قصرهای بلند و غرفهای چند که جاری میشود از پای آنها نهرها همیشه در آنجا متنعمند بی زوال و ملال

مومن حال لکار کنندگان که صبر کنند بر مشقت عبادات و از معصیت الهی توکل نمایند بر پروردگار
خود و در حدیث معراج است که دیدم خازن بهشت را بر کرسی که کسی مثل او ندیده هفتاد هزار
ملک برابرش ایستاده هر کدام هفتاد هزار خادم پرسیدم از منازل امت خود گفت به تحقیق
که حق تعالی بهشت را ۳ قسمت نموده و ثلث از امت تست و یکی از سایر امتها پرسیدم از
کلیدهای محصور که پیش خود گفت چون یکی از امت تو تهلیل کنند بنا کنند خدا برای قصری از
نور برای او قفلی از نور و کلیدهای بمن سپرده شده تا روزی که از قبر درآید تسلیم او نمایم
ملایکه را دیدم که در بهشت بناها می سازند خشتی از طلا و خشتی از نقره گاه گاه دست میکشیدند
پرسیدم گفت تا مصالح برسد که قول مومنان است در دنیا سبحان الله و الحمد لله و لا اله
الا الله و الله اکبر تا میگوید بنا میکنیم چون ترک میکنند ما هم ترک کنیم و حوران برمن گذشتند
بر روی من تبسم نمودند گفت یا رسول الله امر کن امت خود را بمسواک و سجود و روزه و صدقه
و گریه که زینت میکنند بمسواک ما صفای دندان ما و به سجود جمال رخسار ما و به روزه مزه ما
و گریه این ما از خشیت الهی فرح و شادی ما و از نوایه منقول است که یا بن آدم چگونه
رغبت میکنید بدنیای فانی و نعیم زایل زندگی منقطع پس بدرستیکه نزد من است برای مطیعان
بهشتهای هشت گانه در هر بهشتی هفتاد هزار روضه از رضوان و در هر روضه هفتاد هزار
شهر از مروارید و مرجان و در هر شهری هفتاد هزار قصر از یاقوت و در هر قصری هفتاد هزار

خانه از زبرجد

خانه از زبرجد و در هر خانه هفتاد هزار حجره از طلا و در هر حجره هفتاد هزار صفه از نقره و در هر
صفه هفتاد هزار مائده و در هر مائده هفتاد هزار کاسه و در هر کاسه هفتاد هزار رنگ طعام و بر
دور هر صفه هفتاد هزار تخت از طلای احمر و بر هر تختی هفتاد هزار فراش از حریر و دیبا و
استبرق و در هر تختی هفتاد هزار نهر از آب حیوان و شیر و شراب و عسل میان هر نهر
هفتاد هزار رنگ میوه و درختان در هر حجره هفتاد هزار خیمه از عنبر و در هر خیمه هفتاد هزار
فرش و در هر فراشی حوری از حور العین برابرش هفتاد هزار کنیز و بر سر هر قصری هفتاد
هزار قبه از کافور و در هر قبه هفتاد هزار هدیه که چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بر خاطر هیچ
بشری نگذشته بجزای آنچه عمل کرده اند نه مرگ و نه پیری و نه مرضی و نه عیالی و نه آزاری و هر که
در میمیر پس هر که در کرامت و جوار رحمت من باشد پس باید بطلبید بصدق و گذاشتن
دنیا را بترک و در قرآن بعد از ذکر بعض مثوبات اهل جنان میفرماید لمثل هذا فلیعمل
العاملون اذالک خیر نزلا ام شجرة الزقوم یعنی برای خلق چنین فوز عظیم باید
عمل کنند عمل کنندگان آیا این بهتر است در جزا یا درخت زقوم که جهنم که محنت
و عقوبت ستمکاران است بعد از ذکر بعض حالات اهل جهنم میفرماید قل اذالک
خیر ام جنة الخلد التی وعد المتقون بگو یا محمد این بهتر است یا بهشت خلد که وعده
داده شده بپرهیزگاران که مزد عمل و محل بازگشت ایشان است برای ایشان در انجا مهیاست

آنچه مزد اهند همیشه این وعده ایست لازم الوفا بر ذمه پروردگار تو لکن الذین اتقوا
لهم غرف من فوقها غرف مبنیة تجری من تحتها الانهار وعد الله
لا یخلف المیعاد برای آنها که پرهیزند از مناهی مهیا شده در بهشت غرفها بالای
هم بسیار عالی و مستحکم از پای آنها نهرها جاری وعده خداست که خلاف نخواهد نمود
و بحدیث حضرت باقر ع در تفسیر این آیه از رسول صلعم میفرماید یا علی غرفها بنا شده برای
دوستان خدا بمروارید و یاقوت و زبرجد و سقفهای آنها از طلا و نقره مزین و منقش
و هر غرفه هزار در دارد از طلا و فرشهای عالی از حریر و دیبا ملون پر از عنبر و مشک و کافور
و بر هر دری ملکی دربانست پس چون مومنان را باین منازل درآرند تاج پادشاهی و کرامت
بر سر و حلهای مطرز بطلا و نقره مرصع بمروارید و یاقوت سرخ در بر و بر تخت خود نشینند
و تخت از شادی برخود ببالد پس رخصت طلبند ملک موکل بجا عنهای او که بتهنیت
آید خدمه از کنیزان و غلامان مومن گوید اوست خدا بر تخت خود تکیه فرموده و حور
مهیای ملاقات او شده صبر کن تا از شغل خود فارغ شود پس حوریه از خیمه درآمده
و بر تخت مومن خرامان و کنیزانش بدور او صف زنان و هفتاد حله مکلف بیاقوت
و مروارید و زبرجد در بر و رنگین بمشک و عنبر و تاج کرامت بر سر و نعلین طلا بند نعلش
از یاقوت سرخ در پا چون نزدیک دوست خدا رسد گوید امروز روز تعب تو نیست برخیز که حور برای

تو آمده ام

تو آمده ام و تو برای منی و چون بهم رسند معانقه کنند پانصد سال و نیابتی ملال آنگاه نظر کردن
حوریه و طوقی است که از یاقوت سرخ بر لوح و سطش نوشته تو آن دوست منی محبوب منی و من
محبوب توام شوق برای تو بنهایت رسیده و شوق تو برای من به نهایت رسیده پس حق تعالی هزار
ملک بفرستد که او را تهنیت بهشت گویند چون بدر اول بهشت برسند از ملک دربان رخصت طلبند
گوید باشید تا بحاجب بگویم که عرض کند مومن چون بنزد حاجب آید که سه حدیقه فاصله دارد گوید بر من
بسیار دشوار است که در اینحال رخصت طلبیم که با زوجه حوریه خلوت کرده و دو باغ میان حاجب و مومن
فاصله است پس حاجب آید نزد قیم و قیم نزد خادمه خاص آید چون ایشان بولی خدا عرض کنند
فرماید داخل شوند پس هر ملکی در یکی از هزار غرفه که بآن موکل است گشوده و قیم هر یک از ملائکه را
از دری در آورده و هر کدام رسالت پروردگار خود را برسانند و اشاره باینست قول خدا والملائکة
یدخلون علیهم من کل باب سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار و آنچه فرموده
و اذا رایت ثم رایت نعیما و ملکا کبیرا این نعیم و پادشاهی است که حق تعالی بدوست
خود کرامت فرموده که رسولان خدا بی اذن داخل نمیشوند بعد از بیان نهرها و میوها و سیر
مومنان باهم و فرمود هر مومنی را هفتاد کنیز داده بچار آدمیه سید هستند و گاه بر تخت خود تکیه داده
بالای نگر که ناگاه شعاع نوری دور را فرو میگیرد بخدمه گوید از کی بود این نور تا بآن گویند از حوریه
است که هنوز ملاقات نکرده از خیمه درآمده بسوی تو نظر کرد از شوق تو و غلبه محبت تو چون تا تو را

دید که بر تخت عزت تکیه فرموده از کثرت شوق و فرح تبسم نمود و ان شعاع از سفیدی و صفای
دندانهای او بود دوست گو بیدار را بشارت دهید که از منزل خود بیرون آید
چون دوست خدا این امر فرماید هزار غلام و هزار کنیز مبادرت و این بشارت را بحوریه رسانید
او از خیمه فرود آید بدست مشاطه الهی آراسته و بعضی حله مطرز بطلا و نقره مزین نموده
یاقوت و زبرجد ملون بمشک و عنبر بالوان مختلف پیراسته از لطافت بحدی باشد که مغز ساقش
از ته هفتاد حله نماید و قامتش هشتاد ذرع و دوشهایش ده ذرع باشد و چون نزدیک دوست
خدا رسد خادمان طبقهای جواهر نثار او پس دست در گردن یکدیگر در آورند و ملاقاتهای ایشان را
ملال حاصل نشود بعد از ذکر این حدیث حضرت باقر صلوات الله علیه فرمود که بهشتهاییکه حق
تعالی در قرآن فرموده جنة العدن و جنة الفردوس و جنة النعیم و جنة المأوی
در میان اینها بهشتهای دیگر هست و مؤمنین از بهشتها و باغستانها آنقدر میدهند که میخواهند
و در آنها متنعم گنند بهر نحو که خواهد و هرچه خواهد طلب کردنش همین که گوید سبحانک اللهم
که بخدمت مبادرت و آنچه خواهد بی طلب حاضر سازند چنانکه حق تعالی میفرماید دعویهم فیها
سبحانک اللهم و تحیتهم فیها سلام و فرمود تحیت خدام بر ایشان سلام است
و آخر دعویهم ان الحمد لله رب العالمین فرمود مراد اینست که بعد از حصول
لذت از آنچه خواستند از جماع و اکل و شرب بحمد الهی بجا آورند و فرمود که مان نیکو پروردگار

خود بدارید

خود بدارید که بهشت را صفت داده است عرض آن در برابر السموات والارض و حق تعالی در شان جمعی
که ایمان و عمل صالح دارند میفرماید اولئک لهم جزاء الضعف یعنی مزد ایشان نه همین
بقدر کار ایشان است بلکه مضاعف است بسبب عملی که کرده اند و ایشان در غرفهای جنان ایمنند
از هر هول و تعب ان المتقین فی ظلال و عیون تا آخر آیات یعنی که به تحقیق که پرهیز
کاران از معصیت الهی در سایهها و چشمهها و میوهای بهشت آنچه میل دارند متنعمند بخورید و بنوشید
گوارا بالسلامت بسبب عملهای خیر که در دنیا میکردید به تحقیق که ما نیکوکاران را چنین مزد میدهیم
انهم کانوا قبل ذلک محسنین تا آخر آیات یعنی بسی است عطا این نعمتها
بمتقیان زیرا که ایشان پیش از این در دنیا نیکوکار می بودند کم شبی بوده بتهجد و نماز شب
قیام نمینمودند و سحرها در وقت سحر استغفار مینمودند و در مالهای خود حقی برای سایل
و فقرا مقرر بود و بعد از ذکر شهوات دنیا که در نظر اهل تکلیف و متمنیان مزین شده میفرماید
قل أؤنبئکم بخیر من ذالک بگو یا محمد آیا خبر کنیم شما را به بهتر از این از برای پرهیزکاران
نزد پروردگار ایشان مهیا است بهشتها که نهرها از پای درختهای وی جاریست همیشه در آنها
متنعم و متعیشند و زنانی چند که پاکیزه اند از بدی و کناهی و رضوان از جانب الهی که از همه
لذتها و کرامتها بالاتر و بزرگتر است و حق تعالی بیناست به بندگان خود میدارند عمل و مزد
عمل هر کسی را آنها که طلب آمرزش و خلاصی از دوزخ مینمایند یا صبر و صدق و دعا و تصدیق

والستغفار در سحر متکئین علی سرر مصفوفة و زوجناهم بحور العین
تکیه زده بهشتند بر مسندها و کرسیهای بهشت که مقابل و پهلوی هم چیده و تزویج کنیم ایشان را
با حوران خوش چشم بهشت یطاف علیهم بصحاف من ذهب و مؤمنان گردند غلامان و خدمت
کاران جنان با کاسهای طلا و کوزهای در آنها است از نعمتها آنچه خاطر ایشان میل نماید و هرچه
دیده ایشان از آن لذت یابد همیشه لا یذوقون فیها الموت هرگز الم مرگ دیگر نچشند
و محفوظ باشند از عذاب دوزخ که گناه کاران غافل از برای خود مهیا کرده اند و اینها
برای مؤمنان از جانب مؤمنان یا محمد احسان فرا و اینست فوز کرامت عظیم
پس ما آسان کردیم قرآن را بزبان تو که شاید مردم از غفلت متنبه شوند و در این اوقات
قلیله فرصت که بناگاه البته فوت خواهد شد هر کس آنچه خواسته اند از راحت و لذات نعیم
ابدی یا حسرت و عقوبات جحیم اسباب همه از برای خود مهیا کرده اند و خود را وارد همانچه
پیش فرستاده بیابند ان للمتقین عند ربهم جنات النعیم افنجعل
المسلمین کالمجرمین ما لکم کیف تحکمون یعنی به تحقیق برای پرهیزکاران
نزد پروردگار خود که برای او پرهیزکاری و اطاعت نموده اند بهشتهای پر نعمت و لذت
و راحت و عشرت مهیا است آیا هرگاه چنین ثواب با ایشان بدهیم بسلامتی شما مثل گناهکاران
خواهیم کرد چیست شما را چگونه حکم میکنید و همین کلام در خوف و رجا تمام است افمن کان

مومنا

مومنا کمن کان فاسقا لا یستوون تا آخر آیه یعنی آیا پس کسی که مؤمن شد مثل کسیست
که فاسق و از اطاعت خارج باشد مساوی نخواهند شد اما آنها که ایمان و عمل صالح دارند
پس برای ایشان است بهشتهای بادی عطیه و هدیه به سبب عملی که در میان دنیا میکردند و اما
آنها که فاسق بودند پس مأوی و محل بازگشت ایشان آتش دوزخ است هربار که خواهند بیرون
آیند از جهنم باز ایشان را برگردانند و بعد از مذمت عیب و نیز دنیا چون شکوفه دو روزه دنیا
که خانه فریب و موجب عذاب شدید است میفرماید سابقوا الی مغفرة من ربکم و
جنة عرضها کعرض السماء و الارض اعدت للذین امنوا یعنی بشتابید
تا فرصت دارید مثل شتاب جمعی که بکرو بیکدیگر بهم کرند بتعجیل و توبه و تدارک که بسوی
مغفرت پروردگار خود بهشتی که عرض وسیع و فضای فسیح مثل عرض و وسعت آسمان
و زمین است حاضر و مهیا شده برای مؤمنان جنات علی النبی و علی الحسن یعنی هر که
توبه و تدارک گناهان گذشته نماید داخل شود به بهشتهای عدن که وعده فرموده خدای
بسیار مهربان بندگان خود را غایبانه به تحقیق که وعده الهی آمدنیست نمی شنوند در آنجا
سخن لغوی بلکه سلام از جانب هم و از ملائکه کرام از جانب صاحب جلال و اکرام و این
بهشتیست که عطا خواهیم فرمود کسی را از عقب بندگان خود که پرهیزگار باشند از معصیت
و من یؤمن بالله و یعمل صالحا یکفر عنهم سیئاته و یدخله جنات هر که ایمان

و عمل صالح دارد می‌آمرزد خدا گناهان او را و داخل میکند او را به بهشت پس بعد از آن بار اشجار
و عمارات آنها نهرها روان است همیشه متنعمند در آنجا ابرار و حضرت امیر المؤمنین عم در حال
مؤمنان گناهکار که غفار او را بتوبه و غیره آمرزیده باشد میفرماید که چون داخل بهشت
شود بدرختی رسد صاحب سایه و آب و انهار روان و میوه‌های فراوان و از ساق آن دو چشمه
در جریان پس در یکی غسل کند که حسن نضارت بهشت در او ظاهر شود چنانکه میفرماید
تعرف فی وجوههم نضرة النعیم و از دیگری جرعه بنوشد که از جمیع پلیدیها و کثافات
و کدورات پاک شود چنانکه فرموده و سقاهم ربهم شرابا طهورا پس ملائکه با
استقبال او شتافته گویند خوش آمدی داخل بهشت شو بخیر آمد در خیابانی که از دو طرف
صف کشیده که شاخهای بزرگ آنها از در و مروارید تر و فروغ آنها حلتها و زیورها باشد و میوه‌های آنها
مانند پستان دختران بکر پس لبن نافه‌ها و اسبهای نور و زیورهای بهشت باستقبال
او شتافته گویند ای دوست خدا بهر یک که خواهی سوار شو و هر حله خواهی بپوش و بهر
سو خواهی بتاز پس با زینت تمام سوار شده در سرای نور بخرامد و از هر جانب ملائکه و
خدم از نور باشند و نور او چندان در بهشت ساطع شود که ملائکه متحیر شده باهم گویند
آمد مهمان خدای حلیم غفور پس چون بقصر اول خود رسد که از نقره باشد با کنگرهای
مروارید و یاقوت و زنانش از حور از آن قصر مشرف شده مرحبا گویند و چون خواهد
دران قصر نزول

دران قصر نزول نماید ملائکه گویند سیر نما که قصرهای هم برای تو مهیا شده پس چون بقصر
دیگر رسد که از طلا باشد مکلل بمروارید زنانش از غرفهای قصر جلوه نموده او را بمیعاد تکلیف
نزول نمایند چون اراده نزول نماید ملائکه گویند ای ولی خدا سیر نما که دیگر قصرها برای تو مهیا است
پس بگذرد بقصری که اصلش از یاقوت سرخ باشد مکلل بمروارید و الوان چون خواهد نزول
اجلال نماید ملائکه گذرانند او را تا بهر قصری که از صفا و لطافت اندرون آنها از بیرون نماید در
جمیع قصور بیک چشم زدن برده فرماید در آخر قصری سر بزیر افکند ملائکه گویند چه میشود تو را گوید
از نور و فر نور و ضیاء حور و قصور برد دیده ام از قصور متحیرم گویند ای دوست خدا در بهشت کور
دیگر نمیباشند پس بقصری رسد که از بیرون باندرون آن نمایان باشد خشتی از طلا و خشتی از نقره
خشتی از مروارید و خشتی از یاقوت و میان خشتها مشک و کنگرهای نور درخشان و بهر جانب که نظر
نماید عکس خود را در دیوار ببیند پس فرمود که روزی ام سلمه از رسول خدا صلعم پرسید که آیا زنان
دنیا زینتی و امتیازی بر حور خواهند داشت فرمود بلی بسبب ادای نماز و روزه و عبادات که بر شما
ظاهر خواهد شد مانند فضیلت ابره بر آستر و بحدیث نبوی آخر کسیکه از اهل نجات که از صراط
میگذرد بکشیدن دست و پا و رسیدن بآن و رسیدن بعضی آتش خدا روی او را بسوی
آتش میگرداند از آنجا از اظهار رضا گوید چه بسیار حیف است خدای که مرا از تو نجات داد
بعد از ملک بسیار گوید پروردگارا روی مرا از دوزخ بگردان که بوی آن مرا آزار کرد

و دود آن مرا سوخت فرماید آیا بعد از آن سؤال دیگر خواهی کرد گوید نه پس از عهد روی او را
از آتش بر تابد آنگاه بر درختی بر درگاه بهشت نظر نموده گوید مرا بسایه آن برسان فرماید عهد کرده
گوید پروردگارا نخواهم طلبید غیر این پس بعد از پیمانها با آنجا که رسد آرام گرفته ببیند بهشت را شوقش
غلبه نموده سؤال دخول کند خدا فرماید چه بسیار عهد داری قسم یاد کند که دیگر سؤال نمیکنم چون
داخل بهشت شود ساکت شود خدا فرماید چرا نمیطلبی گوید شرم میکنم ای پروردگار فرماید آرزو
مینوی بخواه از اول دنیا تا فنا آفریدیم با مثل آن و بروایت ده مثل آن گوید آیا بمن سخریه
میفرمائی تو پروردگار عالمیان پس آنحضرت تبسم فرمود که حق تعالی فرماید نه ولیکن میتوانم
بمطلب تا عطا کنم بتو آنقدر که اگر ده برابر دنیا اهل گرد آید دستشان همه را طعام و شربت و خلعت
و البسه و کسوت عطا کنی از ملک من هیچ کم نشود پس گوید این چیست پس چگونه است
آنچه عطا فرموده باول کسی که داخل بهشت نموده فرماید هیهات نمیداند قدر آنرا کسی و بصحیح
ابو بصیر گوید عرض کردم بحضرت صادق عم که از اوصاف بهشت بفرما که مرا مشتاق
کرده فرمود که ای ابا محمد به تحقیق که بوی بهشت از هزار ساله راه می‌شنوند و پست‌ترین
اهل بهشت آنقدر میدهند که اگر جمیع جن و انس بمنزل او آیند و غذا تناول نمایند همه را
کافی باشد و چیزی از او کم نشود و سهل‌ترین اهل بهشت چون داخل بهشت شود
سه باغ ببیند چون داخل پستر شود زنان و خدمتکاران و انهار و اشجار آنقدر مشاهده
کند که خدا

کند که خدا خواهد بعد از شکر الهی گویند با و ببالا نظر کن و در آنجا کرامتی چند مشاهده
کند که در باغ اول ندیده گوید پروردگارا این را نیز بمن کرامت فرما خطاب رسد که شاید
غیر آنرا بطلبی گوید نه همین مرا کافیست بهتر از این نمیباشد چون بآن حدیقه در آید سرور
و شادی او عظیم شود شکر الهی بجا آورد آنگاه خطاب رسد که در جنت را بر روی او بکن بیند
و چون اضعاف آنچه دیده بود مشاهده نماید فرح و خوشحالی‌اش زیاده گردد گوید پروردگارا تو راست حمدی
که احصا نتوان کرد که منت نهادی بر من به بهشتها و نجات از آتش ابو بصیر گفت این
بنا را چون شنیدم گریستم و گفتم فدای تو گردم زیاده کن شوق مرا فرمود نهری است در
بهشت که در دو طرف آن جانبهای کنیزان روئیده چون مؤمنی یکی از آنها بگذرد خوش آید او را
از زمین بکند و حق تعالی عوض او بر رویاند گفتم فدای تو شوم دیگر بفرما فرمود مؤمن
را در بهشت هشتصد باکره و چهار هزار ثیبه و دو حور العین کرامت کنند که از تربیت
نورانی بهشت مخلوق شده و مغز قلمشان از زیر هفتاد حله نمایانست و جگر مؤمن آینه حور العین
است و جگر این آینه او آیا حور العین را تکلمی هست فرمود بلی سخنی که هرگز خلایق بآن
خوشی سخن نشنیده اند گفت سخن ایشان چیست فرمود میگویند مائیم خالدات که هرگز
نمیریم و مائیم متنعم کنندگان و شادمان که هرگز باندوه بنالیم و مائیم در خلد نعیم بوستر مقیم
که هرگز بیرون نرویم و مائیم همیشه شاد و خوشنود که بهیچ حال بخشم و قهر هرگز نرویم خوشحال

که برای ما خلق شده و ما برای او مخلوق شده ایم که یکتار زلف ما را بمیان انگشتان اکبر ما
ویزند نور را اندیدیم را احرمه نماید ودر صحیح فرموده در تفسیر آیه فیهن خیرات حسان
ایشان زنان عارفه شیعه اند که در بهشت بمؤمنان تزویج میکنند ودر آیه حور مقصورات
فرموده مراد حوران بهشتند با کمال سفیدی ولکر ایک در خیمهای در و یاقوت و مرجان نشسته
اند هر خیمه را چهار در و هر دری را هفتاد هزار باکره رسیده در یا بند و هر روز از خدا کرامتی
میرسد برای بشارت مؤمنان این را بشتر خلق نمانید نموده ودر صحیح فرموده که به تحقیق
که حق تعالی در بهشت برای بندگان مؤمن خود در هر جمعه کرامتی مقرر فرموده چون روز
جمعه شود ملکی نزد مؤمن میفرستد با دو حله چون بدر بهشت المؤمن میرسد بدربان میگوید
از مؤمن رخصت بطلبید چون خبر بمؤمن رسد بزبان خود گوید مرا چه باید کرد گویند السیدی
بالجزای که بهشت را بتصرف تو داده کرامتی برای این بیت که پروردگار رسول نزد تو
فرستاده و انگاه ملک در آید و مؤمن یکی از آن دو حله را بر کمر بسته و دیگری را بدوش افکنده
و با ملک روان شود و بر هر چیز که بگذرد از نور او روشن شود و بیاید بوعده گاه رحمت
با کرامت پس چون همه مؤمنان مجتمع شوند حق تعالی نوری از انوار جلال و معرفت
خود بر ایشان تجلی فرماید پس بسجده در آیند خطاب رسد که ای بندگان من سر بردارید
که امروز روز سجده و عبادات نیست خلقت و تکلیف عبادت اطاعت از شما بر داشتیم
گویند الهی

گویند ای پروردگار ما چه چیز از این بهتر میباشد که با کرامت کرده بهشت را بما عطا فرموده فرماید عطا کردم
بشما هفتاد برابر آنچه حالا دارید از جمیع نعمتها و تمامی کرامتها پس در هر جمعه مؤمن بر میگردد
با هفتاد مقابل آنچه پیش داشته اینست قول خدا و لدینا مزید یعنی و نزد ما زیادتیها هست
از رحمت و کرامتها پس جمعه روز مزید است روز جمعه است و شبش در روزش بسیار نور را
پس در این شب و روز از ذکر خدا و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بعمل آورید پس چون مؤمن
از وعده گاه بر میگردد بر هر چیز که بگذرد از نور خود روشن میگرداند تا نزد زنان خود که
میرسند گویند ای آقای بحق آن خداوندی که بهشت را بما مباح فرموده که نور الحسن و جمال
امروز زیاده گوید از تجلی نور و جلال پروردگار خود نور و بها یافته ایم و زنان بهشت را
از شک و حیض و بد خوئی نمیباشد او پرسید که در بهشت غنا میباشد فرمود به تحقیق
که در بهشت درختیست که با مر خدا بادها آنها را بحرکت و ترنم می آورد و نغمه چند از و ناشی میشود
که هرگز خلایق بان خوبی نشنیده اند و آن جزای کسیست که در دنیا ترک غنا از خوف
خدا کرده باشد او گفت فدای تو گردم دیگر بفرما فرمود حق تعالی بهشتی پیدا کرده
بدست خود و هیچ مخلوقی بران مطلع نشده و هر صبح آنرا گشوده فرماید نسیم و بوی خوش
خود را با اهل بهشت زیاده فرست اینست قول خدا فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قرة
العین جزاء بما کانوا یعملون که در ثواب نماز شب میفرماید که هیچکس نمیداند آنچه برای

مهتجر این مخفی و مهیا شده و از آن چیزها که موجب روشنی چشم ایشان خواهد شد بمزد عملهای
ایشان که در دنیا میکردند و در صحیح فرموده طوبی درختیست در خانه امیر المؤمنین علیه السلام که شاخ
آن امتی را السلیه افکنده و در خانه هر شیعه شاخ از آن هست و بحدیث امیر المؤمنین علیه السلام که هر
هر چیز که بخاطرش در آید آن شاخ حاضر میسازد و صد سال سوار شد تا از سایه آن نتواند در
رفت و کلاغ بلند پرواز بالای آن نرسد پس جهد کنید در کسب چنین سعادت و سعی نمایید
در تحصیل این چنین کرامتی و فرموده در بهشت درختی هست که از بالای آن حلهها بیرون
و از پائینش اسبان ابلق زین و لجام کرده بیرون میآید که بالها دارند و سرگین و بول ندارند
پس دوستان خدا را بر داشته پرواز کنند هر جا که ایشان خواهند پس آنها که در مرتبه
پست‌ترند گویند پروردگارا بچه این مرتبه چنین کرامتی رسانیده فرماید ایشان شبها بر میخواستند
بعبادت و بسیار هیچ ایشان روزه میداشتند و روز که چیز هیچ خوردند و تنها میکردند
و میترسیدند و تصدق میکردند و بخل نمیورزیدند و باجا ایشان شیوه ساق هر درخت از طلا است
و اهل بهشت را بول و غایط نمیباشد بلکه واقع میشود بعرقی خوشبوتر از مشک و اهل
بهشت را هر روز حسن و جمال و وصف و طراوت زیاده میشود چنانکه اهل دنیا هر روز بروز
پیری و قباحت منظر و فرموده پست‌ترین اهل بهشت را هشتاد هزار خادم و نود و دو مرتبه از
مراتب عالیه بهشت مقرر سازند و بروایتی هر مؤمنی از پنج برابر مملکت عطا شود دنیا
ادم الغنی

ادم شصت گز و حسن علیه السلام عیسی و سی و سه سال حسن یوسف پس نور رویشان زیاده و بلند میشود و صوت
داود و خلق محمد و زبان او و بروایت دیگر حلم ابراهیم و دل سالم و صفا ایوب پس در مسند کرامت
تکیه کرده باشند با حوریه که نوری از بالا بر او تابید و ندا بشنوند که ای دوست خدا آیا بما میرسد دولت
وصال تو گوید تو کیستی گوید از زنان تو انگاه حرکت میکنند از زوجه بزوجه دیگر که وعده داده
انهارا غیر از خدا اند اند بعد از آن هفتصد مائده پیش او نهاده شود در هر یکی هفتصد طبق
در هر طشتی هفتصد کاسه بهر طالبی صد هزار رنگ طعام که از هر لقمه هزار لذت یابد و خادم
در برابر با قدحهای طلا و آنچه اشتها و خواهش دارد مرغی را اهل بهشت خواهش میکنند
فورا پیش خود حاضر بلند بریان پس چون دست کشند پرواز کنند چهل سال بر او تکیه
نشیند و مشغول اکل مرغ و چون بیکجام آن آشامد همه هضم شود و جام چون خالی شود از نه
بر شود و آید رسول خدا العالمیان برای تهنیت او و از هفتاد حاجب گذشته بر او سلام کنند و گوید
سلام و پیام رساند که خانه شناخت و پروردگار همه را بشارت بخورید بخیب و بنوشید بی
قباب انگاه طبقی از نور پیش او نهند چون سرپوش او را بردارند آب زلالی بیند که بر آید
نزدان حوریه نقاب داری که وصف حسنش نتوان کرد بجا ارادۀ کشف نقاب او نماید
گوید اول نامه پروردگار را بخوان انگاه روی مرا باز کن در عنوان نامه نوشته باشد که از
جانب پادشاهی عزیزی که ملکش زوال و ذلت ندارد بسوی پادشاهی که ملکش زوال

و ذلت ندارد چون مُهر نامه را بر دارد با نواع تلطف نوشته باشد که از لذات حور و قصور
سوی بارگاه من آی که بدرستی من مشتاق لقای تو ام پس از ان اعراض نموده متوجه
گردد به بارگاه جلال و لذات تجلی نور ذات ذوالجلال و استماع سلام و کلام ذوالجلال والاکرام
که از وصف دار السلام آن زبان تحریر و تقریر قاصر است و بحدیثی چون اهل بهشت در منازل
خود قرار گیرند روز شنبه ندا شود بدعوت اهل بهشت بضیافت حضرت آدم در جنة
الخلد پس یکشنبه بضیافت نوح در جنة النعیم و دوشنبه بضیافت ابراهیم در جنة
الماوی و سه شنبه بضیافت موسی در دار السلام و چهارشنبه بضیافت عیسی در جنة العدن
آنگاه ندا کنند روز پنجشنبه بوعده اهل سعادت بسوی ضیافت سید انبیاء صلعم در ظل سدرة
المنتهی جبرئیل و میکائیل خدمت نمایند در قبه آنحضرت که از یکدانه مروارید است
و هزار در دارد و وسعت هر دری پانصد سال و بروایتی در سر مائده سیصد هزار سال
مینوشند از شربت مختوم که در مهر آن نوشته باشد اینست شراب طاهر از پروردگار طاهر
بسوی بنده طاهر و بروایت اولی چون اراده رجوع از ضیافت رسول صلعم نمایند ندا رسد
از جانب رب العزت که فردا در دنیا جمعه عید مؤمنان بوعده روز مزید است
حاضر شوند در دار الجلال بوعده گاه و مت هدی تجلی نور جمال و حدیث طول دارد در ضیافت
الهی انواع لذتها یابند از اکل و شرب ده قسم که اسم آنها در قرآن مذکور است

و از اقسام

و از اقسام تفکه و تفنن که کهان جنان لذتها می یابند پس خلعتها پوشند هر کدام هفتاد
نوع و بروایتی درختی جنبانند از اوراق آن هفتاد حله موافق پوشند آنگاه ابر رحمت
طیبها بر ایشان بارد و بروایت ابن عباس از رسول صلعم مروی است هزار سال دنیاست
پس شاد و چاشت میکنند سیصد سال دیگر در باغهای جنان به تفنن و تفکه اشتغال
نمایند و صد سال آخر روز متوجه زیارت جلوه گاه و محل بارگاه قرب جناب اقدس اله نمایند و همچنان
ابد الابدین مؤلف گوید که اینها شمه ایست از نعیم مثوبات الهی که برای تو مهیا نموده اگر طاعت
او نمائی پس ای عزیز صاحب تمیز نظر کن که لذت پر محنت و عشرت پر مشقت ده روزه
فانی آیا قابل اینست که برای او خود را از فوز چنین سعادت عظمی محروم و بچنان شقاوت و
گرفتار گردانی یا بهشت ابدی و جوار رحمت ایزدی و رضوان و تقرب بارگاه الهی
و نجات از دوزخ و حسرت سرمدی [illegible] قدر و حقیر است که برای فوز با نها از نوش پر نیش
بجز وره گذشتن نتوانی و مجرم بدانکه چنانکه بدون گذشتن ازین میسر نیست که با آن
برسی همچنین با وجود گذشتن ازین محالست که با آن رسی و هیچ درجه از مراتب عالیه جنان
نمیابی شد که جواد مطلق تعالی شانه راهها متعدد و اضح آسان آنرا بتو نموده
با شکروه نشده از شدائد عقبی که بر راهها نجات از آن تو را دلالت و هدایت فرموده است
چنانکه در عیون سابقه مذکور رسید پس با آرزو و بی حاصل عمر خود را که سرمایه کسب سعادت ابد

ضایع و باطل مگردان و براهها غرور و تلبیس [illegible] ابلیس بر دود در ای ریب و فریب بر
بروی دل خود مگشا و یقین بدانکه هر منزلی را راهیست و راه بهشت منحصر است در طریق
الطاعت که عبارت از تحصیل معرفت و عبادات الهی است پس راه چپ پیمودن و متوقع
وصول بمنزل راست بودن خود را المستهزء المنون دانسته و کار نکرده و طمع مزد داشتن تخم سفاهت
در شوره زار خام طمعی و ملامت کاشتن و روش آن آیت پس [illegible] که یا موسی چه بسیار
کم است شرم و حیای کسی که طمع میدارد بهشت را بی عمل چگونه جود و عطا خواهم فرمود
کسی که بخل میورزد در اطاعت من آیا نشنیده که آدم عم بیک نافرمانی از بهشت بیرون شد
پنداری با وجود چندین نافرمانی و عدم توبه و پشیمانی به بهشت خواهی رفت و در قرآن میفرماید
ایطمع کل امرء منهم ان یدخل جنة نعیم کلا انا خلقناهم مما یعلمون یعنی آیا
طمع میدارد کسی که او را داخل بهشت خواهند نمود نه چنین است به تحقیق که ما آفریدیم
ایشان را از چیزی که خود میدانند یعنی آب کثیف ناپاک که اهل بهشت و لیاقت محل پاکان
ندارد مگر به تحصیل پاکیزگی ایمان بمعرفت و عبادات و تکمیل و تهذیب اخلاق مقدسی
بصبر و بر ریاضت به تجرد و ناپاک تر کردن آن بمی لعنت و کثافات رذایلم و معصیت و میفرماید
ام حسبتم ان تدخلوا الجنة تا آخر آیه یعنی آیا پندارید که داخل بهشت خواهید شد بی
مجاهده و ریاضت و بدون صبر از معصیت و بر طاعت و میفرماید تلک الجنة نورث من

عبادنا

عبادنا من کان تقیا یعنی این بهشتی است که از بندگان خود بکسی خواهم داد که پرهیز
کار باشد و بهمین معنی میفرماید ذلک لمن خشی ربه و میفرماید تلک الدار الاخرة
نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض و لا فسادا و العاقبة
للمتقین و میفرماید ذلک الذی یبشر الله عباده الذین امنوا و
عملوا الصالحات و میفرماید هذا ما توعدون لکل اواب حفیظ من
خشی الرحمن بالغیب تا آخر آیات یعنی این بهشتی که برای شما وصف و وعده میفر
مایم برای هر کس که توبه و رجوع بسوی خدا بسیار نماید و رعایت و حفظ حدود و احکام الهی کند
و ترس خدا غایبانه داشته و دل با انابه به بارگاه الهی آرد داخل بهشت شوید با جماعه
با این صفات با سلامتی از آفات با سلام از جانب الهی ایمنی و راحت ابدی و لذات
سرمدی شما برای ایشان مهیاست در بهشت آنچه خواهند نزد ماست از نعمتها و کرامتها
زیاده بر آنها آنکه است که بوصف در نیاید و میفرماید تلک الجنة التی اورثتموها
بما کنتم تعملون یعنی این بهشتیست که عطا شد بشما بسبب اعمالی که در دنیا میکردید
میفرماید کلوا واشربوا هنیئا بما کنتم تعملون هنیئا بما اسلفتم فی الایام
الخالیة بخورید و بنوشید گوارا باد شما را بسبب لذتهای بهشت آنچه بعمل می آوردید
گوارا باد شما را نعمتهای بهشت بسبب اعمال صالحه که پیش فرستاده بودید در ایام گذشته

ويكر ميفرمايد جزاء بما كنتم تعملون جزاء بما كانوا يعملون وميفرمايد ان المتقين
في جنات وعيون ان المتقين في ظلال وعيون ان المتقين في جنات
ونهر ان المتقين في جنات ونعيم ان المتقين عند ربهم جنات النعيم كه
همه جا از اهل بهشت تعبير بوصف عنوانی پرهيزكار فرموده ودر همان آيات سابقه هم كه اوصاف
بهشت را شنيدی وديدی كه درهمه جا بهشت را باز اهل تقوی وطاعت وعده فرموده وتعبير
مزد عمل وعبادات مقرر نموده هرگز يكجا نفرموده كه مفت بهشت را بكسی خواهيم داد تا تو هم گمان
كنی شايد كه عين همه بدها ملكه براين تصريح باختصار وقطع حجت وطمع خام جاهلان مغرور هست
مكرر بتكرار ميفرمايد ما تجزون الا ما كنتم تعملون هل تجزون الا ما كنتم
تعملون لا تجزون الا ما كنتم تعملون جزا داده نخواهيد شد مگر همان عملی را كه ميكرديد
نه خوب مزد عمل بد را خواهيد گرفت ونه بد مزد كار خير خواهيد يافت افنجعل المسلمين
كالمجرمين ام نجعل المتقين كالفجار آيا هر گاه چنين كنيم يعنی آنها را كه تسليم واطاعت
امر الهی ميكنند مانند گناهكاران خواهيم كرد چنانكه مكرر گذشت ودر خصوص گناهكاران
ميفرمايد فلا يجزی الذين عملوا السيئات الا ما كانوا يعملون مزد نخواهيد
يافت آنها كه عملهای بد نموده اند مگر موافق همان كاری كه ميكرده اند وميفرمايد ليس
بامانيكم ولا امانی اهل الكتاب من يعمل سوءا يجز به يعنی كار بهشت بآرزوی
شما واهل كتاب

شما واهل كتاب نيست هر كه كار بدی نمايد جزاء بد يابد ودر تفسير واقع شده كه اين آيه وقتی نازل
شد كه مسلمانان فخر ميكردند كه ما اولاتيم به بهشت كه امت خاتم انبيائيم واهل كتاب كه خود را
سابقان اولاد پيغمبران ميدانستند ميگفتند غير ما داخل بهشت نخواهد شد واسمعيل
بن [illegible] از پدرش حضرت صادق عم كه حال كيست كه كار ان از ما يعنی اهل بيت رسالت چگونه است
حضرت همين آيه را خواند ورسول خدا صلعم در مرض موت بدوش امير المؤمنين صلوات الله
وفضل تكيه فرموده بزحمت وتعب شديد بر منبر بالا رفت وبر سر مبارکش از شدت وضعف
آزار عصابه بسته بود پس فرمود ايها الناس نزديك شده كه از ميان شما بروم هر كه را
وعده وديني بر من باشد خبر كنيد اي گروه مردم به تحقيق كه نيست ميانه خدا و كسی
وسيله كه بسبب آن خيری رساند يا شری بر گرداند اطاعت طلب خوشنودی از حق تعالی
شانه ايها الناس دعوی نكنند دعوی كنندهٔ كه من بی عمل رستگار ميشوم وآرزو
نكنند آرزو كنندهٔ كه بدون اطاعت الهی برضای او ميرسم بحق الخدا [illegible] كه مرا بحق فر
ستاده كه نجات نخواهد داد از عذاب الهی مگر عمل نيكو با رحمت خدا واگر من معصيت
خدا كنم البته بجهنم ميروم وفرموده ديده ام مانند آتش دوزخ كه راهب گريزان از ان
در خواب غفلت باشد ونه مثل بهشت كه طالب وهوا خواهان آن در خواب غفلت
ملفوف كه نهايت سعی وجد وجهد كه مقدور باشد ونجات از ان فوز باين در اين جو

روز مهلت بعمل نيارد وحال آنكه داند كه فرصت وقدرت آنكه برای همين باو داده اند البته
دفعة بناگاه او فوت خواهد شد واز زاد عمه سجاد ديگر رست فاذ جونی محمد صن المنی لمنا
نيل المتقين بما يسخط من العمل يعنی منع كن مرا از آرزوهای پرهيزكاران
بی عملی كه تو را نا خوش ميآيد وحضرت صادق عم از حضرت عيسی عم ذكر فرموده كه برای
دنيا كار ميكنيد كه بی عمل جدا روزی داده شده ايد وبرای آخرت كار نميكنيد كه بدون
عمل جز ان عطا كرده نخواهيد شد از عالم كسيكه خيمه دارد واز خيمه واز رو شد ظلمت
ميماند واز امير المؤمنين عم شخصی موعظه طلبيد فرمود لا تكن ممن يرجو الجنة
بغير عمل ويؤخر التوبة بطول الامل يعنی مباش از جمله كسانی كه آرزوی بهشت ميدارد
بی عمل وتاخير توبه وتدارك خود مينمايد از برای طول امل ديگری مواعظ خوا است فرمود ان
الابرار لفی نعيم وان الفجار لفی جحيم وفرمود كه بسيار نزديك است راحت ودراز آخر
باقی از تعب چند روزه دنيای فانی وسهل تعب است كه بعد از ان بهشت باشد وچه راحتيست
كه بعد از ان آتش جهنم باشد ودر حديث نبوی صلعم خواهند آورد منعم ترين اهل دنيا از اهل
دوزخ ودر آتش فرو برند يكمرتبه بر دارند آنگاه گويند ای پسر آدم آيا هرگز چيزی راحتی در دنيا
بتو رسيده گويد نه بخدا سوگند مرا اگر بدبخت ترين اهل دنيا را از اهل بهشت ومیبرند
در نعيم يكدفعه ومیپرسند آيا هيچ بدبختی وشدتی بتو گذشته گويد نه بخدا سوگند
پروردگار

پروردگارم واز توريت منقولست كه ای فرزند آدم هر گاه داخل دوزخ شوند ملوك بسبب جور
وعرب بتعصب وعلما بحسد وفقرا بدوزخ دهقانان وتجار بخيانت وزارع بجهالت وعبادا بريا واغنيا بكبر پس
كو طالب بهشت ای پسر آدم منم مالك وپادشاهی كه هرگز زوال ندارم عمل واطاعت كن
بفرموده من تا بگردانم تو را زنده كه هرگز مرگ نداشته باشد ودر قرآن بعد از اوصاف بهشت ميفرمايد
وفی ذلك فليتنافس المتنافسون يعنی در چنين نعمتها ولذت ها احق بايد
رغبت نمايند رغبت كنندگان يعنی عمل وعبادتی كه باعث فوز اين سعادت عظمی گردد
بجا آورند والا هر خام طمع تمنا دارد راحت مفت ابدی ميل ورغبت بسيار ميدارد چه احتياج
بترغيب الهی است پس هر كه اسباب بهشت ابرار خود مهيا نكند گويا رغبت بآن
نكرده ونه بجهان جهنم هر كه از اسباب آن احتراز وپرهيز نكند گويا از ان ترس بلكه اعتقاد
بآن ندارد وحق تعالی ذكر ميفرمايد از زبان اهل جهنم كه در جواب ملائكه كه ميپرسند آيا پيغمبر
بقرآن وحكمت وموعظه الهی شما را از امروز نترسانيد خواهند گفت لو كنا نسمع او
نعقل ما كنا فی اصحاب السعير يعنی هر گاه ميشنيديم وميفهميديم در ميان اهل
جهنم نميبوديم وحال آنكه البته شنيده وفهميده بودند اما چون مقتضای شنيدن
وفهميدن را بعمل نياوردند گويا نشنيدند ونفهميدند واز اينجا نزد عارف جازم احتمال
كلی ميدهد كه بسياری از شنوايد اهوال وعقوبات اهل جهنم كه در قرآن برای اهل ايمان وبی



اعتقاد و مکذب و اقعند و ما بهمان جهت سابق ذکر نکردیم نسبت باهل دنیا و اهل غفلت از
مسلمین اهم عموم داشته باشد عیاذاً بالله الرحیم و از آیات و احادیث پس ظاهر میشود
که کسی که مقتضای امور آخرت را بعمل نیاورد گویا اعتقاد باینها ندارد و در عیان
اول بعض آنها گذشت و امیر المؤمنین ع میفرماید کسی که یقین میدارد بمفارقت
احباب و ساکن شدن زیر تراب و ایستاده شدن برابر رب الارباب در مقام حساب و باحتیاج
خود آنچه پیش فرستاده باشد و یأس و انقطاع دست خود از آنچه و اگذاشته باشد از میراث
و ترکه خود باید کوتاه کند آرزوی خود را که فریب دنیا و شیطان را نخورده و عمل صالح بسیار
بجا آرد که تدارک سفر آخرت باشد و فرمود نیست میان اشما و بهشت یا دوزخ مگر مرگ
و در حدیث طولانی بعد از اوصاف بهشت میگوید خوش حال کسی که ایمان آرد باینها
راوی گفت بخدا که من از جمله مؤمنانم باینها بلال گفت وای بر تو بدرستی که ایمان آورد
و تصدیق نماید باینها آنچه و تعلق سزاوار تصدیق است رغبت نمیکنند بدنیا و خواهش نمینماید
زینت دنیا را و اختیار میکنند باقی را بر فانی و حساب نفس خود را میکنند آنگاه گریست و بلال
نعره زد که ما بنده ایشانیم که هلاک شد بعد از آن گفت طلب نجات کنید برای خود طلب نجات
کنید برای خود تعجیل نمائید تعجیل نمائید عمل باید عمل باید زنهار تقصیر مکنید زنهار تقصیر
مکنید مرا حلال کنید از آنچه تقصیر کردم هذا خاتم الرساله باش ره خاتم الرسال ص ع م تمام شد
بتاریخ یوم سه شنبه ۲۴ شهر ربیع الآخر سنه ۱۲۱۵



